



«ماهواره»

فصلنامه

پژوهش و سنجش

فصلنامه پژوهشی، شماره ۳۰ و ۳۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۱ - سال نهم

صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: علیرضا پویا
سر دبیر: محمدحسن شیخ‌الاسلامی
اعضای شورای علمی: دکتر حسام‌الدین آشنا، دکتر علی‌اصغر افتخاری،
دکتر اسماعیل بیابانگرد، دکتر یونس شکرخواه، احمد میرعابدینی
اعضای مدعو شورای علمی: مهندس حاجی سفیدی، دکتر مرتضی ملکی‌تبار،
دکتر عبدا نصری
مدیر اجرایی: آزاد مجیدی سرنسری
ویراستار زبانی و فنی: دکتر مهبد غفاری، سیما زریسفی
نمونه‌خوان: محمود روزبهانی
طراح روی جلد: مهران مستوفی
چکیده به انگلیسی: سیدمرتضی میرهاشمی
صفحه‌آرا و حروف‌نگار: اعظم لشکری‌نژاد
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سروش
نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، خیابان جام‌جم، ساختمان مرکزی (شیشه‌ای)،
طبقه سوم، اداره کل همکاری با مراکز علمی و هماهنگی پژوهش‌ها
صندوق پستی ۴۷۴۸-۱۹۳۹۵
پست الکترونیکی: managm@irib.com
تلفن: ۲۰۱۳۷۳۴ - ۲۱۶۶۴۵۶
دورنگار: ۲۰۱۳۷۳۴
بها: ۸۰۰۰ ریال

معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی
اداره کل همکاری با مراکز علمی و هماهنگی پژوهش‌ها

فهرست مطالب

..... ۶	سخن نخست
	گفتگوها
..... ۱۰	منع ماهواره، چرا؟ مهندس سیدعزت اضرغامی
..... ۲۴	ماهواره: ابزار سیطره تفکر تکنیکی دکتر محمد مددیپور
..... ۴۲	تأثیر برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای بر ابعاد شخصیتی مخاطبان دکتر احمدعلی نوربالا
	ماهواره: کارکردها و تأثیرها
..... ۶۱	ماهواره‌ها و گوناگونی جهانی پروفسور حمید مولانا، مترجم: محمود حقیقت‌کاشانی
..... ۸۱	تأملی در رسانه فراگیر ماهواره، هجوم اطلاعات بی‌اعتنا به مرزها علی‌اکبر قاضی‌زاده
..... ۱۰۰	فضای امنیتی رسانه دکتر علی‌اصغر افتخاری
..... ۱۳۳	ماهواره‌ها، جهانی شدن فرهنگ و بحران هویت صدیقه بیران
..... ۱۵۰	ماهواره و مخاطرات فرهنگی علیرضا پویا
..... ۱۷۰	هویت فردی و فرهنگی در عصر ماهواره و ارتباطات جهانی محمدرضا رضایی‌بایندر
..... ۱۸۳	ماهواره، جنگ و اتاق‌های نشیمن کیومرث کلهر
..... ۱۹۲	شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خبر: مخاطبان و تغییر فرایند اجتماعی دکتر امید مسعودی
..... ۲۱۳	نقدی بر رسانه‌های ماهواره‌ای با تأکید بر نقش زنان و جایگاه خانواده دکتر نسترن خواجه‌نوری

۲۲۸..... ماهواره‌ها و بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان
غلامرضا آذری

۲۵۴..... درآمدی بر کارکردهای ماهواره (با تأکید بر جنبه‌های حقوقی)
دکتر محسن اسماعیلی

۲۶۸..... ارتباطات دوربرد و توسعه ملی
رضا رشیدیان

ماهواره: چه باید کرد؟

۲۷۸..... بازخوانی نخستین پژوهش ایرانی درباره برنامه‌های ماهواره‌ای تلویزیون در آسیا
دکتر مهدی محسنیان‌راد

۳۱۳..... بررسی و نقد سیاست ماهواره‌ای ایران با تکیه بر تجربه کشورهای آسیایی
دکتر مهدی منتظرقائم

۳۳۶..... ماهواره و مسئولیت نهادهای اجتماعی
دکتر شهلا کاظمی‌پور

۳۴۷..... موانع قانونمندی پخش تلویزیونی ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل
دکتر غلامرضا رفیعی

ماهواره: فناوری نوین ارتباطی

۳۶۷..... اجمالی بر ارتباطات ماهواره‌ای
مهندس محمدناصر کرامتخواه

۴۰۹..... نگاهی بر فناوری ماهواره‌های پخش مستقیم
دکتر علی‌اصغر کیا

۴۳۰..... نگاهی اجمالی بر پروژه ماهواره ملی زهره
مهندس محمد ایزدی

ضمائم

۴۶۳..... نمایه ویژه ماهواره و رسانه
پروین حیدری و ملوک عباسی

۴۸۶..... چکیده مقاله‌های تالیفی به انگلیسی
معرفی دو کتاب به زبان انگلیسی / ژیلای چینی‌ساز

۵۱۳.....

به نام خدا

سخن نخست

ظهور فناوری‌های نوین در هر جامعه‌ای همواره تردیدها، سردرگمی‌ها و ناآرامی‌هایی را به همراه داشته است که البته تا حدی هم طبیعی است زیرا این گونه فناوری‌ها در مثل به غذای ناشناخته‌ای می‌ماند که انسان برای اولین بار، به صرف آن دعوت می‌شود. بدیهی است که اگر در چنین شرایطی نوع ترکیب و نحوه پخت و مصرف غذا نیز تازگی داشته و برای مصرف‌کننده آشنا نباشد این بی‌تصمیمی و تردید مضاعف خواهد شد. نیازی به تکرار این حقیقت نیست که امکان و میزان سرعت جذب هر محصول جدید به عوامل بسیار متنوعی از جمله ترکیبات محصول، سازگاری آن با ذائقه و دستگاه هاضمه و توانایی تغییر و انطباق مصرف‌کننده دارد.

شاید نسل جدید به خاطر نیاورد که بدیهی‌ترین ابزار و وسیله زندگی و سرگرمی خانواده‌های امروز یعنی تلویزیون، هنگام ورود به جامعه ایرانی با چه مقاومت‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد. عمده این مقاومت‌ها را دلسوزان و دغدغه‌دارانی از خود نشان می‌دادند که بر اساس تعالیم فرهنگی و به ویژه دستورات صریح مذهبی مراجع عظام تقلید وقت محتوای برنامه‌های تلویزیونی آن روزگار را مخرب فرهنگ و دین‌ستیزی می‌دانستند. البته امکان پخش برنامه‌های مفید از این جعبه جادویی هرگز انکار نشد اما از آنجا که جامعه مذهبی ما در آن روزها عمده آنچه را که پخش می‌شد مضر و حرام ارزیابی می‌کرد، تلویزیون تحریم شد و هرگز به حریم خانواده‌های مذهبی راه نیافت. تنها پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و اعلام موضع صریح معمار انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) بود که این وسیله به عنوان عضوی از خانواده با حضوری دائمی پذیرفته شد.

شرایط مشابه هنگامی روی داد که خبرهای جسته و گریخته در مورد احتمال دریافت برنامه‌های تلویزیونی با مبدأ فرامرزی متعلق به شبکه‌های ایرانی و غیرایرانی از طریق تجهیزات دریافت امواج ماهواره‌ای در سال‌های پایانی دهه شصت و سال‌های آغازین دهه هفتاد، به گوش رسید. پیش از این، ورود ویدئو به جامعه و خانواده ایرانی و آفات سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسانه در حوزه

مسائل فرهنگی، تجربه ناخوشایندی را موجب شده بود اما این بار نیز تردید و بلاتکلیفی در همه سطوح فراگیر شد. گروهی اصل خبر را نادرست پنداشتند و از امکان ناپذیری آن به لحاظ فنی و تکنولوژیک سخن گفتند، برخی با خرسندی به استقبال آن رفتند و برخی دیگر با ناخشنودی و نگرانی به انتظار آن نشستند. در این میان آنچه تا حدود زیادی مهجور ماند بررسی، تحقیق و مطالعه این پدیده از پایگاهی عینی و علمی و تا حد امکان بی طرفانه بود.

در عین حال این نگرانی‌ها خاص کشور ما و جامعه ایرانی نیست. ظهور این پدیده، در بدنه جوامع دیگر و در میان نخبگان فکری و فرهنگی و سیاسی آنان نیز دغدغه‌های مشابهی را به وجود آورده است. اندیشمندان و روشنفکران بزرگ عصر ما چه در کشورهای اسلامی و چه در آسیا، اروپا، آفریقا و حتی در سطح بسیار گسترده‌ای از داخل آمریکا، ناگزیر نسبت به این پدیده واکنش نشان داده‌اند. بررسی نسبتاً جامع آنچه از این واکنش‌ها به دست ما رسیده است، انصافاً نشان می‌دهد که جدی‌ترین و سرسختانه‌ترین مخالفت‌ها با فراگیری مهار نشده دامنه نفوذ این فناوری نوظهور از همین پایگاه ابراز و اظهار شده است، هر چند امکان استفاده سودمند از آن نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است. بررسی ادبیات موجود همچنین نشان می‌دهد با این که بیشترین نقدها در این زمینه به خصوص در بدو پیدایش، از منظر تأثیرات مثبت و منفی دسترسی آزاد به شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در حوزه مطالعات فرهنگی دیده می‌شود، در سال‌های اخیر بررسی تأثیرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی آن نیز به مباحث عمده‌ای در حوزه مطالعات رسانه‌ای بدل شده است.

موضوع بحث ما در این شماره از فصلنامه نه ماهواره به طور عام، که ماهواره‌های پخش مستقیم تلویزیونی است؛ جایگاه ماهواره‌های مخابراتی و هواشناسی، نظامی، جاسوسی و غیره در علم و اقتصاد و سیاست و امنیت جوامع بحث امروز نیست و قدمتی به مراتب بیش از پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره و تأثیرات این برنامه‌ها بر هویت فردی و اجتماعی، ارزش‌ها، توسعه، امنیت و اقتصاد ملی دارد.

ارزیابی دقیق تأثیرات عمیق ماهواره‌های پخش تلویزیونی بر ابعاد گوناگون شخصیتی، روانی و زندگی فردی و اجتماعی در جوامع گوناگون دولت‌ها را نیز به عکس‌العمل واداشته است. برخی از دولت‌ها آزادی مطلق و برخی دیگر، ممنوعیت کامل دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای را به عنوان راهبرد

اصلی برگزیده‌اند. اما عموم دولت‌ها در جستجوی راهکارهایی بوده و هستند که ضمن کنترل ابعاد نامطلوب و مخرب این فناوری، امکان استفاده از محتوای بعضاً مثبت آن را نیز فراهم آورد.

در کشور ما نیز وضعیت مشابهی دیده می‌شود. صرف‌نظر از قانون منع استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی که در جای خود و به عنوان اقدامی مقدماتی و ضروری برای کنترل فوری و موقت تأثیرات مخرب برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای حرکتی شایسته بود - اما متأسفانه با اقدامات بعدی دستگاه‌های مسئول هرگز تکمیل و بهینه نشد - ابهام‌ها و تردیدها هنوز وجود دارد و مباحث و گفتگوهای مربوط به تدوین و تنظیم قانونی جدید برای ساماندهی به این امر همچنان ادامه دارد. متأسفانه سیاسی‌کاری و منافع حزبی و گروهی نیز تا آنجا در این امر دخیل و تأثیرگذار شده است که وقتی فصلنامه پژوهش و سنجش در مورد اختصاص ویژه‌نامه‌ای به این موضوع با اساتید و کارشناسان به مشورت نشست بیشتر آنان با این امر به مخالفت ایستادند آن هم نه از این رو که ابعاد مسئله را فاقد اهمیت یا از حیث علمی نامتناسب با سطح فصلنامه تشخیص می‌دادند بلکه بیشتر از آن جهت که بحث و بررسی علمی موضوع را در فضای سیاسی و ملتهب موجود غیرممکن می‌انگاشتند و از خروج فصلنامه از مشی علمی - تحقیقی که همواره بر آن اصرار ورزیده است نگران بودند. با این همه، شورای علمی فصلنامه - که با اغتنام فرصت، از یکایک اعضای فرهیخته، دانشمند و متعهد آن صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم - پس از بحث‌های فراوان به این نتیجه رسید که با رعایت استانداردهای کیفی، طرح و تجزیه و تحلیل موضوع و ارائه دیدگاه‌های اندیشمندان علوم ارتباطی و اجتماعی کشورمان در این زمینه ضرورتی انکارناپذیر است و از همین روی این شماره از فصلنامه پژوهش و سنجش به این موضوع اختصاص یافت. با وجود این نمی‌توان انکار کرد که فضای غیرعلمی حاکم بر موضوع در جامعه بسیاری از اساتید را بر آن داشته است که طریق احتیاط در پیش گیرند. این مسئله موجب شد تا این شماره از فصلنامه با تأخیری ناخواسته فراهم آید و به ناچار شماره‌های تابستان و پاییز در یک مجلد آماده انتشار شود، که به این لحاظ در همین جا پوزش می‌طلبیم.

نظر به اهمیت بررسی موضوع از دیدگاه‌های گوناگون، گفتگوهای این شماره با سه کارشناس از سه حوزه علمی متفاوت انجام گرفته است. آقایان مهندس ضرغامی، معاون مجلس و امور استان‌های سازمان صدا و سیما، دکتر مددپور، مدیر دفتر مطالعات دینی و هنر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و عضو

هیئت علمی دانشگاه شاهد و دکتر نوربالا روان‌پزشک، استاد دانشگاه و رئیس سازمان هلال احمر دعوت ما را به گفتگو پذیرفتند که از همگی آنان سپاسگزاریم.

مقالات این شماره در سه محور اصلی تنظیم شده است. محور نخست که «ماهواره: کارکردها و تأثیرها» نام گرفته است، به بررسی کارکردها و تأثیرات مثبت و منفی ماهواره‌های پخش تلویزیونی از دیدگاه‌های متنوع فرهنگی، سیاسی، توسعه‌ای و امنیتی اختصاص یافته است، در محور دوم تحت عنوان «ماهواره: چه باید کرد؟» مجموعه‌ای از مقالات که ابعاد راهبردی این فرصت و تهدید همزمان جوامع بشری را مورد بحث قرار داده‌اند ارائه شده است و محور سوم به مقالاتی اختصاص یافته است که به معرفی ابعاد فنی و تکنولوژیک این رسانه عصر تکرر و تعامل پرداخته و ذیل عنوان «ماهواره: فناوری نوین ارتباطی» جای گرفته‌اند. همچنین دو بخش معرفی کتاب و نمایه کتب و مقالات مربوط به مبحث ماهواره در پایان این شماره تقدیم شده است که بی‌تردید مورد استفاده علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

در پایان از همه اساتید، پژوهشگران و کارشناسانی که ما را در تنظیم این ویژه‌نامه یاری کردند سپاسگزاری می‌کنیم و پیشاپیش از کاستی‌های آن پوزش می‌طلبیم و بار دیگر همه ارباب نظر را به نقد این مجموعه فرا می‌خوانیم و دست همکاری یکایک بزرگواران را صمیمانه می‌فشریم.

سردبیر

منع ماهواره، چرا؟

گفتگو با مهندس سیدعزتاً ضرغامی

معاون مجلس و امور استان‌ها

اشاره

امروزه تعارض میان سیاست‌های اعلامی و اعمالی دولت‌ها، به ویژه در حوزه فرهنگ، آشکار و به ویژه برای ملت‌های جنوب، تهدیدکننده و مخرب است. این تناقض و تعارض سرانجام تا آنجا به چشم آمده است که جنوب در مقابل شعار «جریان آزاد اطلاعات» که از سوی کشورهای شمال تبلیغ می‌شود، بحث «جریان آزاد و متعادل اطلاعات» را مطرح کرده است. از سوی دیگر، رسانه‌های فرامرزی از جمله ماهواره با خصوصیات فنی آن، از دیدگاه کارشناسان امور فرهنگی در جنوب به عنوان مخرب‌ترین عامل فرهنگ‌های بومی روزگار ما شناخته شده و گسترش آن عکس‌العمل‌های فراوانی به همراه داشته است. یکی از کارشناسانی که از ابتدای طرح این بحث در کشور ما خواه از موضع کارشناسی و خواه از موضع سیاسی و رسمی، همواره با آزادی و دسترسی بی‌قید و شرط به ماهواره اعلام مخالفت کرده است، آقای مهندس عزتاً ضرغامی، معاون امور مجلس و استان‌های سازمان صدا و سیماست. مطالعات پیگیر، بررسی‌های مقایسه‌ای و مطالعه آثار استفاده آزاد از ماهواره در کشورهای دیگر، تجربیات عملی طولانی و دست‌اندرکار بودن ایشان در مسئله ماهواره از موضع معاونت پارلمانی و سینمایی وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهش و سنجش را بر آن داشت تا تجربیات ارزشمند ایشان را در چهارچوب گفتگویی در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان قرار دهد.

○ پژوهش و سنجش: جناب آقای ضرغامی، ضمن تشکر از فرصتی که عنایت فرمودید؛ با توجه به تجربه طولانی حضرتعالی در مباحث مرتبط به سیاستگذاری امور ماهواره در کشورمان، به عنوان سؤال اول لطفاً بفرمائید اصولاً فلسفه تصویب قانون ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای چه بوده و نظر شما در این باره چیست؟

● آقای مهندس ضرغامی: هفت سال پیش با همکاری صمیمانه مجلس چهارم و مسئولان فرهنگی کشور و پس از مطالعات و بررسی‌های فراوان کارشناسی، قانون «ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای» به تصویب رسید. تصویب این قانون - به رغم همه کاستی‌های آن در اجرا - نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از شیوع و رواج قارچ گونه پدیده‌ای داشت که می‌رفت تا در زمانی اندک، مانند میهمانی ناخوانده و غریبه‌ای شوم، کانون گرم و پرعاطفه خانواده‌های اصیل ایرانی را مورد تهدید جدی قرار دهد. در آن سال‌ها، بعضی مطبوعات با درج مقالاتی در زمینه پیشرفت سریع علم و فناوری و طرح تز «دهکده جهانی» پیش‌بینی می‌کردند که به زودی ورود آنتن‌های بسیار کوچک و قابل نصب در پشت پرده و پنجره اتاق و قابل تعبیه در تلویزیون امکان هر گونه مقابله با این پدیده مخرب را غیرممکن خواهد کرد، در حالی که امروزه پس از گذشت ۷ سال از آن پیشگویی‌ها مشاهده می‌کنیم که اوضاع فناورانه حداقل به آن سرعتی که ادعا می‌شد، تغییر نکرده است. ضمن این که هر گونه پیشرفتی را هم در آینده نفی نمی‌کنیم، معتقدیم که ادله فراوان و براهین محکم عقلی و منطقی ما در این «ممنوعیت» و به تعبیر دقیق‌تر «مصونیت» به قوت خود باقی است و باقی خواهد ماند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» را از جمله وظایف جمهوری اسلامی می‌داند.

دولت برای نیل به اهداف ذکر شده در اصل دوم قانون اساسی موظف است به موازات فعالیت‌ها و تلاش‌های اثباتی و آگاهی‌دادن به توده‌ها و نسل جوان، تا سر حد امکان با مظاهر فساد و تباهی که مانع اصلی روند تکاملی جامعه اسلامی به سمت رشد ارزش‌های انسانی و الهی است، مبارزه کند. امروز بر کسی پوشیده نیست که محتوای اکثر برنامه‌های ماهواره‌ای از مصادیق فساد و تباهی و مانع بزرگ رشد و تعالی جامعه انسانی است. طرح مسئله «استفاده صاحب‌نظران و دانش‌گرایان در امور مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و از ماهواره»، که از جمله استدلالات موافقان آزادسازی ماهواره بوده است،

استدلال کهنه و نخ‌نما شده‌ای است که بارها پاسخ آن داده شده است. امروزه استفاده از آخرین فناوری‌های ارتباطی و شاهره‌های اطلاع‌رسانی به صورت چند رسانه‌ای (multi media) با ویژگی‌های «کارآمدی» از قبیل همزمانی، قابلیت جستجو، ثبت و ضبط، صرفه‌جویی در وقت و دقت فوق‌العاده و از طریق صوت، تصویر و متن، برای دانشگاهیان و افراد تحصیلکرده جامعه ما امری نسبتاً رایج تلقی می‌شود. استفاده از اینترنت و صدور کارت اشتراک برای مراکز دولتی و نیمه خصوصی که به لحاظ علمی، اقتصادی، فرهنگی و احتیاج به فایل‌های اطلاعاتی آن دارند، به راحتی از سوی دستگاه‌های مربوطه صادر می‌شود. به قول معروف، استفاده از تلویزیون و یا ماهواره با ویژگی انفعالی (passive) باعث

اتلاف وقت می‌شود، در حالی که استفاده از فایل رایانه‌ای که متقاضی آن را با دقت انتخاب می‌کند، اثباتی، فعال (active) و کارآمد است.

بحث‌های کنترلی در خصوص اینترنت و ضرورت آن و قابلیت‌های خوبی که در این خصوص وجود دارد به نوبه خود بحث مفصل و لازمی است که بنده به طور جدی به آن معتقدم و در صورت لزوم به آن خواهیم پرداخت. اما با

همین توضیح مختصر، روشن است که مقایسه این امکان - که در حال حاضر در تمام دانشگاه‌ها و مراکز علمی برای تحصیلکردگان جامعه فراهم است - با گیرنده‌های ماهواره‌ای که از طریق آن عامه مردم به ویژه نوجوانان کم سن و سال با فشار یک دکمه هزاران تصویر مبتذل و مستهجن را در مقابل دیدگان خود می‌بینند، تا چه اندازه عوامانه است.

○ یکی از بحث‌های بسیار رایج و اشکال‌های مطرح شده در مسئله ماهواره این است که علی‌رغم تصویب و اجرای قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای، نهادهای ذی‌ربط در اجرای آن موفق نبوده‌اند و بنابراین، این قانون، فلسفه وجودی خود را از دست داده است. به عبارت دیگر ممنوعیت ماهواره دلیل بر فقدان آن در جامعه و استفاده مردم از آن نیست، پس به جای اعمال زور و ایجاد ممنوعیت باید چاره دیگری اندیشید. نظر شما چیست؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
«ایجاد محیط مساعد برای رشد ضایع افراشی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» را از جمله وظایف جمهوری اسلامی می‌داند.

● ضمن دعوت علاقه‌مندان به استفاده از بیانات بسیار روشنگر استاد شهید مرتضی مطهری در خصوص «ضرورت غربال فکری» در جامعه توسط رهبران آن، از طراحان این شبهه می‌پرسیم که آیا استفاده یک اقلیت در جامعه از اموری که در قانون و شرع منع شده است، دلیل بر حقانیت آن موضوع و یا وجود اشتباه در اصل قانونگذاری مربوطه است؟ آیا اگر همواره در جامعه، گرایش به مواد مخدر و مشروبات الکلی و دیگر امور مضر به حال فرد و اجتماع در سطح محدودی وجود دارد، دلیل بر این است که در قانون نباید منعی برای آن قائل شویم؟ و آیا دستگاه‌های قضایی و انتظامی ما در مقابل این منکرات فقط با توجیه این مسئله که اصل بر کار «فرهنگی» و «آگاهی دادن به مردم» است باید وظیفه خود را فراموش کنند؟ اصولاً «ظاهر جامعه اسلامی» که در ایجاد فضای سالم و پاک برای رشد و تعالی جامعه و نسل جوان اهمیت حیاتی دارد، چگونه با این طرز فکر قابل جمع است؟

در نقد قانون قبلی، عدم توانایی نیروی انتظامی در اجرا و اذعان مسئولان محترم این نیرو در این زمینه را از مهم‌ترین دلایل ارائه طرح جدید برشمرده‌اند. علی‌رغم ارادتی که به پرسنل شریف و خدوم نیروی انتظامی داشته و همواره مدافع مظلومیت آنان به خصوص در سال‌های اخیر بوده‌ام، لازم می‌دانم جهت تفکیک سره از ناسره مختصر سؤالاتی را در این خصوص مطرح کنم. به نقل از مسئولان نیروی انتظامی گفته شد، در حال حاضر ۳ میلیون گیرنده ماهواره در کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد که نیروی انتظامی فقط هفتاد هزار مورد آن را جمع‌آوری کرده است. آیا ارقام فوق مورد تأیید نیرو است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه مشکلاتی بر سر راه انجام مأموریت قانونی نیرو وجود داشته و به کدام مرجع ذی‌صلاح منعکس شده است؟ با تصویب قانون جدید و نصب آنتن‌های فراوان قانونی! در ساختمان‌ها و منازل مسکونی، آیا وظیفه نیرو در شناسایی و تفکیک این آنتن‌ها و تشخیص آنتن‌های غیرقانونی و ضبط و جمع‌آوری آنها ساده‌تر خواهد شد؟ علاوه بر این که قرار است عده‌ای خاص تحت عنوان افراد حقیقی نیز از آنتن‌های آزاد ماهواره استفاده کنند. دیدگاه روشن نیروی محترم انتظامی در مقام مقایسه دو قانون به لحاظ سهولت و غایت‌های اجرایی برای نیرو چیست؟ با توجه به این که علی‌رغم تصویب قانون جدید، هیچ‌گونه تضمینی برای دفاع همه جانبه از اقدامات قانونی نیروی انتظامی در جمع‌آوری آنتن‌های غیرمجاز وجود نخواهد داشت، نظر مسئولان محترم نیرو با توجه به تجارب قبلی چیست؟ در ماه‌های اخیر، نیروی انتظامی اعلام کرد که فقط با ابلاغ کتبی قبلی اقدام به ضبط گیرنده‌های غیرقانونی ماهواره‌ها خواهد کرد. علی‌رغم ظاهر دموکراتیک و البته غیرقانونی این ابلاغیه که به نظر می‌رسد جز

ایجاد حاشیه امنیت برای متخلفان فایده دیگری نداشته است، نیروی انتظامی تا این تاریخ چند اختطاریه به متخلفان مزبور صادر کرده و نتیجه آن چه بوده است؟

به نظر می‌رسد با تبلیغات سوء و گسترده از هم اکنون عده‌ای در صدد اشاعه و گسترش استفاده غیرقانونی از گیرنده‌های ماهواره‌ای - حتی در بعضی اماکن نیمه عمومی - جهت جذب بیشتر مشتری هستند. مماشات، سهل‌انگاری و غفلت در این خصوص در پیشگاه خدا و خون پاک شهدا پذیرفتنی نیست. بنابراین ضمن تأیید ضرورت یافتن راهکارهای تکمیلی برای قانون موجود، اصل این شبهه را وارد نمی‌دانم.

○ به عنوان یک پرسش ضمنی، آیا تصور نمی‌کنید استفاده از ساز و کارهای حقوق بین‌المللی در کنار اقدامات داخلی به این منظور، باید جدی‌تر گرفته شود؟

● بله، لازم است. البته بررسی حقوقی ارسال امواج ماهواره‌ای و مقابله با توطئه‌های دهه‌های اخیر استکبار، سابقه‌ای طولانی در دنیا دارد؛ از اکتبر سال ۱۹۵۷ که اسپوتنیک شوروی به فضا پرتاب شد، مباحث حقوقی ماهواره‌های ارتباطی و مرزهای فضایی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در سال ۱۹۷۲، در هفدهمین اجلاسیه حقوق بشر، اصول کاربرد حقوقی ماهواره، پخش مستقیم و گسترش آموزش و فرهنگ - که در ظاهر مخالف اصل ۱۹ حقوق بشر بود - مورد تصویب قرار گرفت و در دسامبر ۱۹۸۲، با اکثریت قاطع مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قانون «ضرورت جلب رضایت کشورهای دریافت‌کننده برنامه‌ها» به تصویب رسید که به علت رأی منفی چند کشور غربی، ضمانت اجرایی پیدا نکرد. سال ۱۹۸۹ به فاصله هشت ماه، دو عهدنامه در اروپا، با هدف حفظ هویت فرهنگی منعقد شد. اتحادیه «تلویزیون‌های فرامرزی» مرکب از ۲۳ کشور و سپس اتحادیه «تلویزیون‌های بدون مرز» در ۱۲ کشور اروپایی ایجاد شد.

از جمله تصمیمات و مصوبات اتحادیه اخیر، محدودیت در آگهی‌های تجارتي، اولویت برنامه‌های ملی نسبت به برنامه‌های امریکایی و همچنین تولید برنامه‌های ویژه در حمایت از کودکان و نوجوانان - آسیب‌پذیرترین قشر - بود که همگی اقدامات مؤثری در مقابل هجوم بی‌امان فرهنگ منحط امریکایی به حساب می‌آید.

همچنین تهدیدات علیه حاکمیت ملی، استقلال اقتصادی و حفظ هویت فرهنگی از جمله اصول «اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور» (ITU) مورد تأکید قرار گرفت.

ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی کشورها (مصوب ۱۹۶۶) به عنوان یکی از بهترین مستندات حقوق بین‌الملل، در برخورد با تجاوزات فضایی و ارسال امواج مخرب مورد توجه و تأکید قرار گرفت. امروز هم جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر همین اصل نوزدهم و با اطلاع از سیر تاریخی برخوردهای بین‌المللی با این تجاوز آشکار فرهنگی می‌تواند اقدامات جدی در زمینه حقوق بین‌الملل به عمل آورد. همچنان که این مسئولیت در قانون مصوب مجلس شورای اسلامی نیز مورد تصریح قرار گرفته است.

امروز جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصل نوزدهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی کشورها و با اطلاع از سیر تاریخی برخوردهای بین‌المللی با این تجاوز آشکار فرهنگی می‌تواند اقدامات جدی در زمینه مقابله با پدیده پخش تلویزیونی ماهواره‌ای با استفاده از ابزارهای حقوقی بین‌المللی به عمل آورد.

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید: «(خانواده) واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده

که زمینه‌ساز حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات برای نیل به این مقصود، از وظایف حکومت اسلامی است». متأسفانه در سال‌های ۷۲ و ۷۳ که جامعه ما با یک خلأ قانونی در زمینه گیرنده‌های ماهواره‌ای مواجه بود، فرصت‌طلبان و مال‌اندوزان با برنامه‌ریزی حساب شده، استفاده از این گیرنده‌ها را در سطح وسیعی رواج دادند. ناآگاهی بعضی از خانواده‌های متدین و پایبند به معنویات، باعث شد تا این ابزار مخرب و شیطنی، حتی به درون خانه آنان نیز راه یابد؛ به بهانه مسابقات جام جهانی فوتبال و یا آموزش زبان انگلیسی و پذیرای این میهمان ناخوانده شدند. اما به سرعت دریافتند به واسطه آنچه کاشته‌اند باید طوفان درو کنند. بسیاری از این خانواده‌ها خود رأساً اقدام به جمع‌آوری آنتن‌ها کردند و این در حالی بود که به شدت نسبت به عملکرد مسئولان کشور به جهت بی‌تفاوتی در انجام رسالت و مسئولیت اجتماعی‌شان، معترض بودند.

با این همه، نمی‌توان منتظر راهکارهایی شد که حقوق بین‌الملل در آینده فرا راه ما قرار خواهد داد. امروزه به عهده همه دستگاه‌های فرهنگی، قضایی و انتظامی است که با همفکری و اشتراک مساعی کارآمد و به دور از هر گونه سلیقه سیاسی و فکری و یا خدای نکرده انگیزه‌های غیرالهی، با نیت حفظ

پاکی و طهارت فضای فرهنگی جمهوری اسلامی، دست در دست هم با این گونه پدیده‌های نامیوم که سوغات تمدن غرب است، مبارزه کرده و راه را برای رشد و تعالی جامعه اسلامی هموار کنند.

○ مطلع شدیم که اخیراً هیئتی متشکل از نمایندگان مجلس و دستگاه‌های ذی‌ربط در امر ماهواره، به منظور بررسی نحوه برخورد کشورهای دیگر با تأثیرات مثبت و منفی این پدیده، عازم برخی کشورهای آسیایی شده‌اند که حضرتعالی نیز در این هیئت حضور فعال و مؤثر داشته‌اید. مطمئناً بیان دستاوردهای این سفر حاوی نکات مهم و ارزشمندی برای مخاطبان نشریه است. لطفاً در این باره توضیحاتی را مرحمت فرمائید.

● به منظور کسب تجربه و جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در مورد نحوه صحیح استفاده از تجهیزات ماهواره، کمیسیون فرهنگی مجلس تصمیم گرفت تا هیئتی متشکل از نمایندگان محترم و کارشناسان دستگاه‌های دولتی را به چند کشور آسیایی جنوب شرقی اعزام کند. در این زمینه، هیئتی ۹ نفره به مدت دو هفته عازم کشورهای سنگاپور، تایلند، مالزی و اندونزی شد. سفر فوق، مأموریتی مفید، با دستاوردهای ارزشمند ارزیابی می‌شود. در این سفر بسیاری از مراکز رسانه‌ای و فرهنگی مورد بازدید قرار گرفت و جلسات مفصل کارشناسی با گروه‌های مختلف و ده‌ها شخصیت برجسته و ذی‌ربط برگزار شد. از آن جهت که انجام این مأموریت با هزینه بیت‌المال صورت گرفته است و نتایج و استفاده‌های آن باید به نوعی در معرض افکار عمومی قرار گیرد وظیفه خود می‌دانم که نکاتی را در این خصوص به عرض برسانم.

برای مثال، در سنگاپور استفاده از گیرنده‌های ماهواره به کلی ممنوع است و استفاده‌کنندگان از ماهواره با مبالغ سنگینی مجازات می‌شوند. این قانون به طور کامل توسط شهروندان رعایت می‌شود و دستگاه‌های انتظامی و قضایی با جدیت آن را اجرا می‌کنند. سنگاپور از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای دنیاست و از لحاظ درآمد سرانه مقام دوم آسیا را دارد. بر این کشور ساحلی و نوپا به دلایل خاص بافت و ترکیب جمعیتی، هیچ گونه باور دینی و مذهبی تسلط ندارد. با توجه به فرهنگ مدرن حاکم بر این جامعه و بهره‌برداری از فناوری‌های جدید در پیشرفته‌ترین انواع آن و همچنین ارتباطات وسیع تجاری و اقتصادی با اقصی نقاط دنیا، ممنوعیت مطلق استفاده از ماهواره برای اعضای هیئت فوق‌العاده حیرت‌آور

بود. وزیر اطلاعات و هنر سنگاپور در توجیه قانون ممنوعیت استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای در این کشور با بیان لزوم حفظ و صیانت فرهنگ و هویت ملی خود، تصاویر و برنامه‌های ماهواره‌ای را ناپودکننده این هویت دانست و با صراحت از قوانین چهارگانه سانسور در عرصه‌های مختلف سخن گفت و رسماً به صورت مکتوب قوانین مربوطه را به هیئت ایرانی تسلیم کرد. متعاقب آن، کارشناسان نیز طی یک جلسه طولانی و فوق‌العاده مفید و آموزنده، جزئیات قوانین سانسور و حراست از هویت فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی جامعه خود را برای ما تشریح کردند.

این در حالی است که فرهنگ و شناسنامه کشور سنگاپور که بیش از چند دهه از عمر آن نمی‌گذرد، با فرهنگ کهن و ملی ایران قابل مقایسه نیست و به عبارت دیگر وظیفه ما در حفاظت از فرهنگ و هویت خودی بسیار سنگین‌تر است. یکی از اعضای هیئت از وزیر سؤال کرد: آیا مردم شما با سختگیری‌ها و ممنوعیت‌ها مخالف نیستند؟ او در پاسخ گفت: «در نظرسنجی به عمل آمده ۸۵ درصد مردم با معیارهای فعلی سانسور و کنترل موافقت، ۵ درصد خواهان آزادی بیشتر و ۱۰ درصد خواهان اعمال کنترل‌های شدیدتر هستند. این نشان می‌دهد که ما درست عمل

با تهیه به بافت و ترکیب جمعیتی خاص کشور سنگاپور. عدم تسلط باورهای مذهبی و دینی، فرهنگ مدرن حاکم، بهره‌برداری از فناوری‌های جدید در پیشرفته‌ترین انواع آن و ارتباطات وسیع تجاری و اقتصادی با اقصی نقاط دنیا ممنوعیت مطلق استفاده از ماهواره در این کشور برای اعضای هیئت ایرانی حقوق‌العاده میرت‌آور بود.

کرده‌ایم». وزیر اطلاعات و هنر سنگاپور از اعمال محدودیت شدید در زمینه انتشارات، روزنامه‌ها، اینترنت، فیلم و ماهواره در این کشور سخن گفت و گزارشی از کور کردن ده‌ها سایت غیراخلاقی اینترنت در سنگاپور ارائه کرد. وی همچنین یادآور شد که شما هم می‌توانید با استفاده از تجربیات ما و عقد قرارداد با شرکت‌های خصوصی در این زمینه جلوی بسیاری از سایت‌های غیراخلاقی و مخرب را بگیرید. نکته بسیار مهم و قابل توجه در اظهارنظرهای وزیر این بود که: «قوانین در ده سال گذشته این قدر شدید و محکم نبود، نوع تولیدات ماهواره‌ای، سایت‌های غیراخلاقی و فیلم‌های مستهجن سال‌های اخیر باعث شد تا کنترل را شدیدتر کنیم و این خواست عمومی بود».

کشور تایلند، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی برای مردم ما کشور شناخته شده‌ای است. تا همین چند سال پیش سفر اتباع ایرانی به لحاظ فضای غیراخلاقی حاکم بر این کشور به کلی ممنوع بود و وزارت

خارجه جمهوری اسلامی هیچ گونه روادیدی را در این زمینه صادر نمی‌کرد. در این کشور استفاده از گیرنده‌های ماهواره‌ای آزاد است. با این توضیح که ماهواره مسلط بر آسیای جنوب شرقی (ASIA SAT) به نسبت ماهواره اروپایی (HOT-BIRD) که فضای جمهوری اسلامی را می‌پوشاند، دارای تفاوت‌های فراوانی به لحاظ محتوا است. برای مثال، شبکه‌های مستقیم «پورنوگرافی» بر روی این ماهواره وجود ندارد و فیلم‌های سینمایی، بیشتر سانسور می‌شوند. با وجود این، مسئولان مختلف فرهنگی و رسانه‌ای تایلند به طور جدی بر ضرورت کنترل کالاهای فرهنگی و کانال‌های ماهواره‌ای تأکید کرده و مدعی بودند با سرمایه‌گذاری انجام شده بر روی سیستم «تلویزیون کابلی» و رعایت بسیاری از مسائل اخلاقی و فرهنگی در این زمینه توانسته‌اند علاقه کاربران ماهواره را به سمت استفاده از این سیستم سوق دهند. آنها معتقد بودند با ایجاد تنوع و جذابیت فرهنگی در سیستم کابلی و برقراری سیستم UHF در سیگنال‌رسانی و تولید برنامه‌های موجه در این خصوص، تا حد زیادی در کنترل امواج مخرب ماهواره‌ای موفق بوده‌اند. اما آنچه کاملاً واضح و قابل توجه به نظر می‌رسید، جدیت و عزم راسخ آنان در کنترل هر چه بیشتر امواج مخرب ماهواره‌ای و حفظ و صیانت از جامعه خود در برخورد با این پدیده شوم و نابودکننده بود.

در کشور مالزی، استفاده آزاد از آنتن‌های ماهواره ممنوع است و متخلفان به مبلغ ۲۵ هزار دلار جریمه می‌شوند. در این کشور نیز مانند سنگاپور، شهروندان به طور کامل قانون را رعایت کرده و دستگاه‌های انتظامی و قضایی به طور جدی وظیفه قانونی خود را انجام می‌دهند. سیاستگذاران و مسئولان مالزی در کنار اعمال این ممنوعیت با سرمایه‌گذاری بر روی نصب دو ماهواره اختصاصی در فضای این کشور امکان استفاده از برنامه‌های پالایش شده ماهواره‌ای را برای مردم فراهم آورده‌اند. در همین خصوص، با تأسیس شرکت (ASTRA) و حدود ۲۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، تعدادی از کانال‌های عمومی ماهواره‌ای را دریافت کرده و پس از سانسور بخش‌هایی از آن، برنامه‌های پالایش شده را به سمت ماهواره اختصاصی خود انتقال می‌دهند که این ماهواره اختصاصی نیز مجدداً تصاویر را برای شهروندان مالزیایی ارسال می‌کند. روشن است که سیستم مالزی بر مسئله «بازپخش» استوار است و این هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ کنترل محتوایی قابل توجیه است.

در کشور اندونزی که از لحاظ جغرافیایی متشکل از ۱۷۰۰۰ جزیره است، به طور کلی امکان سیگنال‌رسانی از طریق ایستگاه زمینی وجود ندارد و مسئولان مختلف فنی و رسانه‌ای این کشور استفاده

از سیستم ماهواره را مناسب‌ترین، اقتصادی‌ترین و عملی‌ترین سیستم برای فعالیت‌های رادیو و تلویزیون کشورشان می‌دانند. از این رو استفاده از ماهواره در این کشور آزاد است اما مهم و قابل توجه این است که به دلیل همین آزادی‌ها و همچنین سیاست تساهل و تسامح فرهنگی حاکم بر این کشور پس از سقوط حکومت قبلی، ناهنجاری‌ها و مشکلات فراوان فرهنگی و اخلاقی جامعه اندونزی را به شدت تهدید کرده و به سمت نابودی سوق داده است. اعترافات مسئولان بلند پایه این کشور حاکی از این واقعیت تلخ است. جالب توجه این که وزارت ارتباطات پس از حاکمیت اصلاح‌طلبان به عنوان یک وزارتخانه مزاحم منحل، اما پس از هرج و مرج وسیع فرهنگی و اجتماعی مجدداً احیا شده بود. در زمان دیدار ما، وزیر ارتباطات چند ماهی بود که مسئولیت وزارتخانه بازسازی شده را پذیرفته بود. او تأکید کرد که با همکاری مجلس اندونزی مشغول قانونمند کردن مجدد فعالیت‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی است و دستورالعمل‌ها و قوانین جدید را به زودی اعلام خواهند کرد. نکته جالب‌تر این که مگاواتی رئیس‌جمهور فعلی این کشور که از جمله اصلاح‌طلبان شمرده می‌شود هدایت جدی برنامه‌های کنترل‌کننده رسانه‌ای را بر عهده دارد و به همین دلیل نیز از طرف برخی مخالفان در عرصه مطبوعات به شدت مورد انتقاد است. جمع‌بندی هیئت اعزامی ایرانی از یافته‌های خود در کشورهای فوق، قطع نظر از آزادی و یا ممنوعیت ماهواره، جدیت و عزم راسخ مسئولان فرهنگی و سیاسی این کشورها در کنترل تهاجمات مخرب رسانه‌ای و اعمال جدی محدودیت‌ها و اجرای قوانین و دستورالعمل‌های ویژه برای مبارزه با پدیده مخرب تهاجم فرهنگی بود که به اعتقاد آنان عمدتاً از طریق ماهواره اعمال می‌شود.

○ آیا نمی‌توان دریافت‌کننده خاصی را طراحی و تولید کرد و به متقاضیان فروخت؟ دستگاهی که بتواند کانال‌های معرفی و تأیید شده را دریافت کند و در عین حال قدرت دریافت دیگر کانال‌های ماهواره‌ای ممنوعه را نداشته باشد؟

● تحقق چنین امری به اعتقاد همه کارشناسان فنی و مخابراتی محال است و دلیل آن هم بسیار روشن است، چرا که با تغییر و جا به جایی دائمی فرکانس‌های ارسالی ماهواره‌ای، به راحتی یک شبکه غیرمجاز می‌تواند جایگزین شبکه مجاز معرفی شده شود و برعکس. نتیجه این جا به جایی هم مشخص است. مردم یا ترجیح می‌دهند شبکه‌های مبتذل و مخرب جایگزین شده را به عنوان ارمغان جمهوری اسلامی

تحمل کنند و یا میلیون‌ها «رسیور» را برای اصلاح و کدگذاری مجدد به مرجع دولتی فروشنده عودت دهند! البته با توجه به مبالغی که در قبال این خدمات از مردم اخذ می‌شود میزان نارضایتی عمومی هم قابل تصور است، ضمن این که با توجه به اطلاعات و شناختی که در حال حاضر از شبکه‌های ماهواره‌ای وجود دارد، کانالی با مشخصات فوق وجود ندارد. امروز حتی در شبکه‌های خبری، علمی و ورزشی نیز به بهانه‌های مختلف و در میان برنامه‌های تولیدی، تصاویر مبتذل و منحرف‌کننده را به میزان فراوان پخش می‌کنند. در برنامه آگهی‌های تجارتي که در همه شبکه‌ها وجود دارد، به بهانه معرفی صابون، شامپو،

کرم‌های زیبایی و بهداشتی، لوازم آرایشی، مشروبات الکلی و حتی تنقلاتی از قبیل شکلات و چیپس و آدامس از تصاویر زنان برهنه با حرفه‌ای‌ترین شیوه‌های «اروتیکی» استفاده ابزاری می‌شود. البته موارد بسیار نادری از جمله «اقرأ» عربستان که برنامه‌های قرآنی پخش می‌کند، می‌تواند مصداق این مصوبه قرار گیرد اما به نظر می‌رسد که کاربران فعلی ماهواره با هدف استفاده از برنامه‌های قرآنی از ماهواره استفاده نمی‌کنند. حتی کانال‌های خبری و علمی

تقسیم‌بندی شهروندان به درجات مختلف، گزینشی عمل کردن بین آنان و تفاوت قائل شدن بین صلاحیت‌های کاربران ماهواره. اهانتی آشکار به جامعه و عموم مردم است.

نیز صرف نظر از وجود برنامه‌ها و تصاویر مبتذل، بدون شک از جذابیت لازم برای عامه مردم برخوردار نیستند و در مقابل استفاده از برنامه‌های فیلم و سریال، مسابقات ورزشی، برنامه‌های تفریحی، طنز و از عوامل اصلی مراجعه به ماهواره برای مخاطبان عمومی آن است. بنابراین عملاً این پیشنهاد فاقد هر گونه کارایی محتوایی و قابلیت اجرایی است.

○ نظر شما در مورد امکان استفاده بدون محدودیت برخی شخصیت‌های حقیقی از ماهواره - که به تازگی پیشنهاد شده است - چیست؟

● سؤال این است که این افراد چه کسانی هستند و نسبت به عامه مردم از چه برتری و یا سلامت اخلاقی بیشتری برخوردارند که مجاز به استفاده آزاد از ماهواره‌اند. برای مثال، نیاز نمایندگان محترم مجلس که در کمیسیون فرهنگی مطرح شد و یا نیاز بعضی اقشار خاص مانند اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها یا هنرمندان می‌تواند دلیل بر آزادی اقشار خاص باشد؟ آیا می‌توان گفت یک استاد دانشگاه

صلاحیت لازم را برای استفاده از ماهواره دارد اما یک معلم چنین صلاحیتی ندارد؟ آیا صلاحیتی را که نمایندگان مجلس و دولتمردان دارند شخصیت‌های فرهنگی و پژوهشگرانی که به صورت مستقل فعالیت می‌کنند ندارند؟ آیا هنرمندان صلاحیت داشته اما ورزشکاران، نویسندگان و اصحاب مطبوعات و صلاحیت ندارند؟ آیا دانشجویان، دانش‌آموزان، تجار، کسبه، فعالان سیاسی و با توضیحاتی از این دست نیازی به استفاده از ماهواره ندارند؟ با این فرض دولت چگونه می‌تواند پاسخگوی میلیون‌ها تقاضایی باشد که هر کدام به نحوی برای استفاده آزاد از ماهواره توجیهاتی دارند. متأسفانه هیچ گونه تصریحی در خصوص ویژگی‌های این افراد نشده و در آینده نزدیک، چالش بزرگی برای دولت به وجود خواهد آمد. از این گذشته، تقسیم‌بندی شهروندان به درجات مختلف، گزینشی عمل کردن بین آنان و تفاوت بین صلاحیت‌های کاربران اهانتی آشکار به جامعه و عموم مردم است. با اخبار و شواهدی که موجود است به نظر می‌رسد افراد خاصی که عمدتاً از مدیران و مسئولان کشور هستند متقاضی استفاده آزاد از ماهواره‌اند. نصب آنتن‌های مربوط بر بام‌های منازل آقایان می‌تواند سوء تفاهات و بدبینی‌های فراوانی را ایجاد کرده و فاصله بین دولتمردان و عامه مردم را بیشتر کند. اگر ماهواره مبتدل و مخرب است و استفاده‌کنندگان غیرمجاز از آن باید مورد مجازات قرار گیرند - همان گونه که در همین قانون جدید نیز تصریح شده است - باید آن را محترم شمرده و راه را برای خواص باز نکنیم.

○ ایرادهای عمده وارد بر طرح جدید مجلس در خصوص ماهواره از نظر جنابعالی چیست؟

● اولاً شالوده این طرح مبتنی بر طرحی است که وزارت پست و تلگراف و تلفن باید ظرف مدت ۶ ماه ارائه دهد. بر اساس این طرح، تجهیزات خاص دریافت از ماهواره باید به گونه‌ای طراحی و تولید شود که فقط کانال‌های خاصی را دریافت کند و نسبت به دریافت کانال‌های متفرقه دیگر بسته باشد. به اعتقاد صاحب‌نظران فنی، انجام چنین امری با توجه به تغییرات دائمی فرکانس‌های ارسال تصاویر ماهواره‌ای محال است.

ثانیاً انتخاب کانال‌های ماهواره‌ای مناسب و مفید که هم مورد علاقه عامه مردم بوده و هم بدون پالایش - با توجه به دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی مردم ایران - مستقیماً در اختیار کاربران قرار گیرد، در شرایط فعلی کانال‌های ماهواره‌ای دنیا، تقریباً محال و غیرممکن است، چرا که برنامه‌های بسیار خاص

مذهبی، آموزشی، علمی و سیاسی صرف - که حتی آنها هم به بهانه‌های مختلف مانند پخش آگهی‌های تجارتنی خالی از صحنه‌های زنده و مبتدل نیستند - درصد بسیار ناچیزی از علائق استفاده‌کنندگان را در بر می‌گیرند و تقریباً به لحاظ آماری مساوی با صفر هستند. تماشای برنامه‌های فیلم، سریال، مسابقات ورزشی، دیدنی‌های مفرح و عمده موضوعاتی است که مورد علاقه مردم است اما متأسفانه در حال حاضر، تصاویر بسیار مبتدل پورنوگرافی به بهانه‌های مختلف در لابه‌لای بسیاری از موضوعات فوق وجود دارد. این موضوع مستقل از شبکه‌های خاصی است که فقط به موضوعات «پورنوگرافی» می‌پردازند.

ثالثاً با توجه به این که دستگاه «رسیور»، دستگاه کوچکی است که در داخل اتاق و در محیط بسته و کاملاً خارج از دید نصب می‌شود به راحتی می‌توان «رسیور» هدایی! وزارت پست و تلگراف و تلفن را با «رسیور» عادی تعویض کرده و کلیه کانال‌های مورد نیاز را دریافت کرد. این به آن معناست که این قانون عملاً ضمانت اجرا ندارد، به ویژه آن که دیش‌های قانونی و دیش‌های غیرقانونی افراد مختلف به نحوی با هم اختلاط پیدا خواهند کرد و تفکیک آنها از یکدیگر

**طراحان محترم این قانون صرفاً نظر از
بیملاقگی نسبت به پالایش تصویرهای
ماهواره‌ای. برای آن که با مشکل قانون
اساسی یعنی وظیفه صریح صدا و سیما در
ارسال امواج رادیویی و تصویری مواجه نشوند.
به طور کلی الگوی مالزی را زیر پا گذاشته و
طریقه مفشوش، غیرقابل اجرا و متناقض را
تنظیم و تصویب کرده‌اند.**

غیرممکن خواهد شد. در این شرایط، نیروی انتظامی نیز مرتب به عنوان مزاحم جدی آسایش مردم مورد نقد قرار خواهد گرفت. ضمن این که با توجه به تعویض «رسیور»ها در داخل منزل عملاً امکان جمع‌آوری موارد غیرقانونی به صفر خواهد رسید. مقامات عالی وزارت پست و تلگراف و تلفن در گفتگو با اینجانب تصریح کردند منظورشان از همکاری در این قانون، همان الگویی است که در مالزی وجود دارد اما علی‌رغم ایراداتی که به الگوی فوق نیز وجود دارد، متأسفانه باید اذعان کرد که طرح تصویبی مجلس به هیچ وجه بر اساس الگوی مزبور نیست. چرا که در آن الگو؛ شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای در یک سازمان خاص (ASTRA) دریافت و بعد از پالایش به سمت ماهواره‌های خاص ارسال شده و مجدداً از سوی آن ماهواره خاص به صورت امواج تصویری پخش می‌شود (بازپخش). طراحان محترم این قانون صرفاً نظر از بی‌علاقگی نسبت به پالایش تصویرهای ماهواره‌ای، برای آن که با مشکل قانون اساسی یعنی وظیفه صریح صدا و سیما در ارسال امواج رادیویی و تصویری مواجه نشوند، به طور کلی الگوی

مالزی را زیر پا گذاشته و طرحی مغشوش؛ غیرقابل اجرا و متناقض را تنظیم و تصویب کرده‌اند که به هیچ وجه قابل دفاع نیست.

متأسفانه تجارب بسیار مفید سفر هیئت پارلمانی به کشورهای آسیای جنوب شرقی که با هزینه بیت‌المال صورت گرفت عملاً مورد توجه مجلس واقع نشد.

رابعاً در ماده ۴ قانون، اعطای مجوز به اشخاص حقیقی در خصوص استفاده آزاد و بدون قید و شرط از گیرنده‌های ماهواره‌ای - مستقل از دریافت‌کننده‌های قانونی کدگذاری شده - مورد تصریح قرار داده شده است که به نظر می‌رسد کل قانون را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. با توجه به این که در این ماده هیچ‌گونه توضیحی در مورد این افراد داده نشده، به اندک بهانه‌ای همه اشخاص حقیقی می‌توانند ادعای نیاز استفاده از ماهواره را مطرح کنند و وزارت ارشاد هم مجبور است طبق این قانون به همه آنها مجوز بدهد.

سرانجام این که در تبصره ماده ۵ این قانون تصریح شده است «اجرای این ماده - یعنی جمع‌آوری گیرنده‌های غیرقانونی توسط نیروی انتظامی - پس از اعلام مشخصات و ضوابط فنی تجهیزات دریافت از ماهواره موضوع ماده ۳ این قانون خواهد بود». یعنی نیروی انتظامی حداقل برای مدت ۶ ماه حق جمع‌آوری گیرنده‌های غیرقانونی را ندارد. ذکر همین مسئله، اعلام قانونی شدن گیرنده‌های ماهواره‌ای در سطح کشور - به صورت آزاد - خواهد بود و به نظر نمی‌رسد که بعد از آن امکان جمع‌آوری وجود داشته باشد. علاوه بر این، بدون شک نیروی انتظامی، طبق این قانون، امکان و توانایی لازم را برای ضبط تجهیزات غیرقانونی نخواهد داشت.

○ از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم.

ماهواره: ابزار سیطره تفکر تکنیکی

دکتر محمد مددیپور

مدیر دفتر مطالعات دینی و هنر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد

اشاره

نقد و ارزیابی ماهیت فناوری به ویژه فناوری رسانه‌ای با دیدگاهی فلسفی و تاریخی و بررسی جایگاه آن در روزگار ما که عصر اطلاعات و ارتباطات نامیده شده است، ضرورتی حیاتی است، بیشتر از آن جهت که چنین تحلیلی امکان شناخت درست این پدیده را فراهم می‌آورد و از افراط و تفریط‌های احتمالی در برآورد اثرات سازنده یا مخرب آن جلوگیری می‌کند. این شیوه ارزیابی به ویژه در جامعه ما که در شرایط مواجهه سنت و مدرنیسم دچار بحران‌ها و اختلالاتی در سطوح فردی و اجتماعی است، اهمیتی مضاعف دارد. از این رو پژوهش و سنجش از جناب آقای دکتر مددیپور مدیر دفتر مطالعات دینی و هنر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد که ضمن برخورداری از دانش عمیق و وثیق نسبت به فرهنگ ولایی شیعی از اساتید نام‌آشنای فلسفه شمرده می‌شوند، دعوت کرد که این موضوع را در گفتگویی با ایشان به بحث بگذارد.

از جناب آقای دکتر مددیپور به خاطر اختصاص فرصتی موسع به این گفتگو سپاسگزاریم و اطمینان داریم آنچه پیش روست مورد استفاده کارشناسان و علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

○ پژوهش و سنجش: جناب آقای دکتر مددپور، ضمن تشکر از فرصتی که عنایت کردید، همان طور که مستحضرید در سال‌های اخیر به ویژه سه دهه گذشته، سرعت رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات بسیاری از متفکران را به این باور رسانده است که ما در حال حاضر وارد دوره تاریخی نوینی شده‌ایم که از آن به عصر اطلاعات و ارتباطات یاد می‌کنیم. این عصر را کارشناسان ارتباطات از این جهت نقطه عطف می‌دانند که معتقدند مناسبات انسان با خودش، خدا و طبیعت، تحت تأثیر فناوری‌های جدید قرار گرفته، آیا حضرتعالی نیز معتقدید که توسعه فناوری ارتباطات ما را وارد عصر جدیدی کرده است؟ در صورتی که به این امر باور دارید ویژگی‌های این عصر جدید یا پسا جدید را چه می‌دانید؟ و برای تلویزیون و به ویژه فناوری پخش ماهواره‌ای تلویزیونی در این عصر چه جایگاهی قائل هستید؟

● آقای دکتر مددپور: بسم الرحمن الرحیم و به نستعین. در حقیقت من مفاهیمی مانند انفجار اطلاعات، عصر ارتباطات و را جدی نمی‌گیرم. شاید مشکل از من باشد، اما تصورم این است که این همه مبالغه درباره ارتباطات، رسانه‌ها و تأثیرات فوق‌العاده اینها، نمی‌تواند جدی باشد. البته استحاله‌هایی هست اما این ناشی از فناوری نیست، ناشی از خود انسان است، نه ارتباطات یا ابزار ارتباطی، چرا که می‌توان گفت ارتباطات در این عصر بسیار تضعیف شده است. ارتباطات معنوی انسانی بنا بر تعریف خود جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به خصوص فیلسوفان، بیشتر قراردادی، وضعی و عقلانی است. یعنی در مدل بی‌جانی تعریف می‌شود که در حقیقت یک مدل اقتضایی است. افراد در یک مدل انتزاعی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. کارمند با کارفرما، رئیس با مرئوس و معلم با شاگرد عمدتاً ارتباط عاطفی ندارند، رابطه مرید و مرادی ندارند، این ارتباطات وضعی، قراردادی و اقتضایی است که موجب می‌شود اینها بر مبنای جبرها و قراردادهای کنار هم بنشینند. حتی تشکیل خانواده هم در جهان مدرن شکل اقتضایی پیدا کرده است. به هر حال آنچه تحت عنوان عصر ارتباطات، عصر رسانه‌ها و عصر انفجار اطلاعات طرح می‌کنند یک محصول تبعی است، یک محصول رابطی است، خودش اصالت ندارد، برمی‌گردد به تحولی که در انسان قرن ۱۶ و ۱۷ ایجاد شده و موجب شده است رابطه خودش را با جهان، با خدا و با هم‌نوع خودش عوض کند و با ارائه تعریف جدیدی از رابطه به قرارداد اجتماعی اصالت بدهد. فیلسوفانی هم که قرارداد اجتماعی و مفاهیمی از این قبیل را نقد کرده‌اند خودشان صاحب نفوذ نبوده‌اند و بیشتر ارتباطات را بر هم زده‌اند مانند هیوم که قائل به سمپاتی و همبستگی و نظریه ارگانیک است. همه اینها در چهارچوب

ارتباط انسان با عالم وجود استحاله پیدا می‌کند. یعنی من با جهان، با هستی و مقطع هستی ارتباطی پیدا می‌کنم که مفهوم وجود، مبدأ و معادم را دگرگون می‌کند و موجب می‌شود آنچه بین مبدأ و معاد است یعنی عالم دنیا که امری انسانی و در واقع، حاصل نسبت انسان با مبدأ و معاد است متحول شود. حال ما چگونه می‌خواهیم بگوییم معلول بر علت تأثیر می‌گذارد. به تعبیر فلسفی انسان یک علت واسط است یعنی علت تامه و مطلق نیست، این جامعه ارتباطات هم یک علت واسطه‌ای مضاعف است؛ یک معلول تبعی است خود انسان هم موجودیتش به مبدأ و تفکری برمی‌گردد که دربارهٔ عالم دارد. ماشین‌ها، اطلاعات فنی یا تکنولوژیک و تمامی روابط مدرن قبل از این که در جهان خارج عینیت پیدا کنند در

ذهن انسان عینیت پیدا کرده‌اند یعنی وجود ذهن فرد، در گذر زمان به این وجود عینی ارتباطات تبدیل شده است و من معتقدم که خود به خود مثل همه تمدن‌ها، این تمدن هم به یک وضع تعادلی برمی‌گردد. یعنی پس از افزایش جمعیت و سایر مسائلی که در پی این دید به وجود آمده است (نه بر اثر فناوری) صیانت ذات و حب نفس به آنجا رسیده که سن متوسط و سن کمی را بالا برده است در حالی که سن کیفی افزایش پیدا نکرده (۷۰-۸۰ سال) و خود این به یک معضل تبدیل شده است. من

**در عصری که عصر
ارتباطات نامیده شده.
ارتباطات معنوی انسانی
بسیار تضعیف شده و بیشتر
قراردادی و وضعی و
عقلانی است.**

معتقدم که حتی به لحاظ جمعیتی، جمعیت جهان در آینده بسیار کمتر از این خواهد بود. میل انسان به ازدیاد نسل رو به کاهش است و اینها همه به خود انسان و تفکر او برمی‌گردد. این محصولات که به محصولات تکنولوژیک معروفند همه فرع هستند، منتها کسانی که عمیق نمی‌اندیشند و به تفکر انسانی توجه ندارند در برابر این محصولات شیفته می‌شوند. برای مثال، تحولاتی که در اکتشافات کیهانی و یا سیستم‌های on line رایانه‌ای و ماهواره‌ای رخ می‌دهد این افراد را به شگفتی وا می‌دارد در حالی که شگفت‌انگیزتر از همه اینها، نسبت انسان با عالم هستی است. همه اینها به همان نسبت برمی‌گردد و اگر آن نسبت بخواهد دستکاری شود یعنی تحولی در بشر پیدا شود، می‌بینیم که این جهان عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد و شروع به نفی خود می‌کند. همه این مسائل به تفکر جدیدی برمی‌گردد که در قرن ۱۶ و ۱۷ شکل گرفته و تا به امروز ادامه پیدا کرده است. به اعتقاد من اگر آن تغییر کند همه چیزهایی که بشر امروز برای خودش ساخته مثل یک بادکنک می‌ترکد. ارزش همه اینها، ارزش تبعی است، ارزش جهان ندارد. اگر ما دقت کنیم می‌بینیم که چون ما از دید پایین یعنی از معلول‌ها نگاه می‌کنیم این طور

فکر می‌کنیم اما در واقع خود انسان در حال تغییر است. آن تفکری که انسان در قرن ۱۷ و ۱۶ پیدا کرده بود در حال تغییر است و در نتیجه آثار تبعی آن هم تغییر می‌کند نه این که فناوری بر انسان مسلط شده و او را شکل دهد. البته فناوری به معنی ابزار تغییراتی را ایجاد می‌کند اما این در ارتباط با انسان تعریف می‌شود. اینها همه به همان نسبت انسان با هستی برمی‌گردد. اگر این نسبت دگرگون شود مسلماً همه این محصولات فنی یا تکنولوژیک هم اهمیت و ارزش خود را از دست می‌دهند. البته این ممکن است که به این زودی‌ها اتفاق نیفتد یعنی همان تفکر قرن ۱۷ و ۱۶، تفکر تکنولوژیک یا تفکر حسابگر و اعداداندیش مدرن می‌تواند آن قدر ادامه پیدا کند که مدل‌های ۱۹۸۴ یا دنیای نوع هاکسلی اتفاق بیفتد. الان هم دارد چنین اتفاقی می‌افتد. امریکا دارد نقش دیکتاتوری بزرگ را بعد از فروپاشی شوروی اعمال می‌کند و این رمان دارد به حقیقت می‌پیوندد. جهان می‌خواهد تحت سیطره دیکتاتوری جهانی قرار گیرد حالا به نام دموکراسی، به هر حال همیشه یک توجیه ارزشی مطابق روز وجود دارد جدی‌تر از همه اینها بلایی است که بشر خودش بر سر خودش می‌آورد. یعنی همان قدرتی که در ذات و

رسانه‌های دنیا به ویژه نوع
ماهواره‌ای آنها بیش از آنکه اسباب
تذکر باشند اسباب غفلت‌اند یعنی
به غفلت عمیق‌تر انسان و سیطره
همان کسانی که ابزار غفلت
انسان را فراهم می‌آورند کمک
می‌کنند.

تفکرش ظهور کرده و در رسانه‌های دنیا هم بسط پیدا می‌کند. این رسانه‌ها بیش از آن که اسباب تذکر باشند اسباب غفلت‌اند یعنی انسان را به غفلت می‌برند. انسان را متذکر نمی‌کنند موفق‌ترین رسانه‌های دنیا را می‌بینید که حتی بخش خبرشان سرگرم‌کننده است، بیش از آن که خبر سیاسی بدهند آدم را سرگرم می‌کنند یا جنبه هنری‌شان بسیار قوی است. سینما هم انسان را به عالم غفلت می‌برد، تلویزیون هم همینطور. کمتر رسانه‌ای هست که متذکر ذات انسان باشد و او را به حقیقتش رهنمون شود و خوب این از آثار همان غفلتی است که در تفکر انسان نسبت به عالم وجود پدید آمده است. همه رسانه‌ها مخصوصاً نوع ماهواره‌ای آنها مثل هم هستند و همه هم به غفلت عمیق‌تر انسان و سیطره همان کسانی که ابزار غفلت انسان را فراهم می‌آورند، کمک می‌کنند. اتومبیل‌های مدرن‌تر، ابزار زندگی جدید و راحت‌تر، در حقیقت به غفلت انسان منتهی می‌شود. آن قدر که ۷۰-۸۰ سال عمرش را در این غفلت مطلق به سر می‌برد و در پایان کار متوجه می‌شود که دوره زندگی‌اش تمام شده است.

○ پس به نظر شما دورانی که دوران پسامدرن نامیده می‌شود و با رسانه‌هایی مانند اینترنت، ماهواره و غیره بسیار ارتباط وثیق دارد تداوم طبیعی دوران مدرنیته بوده است؟ آیا شما دورهٔ پسا مدرنیته را فقط یک نام می‌دانید نه یک تحول ماهوی؟

تنها فرهنگی که هنر در دنیا زنده است و هیچ گاه تسلیم رسانه‌های غفلت نمی‌شود اسلام است.

● دقیقاً همین طور است. تحول ماهوی نیست البته تحول ماهوی به معنی ذاتی، نه به معنی وضعی. چون عرض و جوهر هر دو ماهیت‌اند. خود پست مدرن یک تحول است. حکایت از تردیدها، شک‌ها و بازسازی‌های مجددی می‌کند که انسان قرن ۱۶ و ۱۷ دارد. می‌خواهد بیماری‌ها و نارسایی‌های عصر مدرن را جبران کند. پناه آوردن به هنر، در دوره‌ای که هنر اهمیت خود را از دست داده و پناه آوردن به دین و عرفان در دورانی که دین و عرفان

سرکوب شده در واقع به این دلیل است که می‌خواهد خودش را ترمیم کند و از همه اینها به عنوان ابزار استفاده کند. در حال حاضر بسیاری از فیلسوفان پست مدرن دائماً از هنر صحبت می‌کنند و هنر برایشان آرمان شده است. آن چیزی که پیشینیان در اسطوره و خدایان و دین می‌جستند، اینها در هنر دنبال می‌کنند. آرزویشان این است که هنر انسان را نجات دهد. در حالی که هنر خود آن قدر گرفتار است که در یک چرخه دور می‌زند. البته هنر می‌تواند مایهٔ تذکر شود اما هنر غالب هنر غفلت است؛ مانند رسانه‌ها، هنری که در خدمت این رسانه‌هاست انسان را به عالم غفلت و به اصطلاح یک عالم بورژوازی می‌برد. یک نوع عالم تجاری و داد و ستد. این عالی‌ترین شکل زندگی مدرن است. حالا این کلمه عالی که می‌گویند نه از لحاظ دینی و عرفانی، به معنی حد کمال مدرن یک انسان امریکایی آرزویش این است که در عیش زندگی کند و از فرط خوشی بمیرد. این غایت تمدن مدرن و پست مدرن است. البته حالا مدرنیته، چون جان مایه‌اش ضعیف شده و عناصر انسانی آن دچار بحران شده‌اند بسیاری از مفاهیم سنتی در دل این مدرنیته باقی مانده و حالا برای ویرانگری آن مفاهیم و آن ارزش‌های گذشته، پست مدرن آمده تا آنها را هم زیر سؤال ببرد و دیگر چیزی نماند. اصلاً از نظر پست مدرن، میهن دیگر ارزش ندارد، یک مفهوم مجازی است در حالی که برای مدرنیست‌ها میهن اهمیت دارد، برای میهن باید مُرد. برای ناسیونالیست‌ها میهن بسیار مهم است و خلاصه در جهان پست مدرن می‌خواهند هر آنچه از عقل مدرن و آثار مدرنی که الان کهنه تلقی می‌شوند، باقی مانده بشویند و ببرند. مثلاً می‌گویند میزانی برای هنر

وجود ندارد و برای همین شما می‌بینید که هر چیزی می‌تواند هنر شود، صرف یک انتخاب هنر است. به طوری که یک نقاش می‌گوید منفجر کردن «ایزد بودا» در بامیان یک عمل conceptual بوده چون به یاد deconstruction در گالری‌های غربی می‌افتد یا بعضی از گالری‌های آسیایی که در آنها هنرمند در بدو امر که در نمایشگاه باز می‌شود اثر هنری خود را تخریب می‌کند، منفجر می‌کند یا فرو می‌پاشد به هر حال این را به عنوان یک مفهوم القا می‌کند. یعنی تمام مرزها را در هم می‌نوردد و شما به این سادگی نمی‌توانید تعریفی از پست مدرن ارائه دهید. همه تعریف‌های پست مدرن جنبه سلبی دارد چون اساس این هنر بر سلب است. حتی در مدل‌های اخلاقی و زندگی‌های مدرن انسان می‌خواهد به نوعی سیالیت برسد یعنی هیچ آرمانی در او نیست. آرمانش بی‌آرمانی است. در حالی که تفکر روشنگری و لیبرالیسم کهن یا سنتی یک غایت روشنگرانه دارد. برای همین بعضی پست مدرن‌ها سعی می‌کنند (در واقع مانند قهرمان مدرنیته ناتمام هابرماس) به عصر روشنگری برگردند و در عصر پست مدرن آنها را احیا کنند. انسانی که در واقع زیاده‌خواه است می‌خواهد هزینه‌های زیادی به مردم جهان تحمیل کند غافل از این که یک افق نهایی هم هست که خط پایان زندگی است. این زندگی پر از عیش و این مردن از فرط خوشی نمی‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند چون که به هر حال حدی دارد. ممکن است باز انرژی‌ها بیاید و تخلیه شود. این اتویا باید تحقق پیدا کند. بالاخره امریکا باید جهان اسلام را اشغال کند چون اسرائیل قبلاً بخشی از کشورهای اسلامی را اشغال کرده اما سناریوی آن ناقص بوده است. حالا کدخدای جهان احساس می‌کند که باید خودش بیاید و جهان اسلام را تسخیر کند اول افغانستان بعد مثلاً عراق به عنوان یک پایگاه خیلی بزرگ و بعد هم ایران و سوریه اما این را فقط در محیط ذهنی خودش تصور می‌کند و از واقعیت غافل است. این قدر شعور ندارد که بفهمد چه بلایی بر سر رسولانش در بیت‌المقدس آمده و چه حوادثی در اورشلیم و اسرائیل در حال رخ دادن است، می‌گوید من هم بروم آنها را حمایت کنم. تنها فرهنگی که هنوز در دنیا زنده است و هیچ گاه تسلیم رسانه‌های غفلت نمی‌شود اسلام است. شما در ترکیه دیدید که بعد از ۱۰۰ سال سیطره لائیک (از سال ۵-۱۹۰۴ بگیریم تا ۲۰۰۰) در آستانه سال ۲۰۰۳ افرادی می‌آیند که آرزو دارند ارزش‌های اسلام را احیا کنند ولو در شعارها و لفافه‌های مدرن، به هر حال این نشان می‌دهد که رسانه‌ها کارکرد اساسی نداشته‌اند. طبیعتاً اینها باید به سوی عصر روشنگری می‌رفتند، مدل‌هایشان را اصلاح می‌کردند و مثلاً فرانسه می‌شدند اما باز ترکیه مانده‌اند. ایرانی‌ها و مصری‌ها هم همین طور، این نشان می‌دهد که این بخش‌های تغییر نیافته، این دایناسورهای

باقی مانده از عصر کهن باید نابود شوند و حالا فشار لازم را می‌آورند که آنها را نابود کنند، دایناسورهای ذهنی خودشان را، اما این دایناسورها هم مقاومت می‌کنند، به این سادگی‌ها نمی‌شود آنها را از بین برد. تحول بزرگ‌تری مورد نیاز است، به هر حال پست مدرن تحول مدرن نیست تحول انسان است، تحول انسان عصر روشنگری است، عصر ماقبل روشنگری است، عصر آغاز تفکر تکنیکی حسابگر در قرن ۱۶ و ۱۷ که اولین محصولش به صورت مدرنیسم بوده و بعد به صورت پست مدرنیسم در آمده و بعدها ممکن است به صورت اولترا پست مدرنیسم و هزاران مفهوم دیگر شکل بگیرد. اما اینها همه در چرخه تمدنی مدرن اتفاق می‌افتد و بالاخره آن قدر باید انرژی‌اش را تخلیه کند که دیگر هیچ آرزویی برایش نماند و هیچ حرفی نداشته باشد تا مردم از این نوع زندگی بیزار شوند چنان که برای امپراطوری روم، ایرانیان عصر ساسانی، یونانیان عصر مقدونیه و یهودیان عصر مسیح اتفاق افتاد. انسان به جایی می‌رسد که از این نوع زندگی بیزار می‌شود. بالاخره روزی انسان بیدار می‌شود و احساس می‌کند زندگی مسخره‌ای داشته است. از صبح تا شب برای پول و مال و سرعت بخشیدن به جریان زندگی‌اش دویده و حالا دیگر می‌گوید باید ترکش کنم دیگر بس است. سعی می‌کند این نوع زندگی را ترک کند و این همان جهش و انقلابی است که محتمل است. حالا نه فقط از منظر دین از هر دیدگاهی که نگاه کنیم.

○ به نظر می‌رسد حضرت‌عالی در تحلیلی که از فرایندهای تاریخی می‌کنید اصالت را به انسان می‌دهید و بر جایگاه علی انسان نسبت به فناوری تأکید می‌کنید. تم یا درون مایه اصلی پاسخ حضرت‌عالی به سؤال اول این بود که انسان نسبت به فناوری جایگاه علی دارد، اصالت با انسان است و بنابراین تغییر در فناوری نمی‌تواند موجب تحول بنیادینی در هویت و شخصیت انسان شود. اکنون این سؤال مطرح است که متفکران بسته به نظری که درباره تأثیر فناوری بر فرهنگ انسان دارند، در دو گروه عمده قرار می‌گیرند: عده‌ای که معتقدند فناوری پدیده‌ای خنثی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود و خصیصه‌های فرهنگی جامعه میزبان را به خود می‌گیرد و عده‌ای که فناوری را خنثی نمی‌دانند و می‌گویند هر فناوری فرهنگ

**باطن فناوری در واقع
تفکر تکنیکی است و این نوع
تفکر الگوریتمی است که در
برای تفکر معنوی قرار دارد.
کشورهایی که معنویت در آنها
پیش‌دازد به راحتی نمی‌توانند
تفکر معنوی را پس بزنند.**

خودش را هم به همراه خود می‌برد و در واقع شاخص‌های فرهنگی جامعه‌پذیرنده را دچار تحول می‌کند. نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست و شما خود را در کدام یک از این دو گروه قرار می‌دهید؟

● من به هیچ کدام از این دو نظریه قائل نیستم. یعنی فناوری را نه خنثی می‌دانم، نه همه‌کاره. به هر حال فناوری وقتی وارد جامعه‌ای می‌شود آثار خودش را دارد. اما توانایی آن را که فرهنگ جامعه را کاملاً دگرگون کرده و فرهنگ خودش را تحمیل کند، ندارد. هر زمانی که می‌آید ساز و کار خودش را هم می‌آورد. بیماری و درمان‌های خودش را می‌آورد. مثل کسی که جراحی می‌شود و با خطراتی مانند آلوده

شدن به هپاتیت هم مواجه است. به این ترتیب بحث خنثی بودن هم منتفی می‌شود. دیگر این طور نیست که بگوییم فناوری تفکر جامعه را تهدید می‌کند. البته خوب یک مقدار تأثیرگذاری بر ابزار و اسباب و گزینش‌ها وجود دارد. یعنی کسی که تفکر سنتی دارد بخش‌هایی از فناوری را انتخاب می‌کند که با سنتش نزدیک‌تر و متناسب‌تر است. حالا باز به این معنی نیست که فناوری آن قدر خنثی می‌شود که هرگونه تفکری را بپذیرد. این برای کشورها، سرزمین‌ها

رسانه‌ها در برابر فواست
اومانیتی بشر برای بازگشت به
میراث فرهنگی معنوی خود.
عددی نیستند. بشر اومانیت
می‌تواند آنها را دور بیندازد یا اصلاً
نگاه نکند.

و مردمانی است که فرهنگ غیرفنی و غیرتکنیکی دارند، در کشورهای تکنیکی مانند آمریکا و اروپا، این تعارض و تضاد وجود ندارد چون در واقع فرزند و مادر هم جنس هستند. اما در کشورهای جنوب وقتی که فناوری می‌آید طبیعتاً سیستم حفاظتی تفکر سنتی، حمله‌های خودش را آغاز می‌کند اما از آن طرف هم یک سیستم تزریقی که بیشتر توجیه‌گرانه است سعی می‌کند به نحوی تفکرات سنتی را تسلیم کند تا آثار تخریبی شدیدی نداشته باشد. اینها داد و ستدهایی است که صورت می‌گیرد اما به هر حال حکایت از یک وضعیت بحرانی دارد مانند وضعیت بحرانی فناوری در کشور خودمان. البته بحران هم فرق می‌کند. ببینید مثلاً می‌گویند در انگلستان سالیانه چند هزار بیمار بر اثر ضعف پزشکان از بین می‌روند این اقتضای نظام پزشکی است ولی ما احتمالاً ۶۰، ۷۰ یا ۹۰ هزار نفری هم علاوه بر این مسئله داریم. در انگلستان هم مردم بر اثر سوانح رانندگی و بر اثر خطاهای انسانی یا نقص فنی کشته می‌شوند اما این در کشورهای جهان سوم و در کشورهای غیرتکنیکی که ماشین‌ها و ابزار در جاده‌های مال‌رو رانده می‌شوند خطرناک‌تر است. به هر حال قلبی که در بدن اصلی زندگی می‌کند وظیفه خطرناکی ندارد حداقل،

خطرش خطر فرعی است. ممکن است فرد در اثر گرفتن رگ‌ها دچار سکته شود این را می‌شود عمل کرد، مشکل رفع گرفتگی است اما وقتی قلب به بدن دیگری پیوند زده می‌شود مسئله فقط گرفتگی نیست، عضوی است که وارد سیستم بیگانه شده، این را باید توجه کرد. فرض خنثی بودن، به معنی پذیرنده یا منفعل بودن فناوری و از طرف دیگر، فعالیت مطلق آن هر دو منتفی است چون حالتی از نابسامانی و بحران را ایجاد می‌کند مگر این که به تدریج و خود به خود یک سیستم ایمنی متناسب با آن ایجاد شود چیزی که در ژاپن و چین دارد اتفاق می‌افتد، علتش هم روشن است. چینی‌ها و ژاپنی‌ها هیچ یک از فرهنگ سنتی محکمی برخوردار نیستند. چین، ژاپن و کلاً آسیای جنوب شرقی با مذاهب ذن، چان، آئین بودایی، شیتو، شینتو و غیره مذهب را تقریباً تبدیل به یک فستیوال و کارناوال کرده‌اند و عملاً در مذهب جدیدی مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام ندارند. البته هر دو را می‌شود خنثی کرد. همان طور که مسیحیت را بعد از دو قرن تراشیدند و در حقیقت سعی کردند آن را از پروسه خارج کنند و کردند. حالا در آنجا خیلی راحت‌تر این اتفاق می‌افتد یعنی مذهب شیتو، شینتو یا آئین کنفوسیوس و حتی بخش‌هایی از اینها متناسب با ساز و کار مدرن‌اند. دشواری بیشتر، در خود مسیحیت بود، برای همین هم دو سه قرن طول کشید تا مسیحیت مهار شده و آن سیستمی که از نظر آنها کهنه و سنتی تلقی می‌شد طرد شود اما جهان اسلام به اعتقاد من بیش از اینها از مسیحیت متفاوت است. همین طور با آئین‌هایی مانند شینتو و کنفوسیوس به ظاهر سازگاری نشان می‌دهد و فناوری را فرا می‌خواند اما از طرفی هم آن را طرد و نفی می‌کند و همین مشکل این صد ساله است. در حالی که در روابط تجاری و سوداگری مسلمانان کالاهای مدرن را مصرف می‌کنند خودشان هنوز تولیدکننده بزرگی نشده‌اند.

○ این امر را در سطح آموزه‌ها می‌فرمائید یا در عمل؟ یعنی اسلام در سطح آموزه‌ها فناوری را فرا می‌خواند و بعد جوامع اسلامی آن را در عمل پس می‌زنند؟

● در واقع آثار عملی‌اش این طور ظهور پیدا می‌کند یعنی ابزار مدرن را فرا می‌خوانند و در عمل پس می‌زنند. اندیشه ترقی این است که این فناوری به درد ما می‌خورد. این نظریه پردازی‌ها در کشورهای اسلامی هست اما در عالم عمل یک باره نظریه جدیدی مطرح می‌شود که مثلاً ما سینما را می‌خواهیم ولی فسادش را نمی‌خواهیم. خوب حالا مسئله اینجاست که ما چگونه در عمل این را پیاده کنیم. یعنی

یک نظریه فراخوانی هست یک نظریه پردکنندگی و در واقع همین کار فرایند بومی شدن فناوری را در ایران یا کشورهای اسلامی دیگر دشوار می‌کند. به طور کلی بیشتر این سرزمین‌ها به صورت بازار مکاره محصولات تکنیکی در می‌آیند تا تفکر تکنیکی در آنها شکل بگیرد. سازگاری مردم با این تفکر بسیار سخت و دشوار است. از طرف دیگر هم توانمندی نیروهای تفکر تکنیکی آن قدر نیست که بتواند این مردم را سر جای خودشان بنشانند. قدرت مقاومت پیرامون مذهب تکنیک در ایران فوق‌العاده ضعیف و فوق‌العاده در اقلیت است. حتی آنهایی که به طرفداری از تکنیک و فناوری تظاهر می‌کنند در برابر نهادهای سنتی بسیار سست بنیاد و ضعیف و در برابر تفکر تکنیکی بسیار مقاومند. گفتیم فناوری مهم نیست، تفکر تکنیکی مهم است. فناوری محصول تفکر تکنیکی است. اگر ژاپن و چین به تفکر تکنیکی نمی‌رسیدند به تولید هم نمی‌رسیدند. تفکر تولیدی، یعنی رسیدن از فرایند تقلید به فرایند تحقیق چیز دیگری است و این در واقع نشان می‌دهد که باطن تکنولوژی در واقع تفکر تکنیکی و یک آلترناتیو است که در برابر تفکر معنوی قرار دارد. کشورهایی که معنویت در آنها ریشه دارد به راحتی نمی‌توانند تفکر معنوی را پس بزنند. به خصوص زمانی که قدرت کمتری دارند، دچار بحران شده‌اند، انرژی‌های قبلی خود را تخلیه کرده‌اند و حالا چاره‌ای نمی‌بینند جز آن که از بیرون مشکلشان را حل کنند یعنی چون نتوانسته‌اند از درون مهار کنند سعی دارند نیروها و نظریه‌های پردکننده مدرنیته را از بیرون سرکوب کنند. برخورد تمدن‌ها و هژمونی تمدن غربی و مفاهیمی نظیر مفاهیم مطرح شده توسط مک‌لوهان، هانتینگتون و مانند اینها را شکل می‌دهد و از این طرف هم به هر حال مقاومت‌ها جریان دارد، چه در مدل‌های تکنولوژیکی و تکنیکی مدرن و چه در مدل‌های سنتی که قدرت نیروهای مخرب بیگانه را مهار می‌کند و با عوامل مختلفی مانع از آن می‌شود که اینها بتوانند فعال مایشاء باشند.

○ به نظر می‌رسد پیروان تکنیک ادعا می‌کنند سلاخی که حرف آخر را در تعارض بین دو مکتب معنا و تکنیک می‌زند، رسانه است. دست کم ادعا می‌کنند که با رسانه می‌توان افراد را از تفکر معنوی بیگانه و با تفکر تکنیکی آشنا کرد.

● این بیگانگی کافی نیست. بیگانه کردن مانند سیطره نظامی است؛ اینها هیچ کدام اصالت ندارد باید مغز و تفکر متحول شود.

○ شما فکر می‌کنید این آخرین ابزاری که امروزه از طریق برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای در سطح وسیعی خودش را مطرح می‌کند، در برخورد با مکاتب معنوی به خصوص مکتب معنوی ایران چه تعاملی خواهد داشت و چه پیامدهایی به دنبال خواهد آورد؟

● اولین نتیجه‌اش در خود کشورهای غربی شکل گرفته است. در حال حاضر جریان‌های معنویت‌گرا، در خود سرزمین‌های غربی در حال شکل‌گیری هستند. یعنی مثل این که لشگری را برای تهاجم بیآورند و در عقبه‌اش نیروی ویرانگری شکل بگیرد.

○ آیا این معنویت‌گرایی واقعاً به معنای از بین رفتن تفکر تکنیکی و شکل‌گیری تفکر معنوی است؟

● قطعاً. یعنی اگر تفکر معنوی تفکر ابزاری یا تفکر تجملی، تفننی و صوری نباشد بله. این تفکر اگر به معنی حقیقی معنوی باشد قطعاً جدی خواهد بود. به هر حال با سپری شدن این دوران، تمدن غربی به مرحله‌ای رسیده است که می‌خواهد با پروژه جهانی شدن خود را به کل عالم مسلط کند. لیبرالیسم و مانند آن یکی از اشکال سیاسی - اقتصادی این جریان است. گلوبالیسم هم مفهوم فرهنگی و فلسفی آن است؛ با تعابیر مختلفی که مطرح می‌کنند تعابیری مانند خصوصی‌سازی و امثال اینها که هزاران اصطلاح دارند. به هر حال می‌خواهند عصر روشنگری را به شکل مدرن‌تری بر جهان تحمیل کنند. اما در دل خود این تمدن نقایصی اساسی احساس می‌شود که نشان می‌دهد نمی‌تواند ما را به سرمنزل مقصود برساند. برای همین هم چالشی تحت عنوان معنویت‌گرایی شکل می‌گیرد که بخشی از آن را خود نظام بورژوازی برای رفع کمبودهای معنوی‌اش ابقا می‌کند و در واقع عرفان اینترنتی یکی از این موارد است. همچنین درویش‌گرایی، عرفان اسکوپزی و کریشناگرایی و از این نوع عرفان‌هایی که از در و دیوار می‌بارد و همه عرفان‌های بی‌خاصیتی هستند که هیچ ربطی به تفکر معنوی ندارند. اغلب

پهن از یک طرف سن معنوی
و مذهبی دیوار نوعی فرو بستگی
است و از طرف دیگر تفکر تکنیکی
مقصودات خودش را به بازار سرازیر
می‌کند. به آنان و سایر افشار طبیعتاً
مصرف‌کننده این مقصودات
می‌شوند.

پیرامون این نوع مذاهب افرادی هم از اقشار مرفه، هستند. افرادی از طبقات تکنیکی که بعد از گرفتاری‌ها و سختی‌های کار می‌خواهند مشکلات روحی خود را پالایش کنند. پس همان طور که ملاحظه می‌کنید ما با تحولاتی روبه‌رو هستیم که یک طرف آن گرایشی صوری به نوعی از تفکر معنوی است که تفکر معنوی واقعی نیست. اما در ذات جهان‌گرایی به تفکر معنوی جدی نیز وجود دارد، این تفکر که آلترناتیو و نقیض تفکر تکنیکی است در غرب هم در حال شکل‌گیری است و حتی آنها دارند کمک می‌کنند تا توجه کشورهای شرقی را هم که تفکر معنوی خود را فراموش کرده‌اند و در این غوغا و هیاهو گم شده‌اند به میراث فرهنگی معنوی خودشان جلب کنند، البته نه در قالب‌های صوری. آنها می‌خواهند به طور معنوی به این تمدن برگردند و آرزویشان الگوی معنوی است نه الگوی صوری و تقلیدی. به عقیده من رسانه‌ها در برابر این خواست اومانیستی بشر، عددی نیستند. بشر اومانیستی می‌تواند آنها را دور بیندازد یا اصلاً نگاه نکند. حتی به خبرهای CNN اهمیت ندهد چه رسد به رادیو مجاهد و تلویزیون پارسی که یکی از مبتذل‌ترین شبکه‌های تلویزیونی‌ای هستند که برای بازی شکل گرفته‌اند.

○ در این صورت گزارش‌های نگران‌کننده‌ای که از گرایش بعضی از اقشار جامعه ما به ویژه جوانان نسبت به محصولات تکنیکی فرهنگی (که بازتاب تفکر تکنیکی هستند) در دست است چه می‌شود؟ شما اینها را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

در سطح دنیا بخش از مخالفت با بهانه‌های شدن به فاطر ضرر و ضایع و گرفتاری است اما یک بخش از مردم جهان هم می‌دانند که پس از این سیطرهٔ دیکتاتوری به وجود می‌آید. دیگر کسی نمی‌تواند نفس بکشد یا تکان بخورد. او را به عنوان تروریست می‌گیرند و می‌کشند. فیلی هم شسته و رخته و تمیز.

● این یک نوع شرطی شدگی است که در واقع جدی هم نیست، چون حالت تولیدی و مولد ندارد یعنی از مرحلهٔ تقلید به تحقیق و تولید نمی‌رسد و در حد یک نوع بازی باقی می‌ماند. اما در کشورهای غربی عمیقاً این اتفاق می‌افتد. دقیقاً یک تب است. یک نوع سیطرهٔ تب‌آلودی که در جهان در حال شکل‌گیری است و نمی‌تواند حرف آخر را بزند. حالا چرا همه از جوانان حرف می‌زنند؟ همه مردم به هر حال این تب را دارند. کسی از ماشین بنز یا ماشین‌های آخرین مدل دیگر بدش نمی‌آید. این ماشین‌ها

وارد می‌شوند و هر کسی پول داشته باشد استفاده می‌کند، کسی عاشق پیکان نیست چون ندارند مجبورند سوار شوند. جوانان به هر حال سرگرمی می‌خواهند. قهوه‌خانه‌ها هم که دیگر مثل قدیم نیستند. قهوه‌خانه‌های امروز یا خیلی گراند یا پر از افراد معتادند و آدم سالمی در آنها پیدا نمی‌شود. کافه‌هایی زمان سابق بود که روشنفکرها به آنجا می‌رفتند تا قهوه و عرق بخورند و با هم بحث کنند، بحث‌های فلسفی و امثال اینها. جلال و دریابندری و روشنفکران غربی از این نسل بودند. نسلی که در واقع انقلاب به آنها رو نکرد و در حقیقت نیروهای ضد آنها این انقلاب را رهبری و هدایت کردند. یعنی کسانی که ضد آن جریان بودند منشأ انقلاب شدند. اصلاً منشأ انقلاب‌های اسلامی را از طالبان بگیرد تا سلفیه، جنبش‌های مصر و الجزایر و اینها، این روشنفکران در این تحولات هیچ سهمی نداشتند اما کلی هم شلوغ کردند که ما سیطره مطلق داریم. در عصری که اینها فکر می‌کردند سیطره مطلق دارند، دیدند یک مرتبه روشنفکر دیگری آمد که در قالب‌های روشنفکری نمی‌گنجد. میشل فوکو می‌گوید که اینها روشنفکران پست مدرن هستند حالا او چون تعریف دیگری ندارد می‌گوید پست مدرن اما این جنبه سلبی دارد، چون اصلاً اینها روشنفکر نیستند، اینها با مدل‌های روشنگری زندگی نمی‌کنند. جوانان و سایر اقشار هم چون از یک طرف سنن معنوی و مذهبی نوعی فرو بستگی دارد و از طرف دیگر تفکر تکنیکی محصولات خودش را به بازار می‌ریزد، طبیعتاً مصرف‌کننده این محصولات می‌شوند. اما این مصرف‌کنندگی یا تقلیدکنندگی به مرحله تولیدکنندگی نمی‌رسد برای همین هم جدی نیست، صوری و سطحی است، تحول عمیقی در تفکر این جوانان ایجاد نمی‌شود. شما الان در ایران نگاه کنید، خیلی از کسانی که روزه می‌گیرند ماهواره و شوهای مبتذل و سطحی را هم نگاه می‌کنند. دهن روزه است اما برنامه‌های ماهواره را نگاه می‌کند، وقت اذان که می‌شود رادیو را روشن می‌کند و اذان گوش می‌دهد اما بعد نوار خواننده لوس آنجلسی را می‌گذارد. چنین افرادی دچار نوعی شیذوفرنی فرهنگی شده‌اند. می‌گویند سالانه ۳۰-۴۰ میلیون نفر به مشهد می‌روند، حدود ۱۰۰ میلیون سفر. گذشته از خارجی‌هایی که از این زیارت محرومند ایرانی‌ها سالی ۲-۳ بار می‌روند. این همه مسافر کربلا داریم حتی آنهایی که از نظر خیلی‌ها طاغوتی هستند اهل زیارتند، این نشانه نوعی دوگانگی است. اصلاً انسان روشنفکر اهل این بساطها نبود، آن بدنه روشنفکری دوران شاه دهه ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ اهل کربلا و مکه و نجف و این حرف‌ها نبود می‌گفتند زیارت مال آدم‌های دمه و عقب مانده‌ای است که باید بروند و این اعمال وحشیانه را انجام دهند. دور یک چهار دیواری بدون طواف کنند. جلال‌آل احمد که رساله خسی در

میقات را نوشت مورد تنفر روشنفکران بود. همین روشنفکران در موضع منفی قرارش دادند و سعی کردند او را بکوبند. به هر حال من معتقدم که اینها اگر هم تأثیرگذار باشند تأثیرشان تقلیدی است. کافی است یک تکانی بخورند تا همه آن چیزهای صوری به باد فنا برود.

○ و این تکان را چگونه باید ایجاد کرد؟

● ببینید این تکان به طور مطلق دست انسان نیست. یعنی انسان نه مطلقاً می‌تواند و نه خنثی است.

○ پس شما اصالت را به انسان نمی‌دهید؟

● انسان به طور مطلق نمی‌تواند کاری کند، ولی ناتوان هم نیست. این شرایطی است که دربارهٔ تکنولوژی هم یادآوری کردم نه خنثی است و نه اثرگذاری مطلق دارد، البته برای جوامع غیرغربی. برای جوامع غربی دلالت مطلق دارد چون فرزند ولایت مطلقهٔ نفسی می‌شود. در واقع تفکر تکنیکی از نفسش برمی‌خیزد و نمادی از تفکر نفسانی او می‌شود. اما اینجا که وطن و سرزمین بیگانه می‌شود ممکن است

در الینه شدن نقش داشته باشد، جوان‌ها الان بیگانه‌اند، مثل مالیخولیایی‌ها. تفکر دینی در آنها ریشه ندارد و حتی از روی احساس ممکن است به نحوی شورش هم بکنند (مثلاً برای فوتبال) اما آرمانی هم ندارند نه آرمان روشنفکری نه آرمان کار کردن. اینها که به خیابان می‌آیند واقعاً نمی‌خواهند در مسیر روشنفکری تحول اجتماعی ایجاد کنند، می‌خواهند آزادی بیشتری داشته باشند. این بیشتر یک نوع حالت شرطی‌شدگی و الینه‌شدگی است، در حالی که آنچه در ژاپن و غرب اتفاق افتاد اصلاً این طور

جامعه ما در صد سال اخیر مقاوم‌ترین
جوامع بوده و این به این جهت است که
تفکر شیعیان معنوی‌تر از همه اقوام
مهان است آن هم معنوی به معنای
اثرگذار نه معنوی صرفاً عرضانی؛ یعنی هم
منبع شرعی دارد. هم منبع تاریخی. هم
شان اجتماعی و عمومی و هم شان
فصوحی دارد.

نبود. الینه‌ها آنجا هم هستند اما بدنهٔ اصلی تفکر و صورت اصلی تفکر از آنها نیست. به هر حال انسان اینجا تمام‌کننده نیست. به اعتقاد من این دور باید بگذرد. یعنی تویی در این عالم قیل خورده یا شهاب

آسمانی‌ای رها شده که هدفش زمین است. این باید به اینجا، اصابت کند و انرژی‌اش تخلیه شود تا بعد بینیم که از این کره چه می‌ماند. وضعیتی شبیه این را در قلمرو فرهنگی تصور کنید. تحول تکنیکی مانند یک بمب اتمی کره زمین را می‌گیرد اما به هر بدنی اثر نمی‌کند. این دیگر ساختار وجودی انسان‌هاست. به اعتقاد من انرژی باید تخلیه شود و امپراطوری باید به وجود بیاید، حتی به طور ناقص. در واقع هیچ وقت امپراطوری به طور کامل شکل نمی‌گیرد. فروپاشی انسان زمانی که فکر می‌کند در اوج قدرت است به سرعت شکل می‌گیرد. در حقیقت نیز این اتفاق در حال رخ دادن است باید انرژی‌ها تخلیه شود آن آرزوها، آن اتوپیاها و سراب‌ها از دیده‌ها برود. البته این یک مقداری از دست رفته یعنی همان عقبه‌ای که گفتم در حال شکل‌گیری است. عقبه‌ای که از جنس این مدرنیته و عصر روشنگری هم نیست حتی به پست مدرنیسم هم نه می‌گوید. به هابرماس، فوکو و دیگران می‌گوید شما نیستید آنچه در انتظار من است، انتظار و طلب و تمنایی در دل جهان در حال شکل‌گیری است. بخشی از مخالفت با جهانی شدن به خاطر فقر و فاقه و گرفتاری است اما یک بخش از مردم جهان هم می‌دانند که پس از این سیطره دیکتاتوری به وجود می‌آید. دیگر کسی نمی‌تواند نفس بکشد یا تکان بخورد، او را به عنوان تروریست می‌گیرند و می‌کشند، خیلی هم شسته رفته و تمیز. یعنی توجیه شده و شما نمی‌توانید بگویید نه. قدرت غفلت می‌آورد و بعد بسط می‌دهد. فعل را به آینده ابدی متصل می‌کند. فکر می‌کنند این وضعیت ابدی است. برای همین کسی مانند فوکویاما می‌گوید این تمدن ابدی است. رومی‌ها می‌گفتند شهر روم جاودان است ولی کوت‌ها که حمله کردند، جمعیت دو میلیونی روم به ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار نفر رسید. یکی دو میلیون کجا و این تعداد کجا، آن هم دو میلیونی که ۱۰۰ میلیون جمعیت را تحت سیطره خود داشتند وضعیتی که امروز در واشنگتن و نیویورک دیده می‌شود اما همین واشنگتن و نیویورک بسیار متزلزلند. در مقابل خود کسی را ندیده‌اند اگر کسی یا اراده‌ای جلویشان بایستد می‌بینید که وقتی انسان به مرز جوانمردی و رادی برسد خون برایش چیزی نیست، خون واسطه اعتلاست، مقاومت می‌کند و حاضر است ایثار کند، احسان کند، فداکاری کند. منتها غفلت به نفس و نفس پرستی منجر می‌شود و در واقع تا آخر کار ادامه می‌یابد.

○ شما وضعیت جامعه ما را از این حیث چگونه ترسیم می‌کنید؟

● جامعه ما در صد سال اخیر مقاوم‌ترین جوامع بوده و این به این جهت است که تفکر شیعیان معنوی‌تر از همه اقوام جهان است آن هم معنوی به معنای اثرگذار نه معنوی صرفاً عرفانی؛ یعنی هم جنبه شرعی دارد، هم جنبه طریقتی، هم شأن اجتماعی و عمومی و هم شأن خصوصی دارد. عرفان در شیعه از قرن هفتم و هشتم مطرح می‌شود. اولین عارف بزرگ شیعه (شیعه رسمی و علنی) در قرن هفتم و هشتم ظهور می‌کند و به طرح مسئله می‌پردازد. حتی خانقاه درویشی هم از قرن نهم رواج می‌یابد، سنت شیعه عین عرفان است، چه عزاداری و چه شادی‌اش. این همه ادعیه، این همه ولادت و این همه محفل‌های شیعی از حسینیه و فاطمیه که در تفکر شیعی مطرح است حتی بسیاری از عرفای سنی معتقدند که ارباب و مرشدشان از ائمه شیعه بوده‌اند اما چرا خود شیعیان که نزدیک‌تر بودند این کار را نکردند؟ در دوران امام صادق (ع) هم این بحث بود که سنی‌ها به موقع سر نماز می‌روند ولی شیعیان در این زمینه‌ها خیلی دقت ندارند اما وقتی از خود امام پرسیدند ایشان به پرسشگر غضب کردند و گفتند شما چیزی دارید که هیچ کس در عالم ندارد و آن ولایت من یا همان عشق من است. این ولایت در ذوق و حضور جمع می‌شود. زیستن عاشقانه، عشق به اولیا و گریستن برای آنها در عرف سایر فرق اسلامی معنی ندارد. عشق به اولیا شأن اجتماعی هم دارد تنها شأن خصوصی و برای تزکیه نفس نیست، آثار اجتماعی هم دارد، این خودش یک مقاومتی را در جامعه اسلامی ایجاد کرده است که موجب می‌شود ایران از همه سرزمین‌های اسلامی مقاوم‌تر باشد. در دهه‌های اخیر، ایرانیان همواره منشأ جنبش‌های ضد مدرن بوده‌اند، از مشروطه گرفته تا دوران شاه حتی در دوران سیطره صوری مدرنیسم هیچ وقت لائیک نیندیشیدند و خوب این بزرگ‌ترین مقاومت را ایجاد می‌کند. در دوران متأخر که مقاومت اینها و شدت تهاجمشان کمتر شده طبیعتاً بهتر می‌شود به اوضاع جهان پاسخ داد.

○ پس شما جبهه مقاومت را نه تنها ضعیف نمی‌بینید بلکه به نوعی رو به قوت و شکوفایی می‌دانید.

**با تغییر آن تَصَوُّر تکلیفی
و پیدایش تَصَوُّر معنوی این
تَصَوُّر معنوی آثار صحنه‌ای و
هنری فوئدش را به ما فوئهد
گذاشت.**

● قطعاً، یعنی اگر شما نسبت به صد سال پیش در نظر بگیرید می‌بینید با وجود این که مردم اخلاقی‌تر بودند، بهانه‌های مختلف نمی‌گرفتند و مراجع و روحانیت نفوذ بیشتری داشتند، امروزه نفوذ عمومی اسلام بیشتر است. در حال حاضر معروف‌ترین چهره جهان

اسلام، اسلام سنتی نه اسلام مدرن و روشنفکر غربی، شخصی مثل بن لادن است چرا؟ چون بیشترین مقاومت را در برابر غرب به خرج داده حالا چه بد و چه خوب. در واقع این شأن اجتماعی اسلام را نشان می‌دهد یعنی بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که این ماشین و فناوری گُلی به سر مسلمانان نزد حالا فرض که به تولید هم برسیم تازه می‌شویم امریکا، یک امریکای جنایتکار و ظالم. می‌شویم فرانسه، حالا فرانسه چه گُلی به سر عالم زده، خوب در چنین شرایطی اگر امریکا هم روزی بر این مملکت مسلط بشود این جرأت را به خود می‌دهد که جشن هنر شیراز را دوباره بر پا کند؟ همین حالا در افغانستان هم نمی‌تواند. این گذشت. کسانی که غافلند چون فقط سطح و ظاهر را می‌بینند فکر می‌کنند که ولایت امریکا بر جهان ولایت مطلق است.

○ برای گذراندن این دوره شرطی شدگی در جامعه اولاً به نظر می‌رسد توصیه شما فراگستری تعالیم شیعی در بین جوانان است. آیا با این امر موافق هستید یا خیر؟ ثانیاً شاخص‌های اصلی این فرهنگ که به نظر شما می‌تواند گذر از این تب را برای جوانان ما آسان‌تر بکند کدام است و ثالثاً آیا شما هم رسانه را به عنوان ابزاری که منطق حاکم بر آن همان منطق تکنیکی است می‌دانید؟

● مسلماً فناوری رسانه‌ای ظرفیت پذیرش تفکر معنوی را ندارد، اصلاً اگر این طور بود که اسمش را تفکر تکنیکی نمی‌گذاشتیم، حالا با تفکر معنوی بیشتر اخلال ایجاد می‌شود. برای مثال وقتی یک فیلم سینمایی با تمایلات معنوی ساخته می‌شود در واقع در ساز و کار تغییر مدرنیته اخلال صورت می‌گیرد؛ تکنیک برای این کار ساخته نشده و در واقع یک نوع فناوری در حال فشار است، چون به هر حال باید تحت قافیه قرار بگیرد، قافیه‌ای غیر از جنس خودش و دیگر آن کارایی اساسی را ندارد. اما همین هم برای جهان قابل تحمل نیست. برای مثال در همین تحولات اخیر، الجزیره برای غرب‌گراهای اسلام و غرب غیرقابل تحمل شده بود چون مردم اخباری را می‌شنیدند که از CNN و BBC یا آسوشیتدپرس و غیره نمی‌توانستند بشنوند. حتی از خبرگزاری جمهوری اسلامی ما هم شنیده نمی‌شد و این هم نشان می‌دهد که نه خنثی است و نه سیطره مطلق دارد. گفتم که بیشتر جنبه بحرانی و اخلالی پیدا می‌کند، مثل شبکه‌های برون‌مرزی خودمان، مثلاً در این قالب سعی می‌کنند برنامه‌هایی بسازند که مورد حمایت شدید قرار می‌گیرد ولی خوب همین هم برای سیستم بین‌المللی مسلط ناخوشایند است هر چند

مخاطبانی در دنیا دارد و از آن طرف هم سعی در خنثی کردن دارند ولی به هر حال نمی‌توانند ولایت مطلقه پیدا کنند.

○ آن شاخصه‌های فرهنگ شیعی که دست کم به نظر می‌رسد در این دوره گذار، حکم واکسن را دارد کدامند؟ اگر بخواهیم با استفاده از همین رسانه‌ای که در اختیار ما است خصایص فرهنگ شیعی را در جامعه خودمان ترویج کنیم روی چه محورهایی باید بیشتر کار کنیم؟

● همان‌طور که فناوری محصول تفکر فنی و تکنیکی است هر آنچه در عالم شیعه شکل گرفته محصول تفکر معنوی شیعه است، اگر چه امروز صدا و سیما ما توانمندی‌های لازم را برای رجوع به خیلی از مسائل ندارد. برای مثال فرض کنید که توان ساختن برنامه‌های ساده‌ای از برخی عرفا یا حکمای شیعه را نداریم. این خود نشان می‌دهد که ضعف‌هایی در این حیطة وجود دارد چه از نظر تهیه‌کنندگی یا کارگردانی و مواردی مانند آن. در حال حاضر بیشتر به درام‌های خانوادگی که هیچ ربطی به شیعه ندارد روی آورده‌اند. به هر حال من فکر می‌کنم که باید جنبه معنوی آثار شیعه را به نحوی به جامعه انتقال داد هر چند که گفتیم رسانه توان و ظرفیت لازم را برای انتقال این مسائل ندارد اما شاید در گذر زمان تصرف‌هایی در وضعیت موجود صورت گیرد چون به هر حال با تغییر آن تفکر تکنیکی و پیدایش تفکر معنوی و ولایت مطلقه، این تفکر معنوی آثار صنعتی و هنری خودش را به جا خواهد گذاشت. حالا آنجایی که این تفکر موافق تفکر معنوی است می‌ماند و آنجایی که نیست هضم می‌شود. به هر حال اعتقادات شیعی، میراث شیعه و آن روح ولایی شیعه را نمی‌شود به صورت دستوری شکل داد، نیاز به تربیت انسان‌ها دارد، نیاز به نسلی که در واقع این فرهنگ را بیاموزند، در آن تعمق کرده و آن را منتقل کنند. البته کار دشواری است، دستور و بخشنامه‌ای هم نمی‌شود صادر کرد ولی مسئله خیلی نزدیک است، به اعتقاد من باید به آنچه در سنت ما جنبه معنوی دارد، جنبه احیاگری دین دارد، توجه کرد.

○ از فرصتی که در اختیار نشریه قرار دادید سپاسگزاریم.

تأثیر برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای بر ابعاد شخصیتی مخاطبان

دکتر احمدعلی نوربالا

روان‌پزشک، استاد دانشگاه و رئیس سازمان هلال احمر

اشاره

بخش عمده‌ای از تحلیل‌هایی که به منافع و مضار احتمالی دسترسی آزاد به برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای می‌پردازد، به بررسی تأثیرات روان‌شناختی فردی و خانوادگی موضوع اختصاص یافته است. به ویژه در کشور ما جمعیت فراوان جوانان و گرایش بیشتر آنان نسبت به استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای نگرانی‌هایی را در خصوص امکان بروز مشکلات روحی و روانی ناشی از طرح سئوالات جدید که گاه مرجعی برای پاسخگویی به آنها نیست، بروز شکاف میان آرمان‌ها و واقعیات، ایجاد هیجانات و نیازهای کاذب و مانند آنها به وجود آورده است. از سوی دیگر استفاده کنترل نشده از ماهواره در محیط‌های خانوادگی که معمولاً ناشی از عدم آگاهی نسبت به تأثیرات مخرب برخی برنامه‌ها بر ساختار و روابط خانواده است، احساس نیاز به بررسی و مطالعه الگوی دقیق مصرف رسانه‌ای به خصوص ماهواره‌ای را ایجاد کرده است. از این رو پژوهش و سنجش بحث و گفتگو در این زمینه را ضروری دانست و از جناب آقای دکتر نوربالا روان‌پزشک، استاد دانشگاه و رئیس سازمان هلال احمر به این منظور دعوت به عمل آورد. این انتخاب به ویژه از آن رو بود که دکتر نوربالا علاوه بر شأن و مقام والای علمی و

تخصصی در حوزه روان‌پزشکی، از شخصیت‌های متدین، ارزشی و معنوی و دارای سابقه طولانی و تجربه گرانقدر مدیریتی در وزارت «علوم، تحقیقات و فناوری» و «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» و بنابراین آشنا به ویژگی‌های جوانان این مرز و بوم است.
پژوهش و سنجش ضمن تشکر از استاد دکتر نوربالا، حاصل این گفتگو را در اختیار علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران قرار می‌دهد و آنان را به استفاده از آن دعوت می‌کند.

○ **پژوهش و سنجش:** ضمن تشکر از حضرتعالی به خاطر فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، به نظرمی‌رسد میزان تأثیرگذاری تهاجم فرهنگی مثل زلزله است که علاوه بر قدرت تخریبی آن بسته به استحکام بناهای ایجاد شده، شدت و ضعف می‌یابد. تهاجم فرهنگی به میزان ضعف‌ها و نارسایی‌های داخلی می‌تواند تأثیرگذار باشد. اگر این فرض مورد پذیرش شماست بفرمائید نقاط آسیب‌پذیر و نارسایی‌های فرهنگی ما در بحث ماهواره، کجاست و برای رفع آن چه باید کرد؟ به ویژه در حوزه مطالعه مسائل مربوط به جوانان، نوجوانان و خانواده نقاط ضعفی که موجب تأثیرگذاری پیام‌های نامطلوب ماهواره‌ای می‌شوند کدامند؟

● **آقای دکتر نوربالا:** بسم الرحمن الرحیم و به نستعین. در ابتدا از فرصتی که دوستان فصلنامه پژوهش و سنجش در اختیار من قرار دادند تشکر می‌کنم، من هم فکر می‌کنم که تشبیه مقوله تهاجم فرهنگی به زلزله می‌تواند تشبیه مناسبی باشد چرا که ما اصولاً معتقدیم برای ارزیابی آثار تخریبی، عوامل بسیاری را باید مورد توجه قرار دهیم. اولین عامل این است که بینیم ساختمان‌های بنا شده روی چه محیط فیزیکی یا ساختار زمین‌شناسی بنا شده (منهای مسئله گسل)، آیا سرشت زمین‌شناسی آن محکم است؟ آیا زمین‌های منطقه شنی یا ریگزار است؟ دوم این که در بناهای ساخته شده تا چه حد به مسائل فنی اهمیت داده شده، برای مثال، آیا پایه‌های ستون تا حد استاندارد مربوط در عمق فرو رفته یا خیر؟ چه مصالحی در آن به کار رفته؟ این مصالح محکم، کیفی و مطلوب بوده‌اند یا خیر و در نهایت این که خود این بنا در چه شرایط آب و هوایی قرار دارد؟ تمام این عوامل در میزان تخریب زلزله نقش دارد و به همین دلیل شما می‌بینید گاه یک بنا در منطقه‌ای که در آن زلزله می‌آید به طور کامل ویران می‌شود و گاه در همین منطقه فقط شیشه‌های یک ساختمان می‌شکند یا مثلاً سقف می‌ریزد و یا مثلاً فقط

لوله‌های بخاری می‌افتد. در چنین شرایطی وقتی خوب فکرمی‌کنیم می‌بینیم شدت زلزله در منطقه یکسان بوده؛ اما استحکام ساختمان، نوع مصالح به کار رفته و در نهایت مسائل آب و هوایی این مناطق با هم تفاوت داشته است. این مسئله در مورد خود انسان هم صادق است، ما عقیده داریم که شخصیت آدمی از چهار بعد تشکیل می‌شود: اول؛ بعد زیستی که در برگیرنده مقولاتی مانند مقوله‌های سلولی، ژنتیکی، مولکولی، شیمیایی و غیره است که ساختار و کلیت آن در اسکلت آدمی در بحث مسائل

استخوان و بافت‌های نرم و غیره خلاصه می‌شود. دوم؛ بعد روانی که همه انسان‌ها را در مقوله احساسات، عواطف، تفکر، مقوله شناخت، درک، رفتار و گفتار از یکدیگر متمایز می‌کند. امروزه می‌دانیم همان طور که در بعد زیستی، اثر انگشت هر کس با دیگران تفاوت دارد، در بعد روانی هم احساسات، عواطف و ادراکات افراد به درجاتی از یکدیگر متفاوت است در یک جمع‌بندی می‌توان گفت هر موجودی برای خود یک موجود استثنائی و به عبارتی، دردانه‌ای الهی است. سوم؛ بعد جامعه‌شناختی است که بر این اساس محیط اجتماعی و شرایط

**رسانه‌های صوتی - تصویری و به
فصول ماهواره‌ای به عنوان یکی از
ارکان اجتماعی تأثیر عینی در
شکل‌گیری شخصیت آدمی دارند. زیرا
همه ابعاد اجتماعی مؤثر در شخصیت
انسان (خانواده، همسالان، مدرسه،
جامعه و مذهب) را به نوبی از آنها، در
فرد دارند.**

خانوادگی رشد و نمو هر فرد تأثیرات متفاوتی بر شکل‌گیری شخصیت او دارد و چهارم؛ بعد معنویت یا توجه فرد نسبت به مبدأ، معاد، اصول معنویت، عرفان، سلوک و غیره به ویژه توجه به خدا که به صورت کلی، مظهر قدرت و کمال مطلق است و همه اینها به نحوی از انحاء در شکل‌گیری شخصیت آدمی تأثیر دارند. برای همین امروزه می‌گویند انسان موجودی است چهار بعدی: زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی. البته در بحث معنوی ممکن است اجماع بین‌المللی وجود نداشته باشد. به هر حال همان طور که شخصیت انسان در شکل‌گیری چنین است در تخریب آن هم به همین صورت است. باید دید که آسیب‌پذیری فرد در کجاست. در مورد ابتلا به اختلالات روانی هم همین بحث است. استرس یا فشار عصبی وارد بر یک جامعه، یک محیط و یا یک خانواده یکی را دچار فشار خون، یکی را دچار ناراحتی معده و یکی را دچار دیابت، اختلالات گوارشی یا ناراحتی قلبی می‌کند در حالی که ممکن است شدت آن برای همه یکسان باشد. برای مثال، از دست دادن یک عزیز، ورشکستگی یکی از اعضای خانواده و یا مشاهده یک صحنه جنایت فجیع. در هر کدام از این موارد شدت استرس یکسان است اما بسته به درک

یا هضم فرد، میزان آسیب‌پذیری متفاوت عمل می‌کند. غیر از این چهار بعد، در بعد جامعه‌شناختی که بعد سوم شخصیت آدمی است نیز عوامل جزئی‌تری را مؤثر دانسته‌اند: ۱- خانواده ۲- همسالان ۳- مدرسه ۴- اجتماع ۵- مذهب که البته باز هم ممکن است در مورد آخری اجماع بین‌المللی وجود نداشته باشد. این اجتماعی که می‌گوییم در سه سطح طبقه‌بندی می‌شود: ۱- اجتماع محلی یا محله مسکونی ۲- اجتماع ملی یا کشوری که فرد در آن زندگی می‌کند ۳- جامعه بین‌المللی که به آن تعلق دارد. مذهب نیز با یک سری از معیارهای ارزشی شامل بایدها و نبایدها، بوده‌ها و نبوده‌ها، خوب‌ها و بدها، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها در شکل‌گیری شخصیت آدمی مؤثر است. اگر بخواهیم این مطالب را جمع‌بندی کنیم باید بگوییم: انسانی که در شکل‌گیری شخصیت او چهار بعد مؤثر است؛ در بعد اجتماعی با تأثیرات خاصی مواجه است که هم از خانواده، هم از مدرسه، هم از همسالان و هم از جامعه می‌گیرد و اینها با هم متفاوتند، از اینجا وارد بحث رسانه‌ها و ماهواره می‌شویم که شما مطرح کردید. رسانه‌های - صوتی تصویری و ماهواره به صورت خاص و به عنوان یک رکن نظام اجتماعی، قطعاً تأثیر عمیقی در شکل‌گیری شخصیت آدمی دارند. یعنی همه این ابعاد چهار پنجگانه‌ای را که اشاره کردم (خانواده، همسالان، مدرسه، جامعه و تا حدی مذهب) به نحوی از انحاء در خود دارند چرا که اولاً یک رکن اجتماعی هستند یعنی هیچ جامعه‌ای منهای رسانه‌های ارتباطی صوتی و تصویری حداقل در جوامع کنونی و در بعد کلانش وجود ندارد و هیچ جامعه‌ای نیست که متأثر از رسانه‌اش نباشد؛ رسانه‌ها ستون جامعه‌اند و به عنوان ستون چهارم (دموکراسی) در نظر گرفته می‌شوند و ثانیاً چون از زاویه صوتی - تصویری استفاده می‌شوند و به عبارتی، سمعی - بصری هستند تأثیرپذیری از آنها بیشتر است مانند آموزش از طریق وسایل سمعی - بصری که تأثیر عمیق‌تری دارد مقوله‌هایی چون سریال، فیلم، مصاحبه و در حقیقت همه عوامل را در خود دارد. یعنی یک فرد از هر یک از محیط‌های مدرسه، اجتماع و خانواده بسته به این که چه مدت زمانی را در آنها بگذراند تأثیر می‌پذیرد اما رسانه همه اینها را در خودش دارد. با پخش انواع سریال، فیلم، میزگرد و مصاحبه شما در حقیقت چکیده، خلاصه و آماده شده مسائل جامعه را آورده‌اید و یا به عبارتی مینیاتور و نمونه‌ای از هر کدام را در رسانه نشان داده‌اید. مقوله ماهواره که می‌آید بعد بین‌المللی هم اضافه می‌شود، یعنی بعد بین‌المللی تأثیرپذیری جامعه را غالب می‌کند. در اینجا من می‌خواهم به یک نتیجه‌گیری برسیم: به طور قطع و یقین، بنا به دلایلی که عرض کردم، یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شخصیت آدمی، رسانه‌های صوتی - تصویری مانند ماهواره است. حالا اگر بخواهم جواب

شما را بدهم یعنی نقاط آسیب‌پذیر را تعیین کنم، باید به علل استفاده از ماهواره بپردازم در حقیقت ما در اینجا بعد از رسانه صوتی و تصویری ملی بحث بین‌المللی را مطرح می‌کنیم. من فکر می‌کنم که یکی از علل استفاده، کسب اطلاع و بالا بردن آگاهی و دانش است. خوب همه می‌خواهند بدانند که در سطح بین‌المللی چه خبر است و چه اتفاقاتی افتاده، معمولاً برنامه‌های مورد استفاده در این زمینه مقوله‌های اخبار و برنامه‌های علمی است یعنی این دو نوع برنامه حداقل تشنگی افراد برای کسب اطلاع و بالا بردن دانش و آگاهی را برطرف می‌کند. علت دیگر، سرگرمی و تفریح قاعدتاً سالم و سازنده است. در

سن جوانی سنی است که در آن هم بعد زیستی و بیولوژیکی، هم بعد روانی، هم بعد اجتماعی و هم بعد معنوی شخصیت فرد در معرض تغییر و تحول سریع قرار دارد.

بسیاری از جوامع به خصوص جامعه ما برای بهره‌وری از اوقات فراغت، از برنامه‌های سرگرم‌کننده، شادی‌آفرین و نشاط‌افزای رسانه‌ها استفاده می‌شود که برای این منظور هم در حقیقت گاه از ماهواره استفاده می‌کنند، انواع فیلم، شو، سریال، مسابقه و ورزش از این گروه‌ها هستند. اما عده دیگری که ظاهراً زیاد هم نباید باشند، به خاطر برنامه‌های مبتذل و مستهجن از ماهواره استفاده می‌کنند و برنامه‌هایی را نگاه می‌کنند که جنبه‌های خصوصی زندگی‌های زناشویی و جنسی را مطرح می‌کند قاعدتاً آن هم به اعتبار این که:

انسان حریص علی ما منع، من فکر می‌کنم این قسمت مخرب است و تأثیر منفی دارد. اما اگر ما به این جمع‌بندی برسیم که ماهواره وسیله ارتباطی بین‌المللی تأثیرگذاری است که طیف قابل توجهی با انگیزه‌های مثبت و سازنده به سراغ آن می‌روند یعنی هم برای کسب اطلاع، هم برای بالا بردن دانش و آگاهی و هم برای سرگرمی و تفریح، دیگر باید ذهنیت و نگرش خود را به این سمت سوق دهیم که با شکل دادن به شخصیت انسان جنبه‌های مخرب و منفی ماهواره را از بین ببریم و افراد را علیه آن واکنش‌ها کنیم. ما همین بحث را در مورد سلامت و زلزله هم داریم. یعنی اگر می‌خواهیم با تأثیر تکانش‌های درون زمین (که امری طبیعی، بدیهی و لازمه سلامت کره زمین است) مبارزه کنیم باید بر روی گسل‌خانه‌ها نساازیم و یا اگر می‌سازیم اصول فنی - مهندسی را رعایت کنیم و بناهای ساخته شده قبلی را هم اصلاح کنیم اما هیچ وقت نمی‌توانیم بگوییم که می‌توانیم جلوی حرکات و تکانش‌های درون زمین یا امواج دریا را بگیریم؛ موج دریا اصولاً ضرورت دریا است، ضرورت سالم ماندن آن است. همین بحث در مورد زمین هم هست و همین وضعیت را در مورد آدم‌ها داریم یک سری موجودات ریز مانند

باکتری‌ها و ویروس‌ها وجود دارند که ما نمی‌توانیم آنها را از بین ببریم تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که با انجام اقدامات پیشگیرانه‌ای که در طب به عنوان واکسیناسیون از آن یاد می‌کنیم ابتدا به ایمن‌سازی افراد بپردازیم و بعد اگر کسی آلوده و مبتلا شد او را به سرعت مداوا کنیم. احساس من این است که در برخورد با تهاجم فرهنگی اولاً باید با یک دید جامع نگاه کرد یعنی رفتن هر کس به طرف ماهواره را صرفاً به دید تهاجم فرهنگی و یا ضدارزش نگاه نکنیم چون ممکن است انگیزه‌های دیگری در کار باشد و دوم این که مسائل مخرب و زیان‌آور را کم کنیم و به حداقل برسانیم و یا اصلاً از بین ببریم اما در عین حال استفاده افراد از ماهواره را هم منع نکنیم.

○ من بحث شما را موقتاً با یکی دو سؤال که به همین مناسبت است قطع می‌کنم: شما در شکل‌گیری شخصیت انسان چهار بعد را مطرح فرمودید. آیا واقعاً از نظر علمی، نقطه تعادل تعریف شده و مورد اجماعی برای این ابعاد وجود دارد؟ از این جهت می‌پرسم که برای مثال، ما در بحث زلزله و استحکام ساختمان‌ها یک سری مشخصات فنی داریم که اگر تأمین شود شدت تخریب زلزله را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، سؤال اول من این است که آیا تعریف علمی‌ای برای تعادل روانی اشخاص وجود دارد و آیا می‌توان گفت که به فرض، این فرد در این لحظه سالم است و در قبال برخی تکان‌های اجتماعی و فرهنگی تا حدودی ایمن است یا نه؟ سؤال دوم این که مسائل جوانان ما را به خصوص امروزه، ناشی از عدم تعادل در کدام یک از این ابعاد شکل‌دهنده به شخصیت آنها می‌دانید؟

● تعریف علمی‌ای که از سلامت ارائه می‌دهند و نقطه مورد توجه شما است این است که باید نوعی تعادل بین این چهار بعد باشد. تعریف سازمان بهداشت جهانی نیز این است که فرد سالم باید از نظر جسمی و روانی سالم باشد و از جهت رفاه اجتماعی، در وضعیت مطلوب به سر ببرد، یعنی هر سه بعد را مورد توجه قرار می‌دهند. با این تعریف ممکن است خیلی‌ها سالم نباشند و برای همین ما معتقدیم که رفاه اجتماعی را باید رفاه نسبی تلقی کنیم زیرا طیف بسیار گسترده‌ای دارد. حال اگر بخواهیم بعد معنوی را بگوییم، می‌گوییم باید ارتباط منطقی و معقول با خالق خود و مبدأ آفرینش داشته باشد و در نظام هستی محلی از اعراب، برای جایگاه خود بیابد. این به اصطلاح یک نقطه تعادل است که البته نسبی است. سلامت جسمی - روانی و برخورداری از رفاه اجتماعی ممکن است در هر انسانی درجه‌ای متفاوت

داشته باشد اما سن جوانی نقطه‌ای است که هر سه، بلکه هر چهار بعدش در حال تغییر و تحول است. در دوران بلوغ بیشترین تغییرات جسمی، بیولوژیکی و زیستی را داریم. از درآمدن ریش پسرها تا تغییراتی که در برخی اندام‌ها و اعضای خانم‌ها ایجاد می‌شود یا تغییر در شکل فرد و نوع ساختار اسکلتی او، اینها تغییرات بیولوژیکی است. اما از نظر تغییرات روانی نیز معمولاً در این مرحله از سن، گرایش جوانان نسبت به دوستان و همسالان و اعتماد آنان به همسالان و هموعان در قیاس با خانواده بیشتر می‌شود. معمولاً در این مقطع گرایش به فعالیت‌های اجتماعی و نوع دوستانه بیشتر است و تقریباً حالتی از طغیانگری و عصیانگری نسبت به خانواده و وضعیت سنتی آن به وجود می‌آید که ناشی از تغییرات روانی است. تغییرات اجتماعی جوانان نیز به گونه‌ای است که معمولاً ترتیب تشکل‌های گروهی و جمعی می‌دهند و در برنامه‌های مختلفی از قبیل برنامه‌های فرهنگی، هنری، مذهبی و سیاسی شرکت می‌کنند، البته در بعد معنوی هم همین است. در سن نوجوانی و جوانی، هم امکان عقب کشیدن و زیر پا نهادن همه مقررات و فعالیت‌های مذهبی و معنوی وجود دارد و هم گرایش افراطی یا حداقل جذب شدن به مسائل معنوی. می‌خواهم بگویم در این سن، همه چیز در حال غلیان است یعنی بیشترین آسیب‌پذیری را از جهت عدم تعادل و اصطکاک‌های بین این ابعاد در سن نوجوانی داریم، یعنی جایی که افراد می‌خواهند از یک وضعیت وابسته مستقل شوند، از مرحله کودکی و نوجوانی به مرحله جوانی برسند و از فردی بلوغ نیافته به فردی بالغ تبدیل شوند. همه اینها بسیار تأثیرگذارند یعنی تغییرات زیستی بر تغییرات روانی اثر می‌گذارند، تغییرات روانی بر تغییرات زیستی و تعاملات اجتماعی بر همه اینها.

○ اجازه بفرمایید بحث واکسیناسیون و ایمن‌سازی را نقطه تمرکز قرار دهیم. من خواهش می‌کنم که آقای دکتر دو نکته را مورد عنایت بیشتر قرار دهند یکی این که ما در بحث ماهواره‌ها و برنامه‌های صوتی و تصویری، گستردگی پوشش و نفوذی را داریم که قاعدتاً همان طور که شما فرمودید، در ابعاد اجتماعی و عرفانی تا این حد وجود ندارد. برای مثال، نوجوانی را تصور بفرمایید که حداکثر با تعداد محدودی از همسالان، اقوام و یا آشنایان دور خود تماس دارد و در ارتباط محدودی با محله و جامعه خویش است اما در برخورد با ماهواره‌ها که می‌توان گفت گستره پوشش آنها حد و مرزی نمی‌شناسد از ابعاد مختلف، تحت تأثیرات دامنه‌داری قرار می‌گیرد. نکته دوم این که در بحث ماهواره‌ها حکومت‌ها و صاحبان سرمایه پشت قضیه هستند و چه بخواهیم و چه نخواهیم بخش اعظمی از مباحث نظری مربوط

به حوزه ارتباطات را همین مسئله تشکیل می‌دهد. ماهواره‌ها پدیده‌های تکنولوژیکی نیستند که به طور طبیعی در جامعه عمل می‌کنند بلکه ابزاری هستند که در اختیار حکومت‌ها، سرمایه‌داران و افرادی قرار گرفته‌اند و آنها که به دنبال سود خود هستند و سیاستگذاری خودشان را در سطح جهانی و بین‌المللی دنبال می‌کنند. اگر بخواهیم این دو ویژگی را در بحث دخالت دهیم بحث واکسیناسیون و ایمن‌سازی را چگونه باید مطرح کنیم به ویژه این که در حال حاضر، حجم گسترده‌ای از مخاطبان آسیب‌پذیر ما را همان نوجوانان و جوانانی تشکیل می‌دهد که فرمودید نه تجربه کافی در برخورد با این گونه مسائل دارند و نه از دانش کافی برای استفاده درست از ماهواره برخوردارند.

● البته من فکر می‌کنم که فرمایش شما درباره دو ویژگی رسانه‌ها که هم گستردگی پوشش و نفوذ زیادی دارند و هم به نحوی با صاحبان سرمایه و حکومت‌ها در ارتباطند مؤید همان عرض من است که

امروزه رسانه‌های صوتی و تصویری در شکل‌گیری شخصیت و شکل و شمایل انسان از هر مقوله‌ای تأثیر بیشتری دارند و بنابراین واضح است که صاحبان سرمایه و قدرت هم روی آنها حساب باز می‌کنند و از این طریق به راحتی انسان‌هایی را تربیت می‌کنند و تعلیم می‌دهند که در راستای منافع و مصالح خودشان باشند، به همین دلیل من فکر می‌کنم که این نوعی تأکید بر جایگاه مهم رسانه‌هاست. اما نکته دوم این است که آیا ما می‌توانیم ماهواره‌ها را نادیده بگیریم؟ من معتقدم علی‌رغم این که صاحبان سرمایه پشت آن هستند ما نمی‌توانیم فناوری بسیار پیشرفته ارتباطات و اطلاع‌رسانی را

برای پاسخ‌گویی به میل مخاطبان به
تسبب اطلاع و آگاهی به عنوان یکی از
انگیزه‌های گرایش به ماهواره، صدا و
سیمما باید در بحث اطلاع‌رسانی سه نکته را
بیش از سابق مورد توجه قرار دهد:
اطلاع‌رسانی باید «درست و دقیق»،
«کامل و جامع» و «بدون مهت‌گیری
و گرایش فاص» باشد.

که در حال حاضر وجود دارد نادیده بگیریم پس چرا بحث واکسیناسیون را مطرح می‌کنیم؟ این به خاطر اهمیت مسئله است. واکسیناسیون چیزی نیست که به راحتی از آن بگذریم. من باز چون خودم یک پزشک هستم به سراغ مسائل طبی می‌روم. امروزه، ایدز به یکی از معضلات دامن‌گیر جامعه بشری تبدیل شده است و همه معتقدند که ما تا این لحظه درمان جدی، کافی، رادیکال و ریشه‌کن‌کننده‌ای برای آن نداریم پس باید به دنبال راه‌حل‌های پیشگیری‌کننده باشیم اما چه راه‌حل‌هایی؟ برای مثال،

مسدود کردن راه‌های انتقال؛ یعنی برای مسائل جنسی، انتقال خون، وسایل تزریق مواد مخدر و موارد دیگر راه‌حل پیدا کنیم. به عبارت دیگر، وقتی می‌بینیم پیشگیری کاری آسان نیست و پیدا کردن یک واکسن مشخص هم به راحتی ممکن نیست باید به دنبال راه‌های دیگری باشیم. واکسیناسیون مقوله گسترده‌ای است که مفهوم آن همان پیشگیری اولیه است یعنی در حقیقت ما چه کنیم که کمتر صدمه ببینیم، حالا وارد بحث پیشگیری ثانویه و نمی‌شویم. اگر من بخواهم در همین زمینه که مورد نظر شما است صحبت کنم می‌توانم برداشت‌های شخصی‌ام را بگویم البته با توجه به بضاعت‌های فکری کمی که دارم مطمئناً دیگران هم باید آن را تکمیل کنند. من تصور می‌کنم که اگر همان انگیزه‌های

**برای رفع نیاز به سرگرمی و تخریب به
عنوان انگیزه دوم گرایش به ماهواره.
توجه بیشتر دست‌اندرکاران به سه
نکته را پیشنهاد می‌کنم: افزایش
محتوای «شاد». شادابی و سرور در
برنامه‌ها». «توجه به تنوع برنامه‌ها
و امتزاج از کلیشه‌ها» و از همه
مهم‌تر «هدفتان بودن برنامه‌ها».**

گرایش افراد به ماهواره را طبقه‌بندی کنیم می‌بینیم که یکی از این انگیزه‌ها کسب اطلاع و آگاهی است. خوب ما چه کار می‌توانیم بکنیم؟ مسلماً رسانه ملی یعنی صدا و سیما ملی ما باید در بحث اطلاع‌رسانی سه نکته را بیش از سابق مورد توجه قرار دهد: اول اطلاع‌رسانی دقیق و درست، یعنی به هر جهت و به دلیلی از اطلاع‌رسانی دروغ و غلط به تصور این که «دروغ مصلحت‌آمیز بهتر از راست فتنه‌انگیز است» پرهیز کند. اطلاع‌رسانی درست و دقیق یک گام به سمت اقدامات پیشگیری‌کننده است، چون در این شرایط دیگر نوجوان، جوان، مدیر و سیاستمدار ما دلیلی نمی‌بینند که اطلاعاتش را از

رسانه‌های خارجی بگیرد. دوم اطلاع‌رسانی کامل و جامع. ما باید این واقعیت را بپذیریم که اطلاع‌رسانی نباید به هر دلیلی که خوشایند ما نیست ناقص عمل کند. فرد می‌خواهد از هر اتفاقی که در داخل کشور، فلان محفل، مرکز یا دانشگاه رخ می‌دهد مطلع باشد برای همین هم مثلاً اگر اینجا گفته شود که عده‌ای قصد تخریب داشته‌اند، به رسانه خارجی روی می‌آورد تا از جریان کامل‌تر قضیه آگاهی پیدا کند و خوب قاعدتاً رسانه‌های خارجی هم کار خود را می‌کنند. بنابراین همان طور که رعایت دقت و صحت اهمیت دارد، کامل و جامع بودن نیز مهم است. سوم این که از لحاظ علمی، نظام اطلاع‌رسانی باید بدون جهت‌گیری و بدون گرایش باشد. اگر جهت‌گیری و گرایش خاصی داشته باشد بعد از مدتی افراد می‌روند تا ببینند دیگران چه می‌گویند. شما خاطرتان هست در دهه قبل که نظام کمونیستی در مقابله با

سرمایه‌داری بود، دو رسانه متفاوت از این دو جهان متفاوت صحبت می‌کردند؛ هم تفسیرهای متفاوت ارائه می‌دادند و هم اطلاع‌رسانی و جهت‌گیری‌های متفاوتی داشتند. من فکر می‌کنم تجربه نشان داده است که مردم به عنوان مشتری واقعی رسانه‌ها در دراز مدت داور خوبی برای آنها هستند هر چند که در کوتاه مدت ممکن است اشتباه کنند. به هر حال امروزه می‌گویند مؤسسات علمی، تولیدی و فرهنگی باید مشتری محور باشند. حتی جالب است که اهل علم هم می‌گویند باید مشتری محور باشیم، یعنی این که بینیم خواست طرف مقابل چیست؟ در مورد تولیدی‌ها و در مورد مؤسسات فرهنگی، علمی و پژوهشی هم همین را می‌گویند. می‌گویند ببینید خواست مشتری چیست؟

مشتری رسانه‌ها مردمند. اگر بفهمند که در بعد اطلاع‌رسانی اطلاعات رسانه ناکافی یا خدای ناکرده غلط و با گرایش‌های خاص است به سرعت از آن فاصله می‌گیرند بنابراین، این یک اقدام مهم در جهت واکسیناسیون است ۲- دومین انگیزه‌ای که مردم را به سوی ماهواره می‌کشاند سرگرمی است، این طبیعت آدمی است. من اجازه می‌خواهم که اول این حدیث را از پیامبر بزرگوارمان نقل کنم: الخلق عیال احبا من نفع عیال و ادخل اهل بیت سروراً. خلق خانواده خدا هستند و کسی نزد خدا محبوب‌تر است که از او نفعی به

ما باید به عده‌ای که بر اثر اعتیاد به رسانه‌های بیگانه و ماهواره‌ها روی آورده‌اند. به چشم یک بیمار نگاه کنیم و با نگرش طبیبانه به آنها کمک کنیم که به شکلی از این وابستگی و اعتیاد مفرج و مهلک نجات پیدا کنند.

مردم برسد و داخل خانواده‌ها نشاط و شادمانی وارد کند. این حدیث به صورت عام بیان شده یعنی می‌خواهم بگویم که پدیده غیرمأنوسی نیست. ما باید بپذیریم که در جامعه ما متأسفانه به خصوص بعد از انقلاب، تصوّر بر این بوده که فضای شادی و طراوت یک فضای ضدارزش است و نظام رسانه‌ای ما هم به نحوی از انحا تحت تأثیر این نگرش قرار گرفته است. بنابراین اگر ما پذیرای این مطلب باشیم که درصدی از افرادی که به سوی رسانه‌های صوتی - تصویری و ماهواره‌ها می‌روند انگیزه تفریح و سرگرمی دارند، نتیجه می‌گیریم که باید در تولیدات رسانه‌های داخلی و در صدا و سیما خودمان برنامه‌های جنبی و سرگرم‌کننده داشته باشیم آن هم با در نظر گرفتن سه موضوع یا مقوله‌ای که در اینجا ذکر می‌کنیم: یکی افزایش محتوای نشاط، شادابی و سرور در برنامه‌ها، شما اگر همین الآن یک ارزیابی داشته باشید که احتمالاً دارید (بالاخره یکی از کارهای فصلنامه شما هم سنجش است)، می‌بینید پربیننده‌ترین برنامه‌های صدا و سیما برنامه‌های شاداب است. حالا سریال‌ها سرگرمی‌ها، دیدنی‌ها و

پس محتوای برنامه‌ها را باید کمی شاد کنیم. دوم توجه به متنوع بودن برنامه‌ها یعنی پیوسته نخواهیم مسائل کلیشه‌ای و تکراری مورد بحث در سریال‌ها و فیلم‌ها را نشان دهیم و سوم هدفمند بودن برنامه‌ها که شاید مقدّم بر همه اینها باشد. ما بعضی وقت‌ها فراموش می‌کنیم که مثلاً با ایجاد یک فضای با نشاط و شاداب باید هدفی را هم تعقیب کنیم. بعضی اوقات سریال‌هایی تهیه می‌شود که فقط می‌خواهد مخاطب خود را بخنداند غافل از این که این کار بدآموزی هم دارد. مثلاً یک نوع طرز تفکر یا رفتاری که

در جامعه ما و یا اصلاً در نگرش ملی و بین‌المللی مطلوب نیست دروغ گفتن یا چند چهره بودن است، وقتی چنین شخصیتی را نمایش می‌دهیم باید بدانیم که یک جایی باید سرش به سنگ بخورد، باید بدانیم که این گونه رفتارها ضمن خنده‌دار بودن باید هدفی را هم دنبال کند. من در برخی فیلم‌های خارجی دیده‌ام که حتی صحنه‌های متأسفانه مبتذل هم در نهایت، هدفی را تعقیب کرده است. مثلاً کسی که چشم طمع به ناموس دیگری داشته در نهایت کشته شده و یا مشابه این اتفاق برای خانواده خودش افتاده است. حالا منتها آنها برای جذابیتش سعی می‌کنند

از صحنه‌های مبتذل هم استفاده کنند. بنابراین اگر برنامه‌ها هم شاد باشند، هم متنوع و هم هدفمند امکان جلب و جذب مردم به رسانه‌های داخلی را فراهم می‌آورند. اما در نهایت، بحث آخر، مقوله توجه به برنامه‌های مبتذل و مستهجن است که مطرود و مورد انزجار تمام محافل علمی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. این هم نظام خلقت بشر است که یک گرایش این طرفی هم دارد. در مورد خود حضرت آدم هم خداوند فرمودند طرف این درخت نرو ولی شیطان وسوسه‌اش کرد. این را بپذیریم که چنین گروهی هم هستند اما قرار نیست که سرمایه‌گذاری ما همه‌اش روی اینها باشد. به نظر من با افزایش آموزش‌های فرهنگی و یک سری آموزش‌های اجتماعی و علمی در زمینه خطرات و مضرات این گونه برنامه‌ها می‌توان با این افراد صحبت کرد. من فکر می‌کنم در بحث واکسیناسیون که یک اصطلاح کلی است گروهی باید بنشینند و فکر کنند که چه جاذبه‌ها و انگیزه‌هایی برای رفتن به طرف ماهواره‌ها و رسانه‌های بیگانه وجود دارد؟ و ما چه کاری می‌توانیم در این مورد انجام دهیم. این می‌شود مرحله اول که مرحله پیشگیری است اما یادمان باشد که یک تعداد تاکنون رفته‌اند و احتمالاً آلوده شده‌اند. ما اینجا

اگر ما بتوانیم اعتماد مردم را به عنوان مشتریان اصلی به ما کمیت فودوی، به نظام فودمان و به تبع آن رسانه ملی بیشتر کنیم در واقع در به مداخل رساندن استفاده از ماهواره یک گام اساسی برداشته‌ایم.

به مرحله دوم که طب اجتماعی است می‌آییم و می‌گوییم که این مرحله، مرحله درمان است. در مرحله اول مثلاً باید تلاش می‌کردیم که مبتلا به سل نشویم و واکسن بزنیم ولی حالا که مبتلا شده‌ایم باید به سرعت درمان شویم. درمان سریع مستلزم این است که هم خود فرد بپذیرد بیمار شده است، هم خانواده‌اش و هم جامعه‌ای که شامل پزشکان هم می‌شود. به عبارت دیگر ما باید به عده‌ای که بر اثر اعتیاد، به رسانه‌های بیگانه و ماهواره‌ها روی آورده‌اند، به چشم یک بیمار نگاه کنیم و با نگرش طبیبانه به آنها کمک کنیم که به شکلی از این وابستگی و اعتیاد مخرب و مهلک نجات پیدا کنند. مسلماً تعداد قابل توجهی از این افراد اگر احساس امنیت کنند و ببینند که دیگران می‌خواهند به آنها کمک کنند به این طرف کشیده می‌شوند. اما به هر حال قرار نیست که ما از آنها ناامید شویم، چنین افرادی در همه جوامع و دوران‌ها بوده‌اند و همه آنها متعلق به مردم ما و جمعیت ما هستند، ما هم باید با برنامه‌های بازتوانی و توانبخشی که مرحله سوم پیشگیری است آنها را معالجه کنیم. گروه سوم، گروهی هستند که به بیماری مزمن مبتلا شده‌اند و باید کاری کنیم که به جامعه باز گردند و حداقل وارد فعالیت‌های روزمره شوند این سطح کسانی هستند که قدری پیشرفته‌ترند و باید برای آنها یک سری برنامه‌های دیگر در نظر بگیریم (هر کس از ظن خود شد یار من) من دارم از زاویه روان‌پزشکی و رشته تخصصی خودم به قضیه نگاه می‌کنم.

○ من فکر می‌کنم که دیدگاه کلی شما نسبت به نحوه استفاده از ماهواره یعنی رویکرد جامع نسبت به ماهواره در سطح سیاست‌گذاری را از خلال فرمایش‌هایتان می‌توان استفاده کرد اما خوب است که این مسئله را صریح‌تر هم از شما سؤال کنیم: به هر حال ماهواره وجود دارد و همه مخاطبان آن هم

انسان‌های کاملی نیستند به ویژه جوانان که در این زمینه بسیار آسیب‌پذیرند، به نظر حضرتعالی در شرایط امروز راهکار عملی و ملی ما، برای بحث ماهواره چه می‌تواند باشد؟

● سؤال بسیار مشکلی است، در شرایط امروزی کشور ما راهکارهای اجرایی و عملی برای رسیدن به این مقوله کار دشواری است. من اعتقادم این است که اگر ما بتوانیم اعتماد

اطلاع‌سانی دقیق به عموم مردم در مورد مزایا و مضار استفاده آزاد و بی‌قید و شرط از ماهواره و این که مضار آن بر منافعش غلبه دارد موجب می‌شود خانواده‌ها خودشان در برابر ماهواره مقاومت کنند و یا حداقل از آن استفاده مشروط و با رعایت جوانب لازم نمایند.

مردم را به عنوان مشتریان اصلی به حاکمیت خودی، به نظام خودمان و به تبع آن رسانه ملی بیشتر کنیم در واقع در به حداقل رساندن استفاده از ماهواره یک گام اساسی برداشته‌ایم. در روان‌پزشکی اصطلاحی داریم که می‌گوید بیماری که به ما مراجعه می‌کند باید پذیرش این را که من در جایگاه یک پزشک حاذق، ماهر، دلسوز و امین هستم و او هم در جایگاه یک بیمار مددجو داشته باشد و این کار سختی است، به همین دلیل هم می‌گویند که روان‌پزشک نمی‌تواند خانواده خودش را معالجه کند. پس این یک بحث بسیار مهم است و ما باید بپذیریم که در این زمینه به هر دلیلی، بد عمل کرده‌ایم. بدون این که بخواهیم فرد یا مؤسسه‌ای را متهم کنیم باید بپذیریم که بزرگ‌ترین سرمایه نظام ما که اعتماد و مقبولیت مردم است نباید خدشه‌دار یا کمرنگ شود چرا که مشتری ما مردم هستند. من فکر می‌کنم باید به گونه‌ای عمل کرد که اعتماد مردم جلب شود. در بحث رسانه‌ای در مورد این موضوع که شما می‌فرمایید ماهواره اثرات سوء دارد و به حق هم هست ممکن است فردی بگوید من می‌دانم که ماهواره عوارض سوئی دارد اما در کنار آن اطلاع‌رسانی درست یا بدون جهت‌گیری هم دارد. در چنین شرایطی اگر حاصل برداشت او از استفاده ماهواره این باشد، هر چه ما بیابیم صحبت کنیم و معلم و پدر و مادر بگویند، بی‌تأثیر است. در اینجا ما نیاز به اعتمادسازی داریم، در این زمینه یک سری از برنامه‌ها را برخی از کشورها اجرا کرده‌اند، مثلاً برای کسانی که برای اطلاع‌رسانی سراغ ماهواره می‌روند اخبار را کاملاً رله می‌کنند. همان طور که بعضی از کشورها مثلاً CNN را به شبکه تلویزیونی خود رله می‌کنند ولی تبلیغات بازرگانی و برنامه‌های مستهجن را کنار می‌گذارند. ما می‌توانیم حتی در بحث مقوله سرگرم‌کننده، برنامه‌هایی را که منافات چندانی با مقوله‌های ارزشی ندارد پخش کنیم و این ممانعتی را که خودش نتیجه را تشدید می‌کند برداریم یعنی با همان استفاده مشروطی که عرض کردم، حداکثر امتیاز را از منافع این برنامه‌ها ببریم و از مضار و معایب به حداقل بسنده کنیم. قاعدتاً نظام می‌تواند در این زمینه سرمایه‌گذاری کند تا ما در نهایت بین بد و بدتر، بد را انتخاب کنیم به عبارت دیگر، حالا که می‌دانیم تعداد زیادی از جوانان و نوجوانان ممکن است با وجود ممنوعیت استفاده از ماهواره از آن استفاده کنند، به نحوی سهل‌الوصول‌تر این استفاده را تعدیل کنیم. البته باید اذعان کرد که سؤال سختی است و پاسخ آن نیاز به ارزیابی و کارشناسی افراد خبره و سیاست‌گذارانی دارد که باید برای این کار راه‌حل ارائه کنند.

○ بر اساس آنچه فرمودید، نظر شما در مورد تکلیف حاکمیت در برخورد با ماجرا تا حدودی روشن می‌شود اما این نکته باقی می‌ماند که اگر فرض کنیم ما در حال حاضر باید یک دوره گذار را پشت سر بگذاریم به دلیل این که هم حاکمیت هنوز به یک برنامه منسجم و دقیق نرسیده و هم مسئولان که در دو طرف طیف قرار می‌گیرند نظریات غیرمتعادلی ارائه می‌دهند - مثلاً عده‌ای می‌گویند که ماهواره هیچ ضرری ندارد و باید آزاد باشد و بعضی عقیده دارند که به کلی باید محدود شود - تا حاکمیت در این زمینه به یک جمع‌بندی برسد (یعنی همان کار کارشناسی که مورد نظر شماست، عملاً محقق بشود) ما این مرحله گذار را داریم. در این مرحله قاعدتاً هم خانواده‌ها نقش اساسی خواهند داشت و هم بعضی از نهادهای فرهنگی، اجتماعی و تربیتی مانند حوزه‌های علمی، دانشگاه‌ها و نهادهایی از این قبیل. در این مورد هم نظرتان را بفرمایید؟

● ببینید من اول این قسمت از فرمایش شما را که در حقیقت نتیجه‌گیری صحبت‌های خودم هم هست، تأیید کنم که من مطمئناً به این علت که معتقدم رسانه‌ها نقش به‌سزایی در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها و در دراز مدت، فرهنگ‌سازی دارند، به صورت اولی عقیده دارم که نظام حکومتی باید در این زمینه نقش داشته باشد منتهی در حدی که می‌تواند. اما نگاه دوم که خود شما فرمودید این است که حداقل مسئولان رده‌ارشد در برخورد با این مقوله نگرش واحدی ندارند و به تعبیری ممکن است هر یک از آنها در یکی از این طیف‌ها قرار بگیرند، یعنی یا بگویند استفاده مطلق از ماهواره آزاد است و یا این که ممنوعیت دارد. وفاق و اتحاد در این زمینه و یا حداقل هم‌فکری و تصمیم‌گیری واحد نیاز به بررسی‌های مستمر و برگزاری جلساتی مرکب از دست‌اندرکاران دارد که باید با گرایش‌های مختلف و سلیقه‌های گوناگون خود یکدیگر را قانع کنند، این بحث‌هایی است که امروزه به عنوان نظام دموکراسی در سطح بین‌المللی از جمله نظام پارلمانی ما هم وجود دارد، یعنی مخالف و موافق حرف خود را می‌زنند اما در نهایت از نظر جامعه تبعیت می‌کنند. ما باید این بحث را بپذیریم که وقتی ما می‌گوییم اقتناع شدن، یعنی این که من حرفم این است و ممکن است استدلالم هم خیلی محکم باشد ولی جامعه آن را نمی‌پذیرد. حتی در بحث جنگ با گروه خوارج هم خیلی وقت‌ها اصحاب نظر حضرت علی(ع) را نپذیرفتند. من می‌خواهم بگویم که این بحث‌ها باید باز شود منتها نه در فضای عام، یعنی دیدگاه‌های موافق و مخالف سطح‌بندی شده و در عین حال مسائل بومی کشور هم دیده شود. همین الان حتی

افرادی که معاندتی با نظام دارند، چهارچوب مقررات ارزشی ما را قبول ندارند، خیلی هم پایبند دین و دیانت نیستند از این که فرزندانشان در خارج از کشور شاهد صحنه‌های قبیح و زشت روابط آشکار و عریان جنسی هستند ناراحتند. یکی از دوستان می‌گفت در لبنان حتی مسیحی‌ها هم ترجیح می‌دهند وقتی که در جمع خانوادگی هستند، تلویزیون المنار را نگاه کنند زیرا فکر می‌کنند که حریم‌ها را رعایت می‌کند. یعنی این یک بحث فقهی است و طرح این قضایا با رعایت مسائل بومی یکی در بحث کارشناسی باید باشد یکی در بحث تصمیم‌گیری و یکی هم در سطح اطلاع‌رسانی و برای عموم مردم تا روشن شود که استفاده آزاد و بی‌قید و شرط از ماهواره چه مضراتی را ایجاد می‌کند و در کنارش چه محاسنی دارد و کدام بر دیگری می‌چربد مثل بحث مقوله‌الکل که باز در یک تعبیر قرآنی هست که مضارش از منافعش بیشتر است، از نظر روان‌پزشکی، الکل قدری خاصیت آرام‌بخشی دارد ولی در قبال آن، مضرات بسیاری دارد و در نتیجه نگرش بسیار زیبا، عالمانه و محققانه قرآن این است که مضارش بر منافعش می‌چربد. ما باید این مسئله را با همین دید بررسی کنیم، یعنی ببینیم در کنار به دست آوردن اطلاعات دقیق‌تر و در کنار برنامه‌های شادابی که می‌بینیم چه چیزهایی را از دست می‌دهیم. این که بعضی از قتل‌ها، جنایت‌ها و مهارگسیختگی‌های رفتاری و جنسی و خانوادگی ارتباطی با این قضیه داشته است یا نه از مقوله‌هایی است که قاعدتاً اگر اطلاع‌رسانی شود موجب می‌شود خانواده‌ها خودشان مقاومت یا مخالفت کنند و یا حداقل با استفاده مشروط سعی کنند جوانب لازم را رعایت کنند. حوزه و دانشگاه نیز به عنوان یکی از جایگاه‌های بررسی و استخراج متون فقهی و دینی باید در سنگر تخصصی کار خود را بکنند و در مقوله حوزه جایی را که به اصطلاح نقطه‌نهایی و نقطه‌برش هست منع مطلق بکنند چون به هر حال باید یادمان باشد که در مباحث عام و گسترده، برای مثال، بحث موسیقی به صورت عام آن، هیچ کس نمی‌تواند بگوید چیزی مطلقاً بد است چنان که همین لحن صحبت کردن من هم یک نوع موسیقی است اما اگر آن دسته از موسیقی‌هایی را که به تعبیر اسلام لهو و لعب و تخدیرکننده است مشخص کنیم می‌توانیم آن را منع کنیم. به هر حال مردم هم زمینه پذیرش دارند وقتی تأثیر تخدیرکننده چیزی مثل الکل و مسکرات را بدانند منع آن را می‌پذیرند اما اگر به صورت عام گفته شود مردم هم می‌گویند اینها با هر چیزی که علم است یا نشاط‌آور است، نظر مخالف دارند. در بحث ماهواره هم علما و حوزه باید در جایی که به دید یقین می‌رسند مثلاً استفاده از برنامه‌های مبتدل مستهجن از قبیل دیدن صحنه‌های عریان روابط جنسی و توجه داشته باشند که اکثر قریب به اتفاق مردم ما دین دارند، مسلمان هستند،

معتقدند و برای آینده بچه‌هایشان ارزش فائند و قطعاً محدودیت‌ها را می‌پذیرند، اما اگر به صورت عام و کلان گفته شود که استفاده از رادیو بیگانه، رسانه بیگانه و ماهواره غلط است مقاومت می‌کنند. به نظر من نقش اساسی که دانشگاه‌ها می‌توانند داشته باشند این است که منافع و مضار را استخراج کنند، ارزیابی کنند و با برنامه‌های نظرسنجی و برنامه‌های علمی دیگر این را که کفه مضار آن بر منافعی می‌چربد با مشاهدات و مستندات علمی اطلاع‌رسانی کنند و محافل علمی، دینی و محافل سیاستگذار نیز با عزم ملی با این واقعیت جهان شمولی که در کنار گوش ما و در کنار خانواده ما وجود دارد به عنوان یک معضل که درجاتی از حسن و درجات زیاده‌تری از عیب را دارد برخورد کنند. من فکر می‌کنم که طی یک فرایند شش ماهه تا یک ساله بتوان خیلی از اقدامات عملی، اجرایی و عملیاتی را مشخص کرد تا حداقل ظرف یک سال آینده بخشی از کار تمام شده باشد. استفاده از دخانیات، سیگار و الکل مقوله‌ای مضر است اما آیا شما باورتان می‌شود که در حال حاضر جهان غرب بهتر و موفق‌تر از ما توانسته است در برابر سیر رو به تزایدی که در این زمینه شیوع دارد قدم بردارد؟ اطلاعات ما می‌گوید که ما متأسفانه در این زمینه خیلی

اولین اقدام قدرت‌های بزرگ
برای استفاده امنیتی و سیاسی از
برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای
این است که امنیت مردم را از
امنیت مآکمان تفکیک می‌کنند.

خوب و یا حداقل بهتر از آنها عمل نکرده‌ایم چون آنها با استفاده از متدلوژی علمی و روش‌های جامعه‌پسند و بعضی مواقع هم با استفاده از ابزار قانون، مثلاً گفته‌اند که فروش مواد الکلی و سیگار برای نوجوانان اکیداً ممنوع است و اگر کسی اقدام به این کار بکند جریمه می‌شود، چه کسی که استفاده کرده و چه کسی که می‌فروشد یعنی آنجا هم این‌طور نیست که صورت عام داشته باشد. باید مسائل را تفکیک کنیم و راه‌حل آنها را روشن و شفاف و مرحله به مرحله ارائه دهیم، بعضی مواقع لازم است اطلاع‌رسانی عمومی در نظام آموزشی و تربیتی ما جای بگیرد و بعضی مواقع لازم است که قوانین و مقرراتی وضع شود. البته راه‌های دیگری هم وجود دارد.

○ تأثیرات امنیتی استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید آیا فکر می‌کنید که ماهواره واقعاً می‌تواند امنیت ملی را به مخاطره بیندازد؟ اگر این‌طور است آیا فکر نمی‌کنید در کنار تحلیل‌هایی که از برنامه‌های مبتذل می‌کنیم بهتر است برنامه‌هایی را که به ظاهر جنبه اطلاع‌رسانی دارند به خاطر

تأثیرات امنیتی‌شان مستثنی کنیم؟ ضمن آن که حتی برخی از برنامه‌هایی را هم که جنبه تفریحی و سرگرمی سالم دارند و می‌توانند پیامدهای امنیتی داشته باشند باید با دید عمیق‌تری نگاه کنیم. این موضوع سابقه‌ای هم در ادبیات ارتباط جمعی دارد که به سال‌های ۵۰ و ۶۰ برمی‌گردد. در این مقطع یونسکو و امریکا بر سر این قضیه اختلاف‌نظر شدید داشتند. امریکایی‌ها بر اساس نظریه جریان آزاد اطلاعات معتقد بودند که ماهواره‌ها می‌توانند هر نوع برنامه‌ای را به کشورهای دیگر بفرستند اما یونسکو این را منافی حاکمیت دولت‌ها می‌دانست و اندیشمندان غربی هم طرفدار این موضع بودند. اما نکته دیگر این که همین اخیراً، در تحقیقاتی که بعد از جنگ خلیج فارس انجام گرفت، محققان نوشتند که در این مدت سخت‌ترین محدودیت‌های اطلاع‌رسانی را کشور امریکا بر رسانه‌های جمعی خود اعمال کرد و حتی گفته شد که CNN و شبکه‌های تلویزیونی دیگر تحت نظارت و هدایت کامل پنتاگون و دستگاه امنیتی امریکا عمل کردند. موارد مشابه دیگری هم وجود دارد که برخی از سیاستمداران به روشنی مطرح کرده‌اند. اخیراً هم نتانیاهو نخست‌وزیر اسبق اسرائیل گفت که اقدامات علیه ایران و ... را باید از طریق ماهواره‌ها اعمال کنیم، خواهش می‌کنیم شما نظرتان را در مورد این مسائل بفرمایید.

● اگر سؤال این باشد که ماهواره‌ها تأثیری بر امنیت ملی کشورها دارند یا نه جواب مثبت است قطعاً تأثیر دارند هم بر ابعاد شکل‌گیری شخصیت انسان هم بر جهت‌گیری افراد و هم بر امر اطلاع‌رسانی. ضمن این که در این زمینه هم که مثلاً امریکا، کشورهای غربی و کشورهای سوسیالیستی، کمونیستی به نحوی از انحا در موقعیت‌های مغتنم، حداکثر سانسور را بر رسانه‌ها و ارتباطاتشان اعمال کرده‌اند تردیدی نیست.

○ اطلاع‌رسانی در کشورهای غربی به خصوص در امریکا به ظاهر آزاد صورت می‌گیرد و در واقع برنامه‌ریزی شده است.

● مسلم است منتها ببینید افتراق مسئله و آنچه صاحبان سرمایه می‌خواهند از آن استفاده کنند این است که به هر حال آنها می‌خواهند جهان یک قطبی و به صورت دهکده‌ای باشد که کدخدا دارد، پس باید قاعدتاً فرهنگ و رفتار مردم و اطلاع‌رسانی آنان به یک شکل در بیاید. آنها جهت‌گیری‌ها و اهداف

کلی خود را دارند اما آنچه مربوط به ما و جهان سوم می‌شود این است که ببینیم صاحبان سرمایه و قدرت‌های بزرگ که برای تغییر در نظام حکومتی و یا اختلال در مرزهای امنیتی کشور از ماهواره‌ها استفاده می‌کنند چگونه اقدام می‌کنند که موفق می‌شوند. اولین اقدام آنان این است که امنیت مردم را از امنیت حاکمان تفکیک می‌کنند. وقتی دیوار جدایی بین مردم و مسئولان ایجاد شد دیگر خیلی کار مشکلی نیست که آن نظام حاکمیتی و حکومتی را فرو بریزند. من احساس می‌کنم که تعابیر مکرر و پشت سرهم حضرت امام رحمتا علیه و مقام معظم رهبری مبنی بر این که نگذاریم این دیوار بین مردم و مسئولان ایجاد شود مطلب بسیار مهمی است. الان ۴-۲۳ سال از انقلاب می‌گذرد و کم و بیش، هم رسانه‌ها و هم این ارتباطات از اول انقلاب تا به حال بوده است اما آیا تأثیر پذیرش یکنواخت است، مسلماً نیست، شما امروز به راحتی می‌بینید بعد از هر حادثه‌ای که پدید می‌آید مثلاً پس از فوت یک مقام یا شخصیت مهم به سرعت شایعات گوناگونی در جامعه پخش می‌شود. این اوایل انقلاب هم بود اما تأثیرپذیری الآن با آن زمان فرق می‌کند. من فکر می‌کنم راهی که آنها می‌روند این است که این دو، یعنی مردم را از حاکمیت جدا می‌کنند و بعد واضح است که امنیت مردم در اولویت قرار می‌گیرد یا امنیت حاکمان. من فکر می‌کنم جایی که باید مواظب باشیم باد کلاهمان را نبرد اینجا است یعنی در داخل، ما باید این فاصله را کم کنیم و مردم و مسئولان را از خودمان بدانیم. مسئولان خود را خدمتگزار مردم بدانند و در عین حال با اطلاع‌رسانی شفاف با مردم در تماس باشند. در کنار اینها مردم هم باید اجازه داشته باشند اگر اشکالی، ایرادی، شبهه یا خطایی در کار مسئولان می‌بینند به راحتی بیان کنند و نخواهند از طریق دیگری مطرح شود. حداقل وقتی نوعی تعامل به وجود آمد و این دیوار کوتاه شد یا فرو ریخت، خلل کمتری پیش می‌آید و تأثیر مخرب امنیت کمتر می‌شود. البته واضح است همه کسانی که ماهواره را راه می‌اندازند مثل خود ما، می‌خواهند فرهنگ ملی و فرهنگ ارزشی خود را اشاعه دهند. در ژاپن، انگلستان، امریکا، اروپا، روسیه و همه جاهایی که ماهواره دارند همین وضعیت است یعنی ما این را تعقیب نکنیم که هرکس که پشت قضیه ماهواره است منفعتی دارد، این ما هستیم که باید مواظب باشیم کلاهمان را باد نبرد، ما اگر بتوانیم زیرساخت‌هایی را که در بعد امنیتی خلل ایجاد می‌کنند، محکم کنیم (از جمله اعتماد متقابل مردم به حاکمان)، راه سوء استفاده دشمن را می‌بندیم یا کم می‌کنیم. بنابراین من کار آنها را نقض نمی‌کنم اما می‌خواهم بگویم که ما از یک سوراخ نباید چند بار گزیده شویم. آنها اگر احساس کنند اختلاف، افتراق، اشکال یا شکافی بین حاکمیت و مردم وجود دارد اقدامات تخریبی خود را

بیشتر می‌کنند. ما باید در این زمینه‌ها همان بحث وفاق ملی، اتحاد ملی و این را که همه متعلق به این سرزمین هستیم و به نحوی در آن مشارکت داریم مطرح کنیم و اگر ایرادی در حاکمیت یا شکل‌گیری نظام می‌بینیم با کمک یکدیگر برطرف کنیم. قاعداً اگر نقد و انتقادی هم می‌شود باید زمینه پذیرش باشد، من فکر می‌کنم که اگر اینها را رعایت کنیم مشکل را به حداقل رسانده‌ایم. ما هم تبلیغاتی را برای اسلام ناب اشاعه می‌دهیم که برای امنیت خیلی از کشورها خطرناک است یعنی آنهایی که در جهت خلاف کشورهای اسلامی حرکت می‌کنند. بنابراین این بحث یک بحث عام است و ما در این جهان پر از تعامل فرهنگی یا پر از تعامل رسانه‌ای باید سعی کنیم که نقطه ضعفی نداشته باشیم و نقاط آسیب‌پذیرمان را برطرف کنیم.

○ از فرصتی که برای مصاحبه در اختیار پژوهش و سنجش قرار دادید بسیار سپاسگزاریم.

ماهواره‌ها و گوناگونی جهانی

مؤلف: حمید مولانا

استاد و مدیر بخش ارتباطات بین‌الملل دانشگاه امریکایی واشنگتن دی.سی

مترجم: محمود حقیقت‌کاشانی

پژوهشگر سابق مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما

اشاره

مقاله حاضر از پروفیسور مولانا با عنوان «ماهواره‌ها و گوناگونی جهانی» با نقل قولی جالب از والتر بوکینگ‌هام آغاز می‌شود: «تعداد بسیار معدودی از ما متوجه این امر هستیم که فناوری در همان حال که مسائل کهن بی‌شماری را حل می‌کند، مسائل بسیار و جدیدی را به وجود می‌آورد. همه پیشرفت‌های فناورانه سود خالص نیست». نقل قول مزبور که در صدر عنوان مقاله آمده است، کلامی است که به رغم سادگی معنایی عمیق و ژرف دارد و شاید بتوان گفت بسیاری از مشکلات عصر حاضر ناشی از بی‌توجهی به این گفته و نظایر آن است. نویسنده که از دست‌اندرکاران و پژوهشگران به نام و با سابقه در حوزه ارتباطات و اطلاعات و چهره‌ای شناخته شده در عرصه جهانی است، در ادامه، به حوادث تکان‌دهنده دهه‌های آخر قرن بیستم، از جمله حادثه ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند و با ذکر «معدودی از امواج تغییر»، نتیجه می‌گیرد که ظاهراً «روحیه‌ای از تغییر فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان را فرا گرفته است».

وی در ادامه اظهار می‌دارد: «با اطمینان بسیار می‌توان مسئولیت حسن و عیب این رویدادها را به شبکه‌های ماهواره‌ای نسبت داد که همه ما را از طریق تلفن، دورنگار و به ویژه امروزه از طریق اینترنت به یکدیگر مرتبط می‌کنند». نویسنده در ادامه به بررسی فناوری و

سیستم‌های اقتصادی غربی برای جامعه جهانی می‌پردازد و به تأثیرات این امر نظیر جدا کردن تولیدکننده از مصرف‌کننده، غیرشخصی‌سازی سیستم‌های اقتصادی، کاهش تنوع و نابودی «زبان‌ها و فرهنگ‌های به اصطلاح ابتدایی یا غیرغربی» اشاره می‌کند. نویسنده خواستار وارد کردن «احساسی از موثکافی فلسفی» به گفتمان ارتباطات بین‌المللی می‌شود و خطر عدم توجه به این امر را یادآوری می‌کند. وی این قسمت را با نقل قولی از هایدگر به پایان می‌برد: «تنها یک خدا می‌تواند ما را نجات دهد». نویسنده، مطلب را با اشاره به این که پس از پایان جنگ سرد با وجود تغییر مکان یافتن محورهای جغرافیایی - سیاسی از «شرق - غرب به شمال - جنوب» همان سلطه قدیمی بازگشته است، ادامه می‌دهد. نویسنده ضمن بسط مطالب بالا می‌افزاید: «با پیدایش انفجار اطلاعاتی و جامعه اطلاعاتی یکی از حیاتی‌ترین مسائل رو در روی جوامع اسلامی کنترل نهایی پردازش اطلاعات و فناوری در دوران الکترونیک معاصر و از میان رفتن تدریجی فرهنگ شفاهی (oral) یا سنتی است، فرهنگی که نیروی مقاومت عمده‌ای در رویارویی با سلطه فرهنگی بوده است» و در ادامه بحث این سؤال بنیادین را مطرح می‌سازد: «آیا جامعه اطلاعاتی جهانی‌ای که اکنون در حال ظهور است، استفاده اجتماعی از اطلاعات را تسهیل می‌کند یا مانع آن می‌شود و آیا این جامعه به دستیابی به اهداف و برآوردن نیازهای جوامع غیرغربی کمک می‌کند؟» نویسنده در سطور پایانی مقاله، ضمن بیان این مطلب که «سیستم‌های ماهواره‌ای می‌توانند ابزارهای قدرتمندی برای پل زدن بر شکاف بین مردم جهان و افزایش دانش باشند»، این سؤال را پیش می‌کشد که «آیا آنها واقعاً جهان را برای همه انسان‌ها در همه سرزمین‌ها، به جایی بهتر تبدیل می‌کنند؟»

در بسط و شرح آنچه در بالا مطرح شد، نویسنده به طرح مفاهیمی پرداخته است که بار سنگین آنها مانع ایجاز و اختصار است و تأمل بیشتر خواننده در مقاله را طلب می‌کند.

«تعداد بسیار معدودی از ما متوجه این امر هستیم که فناوری، در همان حال که مسائل کهن بی‌شماری را حل می‌کند، مسائل

بسیار و جدیدی را به وجود می‌آورد. همه پیشرفت‌های فناورانه سود خالص نیست» (والتر بوکینگ‌هام / Walter Buckingham).

دهه‌های آخر قرن بیستم با تکان‌هایی همچون تکان‌های یک زمین لرزه همراه بوده است. جهان در پیامد یازده سپتامبر از وحشت به لرزه در آمد و این لرزش همچنان ادامه دارد. هزاره جدید، آن گونه که دانیل بل (Daniel Bell) جامعه‌شناس پیش‌بینی کرده بود، «پایان ایدئولوژی» یعنی همگرایی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم را برای ما به همراه نیاورده است، همچنان که برخلاف پیشگویی تحلیلگر سیاسی جناح محافظه‌کار امریکا، فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama)، به «پایان تاریخ» یعنی پیروزی بی‌دردسر لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی نیز نینجامیده است.

برعکس، تاریخ به سادگی تمام، همچنان به باز گشوده شدن از هم ادامه داده است؛ جستجو برای ایدئولوژی‌های جدید ادامه دارد. رهبران و پیروان جدیدی ناگاه پا به عرصه نهاده‌اند که مایهٔ تعجب اندوهناک برخی و در همان حال، انوار امید برخی دیگر بوده‌اند. نیروهای تغییر همه جا در کارند. سرمایه‌داری مایه گرفته از امریکا بر پشت اینترنت، ماهواره‌ها و شبکه‌های فیبرنوری به تاخت و تاز مشغول است! با وجود این، فرهنگ اسلامی، از مراکش تا اندونزی، در حال یافتن جان تازه‌ای است! سوسیالیسم اروپایی تلاش دارد خط و ربطی برای خود بیابد! فناوری غربی همه جا در حال باز شکل‌دهی به سرگرمی و تفریح، الگوهای زندگانی و کار، نظام‌های سیاسی و معتقدات مذهبی در سراسر جهان است، اما ظاهراً تأثیرات آن بر ملل «شرق» و «جنوب» در پی موافقتنامه‌های تجارت آزاد و گسترهٔ رو به توسعهٔ سازمان تجارت جهانی، از همه تندتر و خشن‌تر است. این تنها نقل معدودی از امواج تغییر است. نیروهای تغییر جرئت کرده و به عرصه‌هایی جدید و تجربی وارد شده‌اند: سرزمین‌های مرتفع روشنگری‌های جدید یا دره‌های جدید و فرو برندهٔ یأس و ناامیدی.

چهل سال گذشته - عصر ماهواره‌ها - عصری محوری بوده است. عصری که زایندهٔ «صحنه‌های» (theatrs) زنده عملیاتی است: ویتنام، ایران، لبنان، افغانستان، نیکاراگوئه، پاناما، چین، عراق و البته، اروپای شرقی و اتحاد شوروی. صرف نظر از تحولات حادث از ایرلند شمالی تا افریقای جنوبی و از بوسنی تا کوزوو و پس از آنها واقعیت جدید حمله به برج‌های تجارت جهانی در نیویورک، به نظر می‌رسد روحیه‌ای از تغییر فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان را فرا گرفته است.

دقیقاً در این محیط است که نیروهای فرهنگی، اقتصادی و فنی در سطحی جهانی وارد عمل شده‌اند. با اطمینان بسیار می‌توان مسئولیت حسن و عیب این رویدادها را به شبکه‌های ماهواره‌ای نسبت داد که همه ما را از طریق تلفن، دورنگار و به ویژه امروزه، از طریق اینترنت به یکدیگر مرتبط می‌کنند.

مسئله این است که آیا فناوری و سیستم‌های اقتصادی غربی برای جامعه جهانی یک نوشدارو به شمار می‌روند یا یک درد عالمگیر یا هر دو؟ ابزارهای خودکارسازی (automation)، شبکه‌های الکترونیک اطلاعاتی، انتقال‌های الکترونیک سرمایه در سطح جهانی و بسیاری از موارد دیگر، نیروهای قدرتمند تغییری هستند

سیستم‌های اطلاعاتی الکترونیکی و
روش‌های نوآوری و تولید غربی ما
تولیدکننده را از مصرف‌کننده جدا و منقسم
می‌کند. سیستم‌های اقتصادی ما را
غیرشفاف می‌کند. تنوع ما را کاهش
می‌دهد و متی زبان‌ها و فرهنگ‌های به
اصطلاح «ابتدایی» یا «غیر غربی» را نابود
می‌سازد.

که جامعه جهانی را از هم بازمی‌گشاید. درست همان طور که تورن اشتاین وبلن (thorstein veblen) نیم قرن پیش، در نظریه بنگاه تجاری بازرگانی (Theory of Business Enterprise) پیش‌بینی کرده بود، این ابزارهای الکترونیک در حال جدا کردن مردم از محیط و فرهنگ محلی و «غیرشخصی کردن» زندگانی آنها هستند. با وجود آن که نمی‌توان مزایای آموزش گسترده، مراقبت‌های بهداشتی و افزایش ثروت اقتصادی را - حداقل در غرب و برخی جوامع غیر غربی - نادیده گرفت، تأثیرات منفی را نیز نباید مورد غفلت قرار داد. سیستم «ارتباطات، سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی و تغییر مداوم» مایه گرفته از غرب حاوی بذره‌های شکل جدیدی از فائق آمدن است. این قلمرو الکترونیک (e sphere) اوج گیرنده اطلاعاتی، ارتباطی و سرمایه‌داری به ظاهر در پی فائق آمدن بر فرهنگ و ظرفیت‌های متنوع انسانی جهان است.

این امر می‌تواند فائق آمدنی آرام و ظریف به نظر آید، اما نباید قدرت این اقیانوس تغییرات فنی و الکترونیک و نیز سرعت فزاینده جریان شتاب گیرنده آن را دست کم گرفت. سرعت این گذار نیرو گرفته از ماهواره‌ها و فیبر نوری به اوجی تاریخی رسیده است و فروکش کردن آن بسیار بعید به نظر می‌رسد. همان گونه که «نویسندگان غربی» نظیر ژاک الول (Jacques Ellul)، ویکتور فرکیس (Victor Ferkis)، لوئیس مامفورد (Lewis Mumford) و تورن اشتاین وبلن اشاره کرده‌اند، گسترش

مهار نشده فناوری می‌تواند همه چیز را تغییر دهد، هم جنبه‌های خوب و هم جنبه‌های بد زندگی ما را. همان گونه که حتی والتر بوکینگهام (Walter Buckingham)، هوادار ماشینی کردن خودکار، گفته است: «همه پیشرفت‌های فناورانه سود خالص نیست».

سیستم‌های اطلاعاتی الکترونیک و روش‌های نوآوری و تولید غربی ما تولیدکننده را از مصرف‌کننده جدا و منقسم می‌کند، سیستم‌های اقتصادی ما را غیرشخصی می‌کند، تنوع ما را کاهش می‌دهد و حتی زبان‌ها و فرهنگ‌های به اصطلاح «ابتدایی» یا «غیر غربی» را نابود می‌سازد. در بطن این موارد می‌بینیم که «ارزش‌های غربی و غیر غربی» در تضاد هستند.

همراه با گسترش روابط بین‌المللی در قالب انبوهی از منافع و ساختارهای متنوع با طیفی از قلمروهای نظامی تا سیاسی، اقتصادی تا فرهنگی، مسئله بوم‌شناسی (ecology)، ارتباطی و محیطی که یک ساختار جدید در آن ریشه می‌گیرد، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. رشد سال‌های اخیر گردهمایی‌ها و تحقیقات در عرصه ابعاد اخلاقی و معنوی روابط بین‌المللی روشنگر محوریت سیستم‌های انسانی و توجه معطوف به محیط نمادین ناشی از فناوری اطلاعاتی و شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی است. تلاش‌های ایدئولوژیک، مذهبی و معنوی ده سال گذشته هم فوریت و هم عمق برخوردهای فرهنگی را در روابط بین‌المللی برجسته می‌سازند. مفهوم تنوع در بحث حاضر، معطوف به تنوع و مبادله نمادها و اندیشه‌هاست. این مفهوم حول موضوع ارتباطات، فرهنگ و واقعیات اجتماعی شکل می‌گیرد.

گفته می‌شود که ما در دورانی از انقلاب زندگی می‌کنیم، برهه‌ای تاریخی که نام‌های گوناگونی به خود می‌گیرد: انقلاب ارتباطات، پست مدرنیسم و یا یک نظم اطلاعاتی - ارتباطی جهانی جدید. ما به این باور رهنمون شده‌ایم که این زمانه‌ای است که در آن دولت ملی به نیروهای جهانی‌سازی کاهش یافته و با تحلیل رفتن دولت ملی به نظر می‌رسد جهانی از رفاه یا فقر در انتظارمان باشد؛ پایان آرمانی یا فاجعه‌بار تاریخ. پدیده ارتباطات بین‌المللی زاده انقلاب بود. ارتباطات بین‌المللی با ادبیات سیاسی انقلابی‌ای حاصل شده است که مشخصه آن پایان گرفتن دولت ملی است. ادبیات ارتباطات بین‌المللی انقلابی است و جهش فناورانه را که در حال تغییر دادن هیئت فضایی - زمانی واقعیت و نفس ماهیت خود طبیعت است، تجلیل یا محکوم می‌کند. اما در مقایسه با عصر روشنگری و انقلاب‌های علمی، فنی و سیاسی آن (که به وضوح از ادبیات انقلابی ما غایب است) مسئله احساسی از تأمل فلسفی مطرح است. بدین معنی که ما فاقد احساس تأمل در مورد خود مفهوم انقلاب هستیم. آیا باید باور کنیم که انقلاب ما

نظیر بحث‌های مربوط به پایان ایدئولوژی در دهه ۱۹۵۰، پایانی بر «فلسفه» را به بار می‌آورد؟ یا این که در عوض باید به پایان تنوع بپردازیم؟ آیا باید به کار خود چنان ادامه دهیم که گویی علم، فناوری و اقتصاد سیاسی ریشه‌های فلسفی خود را بریده‌اند؟ آیا معرفت‌شناسی جای خود را به روش‌شناسی داده است؟ آیا فلسفه راه را به چهارچوب ابزاری علم سیاست واگذارده است؟ به جای طرح پرسش‌های اساسی در مورد سیاست و رابطه آن با فناوری یا انقلاب و عصر تاریخی، ما همچنان میانی روشنگرانه سیاست را فرض گرفته‌ایم و اگر نه به شبح انقلاب، به دیالکتیک رویه تأمل نقادانه دل بسته‌ایم. اما تا جایی که مایل نباشیم احساسی از موشکافی فلسفی را در خصوص ارتباطات بین‌المللی به این گفتمان وارد کنیم، برای همیشه در خطر از میان رفتن فضا و زمانی هستیم که در چهارچوبش می‌توان به تأمل نشست و دست به عمل زد. ما ممکن است آنچه را خواستارش هستیم به دست آوریم. آخرین فضاهای باقی مانده برای تأمل فلسفی (انجمن‌های دانشگاهی و روشنفکری‌ای نظیر انجمن‌ها) ممکن است در واقع از میان بروند و به چیزی نه بیشتر از واسط دیگری برای ارتباط تبدیل شوند که در ساز و کارهای بازخورد

**مسئله میانی برای مباحث «غیرعربی»
این است که آیا این مباحث اطلاعاتی
ارتباطی و در حال ظهور جهانی.
مباحث‌های معنوی و افلاکی است یا
تنها مباحث‌های دیگر در آشکار شدن
سیمای دگرگونی‌ای است که عرب.
مرکز و «دیگران». مواشی و پیرامون
آن را تشکیل می‌دهند.**

سیبرنتیک ادغام شده‌اند.

هایدگر در آخرین وصیت خویش ما را با تفکری نهایی در مورد مسئله فناوری وا می‌نهد: «تنها یک خدا می‌تواند ما را نجات دهد».

در اینجا ما از همان جایی که هایدگر وا گذاشت شروع می‌کنیم. از درون این برهه تاریخی ما با انقلابی فلسفی در عمیق‌ترین و ژرف‌ترین معنای این اصطلاح سر و کار داریم. این انقلاب فلسفی از ادبیات انقلاب ارتباطی ما پرهیز دارد. در برابر ادبیات انقلاب ارتباطی ما و پیشگویی آن در مورد یک نظم جهانی جدید اطلاعاتی - ارتباطی در می‌یابیم که با پایان جنگ سرد، همان سلطه قدیمی بازگشته است، هر چند که محورهای جغرافیایی - سیاسی از شرق - غرب به شمال - جنوب تغییر مکان یافته‌اند. اما همراه این جابه‌جایی محورهای سلطه، محدودیتی وجود دارد که از درون سنت فلسفی غربی چهره می‌نماید. همراه با تنش‌های جغرافیایی - سیاسی و جغرافیایی - فلسفی بین لیبرالیسم و مارکسیسم

محدودیت‌ها و تنش‌های ابراز شده هیئت جدیدی یافتند که از درون سنت فلسفی غربی و دیالکتیک روشنگری آن صورت گرفت. مبارزات جغرافیایی - سیاسی و جغرافیایی - فلسفی بین شمال - جنوب در راستای دو محور قرار دارد، یکی سنت فلسفی غربی و دیگری مذهب.

بگذارید دقیق‌تر بگوئیم. صحنه نبرد معرفت شناختی‌ای که ما با آن سر و کار داریم صرفاً بین فلسفه و مذهب نیست بلکه بین مفاهیم متفاوت از رابطه بین فلسفه، سیاست و مذهب است. صرف نظر از تضادهای سیاسی و ایدئولوژیک بین لیبرالیسم و مارکسیسم، هر دو آنها وارث سنت فلسفی‌ای بودند که توسط افلاطون به آنها رسیده بود و در آن سیاست تنها با پس روی مذهب پا به ظهور می‌گذارد. در قرائت‌های حاکم لیبرال و مارکسیستی از سنت فلسفی غرب، فلسفه از یک طرف با مذهب و از طرف دیگر با سیاست هم مرز است. در این قرائت مذهب باقی مانده متافیزیک است، در حالی که سیاست به جهان حقیقی رقابت و مبارزه تعلق دارد. اما تمایز بین مذهب و سیاست برای سنت‌های فلسفی‌ای که خارج از جهان غرب هستند امری بیگانه است. برای مثال، در چهارچوب سنت اسلامی این تقابل فلسفی بین سیاست و مذهب وجود ندارد. همین امر در مورد آموزه‌های بودا و سایرین نیز صدق می‌کند.

با پیدایش «انفجار اطلاعاتی» و «جامعه اطلاعاتی» یکی از حیاتی‌ترین مسائل رودرروی جوامع اسلامی کنترل نهایی پردازش اطلاعات و فناوری در دوران الکترونیک معاصر و از میان رفتن تدریجی فرهنگ شفاهی (oral) یا سنتی است، فرهنگی که نیروی مقاومت عمده‌ای در رویارویی با سلطه فرهنگی بوده است. مفهوم جامعه سکولار در زندگی پیچیده سرزمین‌های اسلامی زمانی عنوان شد که نیروهای مقاومت در پایین‌ترین سطح بودند. در بسیاری از دیگر فرهنگ‌های به اصطلاح «انتسابی» (ascriptive cultures) نیمکره جنوبی و شرق همان «تمامیت» دیدگاه را که سیاست، مذهب و فرهنگ را در هم می‌آمیزد، می‌توان یافت.

با آگاهی جدید و میزان بسیج و احیای فرهنگی‌ای که در جوامع «غیرغربی» اکناف جهان مشاهده می‌کنیم، مطرح کردن «انقلاب اطلاعاتی» و ورود به «جامعه اطلاعاتی» به نظر همچون فرود آمدن بر روی سرزمینی سنگلاخ می‌رسد.

مسئله حیاتی برای جوامع «غیرغربی» این است که آیا این جامعه اطلاعاتی ارتباطی و در حال ظهور جهانی، جامعه‌ای معنوی و اخلاقی است یا تنها مرحله‌ای دیگر در آشکار شدن سیمای دگرگونی‌ای است

که غرب، مرکز و «دیگران»، حواشی و پیرامون آن را تشکیل می‌دهند. در طول تاریخ، به ویژه در قرون اولیه، اطلاعات نه یک کالا بلکه الزامی معنوی و اخلاقی، به ویژه در فرهنگ اسلامی، به شمار می‌رفت. آیا جامعه اطلاعاتی نوعی «جامعه شبکه‌ای» است که عقلانیتی جدید، احتمالاً سیاستی از ابزاری کردن ریشه‌ای را تحمیل می‌کند و تحت لوای آن با مسائل اجتماعی به مثابه مسائل فنی برخورد می‌شود و «کارشناسان بیرونی» جای شهروند عادی را می‌گیرند. آیا فناوری‌های اطلاعاتی جدید مشوق تمرکز تصمیم‌گیری و چندپارگی اجتماعی هستند و این امر سرانجام فردگرایی‌ای ملت‌پسند را جایگزین اشکال زندگی اجتماعی می‌کند.

آیا جامعه اطلاعاتی در موقعیتی هست که تغییرات کیفی‌ای را در اشکال سنتی ارتباطات ایجاد کند و در نهایت ساختارهای اجتماعی را تغییر شکل دهد و آیا این ساختارهای جدید مستلزم اخلاقیاتی جدید هستند؟ بدین ترتیب به نظر می‌رسد که گفتمان و مفاهیم نظم جهانی‌ای که اکنون در مرکز سیاست جهانی است هم از تولد یک بوم‌شناس ارتباطی جدید تجلیل می‌کند و هم کلید کنترل اطلاعاتی بزرگ‌تری را در دست دارد.

خود مفهوم تنوع نیز که در اینجا به آن می‌پردازیم، با فرایند به اصطلاح جهانی‌سازی بسیار مرتبط است. چنان که رابرت. سی. دش (Robert C. Dash) اشاره می‌کند، جهانی‌سازی به شعار روز تبدیل شده است، شعاری که بیش از اندازه و به شکل نامناسبی به کار گرفته شده است به طوری که اغلب به عنوان مترادف توسعه جهانی سرمایه‌داری تعبیر و تفسیر می‌شود. در پرتو این امر، وی فهرست سؤالات تحریک‌کننده و بحث‌انگیزی را ارائه می‌دهد که به نظر او، ناشی از این بیان جدید از مفهوم جهانی‌سازی است. ماهیت مناسبات دولت و سرمایه در دوران معاصر چیست؟ آیا شکل‌گیری طبقاتی در حال تغییر است؟ آیا فضایی برای طرح‌های «توسعه‌گرای» (developmentalistic) ملی باقی می‌ماند؟ اگر جواب مثبت است، چه فضایی و در کجا؟ چه مفاهیمی برای تقابل سلطه ملی و سرمایه‌داری جهانی وجود دارد؟ چه نقش‌هایی را چه کسانی و در چهارچوب چه اتحادها یا ائتلاف‌هایی بازی خواهند کرد؟ آیا این ائتلاف‌ها می‌توانند در عرصه بین‌المللی عمل کنند؟ پرس و جوی دش ما را برمی‌انگیزد تا به ورای مفهوم محدود جهانی‌سازی به مثابه مصرف‌گرایی جهانگیر نگاهی بیاندازیم و مسائل عمیق‌تر هویت و خودآگاهی را که در بطن آن نهفته است مورد پرسش قرار دهیم.

به همین سبک، مفهوم مورد نظر وان دوسن ویشارد (Van Dusen Wishard) در مورد «جهانی‌سازی موفق» مفهومی است که نه فقط از دستاوردهای فناورانه، بلکه از «هماهنگ‌سازی نگرش‌ها و چشم‌اندازهای انسانی» ناشی می‌شود. برای دستیابی به این امر، باید به تجارب منحصر به فرد آحاد ملت‌ها در تلاش برای تبدیل شدن به بخشی از این «جهان یکپارچه» توجه دقیقی مبذول کرد.

در تلاش برای عرضه معنایی از
ارتباطات که در بن‌بست سطوح
مغرافیایی سیاسی و جغرافیایی
فلسفی به میراث مانده از سنت غربی
باقی نماند. به شیوه دیگری از تصرف در
موارد رابطه بین فلسفه، سیاست و
مذهب نیاز داریم.

توصیف لایو (Love) از جهانی‌سازی، آمیزه‌ای مبهم از تجربه و امید مشترک به آینده را (بدون افکار یا ارزش‌ها) در بر می‌گیرد. او مدعی است که شباهت‌های ما، نه در محتوای افکارمان، بلکه در آمادگی‌مان برای پرگشودن و پرواز کردن است، در حالی که می‌دانیم بادی که ما را یاری می‌دهد همان است که گرد و غبار را در اطراف جهان می‌پراکند.

دیوید ریف (David Rieff) پیدایش فرهنگی جهانی را توصیف می‌کند که از جامعه شکفت‌انگیز و همگن امریکایی ایالات متحده ریشه می‌گیرد، فرهنگی که در سطحی جهانی به

مدد بازار مصرف صادر شده است. تعجبی ندارد که سلايق و مصنوعات یک ابرقدرت در سایر کشورها رخنه کند.

به لحاظ تاریخی، این پدیده مکرر روی داده است. به هر حال آنچه شایان توجه است این است که حتی در زمانی که نفوذ ایالات متحده در سایر عرصه‌ها رو به افول گذاشته، فرهنگ انبوه امریکایی تکثیر و افزایش یافته و «همه جا پیروز» شده است. بر اساس نظر ریف فریبندگی غیرقابل مقاومت فرهنگ امریکایی ایالات متحده به «پیروزی فرهنگی که بیش از هر چیز دیگر پول می‌سازد» انجامیده است. فرهنگ جوامع سنتی در حال تسلیم شدن به تفکر مبتنی بر سود و زیان و ترازنامه مالی است و در بسیاری موارد در لب پرتگاه نابودی قرار دارد. ریف مدعی است که «فرهنگ مصرفی امریکایی همه سنت‌ها و حقایق ریشه‌دار را می‌فرساید». هر چند بیشتر به فرهنگ عامه اشاره می‌شود، این نکته به طور تلویحی استنباط می‌شود که همراه با فرهنگ عامه تفکرات و سنت‌ها نیز صادر می‌شوند. ریف، به صراحت اظهار می‌دارد: «کسانی که مشتاق اصالت، حفظ یا احیای سنت هستند پیش نخواهند برد».

مردم‌شناسان نیز در گفتمان مربوط به پیدایی فرهنگ جهانی وارد شده‌اند. به هر حال آنها به جای صحبت کردن در قالب تنوع و یا همگرایی به الگوی چرخه‌ای و دوره‌ای امپراتوری‌ها اشاره کرده‌اند که به قدرت می‌رسند و به نوبت تلاش می‌کنند تا سلطه‌ای فرهنگی را شکل دهند و پیش از رسیدن به این هدف به نحوی اجتناب‌ناپذیر فرو می‌ریزند و کنترل لازم برای ترویج الگوی فرهنگی منحصر به خود را از دست می‌دهند. از این دیدگاه، غرب به مثابه فرهنگی در سراسری و در فرایند زوال تصویر می‌شود. از دید برخی مردم‌شناسان مانند ریچارد ویلک (Richard Wilk) از دانشگاه ایندیانا، این جا به جایی، نه در قالب مرگ غرب، بلکه به مثابه احیای هویت محلی و قومیت نمود پیدا می‌کند. ظاهراً دیدگاه ویلک به جای هر گونه همگرایی یا از دست رفتن انحصار فرهنگی در «دهکده جهانی»، تجدید حیات تنوع را مخاطب قرار می‌دهد.

به هر حال همه همکاران وی این امر را دلگرم‌کننده نمی‌بینند. آمال و آرزوهای معطوف به فرهنگ محلی با چنگ زدن به تکه‌ها و قطعات شکل فرهنگی غربی، از دید فریدمن (Friedman) به مثابه نشانگان انحطاط و بی‌نظمی تصویر شده است. این تصویر ترسیمی است از گروه‌های مختلفی که در رویارویی با تحرک و جنبشی نزولی، چندپارگی و عصر جدیدی از بی‌نظمی جهانی، در تلاش یافتن هویت و اصالت هستند.

با حک شدن قید سلطه در محور شمال و جنوب نظم نوین جهانی اطلاعاتی - ارتباطی، که ماهواره‌ها و شبکه‌های فیبر نوری به نحو فزاینده‌ای آن را تشدید می‌کنند، با انقلابی فلسفی رو به رو هستیم که چنان که هایدگر ممکن بود بر آن باشد، حول جوهره پیش‌بینی نشده نفس سنت فلسفی غربی دور می‌زند. در تلاش برای عرضه معنایی از ارتباطات که در بن‌بست سلطه جغرافیایی سیاسی و جغرافیایی فلسفی به میراث مانده از سنت غربی باقی نماند، به شیوه دیگری از تفکر در مورد رابطه بین فلسفه، سیاست و مذهب نیاز داریم.

آن چهارچوب‌های فلسفی که مذهب را در تقابل با سیاست قرار می‌دهند به دشواری پذیرای عملکرد و نیازهای ارتباطات بین‌المللی هستند. نیاز و عملکرد تأمل فلسفی در عرصه ارتباطات بین‌المللی محتاج حرکت به ورای تقابل‌های مفهومی است که، برای مثال، الهام‌بخش سیاست انقلاب ارتباطی ما به مثابه قدرتی فائقه است، قدرتی که ریشه‌های ملی - قومی و هویت‌های فرهنگی مردم را از جای می‌کند و سرچشمه‌های مذهب را به مثابه واکنشی خشن در برابر این ریشه‌کنی می‌خشکاند.

مطمئناً دلایل معتبری در دست است که «رهبران غربی» را به عنایت به این تفکرات وامی‌دارد. اریک‌بورگس (Eric Burgess) دانشمند و صاحب‌نظر مسائل اجتماعی امریکایی / انگلیسی چنین اظهار نظر کرده است: «سیستم صنعتی (سرمایه‌داری غربی) بقا محور نیست بلکه رشد محور است و تلاش دارد به بهای قربانی کردن بقا، تولید محصول را به حداکثر برساند. این دو هدف هماهنگ نیستند. رشد مهار نشده همیشه منجر به عدم بقا می‌شود و از آن سو، بقا مستلزم رشد مهار شده است.»

همراه قرائت هایدگر از تاریخ متافیزیک، ماوراء طبیعت (The transcendental) و الهیات باز

در شماری از جنبه‌های بنیادی،
مفهوم الهی جامعه اطلاعاتی و
جامعه جهانی اطلاعاتی در حال
ظهور در تقابل با مفهوم بنیادین
جامعه غیرغربی. به ویژه با توجه
به شماری از اصول اصلی اسلام.
قرار می‌گیرد.

می‌گردند تا روشنگری ما را که با خلق فنی، به گفته فروید «خدای مصنوع» (prosthetic God) همراه است، تسخیر کنند. همان گونه که در فرانسه در قالب تفکرات امانوئل لونیوا (Emanuel Levinas)، موریس بلانشو (Maurice Blanchot)، ژاک دریدا (Jacques Derida) و ژان لوک نانسو (Jean-Luc Nancy) مشاهده شد، نه تنها سنت فلسفی غرب هرگز قادر نبوده است خویشتن را از تکانه سیاسی و الهی بی‌لاید، بلکه تلاشی که در جهت این پالایش صورت می‌گیرد بذر خشونت

مضعف جداسازی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی را از سیستم‌های ارزشی تسلیم‌ناپذیر یا عکس آن، می‌افشاند.

بدین ترتیب سؤال بنیادین این است: «آیا جامعه اطلاعاتی جهانی‌ای که اکنون در حال ظهور است، استفاده اجتماعی از اطلاعات را تسهیل می‌کند یا مانع آن می‌شود و آیا این جامعه به دستیابی به اهداف و برآوردن نیازهای جوامع غیرغربی کمک می‌کند؟ پاسخ به این سؤال در بررسی عناصر به اصطلاح «جامعه اطلاعاتی» نهفته است که در الگوی حاکم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت‌های فرهنگی ایالات متحده و شماری از کشورهای دیگر نقش محوری دارد. این سؤال هم چنین مستلزم بررسی مفهوم گسترده‌تر زندگی اجتماعی‌ای است که بر الگوی اجتماعی و حکومتی غیرغربی تأکید می‌ورزد.

در مرکز این بحث، دو بینش از جامعه وجود دارد، «الگوی جامعه اطلاعاتی» و «الگوی جامعه غیرغربی». در سطح تفکر و فلسفه غربی، فلسفه و نظریه اطلاعات و ارتباطات جای گفتمان ماورای

طبیعی (transcendental) را به مثابه دلمشغولی اصلی تأمل فلسفی گرفته‌اند. در سطح عملی و سیاسی، الگوی جامعه اطلاعاتی غربی، بدون ترک سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری که هم‌چنان مشخصه هسته مرکزی آن است، تصویر کردن ایدئولوژی‌های مدرنیسم نو (Neo-Modernism)، پسا مدرنیسم (Post-modernism) یا پسا صنعتگرایی (post-industrialism) پرداخته است. بدین ترتیب، الگوی جامعه اطلاعاتی به مثابه «جامعه‌ای عنوان شده است که به جای رفاه مصرفی مادی، حالتی از رونق کلی را در خلاقیت فکری انسان به همراه می‌آورد». بنا بر این ادعا، رابطه بین حکومت، جامعه و فرد، نه بر اساس تولید ارزش مادی، بلکه بر اساس تولید ارزش اطلاعاتی تعیین می‌شود. بدین ترتیب استدلال می‌شود که جامعه اطلاعاتی، تبدیل جامعه به یک سنخ کاملاً جدید از جامعه انسانی را به همراه می‌آورد. بر اساس نظر هواداران الگوی جامعه اطلاعاتی، برخی از مشخصه‌های آن عبارتند از «روح جهانی‌سازی»، «رضامندی از اهداف حاصله»، «دموکراسی مشارکتی»، «تحقق ارزش زمانی» (realization of time value)، «جامعه داوطلب» (voluntary community) و اقتصاد همیاری (synergetic economy). به علاوه، به ما می‌گویند که این جامعه اطلاعاتی مبتنی بر خدمات است و از این لحاظ بازی‌ای است میان افراد. آنچه حائز اهمیت است اطلاعات است. شخص محوری، صاحب حرفه‌ای است که آموزش دیده و تعلیم یافته است تا انواع مهارت‌های مورد نیاز جامعه اطلاعاتی را فراهم آورد. هم‌چنین حدس زده می‌شود که جامعه اطلاعاتی جامعه فراسکولار علمی است که بر سیستم دولت ملی استوار است.

در شماری از جنبه‌های بنیادی، مفهوم الگوی جامعه اطلاعاتی و جامعه جهانی اطلاعاتی در حال ظهور در تقابل با مفهوم بنیادین جامعه غیرغربی، به ویژه با توجه به شماری از اصول اصلی اسلام، قرار می‌گیرد. «انقلاب اطلاعاتی» معاصر را که بر الگوی جامعه اطلاعاتی تأکید می‌ورزد، نباید به مثابه پدیده‌ای منحصر به فرد در تمدن انسانی به تصویر کشید و نباید با آن به مثابه پدیده‌ای مجزا از الگوی جامعه غیرغربی برخورد کرد. در هر سه مرحله تحول فنی و اجتماعی - کشاورزی، صنعتی و امروزه پسا صنعتی - اطلاعات و در معنایی گسترده‌تر، فناوری عنصری محوری و فراگیرترین و رایج‌ترین عنصر در فرایندهای تحولی آنها بوده است. اطلاعات در قالب مهارت‌ها و دانش مسبوق بر شکل‌گیری سرمایه‌داری، مشخصه هر سه مرحله مزبور شمرده می‌شود. اگر این فرض را بپذیریم معنای ساده آن این خواهد بود که اطلاعات و دانش خصلت انحصاری جوامع صنعتی نیستند، مگر آن که آنها را در قالب

محتوای معرفت شناختی و فناورانه غربی تعریف کنیم. یک نمونه این امر، صرف نظر از تحول در ارتباطات، حمل و نقل، دریانوردی، صنایع کاغذسازی، چاپ و تألیف و انتشار کتب، اطلاعات و دانشی است که در عرصه‌هایی چون پزشکی، ریاضیات، جغرافیا، تاریخ، ستاره‌شناسی، فلسفه، ادبیات، معماری و هنر در جهان غیرغربی تولید و عرضه شده است.

الگوی جامعه اطلاعاتی بر سکولاریسم مبتنی است، در حالی که الگوی جامعه غیرغربی بر سیستمی

**برهه‌تاریفی ما نمایانگر فراهی است
شکاف‌ها و سکوت‌ها ی است
که در ذات هر یک از روایات
(فرهنگی) بزرگ نهفته است.
پیزی که بازپرسی گذشته آن و
توسم مهدد آینده‌ای را که هنوز
نیامده است. ضروری می‌سازد.**

مذهبی - سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی استوار است که مبنای آن را اصول و قوانین مبسوط و مفصلی تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب سکولاریسم در تلاش برای جدا کردن مذهب از سیاست و اندیشه از ماده و عقلانیت از بینش عالم‌نگر، در تفکر اجتماعی و سیاسی غیرغربی عنصری بیگانه و ناآشنا است. بسیاری از افراد در فرهنگ غیرغربی، علاوه بر منتقدان پرشمار الگوهای گسترده جاری غربی که پیش از این به آنها اشاره شد، همه این مسائل و دلمشغولی‌ها را به مثابه یک تمامیت یکپارچه می‌نگرند. با آن که چنین دیدگاه‌هایی زمانی در «رنسانس» جنبه محوری داشتند، این

اندیشه‌ها در چهارچوب سیستم‌های سیاسی و آموزشی غربی از دست رفتند و فراموش شدند.

امروزه ارتباطات میان فرهنگی جهانی بر سر دو راهی حساسی قرار دارد. این دو راهی که در آن، گذشته و حال و آینده همدیگر را قطع می‌کنند، بسته به این که انسان چگونه برهه زمانی حاضر را بر روی نقشه تصویر کند، به جهات مختلف اشاره دارد.

آیا در تصور ما این تقاطع بین گذشته، حال و آینده، روایتی بزرگ و عظیم است که در تلاش برای استقرار و دفاع از هویت ما سابقه و احساس خاطره جمعی ما را به نظم در می‌آورد؟ یا برعکس در تلاش برای گشودن افق‌هایی که ناگشوده مانده‌اند و راه‌هایی که پیموده نشده‌اند، شکاف‌ها و خلأهای این خاطره را به یاد آورده، سکوت آنها را می‌شکنیم و متونی را که از سوابق ما مستثنی شده بودند از نو قرائت می‌کنیم و به آن الزام‌ها و ضرورت‌هایی که همچنان بیرون از سنت‌های متشکله بر اساس هویت نهادین ما باقی مانده‌اند، پاسخ می‌گوئیم؟ آیا ما در این نقشه، این برهه تاریخی را به مثابه استمرار و پیوستگی‌ای ترسیم می‌کنیم که بحث‌های جاری بین الگوهای حاکم و منتقد آن را مقدر کرده‌اند؟ یا، این

برهه تاریخی جاری را به مثابه گسستی ترسیم می‌کنیم که مستلزم قرائت‌های مجدد روایاتی است که از طریق آنها بتوانیم گذشته، حال و آینده را به هم پیوند زنیم؟

موقعیت برهه زمانی فعلی ما، به مثابه یک گسست، به لحاظ تاریخی مشخص نیست، اما در عوض افق آن چیزی را پیش روی ما می‌گشاید که گمان می‌رود رد پای گذشته‌ای است که از خاطره ما زدوده شده است، گذشته‌ای که باز می‌گردد تا ذهنیت زمان حاضر ما را با یادآوری فقدان خویش اشغال کند و افق هرمنوتیک و ایدئولوژیک جامعه گفتمانی (discursive) و تفسیری (interpretive) جامعه ما را به عواقب نامنتظره، اگر نگوئیم غیرقابل تصویر، آینده‌ای که هنوز نیامده است، بازگشاید. برهه تاریخی ما نمایانگر خلأها، شکاف‌ها و سکوت‌هایی است که در ذات هر یک از روایات (فرهنگی) بزرگ نهفته است، چیزی که بازنویسی گذشته آن و تجسم مجدد آینده‌ای را که هنوز نیامده است، ضروری می‌سازد. جامعه اطلاعاتی با طرح‌ریزی و تعیین مسیر خود در راستای راه‌های آزموده شده الگوهای حاکم، خویش را استحکام می‌بخشد و هویت و غایت خویش را از پیش تعیین می‌کند.

جذبه ارتباطات بین‌المللی (چه در مفهوم اجتماعی و چه در مفهوم فنی امروزی آن) در این امید نهفته است که تلاقی صور فنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر است. حداقل می‌توان آرزو کرد که با بازگشودن برهه زمانی حاضر بر روی تبادلهای فرامرزی بین «شرق و غرب» و بین «شمال و جنوب»، چهارچوبی ایجاد شود که از طریق آن برای پرسش‌ها و پاسخ‌های عصر ما طرحی نو انداخته شود تا از نو مورد مذاقه قرار گیرند. به گفته والتر بنجامین، ضرورت برهه زمانی حاضر ما «به چنگ آوردن خاطره‌ای است که در یک لحظه خطرناک ناگهان می‌درخشد». خطرات و اضطراب‌هایی که ارتباطات بین‌المللی را فرا گرفته‌اند بسیارند. یکی از این خطرات که از هیئت و شکل‌بندی فنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جهان ما سر برون آورده؛ ناشی از به اصطلاح پایان دولت ملی است. با قرائتی نو و ساختار افکن (deconstructive re-reading) مشاهده می‌کنیم که نهادینه‌سازی ارتباطات بین‌المللی مبتنی بر بیانی کنشی (performative act) است که به وسیله آن اشتراکی فکری (intellectual community) شکل می‌گیرد و از طریق حالتی مبتنی بر مستثنی‌سازی و انحصار، به اقتدار خود مشروعیت می‌بخشد. این هویت‌سازی‌های تصویری (imaginary identifications)، یا به گفته فوکو، شبکه‌های اجتماعی - گفتمانی دانش و قدرت با قلمروهای مفهومی دولت ملی در هم تنیده‌اند. در چهارچوب این زمینه، خاطره‌ای که «در لحظه خطر ناگهان می‌درخشد» دلمشغول شوک

روحی، اضطراب و افسردگی‌ای است که پای احساس هویت ما را در چهارچوب به اصطلاح پایان گرفتن دولت ملی و تصورات برآمده از «دهکده جهانی»، «اندیشه جهان‌گستر» (world-wide Mind)، یا «قلمرو الکترونیک» (e-sphere) به میان می‌کشد. همه این تصورات اساساً مبتنی بر محوریت «تفکر غربی» و الگوهای سرمایه‌داری هستند. به این مفهوم سیستم‌های ارتباطی ماهواره‌ای جهان و فناوری اطلاعاتی مرتبط با آن به ابزارهایی برای بهره‌کشی سرمایه‌داری و سلطه فرهنگی در شکل «استعمار

الکترونیک» تبدیل می‌شوند. از چشم‌انداز غیرغربی، در واقع این امر به «شوک از راه دور» (Tele Shock) می‌ماند.

از میان چهارچوب اقتصاد سیاسی، بردارهای الکترونیک و سبیرنتیک اقتصادهای اطلاعاتی - ارتباطی جهانی، حاکمیت دولت ملی را تحلیل می‌برند و یکی از دو دیدگاه را، با گشودن مرزهای فرهنگی و زبانی مردمان و ذهنیت‌های مختلف، نمایان می‌سازند؛ این امر بستگی به چگونگی نگرش انسان دارد؛ در یک سو جابه‌جایی روشنگرانه به سوی دهکده جهانی و در سوی دیگر، افول ارزش‌های سیاسی و فرهنگی را می‌توان دید. این افول از دو طیف

مفهوم امت. مترادف «مردم»
یا «ملت» یا «کشور»
و از آن متعلق به مناسبات
بین‌المللی نوین هستند و به
وسیله شبکه‌های ارتباطی.
مربیان‌های اطلاعاتی. مفرایا.
زبان و تاریخ یا ترکیب اینها تعیین
می‌شوند. نیست.

مشاهده می‌شود، طیفی چپ‌گرا که در برگیرنده نقد کالایی‌سازی و همگن‌سازی (commoditization and homogenization) است تا نقدهای راست‌گرا که بر یک آنارشی اجتماعی و فرهنگی منقطع شده از هر نوع احساس ارزشی و سنتی نظر دارند. اما، طرح مسئله بدین نحو ملهم از چشم‌انداز انسان است و صحنه کارزار را بین مواضع زیر ترسیم می‌کند: (۱) توجیه‌گران تکنوکراتی که با ترویج و تبلیغ آزادی اطلاعات، رشته علمی ما را به مثابه یک رسانه ارتباطی، یک اطاق تهاتری اطلاعاتی و یک نهاد تحقیقاتی در زمینه سیاستگذاری متصور می‌شوند؛ (۲) نظریه‌پردازانی که اطلاعات را به مثابه کالایی متصور می‌شوند که بر مناسبات طبقاتی - ساختاری تولید و مصرف سرپوش می‌گذارد و به رشته علمی ما به مثابه آئین مقاومت می‌نگرند؛ (۳) اخلاقیات محافظه‌کاری که هم غنای اقتصادهای اطلاعاتی را تجلیل می‌کند و هم ریشه‌کن شدن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی سنتی را مورد سرزنش قرار می‌دهد؛ این دیدگاه به مانع و حائل بین پیشرفت فنی و اقتصادی، اقتصادهای اطلاعاتی و بازگشت به ارزش‌های یک سنت انسان‌گرایی کلاسیک قائل است.

هر یک از این مواضع از پرداختن به پیچیدگی «ارتباطات بین‌المللی» در تعریف گسترده آن سرباز می‌زند. این عرصه امروزه عرصه‌ای است که هیئت و شکل آن را شکاف‌ها و تنش‌ها تشکیل می‌دهند، شکاف‌ها و تنش‌هایی که همچون یوغی روشنگری و ویرانی‌های آن، پیشرفت و ریشه‌کنی‌های (ارزشی) آن، افق‌های گسترش‌یافته و استعمار را جمع آورده است و در عوض، معرفت منافع خاصی است که در ارتباط با مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فلسفی پیشاپیش تعریف شده‌اند.

اگر بخواهیم به مسائل و سؤالاتی که عرصه ارتباطات بین‌المللی را تسخیر می‌کنند بپردازیم، ناچاریم چهارچوبی تعبیه کنیم که از سلطه روشنگری فلسفی و نقد مارکسیستی فراتر رود و به ساختار افکنی وحدت در عین انقسام (unity-in-division) قطب‌بندی‌های راست - چپ، بپردازیم. خطرات و اضطراب‌هایی که گویی از ویرانه‌های دولت ملی سر بر آورده‌اند، برهه زمانی حاضر ما را فرا می‌خوانند تا به کند و کاوی باستان‌شناختی در ترک‌ها و شکاف‌های موجود در سوابق خود بپردازیم و به این وسیله چشم سنت‌های فلسفی تمدن غربی را بر گذشته‌های فراموش شده و فرایند گزینشی فراموشکاری‌ای که خود نیز فراموش شده است، بازگشایییم. از میان خلأها و سکوت‌های موجود در سوابق تاریخی و شکاف‌ها و شیارهای موجود در باستان‌شناسی، دانش ما است که عدم تعیین و ناگسستگی برهه زمانی حاضر سر برون می‌کند. بریدگی‌های تن زخمی عصر حاضر ما در قالب روشنگری علمی بخیه خورده‌اند. انهدام نوآورانه حاصل از تحول فنی و اقتصادی چرخشی و خیم را در روشنگری فلسفی شکل داده است و روشنگری برآمده از جوهره عصر نوین و پس‌گرایی سیاسی - اخلاقی انسان‌گرایی کلاسیک آن را (از ارزش‌ها) ریشه‌کن کرده است.

مفهوم اسلامی جامعه یا امت نه دارای معادلی در تفکر غربی است و نه تجربه‌ای در تاریخ دارد. مفهوم امت در زمینه‌ای جهان‌شمول متصور می‌شود و تابع محدودیت‌های سرزمینی، زبانی، نژادی و ملیت‌گرایانه نیست. بدین جهت الگوی غیرغربی جامعه (یا در این مورد الگوی جامعه اسلامی) تنها بر شالوده‌های سیاسی - اقتصادی یا ارتباطی - اطلاعاتی مبتنی نیست. این جامعه، جامعه‌ای جهان‌شمول و واحدی سیاسی است که اعضای آن مشتمل بر گسترده‌ترین مجموعه متنوع ممکن هستند که تعهدشان به اسلام به مثابه یک دین و ایدئولوژی آنان را با نظم اجتماعی خاصی پیوند می‌دهد. حاکمیت به خداوند تعلق دارد نه به حکومت، حاکم یا مردم. بدین جهت مفهوم امت، مترادف «مردم» یا «ملت» یا «کشور»

که واژگان متعلق به مناسبات بین‌المللی نوین هستند و به وسیله شبکه‌های ارتباطی، جریان‌های اطلاعاتی، جغرافیا، زبان و تاریخ یا ترکیب اینها تعیین می‌شوند، نیست.

درست در همین جاست که الگوی جامعه اطلاعاتی و الگوی جامعه غیرغربی از تضاد فلسفی و

راهبردی برخوردارند و این تضاد مبنایی فرهنگی و پیامدهایی اطلاعاتی - فرهنگی دارد. خلاصه این که، سیستم دولت ملی امت را به قطعات کوچک‌تری تقسیم کرده است، فرایندی از متلاشی شدن و مرزگرایی سیاسی که در دوره اولیه این قرن ظهور کرد. شکست نخبگان حاکم کشورهای غیرغربی در به چالش گرفتن الگوهای حاکم سیاسی و اقتصادی که شالوده نظم جهانی موجود را بنا نهاده‌اند ماهیت تاریخی «اساسی و ریشه‌دار» فرهنگ آنها را تحلیل برده است و زندگی سنتی آنها ما را به برهه زمانی حاضر رسانده است.

این رسانه‌های ارتباطی نیستند که سیستم بین‌المللی را به وجود می‌آورند. بلکه چهارچوب کلی و منافع سیاسی - اقتصادی سیستم بین‌المللی تصور و تصویر ما را از ارتباطات ایجاد می‌کند. این تصویر بیش از همه از سوی منافع سودجویانه نخبگان اطلاعاتی ایجاد می‌شود.

فرهنگ غیرغربی، تعادل بین فرهنگ‌های کلامی (oral) و چاپی و همچنین ارتباطات میان فردی و میان رسانه‌ای را برای قرن‌ها حفظ کرد. فرهنگ چاپی و الکترونیک عمدتاً در غرب به تمرکز قدرت در دست عده معدودی کمک کرد و در متمرکز کردن تشکیلات حکومتی و انحصار شرکت‌ها سهیم شد. برعکس، شیوه کلامی ارتباطات در جوامع سنتی به غیرمتمرکز کردن و پراکنش قدرت حکومت و منافع اقتصادی عده‌ای که با تکیه بر سنت کلامی قصد داشتند از وزنه تعادلی در زمینه اقتدار برخوردار شوند، یاری داد. افراد توانایی برقراری ارتباطات را در چهارچوب جامعه خود و فراتر از آن به رغم نفوذ تبلیغات حکومتی و نهادهای نوین، حفظ کردند.

جنبش‌های سیاسی و انقلابی کشورهای غیرغربی به طور کلی از سوی مقامات سنتی و نهادهایی نظیر علما رهبری شده است. این تنها یک نمونه از استفاده بالقوه از فرهنگ کلامی و مقابله آن با نوگرایی به جای مانده در فرهنگ‌های مبتنی بر واسط الکترونیک است. امروزه نیازهای اطلاعاتی بسیاری از کشورها عمدتاً بازیکه منافع بازار و رسانه و قدرت‌های جهانی حاکم است، نه لزوماً حاصل بیان روشن نیازهای واقعی افراد، گروه‌ها و جوامع.

شالوده علمی «ارتباطات بین‌المللی» به مشروعیت بخشیدن به معنای «رویکرد بین‌المللی» به مثابه الگویی برای منافع متضاد کمک می‌کند. این امر به نوبه خود معنای ارتباطات را به یک الگوی مکانیکی و سیبرنتیک از جریان اطلاعاتی و مشمول منافع توسعه‌طلبانه توسعه تحول فنی و اقتصادی تنزل می‌دهد. در حالی که تاریخ‌نگاری متداول در قرائتش از واژه

آیا مفهوم و اهمیت پیشوند «بین» در عبارات ارتباطات بین‌المللی این ضرورت را پیش نمی‌آورد که در رابطه بین زبان و ارتباطات تجدید نظر شود و به دنبال آن از پیشوند «بین» در عبارات ارتباطات بین‌المللی خراست مجددی صورت گیرد؟

بین‌المللی، اهمیت سیاسی آن را مأخوذ از فناوری‌های ارتباطات می‌داند، چشم‌انداز غیرغربی دیدی متفاوت دارد. معنای واژه بین‌المللی در ارتباط با توسعه رسانه‌های ارتباطی جهانی ترسیم نمی‌شود. برعکس، این معنا همان ایدئولوژی توسعه‌طلبی، بازدارندگی و مهار است که الهام‌بخش مفهوم مکانیکی ما از ارتباطات می‌شود. به بیان ساده، این رسانه‌های ارتباطی نیستند که سیستم بین‌المللی را به وجود می‌آورند، بلکه چهارچوب فنی

و منافع سیاسی - اقتصادی سیستم بین‌المللی تصور و تصویر ما را از ارتباطات ایجاد می‌کند. این تصویر بیش از همه از سوی منافع خود سودجویانه نخبگان اطلاعاتی ایجاد می‌شود.

اگر نخواهیم پیشوند «بین» را در واژه‌های بین‌المللی، بین فرهنگی و بین فردی به مثابه تفاوتی کاهش‌ناپذیر و سازش‌ناپذیر متصور شویم که (در هر مورد) به وسیله فضای حایل (بین ملت‌ها، فرهنگ‌ها و افراد) ایجاد شده است، چگونه تصویری می‌توانیم از آن داشته باشیم؟ از میان سیلان، شدت و خروش این فضای میانی است که ما در پی جوشش در عرصه ارتباطات بین‌المللی برمی‌آئیم. اگر ما بین‌الملل را به مثابه چهارچوبی برای پرداختن به مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روزگاران تصور کنیم، استدلال ما این می‌شود که باید در مورد طرح، ساختار و مرز این چهارچوب به تأمل بنشینیم و به طرح سؤال بپردازیم. همان گونه که پیشوند «بین» بر بین فردی، بین فرهنگی و بین‌المللی دلالت دارد، فضای ارتباطات متشکل از فضاهای میانی بین اصطلاحاتی منفرد است (چه اشخاص باشند، چه فرهنگ‌ها و ملت‌ها). فضای میانی‌ای که با روزنه‌ها و شکاف‌های بین مردمان، زبان‌ها و فرهنگ‌ها باز شده است نه تنها موجب ساختارافکنی وحدتی است که در نظریه‌های میدانی جهانی در خصوص نظم نوین اطلاعاتی - ارتباطی جهان ما فرض شده‌اند، بلکه مشعر به سیلان، تنش و جنبشی است که هم مقدم و هم فراتر از آرایش‌های هندسی (geometries) حاکم در دولت ملی است. از این رو، فضایی که

با واژه بین‌الملل باز شده است، فضایی است نه جهانی و نه ملی. واژه بین‌الملل را در عبارت ارتباطات بین‌المللی نباید به مثابه اصطلاحی واسطه (mediating) بین ملی و جهانی متصور شد؛ بلکه باید آن را به مثابه روزنه‌ها و شکاف‌های فضا - زمانی‌ای متصور شد که در برابر تمامیت‌ها (totalities)، هویت‌ها و تضادهای مفروض در این وساطت (mediating) مقاومت می‌کند و آنها را متزلزل می‌سازد. در درون فضاهای میانی (interstices) عرصه‌ای آکنده از تفاوت‌های کاهش‌ناپذیر و سازش‌ناپذیر است که حوزه ارتباطات بین‌المللی به گشودن افق‌هایی بین مردمان، زبان‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازد و بر شکاف بزرگ مابین آنها پل می‌زند.

آیا مفهوم و اهمیت پیشوند «بین» در عبارت ارتباطات بین‌المللی این ضرورت را پیش نمی‌آورد که در رابطه بین زبان و ارتباطات تجدید نظر شود و به دنبال آن، از پیشوند «بین» در عبارت ارتباطات بین‌المللی قرائت مجددی صورت گیرد؟ با تداخل مرزهای بین مردمان و فرهنگ‌های مختلف، زبان دیگر نمی‌تواند واسطی شفاف برای برقراری ارتباط تلقی شود. نشانه‌شناسی و شعرشناسی (poetics) در زبان فضای تصویری و نمادین میلی - میلی متافیزیک - را ترسیم می‌کند که راهگشای تفکر به ارتباطات و (شناساندن) هویت به دیگری است.

زبان راهگشای ارتباطات به روزنه‌ها و شکاف‌هایی است که مرزهای تمدن‌های ناهمگن را به وجود آورده‌اند. با فضای میانی‌ای که ارتباطات بین‌المللی گشوده است، زبان نه یک واسطه شفاف ارتباطی و نه یک برج بابل است، زبان به این کار می‌آید که تفاوت‌های موجود یک زمینه ارتباطی از زیر خاک بیرون کشیده شود.

زبان می‌تواند ابزار قدرتمندی در حوزه ارتباطات بین‌المللی باشد تا با بازگشایی شکاف‌ها و روزنه‌های موجود بین فرهنگ‌ها به کندوکاو آنها بپردازد؛ چیزی که میشل فوکو آن را «باستان‌شناسی دانش» می‌نامید.

سؤالات کلیدی بسیاری هستند که می‌توانند قرائت مجددی را از تاریخ ارتباطات و فرهنگ رهنمون شوند. دو راهی برهه زمانی حاضر این ضرورت را پیش می‌کشد که به دقت تقاطع مرزی بین هم‌شکلی و گوناگونی را بررسی کنیم. همان گونه که اصطلاح غالباً مورد استفاده محور شمال - جنوب ارتباطات جهانی، ترسیم‌گر آن بوده است، شالوده‌های فلسفی و معرفت‌شناختی تمدن غربی باید افق‌های اندیشیده‌ها و ناندیشیده‌های (un-thought) خود را بر سایر فرهنگ‌ها بگشاید. متصور شدن گوناگونی

به مثابه «دیگری» و شبه فلسفه غربی به مثابه «امر معتبر» (the valid) مواردی هستند که باید ساختارافکنی را از آنها آغاز کرد. «خرد ستیزی» مشاهده شده در یک فرهنگ (یعنی فرهنگ غیرغربی) و «خردگرایی» مشاهده شده در فلسفه و علم غربی باید پیش از آن که بتوان به تحلیل معنی دار پرداخت کنار گذاشته شود.

در واقع، تاریخ فلسفه غربی کتاب گشوده‌ای است که هرگز قادر نبوده است بعد فرهنگی خود را ضبط یا متوقف کند. از کانت، مارکس و فروید تا بسیاری دیگر از فلاسفه غربی، گفتمان مربوط به بیش از آنچه واقعاً مورد توجه قرار گیرد، فرهنگی و مذهبی بوده است. در این برهه حیاتی شاید ثمربخش‌تر از همه این باشد که توجه خود را از مفاهیمی نظیر «پایان ایدئولوژی» و «پایان تاریخ» به «پایان گوناگونی»؟ معطوف کنیم. - گفتمانی که با یک علامت سؤال بر آن تأکید شده است.

بررسی تأثیرات تاریخی، اقتصادی، آموزشی، توسعه‌ای، سیاسی و اطلاعاتی ارتباطات ماهواره‌ای، همان گونه که در فصول پیش تا اندازه‌ای به تفصیل به آن پرداخته شد، امری بجا و مناسب و سودمند است. اما در اساس امر، تأثیر فرهنگی ماهواره‌ها بر گوناگونی و بر صلح جهانی و بقای بشر است که مسئله‌ای محوری محسوب می‌شود. آیا ماهواره‌ها تنها یک سیستم ارزشی را القا می‌کنند؟ آنها گوناگونی جهانی را از بین می‌برند یا آن را ترویج می‌دهند؟ آیا ممکن است هر دو کار را انجام دهند؟ سیستم‌های ماهواره‌ای می‌توانند ابزاری قدرتمند برای پل زدن بر شکاف بین مردم جهان و افزایش دانش باشند. اما آیا آنها واقعاً جهان را برای همه انسان‌ها در همه سرزمین‌ها به جایی بهتر تبدیل می‌کنند؟

هیئت منصفه پاسخگوی این سؤال هنوز حضور ندارند. ارتباطات بین‌المللی را باید در مفهومی گسترده‌تر از صرف فناوری و گیگابیت و ثانیه نگریست. سؤالات مربوط به توانایی ماهواره‌ها در زمینه افزایش درک و تعریف و تعیین گوناگونی میان فرهنگی برای همه انسان‌ها مسائل بزرگ‌تری هستند. احتمالاً اینها دلمشغولی‌های مهم‌تری خواهند بود که ده سال بعد یا حتی یک قرن بعد کندوکاو آنها می‌شود.

منبع: نسخه اصلی این مقاله با عنوان *Satellites and Global Diversity* در سال ۲۰۰۲ به یونسکو ارائه شده و همزمان توسط آقای پروفیسور مولانا نسخه‌ای در اختیار نشریه قرار گرفت.

تأملی در رسانه‌های فراگیر ماهواره هجوم اطلاعات بی‌اعتنا به مرزها

مؤلف: علی‌اکبر قاضی‌زاده

مدرس دانشکده خبر و روزنامه‌نگار

اشاره

رسانه‌های فراگیر مدرن همه جهان را زیر سلطه گرفته‌اند. این فرایند را هم می‌توان جشن گرفت و هم با وا همه و دلواپسی پذیرفت؛ تا به کدام قطب جغرافیای سیاسی جهانی تعلق داشته باشیم. می‌گویند با آن میلیاردها دلاری که رونالد ریگان، رئیس جمهوری دهه هشتاد میلادی آمریکا، صرف جنگ ستارگان کرد، پای بشر به مریخ نرسید؛ اما جهانیان توانستند صدا و تصویر را از سرزمین‌های دور، در خانه خود دریافت کنند. اندیشه دهکده جهانی که مارشال مک‌لوهان، در اواخر دهه ۶۰ میلادی به دنیا عرضه کرد تا وقتی بزرگراه‌های رایانه‌ای و شبکه‌های ماهواره‌ای فعال نشده بودند، تحقق نیافتنی به نظر می‌رسید. اما حالا دنیا بدون نیاز به فصل‌های یک کتاب می‌تواند زوایای این طرح را دریابد.

کارکرد ماهواره امروز با میراث گذشتگان ما، با فرهنگ ما، با باور ما و با نان سفره ما ارتباط یافته است. می‌توان این کارکرد را نادیده گرفت، می‌شود آن را منکر شد و می‌شود با این فرایند به مدد طرح و برنامه و هدف کنار آمد. اما سکوت و بلاتکلیفی به یقین مشکلی از پیش پای ما بر نخواهد داشت.

فناوری پخش تصویر و صدا به صورت تابش آئینه‌وار، خیلی جدید نیست. اما بهره‌گیری از آن در جایگاه ابزاری که سلطه خبری فن سالاران را بر بقیه دنیا امکان‌پذیر می‌سازد از حدود نیمه دهه ۸۰ میلادی معمول شد.

در امریکا که فناوری به سرعت، به کالایی قابل معامله تبدیل می‌شود، نخستین قانون مربوط به صنعت ارتباط ماهواره‌ای در سال ۱۹۶۲ - چهل سال پیش - وضع شد. یک سال بعد، در اول فوریه سال ۱۹۶۳ (یازدهم بهمن ماه ۱۳۴۲) مؤسسه ارتباطات ماهواره‌ای (کامست)^۱ بر اساس همان قانون به ثبت رسید. کامست دو شبکه «زمین - فضا - زمین» را با نام «تل‌استار» و «ری‌لی»^۲ به وجود آورد که این دو به ترتیب امتیاز پوشش خبری مراسم خاک سپاری پاپ جان بیست و سوم و جان‌اف‌کندی را با بهره‌گیری از این فناوری به شبکه‌های تلویزیونی دنیا فروختند. در همان سال، برنامه‌های دیگری چون فرود انسان به خاک ماه، مسابقه بوکس محمدعلی کلی با سانی لیستون و جورج فورمن و برخی مراسم مهم ورزشی دیگر برای همه دنیا - هر جا ایستگاه گیرنده زمینی ماهواره وجود داشت - پوشش داده شد. اواخر دهه ۶۰ میلادی، حتی رویدادهای مهم جنگ ویتنام نیز با این فناوری پیش چشم امریکاییان آورده شد. تا این هنگام به سبب پیچیدگی و گرانی فناوری ماهواره‌ای، فقط مناسبت‌های ویژه به کمک این تجهیزات به پخش می‌رسید اما در سال ۱۹۷۱، سه ماهواره ثابت، بر فراز سه اقیانوس بزرگ دنیا (آرام، اطلس و هند) به فضا رفت تا پخش ماهواره‌ای وارد مرحله تازه‌ای شود. البته ساخت یک شبکه ایستگاه زمینی که بتواند امواج را بگیرد و توزیع کند، مدتی طول کشید و - چون بقیه رسانه‌ها - تا وقتی از شبکه‌های ماهواره‌ای کسب درآمد ممکن نشد، این شیوه خبرگیری و خبررسانی توسعه نیافت. کمپانی‌های یاد شده، به موازات تجهیز و بهینه‌سازی این فناوری، رفته رفته امتیاز یا حق بهره‌برداری از بخشی از این تجهیزات را طی قراردادهایی به مؤسسه‌های رسانه‌ای واگذاشتند.

از نیمه اول دهه هشتاد میلادی، نخست شبکه جهانی سی ان ان و سپس استار و بعد بی بی سی - انگلستان - از دور دست برای مردم پنج قاره برنامه تدارک دیدند و سپس حق استفاده جزئی از قرارداد اصلی خود را به شبکه‌های کوچک‌تر واگذاشتند.

اعراب حاشیه خلیج فارس، از جمله با این تصور که پخش ماهواره‌ای به آنان حیثیت «توسعه‌مندی» می‌دهد با خرید و اجاره ماهواره‌ای - شبکه «عرب ست»^۳ - وارد این میدان شدند.

بخشی از این فناوری، به صورت ماهواره‌های جاسوسی و نظامی، از حدود جنگ ویتنام، وارد واحدهای ارتش‌های توانمند غربی شد. در جنگ عراق علیه ایران از جمله، عراق توانست با بهره‌گیری از تجهیزات ماهواره‌ای اطلاعات که بر روی هواپیماهای «ای‌واکس» استقرار می‌یافت - در اختیار عربستان سعودی - به موفقیت‌های اطلاعاتی دست یابد. گواهی که خود امریکا نیز به طور مستقیم و به نحوی گسترده‌تر همین کار را می‌کرد.

بهره‌گیری از تجهیزات ماهواره‌ای نیز به موازات گسترش آن رو به تحول رفت و دریافت امواج تا حدود زیادی ساده‌تر شد.

شاید عمده‌ترین ویژگی ماهواره در این باشد که مهم مفاد ثابت و همزمان رسانه‌ها را به مدی تازه و گسترده رساند و به تحقیق عملی «دهکده کوپکا جهانی» یاری داد.

در سال ۱۹۷۴، رادیو «ای بی سی» توانست از طریق ماهواره پخش گسترده برنامه‌های چهار شبکه خود را در خاک امریکا و کشورهای اروپایی ممکن سازد.

از اوایل دهه ۷۰، ارسال ماهواره‌های کوچک به فضا، این شیوه اطلاع‌رسانی را وارد مرحله تازه‌ای کرد و به تدریج شبکه‌های محلی ماهواره‌ای تأسیس شدند. اما از سال ۱۹۷۷، با ساخت تبدیل‌کننده‌هایی که قادر بود دریافت امواج ماهواره‌ای را آسان‌تر سازد و نیز با گسترش ساخت پایگاه‌های «ماهواره - زمین - ایستگاه» تحولی در این صنعت پدید آمد. در سال ۱۹۷۹، یک شبکه

تلویزیونی^۴ در آتلانتای جورجیا (امریکا) توانست با بهره‌گیری از امواج ماهواره‌ای برای مشترکان تلویزیون کابلی برنامه پخش کند. همین شبکه در سال ۱۹۸۳ توانست برای یک گروه از فرستنده‌های تلویزیون کابلی در سراسر امریکا برنامه خبری همزمان تدارک ببیند. از نیمه دهه ۸۰، رفته رفته شبکه‌های ماهواره‌ای به شیوه «پخش مستقیم ماهواره‌ای»^۵ کار خود را آغاز کردند. نخست سی ان ان و ای بی سی^۶ در امریکا و سپس شبکه‌های بی بی سی در اروپا.

ماهواره - رسانه

در مورد ماهواره پرسش اساسی این است: آیا این فناوری را می‌توان رسانه‌ای مستقل به حساب آورد؟ بسیاری از صاحب‌نظران ارتباطات و رسانه‌ها در این معنا تردید کرده‌اند. از جمله «توماس بون» عقیده دارد:

«پخش ماهواره‌ای یک فناوری است. می‌پذیریم که فناوری پراهمیتی نیز هست که تحول شگرفی در جهان ارتباطات پدید آورده است. اما اگر برای مثال، روزنامه دیجیتالی^۷ را بتوان رسانه تازه دانست، ماهواره را نیز می‌توان رسانه به حساب آورد»^۸. بون اعتقاد دارد ماهواره ویژگی انحصاری ندارد. ملوین دفلور در کتاب «توسعه فناوری تلویزیون» ارسال و پخش ماهواره‌ای را «ابرتلویزیون» می‌نامد: «کارایی ماهواره با همه پیچیدگی و توانی که دارد، از تلویزیون بیشتر نیست جز در این مورد که اولاً به گروه مخاطبان حس عضویت در گروه مخاطبان بسیار انبوه می‌دهد و ثانیاً ویژگی هموندسازی مخاطبان رسانه‌ای را بعد تازه‌ای می‌بخشد»^۹.

کسانی چون سایکل می‌گویند ماهواره را باید نوعی رسانه تلویزیونی به حساب آورد: «اگر برخی تفاوت‌ها را نادیده بگیریم، در ماهواره هم وسیله ارتباطی آمیزه‌ای از صدا و تصویر و حرکت و رنگ است. شاید فرق اصلی در حوزه ارتباطی گسترده‌تر ماهواره باشد»^{۱۰}.

با این همه، ظهور ماهواره ساختار اطلاع‌رسانی را دگرگون کرد و دنیای غیرصنعتی و حتی صنعتی را به تکاپو واداشت. نکته مهم در این دگرگونی، مخدوش کردن مرزهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی میان کشورهاست. شاید عمده‌ترین ویژگی ماهواره در

**ویژگی‌های سه گانه
هموندنداری: سرعت و پوشش
گسترده. پیام‌های ماهواره را
باورپذیرتر می‌کند. در اصل، اعتبار
همه رسانه‌ها وابسته به کارکرد
این سه فصلت است.**

این باشد که حجم مخاطب ثابت و همزمان رسانه‌ها را به حدی تازه و گسترده رساند و به تحقق عملی «دهکده کوچک جهانی»^{۱۱} یاری داد.

در واقع «پخش ماهواره‌ای برنامه - از راه دور - و شبکه‌های اطلاعاتی رایانه‌ای دو دستاورد مهم قرن بیستم است که امکان ورود به فضای تازه باور جهانی می‌داد»^{۱۲}.

از این فراتر: «ماهواره‌ها به دلیل آمیختن با اندیشه و احساس مخاطبان و به سبب در امان ماندن از سانسورهای رایج، به برقراری دموکراسی و تقویت مبانی اقتصاد سالم کمک می‌کنند زیرا در پی رواج ماهواره‌ها حکومت‌های محلی امکان بی‌اطلاع نگاه داشتن مردم را از دست می‌دهند»^{۱۳}.

اما آیا این مطلب واقعیت دارد؟ آیا بشر می‌تواند به ماهواره و رایانه به عنوان دو رسانه‌ای که صلح و دموکراسی را در دنیا همه‌گیر می‌کنند دل ببندد؟ آیا صلح و دموکراسی از آن دست که فوکویاما و

همفکران او در نامه‌ای به جرج بوش دوم نوید داده‌اند و لشکرکشی امریکا به افغانستان را مقدمه آن دانسته‌اند همه امید دیرین سال مصلحان را بر خواهد آورد؟

مصطفی مسطیری مراکشی زمانی در نیمه دهه ۷۰ میلادی نوشته بود: «هر گاه مک‌لوهان مژده دهکده کوچک جهانی را مطرح می‌کند، دل من به جای شوق از بیم لبریز می‌شود. من توان و تبار جهان‌گشایی ندارم به همین مناسبت حق دارم بر خود بلرزم که در آن دهکده، کدخدا و ارباب کیست»^{۱۴} او توضیح می‌دهد که مک‌لوهان آینده ترس‌آوری را برای جهان محکوم به فرمانبرداری طرح کرده است.

ماهواره: قابلیت‌ها و ناتوانی‌ها

ماهواره نیز مانند دیگر رسانه‌ها - اگر آن را رسانه مستقلی فرض کنیم - مزیت‌ها و ضعف‌هایی دارد. ماهواره، رسانه مدرن و مقتدری است که توانمندی‌های قابل ملاحظه‌ای دارد؛ از جمله:

- هموندپنداری: برای مخاطب ماهواره این حس بسیار پرهیجان است که من یکی از بینندگان بی‌شماری هستم که در سراسر جهان، این خبر را می‌شنوم یا می‌بینم. از این موضوع آگاه می‌شوم و این صحنه را مشاهده می‌کنم. امروزه در جهان - به ویژه در جهان سوم - تماشای «سی ان ان»، «ام تی وی» و نوعی تفاخر به شمار می‌آید. این حس که در همین لحظه در واشنگتن، اسلو، کلکته، اسکندریه، اهواز و جبل‌علی، کسان دیگری نیز مانند من، یکی از انبوه مخاطبان این ایستگاه ماهواره‌ای هستند حس اغواکننده است. مخاطب تلویزیون چنین حسی را لااقل به این گستردگی تجربه نمی‌کند.

- سرعت: مانند تلگراف که در قرن نوزدهم، امکان تبادل پیام و خبر را فراهم آورد، مانند تلفن که هیجان انتقال صدا را به بشر هدیه داد و مانند تلویزیون که تصویر را از جایی به جای دیگر فرستاد، ماهواره به انتقال فوری صدا و تصویر معنا بخشید. به ویژه در نخستین تمرین‌ها، وقتی قریب به دومیلیارد ساکن سیاره زمین، قدم گذاشتن انسان را بر خاک ماه، به طور مستقیم و همزمان به تماشا نشستند، این تجربه عملی شد. ماهواره رسانه‌ای است که سرعت اطلاع‌رسانی به اضافه پوشش وسیع را ممکن ساخت.

- پوشش گسترده: امواج تلویزیونی نمی‌توانند از موانع بگذرند. در سطح‌های بدون عارضه هم باید جا به جا این امواج را در سطح تقویت کرد. امواج تلویزیونی‌های سرزمینی را غیر از نوارهای مرزی، در

سرزمین‌های دیگر نمی‌توان دریافت کرد. امواج رادیویی هم بدون تقویت‌کننده، امکان برد دور ندارند. در مورد امواج ماهواره‌ای چون از فضا تابانیده می‌شوند، این مشکل وجود ندارد. ویژگی‌های سه‌گانه هموندپنداری، سرعت و پوشش گسترده، پیام‌های ماهواره را باورپذیرتر می‌کند. در اصل، اعتبار همه رسانه‌ها وابسته به کارکرد این سه خصلت است. مخاطبان هر قدر این سه خصلت را در رسانه قوی‌تر ببینند، بیشتر آن را باور می‌کنند. با این همه ماهواره رسانه‌ای بی‌عیب نیست:

- زبان: سخن مسطیری را به یاد بیاورید: برای استفاده از ماهواره - از وسایل ورود به دهکده کوچک جهانی - باید با زبان فرستنده آشنا بود؛ درست مانند کار با شبکه‌های رایانه‌ای. زبان ماهواره، محلی و سرزمینی نیست؛ فرامرزی است. اگر مخاطب با زبان رسانه فرستنده آشنا نباشد، چیز زیادی از آن در نخواهد یافت. از جانب دیگر، زبان رسانه‌های مسلط، رفته رفته جهانی می‌شود.^{۱۵}

- زمان: در تلویزیون، زمان، سرزمینی است. می‌توان وقت را میان زمان‌های کم مخاطب، زمان میانه - از نظر حضور مخاطب در برابر رسانه - و درجه اول^{۱۶} تقسیم کرد. این کار از نظر تقسیم برنامه‌ها در طول زمان و قیمت آگهی‌ها در هر ساعت اهمیت دارد اما اگر قرار باشد که برای مثال، در ساعت هشت و سی دقیقه شب که در مرکز امریکا از جمله واشنگتن ساعت درجه اول به شمار می‌آید، شبکه‌ای چون سی ان ان برنامه‌ای پخش کند، زمان بندی آن را در هند حدود دوازده ساعت دیرتر - در حدود هشت و نیم صبح - و یا در تهران حدود پانزده و نیم، چگونه می‌توان رعایت کرد؟

- قانون: ماهواره نخستین رسانه‌ای بود که مقاومت جدی دولت‌ها، حکومت‌ها و اندیشمندان کشورهای دنیا را برانگیخت. جالب این که نخستین نگرانی‌ها نه از سوی کشورهای جهان سوم که فرهنگ و اقتصاد ملی خود را در معرض آسیب می‌دیدند که از جانب اروپا ابراز شد. فرانسه و سپس اسپانیا دو کشوری بودند که تقویت و گسترش ماهواره‌های فراملی را که بیشتر امریکایی هستند، مقدمه زوال زبان و فرهنگ فرانسوی و اسپانیایی ارزیابی کردند. گو این که هیچ کشوری مانند چین - برخلاف هند - در این زمینه حساسیت نشان نمی‌دهد. چین که در هر مناسبتی قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را به کار می‌گیرد تا تابش امواج ماهواره‌ای را به سرزمین خود محدودتر کند، در این زمینه موفقیت اندکی هم داشته است.

بنابراین حکومت‌هایی که نگران اعتقادات و فرهنگ‌های بومی و سرزمینی خود هستند، محدودیت‌هایی را برای دریافت این امواج در نظر می‌گیرند. عربستان و چند کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس نوع غربی این رسانه را از اساس ممنوع اعلام کرده‌اند. کشورهای چون مصر، اردن، مالزی و اندونزی کارگزاری آنتن‌های بشقابی را در جهت‌های خاصی که تابش شبکه‌های ایمن‌تری را دریافت می‌کنند، قانونی دانسته‌اند.

- هزینه: استفاده از ماهواره به نسبت تلویزیون نیاز به صرف هزینه بیشتری دارد. تأمین آنتن و گیرندهٔ مُبدل امواج که به هر حال هزینه‌ای اضافی را الزام‌آور می‌کند، برای مردم همه جای دنیا میسر نمی‌شود.

- پس‌فرست محدود: برخلاف روح و طبع همه رسانه‌ها که تصحیح و بازسازی خود را بنابر بازخوردها و پس‌فرست‌های مخاطبان شکل می‌دهند، رسانهٔ ماهواره نمی‌تواند از این فرایند به طور کامل استفاده کند. این ارتباط در مورد ماهواره‌ها بسیار دشوار یا غیرممکن است. در این رسانه، رابطه مخاطب و رسانه زیرتأثیر دوری راه، بسیار محدود صورت می‌گیرد. بینندهٔ یک فرستنده ماهواره‌ای از گروه «استار» چگونه می‌تواند از شهر حیدرآباد هند با پیام‌دهندگان ماهواره‌ای امریکا تماس بگیرد و نظر خود را اعلام کند؟

این کافی نیست که شبکهٔ ماهواره‌ای با تکیه بر مهارت و تجربه‌های خود، خواست و سلیقه و علاقهٔ مخاطبان نادیدهٔ قاره‌های دور دست را با حدس و گمان تأمین کند و یا نشانی پست الکترونیک خود را اعلام کند تا مخاطبان در صورت تمایل پس‌فرست‌های خود را بفرستند. همه مخاطبان این امکان را ندارند و نمی‌توانند هزینه این تماس را تأمین کنند.

اما ویژگی مهم و حساس ماهواره‌ها، جنبه‌های متناقض (پارادوکس) دارد: صاحبان صنایع و فناوری نو، به این قدرت می‌بالند و می‌کوشند بیشتر از آن بهره بگیرند. برعکس کشورهای در حال توسعه که خود را هدف تهاجم ماهواره احساس کرده‌اند، آن را ویرانگر ارزیابی می‌کنند: تهدید قدرت باورسازی و تبلیغ سیاسی سرزمینی.

تردید نکنیم که هیچ رسانه‌ای چنین قدرت مطلقه‌ای ندارد. در حالی که دهه‌های متمادی، روزنامه‌ها، رادیوها و تلویزیون‌های غربی، علیه حکومت‌ها و دولت‌های دیگر - به ویژه ضعیف‌تر - خبر و گزارش و میزگرد و تفسیر و تحلیل و انتشار داده‌اند و می‌دهند، هیچ دولت در معرض تبلیغی، هرگز به طور جدی

با این تبلیغ‌ها یا به تعبیری افشاگری‌ها و روشننگری‌ها تهدید نشده است، اما رسانه‌های ماهواره قدرت دیگری است. ماهواره می‌تواند زنده و مستقیم و پرتأثیر، همه کوشش‌های باورسازی و تبلیغ یک حکومت را باطل کند.

تصور کنیم یک حکومت پادشاهی به ضرب قدرت تبلیغ و اقناع و تکرار، نوعی مشروعیت و مطلوبیت آسمانی را برای اکثر مردم یک سرزمین جا انداخته است و حال به یک باره - به هر انگیزه - یک فرستنده ماهواره‌ای طی یک سلسله برنامه، همه آن باورها را تخریب می‌کند. حکومت‌های مستقل‌تر یا سرکش‌تر همواره در مخاطره چنین فضا سازی‌هایی خواهند بود، زیرا چنان که بسیار اتفاق می‌افتد چنین حکومت‌هایی همیشه هدف تبلیغ و جریان‌سازی‌های خبری صاحبان حکومت‌های قدرتمند و متکی به فناوری‌های ارتباطی قرار می‌گیرند.

در جهان سوم، بسیاری از حکومت‌ها، رسانه‌های فرامرزی را تهدیدی برای روند مردم‌گرایی در درون کشور خود می‌دانند. آنان می‌گویند که مردم می‌توانند با باور داشتن به راهکارها، شعارها و اندیشه‌هایی که حکومت‌ها به جامعه تزریق می‌کنند به توسعه و حتی مردم‌سالاری واقعی برسند اما خبررسانی و تبلیغ از سوی رسانه‌های غربی که بی‌رحمانه و بی‌صبرانه رویدادها و تحول‌ها را با نگاه غربی ارزیابی می‌کنند، این روند را بر هم می‌زند.

چالش تازه

در برابر موج گسترش رسانه‌های فرامرزی و جهانی، سیاستمداران، اندیشمندان ارتباطات و صاحب‌نظران سه نظریه را مطرح کرده‌اند:

اول - پوشش بین‌المللی خبر: نگاهی خوشبینانه که عقیده دارد باید حرکت تازه رسانه‌ها را در پوشش جهان - در برابر جهان چون ره‌آورد مغتنم دنیای نو پذیرفت و چه بهتر از این که مردم دنیا هر لحظه، به روشنی و به سرعت در جریان رویدادهای دیگر نقاط دنیا قرار گیرند. اگر آن بخش از دنیای خبرساز و خبر پخش کن، تنها به جوهره پیام و خبر می‌پرداخت، این دیدگاه امکان خبررسانی و خبرگیری را به همه مردم جهان می‌داد.

دوم - روزنامه‌نگاری رقابتی و شبکه‌های خبری جهان: این دیدگاه بیشتر بر توان خبری رسانه‌ها نسبت به یکدیگر نظر دارد. بنا بر این دیدگاه، همه رسانه‌ها سازمان و قدرت یکسانی ندارند.

سوم - رسانه‌ها و توسعه ملی: بر اساس این دیدگاه، بهره‌وری و حضور کشورها به میزان توسعه‌یافتگی آنها مرتبط است: باید نگران کشورهای باشی که بخش عمده‌ای از سطح سیاره را می‌پوشانند و از نظر فناوری هرگز قادر به برابری با امریکای شمالی - به ویژه - و اروپای غربی نیستند. این کشورها چه جهان سوم باشند، چه کشورهای عقب مانده و چه به زبان مؤدبانه‌تر در حال توسعه، نه دانش و مهارت باورسازی و تبلیغ در دنیا را دارند و نه ابزار و امکانات این مهم را. به همین سبب، انبوه پر تعداد این کشورها به ناچار هم در معرض تبلیغات سیاسی هستند و هم مصرف‌کننده خبرهای جهان اول.

**فصلت رسانه‌ها سیر به
سوی جهانی شدن است. از
سوی دیگر، گویا مفاصلان هر
چه منبع ارسال را دورتر
می‌انگازند. بیشتر باورپذیر
می‌شازند.**

در دیدگاه اخیر، با سرعت و زیرکی، عنوان «کشورهای خارجی» با ترکیب «عرصه بین‌المللی» عوض شده است. در واقع مفهوم خارجی باید نوعی تفاوت را برساند و معنای بین‌المللی حالتی همراهانه و تظاهرآمیز دارد. حال آن که در عمل، کار رسانه‌های قدرتمند غربی فرایند یک طرفه و یک سویه‌ای را نشان می‌دهد. این همان تعبیر مارشال مک‌لوهان از رسانه‌های جهانی است که می‌تواند: «هر کس را در هر جا و هر زمان» فرا گیرد.^{۱۷}

نمونه این رسانه‌های فرامرزی شبکه تلویزیون کابلی «تدترنر»^{۱۸} معروف به سی ان ان است که مرکز آن در آتلانتای جورجیا قرار دارد. سی ان ان از هر پنج قاره خبر می‌گیرد و برای هر پنج قاره خبر پخش می‌کند؛ شبکه ماهواره‌ای «سی ان ان» تجهیزات زمینی و فضایی ماهواره‌ای را به خدمت می‌گیرد تا خبر، اطلاعات و تصویر را از حدود ۲۰۰ کشور - حتی از میانمار (برمه) و کره شمالی - دریافت کند و به کمک ارتشی پرتعداد از خبرنگاران، آن خبرها، اطلاعات و تصاویر را به همه دنیا (از روستایی در سودان، تا دفتری در اسکندریه یا خانه‌ای در مسقط) برساند. شبکه «استارتی وی» نیز که به «تموجین جهان رسانه‌ها» روپرت مورداک^{۱۹} یهودی تعلق دارد، به ویژه در مجموعه سرزمین‌های هندوستان، چین و اندونزی - و انبوهی از همسایگان این کشورها - برنامه پخش می‌کند و «امروزه سی ان ان، مقتدرترین رسانه دیداری با قدرت پوشش خبری سریع از همه دنیا (از یک کودتا تا وقوع سیل) خطاب به همه دنیا است».^{۲۰}

چنین قدرت مسحورکننده‌ای، باور را به هر مخاطبی تحمیل می‌کند. گویا ماهواره حاصل همه تجربه‌های رسانه‌ای است: «وقتی بخش مهمی از دنیا در دهه چهل میلادی در برابر دو رادیوی لندن و

برلین مبهوت و بی‌اختیار، باور خود را به آن رسانه‌ها سپرد، می‌شد انتظار رسانه‌های فراملی را داشت».^{۳۱} خصلت رسانه‌ها سیر به سوی جهانی شدن است. از سوی دیگر، گویا مخاطبان هر چه منبع ارسال را دورتر می‌انگارند، بیشتر باورپذیر می‌شمارند.

زمان و فاصله، دو دلمشغولی باستانی بشر در امر ارتباطات بوده است. یعنی مردم دنیا همواره آرزو داشته‌اند که هر چه زودتر و از هر چه دورتر، خبر بگیرند. رسانه‌های مدرن این دو آرزوی اسطوره‌ای را برآورده‌اند.

جهانی‌سازی و جهان وطنی

یورگن هابرماس با نگاهی خوشبینانه به فرایند رسانه‌های فراملی، نخست آن را جلوه‌ای از «جهانی‌سازی»^{۳۲} می‌داند و می‌گوید: «جهانی شدن اصطلاحی دقیق و روشن نیست و از آن قرائت‌های متفاوت و متضادی می‌توان سراغ کرد».^{۳۳}

از بیشتر دیدگاه‌ها آن را منظر «مراوده متقابل»^{۳۴} در عرصه‌های جهانی بررسی می‌کنند؛ منظری که مباحث «کنش متقابل»^{۳۵} و «وابستگی متقابل»^{۳۶} را پیش می‌آورد و «جهانی‌سازی را باید با رویکردهای هماوا و مشابه چون «جهان وطنی»^{۳۷} و حتی «همه جا وطنی»^{۳۸} متفاوت دانست. برخی اصرار دارند این عنوان‌ها را با اعتقاد بر خصلت رسانه‌های مدرن برگزینند».^{۳۹}

اما واقعیت این است که «جهان وطنی» اردوگاه سوسیالیسم، لاقول بر روی کاغذ، چهره‌ای انسانی‌تر داشت. جهان وطنی از عدالت اجتماعی‌ای داد سخن می‌داد که لابد مرز نمی‌شناسد. جهان وطنی در مقابل ملی‌گرایی‌های شعاری و افراطی قرار می‌گرفت؛ جهانی‌سازی چه؟ پیام جهانی‌سازی گویا تعلق همه سیاره به قدرتمندان سیاره است. اما جهان وطنی و جهانی‌سازی در یک ویژگی اشتراک دارند: پدیده جهان وطنی رو به سوی وطن مادر - اتحاد شوروی سابق - داشت و جهانی‌سازی ناچار دل به امریکا دارد. خصلت جهانی‌سازی در هم نوردیدن مرزهاست و زمانی محقق می‌شود که:

- فعالیت‌ها در عرصه‌ای دنیایی یا نزدیک به کل دنیا صورت گیرد.

- اقدام‌های مربوط به آن در مقیاسی جهانی سازماندهی، هدفگذاری و هدایت شده باشد.

- برنامه‌هایی را به اجرا بگذارد که حدی از داد و ستد را در میان بخشی از جهان با بخش دیگر ممکن می‌سازد.

فوشینانی چون «کاتر» و «دول» عقیده دارند که همین پدیده رسانه‌های رادیکال، به اصول حکومت‌های فودکامه و روی کار آمدن رژیم‌های مردم‌گرا فوهد انبامید.^{۳۰} اما این دو توضیح نمی‌دهند که آیا حکومت‌های همسو با غرب، لزوماً مردم‌گرا هستند یا نه؟

مجموعه این سه شرط به هر شکل که روی دهد، بدون حضور و قدرت نمایی رسانه‌های فرامرزی کامل نخواهد بود! همین جاست که مقاومت و کوشش دولت‌های توسعه‌نیافته در برابر روند جهانی‌سازی و همسان‌سازی سیاره‌ای در برابر توجیه‌های آزادی داد و ستد اطلاعات و بهره‌مندی انسان از حق دریافت اطلاعات، معنا پیدا می‌کند. یعنی دولت‌های در معرض پوشش و یورش رسانه‌های تازه فریاد بر می‌آورند که این رسانه‌ها حاکمیت ملی و حق حکومت‌های سرزمینی را مخدوش می‌کنند و پاسخ می‌شنوند که ارتباطات و آگاه شدن حق انسان‌هاست. زیرا ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر - که لابد نمایندگان معتبر همه حکومت‌ها پای آن امضا گذاشته‌اند - تصریح می‌کند: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق، شامل آزادی در داشتن عقیده، بدون مداخله و مزاحمت و آزادی در طلب، کسب و نشر اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای، بدون ملاحظه‌های مرزی می‌شود».^{۳۰}

ماهواره‌های سیاسی کوچک

همه مشکلات حکومت‌های غیرمقتدر جهان، به ماهواره‌های دنیاگیر - مانند سی ان ان، استار یا بی‌بی‌سی - محدود نمی‌شود. بلکه شکل فوری‌تر این پدیده، ماهواره‌های بین‌المللی است که با هدف تعارض با حکومت‌های خاص به کار گرفته می‌شوند.

شبکه‌های ماهواره‌ای قدرتمند در کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند جزیی از امکان پرتوافکنی رسانه‌ای خود را در اختیار اشخاص، سازمان‌ها یا تشکیلاتی بگذارند که قصد دارند با حکومت یک کشور دست به مقابله تبلیغاتی بزنند.

فرض کنیم یک کمپانی بزرگ صاحب تجهیزات زمینی و فضایی ماهواره، جزیی از امکانات فناوری خود را در برابر دریافت پول یا در قالب یک سیاست کلی بین‌المللی به شخص یا مؤسسه‌ای واگذارد و آنگاه آن شخص یا مؤسسه این امکان - طول موج ماهواره‌ای - را در خدمت تبلیغ علیه کشوری به کار گیرد. آیا می‌توان این کمپانی بزرگ را به «تهدید سیاسی یک کشور مستقل» یا «دخاله در امور داخلی

دولت‌ها» متهم کرد؟ از نظر اخلاقی و عرفی می‌توان اما از نظر مناسبات طراحی شده بین‌المللی - از سوی همان صاحبان فناوری - هیچ کس به چنین شکایتی توجه نخواهد کرد.

در قرن بیستم این بهره‌وری حمایت‌آمیز و جهت‌دار، بی‌سابقه نیست. از نیمه قرن بیستم - با هر سیاستگذاری - مخالفان دولت‌ها زیر حمایت قدرت‌های بزرگ توانسته‌اند علیه حکومت وطن خود تبلیغ کنند. یعنی نخست رسانه کتاب، سپس مطبوعات و در ادامه رادیو و حتی تلویزیون را به کار گیرند. اما به یقین هیچ یک از این رسانه‌ها، حتی سایه‌ای از قدرت و برد ماهواره را نداشته‌اند. به همین ملاحظه چنین کوشش‌هایی در شرایط تازه‌ای سازمان داده می‌شوند. رادیو اروپای آزاد، در طول چند دهه علیه شوروی برنامه پخش کرد. همچنین رادیو کوبای آزاد و ده‌ها رادیوی مخالف‌گوی دیگر که کاری و کارکردی غیر از خرده‌گیری و نقد برخی از حکومت‌ها نداشته‌اند. اما ماهواره اپوزیسیون چیز دیگری است؛ سریع و مطمئن است، به زبان سرزمینی برنامه پخش می‌کند، صوت و تصویر و رنگ و حرکت دارد و بسیار خودمانی و پذیرفتنی است.

می‌توان لحظه‌ای در این معنا نیز درنگ کرد: چرا محافل مستقل از این امکان علیه همان جریان مقتدر بهره نگیرند؟ شوخی به نظر می‌رسد! تجهیزات و امکانات را از کجا باید تأمین کرد؟ لابد از همان جریان‌های مقتدر! خوشبینانی چون «کاتز» و «ودل» عقیده دارند که همین پدیده رسانه‌های رادیکال، به افول حکومت‌های خودکامه و روی کار آمدن رژیم‌های مردم‌گرا خواهد انجامید.^{۳۱} اما این دو توضیح نمی‌دهند که آیا حکومت‌های همسو با غرب، لزوماً مردم‌گرا هستند یا نه؟

جهان‌ستانی فرهنگی^{۳۲}

جهانی‌سازی رسانه‌ها، با خصلت‌ها و کارکردهایی که توضیح داده شد، نتیجه‌ای غیر از این ندارد که همه اطلاعات، از همه دنیا، در یک جا جمع شود، پالایش و ویرایش شود و سرانجام توزیع و پخش شود. این روند یک مفهوم دارد: انحصار خبری.^{۳۳}

انحصار خبری و جهان‌ستانی فرهنگی، دنیا را آرام آرام به سوی یک نظام واحد - و مقتدر - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پیش می‌برد. پیش‌تر توضیح داده شد که این انحصار را برخی برای دموکراسی امیدوارکننده و برخی هولناک ارزیابی می‌کنند. با سلطه رسانه‌های مقتدر و مدرن، اقتصاد دنیا تک

محوری می‌شود؛ یا به این سمت پیش می‌رود. مردم دنیا کالاهایی را مصرف می‌کنند که از این رسانه‌ها تبلیغ می‌شود. خصلت اقتصاد رو به توسعه حذف رقیبان ضعیف‌تر و تسلط سرمایه‌های کلان‌تر است. از نظر فرهنگی، روند همسان‌سازی^{۳۴} سیاره‌ای شتاب می‌گیرد. این همسان‌سازی از لباس و ظاهر اهل سیاره آغاز می‌شود و با سلطهٔ زبان واحد ادامه می‌یابد تا به فرهنگ مسلط و یکسان برسد.

**مهان‌ستانی فرهنگی با
گسترش نفوذ رسانه‌های
مدرن همسو عمل می‌کند و
هر پدیده و رویداد مخالف و
ناساز را به ماشین و ازوا
می‌راند.**

جان تامپسون عقیده دارد: «در طول دهه‌های گذشته، فرایند جهانی‌سازی رسانه‌ای با منافع و فعالیت بنیادهای بزرگ اقتصادی فراملیتی که همه در غرب - به ویژه در امریکا - تمرکز یافته‌اند هماهنگ عمل کرده است. این رسانه‌های مقتدر به طور یکپارچه در خدمت ارتش‌ها و حکومت‌های همپیمان قرار می‌گیرند. این روند، در معرض خطر قرار گرفتن فرهنگ‌های ریشه‌دار و باستانی و پدید آمدن وابستگی کشورهای ضعیف‌تر به همان قدرت‌ها را در پی دارد».^{۳۵}

این دیدگاه را به شکل دیگری نیز می‌توان توضیح داد؛ چنان که «هربرت شیلر» عرضه کرده است. شیلر کتاب «رسانه‌ها و امپراطوری امریکا» را در سال ۱۹۶۹ نوشت اما اندیشه‌ای که طرح کرد چنان از سوی مخالفان و موافقان به بحث گذاشته شد که این اثر را هر سال تجدید چاپ کردند و بر متن نخستین نکته‌های تازه‌ای افزودند. شیلر عقیده دارد که روند جهان‌سالاری امریکا از جنگ دوم جهانی آغاز شد و به تدریج شتاب گرفت. این روند رفته رفته امریکا را چون استعمارگران دیگر قرن‌های گذشته - انگلستان، فرانسه، هلند، پرتغال و - به یک امپراطوری مطلق مبدل ساخت.

او می‌افزاید: «این امپراطوری جدید دو قدرت وابسته به هم دارد: اقتصادی که در سایه سوداگری کمپانی‌های چندملیتی، فراملیتی و جهانی، می‌بالد و رشد می‌کند و رسانه‌هایی که به سازمان‌های اقتصادی و نظامی امریکا این توانایی را می‌بخشند که با تکیه بر نوآوری‌های الکترونیک نقش پیشتازی خود را حفظ کنند».

این متفکر غربی توضیح می‌دهد که در امریکا، هم رسانه‌ها و هم ارتش، ساختاری سرمایه محور و سوداندیش دارند و نتیجه می‌گیرد: «امپراطوری امریکا به این سبب درون‌زا، پویا و رو به گسترش است که دولت، ارتش، رسانه‌ها و اقتصاد آن به شکلی بی‌نظیر، چون شبکه‌ای هماهنگ و همذات عمل می‌کنند و هر بخش، دیگری را زیر حمایت می‌گیرد».^{۳۶}

به این دلیل چندان غافلگیرکننده نیست اگر چنین نتیجه گرفته شود که جهان‌ستانی فرهنگی با گسترش نفوذ رسانه‌های مدرن همسو عمل می‌کند و هر پدیده و رویکرد مخالف و ناساز را به حاشیه و انزوا می‌راند. اما این جهان‌ستانی، چگونه عمل می‌کند؟ روشن است؛ با رفتار گزینشی در کسب و جمع‌آوری، در فرآوری و پالایش، در عرضه کردن و عرضه نکردن و در نتیجه‌گیری از همین جریان‌سازی‌ها.

چند نمونه از سال‌های اخیر بیاوریم:

- در اسفند ماه سال ۱۳۶۶، عراق زیرحمایت صریح و ضمنی غرب و آمریکا، علیه مردم منطقه حلبچه، چند نوع سلاح شیمیایی مخوف به کار برد. از اهالی منطقه حلبچه، هر که در شعاع عمل بمب شیمیایی بود، زندگی خود را از دست داد. شهر و اطراف آن، به شهر افسانه‌ای «سنگستان» شباهت داشت؛ هر کس، در همان حالتی که بود خشک شد. از این قتل عام غیرانسانی، بسیاری از خبرنگاران و عکاسان غربی عکس و فیلم گرفتند و خبر تهیه

همه مردم دنیا، باورهای هر روز
فود را از رسانه‌های مقتدری
می‌گیرند که بر طبق یک الگوی
مساب شده اطلاع‌رسانی می‌کنند یا
باور می‌سازند.

کردند اما در دنیا کمترین انعکاسی از این فاجعه دیده نشد.

- در سال ۱۹۹۶، قرارداد بهره‌برداری از کانال پاناما رو به پایان می‌رفت و مطابق قرارداد، آمریکا باید تأسیسات کانال را به دولت پاناما واگذار می‌کرد. «نوریه‌گا» رئیس جمهوری پاناما زیر بار وعده‌ها و زورگویی‌های آمریکا نرفت. آمریکا به این کشور مستقل لشکر کشید، رئیس‌جمهوری آن را به جرم قاچاق مواد مخدر دستگیر کرد و به آمریکا فرستاد و خود، رئیس‌جمهوری دست‌نشانده‌ای را به کار گماشت. با این اقدام آمریکا که نقض آشکار حقوق دولت‌ها بود، رسانه‌های آمریکا، غرب و بقیه دنیا چگونه برخورد کردند؟ با سکوت مطلق!

- شلیک به هواپیمای مسافربری پهن پیکر ایرانی در تیر ماه ۱۳۶۷ به بهانه این که ارباس مسافربری را با هواپیمای جنگنده اشتباه گرفته‌اند نیز با همین سکوت جهانی روبه‌رو شد. هیچ یک از رسانه‌های جهانی به این واقعیت نپرداختند که با فناوری آن روز، امکان نداشت ارباس با هواپیمای جنگی اشتباه گرفته شود. گویا زندگی ده‌ها مسافر بی‌گناه در محاسبه‌های هدایت شده نمی‌گنجید.

نمونه‌های روشن و متعدد دیگری نیز هست: اسرائیل و فلسطینیان، القاعده و افغانستان، صدام حسین و عراق، صدام حسین و همسایگان، امریکای لاتین و رژیم‌های مختلف، کوبا و امریکا و چرخه این جهان‌ستانی رسانه‌ای خیلی پیچیده نیست. کشورهای دنیا یا باید خود، چون امریکا و دیگر کشورهای مقتدر غربی، فناوری‌های پیچیده خبرگیری و خبررسانی را در اختیار داشته باشند یا برای آن که در بی‌خبری نمانند و از اصل نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر سرپیچی نکنند، مصرف‌کننده اطلاعات و اخبار رسانه‌های مقتدر جهانی باشند. در عرصه تجهیزات اطلاع‌رسانی، انحصارهای جهانی حتی با کشوری که حاضر است هزینه‌های لازم را بپردازد، به طور نامحدود وارد معامله نمی‌شوند.

اگر نظر شیلر را در هماهنگی درونی قدرت‌ها در امریکا و سپس قدرت‌های همسو با امریکا در سراسر سیاره به یاد آوریم، نتیجه می‌گیریم که همه مردم دنیا، باورهای هر روز خود را از رسانه‌های مقتدری می‌گیرند که بر طبق یک الگوی حساب شده اطلاع‌رسانی می‌کنند یا باور می‌سازند.

بنابراین عجیب نیست که در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته، حتی اخبار رویدادهای درون کشور را ناچار باید از قول همان رسانه‌های مقتدر جهانی دریافت کرد.

و سرانجام

در برابر موج سهمگین رسانه‌های مدرن - از جمله ماهواره - کشورهای محروم از فناوری رسانه‌ای روز، چه سیاستی در پیش گیرند؟

کشورهای توسعه‌نیافته بسیار دیر به فکر چاره‌جویی افتاده‌اند. حرکت این موج را باید حاصل سده‌ها و دهه‌های متمادی عقب‌ماندگی و عقب‌نگاه داشتن‌های برنامه‌ریزی شده ارزیابی کرد. این صرافت دیر هنگام علت اصلی تصمیم‌های تند نیز هست.

برخی از این کشورها مصمم شدند به یاری قانون و قدرت حکومتی مردم را از تماشای ماهواره - و راندن در بزرگراه‌های اطلاعاتی رایانه‌ای - منع کنند. بعضی در این راه محدودیت‌هایی در نظر گرفتند و گروهی هیچ سیاستی را در این زمینه به اجرا نگذاشته‌اند.

آیا برای همیشه می‌توان سیاست ممنوعیت و محدودیت را ادامه داد؟ مخالفان این سیاست می‌گویند: نه! چون:

- فناوری رو به پیشرفت و توسعه است. از هم اکنون تجهیزاتی در برخی بازارها به فروش می‌رسد که به کمک آنها می‌توان از نصب آنتن‌های بزرگ و نمایان بشقابی صرف نظر کرد. آنگاه دیگر نمی‌توان رد این استفاده را در خانه‌ها و دفترهای کار گرفت.

- محروم کردن مردم از کسب آگاهی و خبر ممکن است پیامدهایی به مراتب ناگوارتر از آزاداندگاری رسانه ماهواره به بار آورد.

- امروز دریافت امواج ماهواره‌ای تنها با آنتن بشقابی، دریافت‌کننده و مودم میسر نمی‌شود. این امواج را از طریق رایانه‌ها نیز می‌توان دریافت کرد.

از آن سو، آیا منطقی است که درها را باز بگذاریم و به این امواج که همواره هم از سر خیرخواهی تابانده نمی‌شود، خوشامد بگوییم؟ عده زیادی از سیاستمداران جهان سوم به طور قطع پاسخ منفی می‌دهند. از نظر آنان وقتی خصلت و کارکرد این رسانه‌ها را می‌دانیم و می‌دانیم که کمتر به ملاحظه اطلاع‌رسانی صرف و مطلق، برنامه پخش می‌کنند، ساده دلی است که دست و پا بسته تسلیم شویم. راه برون رفت عملی و دشوار، حضور فعال به جای انزوای همراه با انفعال است.

به نظریه دهکده کوچک جهانی و حرف‌های مسطیری بازگردیم، به ویژه برای کشوری چون ایران با فرهنگ و تمدنی باستانی و ریشه‌دار، جهانگرد و تماشاگر بودن در این دهکده، نه در خور است و نه عادلانه. ما باید به صورتی جدی، اساسی و فوری خود را درگیر فناوری ارتباطات - در همه زمینه‌ها - کنیم. اگر می‌پذیریم که عصر ارتباطات آغاز شده است، اگر باور داریم که رقابت‌ها پس از این فقط بر سر تسلط بر قلمرو اطلاعات است و اگر قبول داریم که این فاصله را باید به هر قیمت ترمیم کرد، راهی غیر از این نیست که رقابت در عرصه اطلاع‌رسانی را جدی بدانیم و آن را دغدغه درجه اول خود ارزیابی کنیم.

در همین سال‌های اخیر، از این ناتوانی فناوری کم لطمه ندیده‌ایم. دامنه این لطمه‌ها، هر چه زمان بگذرد و هر چه این فاصله بیشتر شود، جبران‌ناپذیر خواهد بود.

می‌پذیرم که مجموعه صنعت و فناوری خصلتی یکپارچه و وابسته دارد. به این معنا که نمی‌توان تنها در یک رشته از فناوری کوشید و موفق شد. با این همه بر این اعتقادم که می‌توان رشته و خطی از فناوری را جدی‌تر گرفت و توسعه آن را جلو انداخت و در جایگاه یک خادم اطلاع‌رسانی دوست دارم

این امید را دست یافتنی ارزیابی کنم و امیدوار باشم که روزی حق خود را از مجموعه رو به گسترش اطلاع‌رسانی جهانی بگیریم.

پی‌نوشت‌ها:

1. Communications Satellite Corporation (COMSAT).
2. Telstar and Relay.
3. Arab Sat.
4. WTBS TV.
5. Direct Broadcast Satellite (DBS).
6. CNN and ABC.

۷. روزنامه دیجیتالی، نوعی بهره‌گیری رایانه‌ای برای دریافت روزنامه است. به این شکل که مخاطب بر روی یک دستگاه نخست روزنامه دلخواه و سپس صفحه دلخواه خود را با استفاده از دکمه‌هایی انتخاب کرده و در صورت تمایل با انداختن سکه‌ای آن نسخه را با کیفیتی عالی از دستگاه دریافت می‌کند.

8. *Mass Media TV (4)*, Longman, New York. 1985.
9. Melvin L. Defleur, The Development of the Television Industry, *in Theories of Mass Communication*, 5th ed. Longman, New York, 1989.
10. Alfred C. Sikes in Roger Fidler *Mediamorphosis, Understanding New Media*, Thousand Oaks, Calif: Pine Forge Press, 1997.
11. Mati Molonaro, Corinne McLuhan and William Toye: *Letters of Marshall McLuhan*, Toronto: Oxford University Press, 1987.
12. Lawrence K. Grossman, *the Electronic Republic*.
13. Margaret H. Defleur, *computer Assisted Investigative Report*, Mahwash, New Jersey, 1997.

14. M.Mastiri, Toward a Dark Age, *Media Review*, Spring 1976.
۱۵. چند سال پیش در ژنو با یک روزنامه‌نگار عرب در مورد قدرت رسانه‌ها بحث می‌کردیم. او عقیده داشت فرهنگ عربی آن قدر محکم و ریشه‌دار هست که رسانه‌ها به آن لطمه نزنند. او آخر بحث معلوم شد از اهالی بحرین است. به او گفتم هنوز ربع قرن از جدا شدن بحرین از ایران نمی‌گذرد اما حالا ما مجبوریم در مورد فرهنگ و زبان به زبانی بیگانه گفتگو کنیم!
۱۶. Prime Time یکی دو ساعتی است که تلویزیون بیشترین مخاطب را در یک منطقه دارد. در امریکا بین ساعت هشت تا نه و نیم شب زمان درجه اول است. شبکه‌های تلویزیونی می‌کوشند بهترین برنامه‌های خود را در این فاصله زمانی پخش کنند و قیمت آگهی در این زمان گران‌تر است. صفحه‌های اول روزنامه (نیم تای بالا) نیز چنین شاخصه‌ای دارند.
17. Jhon B.thompson. *The Media and Modernity*, Polity Press, London, 1996.
- 18.
19. Rupert Mordoch.
20. Deirdre Boden, *Reinventing the Global Village, in Anthony Giddens: Human Society*, Cambridge Polity Press, 1992.
21. A.Giddens, *Human Society*.
22. Globalism.
23. Jurgen Habermas, *the Structural of Transformation of the Public Sphere*, Cambridge Polity Press 1989.
24. Interconnectedness.
25. Interaction.
26. Interdependency.
27. Internationalism.
28. Transnationalism.
29. Jurgen Habermas, *the Structural of Transformation of the Public Sphere*.
۳۰. اصل نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر.

31. George wedell and Elihu Kat3, *Broadcasting in the third World*, Cambridge Mass, Harvard University Press, 1977.
32. Cultural Imperialism.
33. The Monopol of Information.
34. Uniformalism.
35. The Media and Modernity.
36. Herbert I.Sciller, *Mass Communication and American Empire*, New York, Augustus M.Kelly, 1969.

فضای امنیتی رسانه

مؤلف: دکتر اصغر افتخاری

معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی

اشاره

این نوشتار به ارزیابی امنیتی عملکرد رسانه‌ها در جوامع نوین پرداخته است. برای این منظور، تعریفی کاربردی از امنیت داخلی ارائه شده که مبتنی بر سه مؤلفه «خواست‌های شهروندی»، «کار ویژه‌های دولت» و «ضریب ایدئولوژیک» است. از این منظر، امنیت عبارت خواهد بود از ایجاد تعادل بین خواسته‌های شهروندی با کار ویژه‌های دولتی به گونه‌ای که ثباتی مبتنی بر رضایت بر روابط دولت - ملت حاکم شود. بر این اساس، رسانه‌ها می‌توانند دو نقش امنیت‌ساز و امنیت‌سوز ایفا کنند. در این زمینه ده کار ویژه تهدیدساز و دوازده فعالیت فرصت‌ساز، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مجموع ملاحظات مذکور (اعم از عملکرد مثبت یا منفی امنیتی) فضای امنیتی رسانه‌ها را شکل می‌دهد؛ فضایی که ماهواره به مثابه یک رسانه می‌تواند در قالب آن فهم و ارزیابی شود.

مقدمه

«مانوئل کاستلز» (Manuel Castells) در مقام تبیین علت سیاسی زوال اتحاد جماهیر شوروی و خارج شدن زمام امور از دست رهبر سیاسی وقت این کشور - میخائیل گورباچف - چنین اظهار داشته است: عدم توجه رسانه‌های گروهی این کشور به ضرورت صیانت از اصل نظام به بهانه استفاده از حق

آزادی بیان و اظهار عقیده، چنان فضای کشور را دچار آشوب ساخت که عملاً وفاق ملی از هم پاشید و در نتیجه این از هم پاشیدگی اتحاد جماهیر شوروی، تجزیه شد. «ایجاد فضای باز سیاسی و آزادی رسانه‌های گروهی که به دست گورباچف و برای واداشتن جامعه مدنی به حمایت از اصلاحات وی انجام شد، به بسیج گسترده اجتماعی در زمینه‌های مختلف انجامید. بازیابی حافظه تاریخی به ترغیب مطبوعات و تلویزیون شوروی که هر روز جسارت بیشتری برای ابراز وجود می‌یافتند، افکار عمومی، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های جامعه‌ای را که ناگهان آزاد شده بود، با بیانی غالباً مغشوش به صفحه آورد و بدین ترتیب مشروعیت ساختار قدرت ریشه‌دار را از میان برد»^۱.

تأکید صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر پاسداشت امنیت کشور (در اصل دهم) و تکرار آن در قانون مطبوعات (در ماده ۶ قانون مطبوعات)، دلالت بر آگاهی قانونگذار نسبت به مقوله‌ای دارد که از آن به «فضای امنیتی» (Securital Atmosphere) یاد می‌شود. «فضای امنیتی» عنوان عامی است که نویسنده برای تبیین حدود و ثغور قانونی فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی به کار برده است. با مراجعه به آموزه‌های امنیتی مکتب کپنهاک که به بهترین وجهی توسط «باری بوزان» (Barry Buzan) و «الی ویور» (Ole Waver) ارائه شده است، در برخورد با فعالیت‌های اجتماعی دو رویکرد امنیتی کاملاً متفاوت را می‌توان از یکدیگر تمییز داد: امنیتی کردن (Securitization) و غیر امنیتی کردن (Desecuritization).

در حالی که رویکرد نخست، تمامی فعالیت‌ها و سیاست‌ها را صبغه‌ای امنیتی بخشیده و دولتمردان را به ابراز واکنش‌های شدید نسبت به کوچک‌ترین فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که در چهارچوب اصول آنان نباشد، وا می‌دارد؛ رویکرد دوم به دنبال حساسیت‌زدایی از مقولات و سیاست‌های مختلف است تا به این ترتیب، مجال و عرصه‌ای هر چه فراخ‌تر برای فعالیت افراد و گروه‌های سیاسی فراهم آید.^۲

با توجه به این نکته که روح حاکم بر قانون اساسی (به ویژه در فصول مربوط به حقوق شهروندان، تأسیس شوراهای، حقوق مطبوعات و رسانه و بالاخره اصول مربوط به احزاب و تشکل‌های سیاسی) از رویکرد نخست (یعنی امنیتی کردن) فاصله می‌گیرد؛ جای طرح این پرسش وجود دارد که عملکرد اصحاب جامعه مدنی (و از آن جمله رسانه‌ها) تابع چه «باید» و «نباید» امنیتی‌ای است که ضمن پاسداشت «حقوق و آزادی‌های مدنی» به تضعیف نظام و زوال آن منجر نشود؟ به عبارت دیگر، نویسنده در پی ارائه تصویری تازه از جامعه انسانی است؛ جامعه‌ای که نه شباهتی به «جوامع بسته» دارد که در آن

امنیت به قیمت هزینه کرد «آزادی‌ها» و «حقوق» اولیه شهروندان تحصیل شده است و نه شباهتی به جوامع دستخوش «هرج و مرج» که در آنها به علت نبود اصول مورد اجماع، پیوسته هنجارها در هم شکسته شده و ناامنی به وجود می‌آید. «جامعه ایمن» با تأکید بر بازیگری فعال جامعه مدنی در چهارچوب اصول کلی مورد اجماع جامعه و با کمک دولت و ملت شکل می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای، چنان که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «وسایل ارتباط جمعی» آمده است، ترکیبی

مناسب از آزادی و امنیت وجود دارد که نتیجه آن نظارتی جامع، مستمر و دقیق بر جریان قدرت در چهارچوب ارزش‌های ملی - اسلامی برای نیل به وضعیتی مطلوب جهت رشد و ارتقای فردی و جمعی است.

«وسایل ارتباط جمعی بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضداسلامی جداً پرهیز کند» (مقدمه قانون اساسی).

به عبارت دیگر، رسانه‌ها در بین دو حد «اثبات» و «نفی» ای فعالیت می‌کنند که قانون مشخص کرده است؛ و بر همین اساس، فعالیت آنها می‌بایست دارای دو بعد «ایجابی» و «سلبی» باشد. تنها در این صورت است که می‌توان عملکرد رسانه‌ها را مثبت و امنیت‌ساز ارزیابی کرد.

نوشتار حاضر با عنایت به تجربه عملی کشورهای موفق در زمینه تأسیس «جوامع ایمن»، نخست به شناسایی بازیگران اصلی در عرصه سیاست داخلی (دولت، ملت و جامعه مدنی) می‌پردازد و سپس با تعریف عملیاتی «امنیت داخلی» گونه‌های مختلف رفتارهای رسانه‌ای و ارزیابی امنیتی آنها را مورد بحث قرار می‌دهد. این گونه‌شناسی در ارزیابی امنیتی عملکرد ماهواره‌ها در کشوری چون جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مورد استفاده و مبنای تحلیل قرار گیرد.

الف. بازیگران سیاسی

به منظور دستیابی به ارزیابی امنیتی واقعی از عملکرد رسانه‌ها، نخست لازم است دیگر بازیگران این عرصه را نیز که همراه با رسانه‌ها در معادلات سیاسی - اجتماعی جامعه تأثیرگذارند، شناسایی کرده و نسبت به تعریف و درک نوع روابط بین آنها در یک «جامعه ایمن» اقدام کنیم. در این زمینه، نقش سه بازیگر قابل توجه می‌نماید:

اول. دولت

«توماس هابز» (Thomas Hobbes) در «لویاتان» (Leviathan) با اشاره به معمای «آزادی - امنیت» (Freedom Security Dilemma) تصریح می‌کند: انسان در عرصه حیات اجتماعی برای دستیابی به امنیت مورد نظرش، مجبور شد پاره‌ای از حقوق و آزادی‌های خود را فدا کرده و با تأسیس دولت به ایمن‌سازی جامعه نائل آید.^۳ این معادله از حیث تاریخی اثبات شده است اما چنان که برخی از منتقدان «نظریه دولت» اظهار داشته‌اند، در عمل به انجام خود نرسیده و «دولتی» که برای تأمین امنیت شهروندان تأسیس شده بود، به عاملی تهدیدزا برای شهروندان تبدیل شده است. علت این امر را باید در ماهیت دولت مدرن جستجو کرد که مطابق تحلیل‌های ارائه شده متأثر از ویژگی‌های سه گانه زیر است:

۱. منفعت‌جویی

اگر چه به زعم اندیشه‌گران حامی «نظریه دولت» - افرادی چون بلونشکی (Blonski)، رافائل (Raphael) و باری (Barry) - منفعت اصلی دولت را صیانت از شهروندان و تلاش در جهت تأمین نیازمندی‌های آنها از محل مشارکت عمومی شکل می‌دهد^۴، چنین به نظر می‌رسد که «دولت» با توجه به ترکیب نیروهای صاحب قدرت، دارای منافع ویژه‌ای نیز هست که از آن می‌توان به «منافع دولت» یاد کرد. تفسیر رادیکال مارکسیستی که دولت را ابزار دست طبقه حاکمه می‌داند، جدی‌ترین نقدی است که این وجه از کار ویژه‌های دولتی را به چالش فرا خوانده است. بر این اساس پاره‌ای از تحلیلگران بر این باورند که دولت بعضاً شخصیتی مستقل یافته که منافع مردم و گروه‌ها را در راه منافع خود فدا می‌کند.^۵

۲. سیاست تهاجمی

دولت از آن حیث که دارای حق مشروع اعمال قدرت و ابزارهای حقوقی، سیاسی، قضایی و نظامی لازم برای حاکمیت بخشیدن به خواست خود است، طبعاً از توان تحمیلی بالایی برخوردار است. چنان که «یورگن هابرماس» (Jurgen Habermas) اظهار داشته، این امکان با توجه به منافع مندرج در بند اول، موجب می‌شود دولت خصیصه‌ای تهاجمی بیابد که اگر مانعی پیش روی آن قرار نداشته باشد، طبعاً به سوء استفاده از قدرت روی خواهد آورد.^۶

۳. تضاد درونی

دولت مدرن از حیث کارکردهایی که برای آن تعریف شده است، پدیده‌ای متناقض به شمار می‌آید. «کلاوس اوفه» (C. Offe) با تأکید بر وجود سه چهره متفاوت برای دولت، این تناقض را به بهترین وجه بیان داشته است. چهره‌های سه گانه مد نظر او عبارتند از:

چهره اول: وجه ایدئولوژیک

دولت موظف است همانند یک مؤسسه عمومی به دنبال جلب حمایت مردم باشد.

چهره دوم: وجه بوروکراتیک

دولت باید همانند دیگر مؤسسات رسمی جامعه، تابع پاره‌ای از ضوابط و قوانین مشخص باشد.

چهره سوم: وجه اقتصادی

دولت باید به تأمین علایق اقتصادی گروه‌های استراتژیک درون جامعه بپردازد.

با توجه به این که هر چهره، منطقی خاص خود دارد که در نقطه مقابل منطق دیگر قرار گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت دولت مدرن - به تعبیر جانفرانکو پوجی - در فضایی تناقض آلود فعالیت می‌کند و تمامی سیاست‌های آن از درون این تناقض سه وجهی ناشی می‌شود.^۷

ملاحظات بالا حاکی از آن است که دولت به مثابه بازیگر اصلی در فضای «دولت - کشوری» چند نیاز اصلی دارد که در صورت تأمین آنها، می‌تواند کارکرد مثبتی از خود به نمایش گذارد:

۱- دولت نیازمند نظارت عمومی است تا دچار فساد نشود.

۲- دولت نیازمند رضایت شهروندان است، تا قادر به انجام وظایفش باشد.

۳- دولت نیازمند اطلاع از خواست‌های مردمی است، تا بتواند به آنها پاسخ گوید.

دوم. ملت

با توجه به توسیع قلمرو نفوذ و نقش آفرینی مردم در تدبیر امور جامعه که امروزه با عنوان عام و کلی «مردم سالاری» (Democracy) از آن یاد می‌شود، چنین به نظر می‌رسد که مردم به مؤثرترین بازیگر حوزه امنیت داخلی تبدیل شده‌اند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مقدرات و سیاست‌های جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ملت نیز چونان دولت، دارای چند ویژگی اصلی است که عبارتند از:

تنها نظام‌هایی که از حمایت مردم برخوردار باشند. حق و امکان تأسیس حکومت و اداره جامعه را دارند. این معنا در نظام‌های لیبرال، با عنوان «دموکراسی» و در نظام‌های دینی‌ای چون جمهوری اسلامی، با عنوان «مردم سالاری دینی» شفاف‌تر می‌شود.

۱- محدودیت قدرت (Limitation of Power)

در معادله قدرت «ملت - دولت» از آنجا که دولت به اقتضای تعریفی که از آن ارائه می‌شود، از حق اعمال قدرت مشروع و ابزارهای رسمی لازم برخوردار است، طبعاً بر شهروندان که از دسترسی به این منابع محرومند (چرا که خود با اختیار آن را به دولت سپرده‌اند) تفوق و چیرگی دارد. نتیجه چنین وضعیتی، تحدید و تضعیف قدرت ملت در عرصه معادلات و سازمان‌های رسمی قدرت است که آن را مستحق حمایت و تقویت می‌سازد.^۸

۲- نگرش عمومی (General Vision)

علی‌رغم تمام تأکیدی که در نظام‌های غربی و لیبرال بر نقش مردم در سیاست می‌شود، این نکته مورد توافق طراحان نظریه «دموکراسی» است که اشتغال روزمره و پیوسته مردم به مسائل جاری زندگی و تخصصی شدن تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مانع از آن می‌شود که بتوان در تدبیر امور از نگرش عمومی مردم استمداد جست. طراحان سیستم دموکراسی غیرمستقیم که مجال مناسب را برای طرح نظرهای تخصصی فراهم می‌سازد، راه حلی است که برای فائق آمدن بر این مشکل ارائه شده است. اقبال وسیع به روش دموکراسی غیرمستقیم، منجر به زایش و رویش پدیده‌های واسطی چون احزاب، اصناف، رسانه‌های جمعی و ... شده است که در هدایت و توجیه افکار عمومی (و به تعبیری پردازش افکار

عمومی) نقش مؤثری ایفا می‌کنند. شایان ذکر است نخبگان، با استفاده از ابزارهای مختلف، نسبت به اصلاح افکار عمومی و تخصصی شدن آنها اقدام می‌کنند که این امر می‌تواند وجوه مثبت و منفی‌ای را در بر داشته باشد.^۹

۳- حق تعیین سرنوشت سیاسی

با وجود آن که تصویر ارائه شده از ملت در مکاتب مختلف متفاوت است، این واقعیت که سرنوشت انسان به طور فطری به خود او واگذار شده، موجب شده است که رأی اکثریت در خصوص نوع نظام سیاسی حاکم و تعیین حاکمان مبنای معیاری معتبر ارزیابی شود. بر این اساس، تنها نظام‌هایی که از حمایت مردم برخوردار باشند، حق - و امکان - تأسیس حکومت و اداره جامعه را دارند. این معنا در نظام‌های لیبرال، با عنوان «دموکراسی» و در نظام‌های دینی‌ای چون جمهوری اسلامی، با عنوان «مردم سالاری دینی» شناخته می‌شود.^{۱۰}

ملاحظات سه گانه بالا در باب تصویر عمومی «ملت»، دلالت بر آن دارد که مردم به عنوان یکی از بازیگران مهم عرصه سیاست داخلی، با مؤلفه‌های زیر شناسانده می‌شوند.

۱- ملت نیازمند ابزار و سازمان‌هایی است که آن را در معادله قدرت «دولت - ملت» در برابر «دولت» حمایت کرده و حقوقش را پاس دارد.

۲- ملت نیازمند آن است که از رشد و آگاهی لازم در هر عصر و دوره‌ای، برای به دست گرفتن زمام سرنوشت خویش برخوردار شود.

۳- ملت نیازمند آن است که خواسته‌های (مشروع و قانونی) خود را به نحو احسن منعکس کند و پاسخ مناسب را از سوی دولت دریافت دارد.

سوم. جامعه مدنی (Civil Society)

تلفی مد نظر این نوشتار از جامعه مدنی، در ارتباط مستقیم با مفهوم تخصصی «حوزه عمومی» (Public Sphere) قرار دارد. چنان که هابرماس در «تحول ساختار حوزه عمومی» (۱۹۶۲) اظهار داشته،

این حوزه عبارتست از: فضایی که میان دولت و مردم قرار می‌گیرد. این گستره در بر گیرنده مجموعه‌ای از کنش‌ها و نهادهای فرهنگی است که کاربرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد و ویژگی بارز آن، ظهور جنبه «همگانی بودن» و «دور از دسترس دولت بودن» است.^{۱۱} جامعه مدنی نیز همچون «دولت» و «ملت» دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:^{۱۲}

۱- استقلال از دولت

ویژگی بارز جامعه مدنی، رهایی آن از عنصر سلطه دولت است و این که این حوزه به مثابه بخشی از سازمان رسمی قدرت حاکمه عمل نمی‌کند.

۲- آزادی از قدرت

این اصل دلالت بر آن دارد که عامل اصلی حل معادلات و مسائل در درون جامعه مدنی، نه زور بلکه استدلال است. معنای این ادعا آن است که جامعه مدنی همان گونه که نباید تحت تأثیر قدرت رسمی (یعنی دولت) باشد؛ لازم است عمل گفتمانی (استدلال) را به جای ابزار زور (چماق) به کار گیرد و به این ترتیب فضایی را پدید آورد که در آن «زبان» و نه «دست» (اندیشه و نه زور) نقش‌آفرینی می‌کند.

۳- واسطه‌گری

واسطه‌گری جامعه مدنی دو معنای متفاوت دارد:
اول: دریافت و انتقال خواسته‌های مردمی به دولتمردان جهت هدایت (و وادار کردن آنها) به تأمین نیازهای مردم؛ که این وظیفه می‌تواند به صورت مختلفی چون اطلاع‌رسانی، انتقاد و یا حتی ایجاد فشار بر قدرت رسمی با کمک افکار عمومی به انجام برسد.
دوم: دریافت و انتقال نتایج سیاست‌های به اجرا گذارده از سوی دولت برای بهبود شرایط زندگی مردم. در این بُعد، جامعه مدنی به توجیه افکار عمومی با ارائه صحیح از عملکرد دولت می‌پردازد تا از این طریق انسجام ملی قوت و استحکام بیشتری یابد.

در حالی که گفتمان سلبی بر «نبرد تهدید» تأکید دارد و برای این منظور متوجه ابزارهای سرکوبگر در مقام «رضی تهدیدات» است. گفتمان ایجابی بر «ایجاد رضایت» نزد شهروندان به واسطه غلبه بر گفست ناشی از «مهرویت نسبی» تأکید می‌کند.

با توجه به ویژگی‌های سه گانه بالا می‌توان چنین استنتاج کرد که؛ جامعه مدنی نیز همچون دولت و ملت تابع اصول عمومی‌ای است که عبارتند از:

۱- جامعه مدنی باید به مثابه بازیگر مستقل از دولت و حامی حقوق شهروندی ظاهر شود.

۲- جامعه مدنی باید بر اساس اصل گفتمان تا اعمال زور به انجام وظایف خویش همت گمارد.

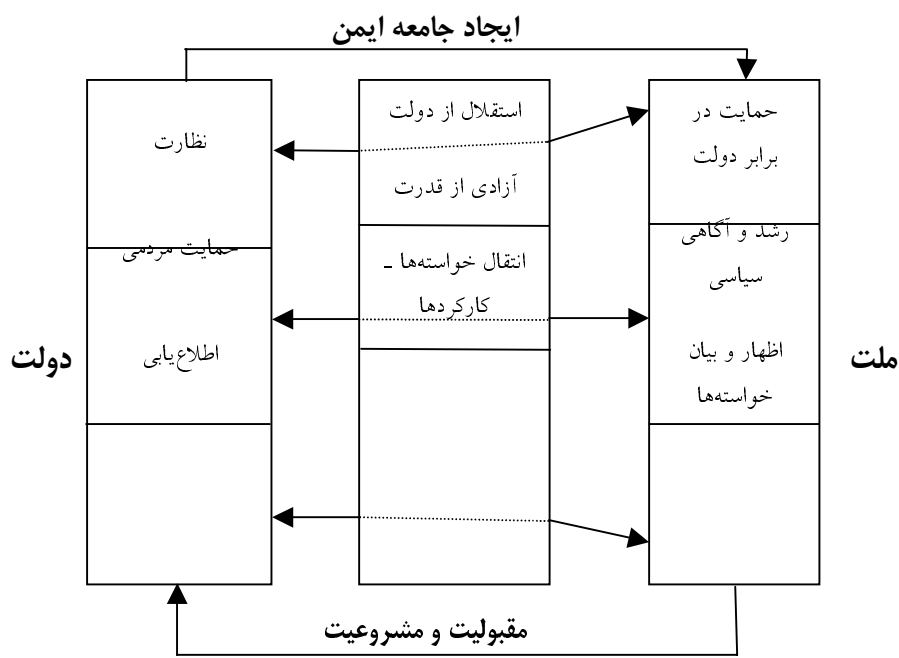
۳- جامعه مدنی لازم است به صورت توأمان به انتقال خواسته‌های شهروندی به دولت و انتقال کارکردهای دولتی به شهروندان همت گمارد (ساختن افکار عمومی همراه با هدایت آن).

حال با توجه به ویژگی‌های بیان شده در مورد عناصر سه گانه جامعه، می‌توان به ساختار واحدی از جامعه مدرن دست یافت که در آن روابط دولت - ملت با واسطه‌گری جامعه مدنی، در قالب دو رابطه کلی مانند نمودار شماره ۱ تعریف می‌شود:

اول: مشروعیت بخشی به قدرت سیاسی و حمایت از دولتمردان به منظور تایید دولت برای اجرای برنامه‌های مصوب و بهبود وضعیت عمومی جامعه.

دوم: ایجاد جامعه‌ای ایمن از سوی دولت برای شهروندان با بهره‌گیری از کلیه امکانات موجود، به منظور تحصیل رضایت از سوی افراد جامعه.

بر این اساس، رسانه‌ها به عنوان بازیگران فعال جامعه مدنی برای ایجاد جامعه‌ای امن، ملزم به رعایت روابط زیر و بازی در چهارچوب قواعدی هستند که به آنها اشاره شد.



نمودار شماره ۱- ساخت روابط اجتماعی در جوامع مدرن

ب. منطق امنیتی

۱- شناخت

مجموع تعاریف مختلف و متنوعی را که از امنیت داخلی به عمل آمده است می‌توان در قالب دو گفتمان اصلی قرار داد که از آنها به گفتمان‌های ایجابی (Positive Discourse) و سلبی (Negative Discourse) یاد کرده‌ام.^{۱۳} در حالی که گفتمان سلبی، بر «نبود تهدید» تأکید دارد و برای این منظور متوجه ابزارهای سرکوبگر در مقام «نفی تهدیدات» است؛ گفتمان ایجابی، بر «ایجاد رضایت» نزد شهروندان به واسطه غلبه بر گسست ناشی از «محرومیت نسبی» تأکید می‌کند. در نوشتار حاضر، با توجه به این که گفتمان سنتی دچار کاستی‌هایی جدی است که توان تفسیرگری و تجویزگری آن را کاهش می‌دهد به مثابه بنیاد، از گفتمانی ایجابی برای تحلیل موضوع استفاده شده است؛ ایرادهایی از این قبیل:

۱- امنیت در گفتمان سنتی تبدیل به مفهوم دست دومی می‌شود که تحت تأثیر مقولات دیگری چون «قدرت» و یا «حداکثر» «صلح» قرار دارد و در نتیجه، جوابگوی نیازهای تحلیلی اندیشه‌گران حوزه مطالعات امنیتی که خواهان وجود برداشتی از امنیت هستند که به مثابه مفهومی مستقل در مقام تجزیه و تحلیل و سیاستگذاری ایشان را یاری رساند، نیست.

۲- امنیت در گفتمان سنتی از ژرفا و غنای فلسفی لازم برخوردار نیست و بیشتر ناظر بر سیاست‌های اعمال سلطه آشکار است که به اصلاح ظاهر جامعه (از طریق سرکوب هر گونه مخالف یا معارض) اهتمام دارد و از این رو، از مقولات کیفی‌ای چون «رضایت»، «اعتماد» و «که بنیاد اصلی امنیت را در عصر حاضر شکل می‌دهند، غافل است. به عبارت دیگر، گفتمان سلبی در حد و اندازه جوامع پیچیده امروزی نیست و بسیط‌تر از آن است که بتواند جوامع پیشرفته امروز را تفسیر کرده و برای اداره امور امنیتی آنها، راهکار ارائه دهد.^{۱۴}

وجود دو معضل بالا چنان که «رابرت ماندل» (Robert Mandel) اظهار داشته، گفتمان سلبی از امنیت را متزلزل ساخته و عموم اندیشه‌گران را متوجه گفتمان ایجابی‌ای کرده است که هم در مقام تحلیل و هم در مرحله ارائه راهکار، از قابلیت بالایی برخوردار است.^{۱۵} از این منظر، بنیاد امنیت داخلی بر ایجاد رابطه‌ای متعادل بین دو مقوله مهم سیاسی - اجتماعی استوار است که از آنها به «خواسته‌های مردمی» (Wants/Needs) و «کار ویژه‌های دولتی» (Functions) یاد می‌شود.^{۱۶}

۲- تعریف عملیاتی

با توجه به تعریف ارائه شده از امنیت داخلی، فرمول زیر پیشنهاد می‌شود:

- در این معادله، عوامل اصلی در تعریف امنیت داخلی عبارتند از:
- امنیت داخلی IS=Internal Security
- خواسته‌ها (ی مردمی) W=(National) Wants
- کار ویژه‌ها (ی دولت) F=(State) Functions
- ضریب ایدئولوژیک جامعه که بین دولت و ملت انسجام ایجاد می‌کند. β

اول: خواسته‌ها^{۱۷}

در پاسخ به این پرسش که علت اصلی شکل‌گیری جوامع انسانی چه بوده است؟ عمده اندیشه‌گران اجتماعی بر این باورند که «نیازمندی‌ها» و ضرورت همکاری جمعی برای رفع آنها - که به تنهایی از عهده تک‌تک افراد برنمی‌آید - دلیل اصلی گرایش مردمان به «جمع» بوده است. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که:

- ۱- فلسفه وجودی هر جماعت و تأسیس هر نظام سیاسی، رفع نیازمندی‌های انسانی است.
 - ۲- «نیازمندی» عامل ثابتی نیست و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی، تحول می‌یابد.
 - ۳- ارزش «نیازمندی»ها برای افراد یکسان نیست.
- نتیجه آن که محاسبه ارزش خواسته‌های مردمی، اولین عاملی است که در بحث امنیت داخلی باید مورد توجه قرار گیرد. برای این منظور فرمول زیر پیشنهاد می‌شود:

$$W=P.E$$

• خواسته (مردمی)

$$W=Wants$$

• اولویت مربوط به خواسته (که مطابق جدول زیر محاسبه می‌شود)

$$P=Priority$$

• گستره یا تعداد افرادی که مایل به تحصیل این هدف هستند

$$E=Extant$$

(این رقم با توجه به تعداد افرادی که مایل به دسترسی به هدفی خاص هستند مشخص می‌شود).

جدول شماره ۱- ارزش محاسباتی خواسته‌ها

ارزش محاسباتی (P)	تعریف	نوع نیازمندی
۴	خواسته‌هایی که با هستی فرد در ارتباط مستقیم هستند	حیاتی (Vital)
۳	خواسته‌های مهمی که افراد در باب آنها مصالحه‌ای صورت نمی‌دهند	مهم (Important)
۲	خواسته‌هایی که افراد آنها را قابل تعویض و مصالحه می‌دانند	قابل تبادل

		(Exchangable)
۱	خواسته‌هایی که فرعی بوده و اساساً برای معاوضه و مصالحه وضع شده‌اند	تشریفاتی (Luxurious)

به این ترتیب ارزش محاسباتی خواسته‌ها را می‌توان از مجموع ارزش‌های خواسته‌های مطرح در یک جامعه با توجه به فرمول زیر به دست آورد:

$$W = P_1E_1 + P_2E_2 + \dots + P_nE_n$$

دوم: کار ویژه‌ها^{۱۸}

همان طور که «جانفرانکو پوجی» اظهار داشته، مشروعیت دولت‌های مدرن به میزان زیادی در گرو توانمندی آنها در پاسخگویی به نیازهای شهروندان است و به همین دلیل دولت‌ها تلاش بسیار دارند که با ارائه خدمات عمومی، تأسیس نهادها و کارپردازی‌های ویژه رسیدگی به شکایات مردم، اصلاح ساختارهای پیشین، وضع قوانین جدید و به جلب رضایت مردم همت گمارند. ارزش عملکرد دولت‌ها را می‌توان بر اساس فرمول زیر محاسبه کرد:

$$F = V.$$

در این معادله، نمادهای به کار رفته بر مفاهیم زیر دلالت دارند:

$F = (\text{State}) \text{ Functions}$ کار ویژه‌های دولتی •

$V = \text{Value}$ ارزشی که مردم برای اعمال دولت، قائل هستند. •

تعداد افرادی که از مزایای سیاست به اجرا گذارده شده بهره‌مند می‌شوند. •

=Extant

بر همین اساس می‌توان ارزش محاسباتی عملکرد یک دولت را از طریق فرمول زیر و با توجه به ارزش سیاست‌های موردی آن محاسبه کرد.

$$F = V_{11} + V_{22} + \dots + V_{nn}$$

سوم: ضریب ایدئولوژیک^{۱۹}

هر جامعه به اقتضای شرایط خاصی که دارد، از ضریب ایدئولوژیکی متناسب با فضای حاکم بر روابط دولت - ملت بهره‌مند است. کار ویژه این ضریب آن است که به هنگام ایجاد شکاف میان خواسته‌های مردمی و کارویژه‌های دولتی، چونان کمربند اطمینانی، از تعمیق سریع این گسست و بروز نارضایتی مردم ممانعت به عمل می‌آورد. به عبارت دیگر، «ضریب ایدئولوژیک» فرصت لازم را برای رفع کاستی‌ها و بهبود شرایط، جلب رضایت مردم و مقابله با عوامل ناامنی‌زا، به دولتمردان می‌دهد. ضریب ایدئولوژیک یک جامعه ممکن است در سه وضعیت کلی (به شرح جدول شماره ۲) قرار داشته باشد.

جدول شماره ۲- ضریب ایدئولوژیک و ارزش محاسباتی آن

وضعیت	نماد	ارزش محاسباتی
* نگرش مردم نسبت به دولت کاملاً مثبت است؛ از این رو کمبودهای احتمالی را تحمل می‌کنند و بر دولت نمی‌شورند.	$+\beta$	$\frac{۱}{۲}$
* نگرش مردم نسبت به دولت منفی است و از این رو علی‌رغم تلاش پی‌گیر دولت برای رفع نیازمندی‌ها، اقبال و رضایتی نسبت به آن بروز نمی‌دهند.	$-\beta$	۲
* نگرش مردم نسبت به عملکرد دولت در وضعیت خنثی قرار دارد و از این رو همه چیز بسته به عملکرد دولت است.	B	۱

ج - کارکرد امنیتی رسانه‌ها

«نظارت مردم بهترین وسیله حفظ نظام از خطرات و مفساد اجتماعی است. اکنون که نمی‌توان در جوامع گسترده امروزی همچون دوران گذشته همه ابعاد اعمال قدرت را به طور مستقیم به مردم سپرد، لاقابل باید قدرت نظارت بر زمامداران را با ابزارهای امروزی به مردم داد. در این میان رسانه‌های جمعی نیز نقش زبان گویای آحاد ملت را بازی می‌کنند».^{۲۰}

اگر چه تلقی عمومی از عملکرد امنیتی رسانه‌ها به بعد نظارتی آنها باز می‌گردد که تصویری مثبت از حضور رسانه در ذهن خواننده ایجاد می‌کند، این واقعیت که معادلات امنیتی پیچیده‌تر از آن هستند که بتوان حکمی واحد برای عملکرد مؤلفه‌های مختلف و متنوع اجتماعی از منظر امنیتی صادر کرد، پژوهشگر را وا می‌دارد تا به تأمل در ابعاد و گونه‌های متفاوت عملکرد اجتماعی رسانه‌ها و ارزیابی امنیتی

آنها - به تفکیک - همت گمارد. در این زمینه - و با توجه به تحلیل امنیتی ارائه شده از بازیگران و حوزه‌های اصلی فضای امنیتی یک جامعه که پیش از این مورد توجه قرار گرفت - می‌توان به تمییز دو دسته از رفتارهای «امنیتی» و «ضد امنیتی» برای رسانه‌ها اشاره کرد که در چهار حوزه اصلی «دولت»، «ملت»، «جامعه مدنی» و «ضریب ایدئولوژیک» بروز می‌یابند.

اول . رسانه و دولت

۱- عملکرد امنیت‌ساز

رسانه‌ها با انجام فعالیت‌های زیر می‌توانند دولت را در تأمین امنیت شهروندان یاری رسانند:

نظارت (Controlling)

-۱-

در فرهنگ رفتار سازمانی، نظارت این چنین تعریف شده است:

«عمل مسئول ساختن افرادی مشخص برای تعیین این که آیا وظایف به موقع و طبق روش‌ها و

معیارهای مورد توافق انجام می‌گیرد یا خیر».^{۲۱}

به تعبیر «روبرتز» (Roberts) و «اسکاپنز» (Scapens)، رسانه‌ها با عملی ساختن فرایند «پاسخگویی در قبال قدرت تفویض شده در چهارچوب مشخص شده برای صاحب قدرت» در واقع به دفع مفاسد احتمالی و افزایش کارآمدی و سلامت نظام کمک می‌کنند.^{۲۲}

رسانه‌ها از این حیث اقدام به «نظارت تک بعدی» (Uni-dimension Control) (یعنی نظارت بر چگونگی تحقق اهداف بر

اساس شرح هزینه‌ها)، «نظارت چند بعدی» (Multi-dimensions

Control) (یعنی تدبیر در امور جامعه برای سامان یافتن آن از طریق تحقیق، تفحص، پرسش و کسب

خبر درباره نحوه جریان اعمال قدرت در کل نظام) و «نظارت ماهوی» (Ontological Control) (یعنی

شکل‌گیری هویت سیاسی تازه در بستر شبکه روابط اطلاعات که در نهایت امنیت را در بستر رسانه باز

تعریف کرده و از شکل‌گیری جوامع اطلاعاتی سخن می‌گوید)، می‌کنند و به این وسیله - چنان که

«رونالد اوکرسن» (Ronald Oakerson) اظهار داشته - بقای حیات دولت را ممکن می‌سازند.^{۲۳}

با این تفسیر، مشخص می‌شود، دولت نیازمند وجود رسانه‌های کارآمد و مؤثری است که بدنه نظام

سیاسی را از انواع فسادهای احتمالی صیانت کنند.

دولت نیازمند وجود
رسانه‌های کارآمد و مؤثری
است که بدنه نظام سیاسی را
از انواع فسادهای احتمالی
صیانت کنند.

۱-۲- حمایت (Protection)

رسانه‌ها می‌توانند تصویر ذهنی مردم را از دولت دستخوش تحول سازند و به این ترتیب با افزایش میزان ضریب ایدئولوژیک (β) و یا ارزش عملکرد فعالیت‌های دولت (V)، به ارتقای ضریب امنیتی جامعه مطابق با فرمول پیشنهادی، کمک کنند. اقبال دولتمردان به رسانه‌ها و تلاش برای همکاری در قالب پاسخگویی به مسائل مطرح شده از سوی آنها، فراهم آوردن امکانات و تسهیلات برای خبرنگاران جهت انجام وظایف نظارتی و همه با توجه به این نیاز صورت می‌پذیرد.^{۳۴}

۱-۳- اطلاع‌رسانی

رسانه‌ها با توجه به ارتباط گسترده و مستقیم با مردم، به طور طبیعی از میزان بیشتری از خواسته‌های حیاتی، مهم، قابل تبدیل و تشریفاتی مردم مطلع هستند و همین ویژگی موجب می‌شود که بتوانند با انعکاس صحیح و مناسب خواسته‌های مردم، دولت را در طرح برنامه و تدوین راهبردها یاری رسانند. از سوی دیگر عملکرد تخصصی رسانه‌ها و اطلاع آنها از نتایج واقعی عملکرد دولتمردان، این امکان را به آنها می‌دهد که با انعکاس صحیح و مناسب اطلاعات، مردم را نسبت به عملکرد دولت آگاه‌تر و مطلع‌تر سازند. بر این اساس، «اطلاع‌رسانی» بر هر دو عامل «رضایت شهروندی» و «کارکرد

دولت‌ها پیوسته خواستار آن هستند که رسانه‌ها با دامن زدن بی‌رویه به فرایند افزایش خواسته‌ها، آنها را دچار مشکل امنیتی نکنند.

دولتی» در فرمول امنیت داخلی، تأثیر مثبت می‌گذارد و می‌تواند فعالیت امنیتی‌ساز برای نظام ارزیابی شود.^{۳۵}

۱-۴- تعدیل (Adjustment)

سیاست «تعدیلی» اتخاذ شده از سوی رسانه‌ها در مواجهه با روند رو به افزایش خواسته‌های مردم، از جمله اقدامات مثبتی به شمار می‌رود که دولت‌ها به ویژه در مواقع بحرانی از رسانه‌ها توقع دارند. در سایر مواقع نیز، دولت‌ها پیوسته خواستار آن هستند که رسانه‌ها با دامن زدن بی‌رویه به فرایند افزایش خواسته‌ها، دولت را دچار مشکل امنیتی نکنند. در قالب این سیاست، رسانه‌ها سعی دارند با ارائه

واقعیت‌های مربوط به موقعیت جامعه، مشکلات داخلی و خارجی، امکانات بالقوه و بالفعل و بالاخره توجیه افکار عمومی، اولاً از افزایش بی‌رویه و سریع خواسته‌های مردم از دولت؛ و ثانیاً از ارتقای سطح ارزشی یک خواسته (برای مثال، از تشریفاتی به قابل تعویض و یا از قابل تعویض به مهم یا حیاتی و...)، جلوگیری به عمل آورند.^{۲۶}

۲- عملکرد امنیت‌سوز

با توجه به توضیحات ارائه شده در خصوص چهار عملکرد امنیت‌ساز رسانه‌ها در ارتباط با دولت، می‌توان موارد زیر را به مثابه فعالیت‌های ضدامینیتی استنتاج و بیان کرد:

۲-۱- بحران‌سازی^{۲۷}

رسانه‌ها می‌توانند به صورت مختلفی دولت را دچار بحران کارآمدی و در نتیجه مشروعیت کنند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- افزایش بی‌رویه توقعات شهروندان. در این صورت علی‌رغم تلاش دولت برای بهبود عامل F (کارکردهای دولت)، نتیجه نهایی «نارضایتی» مردم است؛ چرا که رسانه‌ها با افزایش ارزش محاسباتی عامل W (خواسته‌ها) که در صورت کسر W/F قرار دارد، عملاً تلاش دولت را خنثی کرده و در نتیجه مردم را نسبت به دولت بدبین می‌کنند.
- تغییر ارزش‌ها در جامعه و کاهش ارزش عملکرد دولت در پی آن. بر این اساس، رسانه‌ها با متحول ساختن افکار عمومی اولویت نیازمندی‌های جامعه را تغییر می‌دهند و به این وسیله سیاست‌های دولت را که متوجه برآوردن نیازهای مهم و حیاتی است، بی‌ارزش می‌سازند.
- رسانه‌ها می‌توانند با تضعیف ضریب ایدئولوژیک جامعه که از طریق بی‌اعتبارسازی یا کم کردن اعتبار هنجارهای عمومی صورت می‌پذیرد (یعنی خنثی یا منفی‌سازی B در فرمول پیشنهادی)، دولت را دچار بحران کنند.^{۲۸}

۲-۲- تصویرسازی منفی

رسانه‌ها با انعکاس نادرست اخبار و تحلیل‌های مربوط به دولت، تصویری از دولت ایجاد می‌کنند که با آن قادر به جلب حمایت‌های مردمی نیست. از این آفت می‌توان به «بیگانه‌پنداری دولت نزد شهروندان» یاد کرد که عامل اصلی در بروز ناامنی ارزیابی می‌شود.^{۲۹} با توجه به همین مسئله است که اظهار داشته شده است که:

«در نظام جمهوری اسلامی، دولت و ملت دو نهاد متقابل و گسیخته از یکدیگر نیستند و بهترین شکل رفتار دولت این است که مردم احساس کنند عضو آن هستند.»^{۳۰}

۳-۲- مصالحه

تأثیرگذاری رسانه‌ها در افکار عمومی، موجب می‌شود صاحبان قدرت به نوعی در پی جلب رضایت ایشان و همراهی رسانه‌ها با آنها باشند. چنانچه رسانه‌ها به هر علتی، اعم از مادی یا معنوی، رسالت‌های اصلی خود را فراموش کرده و با قدرت حاکمه (به قیمت فروش افکار عمومی) از در مصالحه در آیند، در واقع جامعه را آسیب‌پذیر ساخته و زمینه مناسب را برای فساد قدرت و ایجاد حاشیه امنی برای دولتمردان فاسد، فراهم می‌آورند که در سطح ملی، عملی کاملاً امنیت‌سوز ارزیابی می‌شود.^{۳۱}

دوم: رسانه و جامعه مدنی

۱- عملکرد امنیت ساز

حضور و فعالیت رسانه‌ها در حوزه عمومی هنگامی مثبت ارزیابی می‌شود که متناسب با محورهای زیر باشد:

استقلال ماهوی

۱-۱-

آنچه تحت عنوان وابستگی از آن یاد می‌شود و عامل فساد جدی رسانه‌ها ارزیابی می‌گردد، دلالت بر بروز پدیده‌های منفی‌ای از قبیل موارد زیر دارد:

وابستگی عملیاتی

رسانه‌ها باید در مقام عمل به وظایف متنوع خود از مصالحه و معامله با عناصر بیگانه که نفس همکاری با آنها منافع ملی را تهدید می‌کند، خودداری ورزند. به همین خاطر است که قانونگذار تصریح دارد: «هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و

احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد، [ممنوع است].»

وابستگی مالی

دریافت کمک‌ها و هدایای مالی از آنجا که ایجاد تعهد کرده و سلامت رسانه و گروه‌های فعال در آن را به خطر می‌اندازد، ممنوع است. بنابر نص قانون: «دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان [ممنوع است].»

۲-۱- آزادی از زور

زمانی رسانه‌ها به مثابه رگ‌های ارتباطاتی پیکره جامعه شناخته می‌شدند و به عنوان «ابزاری» برای

هر چه رسانه از منطبق «اجبار»
خاصه گزینده به منطبق
«اقناع» روی آورد. با ارتقای
میزان اطمینان مردم به نظام و
امتزاز از کاربرد روش‌های
ششونت‌بار. در تقویت ضریب
امنیتی جامعه بیشتر مؤثر خواهد

«انتقال پیام» تعریف می‌شدند. اما تحول فناوری و هویت جوامع امروزی، رسانه را نه ابزاری ساده بلکه مطابق با پیامی ویژه می‌شناساند. به این معنا که هر رسانه حامل پیامی خاص است که در جوهره و ماهیت آن قرار دارد. از میان پیام‌های اصلی رسانه‌های امروزی، بسط فضای گفتمانی به معنای رهایی از زور و توجه به اصل استدلال و اقناع طرف مقابل است. بر این اساس، هر چه رسانه از منطق «اجبار» فاصله گرفته به منطق «اقناع» روی آورد، در تقویت ضریب امنیتی جامعه با ارتقای میزان اطمینان مردم به نظام و امتزاز از کاربرد روش‌های ششونت‌بار، مؤثر خواهد بود.

«در فضای بدگمانی و کج اندیشی، نخبگان به جای گفتگو از حربه‌هایی مانند اتهام استفاده می‌کنند [در این حالت ایشان] به طرف مخالف خود شک دارند و رقیبان خود را دشمن فکری و سیاسی تلقی می‌کنند.»^{۳۳}

۳-۱- صداقت در نمایندگی

هر چقدر که رسانه‌ها در انعکاس نیازمندی‌های واقعی مردم و تبیین هر چه بهتر آنها، صادقانه‌تر عمل کنند، از حمایت مؤثرتر مردم برخوردار خواهند شد. چنین اعتمادی است که در مقابله با کاستی‌ها و نواقص و حتی مدیریت بحران می‌تواند تأثیرگذار بوده و نظام و دولت را از تنگنا نجات بخشد.

۲- عملکرد امنیت‌سوز

۱-۲- تشویش افکار عمومی

بر هم زدن ثبات فضای عمومی به منظور ایجاد فرصت مناسب برای حضور پررنگ‌تر رسانه‌ها در جامعه و تحصیل منافع موقتی و جزئی آنها از جمله آفاتی است که به واسطه عملکرد رسانه‌ها (معمولاً) رخ می‌دهد و برای مردم نتیجه‌ای جز ناامنی در بر ندارد. ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تصریح کرده است:

«هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد، اعمالی را برخلاف حقیقت [انجام] دهد، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود».

۲-۲- بسط فرهنگ غیراستدلالی

روی آوردن رسانه‌ها به روش‌های «غیراقناعی» (و مبتنی بر اجبار) در واقع ماهیت جامعه مدنی را دستخوش تحریف می‌کند و به این وسیله امواج ناامنی را به طور پیوسته از ناحیه بازیگران جامعه مدنی و از بستر رسانه‌ها، به جامعه منتقل می‌سازد. آقای مصطفی محقق داماد در همین باره می‌گوید: «مطبوعات ما هم هر چند داعیه رهبری فکری جامعه را دارند، نشان داده‌اند که بعضاً از بلوغ و بالندگی سیاسی لازم برخوردار نیستند».^{۳۳}

سوم. رسانه و ملت

۱- عملکرد امنیت‌ساز

مناسبات مردم با رسانه‌ها بسیار پیچیده و حساس است. آنچه در این میان مثبت ارزیابی می‌شود، عبارتست از:

رشد فرهنگ عمومی

۱-۱-

رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی گسترده و مناسب به ارتقای سطح دانش و فرهنگ در جامعه کمک کرده و به این وسیله بستر بروز بسیاری از ناامنی‌ها را که ریشه در توسعه نیافتگی فرهنگ ملی دارد، از بین می‌برند. «آنچه بر دامنه یأس انسان در جوامع جهان سوم می‌افزاید، فقدان شعور اجتماعی و سیاسی و نبود انگیزه برای تحرک و عمل است. به هر دلیل جامعه توده‌وار خود به خود زمینه‌ساز نظام‌های توتالیتر و اتوریتر می‌شود. به ویژه در کشورهای جهان سوم که ضعف فرهنگ سیاسی نیز مردم را به تمجید از قدرت وا می‌دارد».^{۳۴}

۱-۲- بیان مسئولانه خواسته‌ها

پیچیدگی مسائل اجتماعی در عصر حاضر مانع از آن می‌شود که شهروندان بتوانند خود به بیان خواسته‌ها و پی‌گیری آنها تا دست یافتن به نتیجه نهایی، همت گمارند. به همین دلیل است که رسانه‌ها

منظور از کارکرد و مدت‌بخشی رسانه‌ها،
نهی تنوع و تعدد فواید و
نگرش‌ها در جامعه نیست بلکه
بلوغ‌گیری از تشدید افتراعات و اجزایی
مزمین آنها است؛ با این تعبیر که به
«یکپاروگی» نسبی فواید ملی
منجر شود.

مورد توجه ویژه قرار گرفته و عموماً «زبان گویای ملت» به شمار می‌آیند. از طرف دیگر، امکانات مادی، معنوی و تسهیلات اجرایی و حقوقی که در اختیار رسانه‌هاست، این امکان را به آنها می‌دهد که به طرح مسائل اکتفا نکرده، «مسئولیت» پی‌گیری تا احقاق حقوق را عهده‌دار شوند. این دو امتیاز، تصویری مثبت از فعالیت رسانه‌ها نزد توده مردم ایجاد می‌کند که نتیجه آن تحکیم نظام و دفع تهدیدات احتمالی برای امنیت ملی است. «کوکی» (Kuuki) از

محققان برجسته ارتباطات در فرمول پیشنهادی موسوم به «کوکی» بر این وجه تأکید ورزیده، می‌گوید: «توده مردم، رسانه‌های گروهی و دولت، سه عنصر یا بخش اصلی در فرایند تصمیم‌گیری جمعی هستند. از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد رسانه‌های گروهی که بخشی از فضای فکری غالب را تشکیل می‌دهند، با درک خواسته‌ها، بیان مناسب آنها و پی‌گیری مستمر، بر تصمیم‌گذاران سیاسی تأثیر جدی بگذارند».^{۳۵}

۳-۱- وحدت‌بخشی

رسانه‌ها به واسطه اعتباری که نزد شهروندان دارند، می‌توانند با اخبار و نوع تحلیل‌هایی که ارائه می‌دهند، عناصر اصلی یک نظام سیاسی را که همان شهروندان هستند به یکدیگر نزدیک و یا از یکدیگر دور سازند. منظور از کارکرد مثبت وحدت‌بخشی رسانه‌ها، نفی تنوع و تعدد خواسته‌ها و نگرش‌ها در جامعه نیست بلکه جلوگیری از تشدید اختلافات و واگرایی مزمین آنها است؛ با این تعبیر که به «یکپارچگی» نسبی خواسته‌های ملی منجر شود. عمر کوتاه حکومت‌های ملی‌ای که فردای تأسیس جمهوری چهارم در فرانسه در گرداب «رقابت‌های لجام گسیخته» فرو رفتند و به طور متوسط هیچ یک بیش از ۸ ماه قادر به اداره جامعه نبودند، بسیاری از تحلیل‌گران را به آنجا رهنمون شد که از «وفاق ملی» به مثابه اصلی مهم در ایجاد ثبات و امنیت داخلی یاد کرده و اظهار دارند آزادی رسانه‌ها در چهارچوب «وفاق ملی» معنا و مفهوم واقعی خود را می‌یابد.^{۳۶}

۲- عملکرد امنیت‌سوز

۲-۱- استفاده ابزاری از مردم

از آنجا که رسانه‌ها هر یک به دیدگاه سیاسی - اجتماعی خاصی نظر مثبت دارند و به طور رسمی و یا غیررسمی، ارگان گروه یا جمعیت معینی به شمار می‌آیند، این واقعیت که گردانندگان رسانه به دنبال جلب نظر مثبت مردم به آرمان‌ها و اهداف خود هستند، غیرقابل انکار می‌نماید. البته چنین هدفی فی‌نفسه مذموم نبوده و جزو ذات بسیاری از رسانه‌ها است. آنچه عملکرد فوق را ضدامنیتی می‌سازد، تلاش صاحبان رسانه برای استفاده از مردم جهت تحقق اهدافشان است. در چنین وضعیتی، گردانندگان رسانه، نه به اقتناع افکار عمومی و جلب پیرو، که به ضریب آنها و استفاده از قدرت پنهان مردم نظر دارند. چنین سیاستی از آنجا که به تحریف افکار عمومی، سلب اعتماد از رسانه، بروز و تشدید اختلافات در میان مردم و بالاخره نقض اخلاق و قانون می‌انجامد، سیاستی امنیت‌سوز ارزیابی می‌شود.^{۳۷}

۲-۲- قبض و بسط نابه‌هنگام افکار عمومی

تأثیرپذیری مردم از رسانه‌ها، موجب می‌شود رخداد‌های واقع شده در سطح رسانه به سادگی به حوزه جامعه نیز تسری یابد. بر این اساس، تغییرات نابهنگام در سیاست و اولویت‌های رسانه‌ها و تغییر جهت صاحبان آنها پیروان و مخاطبان را نیز دچار قبض و بسط سیاسی کرده و به آرامش جامعه آسیب وارد می‌کند. «بازی با افکار عمومی» و هدایت آن به عرصه‌های متناقض و متفاوت، به خستگی ملت و در نهایت واردگی از وضعیت موجود ختم می‌شود و زمینه مناسبی برای بروز آشوب، کودتا و حتی انقلاب فراهم می‌آورد. «سایمون برترن» در «رسانه‌ها و نگرش‌های گوناگون به خشونت سیاسی در افریقای جنوبی»، این وجه از عملکرد رسانه‌ها را به نقد گذارده و نشان می‌دهد که واکنش مخاطبان در این جامعه متأثر از سیاست‌های رادیکالی رسانه‌ها بوده است. این تجربه در بسیاری از کشورهای جهان سومی که حضور پررنگ رسانه‌های مختلف را تجربه می‌کنند، قابل مشاهده است.^{۳۸}

۳-۲- تهییج مستمر افکار عمومی

از جمله روش‌های جلب مخاطب از سوی رسانه‌ها، ارائه و یا درج اخبار جنجال برانگیزی است که با تحریک احساسات مردم، اقبال آنها به رسانه مذکور را به دنبال می‌آورد (اقبالی که از حیث مادی و

معنوی برای رسانه ارزشمند است). با این حال نباید فراموش کرد که استفاده مستمر از این محرک‌ها، امری منفی ارزیابی می‌شود. کم شدن میزان حساسیت مردم و در نتیجه عدم واکنش مناسب در مواقع حساس و بحرانی، کاهش کارآمدی مردم به واسطه پرداختن بیش از حد به مسائل فرعی صرف وقت و توانایی در موضوعات غیرمرتبط با شغل و رسالت اصلی، افزایش میزان درگیری‌ها و اختلافات در درون جامعه و همه از جمله نتایجی هستند که ارزیابی امنیتی از این اقدام را منفی می‌سازد. «جان

«بازی با افکار عمومی» و هدایت آن به عرصه‌های متناقض و متفاوت، به خستگی ملت و در نهایت واردگی از وضعیت موجود ختم می‌شود و زمینه مناسبی برای بروز آشوب، کودتا و حتی انقلاب فراهم می‌آورد.

تامپسون» (John Tompson) در «رسانه‌ها و مدرنیته» به نظریه‌ای اجتماعی از رسانه دست یافته است که بنا بر ذات اجتماعی رسانه، به ارتباط وثیق‌تری با افکار عمومی و عمل اجتماعی مردم قائل است. از این منظر، «تعامل رسانه‌ای» رابطه‌ای خاص را بین مردم و رسانه بیان می‌کند که قادر به «دستکاری کردن» افکار عمومی است به این معنا که می‌توان استنتاج کرد رسانه از توان بالایی برای ایجاد

ایدئولوژی و کشاندن مردم به صحنه برخوردار است و محرکی قوی است که در صورت کاربرد نادرست، می‌تواند تخریب بافت‌های حساس حیات اجتماعی را به دنبال داشته باشد.^{۳۹}

چهارم. رسانه و ضریب ایدئولوژیک

۱- عملکرد امنیت‌ساز

۱-۱- باز تعریف ارزش‌ها و هنجارها

هر نظام برای استحکام مبادی خود نیازمند آن است که اصول و مبادی خود را در پرتو مقتضیات زمانی و مکانی هر دوره - که متفاوت از ادوار پیشین است - باز تعریف کرده و به این وسیله اعتماد مردم را به اصول خود استمرار بخشد. بدیهی است که رسانه‌ها با توجه به ارتباط فراگیرشان با مردم، در این خصوص نقش ایزاری و هدایت‌گری حساس دارند که اعتبار نظام تا حد زیادی به ایفای آن بستگی دارد. تأکید تامپسون بر رویش ایدئولوژی‌ها از بستر فعالیت‌های رسانه‌ای در قرن بیستم و این که در عصر حاضر ما شاهد تولد فرهنگ‌های مدرنی هستیم که ذاتاً رسانه‌ای محسوب می‌شوند، مؤید این مدعا است.

۴۰

۱-۲- التزام عملی

حاکمیت این بینش بر صاحبان رسانه که ارزش‌ها و هنجارهای موجد یک نظام در حکم «خطوط قرمز» آن نظام هستند و نباید به نقض، نفی و یا نقد آنها پرداخت و شأن آنها «التزام» و «حمایت» است؛ موجب می‌شود که آنان عرصه فعالیت رسانه را در چهارچوب نظام تعریف کرده و به اجرا گذارند. این التزام عملی (از سوی حاکمان و اپوزیسیون - و به ویژه اپوزیسیون) به تقویت اصل نظام منجر می‌شود که همه بازیگران - و نه تنها حاکمان - از آن بهره‌مند می‌شوند. برعکس، اهتمام ورزیدن به هزینه کردن «ارزش‌ها و هنجارهای موجد نظام» در راستای جلب پیرو برای حزب و یا گروهی خاص (و به تعبیری نداشتن التزام عملی به اصول نظام)، موجب می‌شود در مقابل افزایش پیروان حزبی یک گروه، اصل نظام در مخاطره افتد. بدیهی است که چنین وضعیتی برای هیچ یک از احزاب و گروه‌هایی که در درون نظام فعالیت می‌کنند، مطلوب نیست و به همین دلیل نیز نقدهای وارد بر اصولی مانند اسلامیت و جمهوریت نظام در جمهوری اسلامی ایران، عملی ضدامنیتی ارزیابی می‌شود. در مجموع، التزام عملی صاحبان رسانه به خطوط قرمز، از آنجا که به بسط ارزش‌ها و هنجارهای نظام در سطح عمومی می‌انجامد، عملی امنیت‌ساز ارزیابی می‌شود اما در مقابل، هر عملی که نتیجه بالا را تهدید کند، عملی ضدامنیتی به حساب می‌آید. با توجه به وجود چنین گرایش‌هایی است که آقای مشکینی اظهار داشته‌اند: «متأسفانه الان برخی

از مطبوعات از این نقش خود در جهت ایجاد شبهه در نظام و به زیر سؤال بردن رهبری، نظام و اسلام استفاده می‌کنند اگر بعضی از مسائل با قوانین سایر کشورها نمی‌سازد، راهش حمله به یک حکم اسلامی نیست».^{۴۱}

۲- عملکرد امنیت‌سوز

۲-۱- تحریف هنجارها و ارزش‌ها

این عمل معنای مخالف سیاست «باز تعریف ارزش‌ها و هنجارها» است که دلالت بر «بازتعریف غیرمتمه‌دانه» ارزش‌ها از سوی صاحبان رسانه و بسط آنها در جامعه دارد. در چنین حالتی، جوهره هنجار مورد نظر دستخوش تغییر قرار می‌گیرد و در واقع، مفهومی مخالف و مغایر با اراده اولیه تبیین و تبلیغ می‌شود. این عملکرد از آن حیث که ماهیت نظام را متحول می‌سازد، عملکردی ضدامنیتی به شمار می‌رود. «ژودیت لازار» (Judith Lazar) از این پدیده تحت عنوان «واقعیت‌سازی» یاد کرده، می‌نویسد: «اطلاعاتی که از رسانه‌ها پخش می‌شود، تا حدود زیادی به برداشتهای عموم در برابر واقعیت شکل می‌دهد. در نتیجه، اتفاقات، افکار و مفاهیمی که افراد با آنها تفکرات و نظرهای خود را در مورد واقعیت اجتماعی سازمان می‌دهند، تا حدود زیادی از رسانه‌ها گرفته می‌شود».^{۴۲}

۲-۲- بهره‌برداری حزبی از ارزش‌های ملی

مفهوم مخالف «التزام عملی» است و چنان که بیان شد، سیاستی را بیان می‌دارد که در آن هنجارها و ارزش‌های موجد نظام به نفع منافع حزب و گروهی خاص فدا می‌شوند. این که اصول بنیادینی چون «ابتنای نظام بر اراده مردم»، «ولایت فقیه و وجود نهادهای ضامن اسلامیت نظام» و یا «ضرورت تأمین منافع ملی» از سوی گروه‌های مختلف و در سطح رسانه‌ای برای ضربه زدن به رقیب سیاسی مورد نقدهای بی‌شمار و متعدد قرار گیرند، - فارغ از این که کدام گروه پیروز باشند - در واقع عملی امنیت‌سوز ارزیابی می‌شود؛ چرا که اصل نظام را - نظامی که همه گروه‌ها و احزاب در درون آن معنا و وجود یافته‌اند - تضعیف می‌سازد.^{۴۳}

نتیجه‌گیری: قابلیت‌های ماهواره

در مواجهه با ماهواره دو تلقی کلان وجود دارد. عده‌ای بر این باورند که ماهواره ابزار رسانه‌ای مدنی است که در درون مفهوم کلان «رسانه» متولد شده و از این رو تابع منطق و مداخلات بیان شده برای کلیه رسانه‌ها است. حال آن که دیدگاه دوم، ماهواره را تحولی شگرف و جهشی کلان در حیات رسانه‌های انسان معاصر ارزیابی می‌کند که فلسفه‌ای به مراتب پیچیده‌تر دارد و باید با نگرشی «فرا رسانه‌ای» به بحث و بررسی گذاشته شود. با وجود آن که هر یک از دو دیدگاه برای خود مؤیدات و استدلال‌هایی دارند، این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که «ماهواره» حتی به عنوان نسل جدید رسانه در قرن بیستم، همچنان کارکردهای رسانه‌ای دارد و در همان چهارچوب قابل فهم و تجزیه و تحلیل است. به گمان نویسنده، ماهواره رسانه‌ای پیشرفته ارزیابی می‌شود که عرصه ارتباطات را متحول ساخته و امکان ظهور پدیده‌های تازه‌ای را در این مجال فراهم آورده است. از این رو می‌توان استنتاج کرد که کارکرد امنیتی ماهواره در قالب فرمول پیشنهادی نگارنده در این مقاله

**اهتمام ورزیدن به هزینه کردن
«ارزش‌ها و هنجارهای موجد نظام»
در راستای طلب پیرو برای مزب و یا
گروهی فاص (و به تعبیری نداشتن
التزام عملی به اصول نظام). موجد
می‌شود در مضایب افزایش پیروان
مزب یک گروه. اصل نظام در مضایب
افتد.**

قابل درک و تجزیه و تحلیل است. بر این اساس، ضمن تأکید بر یافته‌های پیشین، می‌توان تهدیدهای «ماهواره» را به مثابه یک رسانه پیشرفته چنین باز تعریف کرد:

۱- ماهواره‌ها در حوزه حاکمیت ملی، می‌توانند تأثیرات امنیت‌سوز زیر را برای بسیاری از دولت‌های ملی به دنبال داشته باشند:

اول. ماهواره‌ها با دسترسی دقیق به اطلاعات و آشکارسازی آنها، دولت‌های ضعیف را در برنامه‌ریزی دچار مشکل می‌سازند و به عبارتی حوزه آسیب‌پذیری آنها را به علت نفوذ به درون واحدهای ملی و کسب اطلاعات جزئی و دقیق، افزایش می‌دهند.

دوم. ماهواره‌ها با عبور از موانع طراحی شده از سوی دولت‌های ملی، نسبت به تغییر ذهنیت شهروندان به طرق گوناگون (از طریق افشای اسناد و یا جعل آنها و) نسبت به دولت ملی اقدام می‌کنند. تجربه نشان داده است که کار ویژه ماهواره در این حوزه به مراتب بالا و تأثیرگذار بوده است.

سوم. ماهواره‌ها با توجه به تازگی، تنوع و تعدد اخباری که رد و بدل می‌سازند، به نوعی رسانه‌های ملی جوامع ضعیف را دچار مشکل ساخته و استقلال مردم از رسانه‌های ملی را پدید می‌آورند. به عبارت دیگر، ماهواره‌ها - در کنار شبکه اینترنت - به راحتی می‌توانند اعتبار رسانه‌های ملی را نزد شهروندان مخدوش سازند و به این ترتیب جریان هدایت افکار عمومی را به دست گیرند.

چهارم. ماهواره‌ها در دو حوزه «تغییر توقعات شهروندی» و «تغییر هنجارهای عمومی» به شدت تأثیرگذار بوده و به این ترتیب می‌توانند با محصولات فرهنگی‌ای که ارائه می‌دهند، نسبت به تضعیف ضریب ایدئولوژیک جامعه عمل کنند. با توجه به تغذیه یک سویه این رسانه مؤثر از مبادی فکری - عقیدتی خاص، چنین به نظر می‌رسد که تهدیدات آن به مراتب از فرصت‌های احتمالی‌اش (در بحث ملاحظات امنیتی) بیشتر است. معنای ارزیابی امنیتی بالا آن است که نوع مصالحه به عمل آمده بین مدیران ارشد شبکه‌های ماهواره‌ای با صاحبان اندیشه و قدرت برتر در عرصه بین‌المللی، امروزه به جدی‌ترین تهدید امنیتی برای کشورهای مستقل (از حیث ارزشی در مقابل مکتب لیبرالیسم) تبدیل شده است.

نتیجه: نظر به بُرد و تأثیر بیشتر ماهواره‌ها، می‌توان پیش‌بینی کرد که تشویق افکار عمومی و ایجاد بحران توسط این ابزار از سوی بازیگران فراملی، به مراتب ساده‌تر و مؤثرتر شده است. تجربه کوی دانشگاه و ایجاد واقعیت‌های مجازی برای تحریک فضای سیاسی جامعه از این طریق، بسیار گویا است. در مقابل نباید از وجوه فرصت‌ساز ماهواره نیز غافل بود. با این توضیح که توانمندی و پیش‌شرط‌های لازم در سطح ملی و بین‌المللی برای استفاده از این فرصت‌ها را نیز باید به صورت توأمان مدنظر داشت. از این منظر ملاحظات زیر قابل توجه است:

اول. ماهواره‌ها فضای اطلاعاتی را گسترش می‌دهند و این امر است که هم می‌تواند مشکل‌ساز باشد و هم با کمک به شفافیت فضای ارتباطاتی - سیاسی در جامعه بین‌المللی فرصت‌ساز تلقی شود. دوم. ماهواره‌ها این امکان را برای دولت‌های ضعیف فراهم آوردند که در فضای پیچیده و تخصصی امروزی، خود را عرضه کنند. از این رو با سیاستگذاری مناسب می‌توان بهره‌ای مناسب برای طرح خود در سطح جهانی یافت.

سوم. حجم اطلاعاتی که از طریق این رسانه رد و بدل می‌شود، بسیار زیاد است از این رو می‌توان از وجه اطلاع‌رسانی آن استفاده کرد و برای حل مشکلات و کسب علم و تجربه به آن مراجعه داشت.

چهارم. رسانه‌های ملی با وجود رقیبی چون ماهواره، نسبت به تحرک و فعالیت بیشتر تهییج می‌شوند و این امر می‌تواند یک فرصت ارزیابی شود.

نتیجه: تحول افکار عمومی می‌تواند وجه مثبتی نیز داشته باشد و ارتقای اندیشه انسان معاصر را در کلیه جوامع به دنبال بیاورد. بر این اساس، ماهواره فرصتی مغتنم برای اصلاح فرهنگ عمومی ارزیابی می‌شود.

مجموع ملاحظات بالا را که حکایت از وجود فرصت‌ها و تهدیدهای متفاوت در عملکرد ماهواره‌ها دارد، می‌توان در جدول زیر خلاصه و ارائه کرد.

+ حوزه	عملکرد امنیتی رسانه		-
۱- رسانه و دولت	<ul style="list-style-type: none"> • نظارت • حمایت • اطلاع‌رسانی • تعدیل 	<ul style="list-style-type: none"> • بحران سازی • تصویرسازی منفی • مصالحه 	
۲- رسانه‌ها و جامعه مدنی	<ul style="list-style-type: none"> • استقلال ماهوی • آزادی از زور • صداقت در نمایندگی 	<ul style="list-style-type: none"> • تشویش افکار عمومی • بسط فرهنگ غیراستدلالی 	
۳- رسانه و ملت	<ul style="list-style-type: none"> • رشد فرهنگ عمومی • بیان مسئولانه خواسته‌ها • وحدت‌بخشی 	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده ابزاری از مردم • قبض و بسط نابه‌هنگام افکار عمومی • تهییج مستمر افکار عمومی 	
۴- رسانه و ضریب ایدئولوژیک	<ul style="list-style-type: none"> • باز تعریف نظری • التزام عملی 	<ul style="list-style-type: none"> • بهره‌برداری حزبی از ارزش‌های ملی • تحریف هنجارها و ارزش‌ها 	

پی‌نوشت‌ها

۱. مانوئل کاستلز، *عصر اطلاعات: پایان هزاره*، احمد علیقلیان و افشین خاکباز (مترجم)، علی پایا (ویراستار)، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۶۹.
۲. در این باره رجوع شود به گفتگوی به عمل آمده با باری بوزان در خصوص چیستی مکتب کپنهاک، مندرج در *فصلنامه مطالعات راهبردی* (سال ۱۳۷۹، شماره ۹)، صص ۹-۱۶.
۳. رک. توماس هابز، *لویاتان*، حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۸۰، بخش دوم.
۴. رک. اندرو ونیست، *نظریه‌های دولت*، حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۷۱، صص ۵-۲۰؛ اصغر افتخاری، «قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۳۷۷، شماره ۲، صص ۳۱-۶۸.
۵. تفسیر استقلالی از دولت به بهترین وجه در اندیشه سیاسی هگل مطرح شده است. در این باره رک. جان پلامناتز، *فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل*، حسین بشیریه، تهران، نی، ۱۳۱.
6. See M. Puesy, *Jurgen Habermas*, London, 198, chap.1.
7. See C.Offe, *Contradictions of the Western State*, London, 1984.
۸. در این باره رک. حسین بشیریه، *دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، موسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۴، به ویژه گفتار ششم: جامعه در مقابل دولت؛ رابرت میخلز، *جامعه‌شناسی احزاب*، احمد نقیب‌زاده، تهران، ۱۳۷۵؛ همچنین:
R. Bernstein (ed), *Habermas & Modernity*, MIT Press, Cambridge, Mass. 1985.
9. See Charles Andrian & David Apter, *Political Protest & Social Change: Analyzing Politics*, Macmillan, 1995; Hank Johnston, *New Social Movements*, Philadelphia, Temple V.P., 1994; Alan Day (ed), *Political Parties of the World*, Longman, 1988; David Held, *Democracy & Global Order*, Polity Press, 1995.
10. See Jurgen Habermas, *Communication & The Evolution of Society*, trans.T. Mc Carthy, Boston, 1979; M. Dumment, *Principles of Electoral Reforms*, Oxford, Oxford U.P., 1997, p.p.47-58.
11. See Jurgen Habermas, *Knowledge & Human Interests*, Boston, 1971; *Communication & the Evolution of Society*, op.cit.

12. See Martin Shaw, *Civil Society & Media in Global Crises*, London, Pinter, 1996; Andrew Clayton (ed), *NGO, Civil Society, & State: Building Democracy in Transitional Societies*, U.K. Intrac, 1996; Andrew Shanks, *Civil Society, Civil Religion*, U.S., Blacwell, 1995; Keith Tester, *Civil Society*, Routledge, 1992.

۱۳. اصغر افتخاری، «فرهنگ امنیت جهانی»، در: آر.دی. مک کین لای و آر. لیتل، *امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها*، اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۷۲-۹.

14. See Barry Buzan, *People, States & Fear: The National Security Problem in International Relation*, Harvester, Wheat Sheaf, 1983; Robert Mandel, *The Changing Face of National Security: A Conceptual Analysis*, Green-Wood Press, 1994.

15. See *The Changing Face of National Security*, op.cit., Chap.1.

۱۶. در این باره رک. تدرابرت گر، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.

۱۷. جهت مطالعه در باب خواسته‌ها و نحوه ارزیابی ارزش آنها رک. مک‌آیور، *جامعه و حکومت*، ابراهیم علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴؛ محمدسعید رمضان البوطی، *ضوابط المصلحه فی الشریعه الاسلامیه*، سوریه: الدارالمتحدہ للطباعه والنشر، بیروت: مؤسسه الرساله للطباعه والنشر، ۱۹۹۲.

۱۸. جهت مطالعه در باب کار ویژه‌ها و ارزیابی ارزش آنها رک. *نظریه‌های دولت*، پیشین، صص ۸۰-۶۰؛ جانفرانکو پوجی، *تکوین دولت مدرن: درآمدی جامعه‌شناختی*، بهزاد باشی، تهران، آگاه، ۱۳۷۷، اصغر افتخاری، «نقد تکوین دولت مدرن»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، دی ۱۳۷۷؛ همچنین:

N.P.Barry, *An Introduction to Modern Political Theory*, London, Macmillan, 1981; Hernri Rohan, *A Treatise of the Interests of The Princes & the State of Christendome*, London, 1643; Marvin Kalb & Ted Kopple, *In The National Interests*, New York, 1978.

۱۹. جهت مطالعه در باب ضریب ایدئولوژیک رک. اصغر افتخاری، *انتظام ملی: جامعه‌شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، ناجا، ۱۳۷۹؛ اصغر افتخاری، *اقتدار ملی: جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، ناجا، ۱۳۸۰.
۲۰. «نظارت سیاسی بر روابط بین‌الملل و دستگاه‌های اجرایی»، امور اداری و استخدامی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اداری، نشریه شماره ۸۷، تیر ماه ۱۳۶۹.
21. Nigel Nichol Son (ed), *The Blackwell Dictionary of Organization Behaviour*, Cambridge, Blackwell Business, 1995.
22. J.Munro & J.Morrison (eds), *Accountability Power*, London, International Thomson Press, 1996, p.p.225-6.
23. *Hand Book of Public Administration*, Sanfrancisco, Jossey-Bass Publisher, 1989, p.p.122-3.
۲۴. در این باره رک. پل هیوود، *فساد سیاسی*، محمد طاهری و میرقاسم بنی‌هاشمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، فصل هفتم تا دوازدهم.
۲۵. در این باره رجوع شود به: جمعی از نویسندگان، *رسانه‌ها و ثبات سیاسی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
26. See William Dutton (ed), *Information & Communication Technologies: Visions & Relations*, Oxford, Oxford U.P., 1996.
۲۷. در این باره رک. *رسانه‌ها و ثبات سیاسی*، پیشین، بخش دوم.
28. David Clinton, *Two Faces of National Interest*, Louisiana State U.P., 1994; Richard Collins & C.Murroni, *New Media, New Politics: Media & Communication Strategies for the Future*, Polity Press, 1996.
۲۹. این موضوع را به صورت مبسوط در اثر زیر آورده‌ام: اصغر افتخاری، *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی*، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۰-۵.
۳۰. به نقل از: همانجا، ص ۲۳۲.

۳۱. رک. دیوید ابتر و چارلز اندرین، *اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی*، محمدرضا سعیدآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۳۲. به نقل از: *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی*، پیشین، ص ۲۳۲.
۳۳. به نقل از: همانجا، ص ۲۱۲.
۳۴. به نقل از: همانجا، ۲۳۵.
۳۵. رک. دیوید ل. پالتز، *ارتباطات سیاسی در عمل*، مهدی شفقتی، تهران، سروش، ۸۰، صص ۴۵-۶۴ (مقاله «نفوذ رسانه‌های گروهی در تصمیم‌گیری‌های دولتی» به قلم «ایتیویوئیچی»).
۳۶. همانجا، صص ۶۶-۸۵.
۳۷. همانجا، ص ۲۱۸.
۳۸. جهت مطالعه موارد تاریخی این حکم رک. *ارتباطات سیاسی در عمل*، پیشین، به ویژه بخش چهارم کتاب که به قلم نویسندگانی چون «برتون»، «گروندین»، «رانی گرایسک» و «فلچر» درباره وضعیت عملکرد رسانه‌ها در کشورهای جهان سومی تحقیق و تألیف شده است.
۳۹. رک. جان تامپسون، *رسانه‌ها و مدرنیته: نظریه اجتماعی رسانه‌ها*، مسعود اوحدی، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
40. See John Tompson, *Ideology & Modern Culture: Critical Social Theory in the Era of Mass Communication*, Cambridge, Polity Press, 1999.
۴۱. به نقل از: *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی*، پیشین، ص ۲۱۹.
۴۲. ژودیت لازار، *افکار عمومی*، مرتضی کتبی، فی، ۱۳۸۰، ص ۸۷.
۴۳. این بحث را به طور مبسوط و با ذکر شواهد تاریخی در مورد ایران، در اثر زیر آورده‌ام. *درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی*، پیشین، فصل اول.

ماهواره‌ها، جهانی شدن فرهنگ و بحران هویت

مؤلف: صدیقه ببران

دکترای علوم ارتباطات و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

اشاره

فرایند جهانی‌سازی، مفهوم و پدیده تازه‌ای است که متکی بر فشردگی فزاینده زمان و فضا و افزایش آگاهی حاصل از انقلاب اطلاعات بوده و بر رویه‌های سیاسی - اقتصادی و به ویژه فرهنگ جوامع تأثیر به‌سزایی دارد.

این فرایند از یک سو با موفقیت‌های قابل توجهی مانند گسترش فناوری‌ها (به ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی) و پدیده‌های جدید و تسهیل‌کننده در دورترین نقاط جهان روبه‌رو است و از سوی دیگر با اشکالات و ایرادهای بزرگی مانند افزایش شکاف طبقاتی در عرصه‌های ملی، پیدایش پدیده فقر مدرن، سلطه ثروتمندان، گسستگی، آشفتگی و بی‌نظمی هنجاری، ارزشی، هویتی و یکسان‌سازی و یکپارچه کردن فرهنگ‌ها.

از این رو می‌توان گفت کلیه کشورها در رویارویی با این پدیده که شالوده و سازهای اجتماعی جوامع یعنی هویت آنها را متأثر می‌سازد، با فرصت‌ها و چالش‌هایی جدی مواجهند.

در جهان امروز، با توجه به ویژگی‌های جهانی شدن و عصر اطلاعات که ماهیت ارتباطات را متحول ساخته است، از یک سو، اطلاع‌رسانی و ارتباطات منبع اصلی قدرت به حساب می‌آید و از سوی دیگر، هویت‌سازی و هویت‌مندی تابعی از ساختار قدرت تلقی می‌شود.

بدیهی است در این میان، آن دسته از جوامع که از یک طرف در تقویت زیرساخت‌های ارتباطی و رقابت مؤثر در میدان ارتباطات و اطلاع‌رسانی با شیوه‌های نوین و از طرف دیگر، در امر هویت‌مندی و

هویت‌سازی ناتوانند، دچار آسیب‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
جبران‌ناپذیری خواهند شد.

در این نوشتار، به بررسی جهانی شدن فرهنگ و چالش‌های پیش
روی آن و هم‌چنین بحران هویت در عصر اطلاعات و نقش رسانه‌ها به
ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی مانند ماهواره‌ها به عنوان ابزار
تسهیل‌کننده و یا محدودکننده این فرایند می‌پردازیم.

جهانی شدن فرهنگ و بحران هویت در عصر اطلاعات

رواج نظریه جهانی شدن فرهنگ به بروز واکنش‌هایی متفاوت و حتی متناقض منجر شده است. برخی این پدیده را نویدی در مسیر ایجاد جهانی دموکراتیک و متحد می‌دانند که با اتکا به یک فرهنگ جهانی شکل گرفته و به ظهور «دهکده‌ای جهانی» انجامیده که بر مبنای اصل مارشال مک لوهان (۱۹۸۹) اندیشمند کانادایی، نتیجه ارتباطات جدید است اما برخی دیگر، بر این باورند که جهان‌گستری به یک هویت سیاسی جهانی، که ترویج‌گر پایداری و همبستگی جهانی است، نیانجامیده است (رجائی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۷). اینان جهانی شدن فرهنگ را نتیجه از دست رفتن هویت و گم‌گشتگی آن می‌دانند. فوکویاما این ایده را که بر اساس آن، جهانی شدن منتهی به همگونی فرهنگی می‌شود به چالش می‌کشد؛ او معتقد است جوامع علی‌رغم فشارهای اقتصادی، خصوصیات فردی خود را حفظ می‌کنند و این ارزش‌های فرهنگی هستند که سامان اقتصادی یک کشور را در بسیاری از جهات شکل می‌دهند. این به معنی عدم تأثیر جوامع از فرایند جهانی شدن نیست؛ درست است که فرایند جهانی شدن میان ایدئولوژی‌های اقتصادی و سیاسی همگرایی ایجاد می‌کند، اما در عین حال، عناصر عمیق‌تری نیز در فرهنگ کشورها وجود دارد که همگرایی در آنها به راحتی ایجاد نمی‌شود. هم‌چنین آرنولد‌توین‌بی معتقد است جهانی شدن به منزله هژمونی یک فرهنگ استعلایی به حساب نمی‌آید بلکه می‌تواند گلچینی از پدیده‌های فرهنگی مناطق مختلف باشد که هویت‌های فرهنگی را به عنوان منابع جوامع انسانی در تبیین فرهنگ جهانی مشارکت می‌بخشد و در پذیرش جهانی‌شدن‌های متعدد جهت می‌دهد. این در حالی است که از دیدگاه منتقدان، جهانی شدن فرهنگ باعث ایجاد فرهنگ سلطه می‌شود، نقش فرهنگ‌های بومی و محلی را کم‌رنگ می‌کند و تحت تأثیر رسانه‌های ارتباطی جهان‌گستر نوعی فرهنگ جهانی را که معمولاً فرهنگ سلطه و مصرف‌گرایی است شکل می‌دهد.

در واقع تسلط قدرت‌های بزرگ بر دنیای تجارت، فرهنگ و اطلاعات موجب می‌شود که جهانی‌سازی به یکسان‌سازی فرهنگی در افزایش سلطه‌جویی‌ها و مداخله‌طلبی‌های آنان منجر شود (Amin, 1996).

از نظر والرشتاین، جهانی شدن فرهنگی به معنای سیطره فرهنگ غرب بر دیگر فرهنگ‌هاست که به دوگانگی فرهنگی در جنوب منجر خواهد شد (Wallerstein, 1979). منتقدانی چون او معتقدند غربی کردن نمی‌تواند آخرین و بهترین پاسخ به جهانی شدن باشد، زیرا غرب خود از مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی رنج می‌برد و با چالش‌های بسیاری در این زمینه روبه‌روست. سلطه غرب بر رسانه‌ها و ابزارهای نوین رسانه‌ای به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت به بی‌ثباتی فرهنگی، ارزشی و هویتی در کشورهای پیرامونی منجر می‌شود.

تامپلسون از نظریه‌پردازان جهانی شدن می‌گوید: «فرهنگ جهانی شده‌ای که ما هم‌اکنون با آن مواجه هستیم ... - فرهنگی نیست که از جمع تجارب و نیازهای بشریت حاصل آمده باشد چنان که حتی به صورت یکسان از گونه‌های فرهنگی موجود نیز تغذیه نمی‌کند - حاکم شدن یکی از گونه‌های فرهنگی است که از توان بیشتری برخوردار است» (Skelton & Allen, 1999).

بنابراین از نظر بدینان به فرایند جهانی شدن فرهنگ، جهانی‌سازی منجر به ادغام فرهنگی جوامع در حال توسعه و استحاله الگوهای فرهنگی آنها خواهد شد که با توجه به تفاوت‌های زبانی، دینی و قومی در این جوامع و برتری الگوهای اقتصادی و فرهنگ غالب غرب بر خرده فرهنگ‌های کشورهای چند قومیتی ممکن است به تجزیه بسیاری از کشورهای جهان سوم منجر شود (هنرز، ۱۳۷۶). هم چنین به عقیده آنان واقعیت این است که حتی تلاش برای تطابق فرهنگی و تفسیرهای گوناگون از پدیده‌های فرهنگی غربی در مناطق متعدد جهان، بیشتر نشان‌دهنده شکاف دهشتناک بین فرهنگ‌هاست تا نشان‌دهنده همگرایی فرهنگی. در واقع هیچ گاه نمی‌توان از این طریق فرهنگی جهانی به وجود آورد، بلکه فقط می‌توان به عمق شکاف میان فرهنگ‌ها پی برد (هینز کویی، ۱۳۷۹).

«بی‌شک جهانی شدن بر برخی از ارزش‌ها و دیدگاه‌ها که در زمره اصول و ریشه مذاهب و فرهنگ‌های عمده جهان قرار دارند تأثیر گذاشته است. به عبارت دقیق‌تر، مفاهیم خوب و بد و درست و غلط، نقش فرد و جامعه، ویژگی‌های روابط شخصی و بین گروهی و مفاهیم هدف زندگی، همه و همه با قدرت تخریب‌گر سرمایه جهانی، مصرف‌گرایی بین‌المللی و نیز بازار جهانی و رسانه‌های جهانی، در حال

نابودی است. حتی برخی از زبان‌های بومیان و برخی از سنت‌های بسیار ارزشمند نیز با روند جهانی شدن در حال از بین رفتن است» (Muzaffar, 1995).

این در حالی است که برخی دیگر از نظریه‌پردازان این گروه از قبیل کلمن جیمز نیز بر این باورند که در عصر جهانی شدن، انسان فاقد تاریخ و مجذوب ارزش‌های غیربومی و جهانی می‌شود و به مفاهیمی اعتقاد می‌یابد و بر اساس آن معنا سازی می‌کند که ریشه در سنن او ندارد، هویت‌های ملی سست می‌شود و جهانی شدن با سنت‌زدایی از فرهنگ‌ها و برقرار کردن حکومت بین‌المللی رسانه‌ها به یکسان‌سازی جوامع و فرهنگ‌ها می‌انجامد.

**سلطه غرب بر رسانه‌ها و
ابزارهای نوین رسانه‌ای به ویژه
شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت
به بی‌ثباتی فرهنگی، ارزشی و
هویت در کشورهای پیرامونی
منجر می‌شود.**

هویت در عصر اطلاعات

با نگاهی اجمالی به انتقادات و مقاومت‌های صورت گرفته در برابر فرایند جهانی شدن فرهنگ، متوجه خواهیم شد که آنچه بیش از همه در این روند به چالش کشیده شده است، تضاد پدیده جهانی شدن و هویت در کلیه انواع و اشکال آن است.

مانوئل کاستلز جامعه‌شناس اسپانیایی و استاد برجسته دانشگاه برکلی معتقد است: «دنیا و زندگی ما به دست جریان‌های متضاد جهانی شدن و هویت شکل می‌گیرد. انقلاب فناوری اطلاعات و بازسازی ساختار سرمایه‌داری، شکل تازه‌ای از جامعه یعنی جامعه شبکه‌ای را پایه‌گذارده است» (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۷). مهم‌ترین مشخصه چنین جامعه‌ای فرهنگ مسلط بر آن است که از نظام رسانه‌ای فراگیر و متنوع به وجود آمده است.

این نظام و جامعه نوین نهادهای اجتماعی را به لرزه در می‌آورد، فرهنگ‌ها و هویت‌ها را دگرگون می‌سازد، ثروت می‌آفریند، فقر به دنبال می‌آورد و به تبع این تحولات، دنیای تازه زندگی ما را با بیم و امیدهای جدید همراه می‌سازد.

از این رو به نظر می‌رسد بدون درک مفهوم هویت در عصر اطلاعات و روند جهانی شدن، طرح جایگاه و نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی چون ماهواره‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار این عصر در مقابله یا تقویت بحران هویت امکان‌پذیر نخواهد بود.

هویت‌ها شالوده‌ها و سازه‌های اجتماعی هستند که در فرایند سازماندهی یا شالوده‌ریزی اجتماعی به وجود می‌آیند و در ساخته شدن آنها علاوه بر ساختار عینی و مادی جامعه یعنی تاریخ، جغرافیا، سیاست و اقتصاد، ساختار معرفتی از جمله فرهنگ، زبان، آرمان‌ها، ایدئولوژی و سنت نیز به طور هم زمان نقش ایفا می‌کنند.

منظور از هویت فرهنگی تنها انباشت ساده اندیشه‌ها، رسم‌ها، زبان‌ها و نحوه خوردن و پوشیدن معینی که از گذشتگان به ما رسیده نیست. بلکه روشی که فرهنگ برای برخورد با این عوامل در برهه‌ای خاص از تاریخ انتخاب می‌کند نیز هست.

اگر مفهوم هویت را متکی بر عناصر پیشین آن بدانیم یعنی بگوئیم که هویت یک تباین مبتنی بر تاریخ گذشته است و به عبارت دیگر این گذشته است که حکم می‌راند آن گاه در تعریف هویت باید دو مؤلفه همبستگی و تفرد را نیز دخیل بدانیم. یعنی باید بگوئیم فرد در تعامل با جامعه - چه جامعه ملی و چه جامعه بین‌المللی - از یک طرف خصیصه‌هایی را دریافت می‌کند و از طرف دیگر، خود ویژگی‌هایی دارد که مستقل از عنصر همبستگی است. چنانچه این مفهوم را برای هویت بپذیریم، همبستگی و

تعامل نیز موجب تغییرات می‌شود. بنابراین مؤلفه‌های موجود در هویت، خود یا جامعه را دچار دگرگونی می‌کند (خانیکی، ۱۳۸۰).

به عبارت دیگر منظور از هویت فرهنگی تنها انباشت ساده اندیشه‌ها، رسم‌ها، زبان‌ها و نحوه خوردن و پوشیدن معینی که از گذشتگان به ما رسیده نیست، بلکه روشی که فرهنگ برای برخورد با این عوامل در برهه‌ای خاص از تاریخ انتخاب می‌کند نیز هست.

بنابراین هویت فرهنگی عبارت است از برنامه‌ای که مردم برای آینده خود، با بهره‌گیری از گذشته می‌آفرینند. این فرایند انفعالی نیست، بلکه آفرینش و بازآفرینی مدام و انتخاب آگاهانه را به همراه دارد (پولدا، ۱۳۸۰).

ساخت اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و برای شکل‌پذیری آن سه منشاء را می‌توان قائل شد که عبارتند از نخست هویت مشروعیت‌بخش که توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و در نهایت به ایجاد جامعه مدنی بیانجامد. دوم هویت مقاومت که توسط آن دسته از کنشگران ایجاد می‌شود که در شرایطی قرار دارند که

از طرف منطق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود و در نهایت به ایجاد جماعت‌ها یا اجتماعات می‌انجامد (مانند مقاومت جمعی در برابر ظلم و ستم) و سوم هویت برنامه‌دار، زمانی تحقق می‌یابد که کنشگران اجتماعی با استفاده از مواد فرهنگی در دسترس خود هویت جدیدی را رقم می‌زنند که موقعیت آنها را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به تغییر شکل کل ساخت اجتماعی و ایجاد سوژه می‌انجامد. این سوژه‌ها کنشگر اجتماعی جمعی هستند که افراد به کمک آنها در تجربه‌های خود به معنایی همه جانبه دست می‌یابند (Touraine, 1992).

ملی‌گرایی شاید یکی از جلوه‌های بارز تراش
برای کسب هویت باشد بدین معنا که فرد
یا قومی با پس‌زمینه‌های تاریخی هنگامی
که در مواجهه با پدیده‌های جهانی و
همه‌آورنده قرار می‌گیرد و در پیستی خود
دچار تردید می‌شود، پاره‌ای جز بازگشت به
گذشته‌ای آرمانی و دل‌سبب نمی‌بیند.

در حالی که طی دوره مدرنیته هویت برنامه‌دار از بطن جامعه مدنی برمی‌خاست، در جامعه شبکه‌ای، هویت برنامه‌دار اگر هم پدید آید، از دل مقاومت جماعت‌گرایانه رشد می‌کند.

از دید بسیاری از صاحب‌نظران به ویژه کاستلز، در این عصر بحران مشروعیتی دامن‌گیر کلیه نهادها می‌شود چرا که همگام با پیشرفت فرایند جهانی شدن سرچشمه هویت‌های مشروعیت‌بخش کاملاً خشکیده است. «نهادها و سازمان‌های جامعه مدنی که حول دولت‌های دموکراتیک و

قرارداد اجتماعی میان کار و سرمایه ساخته شده بود، کم و بیش به پوسته‌ای توخالی بدل شده و روز به روز در ایجاد ارتباط با ارزش‌ها و زندگی مردم اکثر جوامع، ناتوان‌تر می‌شود ... زوال هویت‌های مشترک که مترادف با اضمحلال جامعه نظام معنادار اجتماعی است نشان‌دهنده اوضاع و احوال روزگار ماست (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۴۲۶).

چالش‌های اجتماعی علیه الگوهای سلطه در جامعه شبکه‌ای عموماً شکل ساخت هویت‌های مستقلی را به خود می‌گیرد که با اصول سامانگر جامعه شبکه‌ای بیگانه‌اند. آنها وجود، باورها و میراث‌های خود را در مقابل پرستش فناوری، قدرت جریان‌ها و منطق بازار قرار می‌دهند. ویژگی جنبش‌های اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی‌ای که پیرامون هویت‌ها در عصر اطلاعات ساخته شده‌اند (اعم از بنیادگرایی دینی، ملی‌گرایی و جدایی‌طلبی قومی...) آن است که این هویت‌ها از درون نهادهای جامعه مدنی سر بر

نمی‌آورند. آنها از همان آغاز یک منطق اجتماعی جایگزین عرضه می‌کنند که از اصول عملکردی که نهادهای مسلط جامعه پیرامون آن ساخته می‌شود، متمایز است.

در عصر اطلاعات، منطق متداول شبکه‌های جهانی مسلط چندان فراگیر و با نفوذ است که تنها راه بیرون آمدن از زیر سلطه آنها بیرون رفتن از این شبکه‌ها و بازسازی معنا براساس نظامی از ارزش‌ها و باورهای کاملاً متمایز است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۴۳۴).

هم چنین در خصوص ارتباط بحث هویت و جهانی شدن از سوی نظریه‌پردازان این علم نظرهای گوناگونی مطرح شده است چنانچه گیدنز معتقد است این اشتباه است که فکر کنیم جهانی شدن فقط در خصوص نظام‌های بزرگ صدق می‌کند. این فرایند صرفاً یک پدیده «بیرونی» نیست بلکه یک پدیده «درونی» نیز محسوب می‌شود که مستقیماً با هویت و با جنبه‌های خصوصی و فردی زندگی ما عجین شده است و به شدت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از این حیث نظریه جهانی شدن گیدنز با نظریه جهانی شدن رابرتسون شباهت دارد. به ظن رابرتسون که واژگان خود را از لئون تولستوی به عاریت گرفته، جهانی شدن همان «عام شدن خاص و خاص شدن عام» است که در اینجا «عام» معادل «جهانی» و خاص، معادل «محلی» در نظر گرفته می‌شود (Robertson, 1992).

به عبارت دیگر، جهانی شدن از یک طرف به سمت ادغام و سلطه‌گرایی رفته است و از طرف دیگر نوعی خاص‌گرایی ایجاد کرده است که حاصل آن پدیده‌ای تحت عنوان اجتماع‌گرایی و رشد محلی‌گرایی است. از این رو جهانی شدن در همان حال که به سمت ادغام یکپارچه‌سازی رفته خاص‌گرایی‌های فرهنگی را نیز تقویت کرده است (خانیکی، ۱۳۸۰).

بنابراین همان طور که بحث یکپارچگی و عام‌گرایی در عرصه فرهنگ مطرح است، خاص‌گرایی و خرد شدن را نیز در این عرصه مشاهده می‌کنیم و این مسائل خود به خود بر شکل‌گیری هویت‌ها تأثیر می‌گذارد.

بر اساس نظریه رابرتسون، دیگر نمی‌توان گفت که جهانی شدن به معنای یکی شدن فرهنگ‌های جهانی است، بلکه بر این اساس، فرهنگ‌های گوناگون باید امکان حضور و تعامل در عرصه جهانی را داشته باشند.

بحران هویت که ما این روزها بسیار در مورد آن می‌شنویم صرفاً بیان یک مسئله یا دغدغه و یا طرح مبانی نظری آن نیست، مفروضات مختلفی در این خصوص وجود دارد که یکی از قوی‌ترین آنها، این بحران را ناشی از حرکت دو فرهنگ جهانی و محلی به موازات یکدیگر می‌داند. از این رو، پارادایم دیگری که در مقابل جهانی شدن مطرح می‌شود، بحث منطقه‌گرایی و محلی‌گرایی است. نظریه‌پردازان مدعی آنند که بین این مفهوم و مفهوم جهانی شدن، تنازع جدی در عرصه بین‌الملل در جریان است. گفته می‌شود فرهنگ جهانی مستقل از فرهنگ‌های ملی و منطقه‌ای وجود ندارد بلکه آنچه جهانی می‌شود، بخش‌ها و مؤلفه‌هایی خاص از فرهنگ‌های ملی یا منطقه‌ای است.

این صاحبان قدرت هستند که با تنظیم اطلاعات، دانش و تصمیم‌های سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی و ریختن این مظلوف‌ها در ظروف رسانه‌ها در زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند.

محلی‌گرایی شاید یکی از جلوه‌های بارز تلاش برای کسب هویت باشد بدین معنا که فرد یا قومی با پس‌زمینه‌های تاریخی هنگامی که در مواجهه با پدیده‌های جهانی و هجوم‌آورنده قرار می‌گیرد و در چپستی خود دچار تردید می‌شود، چاره‌ای جز بازگشت به گذشته‌ای آرمانی و دلچسب نمی‌بیند. این گذشته یا خاطره قومی عمدتاً مبتنی بر عناصری است که به طور بسته در چارچوب یک حوزه خاص عمل کرده‌اند. مفهوم «محل» نیز به همین حوزه خاص دلالت می‌کند. این گونه محلی‌گرایی مشخصه جوامع شرقی است. آنان زمانی که با فرهنگ غربی که مشخصه عمده آن هجوم آوردن به گذشته قومی و محلی است مواجه می‌شوند، حتی اگر مایل باشند نمی‌توانند این گذشته را یک باره به دست فراموشی بسپارند و به همین دلیل نیز به موازات فرهنگ جدید (که عمدتاً غربی است) فرهنگ سنتی و محلی خویش را حفظ می‌کنند (محمدی، ۱۳۶۷).

نظریه‌پردازان معتقدند هویت‌سازی و هویت‌مندی تابعی از ساختار قدرت در جامعه است. از آنجایی که همه انسان‌ها به طور یکسان در سلسله مراتب قدرت قرار نمی‌گیرند، برخی بیشتر گیرنده و مصرف‌کننده هویت و عده‌ای دیگر تولیدکننده آن هستند. قدرت واقعی در هویت‌سازی متعلق به افرادی است که بیشترین نقش را در کلیه پنج محور مدل تولید هویت (تولید نماد، انتقال، مصرف، فهم و تفسیر معانی) داشته باشند (منتظر قائم، ۱۳۷۹).

بنابراین رسانه‌های جمعی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود از نقش به‌سزایی برخوردارند و می‌توانند مهم‌ترین عامل تولید، انعکاس، انتقال و بازسازی هویت‌های اجتماعی - فرهنگی باشند.

رسانه‌ها و چالش‌های هویتی در روند جهانی شدن

با عنایت به واقعیت بحران هویت و فرهنگ در جامعه شبکه‌ای که خود حاصل از فرایند گریزناپذیر جهانی شدن است، بررسی نقش و جایگاه رسانه‌های جمعی و به ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی مانند شبکه‌های ماهواره‌ای به عنوان بازیگر اصلی این فرایند و منبع فزاینده قدرت جوامع در عصر اطلاعات، در چالش و نحوه برخورد با این بحران ضروری می‌نماید.

بحث جهانی شدن و مقوله رسانه‌ها چنان با یکدیگر پیوند خورده‌اند که تصور تجربه کردن جهانی شدن بدون رسانه‌ها، محال به نظر می‌رسد.

برخی از صاحب‌نظران با تأکید بر اهمیت نقش رسانه‌ها در فرایند جهانی‌سازی تا آنجا پیش می‌روند که از مفهوم رسانه‌ای شدن زندگی یاد می‌کنند و معتقدند امروزه رسانه‌ها به عنوان بازیگران اصلی فرایند جهانی شدن، آن هم نه به مثابه ابزار بلکه به مثابه «هویت»‌هایی مطرحند که هم‌سنگ و هم‌شأن دولت‌های ملی هستند و از حیث توانمندی و امکانات در شکل‌دهی به ماهیت جامعه انسانی، حضور فعال دارند و معنای تازه‌ای از زندگی پدید می‌آورند (Rapping, 1994).

واقعیت این است که وقوع انقلاب اطلاعات و پیدایش فناوری‌های جدید ارتباطی مانند ماهواره‌ها و اینترنت منجر به ارائه تعریف جدیدی از سیاست و ساختارهای قدرت در جامعه می‌شود. در همین راستا قدرت نیز در دست کسانی تمرکز می‌یابد که امکان تولید، کنترل و انتشار مؤثرتر و کارآمدتر اطلاعات را داشته باشند (Mowlana, 1988).

بنابر باور بسیاری از صاحب‌نظران، این صاحبان قدرت هستند که با تنظیم اطلاعات، دانش و تصمیم‌های سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی و ریختن این مظروف‌ها در ظرف رسانه‌ها در زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند. از دید آنان، رسانه‌ها ابزاری هستند که از طریق آنها طبقه حاکم جهان نه تنها موفق به توجیه سلطه خویش می‌شود بلکه موافقت جدی افراد تحت حکومت را نیز به دست می‌آورد.

از سوی دیگر تحول مهم عرصه ارتباطات بین‌الملل یعنی تمرکز و ادغام رسانه‌های جمعی و ظهور غول‌های رسانه‌ای مجهز به شبکه‌های ماهواره‌ای معظم را نیز که در طول دو دهه گذشته به وقوع پیوسته نمی‌توان در روند جهانی شدن نادیده انگاشت، چرا که این تمرکز بر شیوه ترکیب‌بندی و انتشار اخبار و محصولات فرهنگی تأثیر به‌سزایی گذاشته و به تجاری شدن صرف این محصولات منجر شده است.

علی‌رغم نقش مثبتی که برخی از نظریه‌پردازان به ویژه طرفداران جهانی‌سازی، برای رسانه‌ها قائلند، بسیاری دیگر از صاحب‌نظران - به ویژه به هنگام تلاقی مباحث جهانی شدن و هویت - از دیدی انتقادی به رسانه‌ها می‌نگرند.

چنان که اکثر پیروان مکتب انتقادی رسانه‌ها که آدرنو و دیگر شخصیت‌های مشهور مکتب فرانکفورت از آن جمله‌اند، عقیده دارند رسانه‌ها انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن انسان را از او گرفته و او را تا سطح انسانی تک بعدی و بسیار منفعل، نزول داده‌اند. این همان موضوعی است که مارکوزه تحت عنوان «انسان تک‌ساحتی» از آن یاد می‌کند. مردان و زنانی که در این شبکه نیرومند رسانه‌ای گرفتارند، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که

با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی
که نسبت به نقش رسانه‌ها در
فرایند جهانی شدن ارائه شده است،
رسانه‌های ارتباط جمعی را می‌توان
به دو دسته رسانه‌های مهاجم و
رسانه‌های مقاوم تقسیم کرد.

افرادش هیچ نوع پیوند نیرومند اجتماعی نداشته و در ثبات نظام اجتماعی دارای سرمایه‌ای نیستند (خانیکی، ۱۳۸۰).

در تأیید این نظر، بسیاری از نظریه‌پردازان نوین نیز بر این باورند که در فرایند جهانی شدن، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های نقش رسانه‌های جدید اعم از شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای اهتمام آنها به رشد تک‌فرهنگی جهانی است؛ فرهنگی که از سوی رسانه‌های جهانی غرب تبلیغ می‌شود، فرهنگی که به مردم دیکته می‌کند چه بپوشند، چه بخورند و چگونه زندگی کنند، چه بدانند و چگونه فکر کنند.

به عبارت دیگر، جابه‌جایی اطلاعات که ناشی از نابرابری‌های فناورانه (به ویژه فناوری ماهواره‌ای) بین جوامع پیشرفته و در حال توسعه است، موجب گسترش موج سرمایه‌داری و تسلط و تأثیرگذاری فرهنگ غالب غربی بر سرزمین‌های جنوب و در نهایت به حاشیه رانده شدن کشورهای ضعیف خواهد

شد (دهشیری، ۱۳۷۹). از نظر بسیاری از نظریه‌پردازان، هدف غرب از به کارگیری سیستم‌های ماهواره‌ای، ایجاد بستری مناسب برای یکسان‌سازی فرهنگی و جهانی‌سازی اقتصاد لیبرالیستی است. زنجیر رسانه‌های جهانی و متحدان آنها در جهان سرمایه‌داری، اکثر انسان‌ها را به مصرف‌کنندگان غیرفعال تبدیل می‌کنند که از هویت فرهنگی خود خالی شده‌اند و توانایی رقم زدن سرنوشت خویش را ندارند.

بهره‌مندی کشورهای توسعه‌یافته غربی از روستاها، روبناهای اطلاعاتی و ابزارهای فناوری ارتباطاتی چون ماهواره‌ها، موجبات برتری آنها را در عرصه تحمیل زیرساخت‌های ارتباطی (شامل اندیشه و فرهنگ) به فرهنگ‌های دیگر فراهم آورده است.

از این رو، به نظر می‌رسد با توجه به دیدگاه‌های متفاوتی که نسبت به نقش رسانه‌ها در فرایند جهانی شدن ارائه شده است، رسانه‌های ارتباط جمعی را می‌توان به دو دسته رسانه‌های مهاجم و رسانه‌های مقاوم تقسیم کرد.

رسانه‌های مهاجم همان نهادهای بزرگ اطلاع‌رسانی با مخاطب انبوه هستند که اطلاعات آنها اگر چه بسیار گوناگون است، اهداف محدودی دارد؛ یعنی تمامی اهداف سرگرم‌سازی، اطلاع‌رسانی و آموزش در هدفی برتر به نام «همگن‌سازی» هضم می‌شود و این رسانه‌ها با حذف مرزهای زمانی و مکانی، سعی در برداشتن مرزهای معرفتی دارند. در صورت تحقق این هدف، تمامی مردم جهان همان چیزی را می‌خواهند که سردمداران سرمایه‌داری تولید می‌کنند و این بازار جهانی با استثمار آگاهی، حذف مغزهای کشورهای در حال توسعه و تلقین حماقت و سرخوشی دروغین از طریق شبکه‌های ارتباطی جهانی همراه می‌شود.

در اینجا رسانه‌های مقاوم به رسانه‌هایی اطلاق می‌شود که سعی می‌کنند با استفاده از فضای باز رسانه‌ای و با تکیه بر فرهنگ و ایدئولوژی مسلط خویش اطلاع‌رسانی کنند. این رسانه‌ها بعضاً به علت عدم درک عمق تراژدی جهانی، از درک مضامین قابل عرضه خود در آوردگاه رسانه‌ها غافلند و بر انگیزه‌های قوم‌مدارانه خود پا می‌فشرند. این رسانه‌ها نیز همواره در جذب مخاطب مقهور رسانه‌های مهاجم می‌شوند. اما دلیل اساسی این مقهور شدن همان ضعف تکنیکی و معرفتی در عرضه نوع فرهنگ است، نه ضعف فرهنگی (معیری‌نژاد، ۱۳۸۰).

هم چنین در باب نقش مؤثر رسانه‌ها در فرایند هویت‌بخشی و هویت‌مندی باید گفت: از جمله مدل‌هایی که نقش رسانه‌های جمعی را به وضوح در هویت‌بخشی نشان می‌دهد، مدل چرخه فرهنگ (Circulate culture) دوگای و استوارت‌هایست است که در آن جامعه به صورت یک مدار بسته تعریف می‌شود و رسانه‌های جمعی شاهره این جامعه در فرایند هویت‌بخشی به حساب می‌آیند (Hall, 1996). در این مدل، رسانه‌های جمعی رابطه‌ای دو سویه با جامعه دارند یعنی معانی، نمادها و غیره را از مردم و جامعه اقتباس کرده و دوباره آنها را بدون دخل و تصرف باز می‌گردانند. چنین رسانه‌هایی سخنگوی اکثریت مردم، فرهنگ و هویت‌های اکثریتی به شمار می‌روند (منتظرقائم، ۱۳۷۹).

نتیجه‌گیری:

با وقوف به حقایق موجود و با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام یافته می‌توان نتیجه گرفت که پیشرفت سریع روند جهانی شدن، تسلط یک فرهنگ غالب بر جهان و پیامدهای ناشی از آن، یک واقعیت گریزناپذیر است. این امر نیز غیرقابل انکار است که چنین تسلطی به نوعی آشفتگی و بی‌نظمی هنجاری و ارزشی می‌انجامد که در نهایت منجر به بحران هویت به ویژه در کشورهای جنوب می‌شود. بدیهی است که اندیشمندان این جوامع باید پاسخ‌های قانع‌کننده و راه‌حل‌های قابل قبولی ارائه دهند و ضمن حفظ هویت خود با فرایند جهانی شدن به ترتیب مناسبی همراه شوند.

به نظر می‌رسد که در کلیه جوامع، اتخاذ شیوه «راه سوم» یعنی شناخت، انتخاب آگاهانه و بازیگری فعال و خلاق در فرایند جهانی شدن پاسخ مناسبی برای این پرسش باشد. واقعیت این است که در چالش جهانی شدن، فرهنگ‌ها و جوامع در عین واقع‌بینی، نباید دست به پذیرش کورکورانه و منفعلانه فرهنگ غالب بزنند، بلکه باید در برخوردی فعال چهارچوب نگرش سیاست فرهنگی خود را شکل دهند و در این راستا تمامی تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل کنند.

مهم‌ترین کوشش برای حفظ هویت فرهنگی ملل در عصر اطلاعات و در عین حال بقا در این جامعه شبکه‌ای، استفاده خردمندانه و برنامه‌ریزی شده از رسانه‌ها و فناوری ارتباطی جدید به ویژه ماهواره‌ها، اینترنت و سایر امکانات این عصر برای ایجاد شرایطی جدید جهت همزیستی میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و اقوام و نژادهای گوناگون است. در این شرایط کشورها باید بتوانند ساختارهای مناسب را برای حضور در این عصر جدید فرهنگی ابداع کنند تا از صحنه حذف نشوند. چنان که اریک فروم معتقد است: «تاریخ

بشر گورستان فرهنگ‌های بزرگی است که پایان فاجعه‌آمیز آنها بدان سبب بوده است که نتوانستند در برابر چالش‌ها، واکنشی برنامه‌ریزی شده، خردمندانه و ارادی بروز دهند» (Fromm, 1968, p.62). از این رو، مؤثرترین اقدام، تأمل کلیه کشورها به ویژه کشورهای جنوب در سیاست‌های رسانه‌ای خود و اتخاذ رویکردهای جامع در برابر اطلاع‌رسانی است که می‌تواند از طریق اقداماتی نظیر سازماندهی، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام گیرد.

مهم‌ترین چالش برای حفظ هویت فرهنگی ملل در عصر اطلاعات و در عین حال بقا در این مامع شبکه‌ای، استفاده خردمندانه و برنامه‌ریزی شده از رسانه‌ها و فناوری ارتباطی جدید به ویژه ماهواره‌ها، اینترنت و سایر امکانات این عصر برای ایجاد شرایط جدید جهت همزیستی میان تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و اقوام و نژادهای گوناگون است.

«یافتن سیاست‌های رسانه‌ای و ارتباطی جدید، همان روشی است که امروزه برخی از کشورهای شمال مانند کانادا و فرانسه و کشورهای جنوب مانند اندونزی و سنگاپور، برای حفظ تمامیت ملی، هویت و وحدت فرهنگی کشورشان، به کار گرفته‌اند. این مسئله در مورد کشورهایی که تنوع جمعیتی و زبانی دارند، محسوس‌تر است، چنان که اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۷، سیاست‌های جدید ارتباطی و رسانه‌ای خود را بر سه محور ارتقای سطح پوشش رسانه‌ای ملی و منطقه‌ای، تقویت توانایی‌های ارتباطی اروپایی و حفاظت از رسانه‌های اروپایی در مقابل حمله رسانه‌های امریکایی استوار ساخت» (

Mowlana, 1988, p.p.22-38).

باید اذعان داشت، در سطح جهان، رسانه‌های ملی و محلی در امر هویت‌بخشی و حفظ هویت جوامع تحت پوشش خود زمانی موفقیت بیشتری خواهند داشت که هم بتوانند از تحمیق مخاطبان‌شان جلوگیری کنند و هم قادر باشند مخاطبان دیگر رسانه‌ها را به خود جذب کنند و این میسر نیست جز با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای نوین مانند شبکه‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای و تکیه بر امتیازهای فرهنگ خودی - به ویژه تقویت پوشش رسانه‌ای خرده فرهنگ‌ها - از طریق رسانه‌های مقاوم.

بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و ارتباطات بر این باورند که یکی از مؤثرترین راه‌های حفظ تمامیت و هویت ملی و فرهنگی کشورها در این نظام شبکه‌ای، «تأسیس رسانه‌های مخصوص یک بخش خاص از جمعیت است که نتیجه جنبی آن می‌تواند تقویت هویت‌های در عرض هویت ملی باشد».

ظهور و تقویت رسانه‌های اترناتیو خود نشانه افزایش قدرت جوامع مختلف برای اظهار دیدگاه‌ها و نیازهای خویش با استفاده از فناوری جدید و روزآمد است (Mowlana, 1988). بدین منظور، برای کنترل هجوم اطلاعات حاصل از رسانه‌های حاکم جهانی کشورها می‌توانند با تقویت و راه‌اندازی آژانس‌های خبری ملی و منطقه‌ای به توسعه رسانه‌های محلی و منطقه‌ای مبادرت ورزند. از سوی دیگر، کشورها باید ضمن گزینش و پذیرش کالاهای فرهنگی هم به محلی کردن این کالا مبادرت نمایند و هم با توجه به ساز و کار بازار جهانی به سرمایه‌گذاری در بخش تولید کالاهای فرهنگی بومی بپردازند تا در بازار جهانی رسانه‌ها جایی برای عرضه داشته باشند.

به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین روش‌های مقابله با استیلای یک فرهنگ غالب بر همه جهان و اضمحلال فرهنگی جوامع به ویژه در جوامع در حال توسعه، دو سویه کردن فرایند هویت‌یابی است که به پدیده‌ای به نام جهانی - بومی‌سازی (Glocalization) منجر می‌شود. این فرایند، به عبارتی همان بومی شدن فرهنگ‌ها و هویت‌های جهانی و سعی بر جهانی شدن فرهنگ و هویت خودی است. با این رویکرد، دیگر جهانی شدن به معنای از دست دادن هویت‌های بومی نیست بلکه نوعی داد و ستد میان هویت ملی، هویت جهانی و میان ساختارهای اجتماعی، آرمان‌ها و ارزش‌هایی است که در جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و منابع هویتی، پیام‌ها و نمادهایی از ساختارهای هویتی دیگر را در معرض دید و مصرف افراد قرار می‌دهد (منتظر قائم، ۱۳۷۹).

چنان که ذکر شد به دلیل نقش قطعی و تعیین‌کننده رسانه‌های جمعی در فرایند هویت‌یابی و هویت‌بخشی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی مانند شبکه‌های ماهواره‌ای می‌تواند نتایج مطلوبی به بار آورد.

به باور بسیاری از صاحب‌نظران برای آن که جوامع مختلف در عین حفظ هویت خود از امکان حضور فعال و مؤثر در عصر جدید بی‌بهره نمانند باید در جهت «به‌هنگام» کردن فرهنگ و هویت خود بکوشند تا توان انطباق و سازگاری با تحولات را به دست آورند. بدین معنا که بین توسعه فناوری و مسائل و زمینه‌های فرهنگ خودی نوعی سازش به وجود آورند. به نظر می‌رسد برای پر کردن این شکاف فرهنگی، به ویژه در کشورهای جنوب، رسانه‌ها بتوانند نقش راهبری و آموزشی خود را به خوبی ایفا کنند. به گفته گیدنز، جامعه‌شناس به نام اروپایی، در این عصر جدید «ملت‌ها ناچارند مجدداً به هویت‌های خود بیندیشند... ما نیازمند آن هستیم که یا نهادهای گذشته خود را بازسازی کنیم و یا نهادهای جدیدی

را که شایسته عصر جهانی هستند ایجاد کنیم. ما در عصر جهانی، هم می‌توانیم و هم باید در پی کسب کنترل بیشتر بر جهان خود باشیم. اما در صورتی قادر به این امر هستیم که در مواجهه با چالش‌ها دچار ضعف نشده و وانمود نکنیم که همه چیز می‌تواند همان‌گونه که قبلاً بوده ادامه یابد، زیرا جهانی شدن در زندگی امروز ما یک پدیده اتفاقی نیست» (Giddens, 1999).

کشورهای جنوب باید دریابند که می‌بایست به نحوی ماهرانه فناوری غرب را به داخل کشورهای خود بیاورند. به عبارت دیگر، باید این آگاهی را داشته باشند که فناوری غربی جدا از ارزش‌های غربی نیست، اما با مهارت می‌توان آن را گزینش کرد (محمدی، ۱۳۶۹).

در این بین به نظر می‌رسد بهترین طریق بازیگری فعال برای جوامع در حال توسعه در عصر اطلاعات این است که ضمن بهره‌مندی از مدیریت تحول و تکیه بر خودباوری فرهنگی با استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی به ویژه ماهواره‌ها و صنعت دیجیتالی و رایانه‌ای، به تقویت مبادلات فرهنگی، همکاری‌های تمدنی و افزایش نقش هویت‌های ملی بپردازند و از این رهگذر، مخاطرات جهانی‌سازی فرهنگی را به حداقل رسانده و از طیف کشورهای تأثیرپذیر به جبهه کشورهای تأثیرگذار منتقل شوند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- میرعابدینی، احمد نظریه‌های جهانی‌سازی و جهانی‌سازی در ایران، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، سال هشتم، بهار ۱۳۸۰.
- ۲- رجائی، فرهنگ، *پدیده جهانی شدن*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آگاه، بهار ۱۳۸۰.
- ۳- رجایی، فرهنگ، «جهانی شدن و سیاست خارجی ایران» (متن سخنرانی)، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی ۱۳۷۹/۲/۲۶.
- ۴- هنزکویی، کارل. «آن روی سکه جهانی‌سازی» ترجمه ق - طولانی. فرانکفورت آلمانیته سائیتونگ، ۱۴ نوامبر ۲۰۰۰، مندرج در *ترجمان سیاسی*، ش ۵۲.
- ۵- کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. (قدرت و هویت جلد ۲ و پایان هزاره جلد ۳)، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراستار علی پایا، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰.
- ۶- خانیکی، هادی، نقش رسانه‌ها در هویت بخشی، *همشهری*، ش ۲۵۰۶، ۲۶ شهریور ۱۳۸۰.
- ۷- پولوا، سالواتوره، جهانی شدن، تهدیدی برای تنوع فرهنگی؟ ترجمه ناهید کاتبی، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، بهار ۱۳۸۰.
- ۸- محمدی، مجید، محلی‌گرایی فرهنگی، محلی‌گرایی رسانه‌ای، *همشهری*، ش ۱۳۶۳، ۱ مهر ۱۳۷۶.
- ۹- معیری‌نژاد، اینجا آنجاست؛ صدای ما را از همه جا می‌شنوید!، *سروش*، ۳ شهریور ۱۳۸۰، سال بیست و سوم.
- ۱۰- محمدی، علی، دهکده جهانی و موقعیت ما، *رسانه*، ش ۱۰، پائیز ۱۳۶۹.
- ۱۱- دهشیری، محمدرضا، جهانی شدن و هویت ملی، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۵، سال دوم پاییز ۱۳۷۹.
- ۱۲- منتظر قائم، مهدی، رسانه‌های جمعی و هویت، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۹.
- ۱۳- هنرز، «جهان وطن و بومیان در فرهنگ جهانی»، ترجمه هومن پناهنده، رسانه‌ها و فرهنگ، *کتاب سروش*، مجموعه *مقالات (۲)*، سروش ۱۳۷۶.

1. Hall, Stuart & Du Gay, Paul (edited by), *Questions of Cultural Identity*, (London: Sage, 1996).
2. Giddens, Anthony, Globalization: An Irresistible Force, *Daily Yomiuri*, June 7, 1999.
3. Robertson, Ronald, *Globalization: Social Theory and Global Culture*, (London: Sage, 1992).
4. Traceh Skelton & Tim Allen, *Culture & Global Change*, (London & New York: Routledge, 1999).

5. Mowlana, Hamid, Globalization of Mass Media: Opportunity & Challenges for the South, *Cooperation South*, No. 2, 1988.
6. Rapping, *Media-tion*, (Boston: South End Press, 1997).
7. Fromm E., *The Revolution of Hope: Toward a Humanized Technology*, (New York: Harper and Row Publishers, 1968).
8. Touraine, Alain, *Critique de la Modernite*, (Paris: Fayard, 1992).
9. Muzaffar, Chandra, From Human Rights to Human Dignity, *BCAS*, Vol. 27, No. 4, Oct.-Dec. 1995.
10. Amin, Samir, "The challenge of Globalization", *Review of International Political Economy*, 3:2 (summer) 1996.
11. Wallerstein, Imanuel, *The Capitalist World Economy*, Cambridge, 1979.

ماهواره و مخاطرات فرهنگی

علیرضا پویا

اشاره

هر چند آثار و تبعات مثبت احتمالی مترتب بر بخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره در ادبیات رسانه‌ای فراوان به چشم می‌خورد، اما بدون تردید، این امر در همه جوامع به ویژه در میان ملت‌هایی که به دلیل برخورداری از اصالت فرهنگی، دغدغه دور شدن از فرهنگ بومی و تن سپردن به فرهنگ‌های بیگانه را دارند، موجب نگرانی‌های عمیقی شده است. بخشی از این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها در قالب آثار نویسندگانی نمود یافته است که آنها را اعضای مدرسه فرانکفورت یا «مکتب انتقادی» می‌شناسیم. عمده مطالعات این نویسندگان در این زمینه، حول محور رابطه میان صنایع فرهنگی از جمله خوراک فرهنگی تهیه شده توسط رسانه‌ها و اهداف و سیاست‌های صاحبان سرمایه و قدرت در عصر حاضر است.

نگارنده در این مقاله ضمن ارائه تعریفی از صنایع فرهنگی به بررسی اثرات تولید انبوه محصولات فرهنگی تحت تأثیر عوامل سودجویانه صاحبان سرمایه بر فرهنگ ملت‌ها پرداخته و پس از مرور آرا و اندیشه‌های نظریه پردازان مکتب انتقادی، برخی از مبانی اسلامی را که راهبردهای عملی و کارآمدی جهت مقابله با این پدیده نوظهور در اختیار می‌گذارد مورد بحث قرار داده است. وی در پایان با اشاره به نقش تعیین‌کننده اهداف و نیازهای انسان بر چگونگی استفاده از این رسانه جدید، بر لزوم تقویت نیازهای برتر و متعالی مخاطبان از یک سو و ارتقای کیفیت و جاذبه تولیدات رسانه‌ای در عین توجه به ارزش‌های فرهنگی از سوی دیگر، تأکید ورزیده است.

از میان تعریف‌هایی که برای فرهنگ شده هر تعریفی را برگزینیم، در این که فرهنگ، عنصری با اهمیت و تعیین کننده در زندگی فردی و اجتماعی و ناظر بر افکار، آداب و رفتارهای انسان‌هاست تردیدی نمی‌بینیم. از سویی روابط فرهنگی که به ارتباط فرهنگی در سطح ملی باز می‌گردد و از سابقه‌ای طولانی در زندگی بشر برخوردار است، تأثیر فراوانی بر شکل‌گیری و تغییر فرهنگ‌ها دارد. درباره ارتباطات فرهنگی باید اذعان کرد که جامعه بشری همواره شاهد این ارتباطها و آثار متفاوت آن به مقتضای عوامل انسانی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و نظامی بوده است.

آنچه دوران ما را از گذشته تفاوت بخشیده و موضوع ارتباطات فرهنگی را واجد توجه بیشتری کرده است، وجود رسانه‌های با فناوری پیشرفته است که روز به روز بر سرعت تحولات و رشد آنها افزوده می‌شود. جریان انتقال فرهنگ در گذشته به تدریج صورت می‌گرفت و جامعه‌ای که در معرض دریافت فرهنگ جدید بود به آرامی و با توجه به منافع و مضار فرهنگ جدید، پذیرای آن می‌شد، اما در شرایط موجود، تدریج و تأمل جای خود را به سرعت و تعجیل داده است و فرهنگ وارده در پناه رگباری از ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و با جاذبه چنان بر ذهن و روان مخاطب اثر می‌گذارد که جایی برای اندیشیدن، تصمیم گرفتن و انتخاب کردن باقی نمی‌گذارد. در واقع نظام پیشرفته ارتباطات و فناوری‌های مربوط به آن مانند ماهواره، روابط طبیعی بین ارسال کننده پیام فرهنگی و دریافت کننده آن را تغییر داده و موازنه را به نفع ارسال کننده قدرتمندتر پیام برهم زده است.

صنایع فرهنگی

در کتابی که تحت عنوان «صنایع فرهنگی (مانعی بر سر راه آینده فرهنگ)» توسط یونسکو تألیف شده آمده است: «گسترش لجام گسیخته صنایع فرهنگی در کشورهای در حال توسعه، اساساً نه به معنای توسعه فعالیت‌های داخلی به شکل متناسب با نیازهای شناخته شده کشور، بلکه به صورت انتشار انبوه و افسارگسیخته پیام‌هایی است که در اکثر موارد، سنخیتی با اوضاع محلی ندارند؛ بدان علت که یا با هویت فرهنگی این کشورها در چالش و یا دسترسی مردم به ویژه جوانان به آنها منوط به آموزش مناسب مرحله به مرحله است، یعنی لازم است که جوانان و مردم به طور اعم با ابداعات کاملاً نوینی که به وسیله صنایع فرهنگی، به ویژه رسانه‌های گروهی پخش می‌شود، آشنا شوند» (یونسکو، ۱۳۸۰، صفحه ۸۰).

واژه «صنعت فرهنگ» نخستین بار در سال ۱۹۴۷، توسط آدورنو (Adorno) و هورخایمر (Horkheimer) در کتاب «دیالکتیک روشنگری» به کار رفت. آدورنو در مقاله‌ای با عنوان «صنایع فرهنگی در معرض تجدید نظر»^۱ به این موضوع اشاره کرده و گفته است: «من و هورخایمر در دست

از منظر نقد صنایع فرهنگی، فراوانی و انبوه‌سازی محصولات مبتنی بر منطق بازار و سود بیشتر، از سوی کیفیت محصولات فرهنگی را کاهش می‌دهد و هنرمندان خلاق و توانا را عقب می‌راند و از سوی دیگر نیازها و مصالح مخاطبان و سرانجام فرهنگ آنان را نادیده می‌گذرد.

نوشته‌های اولیه از واژه (Mass Culture): «فرهنگ جمعی» استفاده کرده بودیم، اما برای این که با این مفهوم، فرهنگ به عنوان امری خودجوش و برخاسته از خود جمع و توده مردم برداشت نشود آن را با واژه (Culture industry): «صنعت فرهنگی» جا به جا کردیم». در کتاب صنایع فرهنگی یونسکو آمده است: «به طور کلی اصطلاح «صنعت فرهنگی» را در صورتی به کار می‌برند که کالاها و خدمات فرهنگی به طریق صنعتی یا

تجاری تولید، باز تولید، انبار و یا توزیع شود؛ یعنی در مقیاسی وسیع و هماهنگ با راهبردی که بیشتر مبتنی بر ملاحظات اقتصادی است نه بدون هیچ گونه علاقه‌ای به توسعه فرهنگی و به صرف تولید و توزیع این صنایع

با توجه به پیشرفت‌های فنی و اقتصادی و تأثیرات آنها بر روش‌های تولید صنایع فرهنگی، مشکل اساسی بیش از پیش، عبارت است از مسئله مالکیت و کنترل وسایل تولید و مدارهای توزیع، گرایش به تمرکز و بین‌المللی شدن اکثر شرکت‌های عرضه‌کننده و تبعیت هنرمندان آفرینشگر از نیروهای بازار یا تقاضاهای مصرف‌کنندگان؛ که کم و بیش آشکارا بر آنها تحمیل می‌شود» (همان، صفحه ۲۶).

از منظر نقد «صنایع فرهنگی»، فراوانی و انبوه‌سازی محصولات مبتنی بر منطق بازار و سود بیشتر، از سویی کیفیت محصولات فرهنگی را کاهش می‌دهد و هنرمندان خلاق و توانا را عقب می‌راند و از سوی دیگر، نیازها و مصالح مخاطبان و سرانجام فرهنگ آنان را نادیده می‌گیرد. مدافعان «صنایع فرهنگی» نیز بیش از هر چیز بر عرضه گسترده محصولات فرهنگی تأکید دارند که موجب می‌شود مخاطبان امکان انتخاب بیشتر داشته باشند و به سرعت با حوادث جهان آشنا شوند.

در این کتاب همچنین دربارهٔ اطلاع‌رسانی و پخش اخبار آمده است: «در رشتهٔ اطلاع‌رسانی در نتیجهٔ بمباران مداوم گزارش‌های خبری، شگرف‌ترین حوادث زندگی واقعی، با حالت پرسشگرانه (questioning attitude) به معارضه پرداخته و استفاده‌کنندگان را به صورت مصرف‌کنندگانی که نسبت به چیزهای نوحریصند، در می‌آورد» (همان، ص ۲۷).

دکتر دادستان از روان‌شناسان کشورمان نیز بر اساس تحقیقی که دربارهٔ انتقال فرهنگ از طریق تلویزیون انجام داده نوشته است: «از آنجا که نقش تلویزیون انتقال فرهنگ است؛ هر جامعه با توجه به فرهنگ خود برنامه‌های تلویزیونی را طراحی می‌کند و در این راه ممکن است از فرهنگ بیگانه نیز تأثیر پذیرد. نظارت بر حضور این فرهنگ‌ها، پالایش و تشخیص عناصر سره از ناسره و جذب هنجارهای ارزشمند و مفید سایر جوامع، از جمله وظایفی است که در تدوین برنامه‌های آموزشی به ویژه برنامه‌های اخلاقی و مذهبی، بر عهدهٔ تولیدکنندگان آنهاست» (دادستان، پریخ، ۱۳۷۷، ص ۸).

این گونه اظهار نظرهای کارشناسان امور تربیتی و روان‌شناسی که مبتنی بر تحقیقات و نظریه‌های معتبری است که در دهه‌های اخیر شکل گرفته بر مبنای روشن و پذیرفته شدهٔ روان‌شناسان استوار گردیده و گزارش‌های پژوهشی و کتاب‌های قابل توجهی در این باره نگاشته شده است. اسکینر (Skinner) پرچمدار مکتب رفتارگرایی در روان‌شناسی و یکی از روان‌شناسان شناخته شدهٔ حدود یک قرن تاریخ روان‌شناسی معاصر که تحقیقات و آثار متعددی در این زمینه دارد، در کتاب «فراسوی آزادی و شأن» پس از طرح مباحث زیادی دربارهٔ چگونگی شکل‌گیری رفتار، چنین نتیجه‌گیری کرده است: «روش‌های گوناگون و شیوه‌های مختلفی برای تغییر رفتار: (Behavior modification) وجود دارد، اما همهٔ آنها در یک نکتهٔ اساسی اتفاق نظر دارند: رفتار را می‌توان با ایجاد تغییر در شرایطی که رفتار تابع آن است تغییر داد» (اسکینر، ۱۳۷۰، صفحه ۱۴۴).

اسکینر اساساً نگاه مثبتی به فناوری و علوم پیشرفتهٔ امروز ندارد و معتقد است ابزارهای گسترده‌ای که دستاورد علوم دوران ما هستند، مانع توجه کافی انسان به خود و شناخت دقیق نیازهای واقعی شده‌اند: «علم نامناسب رشد کرده و نخست به مسائل ساده پرداخته و کنترل انسان را بر طبیعت بی‌جان گسترش داده، اما انسان را برای مشکلات جدی ناشی از این کنترل آماده نکرده است. فناوری‌های متکی بر علم،

اضطراب آورند. گروه‌های انسانی دور از هم به وسیله فناوری‌های جدید با یکدیگر در تماس قرار می‌گیرند و تعادل خود را از دست می‌دهند» (همان، صفحه ۱۲).

این جمله آخر وی بسیار قابل توجه است. ارتباط و تماس سریع و آسان انسان‌های دور از هم که به وسیله فناوری صورت می‌گیرد، چگونه موجب عدم تعادل آنها می‌شود؟ پاسخ این سؤال همان چیزی

است که اساس منطق مخالفت با استفاده بی‌حد و مرز از برنامه‌های ماهواره‌ای را تشکیل می‌دهد، زیرا این سهولت و سرعت انتقال موجب می‌شود ارزش‌ها و رفتارهایی که بر اساس مبانی فکری و بستر تاریخی و فرهنگی، نیازها و امکانات متفاوت شکل گرفته است به یک باره مانند رگباری بی‌امان و پی در پی بر مخاطبان دیگر و دور از آن شرایط ببارد و آنان را با شرایط جدیدی از حیات، مواجه کند که با موقعیت فکری و عملی گذشته آنها سازگار نیست. به این ترتیب و در پی طرح سؤال‌های جدید،

**در مغرب زمین. تهدیدات
تلویزیون به ویژه در زمینه سکس
و اعمال فحش نسبت به
تقدک‌ان موجب اقدامات
بین‌المللی برای کاستن از این
مشکلات شده است**

پیدایش نیازهای نو و در هم ریختگی شناختی و عاطفی است که عدم تعادل رخ می‌دهد. چنان که هر گاه برنامه‌های تلویزیونی داخل مرزهای یک کشور نیز مثلاً زندگی متفاوت شهرنشینان را برای روستائیان عرضه کند، ممکن است موجب این عدم تعادل شود.

اسکینر در فصل هشتم کتاب مذکور، تحت عنوان «طراحی یک فرهنگ» به این بحث بنیادی پرداخته است که هر فرهنگی بر مبنای ارزش‌های پذیرفته شده شکل می‌گیرد، در نتیجه، تفاوت فرهنگ‌ها به تفاوت ارزش‌ها باز می‌گردد. وی حفاظت و مراقبت از فرهنگ و انتقال آن را از نسلی به نسل دیگر ضروری می‌داند و در صفحه ۱۴۶ کتاب بر این امر تأکید می‌کند. از این دیدگاه، هر گاه فرهنگی از زیرساخت‌های متفاوتی برخوردار باشد و به طور مکرر بر جامعه‌ای عرضه شود، موجب تزلزل و دگرگونی ارزش‌های آن جامعه می‌شود. او ارزش‌ها را به سه نوع تقسیم می‌کند و هر سه نوع را در طراحی فرهنگ‌ها تأثیرگذار می‌داند. هر نوع از این ارزش‌ها، فرهنگ متفاوتی را شکل می‌دهد. «در طرح‌ریزی کل یک فرهنگ نیز همین سه سطح از ارزش‌ها را می‌توان مشاهده کرد. اگر طرح فرهنگ، فردگرا باشد، دنیایی را طرح‌ریزی خواهد کرد که در آن خود او تحت کنترل آزارنده باشد و منافع خودش را به عنوان ارزش‌های نهایی بپذیرد. اگر در معرض یک محیط اجتماعی مناسب قرار گرفته باشد،

فرهنگ را به خاطر نفع دیگران طرح‌ریزی می‌کند و احتمالاً از منافع شخصی چشم می‌پوشد و اگر علاقه او در درجه اول به ارزش بقای «فرهنگ» باشد، طرح فرهنگ خود را با توجه به امکان بقای آن خواهد ریخت» (همان، صفحه ۱۴۵).

مدیر کل یونسکو در سخنرانی پایانی کنفرانس بوگوتا که درباره سیاست‌های فرهنگی در امریکای لاتین و منطقه کارائیب (۱۹۷۸) برگزار شد در این باره اظهار داشت: «رسانه‌های گروهی که به صورت یکی از عوامل اساسی گسترش فرهنگ در آمده‌اند، پیام‌هایی را پخش می‌کنند که از لحاظ فرهنگی خنثی نیست. آنها افکار، عقاید، ارزش‌ها و به طور خلاصه جهان‌بینی استفاده‌کنندگان از رسانه‌های گروهی را منعکس می‌سازند. وقتی که رسانه‌های گروهی چونان مجرای برای انتقال نظام ارزش‌ها و روش‌های زندگی بیگانه برای مردم یک منطقه مورد استفاده قرار گیرند، به ناچار موجب امحای ارزش‌های آن مردم شده و از این طریق، هر چند ناخواسته، به صورت ابزار بیزاری فرهنگی در خواهند آمد...»

بدون شک آنچه اهمیت دارد، درک این حقیقت و یافتن راه‌های پاسداری از هویت فرهنگی ملل، بدون لطمه زدن به ادامه مبادلات ضروری میان مناطق فرهنگی متفاوت و غنای متقابل فرهنگ‌هاست که ضرورت بسیار دارد، زیرا آنچه برای زندگی و توسعه هر فرهنگ اهمیت دارد این است که از افراط، که آن نیز به نوبه خود زیان‌آور است، جلوگیری شود» (یونسکو، ۱۳۸۰، صفحه ۱۱).

تأثیر بر کودکان

روان‌شناسان طی سال‌های اخیر مطالعاتی در خصوص تأثیر رسانه‌ها بر کودکان داشته‌اند و بر تأثیرگذاری فرهنگی و تربیتی از طریق برنامه‌های تلویزیونی تأکید کرده‌اند. دکتر شعاری‌نژاد از روان‌شناسان کشورمان در این زمینه و به ویژه درباره تأثیر رسانه تلویزیون بر کودکان نوشته است: «وسایل ارتباط جمعی، شامل فیلم، نمایش، رادیو، تلویزیون، جراید و... در وضع رشد و تکامل کودکان مؤثرند. برای مثال، پخش سریال‌های تلویزیونی مناسب نیازهای سنی کودکان می‌تواند آنها را در بهره‌مندی از رشد طبیعی و زندگی لذت‌بخش کمک کند، همچنان که سریال‌های نامطلوب، برعکس، موجب تعویق رشد و تکامل سالم کودکان می‌شود. تهیه‌کنندگان سریال‌های تلویزیونی به این نکته بسیار مهم روان‌شناختی و تربیتی دقیقاً توجه داشته باشند که آنچه بر رفتار تماشاگران اثر می‌گذارد برداشت

ایشان از آن فیلم است نه خود فیلم. بنا بر این باید در تهیه و ارائه هر فیلم به برداشت‌های احتمالی تماشاگران بیشتر اندیشید تا موضوع فیلم» (شعاری نژاد، علی اکبر، ص ۱۶۶).

نویسنده در اینجا ضمن تأکید بر تأثیرگذاری برنامه‌های تلویزیون بر کودکان به این نکته مهم اشاره کرده است که تماشاگر بر اساس برداشت خود از برنامه‌ها تأثیر می‌پذیرد و چنان که گفته خواهد شد به

**کسانی که از فناوری پیشرفته ارتباطی
برای اتصال پیام‌های فرهنگی بهره
می‌گیرند و پیش از ضراهم آمدن
مقدمات ضروری در مباحث مطاب.
نظام ارزشی خود را اتصال می‌دهند. در
جامعه خود تا حد امکان از تأثیرات منفی
رسانه‌های ارتباطی جلوگیری می‌کنند.**

مقتضای آن تغییر رفتار داده و الگوی عملی می‌گیرد. به عبارت دیگر هر تماشاگری با ذهنیت و فرهنگ خاص خود رسانه را تحلیل می‌کند و اثر می‌پذیرد و این نقش پنهانی است که فرهنگ مخاطب در ارتباط با رسانه از خود بروز می‌دهد.

یکی از اموری که باید به نحو جدی مورد توجه واقع شود تأثیرات پخش برنامه‌های ماهواره بر کودکان است. امروزه صاحب‌نظران امور تربیتی و روان‌شناسی، کمترین تردیدی نسبت به نقش تربیتی کودک در شخصیت بزرگسالی وی ندارند. به

این معنا که بی‌توجهی به کودکان امروز، بزرگسالان آینده را دچار

مخاطره می‌کند. علاوه بر آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان دین، کتاب‌های زیادی درباره اهمیت تربیت کودک در اسلام تحریر شده است، به نحوی که یکی از وظایف دینی پدر و مادرها توجه به تربیت و مراقبت‌های دوران کودکی از فرزندان است. در مغرب زمین اکنون تهدیدات تلویزیون به ویژه در زمینه سکس و خشونت نسبت به کودکان موجب اقدامات بین‌المللی برای کاستن از این مشکلات گردیده است. ضمن این که برخی صاحب‌نظران در این باره به اعلام نظر اکتفا نکرده و هشدار داده‌اند.

نیل پستمن (Neil Postman)، جامعه‌شناس معروف امریکایی کتاب «زوال دوران کودکی» را با چنین رویکردی نوشته است. مترجم کتاب در پیشگفتاری که بر چاپ فارسی کتاب نگاشته درباره هدف پستمن از تألیف این کتاب می‌گوید: «شبیخون گسترده نظام صنعتی نوین به فرهنگ بشری و کاراترین ابزار آن یعنی رسانه‌های تصویری، به ویژه تلویزیون، نزدیک به دو دهه است که این خط فاصل و این مرز حائل را از میان برداشته است. امروزه در حالی کودک از هیجده ماهگی به تماشای تلویزیون می‌پردازد - به ویژه در غرب - و از سه ماهگی بیننده معتاد این رسانه تصویری می‌شود که در برنامه‌های این جعبه جادو، تفاوتی میان کودک و بزرگسال وجود ندارد. کشتار و خشونت، آدم‌ربایی و سرقت، برهنگی و

سکس، ناهنجاری‌های اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی ریخته در انواع قالب‌های نمایشی و تصویری و حتی پیام‌های بازرگانی، پیوسته در معرض دید کودکان و بزرگسالان - به طور یکسان - قرار دارد. ثمره این وضع، ایجاد اختلال و تزلزل در «دوران کودکی» انسان‌ها، تا سرانجام محو و زوال کامل آن خواهد بود؛ بدین معنی که، تنگ کردن و دگرگون ساختن فضای رشد کودک، محدود کردن و جهت دادن به نشاط و تلاش او، بی‌توجهی به فضای ذهنی و عدم عنایت به آسیب‌پذیری کودک در مواجهه با ماجراها، حوادث، داستان‌ها و کلیه وقایعی که باید از چشم و نظر و ذهن و اندیشه کودک دور بماند تا سلامت روان و رشد متعادل جسم و روح و عقل او را تضمین کند، به پیدایش چنین وضعیتی می‌انجامد.

زوال «دوران کودکی»، یا «افول طفولیت» آسیب اجتماعی بزرگی است که گریبانگیر بشر در جهان متمدن امروز شده است، در حالی که در مشرق زمین، به ویژه در جوامع اسلامی، عنایت به کودک، با توجه به اقتضای جسم و روح او، مقوله‌ای است که همواره مورد توجه بوده است و حتی دستورات مذهبی و آداب و سنن اجتماعی فراوانی برای صیانت و پرورش او وجود داشته که اکثر آن هم رعایت می‌شده است. به عبارت دیگر، «طفولیت» و «دوران کودکی» نمادی است فرهنگی و اجتماعی و سرشار از دستورالعمل‌های مذهبی و سنتی، ولی در تاریخ مغرب زمین تا قبل از ظهور صنعت چاپ و رواج علم و فرهنگ و عصر رنسانس، چنین پدیده‌ای وجود نداشته است...» (پستمن، ۱۳۷۸، صفحه ۸).

کنترل و مراقبت

به این ترتیب در جوامع امروز، دریافت‌کنندگان پیام‌های فرهنگی که همان مخاطبان پیام‌های ارسال شده از طریق ماهواره هستند، بدون آن که درباره نظام ارزشی و رفتاری جدید آموزش دیده باشند و ابعاد موضوع را بشناسند، تحت تأثیر جاذبه‌های تکنولوژیک مقاومت خود را از دست می‌دهند. این در حالی است که کسانی که از فناوری پیشرفته ارتباطی برای انتقال پیام‌های فرهنگی بهره می‌گیرند و پیش از فراهم آمدن مقدمات ضروری در جوامع مخاطب، نظام ارزشی خود را انتقال می‌دهند، در جامعه خود تا حد امکان از تأثیرات منفی رسانه‌های ارتباطی جلوگیری می‌کنند. این همان نکته مهمی است که اغلب در جوامع دریافت‌کننده این برنامه‌ها مورد غفلت واقع می‌شود و ضریب ضایعات فرهنگی را به ویژه در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌دهد.

اخیراً خبرگزاری‌ها این تیتیر خبری را انتشار داده‌اند که «گوین دیویس» رئیس شبکه «بی‌بی‌سی» در مصاحبه‌ای با «دیلی تلگراف» گفته است: «من به دلیل انحطاط اخلاقی برنامه‌های تلویزیون، فرزندانم را از دیدن آن منع کرده‌ام» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن، ۱۳۸۰/۱۲/۲۶).

مشاهدات نشان می‌دهد که در کشورهای پیشرفته غرب، طبق یک عادت و روش تربیتی ضروری، فرزندان خود را از تماشای برخی برنامه‌های تلویزیون که به ویژه در ساعات پایان شب پخش می‌شود منع می‌کنند و از کودکان خردسال و نوجوانان خود می‌خواهند که قبل از شروع چنین برنامه‌هایی استراحت کنند؛ در حالی که این گونه روش‌ها که ناشی از آگاهی لازم برای جلوگیری از مخاطرات برنامه‌های نامناسب رسانه است در کشورهایی که صرفاً مصرف‌کننده پیام و مخاطب بی‌اراده ماهواره‌های خارجی هستند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد و نیازی در این زمینه احساس نمی‌شود. به علاوه، چنان که پیش از این اشاره شد، نظام‌های ارزشی در بستر تاریخی، فرهنگی، تربیتی و اجتماعی ملت‌ها شکل می‌گیرند و همین موجب می‌شود که تغییر نظام ارزشی و رفتاری جامعه بدون توجه به تغییر زیرساخت‌ها موجب تعارض شدید بین ذهن و واقع شود و اغلب موجبات ناکامی، نارضایتی و بی‌تعادلی در رفتار را فراهم آورد.

امپریالیسم پیام و سلطه فرهنگی

به هر حال، در بحث عرضه محصولات فرهنگی در قالب صنایع فرهنگی یعنی از طریق فناوری‌های پیشرفته به صورت انبوه و بر اساس مصالح صاحبان سرمایه و توزیع بلامنازع آن به وسیله رسانه‌های مسلط بر فضای کشورها، این سؤال مطرح است که آیا محیط فرهنگی جوامع نیازمند مراقبت هست یا نه؟ این موضوع نیازمند توجه جدی صاحبان امور فرهنگی و رسانه‌ای است.

آنچه در این بین قابل انکار نیست این است که حتی با فرض پذیرش فضای باز رقابت رسانه‌ای در حوزه فرهنگ، کسانی در این عرصه موفق‌ترند که از امکان و ظرفیت‌های برتری برخوردار باشند. شرایبر (Schreiber) در کتاب معروف نیروی پیام ذیل عنوان «امپریالیسم پیام» نوشته است: «قدرت‌های بزرگ در زمینه اخبار جهانی، مانند زمینه‌های دیگر، در عمل، نفوذی را به کار می‌گیرند که

مصریان، آرژانتینیان یا سوئدیان را وادار می‌کند بی‌آن که خود بدانند از دریچه چشم امریکایی، انگلیسی یا فرانسوی بر جهان بنگرند» (شرایب، ۱۳۷۱، ص ۲۲۸).

از دیدگاه شرایب این توانایی قدرت‌های بزرگ ناشی از تفوق فرهنگی آنان نیست، بلکه عمدتاً به دلیل بهره‌مندی و استفاده از امکانات قوی و نیرومند رسانه‌ای است «و این در وهله نخست به سبب

رپرتاژهای تلویزیونی است. بسیار کم‌اند کشورهایی که بتوانند گروه‌های سیار فیلمبرداری پرهزینه خود را بلافاصله به هر جا که واقعه‌ای رخ می‌دهد اعزام دارند. بدین سبب، سازمان‌های تلویزیونی کلیه کشورهای جهان قراردادهایی با مؤسسات تلویزیونی امریکایی یا BBC یا سازمان رادیو و تلویزیون فرانسه منعقد کرده‌اند که بر اساس آن می‌توانند از فیلم‌های مستندی که اغلب از طریق شبکه ماهواره مخابراتی امریکایی پخش می‌شود، استفاده کنند. در زمان جنگ ویتنام گاه گروه‌های فیلمبرداری سوئیس، شوروی یا ویتنام (شمالی)

**انتقال فرهنگ. تثبیت سلطه
و تحمیل فواید است‌های صاحبان
رسانه. امروزه تا حد زیادی در
قالب برنامه‌های فیری و
اطلاع‌رسانی شکل می‌گیرد.**

از صحنه‌هایی فیلمبرداری می‌کردند که واحدهای دیگری گزارش نکرده بودند، اما به طور کلی، فیلم‌هایی که همه شب در خصوص ویتنام از آنتن‌های تلویزیون جهان پخش می‌شد از ساخته‌های امریکا بود» (همان، ص ۲۲۹).

کارشناسان ارتباطات و وسائل جمعی معمولاً در زمینه کارکردهای رادیو و تلویزیون به چند محور مهم اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و تفریح و اشاره کرده‌اند. اگرچه تفکیک این امور از یکدیگر عملاً غیرمقدور است. یعنی نمی‌توان گفت یک برنامه صرفاً اطلاع‌رسانی می‌کند و آموزش نمی‌دهد یا سرگرم‌کننده نیست و برعکس آن، بلکه اغلب در برنامه‌ها این کارکردها با هم صورت می‌گیرد. آنچه امروزه بیش از گذشته موجب نگرانی شده این است که به مدد فناوری‌های رسانه‌ای و پیشرفت‌های علوم ارتباطات و استفاده از دانش روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، فقط برنامه‌های آموزشی و یا سرگرم‌کننده نیستند که به انتقال فرهنگ و سلطه‌گری می‌پردازند، بلکه بخش مهمی از این سلطه و تحمیل خواست‌های صاحبان رسانه در قالب برنامه‌های خبری و اطلاع‌رسانی شکل می‌گیرد و با توجه به این که این گونه برنامه‌ها عمدتاً با نظر حکومت‌ها طراحی و اجرا می‌شود، عملاً سلطه فرهنگی زمینه‌ساز سلطه سیاسی شده و در خدمت اهداف سیاستمداران قرار می‌گیرد.

در کتاب صنایع فرهنگی یونسکو دربارهٔ اطلاع‌رسانی و پخش اخبار آمده است: «در رشتهٔ اطلاع‌رسانی در نتیجهٔ بمباران مداوم گزارش‌های خبری، شگرف‌ترین حوادث زندگی واقعی، با حالت پرسشگرانه (questioning attitude) به معارضه پرداخته، استفاده‌کنندگان را به صورت مصرف‌کنندگانی که نسبت به چیزهای نو حریصند، در می‌آورد» (یونسکو، ۱۳۸۰، صفحه ۲۷).

اعجاب برانگیزی و شگفت‌آور بودن یکی از ارزش‌های خبری مشهور در خبرگزینی است که اغلب مورد توجه خبرگزاری‌ها برای جلب نظر مخاطبان می‌باشد. اما آنچه به صورت غیرطبیعی و مشکل‌ساز جلوه می‌کند این که مخاطب اخبار به اعجاب‌برانگیزی خبر سرگرم می‌شود و محتوای خبر برای او در مرتبهٔ بعد قرار می‌گیرد یا به کلی فراموش می‌شود. آنگاه کسانی که از رسانه برای گسترش تسلط فرهنگی و سیاسی خود بهره می‌برند با مهارت، در مواقع ضروری از این عادت تخدیرکنندهٔ مخاطب حداکثر استفاده را می‌کنند. در این صورت مثلاً در انعکاس اخبار یک درگیری نظامی آنچه مخاطب را ارضاء می‌کند هیجان‌انگیز بودن و جذابیت صحنه‌هایی است که رسانه پخش می‌کند، نه این که کدام طرف درگیری حق به جانبند و یا این درگیری چه تأثیری در سرنوشت ما دارد و یا چه اثراتی در آینده جهان و زندگی انسان‌ها بر جا می‌گذارد و از این قبیل مسائل جدی زندگی.

دکتر کاظم معتمدنژاد، در مقاله «نظریه‌های سلطه ارتباطی جهانی» تحت عنوان امپریالیسم فرهنگی (Cultural Imperialism) چنین نوشته است: «در میان محققان ارتباطی رادیکال غربی، که در سه دهه اخیر به مطالعات مربوط به شیوه‌های جدید سلطه فرهنگی و ارتباطی سرمایه‌داری، توجه خاصی داشته‌اند «هربرت شیلر» (Herbert Schiller) امریکایی، استاد دانشگاه کالیفرنیا، مقام برجسته‌ای دارد. وی در یکی از مهم‌ترین آثار خود به نام «ارتباطات و سلطه فرهنگی» (Communication and Cultural Domination) که در سال ۱۹۷۶، منتشر کرده است، برای معرفی مظاهر سلطه سرمایه‌داری معاصر، بر «ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی» تأکید کرده است.

به عقیده وی، از سال‌های جنگ جهانی دوم، ایالات متحده آمریکا در همان حال که با کمک نظامی به انگلستان و فرانسه برای از پا درآوردن آلمان هیتلری و به دست گرفتن رهبری قدرت جهانی تلاش می‌کرد، برنامه‌ها و سیاست‌هایی را نیز در جهت استیلای فرهنگی و ارتباطی بر جهان، تدارک می‌دید. در این زمینه استفاده از نظریه «جریان آزاد اطلاعات» به منظور گسترش نفوذ فرهنگی و تسهیل سلطه‌جویی

اقتصادی بر جهان و به کار گرفتن نظریه «توسعه اقتصادی و اجتماعی از طریق وسایل ارتباط جمعی»، برای جلوگیری از رشد غیرسرمایه‌داری کشورهای جهان سوم و گرایش آنها به سوی سوسیالیسم از اهمیت فراوان برخوردار است به طوری که می‌توان گفت این دو نظریه، پایه‌های اساسی ایدئولوژی امپریالیسم ارتباطی را تشکیل می‌دهند.

دکتر معتمدنژاد سپس تحت عنوان «امپریالیسم ارتباطی» (Communication Imperialism) ادامه می‌دهد: «در دهه ۱۹۷۰، در مورد امپریالیسم ارتباطات و وسایل ارتباطی نیز مطالعات فراوانی دنبال شد، که در میان آنها، بررسی‌های یک محقق انگلیسی، به نام «اولیویر بوید بارت» (Olivier Boyd Barrett)، به سبب پیشگامی وی در معرفی ویژگی‌های این امپریالیسم، اهمیت خاص دارد.

این پژوهشگر ارتباطی، در مقاله‌ای با عنوان «امپریالیسم وسایل ارتباطی به سوی یک چهارچوب عملی - بین‌المللی برای تجزیه و تحلیل نظام‌های وسایل ارتباطی» که در سال ۱۹۷۷ انتشار یافت در مورد مشخصات آن، چنین نوشته است: «امپریالیسم وسایل ارتباطی، شکل‌های گوناگون فعالیت‌های بین‌المللی این وسایل را، که معرف چگونگی اعمال نفوذ آنهاست، در برمی‌گیرد. تجزیه و تحلیل علمی فعالیت‌های بین‌المللی وسایل ارتباطی آشکار می‌سازد که این نفوذگذاری از دو عامل غیرعادی ناشی می‌شود. یکی از این دو عامل، یک جهتی بودن جریان بین‌المللی ارتباطات و عامل دیگر، محدود بودن تعداد کشورهای صاحب نفوذ است که منشأ و منبع تأثیرگذاری ارتباطات بین‌المللی، در سراسر جهانند» (معتمدنژاد، کاظم، ۱۳۷۵، ص ۲).

انسان در سیطره فناوری و سرمایه

هربرت مارکوزه و آدورنو، از صاحب‌نظران انتقادی مکتب فرانکفورت در نوشته‌های خود کوشیده‌اند موقعیت ناموزون انسان و جامعه انسانی را تحت حاکمیت ارتباطات نوین در کشورهای سرمایه‌داری، تبیین کنند.

آنان عمده مشکلات پیش آمده را ناشی از شیوه‌های نادرست به کارگیری فناوری‌های مدرن می‌دانند. از نظر هربرت مارکوزه که کتابی با عنوان «انسان تک‌ساختی» نگاشته است، اعمال سلطه فناوری توسط صاحبان سرمایه، انسان را تبدیل به موجودی «تک‌ساختی» کرده است که فقط ارزش‌های

مادی، زمام مقدرات او را تعیین می‌کند. از دیدگاه وی اموری مانند پر کردن اوقات فراغت، مصرف روزافزون کالا، تحصیل علم و سایر امور حیاتی، متأثر از این جریانند.

مارکوزه در مقدمه کتاب انسان تک‌ساختی، انسان را در دوره سیطره فناوری و حاکمیت سرمایه، فاقد

به نظر مارکوزه این که فرد
قادر به انتقاب است به تنهایی دلیل
بر آزاد بودن او نیست بلکه آزادی
واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که
فرد بدون محدودیت و خارج از
انگاره‌سازی رسانه‌ها بتواند با
واقعیت ارتباط برقرار کند.

شناخت و درک صحیح از نیازهای واقعی دانسته و می‌افزاید در چنین شرایطی آزادی حقیقی و امکان دگرگونی و تکامل وجود ندارد. ضمن آن که تحریک قوای جنسی نیز موجب شده است توجه به سایر شئون فردی و اجتماعی فراموش شود: «مرکزیت یافتن نیروی شهوت آدمی در حس تناسلی این نیرو را از بر شدن به سوی قلمروهای دیگر و نگرش محیط پیرامون، باز می‌دارد و به نیروی اجتماعی فرد، فرصت نمی‌دهد که در مسیر انقلاب و شکل بخشیدن به زندگانی فردی گام بردارد. انسان سرکوفته امروز که نظام سرمایه‌داری، نیروی شناخت او را در هم شکسته،

ادراک زیبایی را بر پذیرش چیزهای رایج در این نظام پنداشته و از حقیقت آن بی‌خبر مانده است» (مارکوزه، ۱۳۵۹، ص ۱۸).

مارکوزه معتقد است حجم سنگین پیام‌ها و تبلیغاتی که از رسانه‌های جمعی بر جامعه تحمیل می‌شود، موجب شده است افراد بدون درک و شناخت واقعی دست به انتخاب بزنند و این نوعی سلب آزادی است زیرا «آزادی انسان تنها به دارا بودن حق انتخاب چیزی محدود نمی‌شود. بهره‌مندی از آزادی واقعی هنگامی است که فرد توانایی درک چگونگی انتخاب و ارزیابی آنچه را باید انتخاب کند داشته باشد.

احساس آزادی، قلمرو خاص فردیت انسان است. او بدین وسیله می‌تواند خویشتن خویش را دریابد و بدین زودی‌ها از دست ندهد. متأسفانه واقعیت تکنولوژیک، این قلمرو را از انسان گرفته یا آن را محدود ساخته است. فرد به طور کامل در اختیار تولید و توزیع، بر مبنای روان‌شناسی صنعتی قرار دارد» (همان، ص ۴۳).

نکته مهمی که مارکوزه در اینجا به آن اشاره کرده است، اهمیت چگونگی برخورداری انسان از آزادی است. او می‌گوید این که فرد قادر به انتخاب است به تنهایی دلیل بر آزاد بودن او نیست، بلکه آزادی واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که فرد بدون محدودیت و انگاره‌سازی‌های رسانه‌ها بتواند با واقعیت ارتباط

برقرار کند و در یک بستر طبیعی دست به انتخاب بزند. به این ترتیب، تبلیغات گسترده رسانه‌ای نه تنها انسان را برای انتخاب آزاد تشویق نمی‌کند، بلکه مانع انتخاب آزاد و واقعی او نیز می‌شود.

سوء استفاده حکومت‌ها

زمانی که مارکوزه این مباحث را مطرح کرده است، آنچه موجب نگرانی می‌شد، سرمایه‌داری حاکم بر رسانه‌های جمعی بود، در حالی که امروزه سیاستمداران رسماً در صدد سوء استفاده از این ابزار در کشورهای دیگر هستند. برای مثال، چندی قبل یونایتد پرس تیتر عجیبی را به سراسر دنیا مخابره کرد: Netanyahu: U.S. should attack Iran with TV یعنی «نتانیاهاو گفت: آمریکا باید به وسیله تلویزیون به ایران حمله کند». این خبرگزاری سپس در مشروح خبر چنین آورده بود: «بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل] با اشاره به وجود صدها هزار آنتن بشقابی در ایران، خطاب به کمیته اصلاحات دولتی مجلس نمایندگان گفت: آمریکا می‌تواند از طریق پخش عمده برنامه‌هایی مانند ملروس پلیس و بورلی میلز ۹۰۲۱۰، موجب بروز انقلاب علیه روحانیت محافظه کار ایران شود» در هر دو برنامه یاد شده، افراد جوان و زیبا در حالات گوناگونی از برهنگی، زندگی‌های پر زرق و برق و بی‌بند و باری‌های جنسی به تصویر کشیده می‌شوند».

نتانیاهاو خطاب به این کمیته گفت: این برنامه‌های به درد نخور و مبتذل می‌توانند در براندازی نظام ایران مفید واقع شوند و جوانان ایرانی را خواهان استخرهای شنا، سبک‌های زندگی خیالی و لباس‌های زیبای به نمایش در آمده در شوهای مختلف کنند» (United Prese International , 9/12/2002).

این گونه اظهارنظرها در دوران حاضر تازگی دارد، چرا که مطالعه عملکرد سیاستمداران در گذشته نشان می‌دهد که کمتر مایل بوده‌اند نقشه‌ها و طرح‌های خود علیه سایر کشورها را قبل از اجرا افشا کنند. شاید آنچه اکنون اتفاق می‌افتد که نمونه‌ای از آن نقل شد حاکی از احساس قدرتی باشد که از ناحیه در اختیار داشتن این گونه وسایل ارتباط جمعی به سیاستمداران در جهان امروز دست می‌دهد.

نیل پستمن در کتاب تکنوپولی به بیان روش مقابله و ساز و کارهای دفاعی پرداخته و از زوایای مختلف، خطرات یورش‌های اطلاعات را به جوامعی که به ارگان‌های تدافعی مجهز نشده‌اند برشمرده است. وی می‌گوید: «زمانی رسیده است که هر چه به ما بگویند باور می‌کنیم چون دلیلی برای باور نکردن نداریم. آن چنان در غرقاب و گرداب رودخانه اطلاعاتی قرار گرفته‌ایم که قدرت تمییز را از دست

داده‌ایم. آن چنان از فرهنگ و نظام ارزشی تهی شده‌ایم که دیگر جذبه و جاذبه‌ای برای پیوندهای انسانی نداریم. آن چنان اسیر افسار گسیختگی ماشین‌پرستی و علم‌زدگی شده‌ایم که اراده و توانمان را برای تعیین سلامت خود و جامعه از دست داده‌ایم. در جای دیگر می‌گوید: «این جوامع صنعتی و در رأس آنها جامعه امریکا که اولین نظام تکنوپولی یعنی حاکمیت تمام عیار و مطلق‌العنان فناوری را ساخته و پرداخته‌اند، آن چنان اسیر شده‌اند که راه نجاتی برای آنها نمی‌توان تصور کرد ولی جوامعی که از فرهنگی هوشیار و بیدار برخوردارند می‌توانند در مهار این دیو مهاجم موفق باشند» (طباطبایی صادق، ۱۳۷۷، ص ۱۲۸).

راه‌های مقابله (فعالیت یا انفعال)

به این ترتیب، دسته‌ای از صاحب‌نظران منتقد در حوزه فرهنگ و ارتباطات در تبیین جریان سلطه از طریق فناوری ارتباطات به طرح دیدگاه‌های استدلالی و روشنگرانه پرداخته‌اند، با این حال به نظر می‌رسد این مباحث هنوز با حجم مناسب و قدرت تأثیرگذاری بالایی توأم نیست که بتواند در برابر ادبیات رایج یا چنان که در مقدمه کتاب وسایل ارتباط جمعی و امپراطوری امریکا از قول لازارسفلد آمده است، جریان تحقیق اداری در برابر جریان تحقیق انتقادی قد علم کند و به ویژه بر اراده سیاستمداران سلطه‌گر و صاحبان سرمایه سودجو برای تأثیرگذاری عملی فائق آید: «دانشجویان و دانش‌پژوهان نسل گذشته حوزه ارتباطات، با متونی که جزء جریان پژوهش «انتقادی» به حساب می‌آیند برخورد کمتری داشته‌اند و بیشتر با نوشته‌هایی تغذیه شده‌اند که به جریان تحقیق «اداری» مربوط می‌شود؛ این تمایز با ارزشی است که نخستین بار در دهه ۱۹۴۰، توسط پل‌اف. لازارسفلد مورد توجه قرار گرفت.^۲ منظور او از تحقیق اداری، پژوهش در همان چهارچوب ارجاعی است که به وسیله خود رسانه‌های جمعی مطرح می‌شود. در این شرایط ممکن است حجم بودجه‌های اختصاص داده شده به تحقیق ارتباطات در مقایسه با حجم بودجه‌های پژوهش علوم تجربی کوچک باشد، اما این میزان به سرعت در حال افزایش است، به ویژه به این علت که لزوم بازشناسی نوین ریشه‌های سیاسی - اقتصادی «شورش» در میان ملت‌های در حال توسعه، به مسائل کارایی در سیاست‌گذاری ارتباطات، فوریت بخشیده است» (هربرت شیلر، ۱۳۷۷، ص ۴۷).

به هر حال امروزه سایه ماهواره بر سر کشورها سنگین تر از گذشته شده و آشکارا مرزها و حریم سایر کشورها را در اختیار گرفته کسانی که این رسانه‌ها را در اختیار دارند منتظر اجازه نمی‌مانند. البته فوائد مترتب بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای را نیز نمی‌توان نادیده گرفت اما به هر حال برای کشورهایی که به دلیل برخورداری از اصالت فرهنگی، دغدغه دور شدن از فرهنگ بومی و تن سپردن به فرهنگ‌های بیگانه را دارند، موضوع بسیار مهم و حیاتی است. اقتضای برخورد مناسب با چنین رویدادی این است که ابتدا ابعاد مختلف موضوع به خوبی شناسایی شود و آنگاه تمهیدات مناسب و سیاستگذاری جامع در سطح ملی فراهم آید.

در آیه ۵۱-۵۲ سوره مائده که مابوی راهبردی اساسی برای جامعه اسلامی است تأکید شده است برای جلوگیری از آسیب‌های فکری و عملی کسانی که دچار انحراف شده‌اند باید به تربیت و تقویت فؤد اضماد کرد. پیام این آیه متهبه خرد، جامعه و حکومت است.

شهید آوینی که مخاطرات ناشی از فناوری ماهواره را پس از ویدئو ارزیابی کرده و به صورت بنیادین مورد توجه قرار داد، گفته است: «به زودی ماهواره وارد می‌شود. ما در جهانی

زندگی می‌کنیم که مرزها در حال فرور ریختن است و محصولات تکنولوژیک که لازمه حیات بشری هستند این امر را موجب شده‌اند. روزگار ما روزگار اسارت در چنگ ابزاری است که هویت فرهنگی دارند و کسی می‌ترسد که ضعیف‌تر است...»

علل و عوامل بسیاری جمع شده‌اند تا ویدئو پدید آمده است، علل و عواملی که خود نیز معلول‌های علل دیگر هستند. پس چگونه می‌توان زبان‌های ویدئو را فارغ از علل ایجاد ویدئو بررسی کرد و حکم بر خوبی یا بدی آن کرد؟ اگر دوربین عکاسی اختراع نمی‌شد، سینما به وجود نمی‌آمد، اگر سینما به وجود نمی‌آمد، تلویزیون پدیدار نمی‌شد و اگر تلویزیون پدیدار نمی‌شد، ویدئو پدید نمی‌آمد. در این تسلسل علی فقط به نسبت اشیا با یکدیگر پرداخته‌ایم، حال آن که اگر انسانی که نیازمند همه این ابزار است به وجود نمی‌آمد، بدون تردید هیچ یک از محصولات تمدن غرب موجود نمی‌شد. تا پای «نیاز» در میان نیاید انسان چیزی را «طلب» نمی‌کند و تا طلب و خواست نباشد «اراده» به ایجاد و اختراع و ابداع نیز فعلیت نمی‌یابد» (آوینی مرتضی، ۱۳۷۴، ص ۴ و ص ۹).

نکته مهم سخن ایشان توجه به ارتباط فناوری با انسان است، انسانی که آن را اختراع کرده است و از آن استفاده می‌کند. از نظر وی، سیر تحولات غرب ایجاد چنین پدیده‌هایی را به اقتضای نیاز انسان آن

جامعه طلب کرده و این نیازها هستند که موجب تعلق ارادهٔ انسان به ایجاد و ابداع چنین پدیده‌هایی شده‌اند. بر این اساس، اگر زیربناهای فکری و انگیزه‌ها و نیازهای انسان غربی در تقابل با افکار و رفتار قرون وسطایی کلیسا شکل نمی‌گرفت و همان‌طور که اندیشمندان غربی نیز گفته‌اند، توجه بیشتری به معنویات وجود داشت، شاید توسعهٔ علم و فناوری در غرب در راستای نیازهای متفاوتی تحقق می‌یافت.

دکتر حمید مولانا از صاحب‌نظران ارتباطات بین‌الملل نیز چنین نگاه بنیادینی به این مباحث دارد. وی در کتاب «گذر از نوگرایی» با طرح برخی مباحث توسعه از دیدگاه کارشناسان غربی نوشته است: «این الگو می‌خواهد انسان امروزی غرب صنعتی را تصویر کند. مردمی که هنجار آنان دنیاگرا - خردگرا، فلسفه آنان عملی - ابزاری و نگرش آنان به زندگی یک نگره غیرمذهبی است. همه این عوامل در راستای درک و کنترل محیط انسانی و طبیعی، استفاده از فرد را به ابزار حاکم تبدیل می‌کند و اگر چه جهان مقوله‌ای تهدیدکننده قلمداد می‌شود، کار و زندگی تسلیم ارضای نیازها می‌شود. «ستایش از خود» اصل می‌شود و جاه‌طلبی فردی و رقابت مورد تشویق قرار می‌گیرد» (مولانا، حمید، ۱۳۷۱، صفحه ۴۹).

شهید آوینی همچنین بر مبنای این تفاوت اساسی اظهار داشته است که چه بسا چیزی برای انسان غربی فایده تلقی شود و برای ما زیان. «فوایدی را که غرب از ویدئو می‌برد ما به مثابهٔ زیان‌ها و خطرات می‌شناسیم» (آوینی، مرتضی، ۱۳۷۴، صفحه ۹).

از این منظر، نیازهای انسان در دوران افول ارزش‌های معنوی و توسعهٔ نیازهای مادی، روند گسترش این گونه فناوری‌ها را سرعت داده و آنگاه آثار حاصل از این جریان، به علت فراگیر بودن رسانه‌ها همهٔ جوامع را شامل می‌شود. لهذا هر چه نیازهای انسان از حد لذت‌های شخصی فراتر رفته و با نیازهای معنوی توأم شود، خواست و نیازها از سویی و ارضای تمایلات از سوی دیگر بر نحوهٔ استفاده از این وسایل اثر می‌گذارد.

شهید آوینی چنین نتیجه می‌گیرد که دیوار کشیدن در برابر فناوری‌های ارتباطی کاری بیهوده است و برای ما ضرورت دارد از موضع دفاع که وضعیت انفعالی است به موضع مهاجم که وضعیت فعال است برگردیم. «باید برای حفظ فرهنگ خویش در جستجوی راه‌هایی جز دیوار کشیدن و محصور کردن برآییم. تردیدی نیست که دیوار هم لازم است اما باید دانست کسی که برای محافظت از خویش، به دور خود دیوار می‌کشد همواره در حال انفعال است. جواب تهاجم را باید با تهاجم داد و تنها در این صورت

است که از انفعال خارج خواهیم شد. «دفاع» یک وضع «انفعال» است و «فاعلیت» همواره از آن «مهاجم» است.

دیگر این که در بلا همواره حکمتی است که بلازدگان از آن غفلت می‌کنند. همان‌طور که عرض کردم بنده منکر زیان‌های ویدئو نیستم اما در عین حال درست نمی‌دانم که ما همچون بلازدگان از حکمتی که در این بلیه عظمی نهفته است، غافل شویم. بلا، فولاد وجود انسان را آبدیده می‌کند و صفات فطری و شئون ذاتی او را به فعلیت می‌رساند.

پس همچنان که جنگ تحمیلی - که یک تحمیل بود و ما آن را انتخاب نکرده بودیم - ما را پرورش داد و زیباترین و باشکوه‌ترین صفات انسان را ظاهر کرد، تهاجم فرهنگی دشمن نیز چه از طریق ویدئو و چه از طریق ماهواره، علی‌رغم این واقعیت که قربانی‌های بسیاری از ما خواهد گرفت ما را به تعالی خواهد رساند. تنها چنین است که ما امروز از انفعال در برابر ویدئو و فردا از موضع انفعال در برابر ماهواره خارج خواهیم شد» (همان، ص ۱۰).

در قرآن کریم آمده است: «ای مؤمنان خود را اصلاح کنید که اگر شما در مسیر هدایت واقع شوید، همه عالم هم که گمراه شوند زبانی به شما نخواهد رسید» (سوره مائده، آیه ۱۰۵). در این آیه که حاوی راهبردی اساسی برای جامعه اسلامی است تأکید شده است برای جلوگیری از آسیب‌های فکری و عملی کسانی که دچار انحراف شده‌اند باید به تربیت و تقویت خود اقدام کرد. پیام این آیه متوجه فرد، جامعه و حکومت است. در سطح فردی، انسان باید با افزایش آگاهی، تربیت نفسانی و تقویت باورهای دینی، برای خود شخصیتی انسانی، معنوی و با اعتماد به نفس بسازد به نحوی که با مشاهده الگوها و رفتارهای نامطلوب، میل و گرایش به انحراف در وی پدیدار نشود. بالاتر از آن خانواده، اجتماع و نهاد حکومت نیز نقش‌های مؤثری در زمینه‌سازی، برنامه‌ریزی و کمک به شکل‌گیری شخصیت انسان دارند. رسانه‌های جمعی نیز که خود از نهادهای اجتماعی یا حکومتی به حساب می‌آیند در این بین نقش مهمی ایفا می‌کنند، زیرا اولاً این رسانه‌ها تأثیر تربیتی و فرهنگی گسترده‌ای بر مخاطبان خود دارند و ثانیاً باید این توانایی را داشته باشند که در برابر امواج ماهواره‌ای، بر اساس فرهنگ و ارزش‌های بومی و استفاده از عناصر جذاب و مؤثر مورد توجه مخاطبان، جایگزین مناسب ارائه دهند.

نتیجه‌گیری

از این مباحث چند نتیجه حاصل می‌شود: اول آن که بر مبنای نگاهی بنیادین به خلاقیت‌های تکنولوژیک، اهداف و نیازهای انسان، نقشی تعیین‌کننده دارد. دوم آن که برای استفاده مفید از ماهواره، تقویت نیازهای برتر مخاطبان اهمیت بسیار دارد، چرا که هرچه نیاز و تقاضای مخاطبان واقعی‌تر و متعالی‌تر شود بهره‌برداری نامطلوب کاهش می‌یابد و بالاخره سوم آن که ضروری است رسانه‌های بومی در عین توجه به ارزش‌های فرهنگی، نیازهای واقعی و ضروری مخاطبان را با جاذبه و کیفیت بالا عرضه و تأمین کنند.

برای برنامه‌ریزی و برنامه‌سازی قابل عرضه در این شرایط دشوار، استفاده از علوم مختلف و دیدگاه‌های صاحب‌نظران ضرورت دارد تا از این طریق بتوان با تکیه بر فرهنگ و هنر اصیل و فاخر ایرانی و معارف ناب دینی، توجه به مسائل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مخاطبان و استفاده از علوم ارتباطات، در صحنه رقابت حضور یافت. در این راه برای روی گردان ساختن توجه مخاطبان از برنامه‌های ماهواره به برنامه‌های داخلی، افزایش آگاهی و شناخت مخاطبان و تقویت باورهای دینی و نیازهای متعالی و انسانی آنها اهمیت زیادی دارد. از این رو بهره‌گیری از پژوهش‌ها و دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران در این خصوص ضرورت پیدا می‌کند؛ چرا که برنامه‌ریزی رسانه‌ای برای این منظور کار پیچیده‌ای است که به آسانی عملی نمی‌شود. البته در این بین، نقش نهادهای رسمی تعلیم و تربیت، نهادهای فرهنگی، دینی و تبلیغی کشور برای پشتیبانی رسانه و فرهنگ‌سازی در این زمینه را نیز باید در نظر داشت. بدون شک در فرهنگ اصیل ما مؤلفه‌هایی وجود دارد که ابتدا باید آنها را شناخت (تأکید بر نهاد خانواده، استفاده از ادبیات غنی عرفانی، موارث حماسی و افتخار برانگیز تاریخی و ...) و سپس راهکارهای طرح و ترویج آنها در رسانه را جستجو کرد تا برنامه‌سازان رسانه بتوانند با استفاده از راهبردهای عملی بر اساس این ذخیره‌های فرهنگی برنامه‌سازی کنند.

مایلم این مقاله با کلامی از علی (ع) که حاکی از اهمیت موضوع فرهنگ و مراقبت‌های فکری و روانی است خاتمه یابد، که فرموده‌اند: «تعجب می‌کنم از انسان‌ها که اگر شب هنگام و در تاریکی غذایی به آنها عرضه شود، به دنبال روشنایی هستند تا بدانند چه می‌خورند. اما هنگامی که با غذای روح مواجه می‌شوند، تلاش نمی‌کنند با استفاده از نور عقل و دانش از خطرات فکری و عملی‌ای که در اثر نادانی و رفتارهای ناپسند، آنان را تهدید می‌کند در امان بمانند» (قمی، شیخ‌عباس، ۱۳۳۱، صفحه ۱۵).

پی‌نوشت‌ها:

1. Culture industry reconsidered.
2. Lazarsfeld, paulf. [Remarks on Administrative and Critical Communications Research], Studies in philosophy and social science, vol, 9. Columbia university.

منابع:

- ۱- یونسکو، **صنایع فرهنگی**، ترجمه مهرداد وحدتی، انتشارات مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
- ۲- شرایبر، **نیروی پیام**، ترجمه سروش حبیبی، انتشارات سروش، ۱۳۷۱.
- ۳- مارکوزه، هربرت، **انسان تک‌ساختی**، دکتر محسن مؤیدی، پایا، ۱۳۵۹.
- ۴- معتمدنژاد، کاظم، **فصلنامه رسانه**، شماره ۲۶، ۱۳۷۵، نظریه‌های سلطه‌ارتباطی جهانی.
- ۵- طباطبایی، صادق، **طلوع ماهواره و افول فرهنگ**، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- ۶- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، **روان‌شناسی رشد**، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۷- دادستان، پریخ، **بررسی شیوه‌های آموزش مفاهیم دینی در رسانه‌ها**، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۶.
- ۸- اسکینز، **فراسوی آزادی و شأن**، ترجمه: دکتر علی‌اکبر سیف، انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
- ۹- شیلر، هربرت، **وسائل ارتباط جمعی و امپراطوری امریکا**، ترجمه احمد میرعبادینی، انتشارات سروش، ۱۳۷۷.
- ۱۰- پستمن، نیل، **زوال دوران کودکی**، ترجمه صادق طباطبایی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۱۱- آوینی، مرتضی، **ویدئو در برابر رستاخیز تاریخی انسان**، یادواره سیدشهیدان اهل قلم، ۱۳۷۴.
- ۱۲- مولانا، حمید، **گذر از نوگرایی**، ترجمه یونس شکرخواه، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه، ۱۳۷۱.
- ۱۳- قمی، شیخ‌عباس، **منتهی‌الامال**، جلد دوم، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۳۱.

14. United Prese International: //WWW.upi.com/, 9/12/2002

هویت فردی و فرهنگی در عصر مایهواره و ارتباطات جهانی

محمدرضا رضایی‌بایندر

پژوهشگر ارشد اداره کل پژوهش‌های سیمای سازمان صداوسیما

اشاره

در نظام‌های سنتی، شکل‌گیری هویت بر مبنای اطلاعات و درونشدهایی است که فرد از خانواده، مدرسه، گروه همسالان و دیگر عوامل مهم دریافت می‌کند. بدین دلیل در طول قرون و اعصار گذشته، هویت فرهنگی و اجتماعی افراد باعث تشخیص آنها شده و با بازنمایی ویژگی‌های فرهنگی همگن در یک چهارچوب و مرزبندی معین به شکل‌گیری جوامع متمایز انجامیده است. همگرایی مرزهای جغرافیایی و فرهنگی، به تنوع فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری کمک شایانی کرده و تبادلات فرهنگی رشد و بالندگی جوامع مختلف را تضمین کرده است. اما امروزه در جهان معاصر، رشد روزافزون فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) از جهات گوناگون موجب شده است هویت فردی و فرهنگی جوامع تحت تأثیر قرار گیرد. ورود اطلاعات و درونشدهای فرافرهنگی و فراملی به نظام هویتی افراد، با ایجاد تعارض در این نظام مشکلاتی را فرا راه جوامع مختلف به ویژه جوامع سنتی و در حال توسعه قرار داده است. بهره‌جویی قدرت‌ها و کشورهای سلطه‌جو از این ابزار برای تأمین اهداف و مقاصد خود، ابعاد این مسئله را گسترده‌تر کرده و نگرانی‌های عمده‌ای را در سطح جوامع مختلف برانگیخته است. آشنایی با ساز و کار تأثیر این فناوری‌ها و به ویژه مایهواره بر نظام‌های هویتی می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از آثار و پیامدهای آنها داشته باشد.

مایهواره، ارتباطات بین فرهنگی و هویت فردی - فرهنگی

گسترش رسانه‌ها و گستردگی متعارف در گستره پخش امواج و توزیع پیام، به جهانی شدن ارتباطات تعبیر شده است و دهکده جهانی که سالیان پیش نوید آن داده شده بود در حال تحقق یافتن است. با وجود آن که در این دهکده مجازی، نقاط دور به مدد فناوری ارتباطات به هم نزدیک‌تر شده‌اند، به نظر می‌رسد که فاصله انسان‌ها از یکدیگر در حال افزایش است. به هر حال، پدیده جهانی شدن ابعاد گسترده‌ای دارد که گسترش رسانه‌ها و هجوم امواج بیگانه به مرزهای فرهنگی بخشی از آن به شمار می‌رود. ماهواره‌ها ابزارهای قدرتمندی هستند که مرزهای متعارف جغرافیایی و فرهنگی را درنوردیده‌اند و دسترسی جهانیان به پیام‌ها، اطلاعات و داده‌های متفاوت، متنوع و اغلب متعارض را تسهیل کرده‌اند. گسترش تلویزیون‌های ماهواره‌ای در سراسر جهان، هم محصول جهانی شدن و هم کارگزار آن محسوب می‌شود. با این حال در بررسی‌های مربوط به این پدیده یا به عبارت دقیق‌تر، فرایند جهانی شدن، می‌توان نوعی تفکیک بین جهانی شدن به عنوان یک واقعیت (Fact) و جهانی شدن به عنوان یک ارزش (Value) قائل شد. جهانی شدن به عنوان یک واقعیت، به مناسبات واقعی اقتصادی و دیگر واقعیت‌هایی اشاره دارد که پایه‌های اقتصاد جدید جهان را تشکیل می‌دهند اما جهانی شدن به عنوان یک ارزش، به میزان تلاش برای یکپارچه‌سازی در حوزه‌های گوناگون ناظر است و بیش از آن که به یکپارچگی اقتصادی اشاره داشته باشد، یکپارچه‌سازی فرهنگی و اجتماعی را مدنظر قرار داده است (Kluver, 2002). در این گستره رسانه‌های گروهی مدرن، به ویژه تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت نقش مهمی ایفا می‌کنند. فناوری‌های نوین ارتباطی، اطلاعات و پیامدهای خود را به شیوه‌ای انتقال می‌دهند که مرزهای فرهنگی و حتی محدوده‌های اقتصادی را به حداقل برساند. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که این فناوری‌ها، زمینه‌ساز و مروج تغییرات فرهنگی و اجتماعی چشمگیری در جوامع هستند که نتیجه حاصل از آن تفاوت‌هایی بنیادی با شرایط و وضعیت کنونی خواهد داشت. از طرف دیگر، رشد روزافزون فناوری در حوزه‌های گوناگون، باعث همگرایی بیشتر فناوری‌های ارتباطی شده و چشم‌انداز آینده بشر را دچار دگرگونی‌های بنیادی خواهد کرد. یکی از این همگرایی‌ها ظهور تلویزیون‌های تعاملی (دو سویه)، تلفیق اینترنت با دیگر رسانه‌ها و ظهور رسانه‌های هیبرید است. شاید تلفیق اینترنت با تلویزیون اهمیت بیشتری در این گستره داشته باشد. گسترش فزاینده استفاده از ماهواره و دیگر رسانه‌های نوین و رشد فناوری اطلاعات (IT) موجب شده است که در عرصه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح ملی و فراملی، این رسانه‌ها پیشگامان ایجاد تحول و تغییر باشند.

گسترش اطلاعات در سطح جهان فرایندی است که طی آن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتمان‌های (Discourse) فرهنگی و مدنی دارند. این فرایند جنبه‌های مثبت و منفی خاص خود را داراست. یکی از جنبه‌های مثبت آن، فراهم آوردن امکان مشارکت در فرهنگ جهانی

**تلویزیون‌های ماهواره‌ای به
کارگزاران کارآمدی تبدیل شده‌اند
که در فرایند نفوذ و اعمال
قدرت مورد استفاده گسترده
کشورهای سلطه‌جو قرار
می‌گیرند و درونشدهای اطلاعاتی
مخاطبان را تحت کنترل دارند.**

برای افراد و جوامع گوناگون است که موجب می‌شود جریان اطلاعات در جهان به سرعت گسترش یابد و آنچه اصطلاحاً «دموکراسی اطلاعات» نامیده می‌شود، اتفاق افتد. اما یکی از عمده‌ترین جنبه‌های منفی آن، خطری است که این فرایند برای آداب و سنن و عموماً فرهنگ کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌یافته دارد. این خطر در بین برخی کشورهای توسعه یافته نیز احساس شده و واکنش‌های بسیاری را برانگیخته است که از آن جمله می‌توان به نگرانی‌های دولت و مردم ژاپن یا فرانسه از گسترش زبان و فرهنگ انگلیسی - امریکایی در این کشورها اشاره کرد.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند تسلط جهان غرب بر منابع ارتباطی و بنگاه‌های رسانه‌ای باعث شده است نفوذ امواج ماهواره‌ها و انتشار اطلاعات در دیگر کشورها به یکپارچه‌سازی جهان بر محور غرب و ارزش‌های غربی منجر شود (Kluver, 2002). محققان بسیاری به همگرایی بین مرزهای فرهنگی و مرزهای محلی اعتقاد دارند، رسوخ ارزش‌ها و هنجارهای فراملی به درون مرزهای ملی و گسیخته شدن مرزهای فرهنگی باعث می‌شود این همگرایی به واگرایی تبدیل شود و فرهنگ جدیدی پدید آید که فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی سنتی است. در حال حاضر، کشورهای دارنده این فناوری از طریق تلویزیون‌های ماهواره‌ای توانایی چشمگیری در اشاعه و کنترل فرهنگ به دست آورده‌اند چرا که اصولاً رسانه‌ها نه تنها موجب انتقال فرهنگ می‌شوند بلکه محتوای آن را نیز به صورت گزینشی در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند. تلویزیون‌های ماهواره‌ای به کارگزاران کارآمدی تبدیل شده‌اند که در فرایند نفوذ و اعمال قدرت مورد استفاده گسترده کشورهای سلطه‌جو قرار می‌گیرند و درونشدهای اطلاعاتی مخاطبان را تحت کنترل دارند. شکل‌گیری امپریالیسم رسانه‌ای غرب باعث شده است ضمن آن که رسانه در خدمت قدرت باشد، جزئی از منابع قدرت نیز به شمار آید. غلبه بنگاه‌های رسانه‌ای غرب بر جهان به

گونه‌ای است که اغلب محققان آنها را از منابع عمده شکل‌دهی به افکار عمومی در سراسر جهان قلمداد می‌کنند. برای مثال می‌توان به نقش CNN در بحران‌های چند سال اخیر اشاره کرد. با این حال، اگر چه اهمیت تلویزیون‌های ماهواره‌ای با نفوذی مانند CNN و BBC در گستره سیاست برجسته‌تر جلوه می‌کند، خطر جدی‌تر در هجوم امواجی است که لایه‌های

بنیادین فرهنگ یک جامعه را دچار دگرگونی و تحول می‌کنند. حتی تحقیق انجام گرفته توسط یونسکو نشان می‌دهد که جریان یک طرفه محصولات فرهنگی از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه به نحو نگران‌کننده‌ای رشد یافته است. جریان نابرابر محصولات فرهنگی از غرب به جهان سوم منجر به ایجاد شرایطی شده است که طی آن عموماً هنجارهای غربی تداول چشمگیری در جوامع مختلف پیدا کرده‌اند و رسانه‌های غربی توانسته‌اند

بر ماهیت تولید و مصرف محصولات فرهنگی در کشورهای جهان سوم تأثیر بگذارند (به نقل از Downing, ۱۹۹۵). از نظر صاحب‌نظران اجتماعی (برای مثال Mohammadi, ۱۹۹۵)، این پدیده نه تنها باعث یکسان‌سازی فرهنگی به نفع فرهنگ غرب شده بلکه به ایدئولوژی مصرف‌گرایانه در این کشورها نیز دامن زده است. شیوع و گسترش امکانات دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای حتی در کشورهای فقیر، سنتی و توسعه نیافته که بعضی از آنها ممنوعیت قانونی نیز دارند، موجب شده است رسانه‌های ملی در رقابت بر سر جذب مخاطبان محلی دچار مشکل شوند. جریان یکطرفه برنامه‌های تلویزیونی غربی، به ویژه امریکایی که اغلب با هدف سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت پخش می‌شوند، به ساز و کار پیچیده و خزنده انتقال ارزش‌های غربی تبدیل شده است و با استحاله فرهنگ‌های ملی و محلی، فرایند جهانی‌سازی فرهنگ را به پیش می‌برد. از این منظر، مفاهیمی مانند یکسان‌سازی و جهانی‌سازی، ساز و کارهای تهاجم فرهنگی به شمار می‌روند. اگر چه بسیاری از محققان و صاحب‌نظران در تأثیر بی‌چون و چرای رسانه‌های غربی بر جهان تردید دارند، بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که هژمونی تلویزیون‌های ماهواره‌ای غرب بر فضای رسانه‌های جهان و امپریالیسم رسانه‌ای غرب پدیده‌ای پیچیده است چرا که علی‌رغم آن که در بسیاری از موارد فرهنگ‌های ملی و محلی فرهنگ‌هایی مطلوب و رشد یابنده به نظر

علیرغم آن که در بسیاری از موارد
فرهنگ‌های ملی و محلی فرهنگ‌هایی
مطلوب و رشد یابنده به نظر می‌رسند.
امثال این که بسیاری از آنها در مواجهه با
ویژگی‌ها و مادیات‌های فرهنگ بیگانه،
یارای مقاومت نداشته و مهیور به
عصب‌نشینی باشند بسیار زیاد است.

می‌رسند، احتمال این که بسیاری از آنها در مواجهه با ویژگی‌ها و جاذبه‌های فرهنگ بیگانه، یارای مقاومت نداشته و مجبور به عقب‌نشینی باشند بسیار زیاد است.

نتایج پژوهش‌های انجام شده (برای مثال mohammadi, ۱۹۹۵) بر استفاده غرب به ویژه امریکا از

خرابند ارتباطات از راه دور و استفاده از ماهواره و دیگر رسانه‌های گروهی برای پیش‌آمواج در سطح گسترده. یک شمشیر دو لبه است که می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی به دنبال داشته باشد.

رسانه‌ها برای رسیدن به اغراض سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید دارند. اکنون این پدیده به خصوص در گفتمان سیاسی بسیاری از کشورهای جهان سوم و هم‌چنین در بین منتقدان فرهنگ غرب در سراسر جهان مورد توجه است. برای مثال در کشورهای آسیایی هجوم امواج ماهواره‌ای غرب که حتی به زبان‌های محلی برنامه پخش می‌کنند، نگرانی‌های عمده‌ای را برانگیخته است. در حقیقت، آغاز روند جهانی‌سازی و رشد فزاینده پخش برنامه‌های خارجی در ماهواره‌هایی نظیر Star TV روبرت

موردخ، استفاده و رضایت از رسانه‌های ملی و محلی را به شدت کاهش می‌دهد و از دامنه نفوذ آنها می‌کاهد. برای مثال لی کوان یو یکی از صاحب‌نظران سنگاپوری که در کنفرانس رسانه‌های آسیایی در سال ۱۹۹۸ سخن می‌گفت، بر این نکته تأکید داشت که اعمال محدودیت بر جریان فزاینده ورود رسانه‌های غربی به آسیا برای حفظ ارزش‌های بنیادین جوامع آسیایی بسیار ضروری است. به همین ترتیب، بسیاری از صاحب‌نظران هندی به شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خارجی حمله کرده و معتقدند که حضور چشمگیر آنها باعث از بین رفتن سنت‌های هندی می‌شود و فساد و انحطاط به سبک غربی را رواج می‌دهد (Sharma, 1998). در چین نیز از مراجع مسئول خواسته شده است تا از پخش فزاینده برنامه‌های غربی جلوگیری کنند. در حقیقت این مسئله به نحوی گسترده مورد توجه جوامع آسیایی قرار گرفته و حتی اخیراً سازمان کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) طی بیانیه‌ای از کشورهای آسیایی خواسته است رویه واحدی را در واکنش به پدیده جهانی‌سازی فرهنگ اتخاذ کنند تا به این ترتیب از ارزش‌ها و سنت‌های آسیایی که به شدت در معرض تهدید رسانه‌های غربی قرار دارند، محافظت شود (Coates, 1998). این امر در کشورهایی که نگران ارزش‌های اخلاقی و دینی خود هستند، اهمیت بیشتری دارد.

با این حال مسئله مهم‌تر افزایش شبکه‌های تلویزیونی غربی است که به زبان‌های محلی کشورهای مختلف برنامه پخش می‌کنند. این امر مشکل زبان و فهم محتوای برنامه‌ها را از بین می‌برد و باعث می‌شود رقابتی تنگاتنگ بین رسانه‌های ملی و فراملی درگیرد. به عبارت دیگر، امپریالیسم رسانه‌ای غرب به سرعت خود را با شرایط جدید وفق می‌دهد و با تولید برنامه و پخش گسترده آن در سراسر جهان، ویژگی‌های فرهنگ غرب را به زبان‌های محلی انتقال داده و عرصه را برای رسانه‌های ملی و منطقه‌ای تنگ‌تر می‌کند.

با این حال برخی شواهد دیگر حاکی از آن است که گسترش اطلاعات در سطح جهان، نه تنها باعث تضعیف هویت ملی و فرهنگی نمی‌شود بلکه عملاً به تقویت انواع فرهنگ‌های سنتی نیز کمک می‌کند. به عبارت دیگر فرایند ارتباطات از راه دور و استفاده از ماهواره و دیگر رسانه‌های گروهی برای پخش امواج در سطح گسترده، یک شمشیر دو لبه است که می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی به دنبال داشته باشد (Kluver, 2002). امکان دسترسی اقوام گوناگون به اطلاعات و داده‌های متناسب با فرهنگ قومی خود می‌تواند برای دولت‌های ملی به ویژه در کشورهایی

این مفیضت که دسترسی به اطلاعات و داده‌های گسترده به افراد اجازه می‌دهد (یا می‌آنان را تشویق می‌کند) تا نگرش‌ها و هویت‌های جدیدی را بپذیرند. موجب می‌شود خرد نسبت به هویت جدید خود نیز تعهدی سطحی و نه پندار محکم داشته باشد. همسان‌سازی سطحی و بی‌بنیاد با «دیگران» می‌تواند باعث تفریب و مدت و هنجاری اجتماعی شود.

که تنوع فرهنگی و قومی بالایی دارند، مشکلات زیادی داشته باشد اما وجه مثبت آن، تقویت فرهنگ قومی است. به عبارت دیگر، در حالی که بسیاری از کشورها فعلاً در حال کاستن از تنوع قومی بوده و در برابر استحاله فرهنگ‌های قومی و یا حتی اقلیت‌های دینی مقاومتی نشان نمی‌دهند، ماهواره‌ها، یک بار دیگر پیوند این اقوام را با آداب و رسوم و فرهنگ خودشان برقرار می‌کنند. این که چنین فرایندی تا چه اندازه نیت خیرخواهانه دارد، به شدت مورد تردید است اما آنچه واقعیت دارد، ظرفیت بسیار گسترده تلویزیون‌های ماهواره‌ای و دیگر فناوری‌های جدید رسانه‌ای برای تحکیم یا تضعیف هویت‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی است. بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی (برای مثال Sreberny, 1997, mohammadi و Harvis and Golding, 1997) معتقدند که نقش آرمانی رسانه‌های گروهی مدرن تقویت هویت‌های قومی، ملی و فرهنگی است به گونه‌ای که گروه‌های اقلیت قومی و مذهبی ضمن

تحکیم مبانی هویت خود، جذب فرهنگ عمومی و ملی خود شوند و به عبارت دیگر، نوعی وحدت در عین کثرت اتفاق افتد. در سطح هویت فردی نیز دسترسی به اطلاعات گسترده و داده‌های متنوع باعث می‌شود که فرد نسبت به گذشته امکانات فزاینده‌ای برای انتخاب‌های بسیار متنوع و متفاوت داشته باشد و بر مبنای آنها مبانی هویتی خود را شکل دهد.

این مسئله به نوعی دیدگاه انتقادی مهم در ارتباطات بین فرهنگی می‌انجامد. این دیدگاه ارتباط تنگاتنگی با چگونگی تعریف افراد از هویت ملی و محلی خود دارد. در سطح شخصی، اگر صفات شخصیتی فرد بسیار محدود تعریف شود، احتمال قطبی شدن فزاینده هویت فردی افزایش می‌یابد. این امر در ذات خود می‌تواند حداقل سه جنبه عمده داشته باشد: نخست این که اساساً به جای آن که افراد به عنوان تابع یا شهروند یک ملت (Nation) یا یک جامعه محلی (Local Community) در نظر گرفته شوند، تعاریف ارائه شده از خود آنها به گونه‌ای باشد که آنان را از محدودیت مفاهیمی مانند هویت و تعهد (پیوستگی‌های قومی، مذهبی یا ایدئولوژیک) برهاند. در این منظر، جهانی شدن تسهیل می‌یابد و افراد مجبور به پذیرش الگوهای همسانی از سبک زندگی، باورها و دانش اجتماعی نیستند (2002, Kluver). جنبه دوم بیانگر این نکته است که با دسترسی آسان و گسترده افراد به مقدار وسیعی از اطلاعات از طریق رسانه‌های مدرن (ماهواره، اینترنت و ...)، فرد دیگر وابستگی چندانی به دهکده اطلاعاتی محدود در یک قوم، ملت یا فرهنگ نخواهد داشت. برای مثال، فناوری‌های جدید ارتباطات به شهروندان کشوری که در آن عدول از دین یا مذهب، غیرقانونی و ممنوع است اجازه می‌دهد به مقادیر غیرقابل تصویری از اطلاعات متعارض درباره مذاهب گوناگون دست یابند و به این ترتیب، بنیان‌های شخصیت و هویت خود را تحت تأثیر قرار دهند و جنبه آخر این که، این حقیقت که دسترسی به اطلاعات و داده‌های گسترده به افراد اجازه می‌دهد (یا حتی آنان را تشویق می‌کند) تا نگرش‌ها و هویت‌های جدیدی را بپذیرند، موجب می‌شود فرد نسبت به هویت جدید خود نیز تعهدی سطحی و نه چندان محکم داشته باشد. همسان‌سازی سطحی و بی‌بنیاد با «دیگران» می‌تواند باعث تخریب وحدت و همگونی اجتماعی شده، هزینه‌های زیادی را متوجه جوامع کنند و در عین حال، وفاق و همبستگی اجتماعی جایگزینی نیز برای آنان به دست ندهد.

در مجموع تغییرات فرهنگی و اجتماعی ناشی از گسترش اطلاعات و جهانی شدن ارتباطات، به سه شیوه با ارتباطات بین فرهنگی پیوند می‌خورد، نخست نقشی که این فرایند در تعریف مفهوم فرهنگ ایفا

می‌کند. دوم، شیوه اثرگذاری این فرایند بر تغییرات اجتماعی و سوم نقش بسیار مهم ابزارهای ارتباطی از جمله ماهواره‌ها در تعریف هویت فردی و همبستگی اجتماعی. ماهواره‌ها و دیگر رسانه‌های فراملی و فرافرهنگی با ارائه درونشدهای متنوع زمینه شکل‌گیری هویت‌های فردی ناهمگن با ویژگی‌های فرهنگی افراد را فراهم می‌آورند. بخش بعدی نوشتار حاضر، ساز و کارهای این تأثیرگذاری و پیامدهای آن را تشریح می‌کند.

هویت چگونه تغییر می‌کند

از نظر بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی، شکل‌گیری هویت افراد تحت تأثیر منابع متعددی است که عمده‌ترین آنها عبارتند از: خانواده، رسانه‌های گروهی، مدرسه و گروه همسالان (برای مثال، وایت و واین، ۱۹۹۷). از این میان، رسانه‌های گروهی با توجه به گستره نفوذ و فراگیری آنها اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. گسترش تلویزیون‌های ماهواره‌ای موجب شده است شکل‌گیری نظام شخصیتی و هویت افراد تحت تأثیر درونشدهای متعدد و گاه متعارض قرار گیرد. در نظام‌های سنتی، فرد درونشدهایی را دریافت می‌کند که متناسب با ویژگی‌های فرهنگی خود است. از این رو، شکل‌گیری هویت فرد متناسب با فرهنگ خودی صورت می‌گیرد و مجموعه ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، عقاید و دیگر عناصر فرهنگی در نظام هویتی و شخصیتی فرد درون‌سازی می‌شود. اما در جهان معاصر، گسترش رسانه‌های گروهی موجب شده است که در حوزه‌های گوناگون، اطلاعات متفاوتی در دسترس افراد قرار گیرد. برای مثال، بسیاری از تلویزیون‌های ماهواره‌ای با تکیه بر سیاست‌های سلطه‌جویانه و به منظور تأمین سرمایه‌گذاران غربی به رواج مصرف‌زدگی، ارزش‌های غیراخلاقی و بی‌بند و باری می‌پردازند و با تکیه بر روش‌های جذاب و کارآمد تبلیغ، نگرش‌های افراد را شکل داده و ویژگی‌های فرهنگی خود را جایگزین ویژگی‌های فرهنگ اصلی می‌کنند. این رسانه‌ها با عرضه اطلاعات تازه، تضاد ارزشی مخاطبان خود را افزایش می‌دهند. هنگامی که تضادهای ارزشی مربوط به مسائل مختلف از طریق رسانه‌های گروهی مطرح می‌شوند، مخاطبان نیز تمایل می‌یابند موقعیت ارزشی خود را معین و مشخص کنند. این فرایند ممکن است تا حدی رنج‌آور باشد زیرا فرد برای انتخاب میان اهداف و روش‌های ناسازگار کسب ارزش‌ها، تحت فشار قرار می‌گیرد اما ترجیحات ارزشی افراد صراحت می‌یابند و زمینه برای تغییر نظام ارزشی و هویت افراد فراهم می‌آید. لازمه چنین امری، ارزیابی ارزش‌ها و دیگر عناصر هویتی و انتخاب

بین آنهاست. این ارزیابی موجب می‌شود عناصر ضعیف‌تر کنار گذاشته شده و عناصر دیگری مهم شمرده شوند. بنابراین فرد به تفسیر تازه‌ای از عناصر هویت خود می‌رسد و در نهایت، هویت تغییر می‌یابد. پژوهشگران معتقدند (برای مثال Deffor and Rokeach, ۱۹۸۲) افرادی که متوجه می‌شوند بعضی از عناصر هویتی آنها به گونه‌ای طبقه‌بندی شده است که با تصور آنان از خودشان در تناقض است، دچار احساس نارضایتی از خود (Self-dissatisfaction) می‌شوند. همین احساس است که فرایند تغییر هویت را به جریان می‌اندازد و منجر به تغییر و تحول در نظام شخصیتی افراد می‌شود. این مسئله نوعی جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن ثانویه نامیده می‌شود. نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌های گروهی باعث ایجاد تغییر در نظام ارزشی افراد می‌شوند. این امر زمانی مهم‌تر جلوه می‌کند که میزان نفوذ و کارآمدی رسانه‌های نوین را در برابر ناکارآمدی رسانه‌های سنتی قرار دهیم. رسانه‌های نوین، ویژگی‌های خاصی دارند که آنها را به ابزاری قدرتمند و برجسته تبدیل کرده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- رسانه‌های جدید، رسانه‌هایی متعامل‌اند (Interactive) و از این رو، مخاطب مجبور است خود را با آنها درگیر کند. این مسئله باعث می‌شود که میزان تأثیرپذیری مخاطب و کیفیت آن متفاوت از الگوهای سنتی باشد.

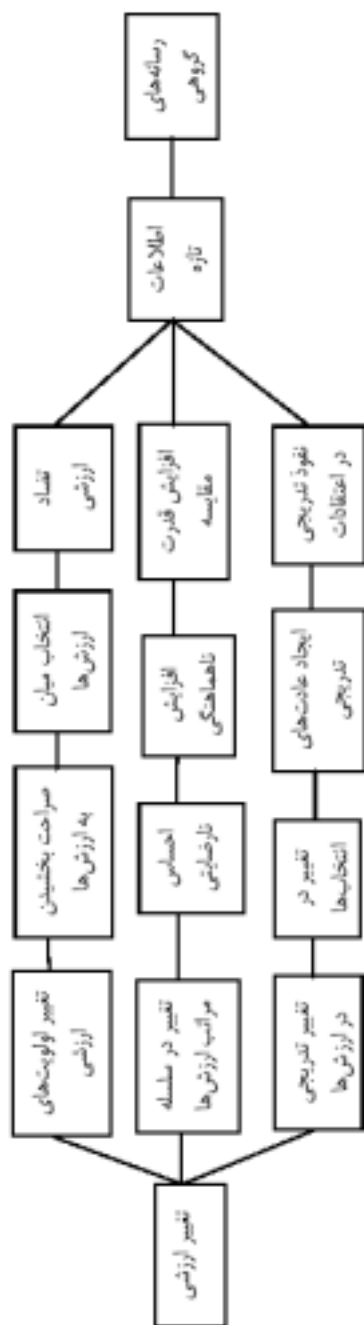
۲- رشد فناوری رسانه، قدرت انتخاب بسیار بالایی به مخاطبان داده است. اگر در گذشته، مخاطب فقط قادر به دریافت امواج رسانه‌های ملی یا منطقه‌ای بود؛ امروزه با گسترش فناوری پخش دیجیتال، امکان دریافت امواج تلویزیون‌های سراسر دنیا را دارد.

۳- مسئله جهانی شدن ارتباطات، بیش از پیش فرهنگ‌های ملی و محلی را هدف قرار داده است، قدرت رسانه‌های غرب و ناتوانی کشورهای در حال توسعه در رقابت با محصولات این رسانه‌ها موجب شده است فرهنگ آنان مورد هجوم قرار گیرد.

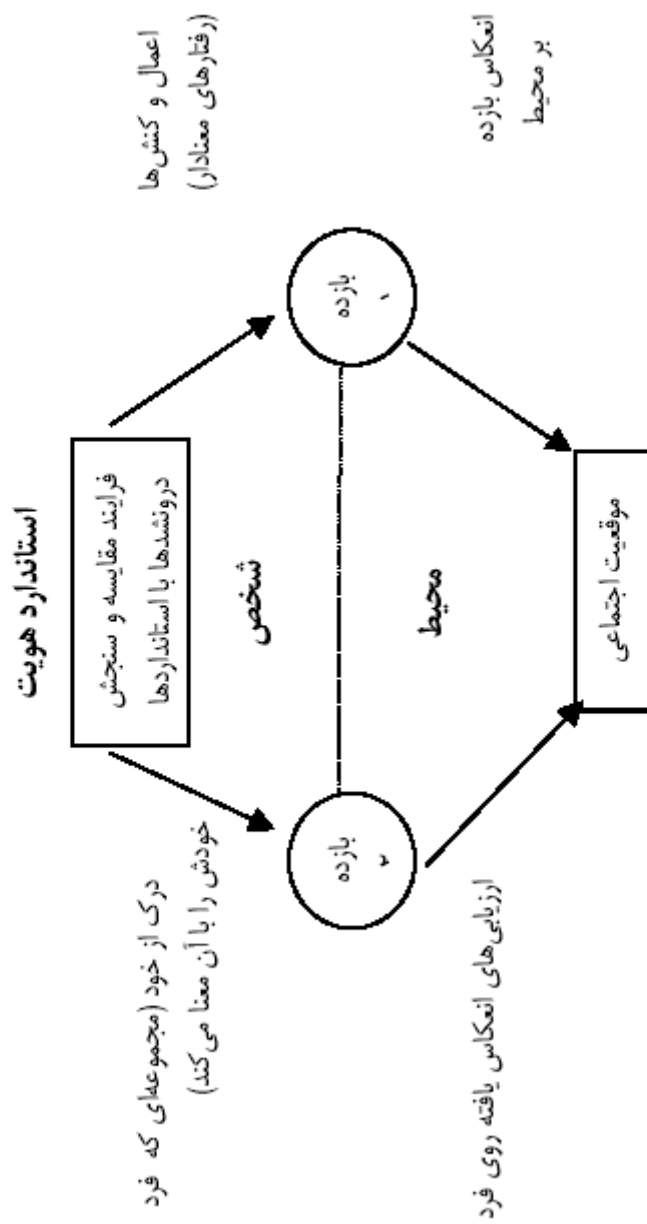
امروزه برای بسیاری از صاحب‌نظران این سؤال مطرح است که چرا در جامعه‌ای مانند جامعه ایران، نوجوانان و جوانان نسبت به فرآورده‌های غربی گرایش پیدا کرده و از مؤلفه‌های فرهنگ خودی روی گردان شده‌اند؟ چرا یک نوجوان یا جوان شیفته سبک لباس، آرایش و دیگر ویژگی‌های ستاره‌های سینمایی، تلویزیونی و ورزشی غربی می‌شود و چرا در مقابل یاد نگرفته است مطابق شأن و شخصیت یک جوان مسلمان ایرانی لباس به تن کند و یا اندیشه‌های والای مندرج در متون اسلامی و ادبیات کهن

و غنی فارسی را به کار گیرد؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی مستلزم پژوهش‌های متعدد است اما بی‌تردید نمی‌توان نقش رسانه‌ای فراملی را در ایجاد چنین وضعیتی نادیده گرفت. تلویزیون‌های ماهواره‌ای غرب برنامه‌های خود را به گونه‌ای سازماندهی و طراحی می‌کنند که در صورت پائین بودن جذابیت و کارآمدی رسانه‌های ملی، در کانون توجه مخاطبان قرار می‌گیرند و ضمن آن می‌کوشند به شیوه‌های گوناگون این نگرش را ترویج کنند که آنچه آنان ارائه می‌دهند پاسخگوی نیازهای جهانی و روانی - اجتماعی نوجوانان و جوانان است.

پویایی هویت، تحت تأثیر درونشدهایی است که وارد نظام هویتی فرد می‌شود. همان‌طور که در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود، فرایند هویت یک چرخه کامل است که در آن درونشدهای محیطی در نظام ذهنی فرد انعکاس می‌یابد و فرد بر مبنای این داده‌ها و اطلاعات خود را معنا می‌کند. درک فرد از خود در ارتباط با جامعه، با استانداردهای هویت شخصی مورد مقایسه و سنجش قرار می‌گیرد و بازده این سنجش، اعمال و رفتار معنادار فرد را تشکیل می‌دهد. هنگامی که این بازده در محیط یا موقعیت اجتماعی منعکس می‌شود، در واقع هویت فرد شکل می‌گیرد. نظام کنترل فرایند هویت از طریق اصلاح بازده یا رفتار متناسب با موقعیت اجتماعی عمل می‌کند تا درونشدها - ارزیابی‌های منعکس شده از بیرون - را برای سازگاری با استانداردهای داخلی اصلاح کند. حال اگر این سازگاری وجود نداشته باشد، نتیجه، انقطاع فرایند هویت می‌شود. به عبارت دیگر، درونشدهایی که جذب می‌شوند اگر با معنای شخصی و هویت افراد همخوانی نداشته باشند نوعی احساس فشار ایجاد می‌کنند که با افزایش آن، ناسازگاری نیز افزایش می‌یابد. با ورود این فشارها، بازده نظام هویتی نیز تغییر خواهد کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که شخص به دلیل ناسازگاری اطلاعات و درونشدهای دریافتی با محیط و موقعیت اجتماعی احساس فشار می‌کند و برای رها شدن از رنج و عذاب این فشار، رفتارش را تغییر می‌دهد. در نتیجه مجدداً به درونشدهای جدیدی روی می‌آورد که منجر به هویت تازه‌ای خواهند شد. امروزه رسانه‌های گروهی فراملی و فرافرهنگی نقش بسیار مهمی در فراهم آوردن درونشدهای ناسازگار با نظام هویتی افراد ایفا می‌کنند و با اطلاعاتی که با ارزش‌ها، هنجارها و مجموعه ویژگی‌های فرهنگی فرد متعارض است، موجب انقطاع هویت فرد شده و زمینه را برای پذیرش هویتی جدید فراهم می‌آورند.



نمودار شماره ۱- شیوه و ساز و کار رسانه‌های گروهی در تغییر ارزیابی
 به نقل از جواهری (۱۳۷۳).



نمودار شماره ۲- نظام کنترل فرایند هویت (به نقل از بروک ۱۹۹۱)

منابع:

- ۱- جواهری، فاطمه (۱۳۷۲). «تغییر ارزشی و ویدئو» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، تهران دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- رضایی بایندر، محمدرضا (۱۳۸۰). «بازنگری در امپریالیسم رسانه‌ای غرب»، مجله سروش، شماره‌های ۱۰۶۷ و ۱۰۶۸.
- 3- Bruk. Peter (1991) *"Identity Process and Social Stress"*, *American Sociological review*, Vol.5.
- 4- Braman, S. and Sreberny - mohammadi, A. (1997) , *Globalisation, Communication and Transnational Civil Society*, London : Sage Publication.
- 5- Deflor, M. and Rokeach, S, B. (1982), *"Theories of Mass Communication"*. Longman. U. S. A.
- 6- Downing, yohn etal, (1995). *"Questioning the Media"* 2nd edition. Sage Publication.
- 7- Golding and Harris (1997). *"Beyond Cultural Imperialism : Globalisation and New International Order"* (eds) London. Sage Publication.
- 8- Kluver,R.(2002). *"Globalization, Informatization and Intercultural Communication"* , Oklahoma City University.
- 9- Mohammadi.Ali.(1995) *"Cultural Imperialism and Cultural Identity"*. in *Questioning the Media*. London. Sage Publication.
- 10- Valle, C,A.(1997), *"Communication and Cultural Identity"*, *Media Development Journal*. Issue 1, (1997).
- 11- Wyn. Y and Whithe. R(1997), *"Rethinking Youth"*, London, Sage Publication.

ماهواره، جنگ و اتاق‌های نشیمن

کیومرث کلهر

کارشناس ارشد آموزش و ارتباطات

اشاره

از دهه ۹۰ به بعد، ماهواره شاهد خبررسانی از رویدادهای جهانی به کمک ماهواره‌ها بوده‌ایم. کار ویژه این تصاویر و «این که آنها با ما چه می‌کنند؟» دغدغه این مقاله است.

حوادث پس از ۱۱ سپتامبر، اقدامات نظامی گسترده پس از آن و تصاویری که به کمک گیرنده‌های ماهواره‌ای به اتاق‌های نشیمن سرازیر شده است، دستمایه‌ای است تا با مورد تردید قرار دادن واقعیت‌نمایی تصاویر ماهواره‌ای از ایجاد یک حس تعلیق، همانند آنچه در بازی‌های رایانه‌ای حاصل می‌شود، در تجربه جهانی شده «تماشا» با شما گفتگو شود.

سال گذشته، برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در آمریکا فرو ریخت و با فرو ریختن خود، جهان کهنه سیاست را به بازاندیشی نسبت به عملکرد خود در قبال تشکیلات، شبکه‌ها، حکومت‌ها و کشورهایی که ضدیتی آشکار و پنهان با غرب دارند، برانگیخت. کشورهایی که علی‌رغم هیبت و منزلت سیاسی رسمی و آشکارشان، در نهانکده اسرار، افعال، اقوال و باورها، چهره دیگری را می‌پرورند. شاخص‌ترین خطوط ملموس این چهره، کینه‌ای برانگیخته، سازمان یافته و به ظاهر ایدئولوژیک نسبت به جهان پیشرفته صنعتی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا است.

از همان آغاز حمله هوایی به شهرهای نیویورک، واشنگتن و پنسیلوانیا دوربین شبکه CNN آمریکا، بدون وقفه و لحظه به لحظه در یک نمایش حیرت‌انگیز و باورنکردنی دو ساعته، جزئیات تخریب این

برج‌ها و تهاجم به ساختمان پنتاگون را از طریق ترانسپاندرهای ماهواره‌ای به سراسر جهان مخابره کرد و تکرار آن را طی روزهای بعد بارها و بارها به نمایش درآورد.

در زیرنویس کلیه برنامه‌های خبری به مدت چند هفته، عناوین «جنگ با تروریسم» و «امریکا در جنگ» حک شد. این عناوین از همان آغاز با هدف برانگیختن افکار عمومی نسبت به قائل شدن حق دفاع و دفع دشمن برای امریکائیان، تصاویر را همراهی می‌کرد. در کمتر از چند ساعت پس از وقوع حادثه، طی اطلاعیه‌های رسمی، انگشت اتهام به سوی مسبب احتمالی این رویداد تروریستی نشانه رفت. به سوی کشوری در آن سوی جهان که هنوز در شرایط اقتصاد شبابی به سر می‌برد و حدود هفت سال بود که حاکمیت افراطی‌ترین جناح مذهبی مسلمان جهان را متحمل می‌شد، کشوری که زیر چکمه‌های استبداد یک تشکیلات تروریستی وابسته و تبهکار، مرزهای جدید سعیت انسان را در ویرانگری، ستم، خونریزی و عقب‌ماندگی تجربه می‌کرد. نام دو اسطوره سیاه یک جریان سیاسی واحد یعنی طالبان و بن‌لادن، همپای هم و همزمان به دهان افتاد و سناریوی نگارش یافته این بازیگران عرصه وحشت، قوی‌تر از هر فیلمنامه سینمایی، نشانه‌های جدیدی از رشد و تکامل تلاش‌های این گونه تشکیلات معاصر تروریستی را به نمایش گذاشت.

شواهد بیشتری نشان می‌داد که تلاش‌های تروریستی، دستیابی به سلاح‌های بیولوژیک و کشتار جمعی را هدف قرار داده‌اند و به همکاری پنهان با برخی کشورها امید بسته‌اند. از بین ۱۹ نفر از عاملان این اقدام وحشتناک تروریستی، ۱۵ نفر آنان تبعه کشوری بودند که از هم پیمانان صدوق امریکا در منطقه محسوب می‌شود و جایگاه سیاسی و موروثی شیوخ آن به برکت نیروی معنوی شهرهای مقدس مکه و مدینه و برخورداری از حمایت پیروان ایدئولوژی افراطی وهابیت به جایگاهی سیاسی - مذهبی تحول یافته است. آنان علی‌رغم ظاهر آرامشان در زیر عگال‌های عربی، به یمن برخوردار از دلارهای سرشار نفتی قادر به بسترسازی لازم برای رشد و حمایت از افراد و جریان‌هایی مانند بن‌لادن و طالبان‌اند که برای طرح اعتراض‌های خود به هیچ گفتمانی با جهان صنعتی باور ندارند و رادیکال‌ترین اپوزیسیون شبه مذهبی را در بر هم زدن قواعد بازی و نظم در این جهان تشکیل می‌دهند.

در هر حال، سکانس اول این فیلمنامه با فرمان کارگردان با نفوذ و اسطوره‌ای آن، یعنی بن‌لادن، در ساعت ۸/۴۶ دقیقه روز یازدهم سپتامبر آغاز شد، آن گونه که گویی قصه تاریخی پشه و نمرود دوباره تکرار شده است. یک هواپیمای بوئینگ با ۲۵۰ سرنشین که در فضای آبی شهر نیویورک و بر فراز

آسمان خراش‌ها باندازه یک پشه می‌نمود، مستقیم و بی‌تردید خود را بر دیواره برج‌های دوقلوی شهر کوبید و با فرو رفتن در ریه‌های تجاری این دو غول، پس از حدود دو ساعت به تخریب کامل آنها انجامید.

تأثیر و ترکش این سکانس آغازین پس از چند ماه بازارهای مالی و سرمایه‌ای جهان را به رکود و ورشکستگی کشاند و اثرات خود را بر اقتصاد امریکا و کل جهان صنعتی نشان داد. پیش‌بینی پیامدهای این حادثه عظیم برای جهان صنعتی به قدری ملموس بود که به ابعاد این بحران جنبه بین‌المللی بخشید و برای سقوط و هدم قهرآمیز شبکه جهانی القاعده و گروه طالبان، نوعی همپوشانی عملی میان منافع و مواضع بازیگران مختلف این حادثه پدید آمد. یک جغرافیای مشترک سیاسی با تمام تعارض منافع خود، با یکدیگر هم پیمان شدند و در مدتی کمتر از ۳ ماه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، نظام وحشت و ترور طالبانی را در هم کوفتند و حکومت جدیدی به جای آن بر سر کار آوردند.

به نظر می‌رسد از میان تمام تغییرات
نوظهوری که در مقوله و انگاره
بنا پیش آمده، جالب‌ترین مورد،
مسئله اتصال زنده تصاویر
ماهواره‌ای از محل رویداد و درگیری
به اتاق‌های نشیمن در سراسر جهان
است.

این طولانی‌ترین فیلم اکشن و غیرتخیلی عصر ما بود که طی آن، لحظه به لحظه ماهواره‌ها رویدادِ تهاجم، تخریب و تصرف پایگاه‌های «خوش‌آشام» را به درون خانواده‌ها می‌بردند و به نوعی، وفاق، همدلی و اشتیاق برای کشتن «دیو» را در میان مردم برمی‌انگیختند. عملکرد بن‌لادن و هوادارانش به شدت مورد تنفر افکار عمومی جهانی قرار گرفت. در شهرها و روستاهای اشغال شده فلسطین که تحت ستم مستقیم نیروهای اسرائیلی قرار گرفته‌اند و در شهرهای عراق که خردستیزی و احساس و اسطوره به هم درآمیخته‌اند، تظاهراتی محدود دال بر تأیید عملکرد «تروریست»‌ها در مقابل دوربین‌های شبکه‌های ماهواره‌ای صورت گرفت که در شرایط آن جو سنگین و پتانسیل تهمت و تهاجم جهانی، زمینه را برای اهانت به پیروان اسلام و تمدن تاریخی آن ایجاد کرد و فرصتی فراهم آورد تا نام چند کشور دیگر را نیز در کنار کشور عراق به عنوان «محور شرارت» در افکار عمومی جهان رقم بزنند.

گمان می‌رود تا زمانی که این مقاله به دست خوانندگان خود برسد، شاهد حمله دیگری از جانب آمریکا و هم‌پیمانانش به یکی از کشورهای به زعم آنان، محور شرارت باشیم و باز هم آنتن‌های ماهواره‌ها اخبار جدیدی را از یک جنگ دیجیتالی در اختیار جهانیان قرار دهند.

به نظر می‌رسد از میان تمام تغییرات نوظهوری که در مقوله و انگاره جنگ پیش آمده، جالب‌ترین مورد، مسئله انتقال زنده تصاویر ماهواره‌ای از محل رویداد و درگیری به اتاق‌های نشیمن در سراسر جهان است.

در همین جنگ افغانستان شما از لحظه نشانه‌گیری هدف، که از درون نمایاب (ویزور) دوربین یک جنگنده هوایی یا شاید یک ماهواره صورت می‌گرفت، تا مرحله اصابت و تخریب را به طور کامل می‌دیدید. این فرایند جدیدی در انعکاس اخبار جنگ است. هیچ قدرتی در کشور یا سرزمین هدف وجود ندارد که بتواند در مقابل این

هیچ بلاغت واقع‌گرایانه‌ای نمی‌تواند وضعیت ارتباطی جدید را تحت تسلط خود در آورد. تهییدات تصویری پر قدرتی که در مین وضع کردن واقع‌گرایی آن را سرنگون می‌کنند. نظام پیام‌رسانی دو سویه‌ای را شکل می‌دهند که از طریق آن، مسأ بودن در صحنه در وهله پیشینده شکل می‌گیرد.

حملات هوایی مقاومت کند و یا آن قدر انسجام و مرکزیت داشته باشد که مانع از فعالیت خبررسانی ماهواره‌ها و یا خبرنگاران زمینی شود.

خوب به یاد داریم که در حملات آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱، هنوز «اراده معطوف به قدرت» در صدام آن قدر بود که بتواند به راحتی مانع کار خبرنگاران رسانه‌ها، عکاسان و فیلمبرداران شود. هر چند او آگاهانه این کار را نکرد و حتی به مدت ۲ ماه پس از حملات هوایی بی‌رحمانه آمریکا، به آنان اجازه داد که در عراق بمانند و صدای مظلومیت مردمش را به گوش جهانیان برسانند اما به نظر می‌رسد که در جنگ‌های هزاره سوم دیگر این اختیارات و مظلوم‌نمایی‌ها از دولت‌های محلی مزاحم سلب شده است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با خیال آسوده، در حالی که روی به مخاطبان دارند و بک‌گراند (پس زمینه) تصویر آنان غوغای معركة جنگ را نشان می‌دهد، گزارش‌های گفتاری خود را از محل دقیق اصابت بمب‌ها و سطح تخریب آنها به سمع و نظر بینندگان جهانی برسانند. به نظر می‌رسد که حتی برای این تجربه جهانی شدن «تماشا» نیز قواعدی در حال شکل‌گیری است؛ از جمله این که تصاویر مرتبط با میزان تلفات انسانی و تخریب واحدهای مسکونی غیرنظامی تا حدی مشمول قواعد سانسور و خطوط

قرمز خبررسانی واقع می‌شود. اصرار بر این است که تصویر پاستوریزه جنگ در ذهن بینندگان با اطلاعات مزاحم و یا تحریک جنبه‌های عاطفی آلوده نشود. تصور جنگ در اتاق نشیمن باید هر چه تمام‌تر شبیه یک بازی رایانه‌ای باشد. مهم دکمه‌ای است که به هنگام نشانه‌روی بر روی هدف چکانده می‌شود تا تماشاچی را یکسره در تعلیق یک بازی رایانه‌ای غرق کند.

تصاویر جدید ماهواره‌ای نه تنها افکار ضدی و عمومی را مهت می‌دهند بلکه نوع احساسات تماشاچی را هم رنگ می‌زنند.

در همین جنگ افغانستان، به طور زنده (Live) شاهد عملکرد گسترده تخریب هواپیماهای نظامی در روی زمین و یا درون غارها و پناهگاه‌ها بودیم، اما در اغلب موارد برای حفظ اخلاق رسانه‌ای! از دیدن کله پاچه‌های درب و داغان معاف می‌شدیم و فقط گاه‌گاهی فیض حضور در جنگ را به طور کامل به ما می‌دادند تا از طریق یک نمای نزدیک (Close up) به رأی‌العین تکه پاره‌های اجساد نفرت دشمن را باور کنیم و به کارایی و تأثیر این سلاح‌ها آفرین بگوئیم.

دوستی تعریف می‌کرد در همین تهاجم اخیر اسرائیل به فلسطین که با سوء استفاده از جو ضدتروریسم جهانی آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد، در یک اقدام طنزآمیز و سمبلیک، یک عکس ماهواره‌ای از خانه کودکی الیعذر (Eliezer) - رئیس ستاد جنگ اسرائیل - را که در یکی از کوچه پس کوچه‌های اصفهان قرار داشته به وی هدیه دادند! بنابراین هر چند که در حوزه خبررسانی امروز امکان ارسال بی‌کم و کاست، زنده و همزمان تمامی اطلاعات مربوط به جنگ میسر است، خبرگزاری‌ها به دلایلی از انجام این کار سرباز می‌زنند و صرفاً به کمک فن‌آوری‌های دیداری و شنیداری جدید، آن قدر اطلاعات زنده و داغ به اتاق‌های نشیمن سرازیر می‌کنند که بیننده احساس می‌کند در صحنه حضور دارد و از نظر فکری و سوگیری عاطفی با جریان عملیات، موافقت خود را هم چنان محفوظ نگاه می‌دارد.

رسانه‌هایی که تئاتر جنگ را به صورت تئاتری درباره جنگ در می‌آورند، در همین جنگ افغانستان نیز «نمایش آشکار و بی‌پرده از واقعیات ارائه ندادند و ما حتی فرصت نیافتیم که فکر کنیم چگونه می‌توان بمب‌های ۱۰ هزار دلاری را بر روی خانه‌های ۱۰۰ دلاری فرو ریخت! در شیوه جدید اطلاع‌رسانی، با روش‌های ظریف و نامحسوس زبان تصاویر را تغییر شکل می‌دهند. هیچ بلاغت واقع‌گرایانه‌ای نمی‌تواند وضعیت ارتباطی جدید را تحت تسلط خود درآورد. تمهیدات تصویری پر قدرتی که

در حین وضع کردن واقع‌گرایی آن را سرنگون می‌کنند، نظام پیام‌رسانی دو سویه‌ای را شکل می‌دهند که از طریق آن، حس بودن در صحنه در وجود بیننده شکل می‌گیرد».

برخلاف جنگ‌های گذشته (جنگ جهانی دوم، جنگ کره و ویتنام و ...) که خبرنگاران می‌کوشیدند خبرها را با صدای یک راوی دانای کل (Omniscient Narrator) یا مشاهده‌گر المپیایی گزارش دهند، خبرنگاران جدید یا از بالکن خانه‌ای که به آنان اختصاص دارد و یا در نمای ثابت خیابان روبه‌روی محل

استقرارشان و گاه در حالی که با ماسکی بینی خود را پوشانده‌اند و زیپ جلیقه‌هایشان را از زیر چانه تا بالا کشیده‌اند، دست در جیب و با آرامش کامل، لحظه برخورد بمب را با خانه‌ها و یا تأسیسات نظامی و غیرنظامی گزارش می‌کنند. در اینجا، تصویر تلویزیونی ظاهرسازی را با راست‌نمایی و غیرواقع را با صمیمیت در هم می‌آمیزد. در حالی که بیننده به راحتی در خانه‌اش نشسته است و از طریق صفحه تلویزیون یا مانیتور به گفته‌های خبرنگاری با او

وینگ‌های جدید که به ظاهر تلذات انسانی ندارند. اسیر هم ندارند. وینگ دیجیتال این امکان را به ما داده است که دیگر صفا طولانی سپاه شگفت فورده اسپار تا قوس را که به اسارت کراسوس در آمده است شاهد نباشیم.

چهره آشنا گوش می‌دهد که با لحن اطمینان‌دهنده‌ای با او صحبت می‌کند. در تصویر بعدی، سربازان پیاده نظام را می‌بینیم که با وسایل غیرآشنای رزم انفرادی، مکان‌یاب ماهواره‌ای Global Positioning Satellite/GPS (که در هر لحظه موقعیت جغرافیایی او را به مرکز فرماندهی گزارش می‌کند)، ماسک‌ها و سلاح‌های نامأنوس، بی‌آن که خاکی بر کلاهخود یا لکه سیاهی بر گونه‌هایشان افتاده باشد، با اطمینان در سرزمین ناآشنا قدم برمی‌دارند تا کسانی را که پس از این بمباران‌های مهیب کمترین شانسی برای زنده ماندن داشته‌اند از پای درآورند و منطقه را به طور کامل از وجود دشمن جاروب کنند. البته رفتارهای اصلی از همان مردم محلی تأمین می‌شوند که کارگران مرگند و سرباز امریکایی فقط پس از پیروزی حمله تهاجمی سر و کله‌ای نشان می‌دهد تا پیروزی را به نام خود ثبت کند. زمان برای جبهه جنگ تفاوتی ندارد. برای حمله، چه شب و چه روز دید کاملی از منطقه وجود دارد. ماهواره‌ها کمترین جابه‌جایی نیروهای دشمن را حتی در تاریکی گزارش می‌کنند. در میان وسایل رزم‌انفرادی نیروهای خودی، دوربین‌های مادون قرمز با توانی چند برابر دید انسان در شب، وجود دارد که صحنه گسترده و تاریک منطقه جنگ را برای جنگاور به خوبی تصویر می‌کند. نمایش‌های عملیات آفندی رزم شبانه مستقیماً بر آنتن‌های ماهواره‌ای قرار می‌گیرند و برای

بینندگان خانگی ارسال می‌شوند. چهره‌های فرماندهان خون و جنگ و آتش را با آرامش و بدون هیچ التهابی در قاب تلویزیون می‌بینیم که در حال جابه‌جا کردن گره‌کراوات، بینندگان خانگی را از توفیق عملیات مطمئن می‌سازند. اطلاعات بسته‌بندی شده و قالبی در قطعات سهل‌الوصول و جدا از هم، هماهنگی کلی عرصه‌های سیاسی و نظامی را با یکدیگر و با صحنه اصلی رویداد نشان می‌دهند. در تصویر بعدی، سیاستمدارانی را می‌بینیم که با چهره‌ای حق به جانب، ضمن ارائه ترازنامه‌ای از فعالیت‌های

انجام شده از اقدامات بعدی و آتی خود با مردم و دشمن سخن می‌گویند. در مدت زمان کوتاه صحبت‌های حساب شده و از روی نوشته این شخصیت‌های سیاسی و در حالی که این ضیافت صمیمانه خبری ادامه دارد، باز هم هزاران صفحه اطلاعات و تصاویر جدید دیگر از صحنه‌های نبرد بر روی دوربین‌ها، سیم‌های مخابراتی، مودم‌ها و آنتن‌های ماهواره‌ای قرار می‌گیرند تا خوراک نوبت بعدی خبر آماده شود. در تمام این لحظات، تلویزیون می‌کوشد با گذاشتن بیننده بر دماغه موشک و به پرواز

در آوردن وی به سوی هدف، چنان که گویی با مشت‌های سوپرمن در حال تکه‌تکه کردن دشمن است، فرایند اعتمادسازی و مجاب کردن ذهن بیننده را درباره مؤثر بودن جنگ هوایی به پیش ببرد. هر تصویر یا کلامی به گونه‌ای مقاومت‌ناپذیر متقاعدکننده است و کارایی تدابیر و تجهیزات را به طور کامل نشان می‌دهد. گویی همگان در بازی جنگ شرکت دارند و تجربه واحدی را در انهدام دشمن دنبال می‌کنند. وقتی که گرای مکان مورد نظر روی صحنه تلویزیون به صورت یک دایره و یک علامت به اضافه (+) در مرکز آن، نشان داده می‌شود و پس از مدت کوتاهی اغتشاش در زمین و در تصویر مکان هدف می‌بینیم، دیگر حتم داریم که بازی رایانه‌ای به خوبی پیش می‌رود. جالب اینجاست که بیننده هرگز به محل اصابت موشک برده نمی‌شود. تصاویر به او اجازه نمی‌دهند که در این حس تعلیق پا به دنیای واقعی بگذارد و با تکه پاره‌های اجساد مواجه شود زیرا بیم آن می‌رود که در وجود او، نیروهای بازدارنده روانی (inhibition) نسبت به اهداف این جنگ و جنبه الزام یا تقدس آن زنده شود. نیروی فراواقع‌گرایی بازی رایانه‌ای او را مسحور خود می‌کند. تصاویر عموماً پانوراما هستند و نماهای نزدیک - که عملکرد تلویزیون عمدتاً متکی بر این گونه نماهاست - حذف می‌شوند. تصاویر هرگز نشان نمی‌دهند که بمب‌ها بر مدرسه،

**بندگ‌های فعلی اسطوره و
قهرمان ندارند. دیگر از ژنرال‌های
کلاسیک با مدال‌های سراسر بر سینه
فیری نیست. هیچ سیاستمداری که
ضرایب بندگ را تا انتها مهابت کرده
است به عنوان یک قهرمان میهنی
شأنی نمی‌شود.**

محل عروسی و یا یک هدف نظامی فرود آمده‌اند. اگر تصاویری هم در این گونه موارد نشان داده شوند امکان برقراری ارتباط با آن نشانه روی دایره و علامت + به سادگی میسر نیست.

تصاویر جدید ماهواره‌ای نه تنها افکار فردی و عمومی را جهت می‌دهند بلکه نوع احساسات تماشاچی را هم رنگ می‌زنند. جریان یک سویه اطلاعات می‌تواند به شیوه‌ای کاذب بیننده را به ظاهر در اقیانوسی از واقعیت غرق کند. حال آن که واقعیت این است که تصاویر حقایق را بسیار کمتر از گذشته منعکس می‌کنند. دیگر نوارهای به دست آمده از بن‌لادن با وجود آن که به کرات نمایش داده می‌شوند و تو با گوش خود صدای او را که در جهت تقدیس اهدافش سخن می‌گویی، می‌شنوی نمی‌تواند باوری در تو ایجاد کند زیرا به یمن تمهیدات ویدئویی و رایانه‌ای امکان هر نوع دستکاری در تصاویر وجود دارد. برای تو همین باقی می‌ماند که ذهن خود را در مقابل وسواس مکاشفه‌ی واقعیت خاموش کنی و آسوده خیال تن به دیدن یک بازی رایانه‌ای بدهی و یک جنگ بهداشتی و بدون تلفات واقعی را تماشا کنی.

جنگ‌های جدید که به ظاهر تلفات انسانی ندارند، اسیر هم ندارند. جنگ دیجیتالی این امکان را به ما داده است که دیگر صف طولانی سپاه شکست خورده‌ی اسپارتاکوس را که به اسارت کراسوس در آمده است شاهد نباشیم.

در جنگ دیجیتالی جدید که جنگ با «شبکه» است، صحنه جنگ به همان جغرافیای محدود عملیات تصاویر تلویزیونی محدود نمی‌شود. گستره‌ای از اقدامات غیرنظامی اطلاعاتی و مالی نیز همزمان در سراسر جهان صورت می‌گیرد تا گلوگاه‌های استراتژیک دشمن فشرده شده و باتری‌های حیات آن خشکانده شود. طراحان جنگ جدید خود را به شمارش اجساد سرگرم نمی‌کنند. برای آنان تعداد حملات مهم است نه تعداد کشته‌شدگان و اسرا. آرمان افزایش کمیت اجساد دشمن، آرمان جنگ‌های مکانیزه است، در حالی که در جنگ شبکه‌ای به توقف و انهدام گردش اطلاعات بیشتر توجه می‌شود. ما طی مدت دو ماه تماشای مستقیم صحنه‌های جنگ، به ندرت چهره‌ی یک کماندوی اسیر طالبانی را بر صفحه تلویزیون مشاهده کردیم، زیرا نشان دادن خفت و ذلت آنها آن قدر هدف هیستریک قدرت جنگی حاضر نیست که نشان دادن فروپاشی شبکه‌ی اطلاعات و ارتباطات تبهکارانه آنها. ماه بعد که یک دولت ملی را روی کار می‌آورند همان سرباز طالبانی را دوباره استخدام می‌کنند تا به منظومه‌ی نظامی سیاسی جدید خدمت کنند. از این رو، هیچ زندان و سیاه چاله‌ای برای سیاهی لشکر نظام ساقط شده قبلی تدارک دیده نمی‌شود. همان سرباز با حقوق و مزایای جدید به خدمت دفاع از کیان نظام گمارده‌ی جدید در می‌آید.

جالب این است که جنگ‌های فعلی اسطوره و قهرمان ندارند. دیگر از ژنرال‌های کلاسیک با مدال‌های سراسر بر سینه خبری نیست. هیچ سیاستمداری که فرایند جنگ را تا انتها حمایت کرده است به عنوان یک قهرمان میهنی شناخته نمی‌شود. آمارها نشان داده‌اند که ۵۰ درصد از پاسخگویان از بوش و ۷۵ درصد از بن‌لادن متنفر بوده‌اند (به نقل از سیمای جمهوری اسلامی - دوشنبه ۸۱/۶/۱۱ - اخبار ساعت ۱۴)!

در عصر ماهواره‌ها نگاه‌ها شکسته‌اند و ایدئولوژی مرده است هر چند که سر و صدای آن زیاد است. عقلانیت ایزاری به سرباز می‌گوید دیروز در خدمت آن و امروز که از جنگ به سلامت رسته‌ای در خدمت این. دیگر به سختی می‌شود مفاهیم دنیوی شده را جنبه تقدس و آرمانی بخشید و سربازها را با ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی سرگرم کرد. این فقط در مورد سرباز صادق نیست. تماشای نیز گرفتار این تزلزل‌هاست، چرا که او خود، شبه سربازی است شرکت کرده در جنگ، آن هم از نزدیک و در اتاق نشیمن! تردیدها اگر در باورهای بنیادین سرباز جا افتاده است، در او که بیننده مستمر هر روزه صحنه‌های جنگ و جا به جا شدن دولت‌ها و قدرت‌ها از درون قاب تصویر است، مدت‌ها پیش آغاز شده است.

منابع

- تاجیک، محمدرضا. «بگذار افغان خود سخن بگوید»، **همشهری**، سال اول، دی ۱۳۸۰.
- پاک‌نظر، ثریا. «جنگ‌های مجازی و جنگ‌های اینترنتی»، **نشریه web**، آذر ماه ۱۳۸۰.
- صالحیار، غلامحسین (ترجمه). **عصر دوم رسانه‌ها**، مارک پاستر، انتشارات مؤسسه ایران، ۱۳۷۷.
- واعظی، حسن. «تروریسم»، **سروش**، تهران، ۱۳۸۰.
- تقا، احمدرضا. «**جنگ پست مدرن و سیاست نوین درگیری**»، کریس هیلزگری، دانشکده فرماندهی سپاه، تهران، ۱۳۸۱.

شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خبر: مخاطبان و تغییر فرایندهای اجتماعی

دکتر امید مسعودی

مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار

اشاره

رشد چشمگیر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و پخش شبانه‌روزی اخبار از این شبکه‌ها، فضای تازه‌ای را پیش روی میلیون‌ها مخاطب در جهان گشوده است.

مخاطبان ناآگاه بدون دستیابی به شناخت شیوه‌های خبری این شبکه‌ها، بر نقاط منفی آنها چشم پوشیده‌اند و تنها آثار مثبت این شبکه‌ها را درک می‌کنند؛ تنها با شناخت دقیق این شیوه‌هاست که هر مخاطب می‌تواند نسبت به میزان اعتمادی که شبکه‌های خبری ماهواره‌ای شایسته آنند تصمیم بگیرد؛ از این رو نگارنده در این مقاله، به بررسی هفت شیوه خبری این شبکه‌ها پرداخته است.

وی همچنین کوشیده است تا ضمن پذیرش رشد ستابنده فناوری تولید خبر در جهان معاصر، به روند شکل‌گیری اخبار و تأثیرات فرهنگی - اجتماعی آن نیز بپردازد. همچنین، نقشی که شبکه‌های ماهواره‌ای در تشدید یا تقویت فرایندهای اجتماعی مانند کشمکش، توافق، همگونی و رقابت به عنوان ارزش‌های اجتماعی، در دو حوزه ملی و فراملی دارند مطرح نظر قرار گرفته است.

مقدمه:

فناوری ماهواره طی دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ از رشد فزاینده‌ای برخوردار بود. بر اساس جدول زیر که از گزارش معروف «کمیسیون مک‌براید» در سازمان یونسکو گرفته شده است، این رشد در دو سیستم ماهواره بین‌المللی اینتلسات (Intelsat) در کشورهای غربی و ماهواره بین‌المللی اینتراسپوتنیک (Intersputnik) برای کشورهای سوسیالیستی نشان داده شده است:

Intelsat		
سال	کشورهای دارای آنتن	اجاره‌ای
۱۹۶۵	۵	۱۵۰
۱۹۷۰	۳۰	۴۲۵۹
۱۹۷۵	۷۱	۱۳۳۶۹
۱۹۷۹	۱۱۴	آمار در دسترس نیست

Intersputnik		
سال	کشورهای دارای ایستگاه‌های زمینی	نوع ماهواره
۱۹۷۳	۳	Molnia-2 and
۱۹۷۵	۶	Molnia-3
۱۹۷۹	۹	Stationar
۱۹۸۰	۱۲	Stationar

مأخذ:

Intelsat Annual, Report, 1979 and Documents from Intersputnik, 1979, reported in MacBride, Many Voices, One World, P.62.

همانگونه که مشاهده می‌شود ماهواره‌های اجاره‌ای از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ میلادی یعنی در فاصله ۱۰ سال، از ۱۵۰ مورد به ۱۳۳۶۹ مورد رسیده است که یک رشد نجومی را در این عرصه نشان می‌دهد.

«از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۹، ۲۱۰۰ ماهواره به فضا پرتاب شده است. اگر چه بیش از دو سوم ماهواره‌هایی که در مدار قرار دارند برای مقاصد نظامی به کار گرفته شده‌اند، از ماهواره در کشاورزی، فضانوردی، بانکداری، بازرگانی، معدن، هواشناسی، دریانوردی و سرگرمی نیز استفاده می‌شود. ۱۲۰ کشور از ایستگاه‌های زمینی مرتبط با ماهواره برای ارتباط استفاده می‌کنند. در سال ۱۹۷۸، حدود ۷۰ درصد از یک میلیارد تماس تلفنی به وسیله ماهواره برقرار شده است» (جیمزاستور، ۱۳۷۵، ص ۱۳۲).

رشد سیستم‌های ماهواره‌ای در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم به اندازه‌ای است که تقریباً بیشتر کشورهای جهان از پوشش تصاویر ماهواره‌ای در زمینه‌های مختلف، استفاده می‌کنند و این بهره‌برداری به آن اندازه دارای اهمیت است که به جرأت می‌توان گفت ادامه حیات جوامع امروزی بدون بهره‌مندی از خدمات ماهواره‌ای امکان‌پذیر نیست. یک نمونه از این ضرورت، استفاده از مکالمات تلفنی ماهواره‌ای است.

دیدگاه مخاطبان درباره تلویزیون‌های ماهواره‌ای

برای بررسی جنبه‌های مثبت و منفی دریافت تلویزیون‌های جهانی در آسیا و ایران، به دو پژوهش در سطح منطقه‌ای و ملی اشاره می‌کنیم.

در سطح منطقه‌ای به پژوهش پلاس ان لی (Paul.S.N.Lee) و جیمز اف - کینی (James F.Kenny) می‌پردازیم که از طریق مقایسه محتوای برنامه‌های تلویزیونی و عکس‌العمل مخاطبان آن در هند، مالزی، فیلیپین، هنگ کنگ و ژاپن مسئله تأثیر تلویزیون‌های جهانی بر فرهنگ‌های محلی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین ارزش‌های منفی به تصویر کشیده شده و درک مخاطبان محلی از آن ارزش‌ها نیز به عنوان میزان تأثیر بر جوامع مورد نظر در پژوهش فوق بررسی شد.

این بررسی در سال ۱۹۹۲ و با برخورداری از کمک بنیاد مالی ژاپنی هوسو (Hoso Bunka Foundation Inc.) آغاز شد. در ابتدا، پژوهشگران از سه کشور هند، ژاپن و مالزی گرد هم آمدند، سپس پژوهشگرانی از هنگ کنگ و فیلیپین به آنها پیوستند. یادآوری می‌شود که سه کشور دارای مذاهب متفاوت در این تحقیق بررسی شدند. هندو در هند، اسلام در مالزی و کاتولیک در فیلیپین، مذاهب رسمی هستند.

یافته‌های این تحقیق جالب توجه است: «اگرچه پاسخ‌دهندگان آسیایی به وجود برخی اثرات منفی تلویزیون‌های جهانی پی برده‌اند، اما اکثریتی از آنان معتقدند که اثرات مثبت این تلویزیون‌ها بر اثرات منفی آن فزونی دارد» (ان‌لی، ۱۳۷۸، صص ۹۲ و ۹۳).

از دیگر یافته‌های این تحقیق آن است که در کشورهایی که سانسور اعمال می‌شود، تلویزیون‌های جهانی ارزش‌های سازگارتر با فرهنگ محلی را نشان می‌دهند.

در مورد برنامه‌های خبری و اطلاع‌رسانی، مخاطبان هندی فیلم‌های داخلی را بر خارجی ترجیح می‌دهند، مالزیایی‌ها از برخی فیلم‌های غربی لذت می‌برند، حال آن که مخاطبان فیلیپینی برنامه‌های خبری و اطلاع‌رسانی خودشان را بهتر می‌دانند.

همچنین مخاطبان آسیایی به وجود برخی ارزش‌های زیان‌بار از قبیل سکس و خشونت، در تلویزیون‌های جهانی آگاه هستند، اما

به خطرناکتر بودن تلویزیون‌های جهانی نسبت به تلویزیون آسیایی (که خود حاوی ارزش‌های منفی بسیار است)، اعتقادی ندارند.

نکته جالب توجه دیگر آن که به عقیده پاسخگویان نشان دادن ارزش‌های منفی در تلویزیون‌های جهانی یا تلویزیون محلی به مالکیت کانال تلویزیونی مورد نظر مربوط می‌شود. احتمال نشان دادن ارزش‌های مغایر با فرهنگ‌های محلی در کانال‌های تحت مالکیت خارجی، بیشتر است و این درست به معنای تأیید نظریه داگلاس گومری (Douglas Gomery) است که صاحبان رسانه‌ها در هدایت بازار مصرف و انتقال ارزش‌های فرهنگی خود به مخاطبان جهانی نقش انکارناپذیری دارند. وی فهرستی از ۲۰ شرکت مهم خبررسانی جهان و صاحب نشان را تدارک دیده است که در اینجا برای شناخت بیشتر این شرکت‌ها به طور کامل ارائه می‌شوند (گومری ۲۰۰۰، ص ۲۵۱).

**پهیدگی خرابند تولید آگاهی و
خرهنگ. همراه با پهیدگی‌های
خن تولید پیام کن با آمیفتن در
صدا و تصویر باز هم پهیده‌تر
می‌شود. مخاطبان ماهواره‌ها را از
شافت هتوای پیام و اثرات منفی
آن باز می‌دارد.**

The Top 20 Cable Networks and Their Owners, 1998

Households with Access	Owner(s)	Cable Network
75,300,000	TCI, Cox, Newhouse	1. Discovery Channel
75,000,000	Time Warner	2. TBS
74,100,000	Major MSOs	3. C-SPAN
73,000,000	News Corp	4. Fox Family Channel
73,000,000	Disney	5. ESPN
73,000,000	Time Warner	6. CNN
72,500,000	Disney, Hearst	7. Lifetime
72,400,000	Time Warner	8. TNT
72,000,000	Disney, Hearst, NBC	9. A&E
71,600,000	Landmark Communications	10. The Weather Channel
69,800,000	Time Warner	11. CNN Headline News
69,677,000	Seagram	12. USA Network
69,400,000	Viacom	13. MTV
69,000,000	NBC, Cablevision	14. AMC
67,500,000	TCI, Cox, Newhouse	15. The Learning Channel
67,412,000	Comcast, TCI	16. QVC
67,000,000	Viacom	17. Nickelodeon
66,600,000	Time Warner	18. TNT
64,500,000	Viacom	19. VH1
64,000,000	NBC, Dow Jones	20. CNBC

Source: National Cable Television Association, on Web site at www.ncta.com/glance.html, accessed July 1, 1999.

تحقیق دیگری در سطح ملی در کشورمان ایران و در سال ۱۳۷۸ توسط مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی تحت عنوان «نظرسنجی از شهروندان تهرانی درباره ماهواره» در سطح مناطق بیست و دو گانه شهر تهران انجام شد که در مجموع یک هزار و ۱۴۳ نفر شامل ۵۶۹ مرد و ۵۷۴ زن به پرسش‌های محققان پاسخ دادند.

از پاسخگویان پرسیده شد: «در مقایسه با دو سال گذشته، گرایش مردم به ماهواره چه تغییری کرده است؟»

از جمع ۱۰۷۷ نفری که به این پرسش در پاسخنامه، پاسخ داده‌اند (۳۶ نفر پاسخ نداده‌اند) ۱۵۵ نفر (۴/۱۴ درصد) معتقدند این گرایش خیلی بیشتر شده است، ۴۷۹ نفر (۴۴/۵ درصد) معتقدند بیشتر شده است،

۲۹۸ نفر (۲۷/۷ درصد) معتقدند گرایش فرقی نکرده است، ۱۲۷ نفر (۱۱/۸ درصد) پاسخ داده‌اند که کمتر شده است و ۱۸ نفر (۱/۷ درصد) معتقدند گرایش به ماهواره در دو سال اخیر (از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ شمسی) در تهران، خیلی کمتر است.

در مورد نگرش پاسخگویان دربارهٔ آثار و پیامدهای ماهواره، ۷۸ درصد آنان معتقدند رواج ماهواره به شمار بینندگان تلویزیون داخلی لطمهٔ بسیاری می‌زند و فقط ۸ درصد معتقدند که لطمهٔ چندانی ندارد. ۴۸ درصد پاسخگویان معتقدند ماهواره بر مصرف کالاهای فرهنگی داخلی لطمهٔ فراوانی می‌زند و ۲۶ درصد پاسخگویان معتقدند تا حدی لطمه می‌زند.

دلایل منفی ماهواره نزد پاسخگویان چنین است:

بودن معتقد است در شرایط
تکنی رسانه پیام است و این
واقعیت هم به معنای مرگ
پیام است و هم به معنای
مرگ رسانه.

۱- انحراف اخلاقی (۳۸/۵ درصد)

۲- انحراف جوانان (۳۰/۱ درصد)

۳- ناسازگاری با فرهنگ (۱۷ درصد)

۴- رواج مدهای گوناگون (۶/۷ درصد)

۵- تزلزل خانواده (۳ درصد)

۶- اتلاف وقت (۲/۷ درصد)

۷- مغایرت با ارزش‌های دینی (۲ درصد)

همچنین دلایل مثبت بودن ماهواره در نزد پاسخگویان به این شرح است:

۱- افزایش توانمندی علمی، فناوری و یادگیری زبان (۴۳ درصد)

۲- افزایش اطلاعات عمومی و آگاهی (۲۴ درصد)

۳- ایجاد فرصت‌های سرگرمی (۱۵ درصد)

۴- آشنایی با فرصت‌های دیگر (۱۴ درصد)

۵- استفاده از برنامه‌های ورزشی (۴ درصد)

پاسخگویان برای پیشگیری از اثرات سوء ماهواره پنج راه‌حل پیشنهاد داده‌اند:

۱- فراهم‌سازی امکانات گذران اوقات فراغت برای جوانان (۵۲/۷ درصد)

۲- جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره (۲۹/۵ درصد)

۳- ساخت فیلم و سریال‌های جذاب تلویزیونی (۳۹/۷ درصد)

۴- آموزش مردم برای استفاده درست از ماهواره (۳۴/۸ درصد)

۵- نظارت خانواده‌ها بر گذران اوقات فراغت جوانان (۳۲/۶ درصد)

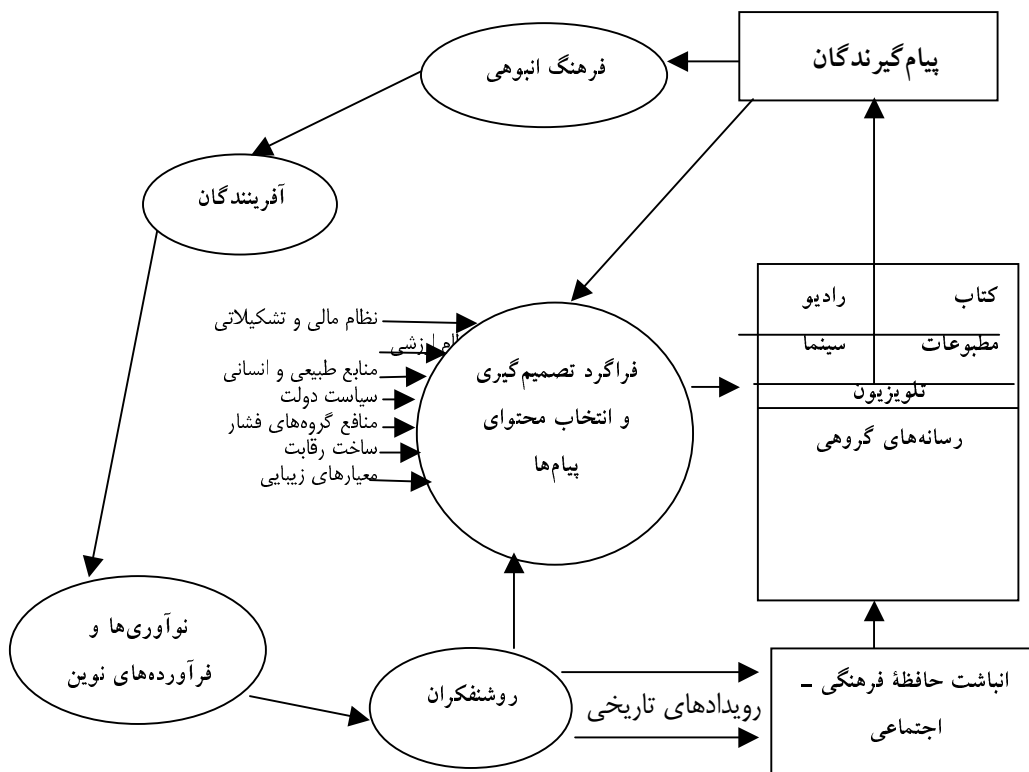
(مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی، ۱۳۷۸، صص ۴۴ تا ۶۵)

به نظر می‌رسد در هر دو تحقیق در سطح منطقه‌ای و ملی جای یک بخش خالی است و آن طرح این پرسش بود که مخاطبان تا چه اندازه به ترفندها و شگردهای برنامه‌های خبری و سرگرمی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای آشنا هستند.

همان گونه که ملاحظه شد چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح ملی، در هر دو تحقیق، پاسخگویان معتقدند ماهواره جنبه‌های مثبت و منفی را با هم دارد. در این دو تحقیق، اثرات منفی اجتماعی و فرهنگی ماهواره بر مخاطبان برجسته شده بود، در حالی که اثرات منفی آموزشی ماهواره بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از دیگر اثرات منفی آن است؛ زیرا مخاطبان با شیوه‌های کارکردی برنامه‌های آموزشی و تفریحی شبکه‌های ماهواره‌ای آشنا نیستند و در این راه لازم است از سوی مراکز علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی آموزش‌های لازم به عموم مردم داده شود.

به افباری که برای تولید آنها از قبل قرار و مدار گذاشته می‌شود. «شبکه فبر» می‌تواند و به این ترتیب، همان قدرتی که قادر به ساختن یک رویه پدید قابل مقابله است. قادر به ترمیم‌سازی برای مقابله هم می‌شود.

این نوشته نمونه‌هایی از کارکرد منفی تولید و پخش خبر توسط شبکه‌های ماهواره‌ای را بر می‌شمرد، اما پیش از آن لازم است با روند آگاه‌سازی وسایل ارتباط جمعی و شیوه تولید خبر و تأثیر آن بر فرهنگ جامعه، آشنا شویم. به همین منظور، برای نشان دادن تولید پیام در حوزه اجتماعی از مدل معروف «آبراهام مولز» (Abraham Moles) اندیشمند فرانسوی استفاده می‌کنیم:



علی اسدی استاد جامعه‌شناسی و ارتباطات در توضیح این مدل می‌نویسد: «رادیو و تلویزیون و سایر وسایل پیام‌رسانی، سازنده پیام‌هایی مانند فرآورده‌های هنری، تأثیری یا نمایشی، موسیقی سنتی یا جدید، اخبار و غیره هستند. پیام‌هایی که حوزه اجتماعی را بارور می‌کند و به طور تصادفی در ذهن گیرندگان می‌نشیند و بازتاب آن در ذهن افراد - به ویژه نخبگان - جامعه را به آفرینش اندیشه‌های تازه یا آثار هنری یا آگاهی و تحول وا می‌دارد. مراحل آفرینش از این قرار است:

الف - پیشرفت فرهنگ، ناشی از استعداد آفرینش است که نزد تمام افراد جامعه دیده می‌شود، ولی اساساً در نخبگان بیشتر به چشم می‌خورد.

ب - نخبگان جامعه، یک قشر اجتماعی را تشکیل می‌دهند که دارای امکانات برقراری ارتباط و بحث و گفتگو مانند: مجلات و نشریات علمی و فنی و سمینارها و غیره هستند.

پ - رسانه‌های بسیاری به طور تصادفی از این حوزه و از این وسایل بهره‌برداری می‌کنند و برای جامعه خوراک فراهم می‌سازند.

ت - رسانه‌های بسیاری به شیوه صنعتی یا نظامی مبتنی بر بهره‌وری، به تولید پیام‌های فرهنگی می‌پردازند که بهترین شکل فرهنگ جامعه در مجموع است، این پیام‌ها، اندیشه‌ها، مفاهیم، تصورات و معلومات تازه‌ای را که عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ موزائیک [Mosaique فرهنگ در هم و بر هم] هستند در ذهن افراد بر حسب این که به طور تصادفی به رسانه‌ها دسترسی داشته باشند و یا از آنها استفاده کنند بیدار می‌کنند.

از آنها که پذیرش اسطوره از سوی مخاطبان ناآگاه و ساده لوح بسیار آسان‌تر از پذیرش پاسخ‌های ایدئولوژیک است. صنعت اسطوره‌سازی و اسطوره‌زدایی یکا شیوه تمام عیار در کارکرد فیری. تلویزیون‌های ماهواره‌ای به شمار می‌آید.

ث - این حوزه فرهنگی وسیع، متناقض و چندقطبی، به نوبه خود آفرینندگان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. البته این بدان معنا نیست که فیزیکدانانی که نظریه تازه‌ای ارائه می‌دهند و یا مهندسانی که توربین جدیدی می‌سازند، تنها از مجالات تخصصی فیزیک و مهندسی الهام گرفته‌اند. علاوه بر آن، آنها مصالح و مواد فرهنگی را که به صورت ناآگاه در آثار خود متجلی می‌کنند، از جامعه می‌گیرند به نحوی که تمامی فرهنگ یک دوره در هر یک از این آثار متجلی است.

ج - به این ترتیب، فراگرد فزاینده‌ای از رشد فرهنگ [و

آگاهی] به وجود می‌آید، که در عین حال حاوی مکانیسم فراموشی و رسوب نیز می‌شود. این فراگرد در حوزه روان‌شناسی اجتماعی بررسی می‌شود» (اسدی، ۱۳۷۰، صص ۵ و ۶).

در چرخه تولید اخبار و آگاهی، پیام‌گیرندگان پیام را از وسایل ارتباط جمعی (در اینجا از تلویزیون‌های ماهواره‌ای) دریافت می‌کنند و آن را به فرهنگ انبوهی خود می‌افزایند. این آگاهی توسط آفرینندگان به نوآوری‌ها افزوده می‌شود و آنگاه توسط روشنفکران یا بر تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذارد و یا به حافظه فرهنگی - اجتماعی افزوده می‌شود و در باز تولید آگاهی رسانه‌ای به کار می‌رود.

پیچیدگی این فرایند تولید آگاهی و فرهنگ، همراه با پیچیدگی‌های فن تولید پیام که با آمیختن در صدا و تصویر باز هم پیچیده‌تر می‌شود، مخاطبان ماهواره‌ها را از شناخت محتوای پیام و اثرات منفی آن باز می‌دارد.

کارکرد خبر در تلویزیون‌های ماهواره‌ای

برای گشودن گره‌های کور در مسئله شناخت مخاطبان از کارکرد خبر در شبکه‌های ماهواره‌ای، صرف نظر از قبول فرایند و چرخه تولید آگاهی که ما با استفاده از مدل «مولز» تا حدودی آن را روشن ساختیم باید به شگردهای به کار رفته در متن خبر نیز واقف شویم در این راه فقط به چند مفهوم کاربردی در صنعت خبر ماهواره‌ای اشاره می‌کنیم و یادآور می‌شویم این صنعت نه تنها در ماهواره بلکه در خبرگزاری‌ها و مطبوعات نیز کارایی دارد و به کار می‌رود، اما تفاوت آن در امتزاج صدا و تصویر با متن خبر است. هم چنین باید دانست که در کنار این صنعت، صنایع دیگری نیز وجود دارند که البته در شبکه‌های ماهواره‌ای کمتر به کار می‌روند. همانگونه که «ایسن جردن» رئیس بخش جمع‌آوری خبر بین‌المللی سی.ان.ان گفته بود: «جنگ خلیج فارس به حتم موضوع خبری بسیار مهمی در تاریخ ما بود که به شناخته شدن سی.ان.ان در سطح جهان منجر شد» (نعیمی، ۱۳۷۹، ص ۱۴). بر اساس آنچه که ژان بودریار (J. Baudrillard) فیلسوف فرانسوی اظهار می‌کند حدود یک میلیارد بیننده سی.ان.ان، شاهد بمباران بغداد از این شبکه ماهواره‌ای نبودند، زیرا آنچه که سی.ان.ان از جنگ خلیج فارس برای تماشاگرانش در سراسر دنیا به نمایش گذاشت واقعیت جنگ نبود بلکه وانمودی از واقعیت جنگ بود! بودریار در رساله‌ای با عنوان «جنگ خلیج فارس» [اتفاق نیفتاده است]، این پرسش را مطرح می‌کند: «آیا می‌شود گفت که اخبار و اطلاعات نظارت شده‌ای که در ایام جنگ خلیج فارس، از رسانه‌های ارتباطی همگانی غرب ارائه شد، راست بود و به راستی با انبوه مخاطبان ارتباط درستی ایجاد کرد؟ آیا حقیقت رخدادها، به وسیله ابزارهای ارتباطی فرهنگ امروز به طور کامل بیان شد تا «افکار عمومی» از آنچه می‌گذشت باخبر شود و مسئولیت رخدادها را بپذیرد؟ وضعیت استثنایی، یا وضعیت جنگی‌ای که به استناد آن بسیاری از حقایق پنهان شد، به چه معنا بود؟» (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۴۶۴).

پاسخ «بودریار» روشن است. اصلاً جنگ خلیج فارس اتفاق نیفتاده است! زیرا سی.ان.ان. واقعیت جنگ را نشان نداده است، بلکه وانمودی از آن را به تماشا گذاشته است.

«تلویزیون دستگاه وانمودکننده‌ای است که مورد اصلی تقلید را بی‌اهمیت می‌کند. در نتیجه «فوق واقعیت» یا Hyperreality می‌سازد. روزی روزگاری، رسانه آینه‌ای فرض می‌شد که واقعیت را بازتاب می‌کند و باز می‌نماید. امروز رسانه «خود واقعیتی را از راه وانمودن می‌سازد» که حتی مهم‌تر از خود

واقعیت است. در واقع جهانی از راه وانمودن ساخته می‌شود که باید «فوق جهان» خوانده شود. دنیایی که «غیرواقعی» نیست، بلکه «بیش از واقعیت» است» (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۳).

بودریار همچنین معتقد است در شرایط کنونی: «رسانه پیام است. این تعریف هم، به معنای مرگ پیام است و هم به معنای مرگ رسانه، زیرا دیگر ارتباطی با مورد راستین ندارد، دیگر رساننده نیست، Media نیست. در واقع رسانه فقط پیام نیست بلکه دگرگون‌کننده پیام است. با نظارت بر رسانه می‌توان معنا را دگرگون کرد و تحت نظارت خود درآورد، چون رسانه‌های همگانی جدید در شکل خود امکان این دگرگونی را فراهم می‌آورند.

با گسترش رسانه‌های انفورماتیک - الکترونیک «فوق واقعیت» تازه‌ای پدید آمده است که دیگر میان رسانه و واقعیت، موقعیت مبهمی پدید آورده است. یعنی فاصله راست و دروغ، واقعیت و خیال را از میان برده است. با وانمودن، واقعیتی بی‌ریشه در واقعیت فراهم می‌آید» (احمدی، ۱۳۷۴، صص ۴۷۴-۴۷۳).
ارائه فوق واقعیت‌ها از طریق شیوه‌های گوناگون تولید خبر، مانند شبه خبر، تحریف، سوگیری، القای پیام، برجسته‌سازی، تبلیغ روی تبلیغ، اسطوره‌سازی و انگاره‌سازی ممکن است. اکنون به بررسی هر کدام از شیوه‌های فوق می‌پردازیم و سپس به تأثیری که این شیوه‌ها بر مخاطبان انبوه در جوامع انسانی دارد خواهیم پرداخت.

۱- شبه خبر

همانگونه که می‌دانیم: «خبر فرایند ارزشگذاری عناصر رویداد عینی، با توجه به منافع فرستنده و نیاز مخاطب است». بنابراین اگر چنانچه ارزشگذاری توسط خبرنگار از یک رویداد عینی به سمت یک رویداد عینی دیگر سوگیری (bias) شود، دچار شبه خبر می‌شویم.

به اخباری که برای تولید آنها از قبل قرار و مدار گذاشته می‌شود، «شبه خبر» می‌گویند و به این ترتیب، همان قدرتی که قادر به ساختن یک رویداد قابل مخابره است، قادر به تجربه‌سازی برای مخاطب هم می‌شود. شبه خبرها - برخلاف خبرها که خودشان رخ می‌دهند - سازنده دارند. در اکثر موارد اخبار روابط عمومی‌ها از این قبیل به شمار می‌آید. چهره‌های انتقادنگر ارتباطات، شبه خبر را زائیده تاریخ مدرن امریکا (از اوایل قرن ۱۹ به بعد) می‌دانند. افزون بر این، شبه خبر، پاسخ نیازهای شهروندان مطلع نیست (شعارغفاری، ۱۳۷۴، ص ۲۱).

تلویزیون‌های ماهواره‌ای در ۲۴ ساعت برنامه‌های خبری خود پیوسته از «شبه‌خبر»ها به جای «خبر» بهره می‌گیرند.

افتتاح و پاره کردن نوار پروژه‌های عمرانی توسط «شخصیت‌های سیاسی» و انطباق ارزش شهرت با بهره‌برداری از پروژه عمرانی مورد نظر از نمونه «شبه‌خبر»هایی است که در بیشتر رسانه‌های خبری جهان سوم نیز شاهد آن هستیم.

۲- القای پیام

تلویزیون‌های ماهواره‌ای از شیوه «القای پیام» در اخبار استفاده می‌کنند، بدین صورت که سعی می‌کنند از طریقی جز منطقی و استدلال بر ذهن افراد تأثیر بگذارند تا ذهنیت دیگری برای او شکل دهند که این ذهنیت در واقع ذهنیت شکل گرفته در درون شخص نیست بلکه به او القا شده است. درست مانند القای الکترونیته از موه‌های سر به دندان‌های شانه که به وسیله مالش پی‌پی و ایجاد الکترونیته ساکن به وجود می‌آید.

«اگر تبلیغات فرهنگی باشد، به طور حتم محورهای القایی نیز مناسب با برنامه تبلیغات القایی فرهنگی تنظیم می‌شوند؛ برای مثال، در تبلیغات فرهنگی امپریالیستی در ترکیه القای «نارسانی خط عربی» یک هدف است. یا به عبارت دیگر، «نارسان نشان دادن خط عربی» یک محور القایی است. در مقابل، القای رسایی خط لاتین یک هدف است و «رسایی خط لاتین» یک محور القایی برای تبلیغات فرهنگی امپریالیستی در این کشور به شمار می‌رود» (زورق، ۱۳۶۸، ص ۶۹).

با استفاده از همین شیوه القای پیام بود که رژیم «کمال آتاتورک» توانست اذهان عمومی را در ترکیه برای تغییر خط رسمی کشور از عربی به لاتین آماده سازد.

۳- تحریف و دستکاری

از جمله شگردها و شیوه‌های منحرف‌کننده در تولید اخبار شبکه‌های تلویزیونی، تحریف و دستکاری (Manipulation) در تصاویر خبری است. نمونه آشکار تحریف سرهم‌بندی و مونتاژ رقص و پایکوبی فلسطینیان پس از آزادسازی جنوب لبنان با رویدادهای پس از حادثه ۲۰ شهریور (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) و ویرانی برج‌های دوقلوی نیویورک است که البته با افشاکاری یک خبرنگار آرژانتینی دست ماهواره‌های

تلویزیونی امریکا، خیلی زود رو شد و این تحریف نتوانست انگشت اتهام را به سوی مسلمانان مبارز فلسطینی منحرف کند.

«تحریف خبر را می‌توان به معنای دست بردن در خبر و تغییر دادن مفهوم آن دانست. یکی از وظایف اصلی سازمان‌های خبری، ارائه اخبار و اطلاعات درست و جامع به مردم است. اگر مخاطب نتواند نیازهای خبری خود را از رسانه‌های مورد نظر تأمین کند، به مرور زمان برای کسب خبر به سوی راه‌های دیگر هدایت خواهد شد» (نعمتی‌انارکی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۶).

تحریف و دستکاری خبر این روزها از تصاویر به متن‌های سازمان‌های خبری منتقل شده و در واقع شکل پیچیده‌تری به خود گرفته است.

۴- برجسته‌سازی

اصولاً برجسته‌سازی (Agenda Setting) جزو جدایی‌ناپذیر خبر به حساب می‌آید. «نخستین پرسش در برجسته‌سازی این است که رسانه‌ها چه موضوع‌هایی را به مخاطبان خود ارائه می‌دهند و سپس این پرسش مطرح است که چه اطلاعاتی درباره این موضوع‌ها عرضه می‌شود» (O sullivan, et.al. 1994, 8).

برجسته‌سازی چیزی جز بزرگ‌نمایی یک یا چند رویداد در رسانه‌ها نیست. در برجسته‌سازی رسانه‌ها به مردم نمی‌گویند به چه چیزی فکر کنند، بلکه فقط می‌گویند درباره چه موضوعی نیندیشند. بهترین نمونه برجسته‌سازی در تلویزیون‌های ماهواره‌ای اولویت‌بندی عنوان‌های خبری است. در این عنوان‌بندی‌های بخش‌های مختلف خبری، خبر اول به طور نامحسوس برجسته می‌شود و به تدریج با خبر دوم، سوم و یک سناریوی خبری را تنظیم می‌کند تا مخاطبان از رویداد به نوعی «تحلیل» برای «تصمیم‌گیری» برسند.

۵- تبلیغ روی تبلیغ

از دیگر شیوه‌های کاربردی در خبر تلویزیون‌های ماهواره‌ای پوشش یک تبلیغ تجاری، سیاسی یا مردمی - که البته به طور عمده سیاسی است - در متن تصاویر یا گفتار خبری است.

بنابراین در «تبلیغ روی تبلیغ» با دو نوع تبلیغ روبه‌رو هستیم: تبلیغ زیرین (Upper Advertising) و تبلیغ زیرین (Lower Advertising)، «تبلیغ زیرین» معمولاً تبلیغی است که بر «تبلیغ زیرین» تحمیل می‌شود. شاید بیشترین نمونه را تبلیغ تجاری روی تبلیغ سیاسی یا بالعکس می‌دانیم. مثلاً حمایت یک شرکت چندملیتی از ایده یا عمل یک سیاستمدار حاکم بر جامعه در هنگام انتخابات ریاست جمهوری و یا حمایت ریاست جمهور امریکا از یک شرکت فراملیتی در یک پروژه تجاری. بنابراین در تبلیغ روی تبلیغ می‌گوییم: «هر گاه در یک وسیله تبلیغی [تلویزیون ماهواره‌ای] که اهداف و منافع خاص تبلیغی ویژه خود را داراست، تبلیغی دیگر، متفاوت با اهداف و منافع خاص تبلیغ اول وقوع یابد، تبلیغ روی تبلیغ انجام گرفته است» (مسعودی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۹).

تلویزیون‌های ماهواره‌ای در بیشتر برنامه‌های سرگرمی و اخبار خود از این شیوه برای اغواگری مخاطبان سود می‌برند.

۶- اسطوره‌سازی

انسان نخستین، در کار اندیشه‌ورزی به دلیل فقدان ایدئولوژی و جهان‌بینی مستدل و روشن، درباره وقایع و رخدادهای طبیعی اطراف خویش «اسطوره‌سازی» می‌کرد.

اسطوره‌های نخستین انسان، دیدی ساده‌لوحانه در برابر جهان بود که علت پدیده‌ها را خدایان اسطوره‌ای می‌دانست، در حالی که امروزه وظیفه اسطوره‌سازی (Myth Making) از دوش انسان عقلانی برداشته شده و بر دوش وسایل ارتباط جمعی گذاشته شده است: «در زمان ما، اساس اسطوره را نه تخیل (با دیدی ساده‌لوحانه در برابر جهان) بلکه بینشی عقلانی در جهت وصول به هدفی مشخص، تشکیل می‌دهد. در این معنا، ایدئولوژی‌های سیاسی حاوی اسطوره‌ها بسیارند: ارتقای شخصیت‌های سیاسی، نهادهای ملی و تبدیل آنان به عناصری برین، ناب و متعالی (اسطوره) در حرکت مردم و بسیج آنان آثاری شگرف دارند. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند هم اسطوره بسازند و هم اسطوره زدا (با پایین آوردن شخصیت در سطح معمول و زدودن اندیشه‌های اغلب غیرواقعی منتسب بدان) باشند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۵۱۹).

وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون‌های ماهواره‌ای در طول شبانه‌روز به اسطوره‌سازی و اسطوره‌زدایی مشغولند. این شبکه‌های خبری با معرفی برخی چهره‌ها می‌توانند از آنان اسطوره‌ای بسازند که به نوعی ناخودآگاهانه پاسخ‌های ساده‌ای به پرسش‌های مخاطبان باشد. از آنجا که پذیرش اسطوره از سوی مخاطبان ناآگاه و ساده لوح بسیار بیشتر از پذیرش پاسخ‌های ایدئولوژیک ساده و آسان است، صنعت اسطوره‌سازی و اسطوره‌زدایی یک شیوه تمام عیار در کارکرد خبری، تلویزیون‌های ماهواره‌ای به شمار می‌آید.

«جوامع امروزی به گونه‌ای حیرت‌انگیز توانایی ساختن اسطوره از رویدادهای روزمره سیاسی، اجتماعی، هنری، ورزشی و غیره را دارند. گویی چرخ‌های کارخانه اسطوره‌سازی لحظه‌ای از چرخش باز نمی‌ایستد و شگفت آن که ماهیت اسطوره‌ای فرآورده این روند تولید پنهان می‌ماند. از رویدادهای سیاسی که ابعاد اسطوره‌ای می‌یابند، تا زندگی خصوصی هنرپیشه‌ها و یا فوتبالیست‌ها در

کارکرد انگاره‌سازی در تلویزیون‌های ماهواره‌ای. تغییر تصاویر فوری. برای تغییر در نگاه ما است. که این تغییر ابتدا احساس و تفیل ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس بر فی انگاره‌های قدیمی را در ذهن ما مفرقش می‌کند. فداش و وارد شدن به آرشیه تصاویر قبلی. امکان پذیرش تصاویر مفرقش جدیدتر را فراهم می‌کند.

میدان‌های ورزشی و « (بارت، ۱۳۷۵، صص ۱۴-۱۳).

پس بی‌جهت نیست که تلویزیون‌های ماهواره‌ای همچون مطبوعات، در کارخانه‌ای به وسعت تصاویر جهانی خود، از هنرپیشه‌ها، سیاستمداران و ورزشکاران اسطوره می‌سازند.

۷- انگاره‌سازی

انگاره‌ها همان تصاویری هستند که ما از پدیده‌ها، اشیا و رویدادها در ذهن خود داریم. در واقع، هر گونه قضاوت درباره تصاویر یا انگاره‌های جدید ما را به انگاره‌های قدیم که در ذهن داریم، ارجاع می‌دهد. ارائه انگاره‌ای از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیا و رویدادها به مخاطب، «انگاره‌سازی خبری» نام دارد. در انگاره‌سازی با بازتاب واقعیت سر و کار نداریم. واقعیت‌ها دست‌کاری می‌شوند و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند. انگاره‌سازی، «تکنیک» و کلید کارگشای معنی‌سازی در جهان خبر است» (شعارغفاری، ۱۳۷۴، ص ۲۱).

برای مثال، تصویر تلویزیون‌های ماهواره‌ای غرب از مردم فلسطین، تصویر مردم و گروهی است که هویت تاریخی ندارند و معمولاً فقیر و فاقد بهداشت، تعلیم و تربیت و آموزش رسمی و مدرن هستند. همچنین می‌توان از تصویر منفی رادیو - تلویزیون امریکا از مبارزان و انقلابیون مسلمان ایرانی در زمان مبارزه با رژیم شاه نام برد که تصاویر ارائه شده از سوی رسانه‌های جمعی امریکا انبوه مردم انقلابی را تنها مثنی خرابکار و مرتجع معرفی می‌کرد!

پروفسور حمید مولانا استاد ایرانی ارتباطات در دانشگاه واشنگتن در تعریف انگاره می‌نویسد: «یک تصویر یا انگاره مجموعه‌ای است از تصاویری که ذهن ما در مورد حقیقت‌ها و ابعاد مختلف آن پیش رو دارد. یک انگاره ترکیب شاخص‌هایی است که یک فرد درباره‌ی یک شیء و یک پدیده تصور می‌کند. ما انگاره‌های مختلف در مغز داریم و همه آنها با یکدیگر در ارتباط هستند و بر همه تأثیر دارند» (مولانا، ۱۳۸۰، ص ۸).

از نظر مولانا، تغییر یک انگاره در مغز ما گاهی منجر به تغییر تصورات ما از اشیا، افراد و پدیده‌های دیگر می‌شود و یک حالت تعادلی یا غیرتعادلی در شناخت ما به وجود می‌آورد.

بنابراین، از گفته‌ی مولانا می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد انگاره‌سازی (Image Making) در تلویزیون‌های ماهواره‌ای، تغییر تصاویر خبری، برای تغییر در نگاه ما است، که این تغییر ابتدا احساس و تخیل ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سپس برخی انگاره‌های قدیمی را در ذهن ما مخدوش می‌کند. خدشه وارد شدن به آرشیو تصاویر قبلی، امکان پذیرش تصاویر مخدوش جدیدتر را فراهم می‌کند. این شگرد انگاره‌سازی توسط شبکه‌های ماهواره‌ای در غرب است.

پروفسور مولانا در راه شناخت هر چه بیشتر انگاره‌ها، قسمت‌های مختلف یک تصویر را این گونه برمی‌شمارد: «یک انگاره و تصویر از سه قسمت تشکیل شده است: احساسی، ادراکی و عملکردی.

بعد احساسی یا ارزشی با دوست داشتن یا دوست نداشتن موضوع یا شیء توسط فرد ارتباط پیدا می‌کند و اغلب با موافقت یا عدم موافقت ادراکی آن سر و کار دارد.

بعد ادراکی یا آگاهی یک انگاره به دانش ما از طبیعت همیشگی یا موروثی موضوع یا پدیده مورد نظر مربوط است و خصایص مستقل آن را بیان می‌کند.

بعد عملکرد یک انگاره با جنبه‌های رفتاری فرد با موضوع مورد نظر و با کلیه ترکیبات و مشخصات آن سر و کار دارد.

در سطح بین‌المللی، بُعد احساساتی یک فرد یا یک گروه بیان می‌شود و گویای دوست داشتن یا نفرت آن شخص و گروه از کشورها و فرهنگ‌ها و سازمان‌های مختلف است، در حالی که بعد ادراکی، قدرت یا عدم قدرت و ضعف این کشورها، فرهنگ‌ها و سازمان‌ها را از نظر افراد و گروه‌ها بیان می‌کند» (Mowlana, 1995, 3-15).

پروفسور مولانا از جنگ خلیج فارس مفهوم «پیروزی تصویر بر واقعیت» را استنتاج می‌کند. تصویری که تلویزیون‌های ماهواره‌ای و مطبوعات غرب به عنوان انگاره به جهان خبر افزودند: «جنگ خلیج فارس، پیروزی تصویر بر واقعیت و منطق را به نمایش گذاشت. فناوری‌های نوین ارتباطی این امکان را فراهم ساخت که واژه و تصویر در موقع مناسب برای صدها میلیون نفر در سرتاسر جهان مخابره شود.

تصویر آن چنان بیننده را مسحور خود می‌کند که تصور می‌کند خود نیز شاهد نبرد است. با وجود این آن طور که مطالعات بیشتر کشورها نشان می‌دهد، این جنگ نبود که بیننده‌ها شاهد آن بودند، بلکه انگاره‌هایی بود که به این منظور برنامه‌ریزی شده بود تا حس پیروزی را القا کند و به آن نتیجه‌گیری دست یابد که واقعیت و منطق هیچ گاه نمی‌توانست به آن دست یابد» (Mowlana and Gerbner, 1992, 4).

واقعیت آن است که رسانه‌های دوران جنگ خلیج فارس از میان حجم زیاد اخبار آن تصاویری را بر روی آنتن می‌فرستادند که در جهت انگاره‌سازی آنها کاربرد داشته باشد. این واقعه رسانه‌ای را در جنگ بالکان، انتفاضه اول و دوم فلسطین و رویداد مشهور ۱۱ سپتامبر نیز به خوبی شاهد بوده‌ایم.

تأثیر کارکرد خبری شبکه‌های ماهواره‌ای بر مخاطبان

پیش از پرداختن به تأثیر شیوه‌های موجود در تولید خبر و تأثیر کارکرد خبری شبکه‌های ماهواره‌ای بر بیننده‌های یک میلیاردی آنها؛ باید یادآور شویم که این شبکه‌های تلویزیونی معمولاً از شیوه‌های مجزا برای تصویرآفرینی رویدادها استفاده نمی‌کنند، بلکه بیشتر مواقع در کار خبرسازی خود از ترکیب‌های مختلف این شیوه‌های هفت‌گانه که برشمردیم بهره می‌برند و بر مخاطبان تأثیر می‌گذارند.

برای شناخت هر چه بهتر تأثیرات برنامه‌های خبری، شبکه‌های ماهواره‌ای از نظریه «رابرت ازرا پارک» (۱۹۴۴-۱۸۶۴)، (Robert Ezra Park) روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی و استاد جامعه‌شناسی درباره چهار فراگرد عمده اجتماعی، رقابت، کشمکش، توافق و هم‌رنگی استفاده می‌کنیم.

«ازرا پارک» در تحول رشته مفاهیمی نقش داشته است که طبقه‌بندی منظم و تحلیل داده‌های اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. او که سال‌ها برای روزنامه‌هایی مثل «بوکر واشینگتن» به کار خبرنگاری و روزنامه‌نگاری در امریکا اشتغال داشت معتقد بود: «اخبار همان کاری را برای عامه مردم انجام می‌دهند که ادراک برای یک فرد انجام می‌دهد؛ به این معنی که اخبار بیش از آن که عامه مردم را مطلع سازد به آنها جهت می‌دهند و به هر یک از افراد این آگاهی را می‌دهند که چه چیز در جریان است» (کوزر، ۱۳۷۳، ص ۵۰۱).

با نگاهی گذرا به برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، می‌توان نتیجه گرفت که نحوه تنظیم و پخش اخبار برای جوامع فرامرزی به گونه‌ای است که در داخل جوامع، فراگردهای رقابت و کشمکش، ایجاد، تقویت و تشدید شود.

با استفاده از مفاهیم «چهار فراگرد عمده اجتماعی» که «ازرا پارک» ارائه می‌دهد، می‌توان گفت که جهت تعیین شده توسط شبکه‌های ماهواره‌ای در اخبار می‌تواند در تشدید یا تضعیف و یا حتی ایجاد هر یک از این چهار فراگرد دخالت داشته باشد:

۱- رقابت: رقابت یک صورت بنیادی و عام کنش متقابل اجتماعی است. یک نوع عمل متقابل بدون درگیری است.

۲- کشمکش: رقیبان یکدیگر را به عنوان رقیب یا دشمن باز می‌شناسند.

۳- توافق: بر فرو نشستن کشمکش دلالت می‌کند.

۴- هم‌رنگی: برخلاف توافق، هم‌رنگی (assimilation) فراگردی از در هم آمیختگی و در هم فرو رفتگی است که طی آن اشخاص و گروه‌ها، خاطرات، احساسات و رویکردهای اشخاص دیگر را از آن خود می‌سازند و با سهیم شدن در تجربه و تاریخ دیگران با آنها در یک فرهنگ مشترک عجین می‌شوند (کوزر، ۱۳۷۳، صص ۴۷۹-۴۷۷).

با نگاهی گذرا به برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، می‌توان نتیجه گرفت که نحوه تنظیم و پخش اخبار به گونه‌ای است که برای جوامع فرامرزی در داخل جوامع، فراگردهای رقابت و کشمکش،

ایجاد، تقویت و تشدید شود. در برابر آن در درون جوامع خودی و مرزهای ملی که صاحبان رسانه در آن به تأمین منافع خود مشغولند ایجاد، تقویت و تشدید دو فراگرد توافق و هم‌رنگی دستمایه کار خبری است. در شیوه‌های گوناگون خبرسازی رسانه‌های جمعی نیز هدف اصلی ایجاد هم‌رنگی (assimilation) مخاطب با فرستنده پیام است.

همانگونه که همذات‌پنداری تماشاگر یک فیلم سینمایی با شخصیت یکی از ستارگان فیلم او را با آن هنرمند هم‌رنگ می‌کند و شیوه‌های ساختاری‌اش را با شخصیت مثبت و منفی فیلم منطبق می‌کند. مخاطبان شبکه‌های خبری ماهواره‌ای نیز پس از ایجاد هم‌رنگی با انگاره‌ها و اسطوره‌های عرضه شده، خود را در مسیر توافق و هم‌رنگی با آنان قرار می‌دهند. این توافق و هم‌رنگی مخاطبان میلیاردری، شبکه‌های تلویزیونی را در پخش اخبار و آگهی‌های تجارتي و کسب سودهای هنگفت یاری می‌دهد. مخاطبان انبوه شبکه‌ها نیز به دلیل فقدان آگاهی لازم، استفاده از چنین وسایلی را نه تنها به ضرر خود نمی‌دانند بلکه همچون دو تحقیق ارائه شده در سطح منطقه‌ای و ملی، برنامه‌های آن‌ها را مفید و مثبت نیز ارزیابی می‌کنند!

نتیجه‌گیری

فناوری‌های نوین ارتباطی و ظهور شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فضای تازه‌ای برای خلق پیام‌های تلویزیونی و از جمله اخبار و انتقال سریع آن به انبوه مخاطبان را فراهم کرده است. از یک سو رشد فزاینده تلویزیون ماهواره‌ای با استقبال انبوه مخاطبان در سطح جهان روبه‌رو شده است و از دیگر سو، این مخاطبان بی‌آنکه به اثرات منفی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای به خوبی واقف باشند، خود را در معرض پیام‌های اغواگر آن قرار می‌دهند. آنچه در کارکرد خبری این شبکه‌ها می‌شود چیزی جز شبه‌خبر، القای پیام، تحریف و دستکاری، برجسته‌سازی، تبلیغ روی تبلیغ، اسطوره‌سازی، انگاره‌سازی و نیست. امتزاج این شیوه‌ها، واقعیت‌ها و حقایق دیگر در سطح ملی برای مخاطبان ناآگاه فرایندهای اجتماعی رقابت و کشمکش را دامن می‌زند. نقش تلویزیون‌های ماهواره‌ای در ایجاد کشمکش‌های قومی در دیگر کشورها و تضعیف حاکمیت ملی آن‌ها در این فرایند اجتماعی کاملاً قابل تبیین است.

همچنین به موازات ایجاد درگیری و جنگ در کشورهای رقیب و یا تحت سلطه، صاحبان شبکه‌های ماهواره‌ای در جهت تأمین منافع ملی خود، به تقویت فرایندهای اجتماعی هم‌رنگی و توافق در محدوده مرزهای ملی خود همت می‌گمارند.

پی‌نوشت‌ها:

الف - منابع فارسی:

- اسدی، دکتر علی، (۱۳۷۰) «رسانه‌ها و توسعه فرهنگی»، فصلنامه **رسانه**، سال دوم، شماره ۱.
- استوور، جیمز (۱۳۷۵)، **تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم**، مترجم دکتر رضا نجف بیگی و اصغر صرافی‌زاده، تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ان‌لی، پالاس و جیمز اف - کینی (۱۳۷۸)، «دریافت تلویزیون‌های جهانی در آسیا و تأثیر آن بر فرهنگ‌های محلی، مترجم ح. نورائی، فصلنامه **رسانه**، سال دهم، شماره ۴.
- بارت، رولان، (۱۳۷۵) **اسطوره امروز**، مترجم شیرین دخت رفیقان، تهران: نشر مرکز.
- تامسون، جان.ب (۱۳۸۰)، **رسانه‌ها و مدرنیته، نظریه اجتماعی رسانه‌ها**، مترجم مسعود اوحدی، تهران: سروش.
- زورق، محمدحسن، **میانی تبلیغ** (۱۳۶۸)، تهران: انتشارات سروش.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵)، **درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان.
- شعارغفاری، پیروز، (۱۳۷۴) «معرفت شناسی خبر»، فصلنامه **رسانه**، سال ششم، شماره ۳.
- کوزر، لیوئیس، (۱۳۷۳)، **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**، چاپ پنجم، مترجم محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- مرکز علمی مطالعات و سنجش افکار عمومی (۱۳۷۸)، **نظرسنجی از شهروندان تهرانی درباره ماهواره**.
- مسعودی، امید (۱۳۸۱)، **جادوی تبلیغ، بررسی و شناخت فن «تبلیغ روی تبلیغ»**، فصلنامه **سنجش و پژوهش**، سال نهم، شماره ۲۹.

- مولانا، حمید (۱۳۸۰)، «انتفاضة فلسطين و انگاره‌سازی رسانه‌های غربی»، روزنامه **جام جم**، سال دوم، شماره ۵۱۳.
- نعمتی‌انارکی، داود (۱۳۸۰)، «نقش رسانه‌های گروهی در اطلاع‌رسانی و عوامل بروز بی‌اعتمادی مخاطب نسبت به خبر»، فصلنامه **سنجش و پژوهش**، سال هشتم، شماره ۳۷.
- نعیمی، وحیدرضا، (۱۳۷۹)، «تلویزیونی سی.ان.ان از ظهور تا درخشش»، روزنامه **همشهری**، سال هشتم، شماره ۲۱۴۸.

ب - منابع خارجی:

- _ Gomery, Douglas, (2000), *Who Owns The Media? Competition and Concentration in the Mass Media industry*, Mahawah, lawrence Erlbam Associates, Inc.
- _ Mawlana, Hamid, (1995), *'Image and Crises of Political Legitimacy', in U.S Media and The Middle East : Images and Perception*, Yahya R. Kamalipour, ed, Connecticut: Greenwool Publishing.
- _ Mowlana, Hamid, George Gerbner and Herbert Shiller, (1992) eds, *Triumph of the - A Global Perspective*, Boulder Colorado : Westviw Press.
- Key Concep in Communication and Cultural Studies*,
London : Routledge.

نقدی بر رسانه‌های ماهواره‌ای با تأکید بر نقش زنان و جایگاه خانواده

ترجمه و تألیف: دکتر نسترن خواجه‌نوری
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ارتباطات

اشاره

عصری که در آن به سر می‌بریم، عصر ارتباطات است. شیوه‌های ارتباطی نوین، در نتیجه رشد و توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را در سراسر نقاط جهان، تحت تأثیرات عمیق و همه‌جانبه‌ای قرار داده است و استفاده از امواج ماهواره‌ای برای پخش برنامه‌ها در اقصی نقاط جهان، امکان دستیابی سریع به اطلاعات را حتی برای مردم کشورهای فقیر و توسعه نیافته فراهم آورده است. نوشتار حاضر با اشاره به ملاحظات در زمینه فناوری مدرن و تاریخچه ارتباطات ماهواره‌ای و انقلاب ارتباطات، ریشه‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی تأثیر آن را مورد ارزیابی قرار خواهد داد. از آنجا که خانواده به عنوان گروه نخستین و واحد کوچک‌تر جامعه، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به تأثیرات رسانه‌های ماهواره‌ای بر خانواده و تغییر شکل آن نیز اشاره خواهیم داشت. همچنین با توجه به نقش کلیدی و مهم زنان در کانون خانواده، به بررسی جایگاه زنان در رسانه‌های نوین ارتباطی غرب خواهیم پرداخت.

ملاحظات دربارۀ فناوری مدرن

فناوری و ساخت وسایل الکترونیکی ارتباط راه دور، ابعاد مهبیبی پیدا کرده است. علاوه بر این که پیوند ارتباطات راه دور ماهواره‌ای و قدرت رایانه نیز با ایجاد قابلیت‌های ارتباطی جدید و گسترده موجبات رشد مداوم انواع کاربردهای مربوطه را فراهم آورده است. انگیزه این تحولات در وهله اول، از نیاز بازارهای جهانی سرمایه‌داری و ضروریات تحقیقات و تدارکات نظامی ناشی می‌شود، اما پیشرفت‌های فنی را رهبران مختلف دیگری نیز در خارج از جهان غرب و بسیاری دیگر از افراد امیدوار به استفاده از ارتباطات راه دور، مستقیماً برای بهبود تجارت و استانداردهای زندگی مورد تأیید قرار داده‌اند.

تعامل دیالکتیکی بین پیشرفت‌های فنی و عوامل تعیین‌کننده اجتماعی - تاریخی، دارای اثرات دور رسی در جهان آینده است. به این ترتیب، امروزه برخلاف گذشته که اغلب صحبت از انقلاب‌های سیاسی، دموکراتیک یا غیره به میان می‌آمد باید از انقلاب ارتباطات سخن گفت.

«مرگ فاصله‌ها به عنوان تعیین‌کننده هزینه ارتباطی، احتمالاً مهم‌ترین نیروی منحصر به فردی است که نیمه اول قرن آینده را شکل می‌دهد. تحولات فناورانه امروزه همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، از جمله تصمیم در مورد محل کار، نوع کار، مفاهیم مربوط به مرزهای ملی و حق حاکمیت و همچنین الگوهای تجارت بین‌المللی. تأثیرات این انقلاب، به همان اندازه نافذ است که کشف الکترونیسته نافذ بود؛ کشفی که منجر به پدید آمدن آسمان خراش‌های منتهن و هنگ‌کنگ شد و سودمندی کار در خانه را دگرگون ساخت» (Frances Cairncross, 1995, p.1).

در ابتدا بهتر است نگاهی به تاریخچه دو نوع از مهم‌ترین خدمات ارتباطات راه دور ماهواره‌ای - فضایی، که در مقررات رادیویی اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور در نظر گرفته شده بود، بیندازیم: «سرویس ثابت ماهواره‌ای (اف.اس.اس.) و سرویس پخش ماهواره (بی.اس.اس.). شایان ذکر است که ارتباط ماهواره‌ای اف.اس.اس. بین نقاط ثابت روی زمین صورت می‌گیرد و خدماتی از جمله خدمات تلفنی، توزیع خدمات تلویزیونی و انتقال اطلاعات را شامل می‌شود. از زمانی که برای اولین بار اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور، محدوده طول امواج را مقرر کرد، استفاده از آن با سرعت زیادی در کشورهای صنعتی، گسترش یافت.

سرویس پخش ماهواره‌ای (بی.اس.اس.) علائمی را که به منظور توزیع مجدد برای عموم مردم، به ایستگاه‌های زمینی معینی ارسال می‌شوند هماهنگ می‌کند. یکی از کاربردهای بی.اس.اس.، پخش

مستقیم ماهواره (دی.بی.اس.) است که چنان که می‌دانیم از طریق آن، علائم به منظور دریافت مستقیم مردم بدون نیاز به ایستگاه زمینی واسطه، مخابره می‌شود.

امکان استفاده از آنتن‌های مقعر کوچک زمینی نیز با هزینه‌ای اندک عملی شده است. می‌توان با آنتنی مقعر و کوچک علائم را دریافت کرد. همچنین آنتن‌های ارزان‌تر و کوچک‌تر سبب می‌شوند که

قشر وسیع‌تری از مردم دنیا، علائم آنها را دریافت کنند. اکنون دیگر می‌توان حتی بر موانع زبانی نیز چیره شد. با تلفیق سیستم‌های رقمی (Digital) و قیاسی (Analog) در انتقال امواج، می‌توان تصویر را با صدایی به چند زبان پخش کرد تا بیننده بتواند از بین چند زبان، یکی را انتخاب کند.

همراه با توسعه و پیشرفت روش رقمی در تلویزیون ماهواره‌ای، شاهد ظهور تلویزیون «با قدرت تفکیک تصویری بالا» و یا «تلویزیون با وضوح بالا» هستیم. این تکنیک سبب بهتر شدن

کیفیت تصویر تلویزیونی می‌شود و از این جهت آن را در ردیف سینما قرار می‌دهد. ارسال این امواج تلویزیونی قبل از استفاده از امواج بسیار بالای میکروویو (در واحد گیگاهرتز) میسر نبود.

باید اذعان داشت که پیشرفت‌های فنی در زمینه پخش ماهواره‌ای از سرعت زیادی برخوردار است و بنابراین باید به دانش عملی و سلائق جدیدی که ناشی از کاربردهای غیررسمی بین‌المللی از پخش مستقیم ماهواره است، توجه کرد (پنج مقاله درباره الگوهای پژوهشی و ماهواره‌ها، ۱۳۷۱، صفحات ۴۶ تا ۴۸).

انقلاب ارتباطات

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از اثرات انقلاب ارتباطات، مرگ فاصله‌ها به عنوان تعیین‌کننده هزینه ارتباطی است. مرگ فاصله‌ها، تنها یکی از تغییرات شگفت‌آوری است که در نتیجه روش‌های جدید ترکیب رایانه‌ها و ارتباطات روی می‌دهد. شبکه‌های فیبر نوری و دیجیتال فشرده این امکان را فراهم می‌آورند که افراد، یک کانال تلویزیونی شخصی را با امکان دستیابی به هزاران فیلم و برنامه، دریافت کنند. شبکه‌هایی طراحی شده‌اند که:

با تلفیق سیستم‌های رقمی (Digital) و قیاسی (Analog) در انتقال امواج، می‌توان تصویر را با صدایی به چند زبان پخش کرد تا بیننده بتواند از بین چند زبان، یکی را انتخاب کند.

الف) مانند تلفن متصل هستند و می‌توانند مورد استفاده مشترکان زیادی قرار بگیرند؛

ب) مانند تلویزیون ظرفیت بالایی دارند و می‌توانند تصاویر متحرک را حمل کنند

ج) تعاملی هستند یعنی برخلاف تلویزیون، هر کاربر آن می‌تواند با بخش‌های دیگر ارتباط برقرار کند. تلفن‌های همراه، امروزه تقریباً نیمی از تماس‌های تلفنی جدید را در سطح جهانی برقرار می‌کنند. سیستم‌های تعقیب‌کننده به حدی دقیق شده‌اند که شرکت‌ها را قادر می‌سازند رانندگانی را که از دنده نامناسب استفاده کرده و موجب به هدر رفتن سوخت می‌شوند، کنترل کنند. اینترنت که تا دهه گذشته سخن از آن نبود در اوایل سال ۱۹۹۷، پنجاه و هفت میلیون کاربر در سراسر جهان داشت، همچنان که خدمات پست الکترونیکی آن نیز مورد استفاده عده زیادی قرار گرفته و می‌گیرد.

در این دهه فناوری‌های جدید
جهان را بیش از این متحول
خواهند ساخت تردیدی وجود
ندارد اما چگونگی این تحول یک
معماست.

در این که فناوری‌های جدید جهان را بیش از این متحول خواهند ساخت تردیدی وجود ندارد اما چگونگی این تحول یک

معماست. رابرت آلن (Robert Allen) در سال ۱۹۹۵، هنگام نظارت AT&T آمیزه هیجان و دستپاچگی ناشی از این جهان جدید را به این شکل مطرح می‌کند:

قاعدتاً باید انتظار داشت که رئیس AT&T، ده سال آینده شرکتش را پیش‌بینی کند، اما او نمی‌تواند. ظاهراً باید انتظار داشت که پیش‌بینی کند تا یک دهه دیگر، فناوری چگونه می‌تواند تجارت او را متحول سازد ولی باز هم نمی‌تواند. حداقل باید بدانند در سال ۲۰۰۵ رقبایش چه کسانی خواهند بود اما این نیز مشکل است. تنها چیزی که او می‌داند این است که: یک چیز تکان‌دهنده، فریبنده و عمیق در جریان است.

جهانی شدن ارتباطات، به اجرا در آوردن انواع قوانین ملی را مبنی بر حفاظت کودکان، محفوظ ساختن امور شخصی و یا جلوگیری از تروریسم دشوار می‌سازد. آزادی افراد در قبول مسئولیت زندگی خود، بهای بیشتری خواهد داشت. مرگ فاصله‌ها توسط به مرزهای جغرافیایی را از بین خواهد برد و شرکت‌ها برای یافتن مکانی که بتوانند خدمات بیشتر و بهتری ارائه کنند از آزادی بیشتری برخوردار خواهند شد. افراد، حداقل برخی از آنها، این امکان را می‌یابند که دور از کارفرمایان خود زندگی کنند،

برخی از مشاغل در سه نوبت بر اساس سه مدار زمانی عمده جهان یعنی امریکا، آسیای شرقی / استرالیا و اروپا، سازماندهی می‌شود و به جای مایل، مدارهای زمانی و گروه‌های زمانی مسافت را تعیین می‌کند. مرزها و موانع از میان می‌رود، رابطه افقی افرادی که شغل مشترک دارند و به زبان مشترک تکلم می‌کنند، در نقاط مختلف جهان، قوی‌تر شده و ارتباط عمودی بین دولت و مردم یا کارفرمایان و کارگران

ضعیف‌تر می‌شود. آیا این بدان معنی است که تأسیسات الکترونیک، تأسیساتی را که قبلاً اجتماعات را به هم مربوط می‌کرد، از بین خواهد برد؟ و ما به جای یک مکان فیزیکی به نام دبیرستان، «دبیرستانی در یک جعبه» خواهیم داشت؟ بدون شک حکومت‌ها در خواهند یافت که قوانین ملی دیگر برای قانونمندی جریان جهانی اطلاعات کافی نخواهد بود، حتی اگر بخشی از این اطلاعات جنبه جنایتکارانه یا خرابکارانه داشته باشد.

به هر حال شرکت‌ها آزادتر عمل خواهند کرد و عمدتاً از طریق فرهنگ‌ها و شبکه‌های ارتباطی خود به یکدیگر متصل خواهند شد. مرز میان اوقات فراغت و کار برای افراد کم‌رنگ

می‌شود و معماری و طراحی اداره و خانه تغییر می‌یابد تا با الگوهای متحول این زندگی جدید متأثر از ارتباطات، مطابقت کند.

چشم‌انداز دنیای نوین، عده‌ای را به وحشت انداخته است. تغییر همواره موجب نگرانی است و ما اکنون شاهد سریع‌ترین تغییرات فناورانه در جهان هستیم. اما در قلب انقلاب ارتباطات، چیزی وجود دارد که به سود بشریت است، چیزی که همان انتشار جهانی دانش است. اطلاعات که زمانی فقط در دسترس عده کمی بود در زمانی کوتاه و با قیمتی ارزان (بر حسب توزیع هزینه‌ها)، در دسترس عده زیادی قرار می‌گیرد.

به این ترتیب عقاید جدید، سریع‌تر گسترش می‌یابد و از مرزها می‌گذرد. دسترسی آنی به اطلاعات که زمانی مختص کشورهای صنعتی بود برای کشورهای فقیر امکان‌پذیر شده است. شرکت‌های کوچک خدماتی را ارائه خواهند داد که قبلاً فقط شرکت‌های بزرگ ارائه می‌کردند. به طور کلی می‌توان از مرگ فاصله‌ها استقبال کرده و از آن لذت برد (Frances Cairncross, 1995, p.1-4).

**تغییر همواره موجب نگرانی
است و ما اکنون شاهد
سریع‌ترین تغییرات فناورانه در
جهان هستیم. اما در قلب
انقلاب ارتباطات، چیزی وجود
دارد که به سود بشریت است.
چیزی که همان انتشار جهانی
دانش است.**

ریشه‌های انقلاب

باید اظهار داشت که هر سه فناوری رو به تحول سریع ارتباطات امروز، از نیم قرن پیش وجود داشته است. تلفن در سال ۱۸۷۶ اختراع شد، اولین ارسال تلویزیونی در سال ۱۹۲۶ صورت گرفت و رایانه الکترونیک از اواسط دهه ۱۹۴۰ به کار گرفته شد. تحول تا مدت‌ها کند بود اما از اواخر دهه ۱۹۸۰، تحولات ایجاد شده در هر سه فناوری به سرعت افزایش یافت. برای نزدیک شدن به فردا، ما نخست باید این سؤال را مطرح کنیم که علت پدید آمدن این تحولات بزرگ و گسترده چه بوده است؟

تلفن

از اوایل دهه ۱۹۸۰، تلفن که قدیمی‌ترین فناوری از میان سه فناوری یاد شده است، دستخوش دو تحول عظیم شد: افزایش حیرت‌آور ظرفیت انتقال شبکه‌های راه دور و توسعه تحرک. تحول اول نتیجه استفاده از فیبرهای شیشه‌ای برای حمل علائم دیجیتال بود و تحول دوم، نتیجه افت هزینه توان محاسباتی.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، ظرفیت خطوط تلفنی راه دور چنان گسترش یافت که با آغاز سال ۱۹۹۶ به طور فزاینده‌ای فقط با استفاده از ۳۰ تا ۳۵ درصد از ظرفیت اشباع شد.

دلیل اصلی این تحول توسعه کابل‌های فیبر نوری بود که شیشه‌های شفاف را تغییر داده و این احساس را به وجود می‌آورد که مردم جهان متعلق به یک جهان هستند نه صرفاً اجتماعات محلی یا ملی. راه‌اندازی پانام‌ست (Panam Sat) نخستین ماهواره بین‌المللی تجاری با مالکیت خصوصی (در مقابل ماهواره ملی - داخلی)، آغازگر مرحله برجسته دیگری شد، به این صورت که هزینه انتقال برنامه‌های تلویزیونی زنده را در سراسر جهان کاهش داد. در دهه ۱۹۷۰، بیش از نیمی از اخبار تلویزیونی حداقل یک روز بعد منتقل می‌شد اما امروزه تقریباً اخبار تمام وقایع در همان روزی که رخ می‌دهد منتشر می‌شود. رویدادهای بزرگ از جمله: برداشته شدن دیوار برلین، جنگ خلیج فارس، رأی محاکمه اُ.ج.سیمپسون، همزمان با وقوع، در معرض دید میلیاردها نفر قرار گرفت.

تا چندی پیش، اکثر بینندگان در سراسر دنیا حداکثر به نیمی از کانال‌های تلویزیونی و اغلب به دو یا سه کانال دسترسی داشتند اما اکنون این فرصت‌ها با سرعت بسیار رو به گسترش است. نزدیک به اواخر دهه ۱۹۸۰ ماهواره‌های ارتباطی برنامه‌ها را مستقیماً به بشقاب کوچکی که در خانه‌های مردم متصل بود

فرستادند و به این ترتیب با هزینه‌ای ارزان، تلویزیون چند کاناله را توزیع کردند، ناگهان بینندگان از قدرت و انتخاب بیشتری برخوردار شدند.

در اواسط سال ۱۹۹۰، یک انقلاب دیگر صورت گرفت. دست‌اندرکاران پخش، به جای آنالوگ از طریق دیجیتال به انتقال علائم تلویزیونی دست زدند و در نتیجه، کانال‌های بیشتری چه از طریق ماهواره و چه از طریق کابلی و یا حتی هوا، منتقل شد؛ مانند بخش‌های راه دور شبکه تلفن که در ابتدا به دلیل کمبود ظرفیت به وجود آمد و ناگهان از ظرفیت بسیار بالایی برخوردار شد. نتیجه این امر، تحول در ماهیت تلویزیونی بود. ممکن است برای بسیاری از ما تلویزیون یک رسانه یک سویه، جهت رفع خستگی ناشی از کار روزانه باقی مانده باشد اما این رسانه در عمل، کارکردهای بیشتری خواهد داشت، از جمله نقش‌های جدیدی که در تجارت ایفا می‌کند.

رایانه شبکه‌ای

از بین سه واحد ساختمانی انقلاب ارتباطات، جدیدترین آن یعنی رایانه الکترونیک سریع‌تر از بقیه، توسعه یافته است. در سال ۱۹۴۳، توماس واتسون (Thomas Watson) بنیانگذار TBM، عقیده داشت که بازار جهانی برای حدود پنج رایانه، ظرفیت دارد اما تصور او درست نبود چرا که اولاً توان محاسبه بسیار رشد یافته است و در نتیجه رایانه‌ها از لحاظ اندازه کوچک‌تر شده‌اند و ثانیاً این دستگاه‌ها به طور روزافزون به یکدیگر متصل می‌شوند.

افزایش توان محاسباتی، از اصلی تحت عنوان «قانون مور» (Moore's Law) پیروی می‌کرد. وی امروزه هدایت‌کننده ساخت چیپ‌های رایانه یعنی مغزهای رایانه مدرن است.

در پاسخ به محدودیت‌های رایانه در سال‌های ۱۹۶۰، زمانی که بزرگ، گران و کم بودند، آژانس تحقیقات حرفه‌ای وابسته به وزارت دفاع آمریکا، آزمایشی را جهت اتصال رایانه‌های سراسر کشور به عنوان راهی برای تبادل پیام‌ها و سهیم شدن در توان پردازش آنها، دنبال کرد. نتیجه این تلاش، شبکه‌ای گسترده بود که در آغاز فقط رایانه‌های دانشگاهی را به هم متصل می‌کرد. از آنجایی که در آغاز، رایانه‌ها سیستم‌های عملیاتی متفاوتی داشتند، برخورداری از یک استاندارد مشترک یا پروتکل از ضروریات اساسی شبکه محسوب می‌شد.

در نتیجه، پروتکل اینترنت طراحی شد و از اوایل سال ۱۹۸۰، فرصت دسته‌بندی کلیه اطلاعاتی که از طریق اینترنت فرستاده می‌شد، فراهم آمد.

کاربرد اینترنت از سال‌های ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به سرعت رو به افزایش بوده و هر سال دو برابر شده است اما تبدیل آن به یک موقعیت عمومی و جمعی، تنها به سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ باز می‌گردد. در این زمان، فراهم آمدن امکان به کارگیری خطوط ارتباط صدا و تصاویر متحرک مستقیم علاوه بر متن، موجب جذابیت بیشتر اینترنت شد.

به هر حال اینترنت این امکان را به افراد، بخش‌های تجاری چند ملیتی و آکادمی‌های دانشگاهی معتبر داده است که پیشرو استفاده از این فناوری ارتباطی باشند. اینترنت اکنون تلفن، کنفرانس‌های ویدیویی و هم‌چنین برنامه‌های زنده تلویزیونی و پخش رادیویی را منتقل می‌کند. تمام انواع آزمایش‌های ارتباطی که به وسیله اینترنت انجام می‌گیرد سایر رسانه‌ها را نیز تغذیه

کرده و تحول و توسعه می‌بخشد. بنابراین اینترنت، هم به عنوان یک الگوی اولیه و هم به عنوان یک زمینه آزمایشی برای ارتباطات آینده، عمل می‌کند. با مشاهده تکامل آن می‌توانیم نظری به آنچه در پیش روست بیندازیم (12) (Frances Cairncross, 1995, P.P.5).

اینترنت: هم به عنوان یک الگوی اولیه و هم به عنوان یک زمینه آزمایشی برای ارتباطات آینده عمل می‌کند. با مشاهده تکامل آن می‌توانیم نظری به آنچه در پیش روست بیندازیم.

تأثیرات مثبت و منفی انقلاب ارتباطات

با توجه به مطالبی که قبلاً به آن اشاره شد، کاملاً روشن است که انقلاب ارتباطات تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرات را از جنبه‌های منفی و مثبت گوناگونی می‌توان مورد بررسی قرار داد که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

تأثیرات مثبت:

- مرگ فاصله‌ها؛ به این مفهوم که فاصله دیگر تعیین‌کننده هزینه‌های ارتباطی نیست.

- مکان و جا نقش کلیدی نخواهد داشت؛ برای مثال، شرکت‌ها هر جا که بتوانند تولید بهتر و بیشتری داشته باشند فعالیت خواهند کرد.
- ارتباطات بهتر؛ مردم به شبکه‌های جهانی دست می‌یابند و در اسرع وقت اطلاعات در اختیارشان قرار می‌گیرد.
- محتوای شخصی‌تر؛ هر کس با توجه به سلیقه خود می‌تواند آنچه را که می‌خواهد سفارش دهد.
- طبقه‌بندی افراد براساس سلايق و تخصص‌ها؛ چیزهایی تولید می‌شود که در ارتباط با خواست و تخصص یک گروه است.
- پیوند افقی بین افرادی که فعالیت مشابه دارند محکم‌تر می‌شود؛ این امر به بهبود کیفیت کمک می‌کند.
- ایجاد بازارهایی که تضاد در آنها کمتر است؛ مصرف‌کنندگان می‌توانند به قیمت‌ها دسترسی پیدا کنند؛ رقابت عمیق‌تر شده و در نتیجه تورم مهار می‌شود.
- تحرک فزاینده؛ تمامی انواع ارتباطات برای استفاده از راه دور در دسترس است.
- فناوری‌هایی از قبیل پست الکترونیکی، هزینه معاملات را کاهش می‌دهد.
- شبکه‌های فرهنگی ارتباطی، جایگزین ساختارهای سخت و محکم و انعطاف‌ناپذیر می‌شود.
- هزینه‌های آغاز فعالیت‌های تجاری کاهش می‌یابد و در نتیجه شرکت‌های کوچک بیشتری ایجاد می‌شود.
- گسترش تفکرات و ایده‌ها
- آموزش و پرورش از راه دور
- دادن اطمینان جدید، به دلیل آگاهی کامل مصرف‌کنندگان از نوع خدمات تولیدات، زمینه برای اعتراض فراهم شده و در صورت عدم اعتماد، تولیدکنندگان از دور خارج می‌شوند.
- به دلیل قوی‌تر شدن سیستم‌های تعقیب‌کننده، از میزان جنایات و جرائم کاسته خواهد شد.
- نیاز به مهاجرت کاهش می‌یابد.
- سنجش افکار قوی‌تر می‌شود؛ زیرا رابطه عمودی رهبران و مردم کاهش می‌یابد.
- برقراری صلح جهانی؛ از آنجا که کشورها روز به روز از لحاظ اقتصادی به یکدیگر وابسته‌تر می‌شوند و سرمایه‌گذاری جهانی رشد بیشتری می‌یابد، افراد جهان به هم نزدیک‌تر می‌شوند.

- بالا رفتن بردباری به دلیل افزایش دانش و آگاهی
- تقویت فرهنگ‌های ناشناخته با فرهنگ‌هایی که از رواج کمتری برخوردار بوده‌اند.

تأثیرات منفی:

- افزایش ارزش کالاهاى جدید، بدین معنا که هر چه جدید باشد بیشترین قیمت را به خود اختصاص می‌دهد.
- پدید آمدن سرمایه‌داران جهانی، به دلیل سرعتِ به شهرت رسیدن در سطح جهان: آهنگ‌سازان، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران خیلی زود شهرت یافته و ثروتمند می‌شوند.
- از بین رفتن خط و خطوط بین کار و خانه
- مشکل شدن کنترل مسائل غیراخلاقی
- از دست رفتن خلوت و زندگی خصوصی انسان‌ها
- افراد ثروتمند در تمام نقاط جهان به هم نزدیک‌تر می‌شوند در حالی که احتمالاً وضع مردم متوسط چندان بهبود نمی‌یابد و به همین دلیل ضمن یکپارچگی، مجدداً خطر دو قطبی شدن مطرح می‌شود.
- آزادی بیشتر برای کسب درآمد به نظام مالیاتی کشور لطمه می‌زند (ممکن است افرادی که در یک کشور کار می‌کنند، حقوق خود را از کشور دیگری دریافت دارند).
- ساده شدن زبان گفتگو می‌تواند به ادبیات کشور لطمه بزند.
- به دلیل ساده مطرح شدن مسائل، امکان ساده‌انگاری وقایع نیز به وجود می‌آید.
- بی‌ثباتی ناشی از تحولات سریع فناوری می‌تواند زیان‌های جامعه‌شناختی به دنبال داشته باشد.
- تضاد با ارزش‌ها، باورها و علایق مردم نوعی ابهام برای آنها به وجود می‌آورد.
- وابستگی به کشورهای صاحب رسانه‌های قدرتمند به استقلال کشورها صدمه می‌زند.
- حجم اطلاعات به لحاظ کمی افزایش یافته و به لحاظ کیفی کاهش می‌یابد.
- مرز بین عمومی و خصوصی از بین می‌رود.

رسانه‌های ماهواره‌ای و خانواده

«خانواده به منزله سیستمی از تعامل افراد و روابط آنها در نظر گرفته می‌شود. خانواده در واقع بخشی از یک سیستم بزرگ‌تر است. افراد خانواده تحت تأثیر نیازهای دو جانبه، الگوهای ارتباطی و حس وفاداری به یکدیگر پیوند خورده‌اند. بنابراین یک خانواده چیزی بیش از مجموع اجزای تشکیل‌دهنده آن است و عمل هر یک از افراد بر سایر اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد» (Dell, 1988, Luepnitz, 1988, 28 (1), 1-14)

رسانه‌های ماهواره‌ای دیواره‌های خانواده را هر چه بیشتر نفوذپذیر ساخته و حوادث را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهانی به خانه‌ها وارد می‌کنند.

حضور رسانه‌ها به طور اعم و رسانه‌های ماهواره‌ای به طور اخص، تأثیرات بسیار عمیقی بر خانواده به عنوان گروه نخستین گذارده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«رسانه‌های ماهواره‌ای دیواره‌های خانواده را هر چه بیشتر نفوذپذیر ساخته و حوادث را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهانی به خانه‌ها وارد می‌کنند».

- خانواده ابعاد سنتی، ملی و تک ساحتی خود را از دست داده و چند ساحتی می‌شود.
- خانواده دیگر محل استراحت نیست؛ می‌توان در آن کارکرد یا به برقراری ارتباط با دنیای خارج پرداخت.

- طرز چیدن مبلمان و اثاثیه خانواده تحت تأثیر رسانه برای مثال، تلویزیون یا رایانه قرار می‌گیرد.
- معماری خانه‌ها به دلیل حضور رسانه‌های نوین تغییر می‌یابد.
- رابطه انسان با انسان جای خود را به انسان و اشیاء می‌دهد و در واقع پدیده‌ای به نام شیء سروری (Fetishism) اتفاق می‌افتد.

- در مرحله پست مدرن، حتی ارتباط موزائیکی افراد خانواده نیز از بین می‌رود به این صورت که هر کس به اتاق خود می‌رود و برنامه مورد علاقه خود را دریافت می‌کند.
در اینجا نظریه اتمیسم و تکه تکه شدن خانواده مطرح می‌شود.
- از آنجا که افراد می‌توانند در زمان‌های مختلف بیننده یک برنامه باشند حتی لزوم حضور فیزیکی آنها برای دریافت برنامه در کنار یکدیگر از بین می‌رود.

- فضای عاطفی خانواده کاهش می‌یابد.

- عادات خانواده تغییر می‌کند برای مثال، ساعات غذا خوردن با رسانه‌ها تطبیق می‌یابد و نوع غذا، به دلیل استفاده هر چه بیشتر از رسانه‌ها تغییر کرده و ساده‌تر می‌شود.

- خانواده که در اصل گروه نخستین است، ثانوی می‌شود و این امر نتایجی از جمله بزرگی یا آگاهی زودرس فرزندان را به دنبال می‌آورد.

- تفاوت بین آنچه از طریق رسانه‌ها دریافت می‌شود و آنچه در زندگی واقعی وجود دارد، خانواده را دچار تضاد می‌کند.

- ارزش‌های خانواده مخدوش می‌شود و در نتیجه شخصیت‌های دوگانه شکل می‌گیرد.

بنابراین روشن می‌شود که اعضای تشکیل دهنده یک خانواده تا چه حد می‌توانند در گردش کار سیستمی و نظام‌مند خانواده مؤثر باشند. در این میان، نقش مادران و زنان به عنوان هسته مرکزی خانواده، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

چنین به نظر می‌رسد که توجه به یک «دیدگاه ارتباطی برای بررسی روابط خانوادگی مفید باشد زیرا تعامل جزء جدایی‌ناپذیر ارتباط است و از طریق یک کنش ارتباطی است که افراد تعاملات اجتماعی خود را آغاز، تعریف، حفظ و فسخ می‌کنند» (Dudley D.Cahn & Sally A. Lioyd, 1996, P.5).

بدین ترتیب، با توجه به نقش حیاتی زنانی در مرکز خانواده، در بخش زیر به این امر پرداخته می‌شود و برخورد رسانه‌های نوین ارتباطی با زن به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جایگاه زنان در رسانه‌های نوین غربی

با ظهور فیلم‌هایی که حتی روستاها را نیز تحت پوشش گرفت، جنبه ابزاری حضور زنان در رسانه‌ها مشخص شد و در این فیلم‌ها زنان تنها در لباس شنا و به عنوان یک زینت، بدون توجه به جنسیت به کار رفتند. این امر تا آنجا ادامه یافت که به یک مقام بین‌المللی برای جلب علایق زیبایی‌شناختی دست یافتند. توده‌ها عامل حمل این زینت‌ها هستند. منظور از توده، مردم نیست بلکه الگوهایی است که زاده اجتماعند. روشن است که پدید آوردن الگوها در ارتباط تنگاتنگ با شرایط اجتماعی قرار دارد.

پدید آمدن چنین الگوهایی مملو از معنا است و نمی‌توان آن را تنها به سطح ساختار خطی کاهش داد. با کنار هم قرار گرفتن این الگوها، جنبه‌ای رنگارنگ در زندگی بشر پدید می‌آید. در حقیقت انسان‌ها به

شکل توده‌ای و نه به صورت فردی، می‌توانند سازنده‌الگوها باشند و تا هنگامی که در کنار یکدیگر هستند این الگوها را شکل دهند. باله، به هنگام ظهور اولیه خود به سرعت متنوع شد اما امروزه روح و معنای اولیه خود را از دست داده و تنها جنبه تزئینی یافته است. می‌توان گفت که جریان حیات در استادیوم‌های مختلف با جریان موازی آن در قرارگاه‌های نظامی متفاوت است. در حالی که عملاً مشاهده می‌شود در برنامه‌های هنری که اغلب، زنان به طور گروهی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند آنچه اصلاً مورد توجه نیست روح، جان و فکر زن است. این شیوه زنان را صرفاً همچون عناصر مکانیکی کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا از حضور فیزیکی آنان بهره گیرد.

شاید بتوان این امر را به عکس‌های هوایی تشبیه کرد که نه از زاویه خود، بلکه با دیدی برتر به زمین می‌نگرند، مانند بازیگران صحنه که از دکور صحنه مطلع نیستند اما به ساخت آن کمک می‌کنند. این گونه حرکات را بدون در نظر گرفتن منبع تولید نمی‌توان پذیرفت باید اذعان داشت که فقط بدن‌های مکانیکی قادر به انجام حرکات نیستند بلکه روحی که در دست‌ها و اندام‌ها جریان دارد نیز جزئی از الگو محسوب می‌شود.

این ساختار مبین شرایط معاصر جامعه است. از آنجا که فرآیند تولید سرمایه‌داری ریشه طبیعی ندارد، آنچه را که مانع حرکت خود ببیند از میان می‌برد. چیزی که مورد توجه است، دستیابی به سود هر چه بیشتر است که از این طریق به دست می‌آید.

در این زمینه همچنین باید اظهار داشت زنان به عنوان پدیده‌های ارگانیکی در نظر گرفته شده‌اند که از کنار زینت‌ها حذف می‌شوند. این امر را می‌توان با ذکر مثالی روشن ساخت. در گروه افرادی که به حرکات موزون پا می‌پردازند، پاها نمادی از کل اندام به شمار می‌روند که غالب توجه به سوی آنها جلب می‌شود. این الگوها الگوهای خاموشی هستند که کاربرد زبان و گفتار در آنها چندان عقلانی به نظر نمی‌رسد.

تنزل یا ختن مقام زنان. بدون توجه به نقش میانی آنها در مضاف کانون خانواده. تربیت نسل آینده و حرکت جامعه به سوی توسعه و پیشرفت می‌تواند موهبات سودآوری هر چه بیشتر رسانه‌های ماهواره‌ای سرمایه‌داری را خرابم آورد.

بنابراین روشن است که تنزل یافتن مقام زنان، بدون توجه به نقش حیاتی آنها در حفظ کانون خانواده، تربیت نسل آینده و حرکت جامعه به سوی توسعه و پیشرفت می‌تواند موجبات سودآوری هر چه بیشتر رسانه‌های ماهواره‌ای سرمایه‌داری را فراهم آورد.

رادنو در مقاله‌ای تحت عنوان بدن‌سازی - جین فوندا و زنان اجتماعی امروز اشاره می‌کند: «کتاب تمرین جین فوندا که در سال ۱۹۸۱ منتشر شد، کتابی است که قصد دارد شهروند جدید را در ایجاد یک «بدن عمومی» یاری دهد. در واقع منظور این است که در عصر جدید، شهروندان به ویژه جنس مؤنث که تأکید بر آنهاست باید از یک الگوی مشخص بدنی، پیروی کنند. کتاب جین فوندا در واقع بیانگر این نکته است که ورزشی اگر تا پیش از این صرفاً به عنوان برنامه‌ای برای تناسب اندام و سلامتی تلقی می‌شد، اکنون مقوله اصلی فرهنگ مؤنث را تشکیل می‌دهد و در واقع فعالیت‌های فیزیکی که قبلاً فعالیت‌های ورزشی مردان را تشکیل می‌داد امروزه به شکل دیگر، عامل سازنده «خود» در زنان محسوب می‌شود» (Hilary Radner, 1997, P.108).

مادامی که اعتقادات مردسالارانه و واهی در زمینه برتری مردان بر زنان حکمفرما باشد، نمی‌توان به توسعه امیدوار بود. امروزه به روشنی دیده می‌شود که بدون حضور زنان ایثارگر و از خود گذشته در کلیه عرصه‌های زندگی اجتماعی، امکان توسعه و کمال هرگز وجود نخواهد داشت. اما تنزل مقام یا توانایی‌های ذهنی و فکری زنان و صرف استفاده از آنان در امور تبلیغات، پورنوگرافی، رقص و سایر انواع برنامه‌هایی که جهت جلب مخاطب تهیه می‌شود، صدمات جبران‌ناپذیری بر این قشر وارد می‌آورد که به دلیل سیستمی بودن کانون خانواده، نسل آینده را با بحران روبه‌رو خواهد کرد. اگر امروزه چیزی تحت عنوان برابری زنان و مردان، آزادی زنان و فعالیت اجتماعی زنان مطرح است، به معنای به حساب آوردن زنان به عنوان موجودی متفکر و مستقل در کنار مردان است که انتظار می‌رود رسانه‌های ارتباطی بیش از پیش این نقش را به تصویر کشند و سایر قابلیت‌های زنان را در عرصه زندگی اجتماعی نمایان سازند.

فهرست منابع:

1. Frances Cairncross, *the Death of Distance, How the Communication Revolution Change Our Lives, Economist: Survey of Global Telecommunication*, sept. 1995.
۲. پنج مقاله درباره الگوهای پژوهشی و ماهواره‌ها، ترجمه نسترن خواجه‌نوری، شماره ۳۱، ۱۳۷۱، موجود در آرشیو مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۳. جزوات درسی آقای دکتر باقر ساروخانی.
4. Dell, P.F., *Violence and the Systemic View; The Problem of Power, Family Process*, 1988, 28(1)-1-14.
5. *Family Violence From a Communication Perspective*, Edited by Dudley D.Cahn & Sally A.Cloyd, copyright 1996, by Sage Publications Inc.
6. Hilary Radner, *Constructing the New Consumer Society*, 1997.

ماهواره‌ها و بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان

غلامرضا آذری

عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی

اشاره

یکی از زمینه‌های اساسی مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه «روان‌شناسی ارتباطات جمعی» مبحث پیچیده «مخاطب‌شناسی» رسانه‌ها است. در این بین، سهم «ماهواره‌ها» و شناخت‌شناسی مخاطبان متعدد آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سعی و تلاش ابداع‌گران اولیه ماهواره‌ای بر آن بود که از مفهوم ذهنی خود فراتر رفته و اضطراب انسان ارتباطی عصر اطلاعاتی امروز را کاهش دهند. اما این حرکت ارتباطی کامل نشد و ماهواره پدید آمدن انواع آسیب‌های روانی را در مخاطبان ماهواره‌ای شاهد بوده‌ایم. بخشی از این آسیب‌های روانی، جنبه فرهنگی - اجتماعی دارند و بخشی دیگر، شخصی - محیطی. هدف اصلی مقاله حاضر، آشکارسازی یکی از ابعاد مهم مخاطبان ماهواره‌ای از دیدگاه آسیب‌شناختی روانی است. در این نوشتار «بی‌خویشتن‌شدگی» (Depersonalization) مخاطبان ماهواره‌ای به عنوان «متغیر وابسته» به طور مبسوط مطرح نظر قرار می‌گیرد؛ زیرا نویسنده معتقد است برنامه‌های ماهواره‌ای «متغیرهای مستقل» هستند. برای بررسی دقیق، نخست پس از طرح مسئله، تعاریف و توصیف‌هایی از این مفهوم ارائه می‌شود؛ سپس با توجه به نظریه‌های عضوی و روان‌شناختی، ابعاد موضوع شفاف شده و در نهایت با اتکا به پژوهش‌های عملی کلاسیک در این خصوص سعی می‌شود به پرسش‌های مسئله پاسخ داده شود.

در پایان مقاله حاضر، نویسنده با توجه به رویکردهای نظری مسائل آسیب‌شناختی مخاطبان ماهواره‌ای به این نتیجه می‌رسد که «اختلال شکل تفکر» (Formal Thought Disorder) و انواع آن عامل اصلی «بی‌خویشتن‌شدگی» مخاطبان ماهواره‌ای است.

طرح مسئله

برای ارسال و انتقال برنامه‌های تلویزیونی و یا پیام‌های رادیویی از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر، می‌توان از روی سطح زمین ارتباط برقرار کرد؛ ارتباطی که تنها از طریق ابزاری چون «ماهواره‌ها» امکان‌پذیر است.^۱ نظام مخابرات فضایی نیز در آغاز با استفاده از ماهواره طبیعی زمین یعنی «ماه» تحقق یافت. در یازدهم ژانویه سال ۱۹۴۶، کارشناسان مخابرات ارتش آمریکا موفق شدند با انجام یک طرح تحقیقاتی بزرگ مقیاس، به نام «دیانا» (DIANA)، امواج «رادار شکل» را به «ماه» ارسال کرده و سپس بازتاب آن را دریافت کنند. در طول دهه پنجاه آزمایشگاه پژوهشی نیروی دریایی آمریکا به تحقیقات مهمی در این خصوص ادامه داد و تا آنجا پیش رفت که توانست در سال‌های ۶۳-۱۹۵۹ با استفاده از قدرت فیزیکی «ماه» به عنوان یک ماهواره طبیعی؛ میان ایالات واشنگتن و هاوایی «ارتباطات رادیویی منظم»^۲ برقرار کند. نظام ارسال پیام‌های رادیویی به کمک «ماه» در بیست و هشتم ژانویه سال ۱۹۶۰ جلوه همگانی پیدا کرد و اولین تصویر به صورت رسمی به وسیله «ماه» از هاوایی به آمریکا ارسال شد. تصویر مورد نظر اشخاصی را نشان می‌داد که بر روی عرشه کشتی «یواس.هنکاک» (U.S. Henkak) با حرکات دست نشان می‌دادند که این پیام در حال حاضر از ماه ارسال می‌شود. به هر حال، در سال‌های ۵۷-۱۹۵۳، امکان استفاده از ماهواره‌های ساخت بشر برای تقویت و متعادل‌سازی برنامه‌های تلویزیونی سرتاسر دنیا از طرف کشور شوروی مطرح شد. ماهواره مخابراتی «اسپوتنیک اول» (Sputnik 1) یا نخستین «قمر مصنوعی زمین» که در چهارم اکتبر سال ۱۹۵۴ آغاز به کار کرد، توانست برخی از توانایی‌های این نوع ماشین‌های فضایی را نشان دهد.^۳ پرتاب نخستین ماهواره جهان یعنی «اسپوتنیک» به فضا (۱۹۵۴)، به مسابقه‌های فضایی میان ایالات متحده و روسیه انجامید که در اصل به اختراع ماهواره‌های تخصصی‌تر در دهه‌های بعد منجر شد. اولین ماهواره ارتباطی آمریکا یعنی «وستار اول» (Westar 1) در سال ۱۹۷۴ به فضا پرتاب شد و در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد، این نوع ماهواره‌های ارتباطی علاوه بر انتقال امواج تلویزیونی برای تماس‌های تلفنی دوربرد نیز مورد استفاده واقع

شدند. به اعتقاد «راجرز»^۴ هر ماهواره شنیداری - دیداری دارای دوازده تا بیست و چهار فرستنده یا «گیرنده خودکار» (Transponder) است که هر کدام ابزار دریافت یک علامت از زمین، تبدیل آن به یک موج دیگر تقویت کننده و انتقال مجدد آن به زمین است. در واقع، هر «گیرنده خودکار» قادر است، هزار و سیصد تماس تلفنی همزمان، علائم دوازده ایستگاه رادیویی و یک علامت تلویزیونی رنگی را هدایت کند (راجرز، ۱۹۸۶، ص ۵۹). باید اذعان کرد تاکنون در مقایسه با رایانه‌ها و دیگر فناوری‌های نوین ارتباطی، نقش ماهواره‌ها در «انقلاب ارتباطات» (Communication Revolution) و «جامعه اطلاعاتی» (Information Society) از جنبه مزایا و معایب اجتماعی - روانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

«دنيس مک کویل»^۵ در کتاب برجسته خویش «نظریه‌های ارتباط جمعی» (۲۰۰۰) (Mass Communication Theory) این بحث را با طرح نظارت بر زمان و انتخاب موضوع^۶ تحت عنوان «مهار ذخیره اطلاعات» (Control of Information Store) مطرح می‌کند و همواره بر این باور است که شمار مجراهای اطلاعاتی برنامه‌های ماهواره‌ای امروز نشئت گرفته از «موعظه» (Allocution) در برابر «مکالمه» (Conversation) و «مشاوره» (Consultation) در کنار «ثبت و ضبط» (Registration) است. البته، قبل از «مک کویل» این زاویه دید توسط عده‌ای از صاحب‌نظران ارتباطی داخل و خارج نیز مورد تدقیق و نظر واقع شده است (برای اطلاعات بیشتر در این خصوص بنگرید به: مولانا^۷، ۱۹۸۵، کیوی کورو و واریس^۸، ۱۹۸۵؛ سیتیروپ^۹، ۱۹۸۹؛ والیس و باران^{۱۰}، ۱۹۹۰؛ ساروخانی^{۱۱}، ۱۳۷۵؛ فرهنگی^{۱۲}، ۱۳۷۹؛ تهرانیان^{۱۳}، ۱۹۷۹).

در سال‌های اخیر، «رویی و دی میر»^{۱۴} (۲۰۰۰) در باب «تجارت جهانی» بحث را از زاویه «جریان بین‌المللی اخبار» در «ماهواره‌های پخش مستقیم» یا D.B.S دنبال کرده‌اند و بر «هویت فرهنگی» و محتوای اطلاعات تأکید ورزیده‌اند. به هر روی با تمامی این توصیف‌ها نمی‌توان نقش تأثیرگذار ماهواره‌ها را در تسریع و آسان‌سازی زندگی امروز مخاطبان نادیده انگاشت زیرا:

- خدمات بسیار ارزان قیمت تلفن‌های راه دور را به ارمغان می‌آورند.
- جهش در نرخ پذیرش تلویزیون‌های کابلی جهان را ارائه می‌کنند.
- زمینه تسهیل چاپ روزنامه‌های ملی و بین‌المللی را فراهم می‌سازند.
- تسریع جریان بین‌المللی اخبار و تصاویر رویدادها را امکان‌پذیر می‌سازند.

- قابلیت تمرکززدایی از انواع مؤسسات اطلاعاتی متمرکز را عملی می‌کنند.

- احساس‌ها و هیجانات مخاطبان را اشاعه داده و تحریک می‌کنند.

اما با تمامی این ویژگی‌ها و اثرات مطلوب (یا مزایا)، دغدغه‌ها و تشویش‌هایی هم دارند که همواره بیشتر صاحب‌نظران روان‌کاو رسانه‌ای را به فکر و اندیشه واداشته است. این مهم (یا معایب)، از دهه هشتاد

که «کابل‌های فیبر نوری» روانه بازار شدند و موجبات «کارآیی»، «دوسویگی» و «را فراهم آوردند، به عنوان یک حوزه پژوهشی مطمح نظر اندیشمندان روان‌شناس قرار گرفت. این روان‌شناسان آزمایش‌گر معتقد بودند عنوان «جبرگرایی فناورانه» که خود از حوزه «نظریه‌های فناوری» بر می‌آید، موجب می‌شود مخاطبان معاصر را دقیق شناسیم و گاه در این شناخت دچار لکنت و تزلزل روش‌شناسی شویم. زیرا جبرگرایی از دیدگاه روان‌شناسی کاربردی رسانه‌ها نیز «تک‌ساختی» است

در مقایسه با رایانه‌ها و دیگر فناوری‌های نوین ارتباطی، نقش ماهواره‌ها در «انقلاب ارتباطات» و «ماهیت اطلاعاتی» از جنبه مزایا و معایب اجتماعی، روانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

و تنها یک متغیر مستقل برای تغییرات اجتماعی قائل می‌شود که آن هم خود فناوری است.^{۱۵} این مقاله با طرح این مسئله که جبرگرایی فناوری ماهواره‌ای به دلیل ذات نامتغیر خود، مخاطبان انبوه پدید می‌آورد و آنها را دائماً تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌کوشد تا در چارچوب مخاطب‌شناسی ماهواره‌ها «شخصیت‌زدایی» یا «بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان» را از دیدگاه آسیب‌شناسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد؛ از این رو، پاسخ به سؤالات زیر جزو اهداف اصلی نوشتار حاضر است:

۱. شخصیت‌زدایی یا بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان ماهواره‌ای چیست؟
۲. تجربه ذهنی بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان ماهواره‌ای به چه معنا است؟
۳. نظریه‌های عضوی و روان‌شناختی مخاطبان ماهواره‌ها چه مفهومی دارند؟
۴. آیا برنامه‌های ماهواره‌ای برای مخاطبان خود اختلالات روان‌پریشی به همراه خواهد داشت؟
۵. اختلال شکل تفکر و انواع آن تا چه اندازه در بین مخاطبان ماهواره‌ای پدید می‌آید؟
۶. آیا تفکر پنداریافته مخاطبان ناشی از تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای است؟
۷. آیا تفکر تخیلی مخاطبان به دلیل مشاهده برنامه خاصی در ماهواره است؟

۸. پس از تماشای یک برنامه ماهواره‌ای تفکر منطقی یا مفهومی چگونه شکل می‌گیرد؟
۹. فراگردهای تفکر مُختل در اثر دیدن برنامه‌های ماهواره‌ای چگونه پدید می‌آید؟
۱۰. آیا شتاب تفکر در میان مخاطبان شخصیت‌زدا شده ماهواره‌ای آشکار می‌شود؟
۱۱. قطع جریان تفکر در بین مخاطبان برخی از برنامه‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای چگونه شکل می‌گیرد؟
۱۲. و بالاخره، آشفتگی قضاوت در تماشای مداوم یک برنامه ماهواره‌ای به چه معناست و چه نتایجی را به بار می‌آورد؟

۱- تعاریف و توصیف‌های بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان ماهواره‌ای

بی‌خویشتن‌شدگی یا شخصیت‌زدایی یکی از مفاهیمی است که برای نشان دادن تغییر خاصی که در آگاهی از خود به وجود می‌آید به کار می‌رود و در آن فرد احساس می‌کند «انگار که» غیرواقعی است (سدمن^۶، ۱۹۷۲، ص ۱۹۱). تجربه «انگار که» بسیار شایع است. «فوتول»^{۱۷} (۱۹۸۶) این پدیده را چنین تعریف می‌کند:

«بی‌خویشتن‌شدگی یک حالت ذهنی غیرواقعی بودن است که در آن نوعی احساس بیگانگی از خود و یا محیط خارجی وجود دارد» (ص ۲۶۳).

«آکتر»^{۱۸} (۱۹۵۴) تعریف جامع‌تری ارائه داده است که ابعاد برجسته آن عبارتند از:

۱. بی‌خویشتن‌شدگی همواره یک پدیده ذهنی و نوعی اختلال در تجربه است.
۲. تجربه بی‌خویشتن‌شدگی، تجربه تغییر درونی یا بیرونی است که با احساس غرابت یا غیرواقعی بودن مشخص می‌شود.
۳. تجربه‌ای ناخوشایند و ناملموس است زیرا کاملاً مفهوم نیست.
۴. تمامی کارکردهای ذهنی ممکن است در معرض این تغییر باشند اما عاطفه، از عناصر همیشه درگیر آن است.
۵. بصیرت باقی می‌ماند و هوشیاری یک سطح ناپیدا دارد.

«آکسر» در مقاله برجسته خود «بی‌خویشتن شدگی: علت‌شناسی و پدیدارشناسی»؛ این تعریف جامع را فقط به موقعیت‌ها و شرایط خاصی محدود می‌کند (صص ۷۲-۸۳۸). البته مواردی که از بی‌خویشتن شدگی کنار گذاشته شده‌اند عبارتند از:

الف - وجود «شرح و بسط وهم یا هذیان» در هر تجربه.

ب - اختلالات مرز «من» (Ego) در افراد اسکیزوفرنیا.

ج - نابودی یا کاهش «هویت شخصی» افراد.

بر اساس تعاریف بالا باید گفت: «مخاطبان برنامه‌های ماهواره‌ای» بی‌آنکه خود بخواهند؛ بر اثر تماشای برنامه مورد علاقه خود درگیر و دچار این تغییرات ذهنی خواهند شد. برای مثال می‌توان به نقش فیلم‌های ماهواره‌ای در ایجاد خشونت در اطفال و نوجوانان اشاره کرد. طبق نتایج به دست آمده از بیشتر تحقیقات^{۱۹}؛ ویژگی‌های کار فنی تلویزیون در برگیرنده صحنه‌های خشونت‌آمیز به این شکل تعیین شده است:

نمایش تصویر آشکاری از صحنه خشونت که در برگیرنده شکلی از انواع خشونت است و در آن تهدید، عمل یا ضرر ناشی از خشونت به صورت دیداری علنی است. در این صحنه، عمل مادی یا اقدامی از موجود زنده سر می‌زند که منظور از آن آزار روحی - روانی به خود و انتقال آن به مخاطبان است. فیلم‌های ترسناک، هیجانی و ماجراجویانه، از این دسته قلمداد می‌شوند (اجلاس سالانه مرکز ملی تحقیقات اجتماعی - خشونت در جامعه مصر).

در بیشتر این فیلم‌ها، بی‌خویشتن شدگی مخاطبان در اثر انواع خشونت، به دلیل کثرت مشاهده پدیدار می‌شود. برای مثال: در یک اکشن، در پلان اول تیراندازی و در پلان‌های بعد هل دادن و ایجاد مزاحمت، تهدید با وسایل فلزی تیز مانند چاقو و خنجر، مشت زدن، پرت کردن از مکان بلند، تهدید لفظی، انفجار و استفاده از ابزاری مانند دام و تله برای به دام انداختن دیگران مشاهده می‌شود. بنابراین، طبیعی است که بی‌خویشتن شدگی مخاطبان را شاهد باشیم.

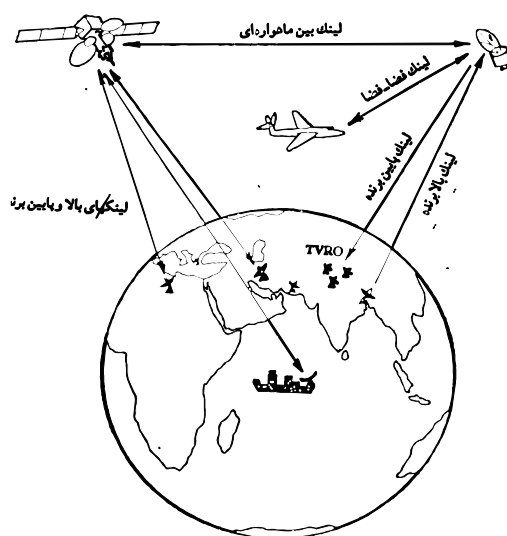
ارتباط بین بی‌خویشتن شدگی و جنبه‌های نظری گوناگون ادراک خویشتن در رویکرد پدیدارشناسانه، توسط ملور (۱۹۸۸)* مورد بازنگری جدی قرار گرفت. او تأثیر کارهای شیلدر^{۲۰} (۱۹۲۰)؛ یاسپرس^{۲۱} (۱۹۵۹)؛ اشنایدر^{۲۲} (۱۹۵۸) و مایر - گروس^{۲۳} (۱۹۳۵) را بر روی این مفهوم مورد بحث قرار داد و مطالبی درباره فراوانی این حالت و طیفی از ناخوشی‌های روانی که ممکن است با آن

همراه باشد، مطرح ساخت. این حالت برای مخاطبان ماهواره‌ای ممکن است به صورت اختلالات عضوی، به ویژه «لوب گیجگاهی»: «گسست جنون‌آمیز»، ناخوشی، هیجان کاذب، افسردگی و بروز کند.

۲- تجربه ذهنی بی‌خویشتن‌شدگی مخاطبان ماهواره‌ای

از آنجایی که ماهواره‌ها برای جمع‌آوری، دریافت و رله کردن اطلاعات به کار می‌روند، خود نیز قسمتی از «لینک» یا «خط ارتباطی» محسوب می‌شوند. لینک‌های مختلف را می‌توان به صورت شکل (۲-۱) نشان داد. اصولاً یک ماهواره ارتباطی امروزی شامل نظام‌های زیر است:^{۳۴}

الف - نظام آنتن‌گذاری برای دریافت و ارسال علائم.



شکل (۲-۱) نمایش دقیق انواع لینک‌های ماهواره‌ای

* منبع: تکنولوژی تلویزیون ماهواره‌ای از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کاری از مهندس فردرو، مرکز پژوهش‌های کاربردی، ۱۳۷۳، ص ۱۸.

ب - نظام ارتباط: شامل وسایل الکترونیکی برای دریافت علائم، تقویت، تغییر فرکانس و ارسال مجدد آنها.

ج - نظام فرمان و دورسنجی: برای دریافت فرمان از زمین و ارسال اطلاعات مربوط به ماهواره به زمین.

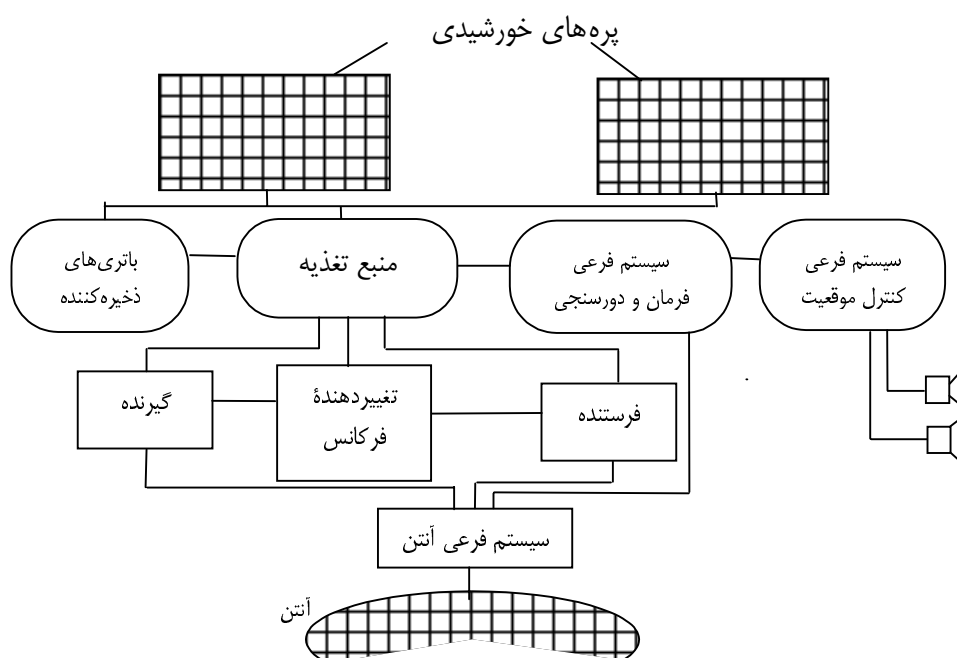
د - نظام تعادل: برای نگهداری دقیق آنتن‌های ماهواره در جهت صحیح.

هـ - نظام کنترل موقعیت در مدار و ارتفاع: برای تنظیم موقعیت مداری ماهواره و ارتفاع آن.

و - نظام منبع تغذیه: به منظور تهیه و ایجاد قدرت لازم برای راه‌اندازی وسایل ماهواره.

ز - نظام کنترل حرارتی: برای کنترل حرارت ماهواره.

هر ماهواره ارتباطی برای آن که بتواند به راحتی پوشش مخاطبان مورد نظر خود را فراهم سازد حداقل باید همه نظام‌های یاد شده را در بر داشته باشد. (شکل ۲-۲) به صورت مشخص این وضعیت را نشان می‌دهد:

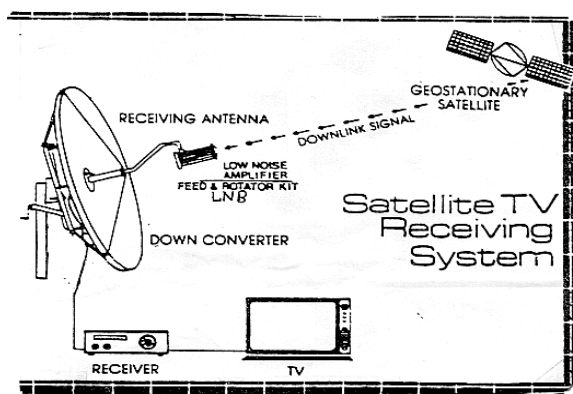


شکل (۲-۲) نمای کلی یک ماهواره ارتباطی / اقتباس از: منبع پیشین، ص ۹۲.

اما گیرنده‌های تلویزیونی امواج ماهواره‌ای که به صورت شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اجزای زیر را شامل می‌شوند:

۱. آنتن بشقابی مخصوص ماهواره یا (Satellite Antennas) .
۲. فیدر شیپوری ویژه آنتن یا (Feed Horn).
۳. تقویت‌کننده ماهواره و پایین‌آورنده فرکانس امواج یا (LNB).
۴. داشتن یک گیرنده یا (Receiver).
۵. کابل لازم برای برقراری ارتباط.
۶. یک تلویزیون معمولی یا مانیتوری.

شکل (۲-۳) اجزای تشکیل‌دهنده گیرنده‌های شخصی تلویزیونی ماهواره را نشان می‌دهد.



شکل (۲-۳) نمایی از اجزای تشکیل‌دهنده گیرنده‌های شخصی تلویزیونی ماهواره.

* اقتباس از: منبع پیشین، ص ۱۰۱.

بنابراین با توجه به مرور اجمالی اصول ساز و کار فنی ماهواره‌ها بهتر می‌توان قدرت ارتباطی این وسیله را تحلیل کرد. در حال حاضر، بسیاری از آزمایشگاه‌ها و مراکز پژوهشی سعی دارند آنتن‌های ماهواره‌ای را با قطر کوچک‌تر بسازند. برای مثال یکی از تولیدکنندگان و سازندگان گیرنده‌های ماهواره‌ای ادعا کرده است که آنتن‌های بشقابی را با قطر ۱۸ اینچ (حدود ۴۵ سانتی‌متر) هم می‌توان ساخت. باید گفت، پس از این شناخت اجمالی تجسم «بی‌خویشتن شدگی» مخاطبان از جنبه تجربه

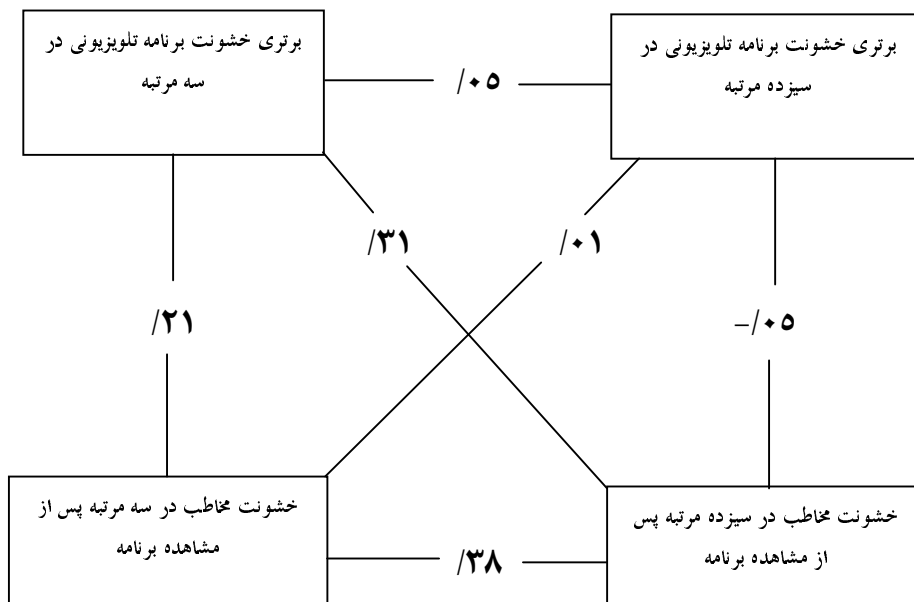
ذهنی معنایی خاص می‌یابد زیرا ماهواره‌ها که قدرت پوشش دقیق تصاویر خانگی را دارند، مطمئناً - همان طور که تحقیقات کلاسیک نشان داده است - مخاطبان را دچار تجربه ذهنی بی‌خویشتن‌شدگی می‌کند. در این زمینه مجموعه پژوهش‌های کلاسیک «جورج گرینر»^{۲۵} و همکاران (۱۹۸۰)؛ «جوزف دومینیک»^{۲۶} (۱۹۸۷)؛ «جی. ایزنبرگ»^{۲۷} (۱۹۸۰)؛ «ج. فریل و سی. آر. ساندرز»^{۲۸} (۱۹۹۵) نیز آموختنی است. بر اساس نتایج این تحقیقات، مخاطب اغلب توصیف خود را پس از دیدن برنامه ماهواره‌ای چنین مطرح می‌کند: «گاهی پس از دیدن این برنامه فکر می‌کنم باید دیوانه شده باشم» یا «وقتی این مطالب و تصاویر را برای شما بازگو می‌کنم، لابد فکر می‌کنید آدم عجیب و غریبی هستم ولی» و همچنان فهرست طولانی و گیج‌کننده تجارب ناخوشایند «منفک شدن» را ارائه می‌دهد و چون احساس می‌کند این تجربه منحصر به اوست، قادر نیست از استعاره‌هایی استفاده کند که رضایت او را فراهم آورد. «بی‌عاطفه‌شدگی» (De-affectualization) مخاطب در برابر فیلم‌های اکشن ماهواره‌ای نیز نوعی توصیف برای مفهوم از دست دادن ظرفیت خود برای «برون‌ریزی هیجانی» (discharge of affect) است که معمولاً توأم با تجربه ذهنی بی‌خویشتن‌شدگی است.

۳- نظریه‌های عضوی و روان‌شناختی مخاطبان ماهواره‌ای

«سدمن»^{۲۹} (۱۹۷۰) نظریه‌هایی را که برای «تبیین» بی‌خویشتن‌شدگی مطرح شده بود، مورد بازبینی و ارزیابی قرار داد. به باور او، نظریه‌های عضوی، روان‌شناختی، روان‌تحلیلی و از این گروه محسوب می‌شدند. بر اساس نظر «مایر-گروس» (۱۹۳۵) بی‌خویشتن‌شدگی، نوعی پاسخ کارکردی است که پیشاپیش در مغز شکل گرفته است. اصولاً برای مخاطبان ماهواره‌ای؛ «نظریه‌های عضوی» (Organic Theories) که برای تفسیر بی‌خویشتن‌شدگی مطرح شده‌اند، تغییر هشیاری (یا آگاهی مخاطب در برابر برنامه مورد نظر) را به عنوان یک ساز و کار رهاکننده (Release mechanism) تلقی می‌کنند زیرا این برنامه است که به عنوان متغیر مستقل در مقابل مخاطب به عنوان متغیر وابسته به تأثیرگذاری می‌پردازد. اکثر تحقیقات کلاسیک این وضعیت را ثابت کرده‌اند. برای مثال «هیوزمن و ارون»^{۳۰} (۱۹۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «رشد رفتار پرخاشجویانه از چشم‌انداز رشد رفتارگرایی» به تعدد و تکرار خشونت در محتوای برنامه‌ها پرداختند و به این نتیجه رسیدند که رسانه تلویزیون و برنامه‌های ماهواره عامل اصلی سر زدن اعمال خشونت‌آمیز مخاطبان است. جامعه آماری این دو محقق، ۲۱۱ پسر پس از دوران ده

سالگی بود که در بررسی و تحلیل کمی، همبستگی آنها از وضعیت «همسالان» (Peer) فراتر رفت و با رُجحان نوع خشونت تلویزیونی مورد تدقیق و ارزیابی قرار گرفته بودند. شکل (۳-۱) این همبستگی را نشان می‌دهد.

شکل (۳-۱) همبستگی میان خشونت برنامه‌ها و تکرار اعمال خشونت‌آمیز مخاطبان

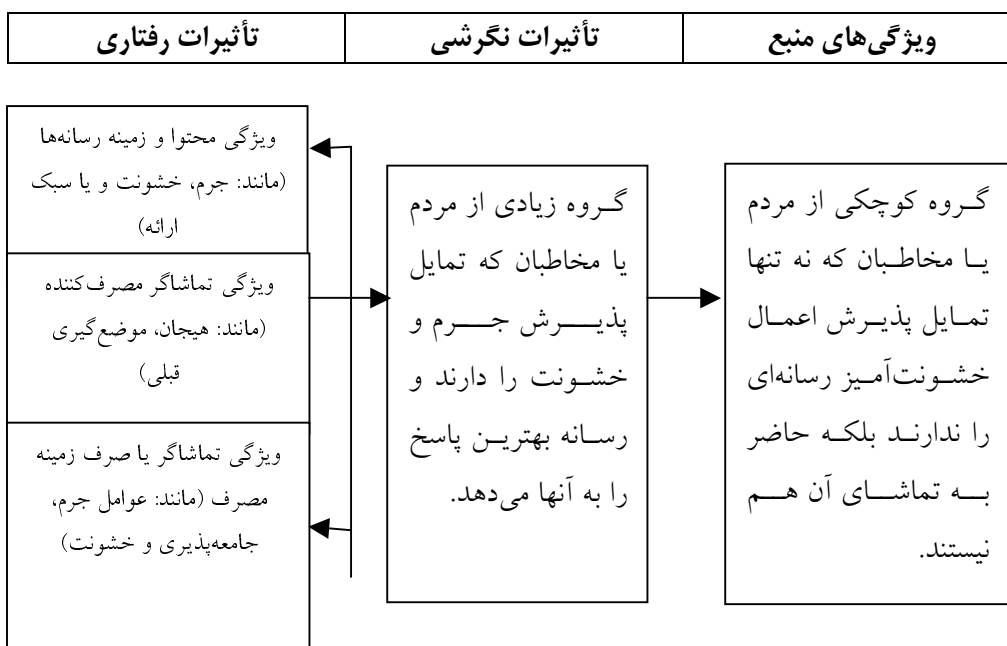


* منبع: رایت، باهن و ریبر^{۳۱} (۱۹۸۰) با کسب اجازه از: راهنمای آکادمی ملی نیویورک، ص ۳۲۰.

۴- برنامه‌های ماهواره‌ای و اختلالات روان‌پریشی مخاطبان

بی‌خوابی شدن شدگی مخاطبان ماهواره‌ای به طور شایع در اختلال شوریدگی - افسردگی نیز توصیف شده است، اما علائم تنها در مرحله افسردگی مشاهده شده و شواهدی مبنی بر این که در شوریدگی نیز روی می‌دهد، وجود ندارد (سدمن، ۱۹۷۰). «اندلسون»^{۳۳} (۱۹۳۸) اظهار داشت: «حالات وجد» (Ecstasy States) که در اختلال شوریدگی - افسردگی اتفاق می‌افتد آن روی دیگر بی‌خوابی شدن شدگی است. بدین صورت که حالات وجد در شوریدگی رخ می‌دهد و بی‌خوابی شدن شدگی با افسردگی دیده می‌شود. سدمن (۱۹۷۲) سه گروه از افرادی را که با یکدیگر هم‌تا شده بودند، مورد بررسی قرار داد. هر گروه شامل ۱۸ نفر

بود که علائم بی‌خوابی، اضطراب (Anxiety) و افسردگی (Depression) را نشان می‌دادند. نتایج این بررسی اهمیت خلق افسرده را در بی‌خوابی‌شدگی مورد تأکید قرار داد، ولی به نظر می‌رسید که اضطراب هیچ رابطه‌ی معنی‌داری با آن نداشته باشد. ری سورتی (۱۹۹۸) در کتاب ارزشمند «رسانه‌ها، جرم و عدالت جنایی»^{*} در موضوع «ساختار اجتماعی جرم و خشونت رسانه‌ای»؛ برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای را عامل اصلی اختلالات روان‌پریشی مخاطبان برمی‌شمارد. او در این خصوص به سه طبقه‌بندی «ویژگی‌های منبع» (Source Characteristics)؛ «تأثیرات نگرشی» (Attitudinal Effects) و «تأثیرات رفتاری» (Behavioral Effects) دست می‌یازد و آنها را عامل اصلی شکل‌گیری اختلالات رفتاری - حرکتی مخاطبان برنامه‌های ماهواره‌ای می‌داند. شکل ساده زیر تقسیم‌بندی او را نشان می‌دهد:

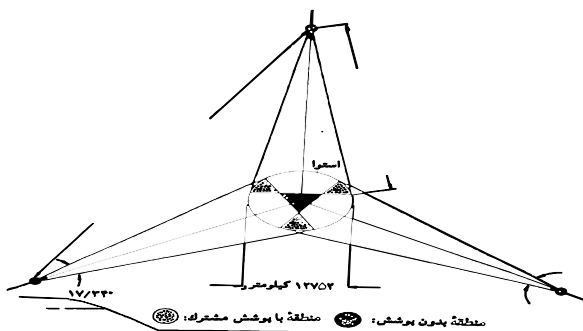


«شکل ساده عوامل مرتبط با تأثیرات جرم‌زایی رسانه‌ها» بر اساس سه تأثیر مختلف

منبع: «ری سورتی»؛ رسانه‌ها، جرم و عدالت اجتماعی؛ ۱۹۹۸، ص ۱۲۷.

۵- اختلال شکل تفکر و انواع آن در بین مخاطبان ماهواره‌ای

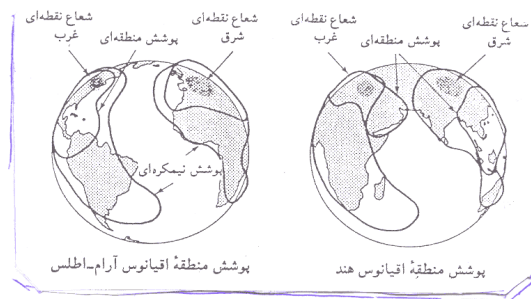
پیش از ورود به این بحث لازم است که قدری هم به تحلیل «پوشش» (Coverage) ماهواره‌ها بپردازیم. اصولاً یکی از مهم‌ترین مسائل طراحی نظام‌های ماهواره‌ای، آگاهی از مقدار سطح زیر پوشش ماهواره در روی زمین است. به عبارت دیگر، سطح زیر پوشش ماهواره‌ای منطقه‌ای از سطح کره زمین است که امواج تشعشی ماهواره را به طور مستقیم از فضا دریافت می‌کند. برای مثال: ماهواره‌های مدار ثابت زمین با تعداد کم امکان ایجاد پوشش زیادی بر روی زمین دارند. شکل (۵-۱) وضعیت سه ماهواره فرضی را در مدار ثابت جهت پوشش جهانی نشان می‌دهد:



شکل (۵-۱) نمایش فرضی سه ماهواره در مدار ثابت جهت پوشش جهانی

* منبع: تکنولوژی تلویزیون ماهواره‌ای، ص ۲۳.

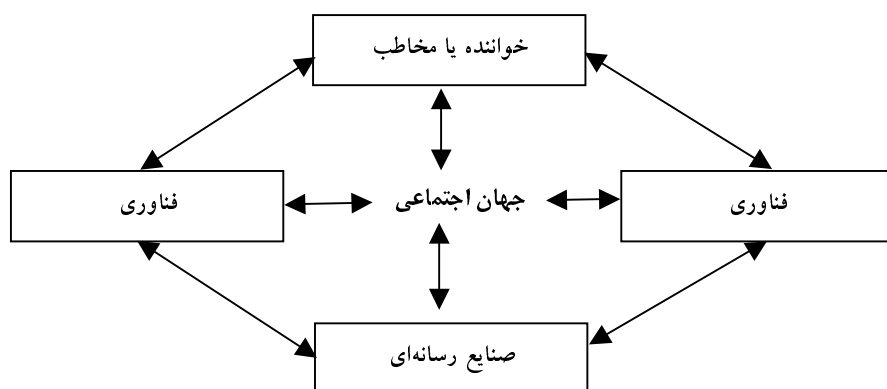
ماهواره‌های «اینتلست»^{۳۳} (یا ماهواره ارتباطات دوربرد بین‌المللی=INTELSAT) خود نمونه‌ای از ماهواره‌هایی هستند که برای پوشش جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به طور کلی، اندازه و شکل واقعی سطح زیرپوشش ماهواره^{۳۴} توسط مشخصه پرتو تشعشی آنتن ماهواره تعیین می‌شود. شکل (۵-۲) انواع پوشش ماهواره اینتلست (۵) را نشان می‌دهد:



شکل (۲-۵) نمایش منطقه‌ای انواع پوشش ماهواره اینترنت (۵)

* منبع: تکنولوژی تلویزیون ماهواره‌ای، ص ۲۴.

پوشش ماهواره‌ها و مسائل فنی - منطقه‌ای آن به ما نشان می‌دهد که چه تعداد از مخاطبان یک منطقه تحت‌الشعاع یک برنامه معین قرار می‌گیرند و اصولاً «اختلال شکل تفکر» از همین «معنا» به تجزیه و تحلیل کشانده می‌شود؛ زیرا فراگرد تفکر هر مخاطب، برگرفته از برنامه‌ای است که تماشا می‌کند؛ این رسانه است که در سطح «جامعه» به تأثیرگذاری می‌پردازد و جامعه همچون «جهان اجتماعی» به رسانه و حرکات پدیدارشناختی گوناگون آن جهت می‌بخشد. این مهم، واقعیتی است که بیشتر جامعه‌شناسان رسانه‌ای نیز به آن اذعان دارند. در این زمینه دیوید کروتیا و ویلیام هونینیس^{۳۵} (۱۹۹۷) در کتاب معروف «رسانه‌ها / جامعه» (صنایع، تصاویر و مخاطبان) وارد مطالعات نظری جدی شده‌اند و از رسانه‌ها و جهان اجتماعی الگوی ساده شده‌ای ارائه داده‌اند تا ساختار اجتماعی واقعیت رسانه‌ها را از هر سو مشخص سازند. شکل (۳-۵) این الگوی ساده را نشان می‌دهد:



شکل (۳-۵) الگوی ساده شده «رسانه‌ها و جهان اجتماعی»

• اقتباس از: کروتیا و هوینیس در «رسانه‌ها / جامعه»؛ ۱۹۹۷، ص ۲۵.

بنابراین باید گفت تفکر یا اندیشیدن فراگردی است که محصول آن فکر است. مطالعه جنبه‌های ذهنی، کار دشواری است و ما عمدتاً به پدیده‌های ذهنی زندگی روانی که «یاسپرس» (۱۹۶۲) آنها را عملکرد می‌نامید، می‌پردازیم. دقت (Accuracy) شکل و کمیت تفکر اهمیت زیادی دارند. دقت تفکر برای دریافت صحیح شکل، ارزیابی دوره‌ی زمان و یا بازخوانی یک حادثه ضروری است. شکل تفکر ممکن است متنوع باشد و برای مثال از ادراک آغاز شده و به حل «انتزاعی» یک مسئله ریاضی یا تفکر پنداربافانه بی‌سمت و سو منتهی شود. جنبه‌های کمی تفکر شامل سرعت تداعی‌ها، مقدار کار انجام شده، وسعت حافظه و انواع آن است. در مطالعه اختلال تفکر مخاطبان ماهواره‌ای دو جنبه کاملاً متمایز وجود دارد: آگاهی ذهنی مخاطب از الگوهای آشفته تفکر خود و تظاهر فکر نابهنجار در کلام و زبان او. اختلال شکل تفکر که معادل اصطلاح انگلیسی (Formal Thought disorder) است از دیدگاه ذهنی (یا پدیدارشناسی) نوعی نابهنجاری در ساز و کار تفکر مخاطب پس از توجه و مشاهده برنامه ماهواره‌ای مورد نظر اوست که با درون‌نگری مخاطب در فراگردهای فکری خود توصیف و ارزیابی می‌شود. یعنی مخاطب به زبانی ساده بازخورد فراگرد تفکر حاصل از مشاهده برنامه را که برای ناظر خارجی به وضوح نابهنجار است، شرح می‌دهد. «فیش»^{۳۶} (۱۹۶۷) فراگردهای تفکر را به سه نوع زیر تقسیم کرده است:

الف - تفکر پنداربافانه بی‌سمت و سو (فانتزی) (Undirected Fantasy Thinking)

ب - تفکر تخیلی (Imaginative Thinking)

ج - تفکر منطقی یا مفهومی (Rational or Conceptual Thinking)

بر اساس تعاریف «فیش» باید گفت که هر سه نوع این تفکر پس از مشاهده برنامه مورد نظر (ماهوره‌ای در مخاطبان آشکار می‌شود. در تأیید این بحث روانکاوانه و نقش مخاطب به طور جزئی کارهای کلاسیک «دنيس مک‌کویل»^{۳۷} (۱۹۷۲)؛ «دیوید مورلی»^{۳۸} (۱۹۸۰)؛ «کیوین ام. کاراگی»^{۳۹} (۱۹۹۰)؛ «رابرت مک‌چسنى»^{۴۰} (۱۹۹۴)؛ «جولیا دبلیو. شلیگل»^{۴۱} (۱۹۹۳)؛ «دیوید مورلی»^{۴۲} (۱۹۹۲)؛ «هوارد رهینگولد»^{۴۳} (۱۹۹۳)؛ «تامارلییس» و «السیموکاتز»^{۴۴} (۱۹۹۳)؛ «جان بی. تامپسون»^{۴۵} (۱۹۹۵)؛ «نیک استیونس»^{۴۶} (۱۹۹۵) و «جروم برونر»^{۴۷} (۱۹۸۶) بسیار خواندنی و قابل توجه است. سال‌ها پیش یک بررسی تجربی و حرفه‌ای بر روی «تأثیر اجتماعی تلویزیون ماهواره‌ای در اندونزی» (۱۹۶۷) توسط «گودوین چو و ویلبر شرام»^{۴۸} (۱۹۹۱) انجام پذیرفت و چون این دو پژوهشگر برجسته از مرکز شرق - غرب به انجام این تحقیق روی آورده بودند موفق شدند که در کار خود دقت خاصی مبذول دارند. آنها در باب استفاده مردمان اندونزی از

روان‌شناسان آزمایشگر معتقدند عنوان
بیرگرایی ضاوانه که فود از موزه
نظریه‌های ضاوانه برمی‌آید موجب
می‌شود در شافت مخاطبان معاصر دچار
لکت و تزلزل روش‌شناسی شویم. زیرا
بیرگرایی ضاوانه «تک سامتی» است و
تنها یک متغیر مستقل برای تغییرات
اقتصادی قائل می‌شود.

برنامه‌های ماهواره‌ای به این نتیجه رسیدند که هیچ مجرای، برای همیشه اثربخش‌ترین مجرا قلمداد نمی‌شود و همواره ابزار نوینی مانند تلویزیون‌های ماهواره‌ای نیز در این حوزه جای می‌گیرند. یکی دیگر از موضوعات برنامه‌های ماهواره‌ای که ذهن مخاطبان را دچار اختلال کرده و اعمال آنها را بدون آن که خود بخواهند تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصاویر مستهجن است. طبق نتایج تحقیقات به عمل آمده باید گفت: این تصاویر اثرات منفی هرزه‌گرایانه‌ای بر مخاطبان به جا می‌گذارد و قدرت اندیشه را از آنان گرفته، احساسات و هیجانات کاذبی را جانشین می‌سازد که در نوع خود آسیب فراوانی به همراه دارد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: «لینز، دونرستین و پینرود»^{۴۹} (۱۹۸۴)؛ «دونرستین» و «مالاموت»^{۵۰} (۱۹۸۴)؛ «فیش و جرنیر»^{۵۱} (۱۹۹۴)؛ «گرای»^{۵۲} (۱۹۸۲) و «گلدستین»^{۵۳} (۱۹۷۳). البته، برخی از ماهواره‌ها با توجه به شکل‌گیری جنبه‌های حقوقی و معیارسازی تصاویر (در کشورهای مختلف) سعی در

جلوه دادن جنبه‌های آموزشی - تفریحی این برنامه‌ها دارند که به نظر می‌رسد؛ توجیه عصر اطلاعاتی امروز جهان رسانه‌هاست. به هر روی در اختلال فراگرد تفکر مخاطبان، «تفکرپنداربافانه» ممکن است دوره کوتاهی داشته باشد (برای مثال: دیدن تصاویر ترسناک یا هراس آلود و خیالبافی‌های قبل از خواب) و یا آن که موجب شیوه تثبیت شده‌ای شود.

بافایشن شدگی مخاطبان
ماهواره‌ای ممکن است به
صورت افتراوات عضوی. به
ویژه لوب گیگاهی.
گسست بون آمیز. ناموشی.
هیجان کاذب. اخسردگی و
مانند آنها بروز کند.

تفکر تخیلی؛ استفاده تحت نظارت از پنداربافی و حافظه برای طراحی زندگی روزمره و بهره‌گیری از توالی الگوهایی است که هوشیاری را تشکیل می‌دهند. در مخاطبان ماهواره‌ای تفکر تخیلی از منطق یا احتمال فراتر نمی‌رود اما لزوماً به حل مشکلات آنی هم محدود نمی‌شود. در اینجا مفهوم کاربردی «دی‌بونو»^{۵۴} (۱۹۶۷) درباره تفکر جانبی به این بحث مربوط می‌شود، چون ذات تصویری ماهواره موجب می‌شود تداعی‌ها آزادانه برای مخاطب رخ دهد، ولی گرایش تعیین‌کننده فراگرد تفکر، قوی و مستمر شود.

«تفکر منطقی یا مفهومی» به طور دقیق به جایگاه مخاطب و انواع

آن باز می‌گردد. اکثر محققان مخاطب‌شناس رسانه‌ای در برابر برنامه‌های ماهواره‌ای چهار نوع مخاطب را به صورت زیر از یکدیگر تفکیک می‌کنند:

۱- مخاطب فعال^{۵۵} (Active Audience)

۲- مخاطب مقاوم^{۵۶} (Resistive Audience)

۳- مخاطب منفعل^{۵۷} (Passive Audience)

۴- مخاطب خاموش یا گرفتار^{۵۸} (Captive Audience)

باید اذعان کرد که این احتمال نیز وجود دارد که هر یک از این مخاطبان پس از تماشای برنامه، دچار تفکر منطقی یا مفهومی شوند. این نوع تفکر، استفاده از منطق، بدون آمیخته شدن آن با پنداربافی در جهت حل مسائل است (برای مثال: مخاطبی که دیدن «گشتی کج» در برنامه ماهواره‌ای را منطقی قلمداد کرده و نمی‌داند که خشونت را از این طریق به ذهن خود تزریق می‌کند). به هر روی؛ بازشناسی و طبقه‌بندی یک مسئله، موضوع بسیار پیچیده‌ای است، زیرا تنها با استدلال می‌توان راه‌حل آن را یافت.

البته در عمل، برای هر یک از این چهار مخاطب برنامه ماهواره‌ای این سه نوع تفکر از یکدیگر جدا نیستند بلکه پیوسته با هم درمی‌آمیزند.

«فراگردهای تفکر مختل» در اثر مشاهده برنامه‌های هیجان‌انگیز و رخوت‌آور ماهواره‌ای (مانند: مسابقات زیبایی اندام و بوکس یا تبلیغات تجاری مصرفی و...) شکل می‌گیرد که «پرش ایده‌ها» یا «شتاب تفکر»، «انسداد تفکر» و یا «قطع جریان تفکر» را به همراه دارد. مخاطب خاموش یا گرفتار

برنامه‌های جذاب ماهواره این نوع آسیب‌ها را به دلیل بی‌توجهی به محتوای برنامه به خود وارد می‌کند و به مرور زمان دچار بی‌خوابی می‌شود که خود این آسیب «آشفته‌گی قضاوت» را به همراه دارد. قضاوت نوعی تفکر است که دیدگاه فرد را در خصوص واقعیت ابراز می‌دارد. اما «اوهام حقیقی» و نه «واقعی» در اثر مشاهده یک برنامه معین ماهواره‌ای موجب «آشفته‌گی قضاوت» مخاطب در مقایسه با سایر برنامه‌ها می‌شود. زیرا مخاطب همواره «هوشمندانه» یا «عقلانی» به تماشای یک برنامه نمی‌نشیند. ماهواره‌ها و برنامه‌های متنوع آنها، معمولاً از

«بی‌عاطفه شدگی» مخاطب در برابر خیم‌های آتش ماهواره‌ای. نوعی توصیف برای مفهوم از دست دادن ظرفیت خود برای «پرونی‌ریزی هیپنالی» است که معمولاً توأم با تهربخ ذهنی یا فویشن شدگی است.

این نوع شناخت سود برده‌اند و بر مخاطبان چیره شده و تأثیر گذارده‌اند. این واقعیت از آغاز دهه پنجاه یعنی زمان نضج شکل‌گیری ماهواره‌ها تا به امروز که تعداد آنها بی‌شمار شده است نوعی فرهنگ جهان شمول تصویری را شکل داده است که گریز و یا استفاده صحیح از آن تنها به «فرهنگ برتر» و جایگاه «شخصیت مخاطب» باز می‌گردد. سال‌های سال است که روانکاوان و جامعه‌شناسان رسانه‌ای اصطلاحاتی چون: «هراس اخلاقی» (Moral Panic)؛ «بی‌احساسی» (Apathy)؛ «بیگانگی تفکر» (Alienation) of Thought؛ «تخلیه هیجانی» (Catharsis)؛ «کرتختی» یا «رکود و رخوت» (Inertia)؛ «پوچ‌گرایی» (Nihilistic)؛ «بی‌قراری» (Restlessness)؛ «انفعال‌پذیری» (Passivity) و... را در برابر اثرگذاری برنامه‌های ماهواره‌ای مطرح می‌کنند و یقیناً توانسته‌اند حد و مرزهای غیرمنطقی آنها را در برنامه‌ها شناسایی کرده و نقش مخاطب را بهتر تعیین کنند؛ اما هرگز نتوانسته‌اند «بی‌خوابی شدگی» مخاطبان را مهار کنند.

* نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

چنان که پیش از این نیز آمد، «ماهواره‌ها» عامل اصلی «بی‌خویشتن شدگی» مخاطبان محسوب می‌شوند. این آسیب روحی - روانی در حوزه مخاطب‌شناسی تاکنون کمتر مورد توجه کارشناسان روان‌شناس رسانه‌ای قرار گرفته است و شاید دلیل آن گستردگی برنامه‌های ماهواره‌ای باشد. این مقاله که ماهواره‌ها و بی‌خویشتن شدگی مخاطبان را با رویکردی روانکاوانه، توأم با یافته‌های تحقیقی اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه ارائه داد، با تکیه بر چهارچوب‌های نظری - عملی به نتایج زیر دست می‌یابد:

۱. بی‌خویشتن شدگی یا شخصیت‌زدایی مخاطبان ماهواره‌ای در اثر مشاهده برنامه‌های خاص پدید می‌آید.
۲. مخاطب در حالت بی‌خویشتن شدگی احساس می‌کند «انگار که» فردی غیرواقعی است؛ زیرا برنامه مورد نظر او چنین حالتی را پدید آورده است.
۳. نمایش ممتد تصاویر هیجان‌انگیز و خشونت‌آمیز بی‌خویشتن شدگی مخاطبان ماهواره‌ای را تسریع می‌کند.
۴. ماهواره‌های ارتباطی با توجه به تجهیزات کامل فنی، طوری ساخته و پرداخته می‌شوند که مخاطبان مختلف را در مناطق گوناگون تحت پوشش قرار می‌دهند.
۵. در تجزیه و تحلیل جایگاه مخاطبان ماهواره‌ای، سطح زیر پوشش شبکه‌ها و شناخت آنها، به ما کمک می‌کند که میزان امواج ارسال شده و هم چنین نوع مخاطب را شناسایی کنیم.
۶. «بی‌عاطفه شدگی مخاطب» در برابر فیلم‌ها و تصاویر حادثه‌ای (اکشن) ماهواره‌ای نوعی توصیف مفهوم از دست دادن ظرفیت خود برای برون‌ریزی هیجانی است؛ و این مهم معمولاً با تجربه ذهنی بی‌خویشتن شدگی همراه است.
۷. برنامه‌های ماهواره‌ای به عنوان «متغیر مستقل» بر وضعیت و کنش‌های رفتاری مخاطب به عنوان «متغیر وابسته» تأثیر می‌گذارند، پژوهش‌های عملی کلاسیک در این خصوص سال‌های سال است این نظر دانشمندان را که معتقدند «تصاویر خشونت‌آمیز ماهواره‌ای، رفتار خشونت‌نمای مخاطبان را پدید می‌آورد» مورد تأیید قرار می‌دهند.

۸. «حالات وجد» که در اختلال شوریدگی - افسردگی مخاطبان روی می‌دهد، نشئت گرفته از نوع برنامه‌ای است که اثرات آنی دارد.
۹. مخاطبان بر اساس توانایی‌ها و ظرفیت‌های شناختی خود، تصاویر ماهواره‌ای را تعبیر و تفسیر می‌کنند اما در برابر «تصاویر مستهجن» این توانایی و ظرفیت خنثی می‌شود.
۱۰. برنامه‌های ماهواره‌ای در صورتی که با فرهنگ و رفتار، اعتقادات، باورها و ارزش‌های شخصی مخاطبان همخوانی نداشته باشد؛ اختلالات روحی - روانی پدید خواهد آورد.

ارائه چند پیشنهاد:

۱. ماهواره نوعی ابزار ارتباطی است که آموزش در خصوص استفاده صحیح آن امری اجتناب‌ناپذیر است.
۲. کودکان و نوجوانان کشور ما امروزه در معرض مستقیم استفاده نامطلوب این برنامه‌ها هستند؛ ناچاریم برای پیشگیری از این وضعیت، قوانین متقن و مطلوبی را از جانب کارشناسان امر وضع کنیم تا در آینده بهتر از این ابزار ارتباطی بهره بگیریم.
۳. جهان امروز به هزاره سوم که قرن اکتشافات و اختراعات شنیداری - نوشتاری و دیداری است، قدم نهاده و سهم کشور ما در این خصوص اندک است. باید با هم‌اندیشی‌های متعدد میان کارشناسان حوزه‌های رسانه، حقوق، فرهنگ و جامعه از جنبه روان‌شناختی تعامل پدید آوریم تا به نقاط قوت نزدیک و از نقاط ضعف دور شویم.
۴. برای مقابله با تصاویر منفی و نامطلوب ماهواره‌ای چاره‌ای نیست جز آن که «آموزش استفاده صحیح از ماهواره» به خانه‌ها رسوخ کند و مخاطبان دائماً شناخته شده و آموزش ببینند.
۵. کارشناسان حقوقی رسانه‌ها در ایران موظفند که ارتباط خود را با کارشناسان رسانه‌ای و حوزه‌های روان‌شناسی - روان‌پزشکی، نزدیک‌تر سازند تا برای دهه‌های آینده به قوانین و مقررات جهان شمول‌تری دست یازند.
۶. برای مقابله با حالات روان‌پریشی مخاطبان ماهواره‌ای ناچار به انجام آزمون‌های روان‌شناختی هستیم. در این مورد کارشناسان حوزه‌های ارتباطات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی باید به یک «اجماع جمعی» دست یابند.

پی‌نوشت‌ها و منابع اطلاعاتی:

1. CCIR, (1985): *"Handbook on Satellite Communication"*, Fixed Satellite Service, Geneva Press, p.p. 5-6.
 2. Systematic Radio Communications (SRC).
 3. Iida, T. (2000): *"Satellite Communications", System and its Design Technology*, Ohmsha, IOS Press, p. 1.
 4. Rogers, E.M. (1986): *"Communication Technology"*, New York, Free Press, p. 59.
 5. McQuail, D. (2000): *"Mass Communication Theory"*, (4Ed), Sage Publication, p.p. 129-131.
 6. Control of time and Choice of subject (CTCS).
 7. Mowlana, H. (1985): *"International Flows of Information"*, Paris UNESCO Press, p.p. 5-7.
 8. Kivikuru, U. and Varis, T. (eds) (1985): *"Approaches to International Communication"*, Helsinki: Finnish National UNESCO Commission Press, p.p. 11-14.
 9. Sepstrup, P. (1989): *"Research into international TV flows"*, European Journal of -408.
 10. Wallis, R. and Baran, S. (1990): *"The world of Broadcast News"*, London, Routledge Press, p.p. 37-39.
۱۱. در سخنرانی پاییز سال ۱۳۷۵ تحت عنوان «فرهنگ و ارتباطات» که در سالن اجتماعات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه شد؛ این بحث از جانب دکتر باقر ساروخانی در مورد آرا و عقاید «رایزمن»، «تافلر» و «مک‌لوهان» مطرح شد.
۱۲. «نقش اطلاعات در عصر ارتباطات» موضوع این بحث بود که شامل تقریرات درس «مطالعات انتقادی ارتباطات» (Critical Communication Studies) دوره دکتری می‌شد و از طرف دکتر علی‌اکبر فرهنگی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت (۱۳۷۹). این درس در دوره دکتری تخصصی

- ارتباطات (ph.D.) جزو دروس مهمی است که حوزه‌های موضوعی آن بسیار انتقادی است (دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، بخش تحصیلات تکمیلی، گروه ارتباطات اجتماعی).
13. Tehranian, M.(1979): *"Iran: Communication, alienation, revolution"*, Intermedia press, 7(No.2), p.p.7-9.
 14. Roe, k. and de Meyer, G. (2000): *"MTV: one music many languages"*, in p.Dahlgren et al.(eds), Television Across Europe, London, sage publication, p.p.12-14.
 15. موافقان این دیدگاه، «دانیل چندلر» (۱۹۹۷)؛ «جورج کامستاک» (۱۹۸۸)؛ «دنيس مک کویل» (۲۰۰۰)، «اُورت ام راجرز» (۱۹۸۶) و مخالفان آن، «ویلیام کورن‌هاوزر» (۱۹۵۹) (مباحث تاریخی)؛ «رابرت انتمن» (۱۹۸۹) و «ریچارد ج.بارنت» (۱۹۹۴) هستند.
 16. Sedman,G.(1972): *"An investigation of certain factors concerned in the aetiology of depersonalisation Acta Psychiatnica Scandinavica*, 48, p.p.191-195.
 17. Fewtrell, WD.(1986): *"Depersonalization: a description and suggested* British Journal of Guidance & Conselling, 14,pp.(263-9).
 18. Ackner, B.(1954): *"Depersonalization I.Aetiology & Phenomenology II. Clinical syndromes*, Journal of Mental Science, 100, p.p.838-72.
 19. منظور تحقیقاتی است که توسط صاحب‌نظران و پژوهشگرانی چون: «دومینیک» (۱۹۸۷)؛ «اریکسون» (۱۹۹۵)؛ «استرلی» (۱۹۸۶)؛ «فشباخ و سینگر» (۱۹۷۱) و در موضوع «رسانه‌ها، جرم و پرخاشگری مخاطب» انجام شده است.
 20. Schilder,p.(1920): *"Medizinische psychologie"* (transl: Rapaport, D.,1953 as "Medical psychology", NewYork: International Universities press,p.p.19-29.
 21. Jaspers,k.(1959): *"General Psychopathology"*, 7th Edn., (Transl.Hoenig J & Hamilton MW,1963), Manchester University press,p.p.12-22.
 22. Schneider,k (1958): *"Clinical psychopathology"*, 5th Edn (transl.Hamilton MW). NewYork: Grune & Stratton press, p.p.18-24.

23. Mayer-Gross, W.(1935): *"On Depersonalisation"*, British Journal of psychiatry, 153(suppl 2),p.p.10-14.
۲۴. فردرو، م. و همکاران (۱۳۷۳): «تکنولوژی تلویزیون ماهواره‌ای»: تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۹۱-۹۲.
25. Gerbner, G.&et al.(1980): *"the violent face of Television and Its Lessons"*, NewYork press, p.p.149-162.
26. Dominick, J. (1987): *"Videogames, Television Violence, and Aggression in Teenagers"*, Journal of Communication, 34,p.p.136-147.
27. Eisenberg, G. (1980): *"Children and Aggression after observed Film Aggression With Sanctioning Adults"*, In Forensic psychology and Psychiatry, NewYork, Academy of Sciences, p.p.304-317.
28. Ferrell,J.,& Sanders,C.R.(1995): *"Cultural Criminology"*, Boston, Northeastern University Press, p.p.32-39.
29. Sedman, G. (1970): *"Theories of depersonalisation"*, A reappraisal, British Journal of psychiatry, 117, p.p.1-14.
30. Eron, L. (1987): *"the Development Aggressive Behavior from the perspective of a Developing Behaviorism"*, American psychology, 42,p.p.435-442.
31. Wright, F.,Bahn, C.& Reiber, R.(1980): *"Forensic Psychology and psychiatry"*, NewYork Academy of Sciences press,p.p.319-320.
32. Anderson, EW.(1938): *"A clinical study of states of "ecstasy" Occurring in affective disorders"*, Journal of Neurology and psychiatry, 1,p.p.1-20.
33. International Telecommunications Satellite(ITS).
۳۴. در این مورد پوشش‌های «عمومی» یا «جهانی» (Global)؛ «جزئی» (partial)؛ و «مشخص» یا «به شکل درآمده» (Shaped) را توسط ماهواره‌های مدار ثابت زمین می‌توان به کار برد.

35. CroTeau,D.& Hoynes,W.(1997): *"Media/Society"*, (Industries, Images and Audiences), Pine Forge Press, p.p.24-25.
36. Fish, F.(1967): *"Clinical Psychopathology"*, Bristol: John Wright press,p.p.39-41.
37. MCQuail, D. & et al. (1972): *"The Television audience a revised perspective"*, in D. MCQuail (ed.),Sociology of Mass Communication,p.p.135-65, Harmondsworth: Penguin press.
38. Morley, D.(1980): *"The Nationwide Audience ": Structure and Decoding*, BFI TV Monographs No.11. London: British Film Institute press, p.p.17-32.
39. Carragee, K.M.(1990): *"Interpretive Media study and Interpretive Social Science "*, *Critical Studies in Mass Communication*, 7(2), p.p.81-96.
40. McChesney, R. (1994): *"Telecommunications, Mass Media, and Democracy"*, NewYork: Oxford University Press,p.p.17-24.
41. Schlegel,J.W.(1993): *"The Television Violence Act of 1990 "*:A New Program for Government Censorship? *Federal Communications Law Journal*, 49(1), p.p.187-217.
42. Morley, D.(1992): *"Television, Audiences, and Cultural Studies"*, London, Routledge press, p.p.72-91.
43. Rheingold,H.(1993): *"The virtual Community"*, Reading, MA: Addison-wesley press,p.p.59-73.
44. Liebes, T.& Katz,E.(1993): *"The Export of Meaning"*, Cambridge: Polity Press, p.p.10-23.
45. Thompson,J.B.(1995): *"The Media and Modernity"*, Cambridge University: Polity Press,p.25 & p.p.52-83.
46. Stevenson, N.(1995): *"Understanding Media Cultures "*: Social Theory and Mass Communication, UK,Sage Press, p.p.71-78.

47. Bruner, J. (1986): *"Actual Minds, possible Worlds"*, US: Harvard University Press, p.p.12-41.
48. CHU, G.C & Schramm, W. (1991/1967): *"Social impact of satellite television in Rural Indonesia"*, Amic Press, p.p.256-270.
49. Linz, D., Donnerstein, E., & Penrod, S. (1984): *"The Effects of Long-term Exposure to Filmed Violence against Women"*, Journal of Communication, 34: p.p.130-147.
50. Donnerstein, E., Malamuth, N. (1984): *"Pornography and Sexual Aggression"*, New York: Academic Press, p.p.17-52.
51. Fisher, W., & Grenier, G. (1994): *"Violent Pornography, Antiwoman Thoughts, and Antiwoman Acts"*: In search of Reliable Effects, Journal of Sex research, 31, p.p.23-38.
52. Gray, S. (1982): *"Exposure to Pornography and Aggression toward Women"* The Case of the Angry Male, Social Problems, 29: p.p.387-398.
53. Goldstein, M. (1973): *"Exposure to Erotic Stimuli and Sexual Deviance"*, Journal of Social Issues, 29: p.p.197-219.
54. De Bono, E. (1967): *"The Use of Lateral Thinking Harmondsworth"*: Penguin Press, p.p.71-85.
۵۵. آن نوع مخاطب را گویند که در برابر پیام برنامه ماهواره‌ای مورد نظر، می‌اندیشد، تفسیر می‌کند و زمانی از وقت خود را به ارزیابی و انتقاد آن اختصاص می‌دهد مانند: مخاطبان ماهواره‌ای ورزش‌های عامه‌پسند، فوتبال، شنا و ...)
۵۶. آن نوع مخاطب است که به برنامه پخش شده، انتقاد جدی وارد می‌کند؛ از جنبه ارتباطی انعطاف‌پذیر نیست، محتوای برنامه ماهواره‌ای برای او چندان مهم نیست و زمان شخصی خود را تفننی صرف تماشای برنامه می‌کند (مانند: مخاطبان برنامه‌های ماهواره‌ای خوشونت‌آمیز و پرخاشگرایانه: فیلم‌های جنایی، پلیسی و ...)

۵۷. آن نوع مخاطب که تسلیم بی‌چون و چرای رسانه است و ماهواره را به خاطر انواع برنامه‌های جذاب دوست دارد. انتقاد کردن بلد نیست. بسیار انعطاف‌پذیر است و هر چه به طرف محتوا پیش می‌رود، صوری‌تر می‌اندیشد (مانند: مخاطبان ماهواره‌ای مجموعه‌های تلویزیونی خانگی: سریال‌ها، فیلم‌ها و ...).

۵۸. آن نوع مخاطب که بر اثر شرایط روحی - روانی تسلیم نمی‌شود اما چون درگیر مسائل احساسی و عاطفی است در برابر برنامه‌های ماهواره‌ای مورد نظر، سکوت می‌کند و از خود هیچ نوع واکنشی نشان نمی‌دهد. این مخاطب به محتوا بیش از شکل اهمیت می‌دهد (مانند: مخاطبان ماهواره‌ای مجموعه‌های سرگذشت‌گرا و تاریخی: فیلم‌های تاریخی و حادثه‌ای و ...).

* «ملور» این رویکرد پدیدارشناسانه را در مأخذ زیر ارائه داد:

Mellor,CS. (1988): *"Depersonalisation and self-perception"*, British Journal of Psychiatry, 153 (Suppl 2), p.p.15-19.

* «سورتی» این کتاب را با مشخصات زیر به چاپ رسانده:

Surette, R.(1998): *"Media, Crime, and Criminal Justice"*, (Images & Realities), Wadsworth Press, p.p.126-128.

درآمدی بر کارکردهای ماهواره (با تأکید بر جنبه‌های حقوقی)

دکتر محسن اسماعیلی

عضو هیئت علمی دانشگاه و استاد حقوق ارتباطات جمعی

اشاره

شناخت ماهیت و کارکردهای هر فناوری نوینی، گام اول در تعیین راهبردها و سیاست‌های ملی و بین‌المللی در راستای تعیین نحوه بهره‌گیری یا کنترل آن است. بدیهی است راهبردها و سیاست‌های تعیین شده توسط اندیشمندان و کارشناسان پس از این شناخت، در قالب قوانین و مقررات حقوقی ملی یا بین‌المللی صورت اجرایی به خود می‌گیرند و قابل پیگیری و اعمال می‌شوند. شناخت کارکردهای ماهواره نیز نخستین گام برای تعیین نظام حقوقی حاکم بر آن به حساب می‌آید. از این رو، نگارنده در این مقاله کوشیده است با اشاره گذرا به کارکردهای ماهواره در عرصه‌های نظامی - امنیتی، ارتباطی و علمی، اقتصادی و تجاری و بالاخره سیاسی و فرهنگی دورنمایی از نیازها و مباحث حقوقی مربوط به این حوزه را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

ماهواره؛ بیم‌ها و امیدها

پرتاب نخستین ماهواره به فضا شادی‌ها و نگرانی‌های همزمانی را در بشر برانگیخت؛ شادی از این بابت بود که آرزوی دیرین انسان برای دستیابی به آسمان پر رمز و راز، جامه عمل و تحقق می‌پوشید و دروازه‌های دنیایی شگفت و بس پهناور به روی او گشوده می‌شد. بلندپروازی و فزونی‌خواهی همیشگی فرزند آدم به او نوید می‌داد که با بهره‌مندی از منابع ناشناخته موجود در سیارات و ستارگان دیگر می‌تواند به فردایی بهتر بیندیشد و بر دیگران برتری جوید.

اما در مقابل، نگرانی‌ها نیز کم نبود؛ نگرانی از این که باز هم آدمیان فرصت‌ها را به تهدید تبدیل کنند و از یافته‌های جدید خویش بهره‌هایی بردارند که آرامش موجود را بر هم بزنند. این هراس، در آن زمان که هنوز آثار وحشتناک جنگ جهانی دوم در گوشه و کنار به روشنی دیده می‌شد، بی‌جا هم نبود. مردم شاهد آن بودند که چگونه برتری‌جویی و سیری‌ناپذیری هواداران قدرت، همه هستی آنان را به کام خود کشید و خسارت‌هایی باور نکردنی بر جان و مال آنان تحمیل کرد. همین مردم اینک می‌دیدند که از یک سوی کارزار گامی بلندتر برداشته شده و «اسپوتنیک یک»^۱ راهی فضای ناشناخته شده است.

طبیعی است که آن خاطره‌های هراسناک همگان را در اندیشه فرو برد که مبادا فضا هم ناامن شود و استفاده‌های نظامی از آن بر ابعاد خطر بیفزاید. این دلهره، به ویژه آنگاه جدی‌تر می‌نمود، که با پایان جنگ جهانی دوم، جنگ سرد تبلیغاتی اندک اندک جایگزین قدرت‌نمایی‌های فیزیکی می‌شد و هر بازیکنی در میدان سیاست می‌کوشید با اشاره به توانمندی‌های ناشناخته و ویرانگر خویش قدرت مانور را از طرف مقابل گرفته و نتیجه را از پیش به سود خود اعلام کند.

تنوع کارکرد و افزایش بیم

حتی اگر دغدغه‌های ناشی از تولد ماهواره در حد تهدیدات نظامی باقی می‌ماند، چاره‌ای جز ورود حقوق به این عرصه وجود نداشت؛ چه رسد به آن که این پدیده بشری با شتابی باور نکردنی تکامل یافت و روز به روز بر قابلیت‌ها و کارکردهای خود در حوزه‌های مختلف زندگی افزود. امروزه نه تنها عرصه‌های «نظامی و امنیتی» که زمینه‌های «ارتباطاتی و علمی»، «اقتصادی و تجاری» و بالاخره «سیاسی و فرهنگی» نیز به شدت تحت تأثیر توانمندی‌های ماهواره قرار گرفته‌اند. حضور این فناوری در هر یک از این عرصه‌ها موجب پیدایش موضوعات و مسائل جدیدی شد که نیازمند قانونگذاری در زمینه آنهاست و به همین دلیل «حقوق بین‌الملل ارتباطات»^۲ که عهده‌دار مبحث «حقوق ماهواره‌ها»^۳ نیز هست از گستره

و عمق فراوانی برخوردار شده است. در این نوشتار تلاش می‌شود تا با اشاره بسیار گذرا به کارکردهای ماهواره در هر یک از عرصه‌های یاد شده دورنمایی از نیازها و مباحث حقوقی ترسیم شود.

کارکرد «نظامی و امنیتی»

دیدیم که نقطه آغاز گفتگوهای حقوقی پیرامون ماهواره‌ها، نگرانی قابل درک دولت‌ها و ملت‌ها از

ترویج نفرت و خشونت و
نقض و تهدید صلح از برابری
بین‌المللی رسانه‌هاست که
می‌تواند پیامدهایی بسیار
وسیع‌تر از جنگ‌های رو در
روی تارایی داشته باشد.

شیوه و اهداف به کارگیری این فناوری نو پیدا بود و به همین جهت محور اصلی همه مذاکرات و اسناد به جا مانده، همان «صلح‌آمیز» بودن استفاده از فضای آزاد است. با این حال طبیعی است که در این ۵۰ سال میزان و نوع تهدیدات، تغییر عمده‌ای پیدا کرده باشد. سلاح‌های کشتار جمعی و موضوع خلع سلاح هنوز از مسائل اصلی و مورد توجه جامعه بشری است و همه می‌کوشند تا، دست کم در شعار و قانون، به دنبال تضمین‌های حقوقی برای جلوگیری از تکرار فجایع انسانی و گسترش آن به رقابت‌های فضایی باشند.

همه از دیدار دوباره با صحنه‌های مشابه جنگ جهانی هراسناک هستند. اما در همان حال برای رقابت با دیگران روز به روز بر قدرت نظامی و امنیتی خود می‌افزایند. جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در عملیات نظامی، عکسبرداری از نقل و انتقال تجهیزات و نیروی انسانی، استراق سمع و شنود ارتباطات تلفنی و رادیویی و جاسوسی به شیوه‌های مختلف نمونه‌هایی از به کار گرفتن ماهواره‌ها در حوزه‌های نظامی و امنیتی است.

افزون بر اینها ممکن است از ماهواره در مسیر اهداف تروریستی نیز بهره‌برداری شده و برای مثال، پیام‌های ناشناخته یا آموزش‌های غیرمستقیم از طریق صدا و تصویر به هر جای دنیا ارسال شود. پشتیبانی تبلیغاتی و روانی از تروریست‌ها، تشویق آنان به ادامه فعالیت‌های ضدبشری، پنهان کردن ابعاد جنایت‌های آنان و بدتر از همه، توجیه آن، نمونه‌های دیگری از کارکرد ماهواره‌ها بر ضدامنیت و صلح جهانی است که هر روزه شاهد تداوم آن در جریان پوشش خبری و اطلاعاتی جنایات اسرائیل علیه مردم محروم فلسطین از سوی رسانه‌های وابسته به سلطه خبری جهان هستیم. ترویج نفرت و خشونت و نقض

و تهدید صلح از جرایم بین‌المللی رسانه‌هاست که می‌تواند پیامدهایی بسیار وسیع‌تر از جنگ‌های رو در روی تاریخی داشته باشد.

بنابراین نه تنها گذشت زمان و مشاهده آثار ویرانگر مسابقات تسلیحاتی در گذشته، تهدیدات نظامی و امنیتی را منتفی نساخته و کاهش نیز نداده است بلکه به دو جهت دغدغه‌های بشر را در این حوزه‌ها بیشتر و متنوع‌تر کرده است؛ نخست از آن جهت که مفهوم و

تعریف صلح و جنگ در شرایط نوین پس از جنگ جهانی دوم دگرگون شد و نتایج درگیری‌های بی‌امان و خونین، همگان را به این نتیجه رساند که سلطه بر دیگران را به نوعی دیگر ببینند و بخواهند و این گونه بود که جنگ تبلیغاتی و روانی جای تهاجم‌های نظامی را گرفت و دوران جنگ سرد آغاز شد. در این نوع جنگ، هم تهاجم و هم دفاع معنای دیگری یافت و طبیعتاً شیوه‌ها و ابزارهای خاص خود را طلب کرد؛ که اتفاقاً دستیابی به فضا و فناوری ماهواره بهترین زمینه‌ها را در این باب فراهم می‌ساخت.

ماهواره به ویژه با توجه به فناوری‌های رایانه‌ای موبوب شده است که دیگر نتوان از مضط و میس دستاوردها و اطلاعات سفن گذشت؛ ممکن است در یک لحظه هم‌صول سال‌ها تلاش علمی، هنری و صنعتی اخراج. سازمان‌ها و کشورها به یفا رود.

از جهت دیگر هم پیشرفت حیرت‌انگیز و پرشتاب دانش، تسخیر فضا و به کارگیری مؤثر و علمی‌تر شیوه‌های ارتباطی، قابلیت ماهواره را برای بهره‌برداری‌های برتری جویانه بر دیگران بارورتر می‌کرد. این عوامل مجموعاً سبب شده است که مباحث حقوقی مربوط به تهدیدات نظامی و امنیتی فعالیت در فضا و ماهواره هنوز هم ضروری و زنده باشد و البته ادبیات حقوقی در این زمینه متناسب با تحولات عمیق مفاهیم جنگ و صلح دگرگون و وسیع‌تر شود.

کارکرد «ارتباطاتی و علمی»

یکی از کارکردهای مثبت و شناخته شده ماهواره‌ها انقلابی است که در حوزه ارتباطات و دانش بشری پدید آورد و البته به نوبه خود مباحث حقوقی نوینی را مطرح ساخت. اولین ماهواره‌ها با مقاصد عمدتاً نظامی به فضا پرتاب شدند، اما زمان چندانی نگذشت که همین ابزار برای بهره‌برداری‌های ارتباطاتی نیز مورد استفاده قرار گرفتند. نخستین ماهواره شوروی در روز چهارم اکتبر ۱۹۵۷ به آسمان

رفت و حدود ۵ سال بعد، یعنی ۱۰ جولای ۱۹۶۲، اولین ماهواره مخابراتی آمریکا راهی فضای آزاد شد. این ماهواره ارتباطاتی می‌توانست برنامه‌های زنده را به منطقه اروپا ارسال کند. اکنون که چهل سال از آن روزها می‌گذرد، قدرت شگرف ماهواره در کسب و ارسال خبر از دورترین نقطه‌ها و با بالاترین سرعت ممکن امری نیست که بر کسی پنهان مانده باشد.

بر اثر کاربرد گسترده تبلیغات بازرگانی در برنامه‌های تلویزیونی و به ویژه پخش مستقیم ماهواره‌ای، علاوه بر مضرات ملی ناظر بر تبلیغات، در سطح بین‌المللی و مناطقی نیز به ضرورت برپا مضرات‌گذاری‌های ویژه توجه شده است.

امروز آژانس‌های خبری به ابزارهای کارآمد برای رشد و توسعه همه جانبه کشورها و تسلط آنان بر دولت‌های ضعیف‌تر تبدیل شده است. اشتیاق پایان‌ناپذیر قدرتمندان برای کسب اطلاعات بیشتر به منظور سلطه قوی‌تر، آنان را به نادیده گرفتن حریم خصوصی دیگران تحریک کرده و کار را به آنجا رسانده است که رسانه‌های خبری مرز روشنی برای ورود خود به زندگی مردم قائل نیستند. این واقعیت هم به نوبه خود فصل جدیدی را به روی حقوقدانان و مصلحان اجتماعی گشوده است و آنان را واداشته تا به شفاف‌سازی

حریم خصوصی افراد و تعبیه ضمانت اجراهای کارآمد برای تجاوز به آن رو آورند. در هر صورت انقلاب یا انفجار اطلاعات که خود منشأ قدرت و ابزاری برای سلطه است باید خود را وامدار فناوری‌های نوین فضایی بداند که توانسته است چشمان تیزبین بشر را به پنهان‌ترین نقاط جهان پهناور باز کند. اگر در چند دهه پیش آدمیان از تحولات بزرگ همسایگی خویش نیز بی‌خبر باقی می‌ماندند، امروز به یاری دانش و صنعت چنان بر وسعت و سرعت اطلاعات افزوده شده که مشکل اصلی بشر چگونگی گزینش و انتخاب اطلاعات است نه دستیابی به آن.

این دگرگونی در حوزه سیاست از اهمیت بالایی برخوردار است، اما منحصر در آن نیست و از جمله باید مسائل حقوقی ناشی از دستیابی دیگران به دستاوردهای علمی و صنعتی را در نظر گرفت. در کنار پیشرفت علم و ارتقای سطح زندگی عمومی انسان‌ها در اثر این تبدلات علمی، البته از دیدگاه حقوقی جنبه‌های «حقوق مالکیت‌های معنوی» نیز بسیار مهم است. ماهواره، به ویژه با توجه به فناوری‌های رایانه‌ای، موجب شده است که دیگر نتوان از حفظ و حبس دستاوردها و اطلاعات سخن گفت؛ ممکن است در یک لحظه، محصول سال‌ها تلاش علمی، هنری و صنعتی افراد، سازمان‌ها و کشورها به یغما

رود و برای مثال، هزاران هزار صفحه تحقیقات و داده‌های ارزشمند و احتمالاً محرمانه، در لوحی فشرده جا به جا شود.

این‌گونه است که اشاره به حقوق مالکیت معنوی در همه اسناد مهم جهانی به صورت مقررات حمایت از حقوق خالقان آثار به چشم می‌خورد و برای حمایت از آن، معاهدات و ساز و کارهایی در نظر گرفته شده که در دو بخش کلی قابل تقسیم است: بخش حقوق مالکیت‌های صنعتی و تجاری و بخش حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری. اینک «سازمان جهانی مالکیت معنوی» که به اختصار «وایپو»^۴ نامیده می‌شود نقش اساسی را در هدایت این جنبه از حقوق بین‌الملل بر عهده دارد.

کارکرد «اقتصادی و تجاری»

کارکرد دیگر ماهواره‌ها، اقتصادی است. البته همان کسب و انتقال اخبار و اطلاعات هم ابعاد تجاری و اقتصادی را به دنبال داشته و دارد، اما فعالیت‌های دیگری نیز از طریق ماهواره‌ها قابل انجام است که به تقویت این کارکرد می‌انجامد. توان عکسبرداری، فیلمبرداری، تهیه گزارش و ارائه خدماتی نظیر پیش‌بینی آب و هوا و تغییرات جوی در دنیای ما مشتری‌های خاص خود را دارد. این توانمندی‌ها هم اکنون مبنای فعالیت بسیاری از صنایع بزرگ اقتصادی است که صنعت هواپیمایی و نیز حمل و نقل دریایی و زمینی از جمله آنها به شمار می‌رود. اگر رواج و گسترش تجارت الکترونیکی را هم در کنار این مجموعه لحاظ کنیم، اهمیت موضوع روشن‌تر می‌شود.

تبلیغات بازرگانی^۵ را می‌توان بارزترین جلوه کارکرد تجاری ماهواره‌ها دانست که البته در جای خود آثار سیاسی و فرهنگی نیز داشته و دارد. «فناوری قدرتمند ماهواره‌ای امکان دور زدن مقررات و ضوابط تعیین شده ملی در داخل کشورها را فراهم می‌کند و زمینه ارسال پیام به داخل کشورهایی را هموار می‌سازد که در مقابل پیام‌های ارسالی خارجی به داخل محدوده سرزمینی خویش مقاومت می‌کنند. در بعد رسانه‌ها، عامل مؤثر دیگر در فرایند جهانی شدن، ظهور شرکت‌ها و واحدهای غول‌آسای رسانه‌ای و فیلمسازی‌ای است که خود حاصل ادغام شرکت‌های دیگر هستند...

پیدایش غول‌های جدید در همه حوزه‌ها، از جمله صنعت ۱۲۵ میلیارد دلاری تبلیغات و آگهی نیز قابل مشاهده است. واشنگتن حمایت از رسانه‌های تجاری امریکایی و فراهم آوردن زمینه رقابت و جلوگیری از انحصار را وظیفه خود می‌داند، ولی...»^۶

بیهوده نیست که «امریکا با ۶ درصد جمعیت کل جهان، ۷۵ درصد تبلیغات دنیا را انجام می‌دهد. تولیدکنندگان، سالانه بیش از ۴۵ میلیارد دلار صرف تبلیغات می‌کنند و بیش از ۶۰ میلیارد دلار از هزینه‌های خود را به معرفی کالا از طریق کوپن تخفیف، نمونه‌های مجانی، تخفیف بعد از فروش و موارد مشابه اختصاص می‌دهند. این مبلغ تبلیغاتی، یعنی معادل ۲۰۰ دلار برای هر امریکایی؛ رقمی بیش از درآمد سرانه یک شهروند متعارف جهان سومی است».^۷

**تغییر رفتارهای ظاهری نهاد
دگرگون شدن ارزش‌ها و
آرمان‌های دینی است و عضلت
از نقش تبلیغات رسانه‌ای که
ماهواره از مهم‌ترین آنهاست در
این دگرگونی، نمی‌تواند نشان
خبرنگار و تمدن باشد.**

این واقعیت‌ها موجب شده است که «در دهه‌های آخر قرن بیستم، بر اثر کاربرد گسترده تبلیغات بازرگانی در برنامه‌های تلویزیونی و به ویژه برنامه‌های پخش مستقیم ماهواره‌ای در سراسر جهان، علاوه بر توسعه مقررات‌گذاری‌های خاص این تبلیغات در سطح ملی کشورها و گسترش مطالعات حقوقی مربوط به آنها، در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای نیز به ضرورت برخی مقررات‌گذاری‌های ویژه در مورد تبلیغات بازرگانی توجه شود و به همراه آن مطالعات حقوقی تبلیغات مذکور در گستره جهانی خارج از حوزه حاکمیت دولت‌ها نیز اهمیت یابد».^۸

تأثیر ماهواره‌ها بر گسترش صنعت گردشگری و تأثیرات عمیق و همه‌جانبه آن، موضوع قابل توجه دیگری در حقوق مربوط به کارکرد تجاری ماهواره‌هاست که پرداختن به آن فرصت دیگری می‌طلبد.

کارکرد «سیاسی و فرهنگی»

به رغم آنچه درباره کارکردهای مهم ماهواره در زمینه‌های مختلف گفته شد، هیچ کسی نمی‌تواند نگرانی ویژه خود را از کارکردهای سیاسی و فرهنگی ماهواره‌ها پنهان کنند، دغدغه‌ای که شاید همه نگرانی‌های پیشین نیز به نوعی به آن باز گردند. دلیل پیوند سیاست و فرهنگ در اینجا و طرح آنها در کنار یکدیگر، رابطه دو سویه و تنگاتنگی است که میان آنها وجود دارد. این پیوند و ارتباط، اگر هم در گذشته کمتر مورد توجه بوده، نزد پژوهشگران و دانشمندان امروز حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی به عنوان «اصل موضوعه» و مسلّم پذیرفته شده است.

باورها و ارزش‌های فرهنگی مورد احترام ملت‌ها اساس تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات سیاسی آنهاست و به همین دلیل سرچشمه تغییرات اجتماعی را باید در تغییرات درونی و فرهنگی ملت‌ها جستجو کرد. انگیزه اصلی حمایت ملت‌ها از دولت‌های خویش و یا دست کشیدن از حمایت و پیدایش شکاف میان مردم و حاکمیت‌ها، همین احساس درونی مردم است که آیا دولت حاکم حافظ ارزش‌های مورد احترام آنها و درصدد تحکیم و توسعه منابع ملی هست یا نه.

اینجاست که نقش رسانه‌های خارجی در تغییر گفتمان ملی و در نتیجه اثرگذاری در بخش سیاست و حاکمیت به خوبی آشکار می‌شود. «منافع ملی یک حقیقت عینی نیست (که افراد یک ملت آن را درک کرده یا نکرده باشند) بلکه بیشتر مجموعه‌ای متکثر از ترجیحات ذهنی است که هر گاه نیازمندی‌ها و تمایلات اعضای ملتی تغییر، آنها نیز دگرگون می‌شوند».^۹

ماهواره‌ها با توانایی‌های خاص خود در این زمینه نقشی تعیین‌کننده دارند و می‌توانند با تبلیغات جهت‌دار به تغییر

فرهنگ و سرانجام تغییر دولت‌ها اقدام کنند. به همین جهت، در دوران کنونی، تبلیغات نیز می‌تواند ابزاری برای مداخله در حاکمیت کشورها و براندازی دولت‌ها محسوب شود «تبلیغات براندازانه»^{۱۰} دیگر اصطلاحی شاعرانه و ناشناخته تلقی نمی‌شود.

پیدایش اصطلاح «تهاجم فرهنگی»^{۱۱} نیز بر همین اساس، مبتنی بر واقعیتی است که جهانیان با همه وجود آن را درک و لمس می‌کنند اما عجیب این که فهم آن برای برخی از مدعیان فرهنگ در کشور ما گران آمده است.

به هر حال ساده‌اندیشی است که ترویج خشونت و سکس، تعلیم‌های اخلاقی ناروا، آموزش تفریحات ناسالم، تحقیر سنت‌های ملی و تعظیم فرهنگ بیگانه و حتی تحمیل نوع خاصی از آرایش، خوراک، پوشاک و در یک کلام «مد» را تنها از سر تنوع‌خواهی و پر کردن اوقات فراغت قلمداد کنیم. تغییر رفتارهای ظاهری نماد دگرگون شدن ارزش‌ها و آرمان‌های درونی است و غفلت از نقش تبلیغات رسانه‌ای؛ که ماهواره از مهم‌ترین آنهاست، در این دگرگونی نمی‌تواند نشانه فرهنگ و تمدن! باشد.

هنوز هم اصول و اسناد حقوقی
مهمی در بهان قابل استفاده است
که به اتکالی آنها و با هم‌اندیشی و
هم‌صدایی کشورهای دارای موضع
مشابه می‌توان مانع سو. استفاده
قدرت‌های بزرگ از این دستاورد
بشری شد.

چه باید کرد؟

ناگفته پیداست که آنچه گفته شد نه به معنای تسلیم در برابر قوه قاهره فناوری و صنعت پیشرفته ارتباطات (و از آن جمله ماهواره) است و نه به معنای تجویز سیاست منح و ترس و انزوایابی. ماهواره، اینترنت و سایر فناوری‌های ارتباطی واقعیت‌هایی هستند که ناگزیر از پذیرش آنها هستیم و لابد کسی تردید ندارد که برگشت به عصر ما قبل آنها دیگر ممکن نیست. از سوی دیگر به رسمیت شناختن یک واقعیت هیچ ملازمه‌ای با بهت‌زدگی و تسلیم ندارد و نباید در مواجهه با هجوم فرهنگ بیگانه گرفتار حالت خودباختگی و استسباع^{۱۲} شد. اولاً ظهور این رسانه‌های قدرتمند را تنها نباید تهدید تلقی کرد. در کنار همه تهدیداتی که می‌توان از کارکردهای ماهواره تصور کرد، فرصت‌های فراوانی نیز قابل بهره‌برداری است که اجازه قهر با این پدیده مؤثر را به خردمندان نمی‌دهد. ما نیز مانند برخی ملت‌های دیگر می‌توانیم با تقویت بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی، بیش از آن که به محدودیت بیندیشیم، مصونیت را هدف بگیریم، به ویژه آن که باورهای عمیق دینی در کشور ما گنجینه‌ای تمام ناشدنی و مؤثر در دست سیاستگذاران فرهنگی است.

ثانیاً ما باید ضمن بهره‌برداری متقابل از این پدیده‌ها، از اهرم‌های حقوقی موجود و پذیرفته شده در عرصه بین‌المللی برای کاهش، ترمیم و مقابله با آثار نامطلوب پخش برنامه‌های فرامرزی از طرف صاحبان این رسانه‌ها استفاده کنیم. هنوز هم اصول و اسناد مهمی در جهان قابل استناد است که به اتکای آنها و با هم‌اندیشی و هم‌صدایی کشورهای دارای موضع مشابه می‌توان مانع سوء استفاده قدرت‌های بزرگ از این دستاورد بشری شد.

مهم آن است که وضعیت خود را بشناسیم و با عزم و تفاهم ملی و اسلامی برای حفظ هویت خویش تلاش کنیم.

مبانی و منابع حقوق ماهواره در سطح بین‌المللی

تولد ماهواره و نگرانی‌های ناشی از آن موجب پیدایش مسائل جدیدی در حوزه حقوق بین‌الملل شد. البته از آنجا که نگرانی‌ها در ابتدا عمدتاً ناشی از رقابت‌های تسلیحاتی و ترس از نظامی‌سازی فضا بود، محور اصلی و نقطه آغاز تلاش برای قانونمندی‌سازی استفاده از آن را نیز همین موضوع تشکیل می‌داد. آن

نگرانی‌ها و این تلاش‌ها به اندازه‌ای زیاد بود که نزدیک به ۴۵ روز پس از پرتاب «اسپوتنیک یک»، نخستین سند بین‌المللی در اثر کوشش‌های فراگیر امریکا و دیگر کشورهای غربی صادر شد. این سند، قطعنامه شماره ۱۱۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است^{۱۳} که اصولاً در خصوص خلع سلاح، به عنوان اولین اقدام عملی مقرر می‌ساخت یک تیم نظامی جهت حصول اطمینان از صلح‌آمیز بودن استفاده از ماهواره‌ها تشکیل شود.

این قطعنامه که در ۱۴ نوامبر ۱۹۵۷ به تصویب رسید تأکید می‌کرد هر فعالیتی در اکتشاف و بهره‌برداری از فضا باید «منحصراً در جهت اهداف صلح‌آمیز» انجام گیرد.

صدور قطعنامه مذکور و فعالیت مستمر و پی‌گیر «کمیته استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای آزاد»^{۱۴} موجب پایه‌گذاری و گسترش قواعدی در حقوق بین‌الملل شد که اینک به نام «حقوق بین‌الملل فضا»^{۱۵} شناخته می‌شود. «ادوارد پلومان» در کتاب «حقوق بین‌المللی ارتباطات و اطلاعات»^{۱۶}، اسناد متعدد و معتبری را در حقوق بین‌الملل نام می‌برد که محصول این تلاش‌ها به شمار می‌روند و همگی ضمن تأکید چند باره بر

عناوین قطعنامه‌های موجود و سایر مدارک و اسناد معتبر جهانی به روشی نشان می‌دهد که به کارگیری ماهواره از نظر حقوق بین‌الملل اصولاً منع قانونی ندارد. آنچه هست لزوم همکاری بین‌المللی برای استفاده صلح‌آمیز از این پدیده نوظهور است.

لزوم «استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای آزاد»، به دنبال توضیح، تفسیر و ضابطه‌مند کردن این آرمان هستند.

بخشی از این اسناد مهم عبارتند از:

- پیمان اصول حاکم بر فعالیت‌های دول در اکتشاف و استفاده از فضای آزاد، از جمله ماه و سایر اجرام سماوی (پیمان فضای آزاد)، ۱۹۶۷.

- اعلامیه اصول حقوقی ناظر بر فعالیت‌های دول در اکتشاف و استفاده از فضای آزاد، قطعنامه (۱۸) ۱۹۶۲، مورخ ۱۹۶۳ مجمع عمومی.

- همکاری بین‌المللی در استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای آزاد، قطعنامه مجمع عمومی شماره (۱۶) ۱۷۲۱، مورخ ۱۹۶۱.

- همکاری بین‌المللی در استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای آزاد، قطعنامه مجمع عمومی شماره (۱۷) ۱۸۰۲، مورخ ۱۹۶۲.

- همکاری بین‌المللی در استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای آزاد، قطعنامه مجمع عمومی شماره (۲۵) ۲۷۳۳، مورخ ۱۹۷۰.

بدون نیاز به تحلیل و تفسیر مفاد اسناد یاد شده، که در جای خود لازم و مفید است، به راحتی می‌توان دریافت که جلوگیری از فعالیت ماهواره‌ها نه تنها عملاً ممکن نیست، بلکه از نظر قواعد حقوق

بین‌الملل نیز پذیرفته نمی‌شود. عناوین قطعنامه‌های مذکور و سایر مدارک و اسناد معتبر جهانی به روشنی تأیید می‌کنند که به کارگیری ماهواره اصولاً منع قانونی ندارد؛ آنچه هست لزوم همکاری بین‌المللی برای «استفاده صلح‌آمیز» از این پدیده نوظهور است و البته معلوم است که این «استفاده‌ها» اختصاص به کارکردهای «نظامی و امنیتی» ندارد و به عرصه‌های دیگری نظیر پخش برنامه‌های فرامرزی رادیویی و تلویزیونی نیز تعمیم یافته است. به طور کلی اصل «جریان آزاد اطلاعات»^{۱۷} و «آزادی پخش»^{۱۸} حاکی از آن است که دنیای امروز دنیای بهره‌برداری از هر «رسانه‌ای» «بدون داشتن ملاحظات مرزی» است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۹} (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) به عنوان بنیادی‌ترین سند بین‌المللی در این زمینه تصریح می‌کند «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و نیز در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۲۰} (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) با عباراتی مشابه بر همین حق تأکید کرده است. اسناد بی‌شمار دیگری نیز وجود دارد که بر جواز استفاده از ماهواره در عرصه‌های مختلف دلالت دارد. تنها دغدغه مراجع بین‌المللی حقوقی که در این اسناد بروز کرده است، قانونمند کردن این بهره‌برداری‌ها و تضمین صلح‌آمیز بودن آنهاست.

دولت‌ها در قبال پخش برنامه‌های ماهواره‌ای خارج از چهارچوب‌های قانونی دارای مسئولیت بین‌المللی هستند و می‌توان در مراجع صالح فواستار رسیدگی و صدور حکم در این فصول شد.

شاید بهترین نمونه تفصیلی در این زمینه، «اعلامیه یونسکو درباره اصول راهنمای استفاده از پخش رادیویی و تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها به منظور جریان آزاد اطلاعات، گسترش آموزش و توسعه مبادلات فرهنگی»^{۲۱} باشد که در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۲ از سوی هفدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس به تصویب رسیده است.

ماده یک این اعلامیه که به گواهی عنوان آن در صدد ارائه «اصول راهنمای استفاده» از ماهواره است، تصریح می‌کند که پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به وسیله ماهواره‌ها باید بر مبنای مقررات منشور ملل متحد صورت گیرد.

منشور یاد شده (مصوب ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵) نیز، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، «توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی» و «حصول همکاری‌های بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی را که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشر دوستی است» از مقاصد و اصول اساسی خود می‌داند.^{۲۳}

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر منابع معتبر نیز که بر حق استفاده آزاد از «هر وسیله‌ای»، برای مثال، ماهواره، «بدون داشتن ملاحظات مرزی» برای انتقال و اشاعه اطلاعات دلخواه تصریح کرده‌اند، به صراحت محدود بودن این حق و منع سوء استفاده از آن^{۲۳} را مطرح ساخته‌اند.

بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به این موضوع اختصاص یافته است. میثاق اخیر پس از اشاره به اصل آزادی پخش اطلاعات در بند ۲ مقرر می‌دارد: «اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و از این رو ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور زیر ضرورت دارد:

الف - احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب - حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی»

بدیهی است که ارزش‌های فرهنگی^{۲۴} و اعتقادی هر جامعه بارزترین مصداق ضرورت‌های فوق به شمار می‌روند و از این رو، رعایت آنها الزام حقوقی دارد. برای مثال، مجمع عمومی سازمان ملل «با ملاحظات این که ارزش و کرامت هر فرهنگ و نیز توانایی حفظ و توسعه ماهیت متمایز آن، حق اساسی

همه کشورها و ملل است» قطعنامه (۲۸) ۳۱۴۸ مورخ ۱۹۷۳ را تحت عنوان «حفظ و اشاعه ارزش‌های فرهنگی» به تصویب رسانده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد تنها بخشی از اسنادی بود که در زمینه موضوع بحث در حقوق بین‌الملل وجود دارد. اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها، توافق‌نامه‌ها و سند‌های دیگر در این زمینه فراوانند که به طور مستقل یا ضمنی به مسائل حقوقی مورد نظر پرداخته‌اند. برخی نتایج مهم حقوقی از منابع فوق عبارتند از:

- ۱- با چشم‌پوشی از آنکه جلوگیری از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای ممکن و در بسیاری موارد، مفید نیست، از نظر قواعد و عرف حقوق بین‌المللی نیز نمی‌توان مانع اصل این اقدام شد.
- ۲- برنامه‌های ماهواره‌ای از نظر محتوا تابع مقررات و محدودیت‌هایی هستند که حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و احترام به ارزش‌های اعتقادی و فرهنگی هر ملت از جمله آنهاست.
- ۳- دولت‌ها در قبال پخش برنامه‌های ماهواره‌ای خارج از چهارچوب‌های قانونی دارای مسئولیت بین‌المللی هستند و می‌توان در مراجع صالح خواستار رسیدگی و صدور حکم در این خصوص شد.
- ۴- همه کشورها حق بهره‌برداری یکسان و بدون تبعیض از پخش ماهواره‌ای را دارند (ماده ۳ اعلامیه یونسکو)؛ این حق است که باید از آن بهره برد گرچه امکانات و توانایی‌های فنی و اقتصادی کشورها بهره‌برداری یکسان را در عمل ناممکن ساخته است.
- ۵- بر اساس اصل تساوی و احترام به حاکمیت دولت‌ها، هر کشوری می‌تواند قوانین و مقرراتی را که مناسب تشخیص می‌دهد، در این زمینه وضع کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. اولین ماهواره در تاریخ چهارم اکتبر ۱۹۵۷ با نام «Sputnik I» به معنای «همسفر یک» توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق به آسمان پرتاب شد.
2. International Communication Law
3. satellite law
4. World Intellectual Property Organization (WIPO).
5. Advertising
۶. پرفسور حمید مولانا، فرایند جهانی شدن فرهنگ، کیهان، ۸۱/۵/۱۰.

۷. آنتونی پراتکانیس و الیوت آرسنون، *عصر تبلیغات*، ترجمه دکتر کاووس سید امامی و محمد صادق عباسی، انتشارات سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۳.
۸. ر.ک: دکتر کاظم معتمدنژاد، مقررات حقوقی بین‌المللی تبلیغات بازرگانی، *فصلنامه پژوهش و سنجش*، شماره ۲۹، ص ۶۸.
۹. جیمز. ان. روزنا، منافع ملی، *گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱.

10. Subversive propaganda.

11. cultural Attack.

۱۲. این نکته‌ای است که استاد فرزانه و فرهنگ‌شناس، شهید مرتضی مطهری بارها به آن توجه داده‌اند؛ «فلاسفه و حکما اصطلاحی دارند به نام استسباع که به فارسی آن را «شیرگیر» ترجمه کرده‌اند. می‌گویند بعضی از حیوانات کوچک وقتی با حیوانات درنده روبه‌رو می‌شوند (برای مثال، وقتی خرگوش با شیر مواجه می‌شود) حالت استسباع پیدا می‌کنند، یعنی اراده فرار از آنها سلب می‌شود، قدرت تصمیم‌گیری را از دست می‌دهند و خودباخته و مفتون می‌شوند. نقطه مقابل استسباع، ایمان به خود پیدا کردن است در مورد جوامع نیز همین وضع برقرار است. گاهی افراد ملت‌ها در مقابل افراد ملل دیگر حالت خودباختگی و استسباع پیدا می‌کنند. ملتی که به حال استسباع می‌افتد تمام کرامت‌های خود را فراموش می‌کند، تا جایی که حتی به نوکری بیگانه و تقدیم کردن ثروت‌های خود به او افتخار می‌کند» (پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ص ۱۲۰).

13. UN.DOC. A/3805 (1957), Res. 1148 (X11).

14. Committee on the peaceful uses of outer space.

15. International space law.

16. Edward W. Ploman, International law Governing Communications And Information. A collection of Basic Documents.

این کتاب سودمند اخیراً توسط دکتر بهمن آقایی ترجمه و به همت انتشارات گنج دانش منتشر شده است.

17. Free flow of Information

18. Freedom of Broadcasting

19. The universal Declaration of Human Rights.

20. International Convent on civil and political Rights.

21. Declaration of Guiding principles on the use of space Broadcasting for the Free flow of Information, The spread of Education and Greatest cultural Exchange.

۲۲. بندهای ۱، ۲ و ۳ از ماده یک منشور ملل متحد.

23. Abuse of Right .

24. Cultural values

ارتباطات دوربرد و توسعه ملی

رضا رشیدیان

پژوهشگر علوم ارتباطات

اشاره

طی بیش از نیم قرن مطالعه و نظریه پردازی در حوزه توسعه، نقش علل و عوامل گوناگونی در تحقق پذیری اهداف برنامه‌های توسعه ملی کشورها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. غالب دیدگاه‌های مطرح در زمینه توسعه تا سال‌های دهه ۱۹۶۰، حول محور مباحث و تحقیقات جامعه‌شناسی و اقتصاد تمرکز یافته است اما با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی به ویژه پرتاب ماهواره‌ها در دهه‌های بعد، ابعاد انسانی و تکنولوژیک مقوله ارتباطات جایگاه درخور توجهی را در مباحث توسعه به خود اختصاص داده و دیدگاه‌ها و فرضیات متعددی پیرامون نوع رابطه و میزان تأثیرگذاری آن بر ضریب‌هنگ فرایند توسعه کشورها مطرح شده است. در این میان، ارتباطات دوربرد به ویژه ماهواره‌ها به دلیل برخورداری از قابلیت‌های بالقوه فراوان به یکی از مباحث محوری و مهم در حوزه ارتباطات و توسعه بدل شده‌اند.

مقاله حاضر، ضمن مروری کلی بر نظریات برجسته حوزه ارتباطات و توسعه، نگاهی گذرا به جایگاه و کارکرد ارتباطات دوربرد ماهواره‌های ارتباطی در توسعه ملی - منطقه‌ای و تجربیات به دست آمده در این زمینه خواهد داشت.

ارتباطات و فناوری‌های مرتبط با آن طی چند دهه اخیر نقش ویژه‌ای را در مباحث و برنامه‌ریزی‌های توسعه جوامع به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه ریشه عقاید مربوط به توسعه اجتماعی را می‌توان در

دیدگاه‌های متفکران اقتصادی سده‌های پانزده و شانزده میلادی جستجو کرد، چهارچوب فعلی مباحث توسعه به طور جدی از نیمه دوم قرن بیستم و با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم شکل گرفته است. در دهه‌های آغازین این دوره، تحقیقات متعددی به منظور یافتن راهکارهایی جهت رشد کشورهای کمتر توسعه‌یافته صورت گرفت که بعضاً نتایج آن در قالب نظریه‌های توسعه مطرح شد. از این میان، نظریه نوگرایی دانیل لرنر (D.Lerner)، دیدگاه اورت راجرز (E.Rogers) در خصوص تأثیر روش‌های تولید و سازماندهی پیشرفته در بروز عقاید جدید و ایجاد تحول در سطح نظام‌های اجتماعی، نظریه رشد و خیزش اقتصادی روستو (Rostow)، دیدگاه‌های اورت‌هیگن (E.Hagen) و دیوید مک‌کلاند (D.Mcchelland) در خصوص جایگاه و تأثیر آداب و رسوم، گرایش‌های اجتماعی و تعلیم و تربیت در توسعه، دیدگاه‌های شاخصی هستند که طی چند دهه آغازین نیمه دوم سده گذشته مطرح شده‌اند. در غالب نظریات فوق که بعضاً به نظریات خوشبینانه حوزه توسعه نیز معروف شده‌اند رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی همواره به عنوان یکی از عناصر شتاب‌دهنده به آهنگ رشد و توسعه کشورها مورد تأکید قرار گرفته‌اند. برای مثال، لرنر معتقد است که گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن مستلزم تغییر نظام‌های ارتباطی شفاهی به نظام‌های ارتباط جمعی است. به نظر وی، رسانه‌های جمعی تقویت‌کنندگان جریان تحول در جوامع رو به رشد هستند در حالی که «جامعه غیرمدرن فاقد یک سیستم مؤثر رسانه‌های جمعی است». طی سال‌های بعد، اورت راجرز با بهره‌گیری از دیدگاه لرنر به بررسی نقش و ارزش ارتباطات در توسعه اقتصاد و کشاورزی پرداخت و در ادامه نظریه نشر (اشاعه) را مطرح ساخت. روستو نیز در طرح مراحل پنجگانه خیزش اقتصادی، ارتباطات را عاملی مهم در پیشبرد اهداف مرحله پنجم یا مرحله خیزش معرفی کرد. نتایج این تحقیقات سبب شد تا نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل و یونسکو به تدریج وسائل ارتباطی را به عنوان یک شاخص مهم در سنجش میزان توسعه‌یافتگی جوامع و کشورها در نظر بگیرند.

با نگاهی کلان، مجموعه تحقیقات انجام شده در زمینه نقش ارتباطات در توسعه را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد. گروه اول تحقیقاتی هستند که به نقش علی (سببی) وسایل ارتباطی در توسعه ملی کشورها قائلند، بدین معنی که رسانه‌های جمعی در ایجاد و سرعت‌بخشی به ضربه‌انگ تحول و دگرگونی جوامع جایگاه قابل توجهی دارند. دیدگاه‌های لرنر، مک‌کلاند و هیگن در زیرمجموعه این گروه قرار می‌گیرند. گروه دوم دیدگاه‌هایی پراگماتیکی هستند که میزان نفع حاصل از سرمایه‌گذاری‌های

زیرساختی و فنی در زمینه ارتباطات را به عنوان معیار اصلی ارزشگذاری در تعیین نقش ارتباطات در توسعه برگزیده‌اند. دیدگاه‌های راجرز و پاره‌ای از تحقیقات انجام شده توسط دانشگاه‌های میشیگان، ویسکانسین، استنفورد و ام‌آی‌تی طی سال‌های ۶۰-۱۹۵۰ زیرمجموعه این گروه قلمداد می‌شوند.

گروه سوم مشتمل بر دیدگاه‌هایی آسیب‌شناختی و ساختاری است که همزمان با نگاهی انتقادی به نظام حاکم بر ارتباطات جهانی، رویکردی اقتصادی و فرهنگی به مسائل ارتباطات و توسعه دارد. صاحب‌نظران این گروه علاوه بر آن که به مسائلی نظیر سرمایه، توزیع درآمد، مدیریت رسانه‌ها و نحوه بهره‌برداری از پیام‌ها توجه بیشتری مبذول می‌کنند بر توسعه متوازن ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشورها نیز تأکید می‌ورزند. دیدگاه‌های دالاس اسمیت (D.Smythe)، هربرت شیلر (H.Shiller)، سیس هاملینک (Cees Hamelink) و آرمانداتالار (A.Mattelart) در این گروه جای می‌گیرند.

ارتباطات دوربرد می‌تواند بازدهی
فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی، اداری و
اجرایی را افزایش داده. تأثیر خدمات اجتماعی
و اضطراری را بهبود بخشد و موانع
اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از
روند توسعه و پیشرفت را به طور
منصفانه‌تری در سطح جامعه و ملت
تسهیل کند.

به دو گروه اول این دیدگاه‌ها انتقادات متعددی وارد شده است از جمله آن که تمایلات برتری‌جویانه و مشوق سرمایه‌داری اندیشمندان گروه اول به نوعی موجب تداوم نابرابری اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای پیشرفته و جهان سوم می‌شود و یا این که نسخه‌های پیچیده شده در آرای گروه دوم فاقد کارایی لازم برای کشورهای در حال توسعه است. با این حال نقش این دیدگاه‌ها را در تبیین کارکردهای بالقوه ارتباطات در توسعه ملی کشورها نباید نادیده گرفت. حمید مولانا در این زمینه می‌گوید: «
محققان و برنامه‌ریزان، الگوی نوگرایی غربی را رد کرده‌اند، اما روش فکری غربی را نفی نکرده‌اند. آنان در هیچ یک از روش‌های فکری فرهنگ‌های غیرغربی موفق به پوشش چندانی نشدند و به این ترتیب در تطبیق واکنش‌های توسعه با هنجارها و نیازهای اجتماع و فرهنگ‌های غنی و نسبتاً غنی نتوانستند به موفقیت چندانی دست یابند. احتمالاً مهم‌ترین نتیجه به دست آمده از این مطالعات و طرح‌های مربوط به ارتباطات برای هدف‌های توسعه این مسئله است که نقش اطلاع‌رسانی و ارتباط در فرایندهای مربوط به تغییر و تحول، پیچیده‌تر از آن چیزی است که ما تا به حال فکرش را می‌کردیم بسیاری از مسائل را

می‌توان از کاربرد عملی فناوری وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات راه دور در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه در ده سال گذشته درک کرد. همان‌طور که کمیسیون بین‌المللی مربوط به بررسی مسائل ارتباطی (کمیسیون مک‌براید) از این کاربرد این‌طور استنباط کرد که ارتباط یک منبع اساسی برای تضمین توسعه و عدالت به شمار می‌رود، ما باید برای درک پیچیدگی‌هایش کنکاش کنیم و مناسب‌ترین و سودمندترین کاربردهایش را بنمایانیم» (مولانا، ۱۳۷۵، ص ۳۴).

ارتباطات راه دور، ماهواره و توسعه

تا اواسط سدهٔ پیش، تفکیک میان مرز فناوری‌های ارتباطی به دلیل کارکردهای ویژهٔ آنها امر چندان مشکلی نبود اما با پیشرفت این فناوری‌ها و چندگانه شدن آنها عملاً تفکیک مرز کاربردی بسیاری از وسایل ارتباطی، از حامل‌های ارتباطی (نظیر تلفن) گرفته تا رسانه‌های جمعی (همانند رادیو و تلویزیون) به دلیل بهره‌گیری از صنایع همسان کمی دشوار شده است. امروزه قابلیت‌های مختلفی از قبیل ارتباطات بی‌سیم، خدمات تلفنی، ارسال و دریافت تصاویر تلویزیونی، کنفرانس از راه دور (تله کنفرانس) و ارسال اطلاعات مربوط به شرایط آب و هوایی با بهره‌گیری از ماهواره‌های ارتباطی امکان‌پذیر است. از همین رو است که فناوری‌های فضایی توانایی آن را دارند که نقش مهمی در توسعه کشورهای در حال رشد بازی کنند. چنانچه به لحاظ تاریخی، پرتاب اولین ماهواره را توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق در ۱۹۵۷ نقطهٔ عطفی برای ظهور این‌گونه فناوری‌ها در نظر بگیریم، نیمه دوم قرن بیستم را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول: دوره جهش تکنولوژیک یعنی از اواسط دههٔ ۱۹۵۰ تا پایان دهه ۱۹۶۰ که این فناوری‌ها به رغم سرعت پیشرفت، منافع کاربردی محدودتری نسبت به دوره‌های بعدی، به همراه داشته‌اند.

دوره دوم: دهه هفتاد و آغاز استفاده عملی و کاربردی از فواید ارتباطات راه دور در طرح‌های توسعه.

دوره سوم: اواخر دهه هفتاد تاکنون که همزمان با شدت یافتن مجدد ضرباهنگ پیشرفت این فناوری‌ها استفادهٔ بنیانی و کاربردی از آنها در توسعه ملی و منطقه‌ای نیز گسترش یافته است.

صرف‌نظر از آن دسته تحقیقاتی که با محوریت کشف رابطه ارتباطات و توسعه به مفهوم عام در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ به انجام رسید، در دوره سوم تقسیم‌بندی اخیر نیز تحقیقات متعددی بر پایه بررسی نقش ارتباطات راه دور و فناوری‌های فضایی در رشد و توسعه کشورهای جهان سوم انجام گرفته

که از آن میان می‌توان به تحقیقات هادسون (۱۹۸۷-۱۹۸۲)، پیرس و جکوئر (۱۹۸۳)، گیلس پای و گودارد (۱۹۸۶) اشاره کرد.

طی همین دوره نیز نهادهای بین‌المللی به منظور یافتن راهکار و بهره‌گیری از ارتباطات راه دور جهت

**امروزه پیشرفت فناوری‌های ضایع
کاربردهای متنوع‌تری را نیز برای ماهواره‌ها در
رشد و شکوفایی کشورهای رزم زده است که
این کاربردها به طور کلی در سه مقوله
توسعه اجتماعی، یکپارچگی ملی و نظارت بر
امکانات و منابع دسته‌بندی شده‌اند.**

کاهش فاصله میان کشورهای توسعه یافته و جهان سوم تحقیقاتی را به مرحله اجرا در آوردند. در اواخر دهه هفتاد «اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور» (ITU) نماینده ویژه سازمان ملل در هماهنگ‌سازی ارتباطات راه دور بین‌المللی با همیاری «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OECD) متشکل از کشورهای اروپایی و امریکای شمالی، تحقیقی را با هدف بررسی نقش ارتباطات راه دور در روند توسعه و پیشرفت با رویکرد ویژه به توسعه مناطق روستایی کشورهای جهان سوم به انجام

رساند که نتایج آن در کتابی تحت عنوان «ارتباطات راه دور برای توسعه» منتشر شد. مقارن با همین تحقیق، بانک جهانی نیز نتایج تحقیقی را پس از بررسی قریب به سیصد گزارش در خصوص توسعه کشورهای در حال رشد در قالب کتابی با نام «ارتباطات راه دور و توسعه اقتصادی» به چاپ رساند. توجه همزمان این دو نهاد بین‌المللی به مقوله توسعه و ارتباطات سبب همکاری نزدیک‌تر آنها در اجرا و حمایت از طرح‌های توسعه در کشورهای جهان سوم طی سال‌های بعد شد و به این ترتیب نقشی کانونی را در عرصه بین‌المللی ارتباطات راه دور و توسعه برای آنها رقم زد. در سال ۱۹۸۳ آ.تی.یو هیئتی را تحت عنوان کمیسیون میتلند مأمور بررسی راه‌های توسعه ارتباطات راه دور با تمرکز بیشتر بر مقوله تلفن و شناخت علل شکاف موجود میان کشورهای توسعه یافته و در حال رشد در بهره‌گیری از فناوری ارتباطات راه دور می‌کند. این هیئت که با عنوان «هیئت مستقل برای گسترش ارتباطات راه دور در سراسر جهان» نیز شناخته شده است نتایج خود را در گزارشی تحت عنوان «حلقه گمشده» منتشر کرده و طی آن ضمن اشاره به توزیع نابرابر امکانات ارتباطی در سراسر جهان تأکید می‌کند: «ارتباطات راه دور می‌تواند بازدهی فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی، اداری و اجرایی را افزایش دهد، تأثیر خدمات اجتماعی و اضطراری را بهبود بخشد و منافع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از روند توسعه و پیشرفت را به طور

منصفانه‌تری در سطح جامعه و ملت تقسیم کند هیچ برنامه توسعه در هیچ کشوری، متوازن و دارای یکپارچگی لازم نخواهد بود و احتمالاً حتی کارساز و مؤثر نخواهد شد مگر این که برای ارتباطات راه دور نقش کافی و در خور قائل شود و به تناسب گسترش و بهبود آن را در اولویت قرار دهد» (آکوول، ۱۳۷۶، ص ۳۰). این گزارش در بخش سوم خود کشورهای در حال توسعه را به همکاری بیشتر با سازمان‌های بین‌المللی نظیر آی.تی.یو، یونسکو، سازمان بین‌المللی ماهواره‌های دوربرد ارتباطی (Intelsat)، سازمان ارتباطات فضایی بین‌المللی (Inter Sputnik) و سازمان ماهواره بین‌المللی دریایی (Inmarsat) به منظور کاهش هزینه‌های مربوط فرا می‌خواند.

در مورد نتایج گزارش حلقه گمشده گذشته انتقادات مختلفی مطرح شده است که شاید مهم‌ترین آنها عدم توجه کافی تهیه‌کنندگان گزارش به نیازهای ملی جوامع در حال توسعه و نیز لزوم ایجاد زیرساخت مناسب جهت فناوری‌های ارتباطی به ویژه ماهواره در این جوامع است. با وجود آن که کاربرد فناوری فضایی عنصری مهم در توسعه کشورها به شمار می‌رود، فقدان زیرساخت‌های لازم آن موجب محدود شدن اثرگذاری همه جانبه این قبیل فناوری‌ها در رشد و توسعه ملی می‌شود.

فواید و کاربرد ماهواره‌ها در امر توسعه

ضعف کشورهای جهان سوم در ایجاد و گسترش متوازن زیرساخت‌های متداول و سنتی ارتباطات در مناطق صعب‌العبور و روستایی یکی از مهم‌ترین دلایل اولیه توجه به بهره‌گیری از ماهواره در توسعه ملی کشورها به شمار می‌رود زیرا کم هزینه‌تر بودن تجهیزات زمینی این فناوری و سرعت بیشتر در تدارک آنان به نسبت تمهیدات سنتی ارتباطی امتیاز ویژه‌ای محسوب می‌شود. برقراری خدماتی نظیر تله‌کنفرانس، استفاده کاربردی از تلویزیون جهت اهداف آموزشی و ترویجی و دسترسی به ظرفیت بالای خطوط تلفن و امکاناتی از این دست موجب می‌شود مناطق روستایی و دور افتاده امکان کم کردن فاصله فرهنگی، اقتصادی و خدماتی خود را با مناطق شهری بیابند. تجربیات کشورهای پهناوری نظیر هند، چین و اندونزی از نمونه‌های موفق بهره‌گیری از ماهواره در جهت تحقق برخی اهداف توسعه‌اند. امروزه پیشرفت فناوری‌های فضایی کاربردهای متنوع‌تری را نیز برای ماهواره‌ها در رشد و شکوفایی کشورها رقم زده است که این کاربردها به طور کلی در سه مقوله توسعه اجتماعی، نظارت بر امکانات و منابع و یکپارچگی ملی دسته‌بندی شده‌اند.

امکانات ارتباطات راه دور از طریق ماهواره‌ها اجرای برنامه‌های مختلفی را در مقوله «توسعه اجتماعی» نظیر خدمات آموزشی و ترویجی، مراقبت‌های بهداشتی و برنامه‌ریزی خانواده تسهیل کرده است. تجربیات اولیه این موضوع به سال‌های آغازین دهه ۷۰ و مشارکت سازمان هوانوردی ملی و اداره فضایی امریکا (Nasa) و کشور کانادا در استفاده از ماهواره‌های آ.تی.اس (ATS) باز می‌گردد. طی سال‌های بعد یعنی در ۱۹۷۶، خدمات این ماهواره به منظور برقراری ارتباط میان بخش‌های روستایی و مناطق شهری در اختیار ۲۷ کشور در حال توسعه قرار گرفت. تجربیات به دست آمده از آ.تی.اس موجبات تحقق برنامه ماهواره روستایی R.S.P را به منظور استفاده در اهداف توسعه اجتماعی نظیر سوادآموزی و آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و ترویج کشاورزی در دهه ۱۹۸۰ فراهم آورد. در مجموع، بیشترین سهم کاربردهای ماهواره در حوزه توسعه اجتماعی در وهله اول، به آموزش و در مرتبه بعد، به مراقبت‌های بهداشتی اختصاص یافته است. برای مثال ماهواره پالایای اندونزی علاوه بر آن که خدمات آموزشی متنوعی را به ساکنان جزایر دورافتاده و پراکنده آن کشور ارائه می‌کند، عرضه خدمات خود در زمینه ترویج کشاورزی و آموزش مریبان را به سایر کشورهای حوزه جنوب شرق آسیا نیز گسترش داده است. تجربیات طرح S.I.T.E در هند نیز با هدف افزایش توانایی معلمان، بهبود آموزش ابتدایی و افزایش گستره برنامه‌های آموزش دانشگاهی از نمونه‌های بارز کاربرد ماهواره در آموزش مناطق روستایی به شمار می‌رود. با این حال به رغم مزایای قابل توجه ماهواره‌ها در این زمینه، همواره سرمایه‌گذاری این بخش به دلیل نداشتن ارزش تجاری از اولویت‌های کمتری در کشورهای در حال توسعه برخوردار شده است.

کاربرد ماهواره‌ها در حوزه «نظارت بر امکانات» از دیگر ابعادی است که در تحقق اهداف توسعه کشورها جایگاه ویژه‌ای به این فناوری بخشیده است. تبادل اطلاعات و اخبار از طریق امواج، مراقبت و نظارت مستمر بر محیط، هواشناسی، کشتیرانی و پیش‌بینی برخی حوادث طبیعی از مجموعه امکاناتی است که ماهواره‌ها در اختیار کاربران قرار می‌دهند. امروزه نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان جهانی هواشناسی (V.M.M) برنامه‌های مختلفی را جهت اجرای شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خدمات هواشناسی در کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار داده‌اند. این ماهواره‌ها می‌توانند اطلاعات با ارزشی را در خصوص پوشش‌های گیاهی و ذخایر و منابع طبیعی، رطوبت خاک، تخمین محصولات کشاورزی و کمبود مواد معدنی زمین‌های زراعتی در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهند. دست‌اندرکاران امور

کشاورزی با استفاده از تصاویر ارسالی از ماهواره‌ها اطلاعات دقیق‌تری از زمان مناسب جهت کاشت و برداشت محصولات زراعتی و میزان تراکم گیاهی و جانوری مناطق ارائه می‌کنند. ماهواره‌ها همچنین امکان پیش‌بینی تقریبی بروز سیل و میزان خسارات ناشی از وقوع حوادث طبیعی در مناطق مختلف را فراهم می‌آورند. علاوه بر اینها ناوبری کشتی‌ها در دریا، تشخیص مبدأ و مسیر حرکت گروهی ماهی‌ها و شناخت منابع طبیعی موجود در بستر دریاها نیز از دیگر خدماتی است که ماهواره‌های تخصصی خدمات دریایی نظیر اینمارسات (Inmarsat)، ترانت (Teranet) و ناواستار (Navstar) ارائه می‌دهند.

فناوری ارتباطی ارزی است که تنها با برنامه‌ریزی جامع، اصلاح موانع امنیتی، سیاسی، فرهنگی و ایجاد زیرساخت‌های لازم می‌توان از آن به عنوان وسیله‌ای جهت نیل به اهداف توسعه سود مستقیم، تکیه صرف بر بهره‌مندی تکنولوژیک از آن نه تنها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تحقق اهداف توسعه کشورها به پای نگذاشته بلکه امکان عدم موازنه و تعادل را نیز در جامعه دامن خواهد زد.

کاربرد فناوری‌های فضایی در راستای تحقق «یکپارچگی ملی» غالباً در سطح طرح‌های کشوری و مقوله‌هایی نظیر مشارکت سیاسی، اطلاع‌رسانی و خدمات اداری سازمان‌ها و مؤسسات دست‌اندرکار تولید، توزیع، نظارت و پشتیبانی موضوعیت پیدا می‌کند. در بخش عمده‌ای از برنامه‌های توسعه در خدمت یکپارچگی ملی،

ماهواره‌ها به عنوان سیستم ارسال اطلاعات و یا پشتیبانی و دسترسی به اطلاعات پردازش یافته عمل می‌کنند. دسترسی به یک شبکه اطلاع‌رسانی در خصوص مبادلات تجاری و قیمت کالاها و خدمات از یک سو به واقعی‌تر شدن قیمت‌ها در بازار کمک می‌کند و از سوی دیگر، توانایی ابتکار عمل در داد و ستد تجاری را به تولیدکنندگان می‌دهد.

علاوه بر خدمات فوق، فناوری فضایی در افزایش دسترسی مناطق دور افتاده به خدمات مالی، بانکی و گمرکی کمک شایانی کرده است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در برخی از کشورهای در حال رشد، عملاً موانع طبیعی و دورافتادگی سرزمینی با وجود سیستم یکپارچه و منظم خدمات ماهواره مانعی در جهت دسترسی به خدمات عمومی محسوب نمی‌شود. کشور کانادا که قریب به یک چهارم جمعیت آن در مناطق دوردست و سرزمین‌های شمالی آن زندگی می‌کنند یکی از موفق‌ترین نمونه‌های حاضر در به کارگیری این فناوری به منظور تحقق اهداف یکپارچگی ملی است.

تحت پوشش قرار دادن مؤثر مناطق دورافتاده کشورها با برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به نوعی ابعدادی از یکپارچگی ملی را تحقق می‌بخشد. دسترسی ساکنان مناطق دورافتاده مرزی به اخبار و اطلاعات کشور سبب تشریک مساعی بیشتر آنها در حرکت‌های ملی و جلب مشارکت سیاسی آنها در امور کشوری می‌شود. ماهواره پالاپای اندونزی از طرح‌های موفق است که با بهره‌گیری بیش از یک صد ایستگاه زمینی توانسته است قریب به پنج هزار جزیره پراکنده را در سرزمینی با مساحت بالغ بر ۳۴۵/۱ کیلومتر تحت پوشش رادیو، تلویزیون و تلفن قرار دهد. چنان که پیش از این اشاره شد، امروزه گستره خدمات این ماهواره علاوه بر مجمع‌الجزایر اندونزی به کشورهای عضو ASEAN نیز افزایش یافته است (جهت اطلاع بیشتر ر.ک. مولانا، ۱۳۷۵، فصل پنجم).

جمع‌بندی

با وجود تحقیقات و نظریات مختلف ارائه شده طی پنجاه سال گذشته، همچنان به غیر از دیدگاه‌ها و فرضیات متعدد، نظام کاملاً دقیق و جامعی حاصل از رابطه مستقیم میان ارتباطات و توسعه در دست نیست. مسلم است که یکی از عوامل مؤثر در عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم ضعف ارتباطات و زیرساخت‌های فنی آن است اما به هر حال نقش عوامل قوی‌تر دیگری نظیر ساختارهای سنتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در بسیاری از اقداماتی که به منظور بهره‌گیری از ارتباطات در جهت توسعه کشورهای در حال رشد صورت گرفته متأسفانه یا صرفاً به توسعه فنی بسنده شده و یا بخش ناقص و محدودی از اهداف توسعه توسط طرح‌های ارتباطی تأمین شده است که در هر حال توفیق چندانی در تحقق توسعه همه جانبه و پایدار جوامع جهان سوم محسوب نمی‌شود. فناوری ارتباطی ابزاری است که تنها با برنامه‌ریزی جامع و اصلاح موانع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توان از آن به عنوان وسیله‌ای جهت نیل به اهداف توسعه سود جست و تکیه صرف بر بهره‌مندی تکنولوژیک از آن نه تنها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تحقق اهداف توسعه یکپارچه کشورها به جای نگذاشته بلکه امکان عدم موازنه و تعادل را نیز در جامعه دامن خواهد زد.

منابع و مأخذ:

۱. مولانا، حمید. *ارتباط، تکنولوژی و توسعه*، ترجمه قاسم عباس نتاج، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، ۱۳۷۵.
۲. آکوول، ریموند. *مخابرات جهانی*، ترجمه ناریا یارایی و اصغر اندرودی، نشر نقطه، ۱۳۷۶.
۳. رضوی‌زاده، نورالدین. ارتباطات و توسعه، *فصلنامه رسانه*، سال یازدهم، شماره دوم.
۴. ای آوا، نجوگو. ارتباطات و توسعه ملی، ترجمه علی‌اصغر محکی، *فصلنامه رسانه*، سال یازدهم، شماره چهارم.
۵. شکرخواه، یونس. جویندگان حلقه گمشده در بزرگراه‌های ارتباطی، *مجله صنعت چاپ*، شماره ۱۲۷.

بازخوانی نخستین پژوهش ایرانی درباره برنامه‌های ماهواره‌ای تلویزیون در آسیا

دکتر مهدی محسنیان‌راد

محقق و استاد علوم ارتباطات

اشاره

ظهور پدیده ماهواره در سپهر رسانه‌ای جهان، موجد واکنش‌های مثبت و منفی گوناگون از دیدگاه‌های متنوعی شده است. اندیشمندان عرصه علوم ارتباطی، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، فن‌شناسان، فیلسوفان، دین‌شناسان، دانشمندان و سایر گروه‌های متفکران در خصوص این پدیده و آثار و پیامدهای مثبت و منفی آن در جامعه بشری سخن فراوان گفته‌اند. در کشور ما نیز، آنگاه که پدیده ماهواره - با حدی تأخیر - ورودی جدی یافت و تأثیرات بالقوه آن تا حدودی آشکار شد، واکنش‌های تند و کند، بر علیه آن آغاز گردید و تا آنجا ادامه یافت که سیاستگذاران و تصمیم‌سازان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی ناگزیر از بررسی موضوع شدند و به تصویب قانون جهت نظام‌مند کردن استفاده از ماهواره دست زدند. موجب خشنودی است که بنا به گفته آقای دکتر محسنیان‌راد، استاد برجسته علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و محقق سرشناس این حوزه، پیش از تصویب قانون فوق ابعاد موضوع که با دیدگاهی علمی و در حد امکان غیرجانبدارانه توسط ایشان تحقیق شده بود در اختیار مجلسیان قرار گرفت. هر چند به درستی مشخص نیست که نتایج این تحقیق تا چه حد در تصمیم آن روز مجلس مورد استفاده قرار گرفته است. آنچه پیش روست گزارشی از تحقیق فوق و در بردارنده نکات بسیار آموزنده‌ای در خصوص نحوه برخورد دیگر ملت‌ها و دولت‌ها با موضوع ماهواره است.

آنتن‌های ماهواره‌ای (DBS) یک رسانه جدید نیست. هشت سال پیش، در آغاز یک گزارش تحقیقی ۱۷۰ صفحه‌ای که موضوع آن درباره ماهواره بود، ابتدا این سؤال را مطرح کردم که آیا با اختراع سیستم پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای (DBS) وسیله جدیدی به مجموعه وسایل ارتباط جمعی اضافه شده است؟

فناوری پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای، ۵۳۰ سال پس از آن که گوتنبرگ، اولین وسیله ارتباط جمعی را اختراع کرد وارد بازار شد،^۱ اما به نظر من، این یک وسیله ارتباط جمعی جدید محسوب نمی‌شد بلکه صرفاً مکملی برای رسانه‌های قدیمی بود. به عبارت دیگر، اگر طی ۵۳۰ سال گذشته، صفحه گرامافون، نوار ضبط صدا، کاست ضبط صدا و نوار ضبط ویدیو اختراع شده، [در آن موقع هنوز لوح فشرده به صورت امروزی وارد بازار نشده بود] صرفاً مکملی برای همان چند وسیله ارتباط جمعی قبلی بوده است. این اختراعات جدید فقط توانمندی‌های وسایل اصلی را افزایش داده‌اند. در واقع وقتی شما تصاویر ویدیویی را بر روی صفحه تلویزیون خود نگاه می‌کنید، باز هم جلوی تلویزیون نشسته‌اید و کم و بیش درگیر همان تلویزیون هستید. اگر فردی در آن لحظه وارد اتاق شما شود، نمی‌تواند تشخیص دهد که آنچه می‌بینید (برای مثال، یک فیلم سینمایی) از مبدأ یک فرستنده تلویزیونی است یا یک دستگاه ویدیو. همین استدلال را می‌توان ادامه داد و گفت که همچنین نمی‌تواند تشخیص دهد این تصویر از یک فرستنده تلویزیونی نزدیک است یا یک فرستنده تلویزیونی در آن سوی کره زمین که شما از طریق ماهواره آن را دریافت می‌کنید. (بدیهی است تفاوت‌های محتوایی، زبان و مورد نظر من نیست) به همین دلیل این استدلال را مطرح کرده‌ام که ابزارهای دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای یک وسیله ارتباط جمعی جدید نیستند. در واقع برای تماشای برنامه تلویزیونی ماهواره‌ای، فرد مقابل تلویزیون می‌نشیند و آنچه در آن لحظه وجود دارد اوست و تلویزیون. در آن گزارش به جدولی اشاره کردم که در آن سال‌ها در درس نظریه‌های ارتباط جمعی مورد استفاده قرار می‌دادم و در واقع تقلیدی بود که از جدول مندلیف کرده بودم.

در آن جدول، تلاش شده است که خصایص وسایل ارتباط جمعی از ۱۷ زاویه و هر زاویه از چند طیف - در مجموع ۵۶ طیف - مورد بررسی قرار گرفته و با یکدیگر مقایسه شود. به این ترتیب، جدولی حاوی ۹۵۲ سلول به دست آمده که شاید بتوان از طریق آن - ژول ورن وار - رسانه‌های بعدی را نیز پیش‌بینی کرد. به هر حال آن جدول نشان می‌داد که پس از اختراع تلویزیون تا آن تاریخ (سال ۱۹۸۴)

هر اختراع جدیدی که در حوزه رسانه‌ها انجام گرفت فقط برخی از سلول‌ها را مختصری جا به جا کرد اما این جا به جایی هم نتوانست اساسی ایجاد کند که بر آن اساس، بتوان گفت یک وسیله ارتباط جمعی جدید اختراع شده است.

در ادامه آن گزارش نوشتیم، با این دیدگاه لازم است ابتدا تلویزیون را از ۱۷ زاویه یاد شده مورد بررسی قرار دهیم و سپس ببینیم اختراع پخش مستقیم ماهواره‌ای چه جا به جایی‌هایی را در بخشی از سلول‌های طیف‌ها موجب شده است. جدول مذکور نشان می‌دهد که:

- ۱- تلویزیون تمامی ۶ عنصر پیام را دارد (نوشته، تصویر، حرکت، صدا، کلام و موسیقی).
- ۲- ماندگاری پیام آن بسیار کم است (در کتاب خیلی زیاد است).
- ۳- تأمین‌کننده نیازهای فوری است (کتاب تأمین‌کننده نیازهای مستمر است).
- ۴- شکل دریافت پیام آن دیدنی، شنیدنی و خواندنی است.
- ۵- از نظر توانایی انجام کاری دیگر، همزمان با دریافت پیام، در حدی میانه قرار دارد (رادیو زیاد، کتاب و روزنامه و مجله هیچ).
- ۶- پیام آفرین آن معمولاً بیش از یک نفر است و محصولی است جمعی (کتاب معمولاً محصولی است فردی).
- ۷- برای استفاده از آن، امکان استفاده جمعی کاملاً وجود دارد (در ایران معمولاً اعضای خانواده با هم تلویزیون تماشا می‌کنند).
- ۸- انتخاب زمان دریافت پیام با گیرنده نیست (در حالی که زمان مطالعه قسمت خاصی از یک کتاب کاملاً با دارنده آن است).
- ۹- سرعت انتشار آن زیاد است (سرعت انتشار کتاب بسیار کم است).
- ۱۰- قالب عمده پیام مورد انتشار سرگرم‌کنندگی است (جز سینما، بقیه وسایل ارتباط جمعی قالب عمده مورد انتظار دیگری دارند. برای مثال قالب عمده مورد انتظار روزنامه، آگاه‌کنندگی است).
- ۱۱- برای دریافت پیام‌های آن قید حضور در مکانی خاص وجود دارد (این قید برای سینما زیاد و برای تلویزیون تا حدی است. کتاب، روزنامه و مجله هیچ قیدی ندارند و اختراع ترانزیستور درجه این قید را برای رادیو نیز تا حدی به کم تنزل داده است).

۱۲- برای تولید پیام آن به زمان نسبتاً زیادی نیاز است (در حالی که تولید پیام رادیویی حتی تهیه یک نمایشنامه رادیویی، به زمانی بسیار کمتر از تلویزیون نیاز دارد).

۱۳- هزینه استفاده از پیام - بر مبنای واحدی استاندارد از زمان - در مقایسه با اکثر وسایل دیگر کم است.

۱۴- قدرت گزینش پیام تا حدی است.

۱۵- قابلیت بازبینی پیام کم است (در حالی که در کتاب بسیار زیاد است).

۱۶- سرعت حرکت پیام زیاد است (در حالی که سرعت حرکت روزنامه هیچ است و برای جا به جایی آن به نیرویی خارج از درون روزنامه نیاز است).

۱۷- نیرو و برد حرکت پیام آن تا حدی است (در حالی که در رادیو بسیار زیاد است).

اختراع دستگاه ویدئو، توانست برخی جا به جایی‌ها را در سلول‌های طیف‌های هفده‌گانه تلویزیون ایجاد کند. مهم‌ترین آنها تغییر در درجات طیف شماره ۲ بود که ماندگاری پیام را افزایش داد و در نتیجه بر طیف‌های ۳، ۸ و ۱۵ نیز اثر گذارد. اما علی‌رغم این اثرات، آنچه باقی ماند بیننده بود و صفحه تلویزیون.

در مورد اختراع «سیستم دریافت مستقیم برنامه‌های تلویزیونی به وسیله گیرنده‌های خانگی» نیز همین وضعیت حاکم است. این

اختراع فقط توانسته است درجات سلول هفدهمین خصیصه تلویزیون را جا به جا کند، یعنی مسافت حرکت پیام را از «تا حدی» به «زیاد» برساند. تا پیش از این اختراع، در طیف شماره ۱۷ جدول مذکور تنها وسیله‌ای که درجه زیاد را پر می‌کرد، رادیو بود. اما ماهواره سبب شد که در صورت فراهم بودن امکانات این درجه از طیف، به تلویزیون نیز داده شود. مقصود من از امکانات همان است که پیش‌بینی می‌شود ظرف کمتر از ۱۰ سال آینده گیرنده‌های تلویزیون، بدون نیاز به ادوات اضافی به دریافت برنامه‌های فرستنده‌های دور دست اقدام کنند.

در آن گزارش تحقیقی، پس از این استدلال نتیجه گرفتیم که اگر بخواهیم به مسئله آنتن‌های ماهواره‌ای در کشوری - مانند ایران - بیندیشیم، قطعاً باید در ابتدا تلویزیون آن کشور و وضعیت و جایگاه آن در جامعه را بررسی کنیم.

اگر بخواهیم به مسئله آنتن‌های ماهواره‌ای در کشوری - مانند ایران - بیندیشیم، قطعاً باید در ابتدا تلویزیون آن کشور و وضعیت و جایگاه آن در جامعه را بررسی کنیم.

پیشینه آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا

در ادامه گزارش موضوع پیشینه عمومی آنتن‌های تلویزیونی ماهواره‌ای آسیا را دنبال کرده و نوشتیم تا سال ۱۹۹۱ که هنوز شبکه STAR (Region Satellite Television Asia) شروع به کار نکرده بود، به جز چند کشور، بقیه کشورهای آسیایی فقط به تلویزیون محلی دسترسی داشتند، اما با گشایش این شبکه و پوشش ۳۸ کشور آسیایی، وضعیت کاملاً تغییر کرد. در آن زمان، در ۱۰۲ کشور جهان، تلویزیون مستقیماً توسط دولت کنترل می‌شد. «یونسکو» در این مورد نوشت: «حتی در دموکراتیک‌ترین کشورها، مقامات سیاسی هرگز به طور کامل از نفوذ بر این صحنه کوچک دست نکشیده‌اند».^۲

ده سال قبل از تأسیس شبکه STAR، اولین نفوذ امواج تلویزیونی بیگانه از طریق ماهواره، در کره جنوبی اتفاق افتاد.

از سال ۱۹۸۱، تلویزیون NHK ژاپن به پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای دست زد، به طوری که این برنامه‌ها از طریق آنتن‌های بشقابی در کره جنوبی کاملاً قابل دریافت بود.^۳

دولت کره جنوبی ابتدا از ورود آنتن‌های بشقابی و ملزومات آن جلوگیری کرد، اما وقتی فشار امریکا برای تجارت آزاد بر دولت آن افزایش یافت، ناچار پس از ۸ سال، این ممنوعیت را حذف کرد و در ۱۹۸۹، استفاده از این وسیله را آزاد اعلام کرد.^۴ بنابراین دو سال قبل از شروع به کار شبکه STAR، برخی از کشورهای آسیایی بدون ممنوعیت، برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای بیگانگان را دریافت می‌کردند.

علی‌رغم تمام تبلیغاتی که برای استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای می‌شد در سال ۱۹۹۳، تعداد آنتن‌های ماهواره‌ای برای هر یک صد هزار نفر جمعیت در کره جنوبی ۴۳ دستگاه برآورد شد^۵ که از اردن، لبنان، تایلند، پاکستان و هند کمتر بود.

یک سال قبل از گشایش شبکه STAR، وقوع جنگ خلیج فارس و حمله امریکا و متحدانش به عراق سبب شد که توجه به ماهواره، به ویژه در منطقه خلیج فارس و از همه بیشتر، عربستان سعودی شکل گسترده‌ای به خود بگیرد.

به این ترتیب یک سال پیش از گشایش شبکه STAR برخی از جوامع آسیایی از جمله عربستان سعودی، سریلانکا و نخستین تجربه را در دستیابی به اطلاعات دست اول به ظاهر کنترل نشده از

طریق شبکه ماهواره‌ای تلویزیون CNN کسب کردند (میزان بینندگان شبکه ماهواره‌ای CNN از هنگام آغاز بحران خلیج فارس تقریباً دو برابر شد).^۶

بحران اشغال کویت و مشارکت عربستان سعودی در آزادسازی کویت از تهاجم عراق نیز موجب روی آوردن مردم عربستان به تهیه بشقاب‌های آنتن ماهواره‌ای برای دریافت تصاویر خبری شبکه CNN - از آنچه در یک جنگ غیرمترقبه در حال رخ دادن بود - شد. این آنتن‌ها ابتدا در هتل‌های جده و پس از آن در منازل اشراف عربستان سعودی نصب شد. آنتن‌های قوی حتی این توانایی را برای آنتن‌های معمولی همسایگان فراهم می‌کرد که امواج صادره را از نزدیک‌ترین آنتن بشقابی دریافت کنند.

همان گونه که گفته شد، تأسیس شبکه STAR نقطه عطفی در تاریخ دریافت برنامه‌های تلویزیونی جوامع بیگانه در آسیا محسوب شد.

شبکه تلویزیونی STAR، زمانی آغاز به کار کرد که ۱۴ سال از نخستین تجربه در پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره گذشته بود و بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی دیگر در آمریکا و اروپا از مدت‌ها پیش مشغول پخش برنامه بودند، مانند اینتل‌ست در آمریکا،

تأسیس شبکه STAR نقطه
عطفی در تاریخ دریافت برنامه‌های
تلویزیونی جوامع بیگانه در آسیا
محسوب می‌شود زیرا این ماهواره
بیشترین سکنه سیاره زمین و پهناورترین
قاره آن را زیر پوشش می‌گرفت.

سمفونی، آسترا، کپرنیک، ایتال‌ست، تله‌کام و . در اروپا، رادوگا، گوریزو در روسیه و غیره. اما در میان انواع و اقسام ماهواره‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی، ماهواره مورد استفاده شبکه STAR از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. اهمیت این ماهواره از آن جهت بود که بیشترین سکنه سیاره زمین و پهناورترین قاره آن را زیر پوشش می‌گرفت. شبکه STAR یک شبکه خصوصی بود که هزینه‌های آن باید از طریق پخش آگهی تأمین می‌شد و از این نظر تا سال ۱۹۹۲ کاملاً موفق بود.

شبکه مذکور در نخستین سال پخش برنامه‌های خود، ۶۵ میلیون دلار آگهی دریافت کرد. نرخ آگهی در سال اول عملکرد آن، بین ۱۲۰۰ تا ۱۶۸۰ دلار برای هر ۳۰ ثانیه بود. ضمن آن که هر گاه آگهی‌دهنده‌ای حداقل ۲ میلیون دلار آگهی به شبکه STAR می‌پرداخت، هم از تخفیف ویژه برخوردار می‌شد و هم آگهی او در ساعات پر بیننده‌تر به پخش می‌رسید.^۸ به این ترتیب، محاسبات نشان می‌داد که شبکه STAR، در همان نخستین سال عملکرد خود ۲۲ درصد از سرمایه‌گذاری اولیه را بازگردانده بود و

در واقع راه‌اندازی این شبکه برای سرمایه‌گذاران آن کاملاً سودآور بود چرا که قواعد مربوط به عرضه کالا و جلب مشتری را در عملکرد خود رعایت کرده بود.

بر اساس این قواعد، از دیدگاه صاحبان آگهی، بینندگان بیشتر و ثابت‌تر می‌توانند انگیزه‌گزینه‌ش منبع

ارسال و پخش آگهی محسوب شوند و به همین دلیل شبکه STAR برای تأمین خواست آگهی‌دهنده و در نتیجه دستیابی به آگهی بیشتر و درآمد و سود بالاتر در جستجوی راه‌های افزایش تعداد گیرندگان پیام و جلب گزینه‌ش آنان به سوی کانال‌های ماهواره‌ای در مقابل کانال‌های تلویزیون محلی و فرستنده‌های زمینی بود. در همان زمان، در برخی از گزارش‌های منتشر شده در ایران، گفته می‌شد محتوای شبکه تلویزیونی STAR به گونه‌ای تهیه شده است که با طبع آسیایی‌ها تا حدودی سازگاری داشته باشد و این امر، یکی از مهم‌ترین دلایل برای رعایت قواعد مربوط به جلب صاحبان آگهی بود. برای مثال، خبرگزاری جمهوری اسلامی در تلکس شماره ۱۵۸

خبرگزاری جمهوری اسلامی در تلکس شماره ۱۵۸
مخبره شده از دهلی‌نو در تاریخ ۷۰/۱۲/۲۰
(همزمان با راه‌اندازی شبکه STAR)
نوشت: « برنامه کانال‌های مختلف استار
TV در حال حاضر، با زیرکی خاصی تهیه و
پخش می‌شود. در این برنامه‌ها که به نظر
می‌رسد به طور مرحله‌ای به اجرا در می‌آید.
سعی شده است به آرامی، فرهنگ غرب ارائه
شود. در این روند، ظرایف خاص روحی و
فرهنگی مردم آسیا نیز در نظر گرفته شده
است.»

مخبره شده از دهلی‌نو در تاریخ ۷۰/۱۲/۲۰ (همزمان با راه‌اندازی شبکه STAR) نوشت: « برنامه کانال‌های مختلف استار TV در حال حاضر، با زیرکی خاصی تهیه و پخش می‌شود. در این برنامه‌ها که به نظر می‌رسد به طور مرحله‌ای به اجرا در می‌آید، سعی شده است به آرامی، فرهنگ غرب ارائه شود. در این روند، ظرایف خاص روحی و فرهنگی مردم آسیا نیز در نظر گرفته شده است.»

زیرکی مذکور چیزی نیست جز همان زیرکی که هر صادرکننده کالایی از طریق آن سعی دارد با دستیابی به مشخصات سلیقه‌ای و نیاز مصرف‌کنندگان کالای خود را با آن منطبق کند. در بخش تحقیق و توسعه (R & D) مؤسسات صنعتی به چنین مقوله‌ای بسیار توجه می‌شود. برای مثال، شرکت ژاپنی لوازم خانگی ناسیونال در دهه ۱۹۷۰ با آگاهی از سلیقه و ذائقه ایرانی، پلویز برقی ناسیونال را صرفاً برای صدور به ایران طراحی کرد. اما باید دید که چنین پدیده‌ای در مورد «پیام» آن هم برای جوامع ۳۸ کشور

آسیایی تا چه حد امکان‌پذیر است؟ این سؤال بسیار مهمی است که پاسخ آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است.^۹

در آن زمان، شبکه STAR به طور شبانه‌روزی از یک کانال سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های سرگرم‌کننده (STAR PLUS) پخش می‌کرد و از کانال‌های دیگر اخبار BBC، ورزش (Prime Sport)، موسیقی غربی و شوه‌های تلویزیونی (VTV و قبلاً MTV). یک کانال به زبان هندی (Zee TV) اختصاص یافته بود و کانال‌های دیگری به زبان‌های چینی، برمه‌ای و پاکستانی.

در همان سال‌ها، به زودی رقبای دیگری نیز پیدا شدند، از ۲۵ می ۱۹۹۴ (چهارم خرداد ۱۳۷۳) شبکه ORBIT با پوشش تلویزیونی خود در سطح آسیا به شبکه STAR پیوست و منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را زیر پوشش قرار داد. طبق اظهار گردانندگان ماهواره، مخاطبان این شبکه که برنامه‌های تلویزیونی شبکه‌های امریکا را مستقیماً عرضه می‌کرد، از طبقات بسیار مرفه خاورمیانه بودند. از خصایص مهم دیگر آن نیز وجود پنج کانال به زبان عربی بود.

گاندی می‌گوید: «من دلم می‌فواهد
که تمام خرهنگ‌ها مانند نسیمی از پنره
به دافل فانه من بوزد اما اگر این نسیم
به طوخانی تبدیل شود که بفواهد
مرا از جا برکند. تمام پنره‌ها را فواهد
بست.»

تحولات مربوط به ماهواره‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی در سطح آسیا به قدری سریع بود که همه، حتی محققان علوم ارتباطات را سر در گم کرده بود. Carole

Trznkoff یکی از متخصصان برنامه‌ریزی رسانه‌ها در شبکه آژانس خاورمیانه در لندن گفت: «تحولات رسانه‌ها در خاورمیانه به قدری سریع است که برای برنامه‌ریزان و پژوهشگران ارتباطات به یک کابوس تبدیل شده است.^{۱۰} در آن زمان، مجله پیام یونسکو نوشت: «همه ما در مواجهه با تلویزیون - این جعبه اسرارآمیز - که تنها چند دهه پیش از این، ناگهان ظهور کرد، راه خود را در هر دو سوی صفحه آن می‌یابیم. در یک سو تکنیک‌های مداخله و نفوذ، توسعه و افزایش می‌یابند و در سوی دیگر، بینندگان به تدریج یاد می‌گیرند تا دروغ‌ها را برملا سازند، شواهد دروغ را در تصویر کشف کنند و در مقابل موانع ایجاد شده توسط تلویزیون، که تاکنون مطیع و منقاد آن بوده‌اند، مقاومت کنند.»^{۱۱}

اما رویدادهای بعدی در برخی از کشورهای آسیایی نشان داد که سردرگمی مورد بحث Crole Trznkoff نه تنها در آن سال‌ها که حتی امروز نیز ادامه دارد.

بررسی‌های اولیه من حاکی از آن بود که عکس‌العمل دولت‌های آسیایی را می‌توان در دو دسته اصلی جای داد: «طرد» و «پذیرش» البته در همان زمان نوشتم که سرانجام هیچ یک از تصمیمات دو سر طیف چندان روشن نیست. نوشتم که هر یک از این دو دیدگاه پایگاه‌هایی کهن دارد که آثار آن را می‌توان در گفته‌های مولوی، فیلسوف و شاعر گرانقدر ایرانی و همچنین مهاتما گاندی رهایی بخش هندوستان از قید استعمار دید.

گاندی می‌گوید: «من دلم می‌خواهد که تمام فرهنگ‌ها مانند نسیمی از پنجره به داخل خانه من بوزد اما اگر این نسیم به طوفانی تبدیل شود که بخواهد مرا از جا برکند، تمام پنجره‌ها را خواهم بست».^{۱۲}
از آن سو مولوی می‌گوید:

هر که را افزون خبر، جانش فزون جان نباشد جز خبر در آزمون

هر که آگه‌تر بود، جانش قویست اقتضای جان، چو ای دل، آگهی است

از چه رو، زان کو فزون دارد خبر^{۱۳} جان ما از جان حیوان بیشتر

اما بررسی‌ها نشان می‌داد که عکس‌العمل دولت‌ها در مقابل پخش مستقیم ماهواره‌ای برنامه‌های تلویزیونی به گونه‌ای بر روی طیف قرار می‌گرفت که می‌شد آنها را به شش دسته تقسیم کرد: گروه اول: کشورهایی که نه تنها آنتن‌ها را مجاز دانستند بلکه تسهیلاتی نیز برای دریافت برنامه‌ها توسط مردم فراهم آوردند.

گروه دوم: کشورهایی که مانعی ایجاد نکردند اما برای نصب آنتن، مالیات و عوارض در نظر گرفتند و در این ضمن به اقدامات رقابتی نیز دست زدند.

گروه سوم: کشورهایی که برنامه‌های ماهواره‌ای را مجاز دانستند اما به جستجو و اجرای طرح‌های رقابتی نیز دست زدند.

گروه چهارم: کشورهایی که ضمن ایجاد ممنوعیت‌های قانونی به راه‌حل‌های رقابتی نیز دست زدند. گروه پنجم: کشورهایی که با پشتوانه امکانات غنی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود، ممنوعیت‌های قانونی ایجاد کردند.

گروه ششم: کشورهای که تا آن تاریخ تصمیم رسمی و قانونی آنان مشخص نشده بود و اقدامات اساسی‌ای برای رقابت به عمل نیاورده بودند.

گروه اول:

تحقیقات ما نشان می‌داد در رأس گروه اول، اسرائیل قرار داشت که تقریباً در تمامی منازل شهری و روستایی آن حداقل یک دستگاه گیرنده تلویزیون پیدا می‌شد.^{۱۴} از همان آغاز گشایش شبکه STAR، دولت اسرائیل نه تنها هیچ مانعی بر سر راه دریافت این برنامه‌ها ایجاد نکرد، بلکه تسهیلات لازم را نیز فراهم آورد به طوری که در دومین سال راه‌اندازی شبکه مذکور، ۱۴۵ هزار آنتن ماهواره‌ای در منازل نصب شد و سال ۱۹۹۳ این تعداد به ۴۱۰ هزار رسید. به این ترتیب، نسبت آنتن‌های ماهواره به یک‌صد هزار جمعیت، ۸۹۱۳ دستگاه برآورد شد و این، بالاترین نسبت در قاره آسیا بود. اما در این کشور نیز همه واکنش‌هایی که نسبت به برنامه‌های تلویزیونی بیگانه وجود داشت، مثبت نبود. برای مثال، شیمون پرز، وزیر خارجه اسرائیل در جایی گفت: «برنامه‌های ابلهانه‌ای که به زبان‌های خارجی به ما می‌رسد، به اندازه حمله به مرزهایمان خطرناک است».^{۱۵} یکی از کشورهای دیگری که دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای را مجاز دانست کشور سنگاپور بود. این کشور کوچک با ۲ میلیون و ۷۲۳ هزار جمعیت، پس از ژاپن بالاترین نسبت گیرنده تلویزیون به یک‌صد هزار نفر را داشت (۳۷۸۰۰ دستگاه برای هر ۱۰۰ هزار نفر) و در واقع تمامی منازل این کشور نیز به تلویزیون دسترسی داشتند. در آن زمان، عقیده وزیر اطلاعات سنگاپور درباره ماهواره، انگیزه این استقبال را روشن می‌کرد. او گفته بود: «اگر نمی‌توانی با پدیده‌ای (ماهواره) مقابله کنی، با آن کنار بیا».^{۱۶}

از کشورهای دیگر گروه اول، کشور کویت را می‌توان نام برد که تعداد گیرنده‌های آن بالا و در حد کلیه منازل کشور بود. دولت کویت نه تنها استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای را مجاز می‌دانست، بلکه از طریق نظام بانکی، از سال ۱۹۹۲، امکان خرید اقساطی آنها را نیز فراهم آورده بود.^{۱۷} هنگ‌کنگ نیز که محل استقرار فرستنده زمینی شبکه STAR بود، استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای را کاملاً مجاز می‌دانست به طوری که در همان سال اول، از یک میلیون و ۶۰۰ هزار خانه، ۳۵۰ هزار خانه صاحب آنتن‌های ماهواره‌ای شدند.

گروه دوم:

همان طور که گفته شد، گروه دوم، کشورهایمانند پاکستان بودند که برای نصب آنتن مانعی ایجاد نکردند اما هم مالیات و عوارض در نظر گرفتند و هم به اقدامات رقابتی دست زدند.

از سال ۱۹۹۳، یک کانال تلویزیونی
فصومی در پاکستان گشایش یافت که
هر شب ۴ ساعت از برنامه‌های خود را به
راه کنترل شده شبکه ماهواره‌ای امریکایی
CNN اختصاص می‌داد. این کانال
تلویزیونی، ضمن بازبینی و گزینش
برنامه‌های ضبط شده از ماهواره نسبت به
پخش مجدد آن اقدام می‌کرد و طبق
قرارداد با شبکه CNN در قبال این
عمل مبالغی را به شبکه مذکور می‌پرداخت.

پاکستان از کشورهایمانند بود که با وضع قانون دریافت مالیات و عوارض سالانه از صاحبان آنتن‌های ماهواره‌ای و در نتیجه کسب آمارها و اطلاعات صحیح و دقیق از نحوه گسترش آن در کشور، از محل درآمد ثابت و مستمر ناشی از مالیات مذکور، با یک اقدام ابتکاری توانست کانال‌های داخلی خود را توسعه دهد و به رقابتی جدی و تنگاتنگ - از طریق همان شبکه - با برنامه‌های بیگانه بپردازد. به موجب قانون، هر واحدی که می‌خواست بشقاب آنتن ماهواره‌ای نصب کند باید ۱۲۵۰۰ روپیه (۴۶۰ دلار) به عنوان مالیات و هر سال، ۸۰۰ روپیه (۳۰ دلار) به عنوان عوارض می‌پرداخت. سازمان مجری این قانون تلویزیون پاکستان

(PTV) بود.^{۱۸} گزارش‌های مربوط به ۱۹۹۳ نشان می‌داد تعداد آنتن‌ها به ۶۱ هزار رسید که نماینده ۵۰ دستگاه برای هر یک صد هزار نفر جمعیت پاکستان بود.^{۱۹}

دولت پاکستان سواً وضع مالیات برای مالکان آنتن ماهواره‌ای، دست به ابتکار دیگری زد و طبق یک قرارداد ویژه با شبکه STAR یک کانال تلویزیونی را به نام PTV2 از طریق ماهواره Asia sat (مرتبط با STAR) بر فراز آسیا و از جمله کشور خود فرستاد. پاکستانی‌ها با اتخاذ این تصمیم توانستند قسمتی از عقب ماندگی‌های توسعه شبکه‌های داخلی خود را جبران کنند.

البته در این قرارداد تأکید شده بود که پاکستان باید برنامه‌ها را با فرض مخاطبان داخلی تهیه کند. اما در عمل کسی نتوانست جلوی دارندگان بشقاب ماهواره‌ای را برای دیدن کانال‌هایی به جز کانال پاکستانی PTV2 یعنی CNN و یا سایر کانال‌های STAR بگیرد. به ویژه آن که این عقیده در میان مردم وجود داشت که برنامه‌های تلویزیون رسمی پاکستان (PTV) اغلب سانسور می‌شود.^{۲۰}

دولت پاکستان از همان زمان رله کنترل شده را نیز در دستور کار سیاستگذاران رسانه‌ای کشور قرار داد به طوری که از سال ۱۹۹۳، یک کانال تلویزیون خصوصی در پاکستان گشایش یافت که هر شب ۴ ساعت از برنامه‌های خود را به رله کنترل شده شبکه ماهواره‌ای امریکایی CNN اختصاص می‌داد. این کانال تلویزیونی، ضمن بازبینی و گزینش برنامه‌های ضبط شده از ماهواره نسبت به پخش مجدد آن اقدام می‌کرد و طبق قرارداد با شبکه CNN در قبال این عمل مبالغی را به شبکه مذکور می‌پرداخت.^{۲۱} باید یادآوری کرد که بر اساس یک سنت یاقی مانده از دوران استعمار در شبه قاره هند، زبان انگلیسی، زبان اداری و تجاری پاکستان است و به همین دلیل در مدارس پاکستان به این زبان توجه خاصی می‌شود، در نتیجه می‌توان گفت که باسوادان پاکستانی با این زبان آشنایی دارند و دریافت برنامه شبکه‌های انگلیسی زبان برای این افراد و به ویژه ساکنان شهرهای بزرگ - با تحصیلات متوسط - دشواری خاصی ندارد.^{۲۲}

در دولت هند ابتدا این فکر مطرح شد که برای رقابت با ماهواره. اجازه تأسیس چند خرستنده فصوصی صادر شود. اما پرفی از دولتمردان آن کشور با مظهر بخش فصوصی در بازار پیام‌های تلویزیونی مخالفت کردند. در نتیجه تصمیم گرفته شد «شرکت ملی توسعه فیلم» که یک شرکت دولتی برای تولید فیلم بود. اقدام به تأسیس خرستنده‌های تلویزیونی جدید کند.

گروه سوم:

گفتیم که گروه سوم، کشورهایی بودند که ماهواره را مجاز دانستند، اما به جستجو و اجرای طرح‌های رقابتی نیز دست زدند. هند از نمونه‌های گروه سوم بود. وقتی شبکه STAR گشایش یافت، ۲۶ سال از تأسیس تلویزیون در آن کشور می‌گذشت و شبکه محلی دوردارشان (Doordarshan) توانسته بود با چند موفقیت بی‌نظیر از جمله تولید و پخش سریال رامایانا^{۲۳} جایگاهی مستحکم در میان جامعه هند به دست آورد. مدیران دوردارشان تحت تأثیر دو عامل، از آغاز به کار شبکه STAR احساس دغدغه‌ای نکردند. نخست آن که قیمت آنتن‌های گیرنده گران و از قدرت خرید اکثر مردم خارج بود و دوم آن که چون برنامه‌ها به زبان انگلیسی پخش می‌شد و درصد جمعیت بی‌سواد ساکن شهرهای کوچک و روستاها بسیار بالا بود پیش‌بینی می‌شد که مردم بی‌سواد و روستایی هند از آن چیزی نفهمند و بنابراین فرستنده زبان بومی را رها نکنند. اما به زودی این

پیش‌بینی‌ها نادرست از آب در آمد. زیرا از یک سو شبکه STAR، کانال Zee را به زبان هندی به راه انداخت و از سوی دیگر، بازار عرضه و تقاضا، راه‌حل‌های کاهش قیمت و افزایش مصرف را کشف کرد. در هند دستگاه‌هایی ساخته شد که به وسیله آن ۴۰۰ گیرنده فقط با یک آنتن ماهواره‌ای و نصب آن در یک مجتمع مسکونی، می‌توانستند برنامه‌ها را دریافت کنند. به ویژه آنکه معلوم شد تماشاگران هندی شبکه STAR از طبقه‌ای هستند که بیش از ۴ هزار روپیه (حدود ۱۵۰ دلار) در ماه درآمد سرانه (پنج برابر متوسط درآمد سرانه در هند) دارند.

پیش‌بینی مدیران دوردشان در مورد عدم استقبال توده‌های مردم از برنامه‌های انگلیسی درست بود و فقط ۶ درصد دارندگان بشقاب‌های ماهواره‌ای، کانال‌های انگلیسی زبان شبکه STAR را می‌دیدند، اما گزارش‌های سنجش افکار حاکی از آن بود که ۴۰ درصد از دارندگان گیرنده تلویزیون، کانال ماهواره‌ای Zee را تماشا می‌کنند. همین امر سبب شد که بسیاری از آگهی‌دهندگان، پخش آگهی‌های تجاری خود را از کانال دوردشان به کانال Zee ماهواره منتقل کنند.

گزارش‌های سال ۱۹۹۳ حاکی از وجود ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار آنتن ماهواره‌ای در آن کشور بود و می‌شد تعداد بینندگان شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای را حدود ۵۰ میلیون نفر یعنی برای هر یک صد هزار جمعیت، ۳۸۷ بشقاب آنتن ماهواره‌ای تخمین زد.^{۲۴}

در دولت هند ابتدا این فکر مطرح شد که برای رقابت با ماهواره، اجازه تأسیس چند فرستنده خصوصی صادر شود، اما برخی از دولتمردان آن کشور با حضور بخش خصوصی در بازار پیام‌های تلویزیونی مخالفت کردند. در نتیجه تصمیم گرفته شد «شرکت ملی توسعه فیلم» که یک شرکت دولتی برای تولید فیلم بود، اقدام به تأسیس فرستنده‌های تلویزیونی جدید کند. فرستنده‌هایی که مجاز به پخش اخبار و وقایع روز نبوده و صرفاً برنامه‌های سرگرم‌کننده پخش کنند. شرکت مذکور در همان آغاز راه، قیمت بسیار خوبی برای خرید برنامه‌های تلویزیونی در نظر گرفت و بخش خصوصی را برای تولید برنامه و فروش آن به شرکت تشویق کرد. گزارش‌های سال ۱۹۹۴ حاکی از استقبال بسیار زیاد بخش خصوصی در این زمینه بود.^{۲۵}

در آن زمان، نگرش جامعه هند درباره محتوای برنامه‌های شبکه STAR متفاوت بود. برخی از هندی‌ها آن را عامل افزایش فساد و برخی دیگر وسیله‌ای برای افزایش اطلاعات و آگاهی می‌دانستند.

در میان اظهارنظرهای بینندگان، گفته یکی از روزنامه‌نگاران هندی قابل توجه بود: «وقتی کانال B.B.C نتایج انتخابات امریکا را اعلام می‌کرد، تلویزیون دورداشان هند، از پیش‌بینی‌های قبل از انتخابات صحبت می‌کرد».^{۲۶}

اندونزی نیز از دیگر کشورهایی بود که می‌شد آن را در گروه سوم جای داد. در آنجا نیز نصب آنتن‌های ماهواره‌ای مجاز اعلام شد و در نتیجه در ۱۹۹۳ برای هر یک صد هزار نفر، ۲۰ گیرنده

ماهواره‌ای نصب شده بود.^{۲۷} مقامات اندونزی سیاست تدوین شده‌ای را در پیش گرفتند. اولاً علت مجاز دانستن دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای را اتخاذ سیاستی دانستند که آن را سیاست آسمان باز نامیدند و ثانیاً با پذیرش احتمال اثرات تخریبی بر فرهنگ بومی، راه‌حلهایی را برای کاهش چنین اثراتی ارائه دادند. در این مورد یکی از مقامات مسئول اندونزی گفت: «ما از اثرات تخریبی برخی از برنامه‌های ماهواره‌ای بر فرهنگ خودمان آگاهی داریم و به این راه‌حل رسیده‌ایم که اولاً برنامه‌های تلویزیونی محلی را جذاب کنیم و ثانیاً از طریق آموزش و پرورش، به بچه‌های مدارس آموزش دهیم که کدام طرف را انتخاب کنند. در مورد

طبق فرمان شماره ۱۱۸ شورای وزیران
عربستان سعودی، استفاده از آنتن‌های
ماهواره‌ای در آن کشور ممنوع شد. در
اطلاعیه‌های صادره از سوی دولت تأکید
شده بود که در ازای این ممنوعیت،
برنامه‌های تلویزیونی مناسب با آداب و
سنن اجتماعی، ملی و مذهبی این کشور از
طریق یک شبکه کابلی در سراسر کشور
پخش خواهد شد.

تلویزیون محلی، ضمن جذاب کردن برنامه‌های موجود، ایجاد فرستنده‌های خصوصی و همچنین ایجاد تلویزیون‌های کابلی را دنبال خواهیم کرد. البته ضمن افزایش میزان جذابیت برنامه‌ها - چه در فرستنده‌های دولتی موجود و چه در فرستنده‌های خصوصی در حال تأسیس، کنترل خواهیم کرد که برنامه‌های تولیدی با فرهنگ بومی منطبق باشد».^{۲۸}

کشور کره جنوبی از نمونه‌های دیگر گروه سوم بود که چنان که پیش از این گفته شد، ده سال قبل از تأسیس شبکه STAR، با هجوم امواج تلویزیونی ماهواره‌ای NHK ژاپن مواجه شده بود. در آن زمان، دوره ۸ ساله آزادی را به دنبال دوره ۵ ساله ممانعت سپری می‌کرد در حالی که تعداد گیرنده‌های ماهواره‌ای آن برای هر ۱۰۰ هزار نفر فقط به ۴۳ دستگاه رسیده بود.

گروه چهارم:

گفتیم که گروه چهارم را کشورهایی تشکیل می‌دادند که در عین وضع ممنوعیت قانونی به جستجوی راه‌حل‌های رقابتی نیز دست زده بودند.

دولت عربستان سعودی از نمونه‌های جالبی بود که با برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای ابتدا با شیفتگی و پس از مدتی با سر در گمی برخورد کرد و سرانجام به ترکیبی از مقابله و رقابت پرداخت. همان گونه که قبلاً گفته شد، وقوع جنگ خلیج فارس سبب نصب آنتن‌های قوی ماهواره‌ای در هتل‌ها و منازل اشراف آن کشور شد و متعاقب آن ورود آنتن‌های ارزان قیمت به عربستان سعودی نیز آغاز شد، به طوری که ظرف چند ماه، قیمت این آنتن‌ها از ۲۵ هزار ریال به ۴ هزار ریال کاهش یافت.

در آن زمان، عربستان سعودی با ۱۴ میلیون و ۱۳۴ هزار جمعیت، ۳۷/۶ درصد بی‌سواد، درآمد سرانه ۴۱۰۰ دلار و وجود کنترل شدید بر رسانه‌ها از سوی دولت، شرایط مناسبی برای توسعه آنتن‌های ماهواره‌ای داشت. به طوری که گزارش‌ها حاکی از افزایش ماهانه ۲۰ هزار آنتن در کشور بود.^{۲۹}

قائم‌مقام شبکه ماهواره‌ای MBC به هنگام بازدید از شهر جدّه، نوشت: «با نگاهی به ساختمان‌های شهر جدّه مشخص می‌شود تا آنجا که چشم کار می‌کند، آنتن‌های بشقابی ماهواره وجود دارد.»^{۳۰}

دولت عربستان سعودی پس از سه سال که از حضور بدون مانع آنتن‌های ماهواره‌ای می‌گذشت، با اعتراضات مختلفی از سوی مقامات مذهبی و برخی مقامات دولتی مواجه شد. آن چنان که مفتی اعظم آن کشور آنتن‌ها را عامل پلیدی دانست و گفت: «آنتن‌های بشقابی با اصول اسلام مغایرت دارد و هر نوع پلیدی و مفسده‌ای را به بار می‌آورد». پس از آن نیز روزنامه «المسلمون» سلسله گزارش‌هایی را با عنوان «مهاجمان از پشت‌بام‌ها می‌آیند» به چاپ رساند که حاوی پیامدهای منفی این گونه برنامه‌ها از زبان متخصصان بود.^{۳۱}

سرانجام روز ۷ مارچ ۱۹۹۴، طبق فرمان شماره ۱۲۸ شورای وزیران عربستان سعودی، استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای در آن کشور ممنوع شد. در اطلاعیه‌های صادره از سوی دولت تأکید شده بود که در ازای این ممنوعیت، برنامه‌های تلویزیونی مناسب با آداب و سنن اجتماعی، ملی و مذهبی این کشور از طریق یک شبکه کابلی در سراسر کشور پخش خواهد شد.^{۳۲}

تصمیم دولت عربستان مصادف با تأسیس دومین شبکه ماهواره‌ای آسیا (شبکه اوربیت) بود که پنج کانال آن ۲۴ ساعته به زبان عربی برنامه پخش می‌کرد و از این میان دو کانال به تولیدات تلویزیونی مصر که با فرهنگ عربستان نیز نزدیکی داشت اختصاص یافته بود.

اصولاً سال‌هاست که مصر یکی از صادرکنندگان فیلم و برنامه‌های تلویزیونی به کشورهای عربی محسوب می‌شود و استودیوهای تولید فیلم و برنامه‌های آن نقش هالیوود را برای جامعه عرب ایفا می‌کند.^{۳۳} به همین دلیل هنگامی که کانال تلویزیونی ESC مصر به ماهواره Orbit منتقل شد، توانست فقط ظرف دو ماه حدود ۴ میلیون دلار آگهی دریافت کند.^{۳۴} بدیهی است ورود چنین مقادیری به یک کانال تلویزیونی سرمایه‌گذاری تولیدات را افزایش می‌دهد و افزایش تولیدات، آگهی را. به این ترتیب حلقه‌ای بوجود می‌آید که سال به سال بر قدرت و توسعه یک شبکه می‌افزاید.

ژاپن بهترین نمونه از گروه
کشورهایی است که با پشتوانه
امکانات علمی نرم‌افزاری و
سفت‌افزاری خود موفقیت‌های
قانونی ایجاد کرده‌اند.

نوعی از تلویزیون آنتن جماعتی (CATV) وجود دارد که دقیقاً دارای کارکرد تلویزیون کابلی به جای استفاده از کابل، از انتقال نقطه به نقطه تصاویر و صدا از طریق ماکروویو استفاده می‌کند. (این همان شیوه‌ای بود که از طریق آن تلویزیون ایران برنامه‌های خود را از تهران به شهرهای مختلف می‌فرستاد، آنتن‌های رله در ارتفاعات مجاور جاده‌ها نصب می‌شد و برنامه‌ها را به صورت نقطه به نقطه به شهرهای دیگر منتقل می‌کرد.)

دولت عربستان سعودی سرانجام تصمیم گرفت که سیستم شبکه تلویزیونی کابلی را تا سال ۱۹۹۵ راه‌اندازی کند. این سیستم که مخفف آن (Microwave Multichannel/ Multipoint MMDS Distribution System) است، این امکان را فراهم می‌آورد. که برنامه‌های تلویزیونی به یک فرستنده تلویزیونی در ریاض، ارسال شود تا مردم با خرید آنتن‌های مخصوصی که دارای رمزگشا (Decoder) است این برنامه‌ها را دریافت کنند. دارنده هر آنتن باید حق اشتراک مناسبی را نیز بپردازد.

قرار بود که شبکه MMDS عربستان در وهله اول کار خود را با ۲۴ کانال تلویزیونی آغاز کند. مرکز ریاض این برنامه‌ها را از شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای به ویژه پنج کانال عربی زبان شبکه Orbit دریافت کرده و پس از گزینش، ویرایش و اصلاح لازم، دوباره از طریق MMDS پخش کند.^{۳۵}

استفاده از روش MMDS علاوه بر عربستان سعودی از سوی کشورهای دیگری چون بحرین، قطر، شارجه، دبی^{۳۶} و مالزی نیز دنبال شد. (در مالزی - برطبق قانون - کسانی که آنتن ماهواره نصب می‌کردند به پرداخت ۵۰ هزار دلار جریمه محکوم می‌شدند.^{۳۷}

گروه پنجم:

گفتیم که گروه پنجم را کشورهای می‌دانیم که با پشتوانه امکانات غنی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود، ممنوعیت‌های قانونی ایجاد کرده‌اند.

ژاپن بهترین نمونه از گروه پنجم است. این کشور در سطح آسیا بالاترین سطح سواد را (چه از نظر

کمی و چه کیفی) دارد و درآمد سرانه آن در بالاترین حد قرار می‌گیرد (۲۵۴۳۰ دلار)، دارنده بالاترین سهم گیرنده تلویزیون (۶۱۳ دستگاه برای هر ۱۰۰۰ نفر یا هر خانه دو دستگاه) و بالاترین سهم روزنامه در آسیا است (۵۸۷ روزنامه برای ۱۰۰۰ نفر یا هر دو نفر یک روزنامه). ژاپن از صادرکنندگان بزرگ برنامه‌های تلویزیونی به کشورهای دیگر از جمله ایران است و یکی از قوی‌ترین شبکه‌های رادیو و تلویزیونی جهان (NHK) را در اختیار دارد. نتیجه سیاست‌های ارتباطی ژاپن آن بود که بر سر سفره داخلی خود آنچه را که دوست داشتند و آنچه را که

دو سال قبل از آن که آنتن‌های ماهواره‌ای به چشم همسایه‌های منازل صامب آنتن پرسد. مجله سروش ارگان رسمی سازمان تلویزیون در ایران. و بعد این پدیده را به عنوان یکا «ویبر» اوتتاب‌ناپذیر مطرح کرده بود.

برایشان مفید بود به صورتی بسیار متنوع در اختیار داشتند. اتکا به این پشتوانه غنی و توجه به حفظ فرهنگ بومی سبب شد که استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای در آن کشور بدون هیچ‌گونه مشکلی ممنوع اعلام شود. در واقع ژاپنی‌ها در زمینه فناوری ارتباطات، تنوع نرم‌افزاری برای تولید برنامه‌ها و پر کردن اوقات فراغت مردم هیچ دغدغه‌ای نداشتند و حرکت به سوی تأمین هرچه بیشتر نیازهای مصرف‌کنندگان پیام، خط‌مشی اصلی آنان برای مواجهه با امواج تلویزیونی بیگانه بود. به موازات این وضعیت، همواره گروهی از برجسته‌ترین استادان دانشگاه و محققان علوم ارتباطات و صاحب‌نظران به سفارش تولید و توزیع‌کنندگان پیام، به تحقیق و بررسی در زمینه نیازهای مصرف‌کنندگان پیام‌های

وسایل ارتباط جمعی می‌پرداختند در واقع اندیشه، ابتکار و تحقیق سه حوزه تأمین‌کننده تصمیم‌گیری‌ها در زمینه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ژاپن بود.

در آن زمان، گزارش‌ها حاکی از آن بود که علی‌رغم توانمندی تلویزیون در مقابل رادیو همکاری محققان با کارشناسان ورزیده و برنامه‌سازان رادیویی و همچنین استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری‌های رادیویی سبب شده است که حتی رادیوی ژاپن نیز در کنار تلویزیون آن دارای مخاطبان بسیاری باشد.^{۳۸}

گروه ششم:

گروه ششم کشورهای بودند که در آن زمان با وجود آن که ۴ سال از حضور شبکه STAR برفراز کشورشان می‌گذشت هنوز تصمیم رسمی و قانونی‌ای در مورد آنتن‌های ماهواره‌ای نگرفته بودند و اقدامات اساسی لازم برای رقابت را نیز به عمل نیاورده بودند. حدس می‌زدیم که بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه را بتوان در این گروه قرار داد. در آن زمان، خروج از سلطه ایدئولوژی سوسیالیستی، شیفتگی نسبت به نظام سرمایه‌داری غرب را به دنبال آورده بود و در این راستا، الگوی تلویزیون آرمانی نیز از این رویکرد مستثنی نبود به عبارت دیگر، الگوی آرمانی آنان همان چیزی بود که در محتوای برنامه‌های اکثر شبکه‌های ماهواره‌ای دیده می‌شد.

اما در کنار این شیفتگی، در اوایل ورود ماهواره به آسیا، اوضاع اقتصادی این کشورها و فقر عمومی حاکم بر آنها، دسترسی بسیاری از مردم را به ابزارهای دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای دشوار کرده بود. ضمن آن که دولت‌های کشورهای مذکور نیز توانایی چندانی برای سرمایه‌گذاری بر روی طرح‌های رقابتی با ماهواره نداشتند.

تک کشور گروه هفتم:

آنتن‌های بشقابی از اوایل سال ۱۳۷۱ بر فراز بام‌های منازل ایران، دیده شد. آبان ۱۳۶۹، مجله سروش در مقاله‌ای اعلام کرد: «ماهواره‌ها دارند می‌آیند چه بخواهیم، چه نخواهیم.» به این ترتیب دو سال قبل از آن که آنتن‌های ماهواره‌ای به چشم همسایه‌های منازل صاحب آنتن برسد، مجله سروش ارگان رسمی سازمان تلویزیون در ایران، وجود این پدیده را به عنوان یک «جبر» اجتناب‌ناپذیر مطرح کرده بود.

گزارش‌های حاکی از آن بود که خانواده‌های مرفه نقاط مرزی کشور، نخستین استفاده‌کنندگان این برنامه‌ها بودند. آنها با سهولت بیشتری به آنتن و دستگاه‌های مورد نیاز دست یافتند. اسفند ۱۳۷۱، گزارش شد که در ارومیه کانال‌های شبکه STAR، همراه با چند کانال دیگر قابل دریافت است. اما دارندگان آنتن‌های ماهواره‌ای در نقاط مرزی شمال غربی کشور به دلیل زبان مشترک، بیشتر تماشاگر کانال تلویزیونی ترکیه بودند. از این کانال فیلم‌های سینمایی، سریال‌های آمریکایی، کارتون، برنامه‌های ورزشی، تبلیغات و انواع موسیقی پخش می‌شد به زودی نوارهای ویدیویی ضبط شده از برنامه‌های شبکه STAR وارد شبکه توزیع غیرقانونی نوار در کشور شد که پیشینه‌ای ۱۳ ساله داشت و متعاقب آن آنتن‌های بشقابی که برفراز بام منازل مناطق شمال و شمال غرب تهران به گونه‌ای چشمگیر دیده می‌شد، به مناطق متوسط‌نشین شهر نیز رسید.

مطالعه‌ای که در همان سال ۱۹۹۳ انجام دادیم نشان می‌داد اکثریت اولین گروهی که در ایران به ماهواره روی آوردند زیر شافه‌ای از طبقه مرفه بودند. به طور کلی مصاحبه‌های اعضای که با تعدادی از آنان انجام شد نشان داد عده‌ای از آنان حتی قبل از گشایش شبکه STAR از پنین تلهویزاتی استفاده می‌کردند.

گزارش‌های اولیه حاکی از ساخت آنتن بشقابی در کشور و مونتاژ گیرنده LMD آن در کارگاه‌های صنعتی تهران و برخی از شهرها بود. وزارت صنایع به هشت شرکت اجازه تولید چنین آنتن‌هایی را داده بود، مشروط به آن که تولیدات خود را به خارج صادر کنند. اما مدیرعامل یکی از این شرکت‌ها درباره رقبای خود در داخل گفته بود که اکنون افرادی چون سازندگان کانال کولر، فروشندگان آلومینیوم، آهنگری‌ها و یا کسانی که تا حدی با لوازم برقی و الکتریکی آشنایی دارند به ساخت آنتن ماهواره‌ای مشغولند.^{۳۹}

به این ترتیب آنتن‌های وارداتی، همراه با آنتن‌های دست‌ساز داخلی وارد بازار شد که در آن زمان به قیمتی حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار ریال (به نرخ آن روز حدود ۵۰۰ دلار) خریداری می‌شد. من در آن گزارش نوشتم که از تعداد آنتن‌های نصب شده در ایران هیچ آمار رسمی‌ای در دست نیست اما رشد فزاینده آن طی سال ۱۳۷۳ به خوبی قابل مشاهده است شرایط سال‌های اولیه ورود ویدیو به کشور شکل گرفته است.

در آن شرایط، مطبوعات به مراتب بیش از رادیو و تلویزیون دربارهٔ پدیده جدید صحبت می‌کردند و مجموع همان مباحث یکی از عوامل تحریک کنجکاوی مردم برای دیدن برنامه‌های ماهواره می‌شد و به این ترتیب ماجرای ورود رادیو، تلویزیون و ویدیو به ایران تکرار شد و آنانی که نسبت به نصب این دستگاه اقدام کرده بودند اکثر شب‌ها، میزبان دوستان و اقوامی بودند که برای دیدن ماهواره به خانه آنها دعوت می‌شدند و اغلب به تماشای کانال‌های شبکه STAR، تنها شبکه‌ای که با آنتن‌های ۵۰۰ دلاری موجود در ایران دیده می‌شد، می‌نشستند. این در شرایطی بود که مدت‌ها قبل (۷۱/۱۰/۱۲) مجله سروش در تیترو روی جلد خود اعلام کرده بود «۱۲۹ کانال ماهواره‌ای برفراز ایران».

در اوایل سال ۱۳۷۳ نخستین واکنش به ظاهر رسمی دولت از سوی وزیر کشور ابراز شد که با قاطعیت اعلام کرد: «کلیه آنتن‌های ماهواره‌ای ظرف دو ماه آینده جمع‌آوری و از نصب آنها جلوگیری خواهد شد». او تأکید کرد که این موضوع پس از تصویب هیأت دولت به وزارت کشور محول شده است و نیروی انتظامی موظف به برخورد قاطعانه با این پدیده است. «اما متعاقب آن در مصاحبه با روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز گفت: «مسئله آنتن‌های ماهواره‌ای در دستور کار دولت قرار دارد و ظرف یک ماه آینده در مورد آن تصمیم‌گیری خواهد شد.» وی همچنین اضافه کرد که «مسئله استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای غیرقانونی نیست اما برای استفاده از آن باید مجوز داشت» در همین فاصله نیروهای انتظامی آنتن‌های چند مجتمع مسکونی را در برخی مناطق شمال غربی تهران جمع‌آوری کردند اما این بار نیز در اول شهریور ماه ۷۳ وزیر کشور در جمع فرماندهان نیروهای انتظامی گفت: «ما نمی‌توانیم بدون وجود قانون نسبت به جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره‌ای اقدام کنیم چرا که لایحه تنظیم شده در این خصوص هنوز در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسیده است».

به این ترتیب نخستین مقطع در بررسی تحولات مربوط به دریافت خانگی برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در ایران با پنج خصیصه نمود یافت: (۱) ورود آنتن‌ها به کشور و متعاقباً تولید قسمتی از آنها در ایران (۲) نصب و به کارگیری آنتن‌ها از سوی طبقاتی از جامعه که یکی از خصایص مشترک آنها رفاه مادی بود (۳) طرح مقوله «تهاجم فرهنگی» و صحبت از ماهواره به عنوان مصداق بارز این تهاجم و شکل‌گیری مباحث پراکنده تا مباحث دانشگاهی برای یافتن راه‌های مقابله با آن (۴) سکوت و در مواردی اظهارات ضد و نقیض از سوی برخی دولتمردان (۵) اظهارات محکم و بی‌تردید اکثر آیات عظام در مورد طرد و نهی برنامه‌های

تلویزیونی ماهواره‌ای. ترکیب این خصایص، پدیده‌ای را به وجود آورده بود که من آن را سردرگمی نامیدم و البته توضیح دادم که سردرگمی مذکور خاص ایران نیست و برای مثال از کتاب رسانه‌ها در بریتانیا، اثر یک ارتباط‌شناس انگلیسی به نام Ralph Nerin نقل کردم که نوشته بود: «خطری در شرف وقوع است؛ در گذشته برنامه‌های خبری تلویزیون‌های خارجی درباره رویدادهای بریتانیا، دولت را چندان دچار مشکل نمی‌کرد، زیرا عموم مردم بریتانیا این برنامه‌ها را به طور مستقیم دریافت نمی‌کردند. اما با پیدایش پخش ماهواره‌ای، دیگر وضع چنین نخواهد بود. هم‌اکنون شبکه خبری CNN در بریتانیا در دسترس است. پوشش خبری خارجی که به طور مستقیم به بریتانیا فرستاده می‌شود، ممکن است مشکلات خاصی به وجود آورد. یک خبر حساس که در آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد، ممکن است برای دولت بریتانیا موجب مسئله حادی شود. زیرا شبکه فرستنده این خبر که یک شبکه آمریکایی است، فارغ از محدودیت‌های رسانه‌های داخلی بریتانیاست. در چنین شرایطی، دولت بریتانیا محتوای خبری این رسانه‌ها را چگونه کنترل خواهد کرد؟^{۴۰}

موانع مربوط به رقابت گروه هفتم با ماهواره

به نظر من، کشور ما در میان کشورهای آسیایی، در هیچ یک از گروه‌های شش‌گانه قرار نمی‌گیرد و خود به تنهایی گروه هفتمی را تشکیل می‌دهد. دلایل این امر به شرح زیر است:

۱- اگرچه از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴، تصمیم رسمی و قانونی‌ای در مورد آنتن‌های ماهواره‌ای اتخاذ نشد و از این نظر می‌شد ایران را در گروه ششم جای داد، همان‌گونه که در توصیف گروه مذکور گفتیم در اکثر کشورهای گروه ششم، الگوی آرمانی همان تلویزیون نظام‌های لیبرال سرمایه‌داری غربی - به ویژه مسئله تأکید بر اصالت فرد - است در حالی که نظام آرمانی ایران را نمی‌توان با چنین الگویی دید. در تحقیقی که ۵ سال قبل از گشایش شبکه STAR در ایران انجام گرفت، مشخص شد که تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه‌های جهانی با کمترین سهم برنامه‌های سرگرم‌کننده و بیشترین سهم برنامه‌های مذهبی، یکی از تلویزیون‌هایی است که سهم برنامه‌های آگاه‌کننده (خبری) آن در مقایسه با بسیاری از کشورها در بالاترین حد قرار دارد (نگاه کنید به تحقیقی که گزارش آن را در سال ۱۳۶۸ با عنوان نگاهی به جریان بین‌المللی برنامه‌های تلویزیونی در کتاب طنین، از انتشارات سروش به چاپ رسانده‌ام).^{۴۱}

۲- در آغاز دهه ۱۹۹۰، هنوز تفاوت طبقاتی در کشورهای بلوک شرق سابق - گروه ششم ما - هنوز نمود چندانی نداشت و قدرت خرید مردم به طور عام پایین بود. در حالی که در ایران، پس از خاتمه جنگ و در شرایط روی آوردی به نوعی اقتصاد باز (با حضور پدیده رانت خواری) اقلیتی بسیار مرفه نمو یافت که در کنار طبقه متوسط که خود نیز از چند زیر طبقه تشکیل شده بود، به وضوح و در ملاء عام به نمایش ظواهر ثروت می پرداخت و این در شرایطی بود که خانواده‌های بسیاری در هاله‌ای از فقر سنگین به سر می بردند. [مطالعه‌ای که در همان سال ۱۹۹۳ انجام دادیم نشان می داد اکثریتِ اولین گروهی که در ایران به ماهواره روی آوردند زیر شاخه‌ای از همان طبقه مرفه بودند. به طور کلی مصاحبه‌های عمقی که با تعدادی از آنان انجام شد نشان داد عده‌ای از آنان حتی قبل از گشایش شبکه STAR از چنین تجهیزاتی استفاده می کردند].^{۴۲}

۳- تحقیقات نشان می داد که تا آن تاریخ، محتوای برنامه‌های تلویزیونی ایران، هفت مقطع را طی کرده بود که پنج مقطع آن مربوط به پیش از انقلاب و دو مقطع دیگر آن مربوط به پس از انقلاب بود چنان که به وضوح دیده می شد انقلاب اسلامی به عنوان مرزی مشخص، محتوای دو مقطع قبلی را متفاوت از پنج مقطع بعدی کرده بود. در آن گزارش آمده بود که ۴۵ درصد جمعیت امروز ایران را کسانی تشکیل می دهند که هرگز مقاطع قبلی را لمس نکرده‌اند و پس از انقلاب اسلامی متولد شده‌اند. اما از سوی دیگر ۲۳ درصد جمعیت ایران که به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی ۲۰ سال و یا بیشتر داشته‌اند محتوای تلویزیون مقاطع قبلی را در حافظه خود دارند^{۴۳} و عده‌ای از آنها از محتوای تلویزیون فعلی راضی نیستند.

آمارها نشان داد که در میان بینندگان تلویزیون، افراد مسن بیشتر از افراد جوان از برنامه‌ها رضایت دارند اما از سوی دیگر، افراد جوان تر بیش از افراد مسن بیننده تلویزیون هستند.^{۴۴} مفهوم این آمارها این است که افراد راضی کمتر تلویزیون نگاه می کنند و افراد ناراضی بیشتر.

۴- حتی ۴۵ درصدی که مقاطع قبل از انقلاب اسلامی را تجربه نکرده‌اند، گرایش بیشتری به تماشای برنامه‌های سرگرم کننده تلویزیون دارند. در آخرین مقطع، میزان بینندگان برنامه‌های سرگرم کننده مانند سریال‌هایی چون «آئینه عبرت»، «جنگجویان کوهستان»، «چراغ خانه»، «ارتش سری» و از این قبیل در مواردی نزدیک به ۶ برابر برنامه‌های خبر و ۲۰ برابر برنامه‌های مذهبی بود. تمایل بالا به دریافت برنامه‌های سرگرم کننده تلویزیونی در شرایطی دیده می شد که تا چند سال قبل از آن، تلویزیون

جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای جهان، کمترین سهم برنامه‌های سرگرم کننده را دارا بود^{۴۵} و شاید توسعه زیر زمینی ویدیو در دهه ۱۹۸۰ در ایران یکی از نتایج همین وضعیت بود که سبب شد میانگین مدت تماشای روزانه تلویزیون در ایران از ۱۶۵ دقیقه در سال ۱۳۶۶ به ۱۲۷ دقیقه در سال ۱۳۷۱ کاهش یابد.

۵- ارزیابی من در ۱۹۹۳ این بود که محتوای برنامه‌های تلویزیونی مقاطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با تمامی تلویزیون‌های دیگر جهان متفاوت است. در آن گزارش نوشتیم: در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران انواع موسیقی از موسیقی سنتی تا موسیقی کلاسیک (موزیک متن برخی از فیلم‌ها و سریال‌ها، اغلب به سبک موسیقی کلاسیک است) و موسیقی تند غربی (موزیک متن ۵۲/۴ درصد آگهی‌های تبلیغات بازرگانی تلویزیون جمهوری اسلامی ایران موسیقی تند غربی است) پخش می‌شود، اما آلات موسیقی و چهره نوازندگان نشان داده نمی‌شود. در حالی که در سالن‌های عمومی (مانند تالار وحدت، فرهنگساری بهمن، تالار میدان آزادی و ...) اعضای ارکستر روی سن حضور دارند و به دلیل بالا بودن قیمت بلیط این کنسرت‌ها سهمی از تماشاگران آنان، فقط بخشی از طبقات مرفه هستند. این تضاد هنگامی آشکارتر می‌شود که می‌بینیم به هنگام گشایش دوره جدید مجلس شورای اسلامی [تصور می‌کنم که مقصودم گشایش مجلس چهارم بود]، اعضای ارکستر سمفونیک تهران در حضور نمایندگان مجلس با آلات موسیقی، سرود ملی کشور را نواختند. از تفاوت‌های محتوایی دیگر، تفاوت تعریف سکس در سیمای جمهوری اسلامی ایران و سایر تلویزیون‌های جهان است.

تعریف خاص سیمای جمهوری اسلامی ایران از برنامه‌ها که مبتنی بر رعایت احکام شریعت اسلام است علاوه بر ایجاد این تفاوت، سبب می‌شود در فیلم‌های سینمایی خارجی نیز در مواردی که هنرپیشه زن پوشش مناسبی ندارد صحنه‌هایی از فیلم حذف شده و یا صحنه‌های ثابتی از تصاویر قبلی نمایش داده شود در حالی که در سایر تلویزیون‌های کشورهای اسلامی، چنین محدودیتی تا این حد رعایت نمی‌شود.

ضمن آن که درجه محدودیت مذکور عملاً در فیلم‌های سینمایی خارجی که در سینماهای ایران نمایش می‌دهند کمتر است. از سوی دیگر، در برنامه‌های تلویزیونی تصویر فرهنگ عادی حاکم بر خانواده با واقعیت تفاوت دارد. در خانه، زن در مقابل شوهر و فرزندان و یا دختران در مقابل پدر و برادرانش، بدون حجاب است در حالی که در تلویزیون به ناچار چنین نیست.

در آن گزارش تحقیقی، کوشیدم ثابت کنم که قدرت رقابت تلویزیون ما با تلویزیون‌های ماهواره‌ای - به طور ذاتی کمتر از دیگر کشورهای آسیایی است.

بسیاری از این محدودیت‌ها سبب شده است تولیدکنندگان برنامه‌ها، برای افزایش بار سرگرم‌کنندگی به اقداماتی دست زنند که قدرت تلویزیون را کاهش می‌دهد. در بسیاری از موارد، اگر تصویر تلویزیون را سیاه کنیم و فقط صدا را بشنویم، تقریباً همان مقدار پیام دریافت می‌کنیم که در صورت وجود تصویر دریافت می‌کردیم.

باید توجه داشت که پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تفاوت‌های مهمی در میان برنامه‌های تلویزیونی کشورهای سرمایه‌داری غربی و کشورهای سوسیالیستی وجود داشت. اما وجود این تعاریف،

خداش‌ای به عملکرد عناصر اصلی تشکیل دهنده برنامه‌های تلویزیونی (یعنی صدا؛ کلام، موسیقی، تصویر، نوشته و حرکت) ایجاد نمی‌کرد. در حالی که تعاریف سیمای جمهوری اسلامی ایران بر سه عنصر از عناصر شش‌گانه تلویزیون یعنی موسیقی، تصویر و حرکت اثر گذارده است و سهم عناصر دیگر را نیز گاهی به طور ناخواسته و زمانی شاید خواسته، کمتر از خصیصه تلویزیونی کرده است. برای مثال، راه‌حل‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

برای مضمون مؤثر در بازار پر رقابت
پیام. قبل از هر چیز باید تعریفی
درست، مبتنی بر فصایح ذاتی
تلویزیون داشته باشیم.

و استفاده از تلویزیون به شکل رادیو به تدریج تبدیل به یک هنجار رسانه‌ای شد که آثار آن هنوز [یعنی در ۱۹۹۳] هم مشاهده می‌شود.

این وضعیت در شرایطی است که تمامی کشورهای آسیایی برای تصمیم‌گیری در مورد نحوه برخورد با ماهواره، «رقابت» را به عنوان جایگزین محکم در نظر گرفته‌اند. [در اینجا بود که مهم‌ترین سؤال تحقیق مذکور شکل گرفت] سؤال این است که تلویزیون ایران با تعریفی که برای خود مطرح کرده است تا چه حد می‌تواند در این رقابت موفق باشد؟ [در آن زمان کوشیدم که به این سؤال پاسخی آینده‌نگرانه بدهم. نوشتم:] به نظر می‌رسد آنچه درباره تلویزیون جمهوری اسلامی ایران گفته شد، از جمله مسائلی است که در قدرت رقابت این رسانه با ماهواره تأثیر منفی خواهد گذارد. وضعیت موجود عامل ناخرسندی بخشی از بینندگان تلویزیون در ایران است. سفره‌ای است که عده‌ای از خوردن غذاهای آن خرسند نمی‌شوند. درصد این عده را در گزارش تحقیقات مربوط به نظر مردم که از سوی سنجش افکار

صداوسیما انجام شده، می‌توان دید. «چراهایی» که از سوی مردم مطرح شده نمونه‌ای از این موارد است^{۴۷} (جمع‌بندی قسمتی از این تحقیقات که در گزارش اصلی آمده بود وجود آن عده ناراضی را بر سر این سفره نشان می‌دهد.) اگر آنها فرصتی بیابند که از غذای سفره‌های دیگر مصرف کنند، سفره ما را ترک خواهند کرد و شواهد حاکی از آن است که به تدریج دیگران را نیز به سفره خود فرا خواهند خواند.

این همان اتفاقی است که سبب شد ویدیو به خانه‌هایی راه یابد که فاقد بسیاری اثار ضروری تر بودند تمامی این برداشت‌ها بر اساس این فرض است که با شرایط ایجاد شده در دهکده جهانی دیر یا زود نخواهیم توانست جلوی پهن کردن سفره دیگران را بگیریم. بنابراین دوراندیشی حکم می‌کند تمامی مباحث را بر این فرض استوار کنیم که رقابتی جدی در پیش است و در بازار رقابت نباید به ناخرسندی مصرف‌کنندگان بی‌اعتنا بود.

در آن زمان نوشتیم: برای حضور مؤثر در بازار پر رقابت پیام، قبل از هر چیز باید تعریفی درست، مبتنی بر خصایص ذاتی تلویزیون داشته باشیم. شهید سید مرتضی آوینی در یکی از مصاحبه‌های خود در سال ۱۳۷۱، این «بی‌تعریفی» و یا «تعریف نادرست» را چنین توضیح می‌دهد:

« هنوز به یک نتیجه قطعی نرسیده‌ایم که تلویزیون در نظام اسلامی چیست؟ ماهیت آن و نسبت آن با دین و حکومت اسلامی پوشیده است مسائل که تلویزیون با آن سروکار دارد، از نظر فقهی جای بحث داشته و روشن نشده است. از مسایل کوچکی چون استفاده از موسیقی تا مسایل بزرگ هنوز که هنوز است این مسایل از ابهام خارج نشده‌اند. مخاطبان تلویزیون همه مردم ایران هستند. از اقشاری که کاملاً با معیارهای غربی زندگی می‌کنند تا جماعتی که هنوز در اصل این که تلویزیون حلال است یا حرام، شک دارند. مسایل نظری مربوط به تلویزیون هنوز حل نشده است، چون هنوز جایگاه تلویزیون در جامعه ما روشن نیست. هنوز در این کشور هستند افرادی که اعتقاد دارند نظام اسلامی بالذات و یا حتی بالعرض، نیازی به تلویزیون ندارد و چنانچه ضرورتی هم باشد. این ضرورت ثانوی است. وقتی هنوز چنین نظرهای قدرتمندی وجود دارد، چطور می‌توان نسبت خویش را با تلویزیون و ویدیو یافت و بعد قوالب خاص را برای ساختن برنامه براساس فرهنگ خودمان طرح‌ریزی کرد؟ بعد از انقلاب با رسانه تلویزیون با کمال ساده لوحی و ساده انگاری برخورد کرده‌ایم. در دنیای امروز با گسترش ارتباطات کشیدن دیوار آهنی چاره کار نیست. ترویج و تبلیغ فرهنگ اسلامی تنها از طریق ایجاد تحول درونی ممکن است و لاغیر. البته جامعه اسلامی باید چهره مناسبی هم داشته باشد. شکی نیست، اما

تحولی که ایجاد می‌شود نباید فقط در ظاهر باشد. اگر چنین باشد، اوضاع به مراتب از این که هست وخیم‌تر خواهد شد. جوانان باید خیلی هوشیارتر از این باشند که دشمن خود را فقط در چند تارمو و کراوات و بینند. مسئله اساسی چیز دیگری است. چه بسا کسانی باشند که ریش می‌تراشند، اما نماز شب هم می‌خوانند. ما باید مخاطب برنامه‌های تلویزیونی را فطرت آدمیزاد بدانیم؛ اگر این چنین کنیم، تحولی که ایجاد می‌شود یک تحول باطنی و فرهنگی است. شعار دادن در برنامه‌های تلویزیونی کسی را متحول نمی‌کند.^{۴۸}

حجت‌الاسلام هاشم‌زاده نیز (من ایشان را نمی‌شناختم و نمی‌شناسم، اما آنچه را در مصاحبه سال ۱۳۷۱ خود توصیه کردند به عنوان بخشی از راه‌حل کاملاً قبول دارم و هنوز نیز توصیه می‌کنم) در گفتگو

با مجله زن روز، درباره تضاد موجود در برنامه‌های تلویزیونی ایران گفته بود: «متأسفانه جامعه ما هم اکنون از بعد فرهنگی دچار تضاد شدیدی شده است. برای مثال، بعضی‌ها برنامه‌ای را روا و ضروری می‌دانند و آن را می‌طلبند و بعضی دیگر همان برنامه را ناروا و ناسالم می‌دانند و به شدت آن را نفی می‌کنند. علت این امر که یک معضل اجتماعی جدی برای جامعه ما به شمار می‌رود مشخص نبودن مرزهای مشروع و نامشروع، سالم و ناسالم برنامه‌هاست؛ این معضل اساسی و مشکل

گروهی از کشورهای آسیایی از جمله ایران
استفاده از ماهواره را غیرمجاز اعلام کرده‌اند اما
قدرت رقابت تلویزیون ملی را از آن
گرفته‌اند و مهم‌ترین اقدامی که برای رفع
این مشکل باید انجام داد یاختن راه‌لی برای
اخذودن فصیصه تلویزیون به تلویزیون
این کشورهاست.

اجتماعی باید از طریق بررسی‌های علمی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فقهی چاره‌جویی و حل شود. برای از بین بردن این تضاد، علما، استادان، روحانیان، بزرگان و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه باید همکاری کنند. کارشناسان امور فرهنگی و هنری به ویژه «در زمینه فیلم و موسیقی و امور مختلف هنری باید نظر کارشناسی خود را ارائه دهند. روان‌شناسان وضعیت و خواسته‌های روحی انسان، جامعه‌شناسان موقعیت کنونی جهان و نیازهای جوامع بشری و علما جنبه‌های شرعی مسئله را باید طبق نیاز روز بیان کنند تا مراجع با دیدگاه‌های کارشناسی نظر و فتوا بدهند و این مشکل را تا حدودی حل کنند.»^{۴۹}

به این ترتیب توانستم گروه هفتم را در میان کشورهای آسیا بشناسم و بشناسانم. این اطلاعات مرا به یک جمع‌بندی رساند که اکنون وقتی پس از هشت سال [هشت سال در عصر جهش‌های سخت‌افزاری ارتباطات مدت کمی نیست] آن را می‌خوانم، فکر می‌کنم باید بیش از اینها درباره‌اش فکر کرد. نوشتم: به این ترتیب می‌توان گفت که گروه هفتم آسیا، کشورهایی هستند که استفاده از ماهواره را غیرمجاز اعلام کرده‌اند اما قدرت رقابت تلویزیون محلی را از آن گرفته‌اند. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ایران در این گروه جای می‌گیرد و مهم‌ترین اقدامی که باید کرد، یافتن راه‌حلی برای افزودن خصیصه تلویزیون، به تلویزیون این کشور است.

افزایش ساعات پخش برنامه‌ها و راه‌اندازی کانال‌های جدید از شیوه‌هایی است که تا وقتی مسائل گفته شده حل نشده باشد، کارساز نخواهد بود.

این تدبیر نادرست نیز که برخی رعایت‌ها، برای توده‌های اکثریت مردم ضروری اما برای برخی اقلیت‌ها ضروری نیست، باید کنار گذاشته شود.

تأسیس تلویزیون کابلی، تأسیس سیستم MMDS و تمامی راه‌حل‌های رقابتی دیگری که در سطح آسیا انجام شده است بدون حل مسائل اساسی یاد شده یا باعث نوعی تبعیض در تأمین نیازهای طبقه اقلیت مرفه (که می‌توانند هزینه‌های این تبعیض را بدهند) و اکثریت متوسط یا فقیر خواهد شد و یا جز مصرف هزینه‌های سخت‌افزاری، کمکی به حل مشکل نخواهد کرد. اتفاقی که کم و بیش در کلپ‌های ویدیویی مؤسسه رسانه‌های تصویری رخ داده نمونه‌ای از شق دوم است. هزاران مغازه به این کار اختصاص یافته در حالی که اغلب آنها بدون مشتری هستند. [در نسخه اصلی گزارش تحقیق، پس از این مطالب، با آوردن سه ستاره، بحث «خبر» را پیش کشیدم و نوشتم:]

آنچه تاکنون گفتیم بیشتر در حوزه کارکرد سرگرم‌کنندگی تلویزیون است. کارکرد آگاه‌کنندگی آن در وضعیت بسیار خطیری قرار دارد که با افتتاح اولین کانال ماهواره‌ای به زبان فارسی و ساده شدن فناوری دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای به وضوح به صورت یک بحران مهم خود را نشان خواهد داد. برای مثال، شبکه BBC از وقتی کانالی را در شبکه STAR به خود اختصاص داده، هر هفته ۱۸ تا ۲۰ گزارش از هند تهیه و پخش می‌کند.^{۵۰}

منبع انتشار خبر برای جامعه، الزاماً تلویزیون نیست نقشی که مطبوعات به عهده دارند به همراه رادیو، مجموعه‌ای را به وجود می‌آورد که تأمین‌کننده نیازهای خبری مردم است (ارتباطات میان فردی نیز در

این مجموعه سهم دارند و اغلب کانال اصلی شایعات هستند.) شواهد به دست آمده از تحقیقات صدا و سیما حاکی از آن است که در ایران، تلویزیون در ارائه اخبار جایگاه مهمی دارد. براساس نظرسنجی سنجش افکار صدا و سیما که در سال ۱۳۷۱ انجام شده است، از دیدگاه مردم، مهم‌ترین عنوان خبری آن سال، حمله آمریکا و متحدان او به خاک عراق بود که ۹۶ درصد آن را پی‌گیری کرده بودند. منبع اصلی مردم تهران برای پی‌گیری این خبر به ترتیب تلویزیون ۶۱ درصد، رادیو ۲۵ درصد، دوستان ۷ درصد، مطبوعات ۵ درصد و سایر منابع ۲ درصد بوده است.^{۵۱}

با وجود آن که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سانسور رسمی دولتی از سیستم خبری کشور رخت بر بسته، از یک سو «دروازه‌بانی خبر»، آن هم از جانب غیرمتخصص‌ها در امر انتشار خبر، اخلال ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، «خود سانسوری» در میان روزنامه‌نگاران عامل مهمی در شکل‌گیری محصول

کار آنها شمرده می‌شود. [در ادامه گزارش به تفصیل درباره دو اصطلاح دروازه بانی و خودسانسوری توضیح داده و نوشتیم:] متأسفانه یکی از مهم‌ترین کمبودهای نیروی انسانی رسانه‌ها در ایران، کمبود روزنامه‌نگاران متخصص و تحصیلکرده در این رشته است. سپس به نتایج تحقیقی که ۴ سال قبل از آن تاریخ انجام داده بودم اشاره کردم و توضیح دادم:

فقط ۱/۶ درصد از روزنامه‌نگاران مطبوعات ایران دارای

تحصیلات دانشگاهی در رشته روزنامه‌نگاری هستند. اگر فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم اجتماعی با گرایش ارتباطات (۲/۵ درصد)، فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات فارسی (۵/۴ درصد) و فارغ‌التحصیلان زبان و ادبیات خارجی (۵/۵ درصد) را به عنوان رشته‌های مرتبط با علوم ارتباطات فرض کنیم، در می‌یابیم که ۸۴/۵ درصد از روزنامه‌نگاران مطبوعات ایران فاقد تحصیلات مرتبط با روزنامه‌نگاری هستند.^{۵۹}

در ادامه، پس از اشاره به انواع منابع خبری رسانه‌های ایران به وضعیت دروازه‌بانی خبر در خبرگزاری جمهوری اسلامی آن روزگار اشاره کردم و افزودم:

وضعیت دروازه‌بانی خبر در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که به تمام رسانه‌های کشور خبر می‌دهد به گونه‌ای است که سهمی از خبرها هرگز به رسانه‌ها نمی‌رسد و به عنوان بولتن ویژه یا محرمانه در اختیار مقالات کشور قرار می‌گیرد. برای مثال، طی یک هفته منتهی به ۷۳/۴/۱۷، تعداد ۹۳ عنوان

رسانه‌های ایران، مانند اکثر رسانه‌های کشورهای در حال توسعه، در مورد افکار فآری به شدت وابسته به فبرگزاری‌های فآری به ویژه چهار فبرگزاری قدرتمند بین‌المللی هستند.

خبری در بولتن‌های ویژه آمده است. روز ۷۳/۴/۱۲ تعداد ۱۱ خبر به صورت محرمانه و روز ۷۳/۵/۱۲ تعداد ۲۰ عنوان گزارش خبری به صورت خیلی محرمانه منتشر شده است. در حالی که می‌دانیم خبرگزاری جمهوری اسلامی از مؤسسات وابسته به وزارت اطلاعات نیست و وظیفه اصلی او تأمین نیازهای خبری رسانه‌هاست.

به هر حال در ادامه آن گزارش تحقیقی نوشتیم: در آینده با تأسیس فرستنده‌های تلویزیون ماهواره‌ای بیگانه به زبان فارسی، بخشی از این خبرهای بسیار محرمانه یا محرمانه به اطلاع مردم ایران خواهد رسید. در این صورت حتی اگر منبع خبر، داخلی باشد باز می‌تواند به افشای غرض‌ورزی‌ها بپردازد (همان کاری که رادیو ایران صبح روزهای جمعه با اخبار فارسی فرستنده‌های بیگانه انجام می‌دهد). تجربه آنچه در جریان انقلاب اسلامی در ایران گذشت تجربه بسیار مهمی است که نشان می‌دهد هرگاه مردم ببینند رسانه‌های داخلی به آنها دروغ می‌گویند و یا همه واقعیت‌ها را منعکس نمی‌کنند، به رسانه‌های خارجی روی می‌آورند.

رسانه‌های ایران، مانند اکثر رسانه‌های کشورهای در حال توسعه، در مورد اخبار خارجی به شدت وابسته به خبرگزاری‌های خارجی به ویژه چهار خبرگزاری قدرتمند بین‌المللی هستند. چهار خبرگزاری بزرگ جهان (آسوشیتد پرس، یونایتدپرس، رویتر و فرانس پرس) روزانه با مخابره ۳۵ میلیون کلمه خبر، ۹۰ درصد خبرهای خارجی جهان را تأمین می‌کنند. در واقع جهان سوم، همسایگان خود را از پشت شیشه عینک غربی می‌بیند نه از چشمان خود و باتوجه به آن که ۸۰ درصد خبرهای مربوط به کشورهای جهان سوم، درخبرگزاری‌های مذکور، اغلب «حاوی برخوردهای قوم‌گرایانه و صرفاً» در جهت ارضای بازارهای خبری تحت سلطه است^{۵۵} می‌توان آنچه را که از پشت عینک‌های مذکور می‌بیند، حدس زد.

از آن سو، طبق برخی از تحقیقات، از جمله تحقیق دکتر شعار غفاری، تصویری که رسانه‌های ایران از جمله تلویزیون، از جهان غرب ارائه می‌دهند تصویر جهانی است از هم گسیخته از تضاد، استکبار، ناآرامی اجتماعی و شکست اقتصادی.^{۵۶}

از هنگامی که شبکه STAR، به ویژه کانال BBC آن شروع به پخش برنامه کرد، برخی از مطبوعات کشور به ویژه روزنامه همشهری، با نصب آنتن‌های ماهواره‌ای و شنود دائمی برنامه‌های آن، برای اولین بار به یک منبع خبری جدید دست یافتند و چنان که ظواهر نشان می‌داد، دبیران آنها در گزینش اخبار ماهواره‌ای به گونه‌ای عمل کردند که به نظر می‌رسد در ارائه تصاویر منفی از جهان تعادلی

ایجاد شده است من همان موقع نوشتم که این فرضیه نیاز به تحقیق دارد و صرفاً یک حدس و گمان سطحی است. (می‌دانیم که در منابع آموزش روزنامه‌نگاری گفته شده است تنها مطلبی را می‌توان «خبر» نامید که حداقل دارای یکی از هفت ارزش خبری باشد (این ارزش‌ها عبارتند از: ۱) دربرگیری ۲) مجاورت ۳) بزرگی و فراوانی تعداد ۴) تازگی و زمان رویداد ۵) استثناها و شگفتی‌ها ۶) برخوردها ۷) شهرت).

در مورد اخبار داخلی تلویزیون، به نظر می‌رسد که رسانه‌های ایران، به ویژه رادیو و تلویزیون، از میان هفت ارزش خبری، به ارزش شهرت توجهی بسیار بیشتر از سایر ارزش‌های خبری دارند.

در آن گزارش تحقیقی، پس از نگاهی به وضعیت خودسانسوری در پخش‌های خبری مطبوعات، با یک نتیجه‌گیری از تفاوت زبان، کوشش کردم، وضعیت رقابت خبر را در ۱۰ سال بعد پیش‌بینی کنم. نوشتم: برخلاف برخی از کشورهای آسیایی مستعمره، مانند هند و پاکستان که زبان انگلیسی در آنها

نهادی شده است، در ایران زبان مذکور میان توده‌ها، چنین جایگاهی ندارد و اصولاً به دلیل آن که خوشبختانه ایران هرگز مستعمره غرب نبوده، این زبان از جایگاه خاصی برخوردار نیست. در نتیجه تا زمانی که کانال و یا برنامه خاصی به زبان فارسی از ماهواره پخش نشود، رقابت خبری یا ماهواره مفهومی جدی نخواهد داشت. اما اگر ده سال دیگر فناوری ماهواره به گونه‌ای باشد که نتوان جلوی ورود امواج را به منازل گرفت، حضور یک کانال فارسی با

در تلویزیون‌های غربی، از نوعی فیر استفاده می‌کنند که به آن شوی واقعیت گفته می‌شود. در واقع، نوعی حرکت از آگاه‌کنندگی به سرگرم‌کنندگی که از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی است و به تدریج جایگزین بخشی از فیرهای رسمی و فاشا می‌شود.

بخش‌های خبری متنوع، می‌تواند رقیب قدرتمندی برای سیستم خبری داخلی باشد، به ویژه با این اعتقاد که ماهواره می‌تواند سانسور را در جهان سوم بشکند. و این همان نکته‌ای است که هم‌اکنون نیز در ایران مطرح است.

در ادامه، برخی از خصلت‌های تلویزیون‌های غربی را در حوزه خبر توضیح دادم و نوشتم: تلویزیون غرب، در تلاش است تصاویری را به بیننده نشان دهد که در ذهن او انعکاس واقعیت باشد و برای دستیابی به این هدف از تمامی تکنیک‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری علوم ارتباطات مدد می‌گیرد. طول متوسط هر نما در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا فقط ۳/۵ ثانیه است، پس چشم لحظه‌ای

استراحت نمی‌کند، زیرا همواره چیزی دیدنی بر او عرضه می‌شود. در برنامه‌های خبری نیز هر موضوع را چنان عرضه می‌کنند که فهم آن آسان و تماشای آن فرحبخش باشد^{۵۸}

آنان در اخبار خود دوربین را کمتر بر روی چهره گوینده خبر متوقف می‌کنند و بیشتر به فیلم‌های خبری مرتبط و جدید می‌پردازند. اگر هم از فیلم تکراری استفاده کنند، به منظور بحث درباره تاریخچه حادثه است.»

در تلویزیون‌های غربی، از نوعی خبر استفاده می‌کنند که به آن شوی واقعیت (reality show) گفته می‌شود در واقع، نوعی حرکت از آگاه‌کنندگی به سرگرم‌کنندگی که از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی است و به تدریج جایگزین بخشی از خبرهای رسمی و خشک می‌شود.^{۵۹}

به این ترتیب، نتیجه گرفته بودم که نظام خبری ایران برای این که بتواند در آینده، در بازار پیام، رقابت کند، باید متحول شود و نوشته بودم که ایجاد تحول در این نظام به سال‌ها وقت نیاز دارد و باید از هم‌اکنون آغاز شود.

حدود سه ماه قبل از آن که قانون مربوط به منبع به کارگیری تجهیزات ماهواره‌ای در مجلس شورای اسلامی به تصویب برسد، مرکز پژوهش‌های مجلس، اصل گزارش تحقیقی را که خلاصه آن را خواندید، تحویل گرفت اما من نمی‌دانم که وقتی قانون تنظیم شد، مجلسیان از مفاد آن اطلاع داشتند یا خیر؟

در انتها لازم است از فرصت استفاده کنم و از گرامیانی که در آن سال مرا در انجام این پژوهش یاری رسانند تشکر کنم. دوستانی چون سعیدمحمدجعفری، ژاله امامی، گیتی زمانی‌زاده، نونا یوسفیان، داود نعمتی، مهری رفعتی و کتابیون زمانی‌زاده.

فهرست منابع

- 1- Downin G J. (1990): *Questioning the Media: A Critical Introduction* London: Sage.
- ۲- براد، مونی (ترجمه ۱۳۷۲): درخشش پیروزمندانه خبرهای همراه با تصویر، *پیام یونسکو*، شهر یور ۱۳۷۲، ص ۹.
- 3- Hyeon, Dew Kang & Sewon Kim (1990): *Japanese Cultural Imperialism: The Impact of Japanese Direct Broadcasting by Satellite on Korean Culture Bled*: Iamcr Conference.
- ۴- *ماخذ شماره ۳*، ص ۳.
- 5- *Statistical Yearbook* (1993): Paris: Unesco.
- ۶- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۳): *طرحی برای تحقیق: تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای STAR*، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- 7- *Media International*, (1991) Vol.18. No.11, P.30.
- 8- *Media International*, (1992) Vol.19. No.4, P.35
- ۹- *ماخذ شماره ۷*.
- 10- *Middle East Broadcast and Satellite*. (1992). Vol.2, P.3.
- ۱۱- *ماخذ شماره ۲*.
- ۱۲- سه گفتار درباره تلویزیون جهانی و تداخل فرهنگی (۱۳۷۱) *مجله سروش*، شماره ۶۰۹، ۷۱/۵/۳، ص ۵۲.
- ۱۳- *مجله رسانه*، سال ۴، شماره ۳، ص ۶۴.
- 14- *Media International*, (1993) Vol.2. No.5.
- ۱۵- ماهواره‌ها آمدند: (۱۳۷۱). *مجله فیلم و سینما*، ۷۳/۷/۱۶، ص ۳.
- ۱۶- ماهواره، اسب چوبی و شهر تروا: (۱۳۷۰)، *مجله فرهنگ و سینما*، شماره ۱۳، دی ۱۳۷۰، صص ۵۰۴.
- ۱۷- محمدجعفری، سعید (۱۳۷۲): خاورمیانه و رشد سرسام‌آور شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، *ابرار*، شماره ۱۳/۴/۱۳، ۱۳۴۷.

۱۸- تلویزیون ماهواره‌ای در پاکستان (۱۳۷۲)، *مجله سروش*، شماره ۶۶۳

19- *Satellite News* (1993, March).

۲۰- *ماخذ شماره ۱۹*.

۲۱- ماهواره‌ها بازار ۳ تلویزیون دلاری آسیا را هدف گرفته‌اند: *مجله گزارش*، شماره ۳۹، اردیبهشت ۱۳۷۳.

۲۲- *ماخذ شماره ۱۹*.

۲۳- واسودو، اورونا و ول ک. مالهاترا، (ترجمه ۱۳۷۲)، تلویزیون هندوستان: بر سر دو راهی: *پیام یونسکو*، شماره ۲۶۹، ص ۳۲.

۲۴- *ماخذ شماره ۱۵*.

۲۵- هند در مقابله با ماهواره، *مجله صنعت حمل و نقل*، شماره ۱۲۳.

۲۶- گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و عکس‌العمل مردم هند (۱۳۷۲) *ضمیمه روزنامه جهان اسلام*. شماره ۷۲/۱۱/۲۱، ۷۸۹.

۲۷- *ماخذ شماره ۱۵*.

۲۸- *ماخذ شماره ۲۲*.

۲۹- محمدجعفری، سعید (۱۳۷۳): ماهواره و ویدئو در خاورمیانه، *ابرار*، شماره ۱۵۸۲، ۷۳/۲/۱.

۳۰- محمدجعفری، سعید (۱۳۷۲): رسانه‌های جمعی و تبلیغات بازرگانی، *مجله رسانه*، شماره ۴، زمستان ۷۲.

۳۱- مهاجمان از پشت‌بام می‌آیند (۱۳۷۱)، *سرمقاله سروش*، شماره ۶۳۲، ۷۱/۱۰/۱۲.

۳۲- محمدجعفری، سعید (۱۳۷۳)، ماهواره و ویدئو در خاورمیانه، *ابرار*، شماره ۱۵۸۲، ۷۳/۲/۱.

۳۳- محمدجعفری، سعید (۱۳۷۲): خاورمیانه و رشد سرسام‌آور شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، *ابرار*، شماره ۱۳۴۷، ۷۲/۴/۱۳.

۳۴- *ماخذ شماره ۳۷*.

35- *Media International* (1994). Vol.21.No.6.P.42.

36- *Middle East Broadcast and Satellite*. (1994). Vol.2, No.3, P.3.

- ۳۷- ایران زیر پوشش ۳۰ کانال ماهواره‌ای قرار می‌گیرد (۱۳۷۳). *مجله گزارش*، شماره ۳۹، اردیبهشت ۷۳.
- ۳۸- *ماخذ شماره ۴۳*.
- ۳۹- رؤیای فروش ۶ میلیارد دلار آنتن ماهواره به ایران (۱۳۷۳) *مجله گزارش*: شماره ۳۹، اردیبهشت ۱۳۷۳.
- ۴۰- مجموعه مقالات مربوط به رسانه‌های انگلیس در دوره *مجله رسانه*.
- ۴۱- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۸). *نگاهی به جریان بین‌المللی برنامه‌های تلویزیونی*، کتاب طنین، تهران: سروش.
- ۴۲- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۳). *تلویزیون و ماهواره در ایران: وضعیت، زمینه مسائل و راه‌حل‌ها* (نسخه زیراکس)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۴۳- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۲) تبلیغات بازرگانی و تهاجم فرهنگی: نقش آگهی‌ها در انتقال ارزش‌های جامعه مدنی. *مجموعه مقالات کنفرانس تهاجم فرهنگی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۴۴- *پیام‌گیران* - نظرات مردم تهران درباره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳). شماره ۴۱ - نظرخواهی شماره ۳۵ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. واحد تحقیقات اجتماعی و ارزشیابی برنامه‌ها. صص ۱۴ و ۱۵.
- ۴۵- *ماخذ شماره ۵۰*.
- ۴۶- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۵۹). *نظرسنجی از دارندگان ویدئو در تهران* (نسخه خطی - منتشر نشده)
- ۴۷- *چراهایی که برای مردم تهران مطرح است* (۱۳۶۳) صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، واحد تحقیقات اجتماعی و ارزشیابی برنامه‌ها.
- ۴۸- گفتگو با سیدمرتضی آوینی (۱۳۷۱)، مسئول واحد تلویزیونی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی: برنامه‌های تلویزیونی بر اساس نظرات آدمی تهیه و تولید شود. *روزنامه کیهان*، شماره ۱۴۵۶۲، ۹/۷۱/۶، ص ۱۵.

- ۴۹- در دنیای ارتباطات گسترده ماهواره، جوانان را بلامتکلیف نگذاریم (۱۳۷۱) *زن روز*، شماره ۱۳۷۹، ۷۱/۷/۱۱.
- ۵۰- **ماخذ شماره ۵۱**.
- ۵۱- **پیامگیران**. نظرات مردم تهران درباره برنامه‌های صدا و سیما (۱۳۷۱) واحد تحقیقات اجتماعی و ارزشیابی برنامه‌ها.
- ۵۲- بیر، لیزا (ترجمه ۱۳۶۹) ماهواره‌ها و امکان انتخاب بیشتر، **مجله رسانه**، شماره ۳، پاییز ۶۹ ص ۵۸.
- ۵۳- سه گفتار درباره تلویزیون جهانی و تداخل فرهنگی (۱۳۷۱)، **مجله سروش**، شماره ۶۰۹، ۷۱/۵/۳، صص ۵۲-۵۵.
- ۵۴- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۳)، **پیام‌آفرینان مطبوعات ایران**، خلاصه تحقیق، نشریه شماره ۱۵، ص ۸. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۵۵- نصرالهی، اکبر (۱۳۷۲)، جهان سوم و امپریالیسم خبری و ارتباطی، **مجله رسانه**، سال ۴، شماره ۳، صص ۲۸ تا ۳۹.
- ۵۶- شعارغفاری، پیروز (۱۳۷۲)، **اخبار جهان در مطبوعات ایران**. بحثی درباره وابستگی اطلاعاتی و ساخت پنداره‌ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (مجموعه مقالات نخستین سمینار مطبوعات).
- ۵۷- ماهواره: سفر در جهان بی‌مرز (۱۳۷۱)، **مجله صنعت حمل و نقل**، شماره ۱۱۶، اسفند ۱۳۷۱.
- ۵۸- تلویزیون، دانشگاه یا جعبه سرگرمی (۱۳۷۲)، **سروش** شماره ۶۵۲، ۷۲/۴/۱۹، ص ۳۱.
- ۵۹- درس‌های عبرت از ماهواره (۱۳۷۳)، **مجله کهکشان**، شماره ۳۹، مرداد ۱۳۷۳.

بررسی و نقد سیاست ماهواره‌ای ایران با تکیه بر تجربه کشورهای آسیایی

دکتر مهدی منتظر قائم

دکترای جامعه‌شناسی ارتباطات اجتماعی و

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

اشاره

مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از تجربه‌های سیاستگذاری ماهواره‌ای در کشورهای آسیایی، به بررسی انتقادی سیاست ماهواره‌ای ایران بپردازد. برای پاسخ به سؤال‌های مربوط به سیاست رسانه‌ای مطلوب، مقاله در ابتدا به شرح و توصیف عصر «فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات» می‌پردازد و سپس، مفهوم سیاستگذاری رسانه‌ای در دوران معاصر را به طور خلاصه توضیح می‌دهد. وضعیت ماهواره در کشورهای آسیایی و بهره‌وری از کانال‌ها و برنامه‌های مورد قبول در این کشورها، نقایص سیاست ماهواره‌ای ایران را نشان می‌دهد: عدم توجه به اصل بهره‌وری و تکیه بیش از حد به ممنوعیت قانونی، از عمده‌ترین دلایل عدم موفقیت در کنترل مصرف ماهواره‌ای مردم و جلوگیری از پیامدهای سوء آن بوده است.

عصر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

جهان از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج وارد عصر نوینی شده است. امروزه، بر اساس اعتقاد بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، عرصه زندگی اجتماعی آن چنان دگرگون شده که فهم و درک چپستی آن با مفاهیم و نظریه‌های قدیم عملی نیست. عصر نوین، معمولاً با اصطلاحات

نظری جدیدی توصیف و تبیین می‌شود: جهانی شدن، عصر (انفجار) اطلاعات، عصر رسانه‌ها، جامعه اطلاعاتی و جامعه شبکه‌ای برخی از این مفاهیم‌اند. البته نظریه‌پردازی‌های مربوط به چیستی و چرایی جهان معاصر به این مفاهیم محدود نمی‌شود. گذشته از این، نظریه‌های موجود به لحاظ نوع رویکرد، سطح تحلیل و پیش‌بینی روندهای آتی تفاوت‌های ژرفی با یکدیگر دارند و تنها وجه مشترک بین آنها به کارگیری عبارات مشابه است نه مفاهیم یکسانی که از آنها برداشت می‌شود.

با این حال، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد یک عامل خاص در تمام نظریه‌پردازی‌های مربوط به جهان معاصر حضور مؤثر دارد. هر چند میزان اثرگذاری آن در مدل‌هایی متفاوت - از تک عامل جبرگرایانه تا چند عامل نسبیت‌گرایانه - مورد تحلیل و توجه قرار می‌گیرد. این عامل همیشه و در همه جا حاضر، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی (Information and Communication Technologies/ICTs) است که توسط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی یا وابسته به دولت‌ها توسعه یافته و در مدت بسیار کوتاهی به کالاهای ضروری و شخصی تبدیل شده‌اند.^۱

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICTs) مجموعه‌ای وسیع و متنوع از فناوری‌هایی هستند که برای برقراری ارتباط میان انسان‌ها (ارسال و دریافت انواع پیام‌های کلامی، صوتی و تصویری) و نیز برای تولید، انتشار، نگهداری و بازیابی اطلاعات به کار می‌روند. ICTs ترکیبی از سخت‌افزار، نرم‌افزار، رسانه‌ها و حتی سیستم‌های توزیع و پخش اطلاعات و محتوا را شامل می‌شود. این فناوری‌ها سابقه‌ای طولانی دارند اما ظهور و رواج بسیار سریع رایانه‌های شخصی، ویدئو، ماهواره‌های ارتباطی (پخش مستقیم)، اینترنت و نظایر آن در طول دو دهه گذشته، موجب شد که ICTs به عنوان عامل اصلی دنیای جدید معرفی شود.

ترکیب مدارهای رایانه‌ای با پایانه‌های ارتباطی، به دیجیتالی‌سازی و مینیاتوری‌سازی شدن این فناوری‌ها و این، به نوبه خود، به افزایش ظرفیت و سرعت تولید، نگهداری، بازیابی، ارسال و دریافت اطلاعات و محتوا و نیز ادغام رسانه‌های قدیمی در یکدیگر و ترکیب کانال‌های ارتباطی نوشتاری، صوتی و تصویری منجر شد. در شرایط فعلی، صنایع جهانی سخت‌افزار و نرم‌افزار ارتباطی و رسانه‌ای در سایه تغییر جهانی سیاست‌ها (نظیر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) به گسترش جغرافیایی بازارهای تولیدات خود می‌پردازند. این شرکت‌ها با اتصال دستگاه‌های ارسال و دریافت به یکدیگر، جوامع و کل جهان را به شبکه‌های فرامرزی و در هم تنیده‌ای از تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان تبدیل می‌کنند و

در نتیجه تغییرات فوق، افراد و اجتماعات واقع در اقصی نقاط دنیا امکان دسترسی به حجم نامحدودی از اطلاعات و محتواها را به دست می‌آورند.^۲

از بین رفتن کارکرد بازدارنده فاصله مکانی و ایجاد امکان برقراری ارتباط همزمان با دور دست‌ها موجب دگرگونی خرابیند و برآیند هویت‌یابی جمعی افراد شده و فراق‌گروه‌ها و جماعت‌های هم‌عصری. دور از هم اما در دسترس را عملی کرده است.

ICTs به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمام عرصه‌ها و سطوح حیات فردی و جمعی انسان‌های معاصر اثرات گسترده و عمیقی گذاشته‌اند. این فناوری‌ها تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به نحوی گسترده، عمیق و ماندگار دگرگون کرده‌اند. از سوی دیگر تمام سطوح ساختار جوامع - از تک‌تک افراد، گروه‌ها و جماعت‌ها، تا همه نهادها و سازمان‌ها و اساساً کلیت ساختارهای زندگی جمعی - شاهد تغییرات بنیادین در شرایط و عوامل مؤثر بر هستی خود بوده‌اند و

بیش از پیش خواهند بود. در دنیای معاصر، شیوه‌های کار، تفریح، زندگی و تعامل اجتماعی در حال تغییر است. انسان‌ها در شرایط جدید به شیوه‌های متفاوتی می‌اندیشند، برمی‌گزینند و رفتار می‌کنند. از بین رفتن کارکرد بازدارنده فاصله مکانی و ایجاد امکان برقراری ارتباط همزمان با دور دست‌ها موجب دگرگونی فرایند و برآیند هویت‌یابی جمعی افراد شده و خلق گروه‌ها و جماعت‌های مجازی، دور از هم اما در دسترس را عملی کرده است.^۳

البته نوآوری در عرصه ICTs به پایان نرسیده است. در نتیجه، احساسات انسانی (اعم از امیدواری یا یأس) در نظریه‌پردازی‌ها و سناریوسازی‌های علمی نیز حضوری اثرگذار دارد. همانند هر نوآوری بنیادین فکری یا فنی دیگر در طول تاریخ بشر، نگرش‌های جاری نسبت به ICTs را می‌توان بر روی طیفی قرار داد که از خوش‌بینی تا واقع‌گرایی و یا بدبینی نوسان دارد. برخی از نظریه‌پردازان ICTs را عامل ایجاد یک اتو پیای دیجیتالی (Digital Utopia) می‌دانند که در آن، انواع سرکوب‌های استعداد انسانی و آزادیخواهی مجازی به تقویت دموکراسی واقعی منجر می‌شود.^۴ اما از سوی دیگر، برخی بر این باورند که این فناوری‌ها امکان نظارت و کنترل صاحبان قدرت را (در سطح ملی و جهانی) بر اعمال و حتی افکار و باورهای مردم و ملت‌ها افزایش داده و کابوس جامعه وحشت و دیستوپیایی را در قالب کامل‌ترین نظام سلطه‌گر متجلی می‌کنند.^۵ گروه نخست، در شوق جامعه آزاد و برابر و انسان فرهیخته و متعالی‌اند و گروه دوم، در بیم از جامعه در بند و ناعادلانه و انسان سرگشته و نازل.

همان گونه که کاستلز (آ، ۱۳۸۰) معتقد است، هر دو گروه خوش‌بین و بدبین نسبت به قابلیت‌ها و اثرات ICTs در دام جبرگرایی فنی گرفتار آمده‌اند و بر این باور بنیادین اصرار دارند که فناوری به تنهایی عامل و علت اصلی تغییرات به وجود آمده است. در حالی که، ICTs و به طور کلی همه فناوری‌ها خود محصول نیروهای اجتماعی و جهانی‌اند و کاربرد و آثار نهایی آنها با تعامل دیالکتیکی با نیروهای اجتماعی و عواملی نظیر فرهنگ، نظام حقوقی، نظام اقتصادی و نیز اراده و آگاهی افراد و سازمان‌ها (و حکومت‌ها به عنوان گسترده‌ترین و قدرتمندترین ساختار جوامع) تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، جبر فناورانه با اراده فردی و جمعی انسان‌ها کنترل، مهار و هدایت می‌شود.

جبر فناورانه با اراده فردی و جمعی انسان‌ها کنترل، مهار و هدایت می‌شود.

در شرایط جاری، سازمان‌های متولی امور و فعالیت‌های مربوط به عرصه‌های سیاست، فرهنگ، اقتصاد و برای حفظ دلیل وجودی و توفیق در انجام وظایف خود ناچار از ایجاد تغییر در رویکردهای مرسوم و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی متناسب با شرایط، ضرورت‌ها و واقعیت‌های جدیدند. آنچه در دوران معاصر حائز اهمیت است، درک کامل قابلیت‌ها و شرایط عینی جامعه و جهان پیش روی و تلاش برای ایجاد مطلوب‌ترین ترکیب از مزایا و مضرات جبری و محتمل مترتب بر فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی است. به عبارت دیگر، تلاش برای افزایش مزایای مورد انتظار و کاستن مخاطرات ناشی از ICTs برای افراد و کلیت جامعه (از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره) اساس و هدف سیاستگذاری ارتباطی و رسانه‌ای را تشکیل می‌دهد. بخش بعدی این نوشتار، به طور بسیار خلاصه مفهوم سیاستگذاری و قانونگذاری رسانه‌ای و پدیده‌های معاصر مرتبط با آن را به بحث می‌گذارد.

سیاستگذاری رسانه‌ای در عصر جدید

پیشرفت‌های فنی پدید آمده در فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، امکان ارسال و دریافت محتوای پیام‌ها از فواصل دور دست و کوچک‌تر و ساده‌تر شدن مداوم فناوری‌های دریافت و مصرف را فراهم آورده است. ترکیب شدن ویژگی‌ها با تغییرات سیاستی (نظیر خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی) در سطوح ملی و بین‌المللی نتیجه‌ای بسیار جدی برای سیاست‌های رسانه‌ای دولت‌های ملی و کشورها

داشته است: امروزه حکومت‌ها در سیاست‌گذاری رسانه‌ای جایگاه انحصاری خود را از دست داده‌اند و ناچارند که این سیاست‌گذاری را با توجه به نقش و جایگاه بازیگران بی‌شمار داخلی و خارجی انجام دهند. سیاست رسانه‌ای و ارتباطاتی، بخشی از سیاست عمومی (Public Policy) است که باید، نبایدها و نحوه تخصیص منابع در حوزه رسانه‌ها و ارتباطات (مالکیت، سازمان، قانونگذاری، محتوا، توزیع، دسترسی و مسائل مشابه) را هدایت می‌کند.^۶ اما تکثر فناوری‌های رسانه‌ای (بخشی از منابع) و بین‌المللی شدن بخش محتوای رسانه‌ای موجب ظهور گروه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع جدید در درون و

خارج از مرزهای ملی حاکمیت‌ها شده است. این بازیگران به طور آشکار و نهان خواهان اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی هستند و در صورت نادیده گرفته شدن خواسته‌ها و منافعشان در سیاست‌های اتخاذ شده امکان تمهید راه‌های جایگزین را (خواه قانونی و یا غیر آن) برای تضمین خواسته‌ها و منافع خویش دارند. به طور مشخص، خواسته توده‌های وسیعی از مردم در خصوص محتوای خبری و تفریحی رسانه‌های جمعی، از یک سو و منافع اقتصادی و سیاسی سازمان‌های رسانه‌ای مستقل یا وابسته به سایر حکومت‌ها، از

امروزه، مرز بین فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطات راه دور در حال موهو شدن است و در نتیجه سیاست‌گذاری باید جامع‌نگرانه و با در نظر گرفتن عناصر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در محیط فنی حاصل از ادغام و همگرایی سیستم‌های فنی متعدد انجام گیرد.

سوی دیگر، می‌تواند تلاقی کرده و مانند یک قیچی سیاست‌های صرفاً مبتنی بر محدودیت و ممنوعیت را غیرقابل اجرا سازد. در نتیجه، سیاست‌گذاری ملی رسانه‌ای، در مقایسه با دهه‌های گذشته، نیاز به توجه جدی‌تر به خواسته‌ها و رجحان‌های رسانه‌ای مردم و گروه‌های مختلف آنها دارد و عرصه سیاست‌گذاری را باید به فعالیت‌های اقتصادی و حقوقی مرتبط در درون سازمان‌های جهانی توسعه دهد.^۷ تغییر نخست معمولاً با سیاست تکثر رسانه‌ای پی‌گیری می‌شود، در حالی که تغییر دوم، مستلزم مشارکت فعالانه‌تر در عرصه سیاست‌گذاری بین‌المللی^۸ است. تغییر شایان توجه دیگری که در مفهوم سیاست رسانه‌ای ارتباطی به وقوع پیوسته به ادغام عرصه‌ها و فناوری‌های سابقاً قابل تفکیک (ارتباطی و رسانه‌ای، اطلاعاتی و مخابراتی) در یکدیگر مرتبط است. امروزه، مرز بین فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطات راه دور در حال محو شدن است و در نتیجه سیاست‌گذاری باید جامع‌نگرانه و با در نظر گرفتن عناصر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در محیط فنی حاصل از ادغام و همگرایی سیستم‌های فنی متعدد انجام گیرد.^۹

با توجه به تغییرات فوق، برخی از دانشمندان برآنند که در شرایط جاری، سیاست عمومی و به ویژه سیاست ارتباطی و رسانه‌ای را باید به عنوان تلاش برای ایجاد تعادل معقول بین نیروهای تغییرگرا و محافظت‌گرا تعریف کرد.^{۱۰} این رویکرد در درون پژوهش‌های آکادمیک در حوزه سیاست‌های ارتباطی و رسانه‌ای سؤال‌های بسیاری را مطرح کرده است که پاسخگویی به آنها پیش نیاز اقدام عملی برای سیاستگذاری یا تغییر سیاست‌های جاری خواهد بود. نحوه عمل برای توسعه یا ممانعت از گسترش فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی، نقطه تعادل مطلوب بین بخش خصوصی و عمومی در مالکیت و اداره سازمان‌ها و محتوا، میزان توجه به تکثر رسانه‌ای و محتوایی یا شیوه مناسب برای تداوم مدل‌های انحصارگرایی، میزان و شیوه مناسب برای قانونگذاری یا مقررات‌زدایی و امثال اینها از جمله سؤال‌های پایه‌ای حوزه سیاستگذاری رسانه‌ای و ارتباطی است.^{۱۱}

این سؤال‌ها در مباحث عمیق و گسترده‌تر نظری و عملی مطرح می‌شوند و پاسخگویی به آنها نیز باید با توجه به همین مباحث ارائه شود. این مباحث را معمولاً در دو قطب متضاد زیر نمایش می‌دهند: الف) این سؤال که تغییر فرهنگی و سیاسی از رسانه‌ها آغاز می‌شود یا از خود جامعه، به دو دسته نظریه متفاوت رسانه محور و جامعه محور منجر می‌شود. نظریات رسانه محور خود فناوری یا حتی محتوای رسانه‌ها را عامل اصلی تغییر می‌دانند و حتی، در مواردی، تا آنجا پیش می‌روند

**اصول راهنمای سیاستگذاری از مبانی
فلسفی، علمی و نیز ایدئولوژیک و
هنرهای افد می‌شوند و از این رو، در
زمان‌ها و مکان‌های متفاوت،
سیاست‌های مختلفی در قبال یک
پدیده اتفاد می‌شود.**

که آزادیخواهی سیاسی، فردگرایی ناسیونالیسم و افول ایدئولوژی را نتیجه و تابع ظهور و رواج رسانه‌های مدرن (نظیر مطبوعات و سپس رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتالی) معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، نظریات جامعه محور، فناوری‌ها و محتوای آنها را برآیند تغییرات سیاسی و معرفتی جوامع و تنها عامل گسترش بیشتر تغییرات می‌دانند. به عبارت دیگر، نظریات رسانه محور، جامعه (افراد و نیز فرهنگ و سیاست) را مقهور قدرت بلامنازع رسانه‌ها و نظریات جامعه محور، رسانه‌ها را محصول و تابع فرهنگ و ساختارهای اقتصادی - سیاسی غالب و یا در هر حال، موجود در جامعه بشری می‌دانند.

ب) سؤال دوم، که ماهیتی بیشتر ایدئولوژیک دارد، به رویکرد تکثرگرا یا سلطه‌گرا در مورد رسانه‌ها مربوط است. این تقابل ریشه در این اصل دارد که رسانه‌ها می‌توانند عامل وحدت‌گرا یا تکثرگرا باشند و

از این رو، فلسفه اجتماعی مبتنی بر هژمونی و سلطه متمرکز، اشکال مختلف سیاست رسانه‌ای وحدت‌گرایانه اجتماعی مبتنی بر فردگرایی و فلسفه تکثرگرایی فرهنگی و ساختاری، مدل‌های گوناگون سیاست ارتباطی تکثرگرا را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهند. علاوه بر دو قطب متضاد فوق (رسانه محور در برابر جامعه محور و تکثرگرا در برابر سلطه‌گرا) تقابل‌های دیگری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال، برخی به تضاد رویکرد مبتنی بر مرکزگرایی در برابر مرکز گریزی و نیز رویکرد مبتنی بر فرهنگ‌گرایی در مقابل علمی اشاره کرده‌اند.^{۱۲}

همان گونه که از تقابل‌های نظری و سیاستی فوق بر می‌آید، اصول راهنمای سیاستگذاری از مبانی فلسفی، علمی و نیز ایدئولوژیک و هنجاری اخذ می‌شوند و از این رو، در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، سیاست‌های مختلفی در قبال یک پدیده اتخاذ می‌شود. این ویژگی موجب می‌شود که برخی از محققان، سیاست‌های رسانه‌ای و ارتباطی را آینه روند تغییرات فنی یا تحولات در نوع رویکرد و رجحان سیاستگذاران تلقی کنند. مباحث مطرح شده به هیچ وجه به این معنا نیست که در شرایط جدید رسانه‌ای، رجحان‌ها، ارزش‌ها و یا هنجارهای مورد تأکید سیاستگذاران، به دلیل تغییر شرایط فنی و جهانی، در سیاستگذاری‌ها دخالت داده نشوند. قطعاً ارزش‌های ناظر بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد و نیز هنجارهای حاکی از عدالت و برابری، آزادی، حاکمیت ملی و نظایر آنها، جزء پایه‌های تشکیل‌دهنده حیات جمعی و در نتیجه، از مبانی مشروعیت ساختارهای قدرت و سیاستگذاری‌اند و نمی‌توان و نباید آنها را نادیده گرفت بلکه، این مباحث مؤید این نکته است که سیاستگذاری رسانه‌ای و ارتباطی باید بر پایه شناخت واقعیت پیچیده شرایط فنی ICTs و جهان معاصر و ترکیب منطقی مجموعه شناخت‌های علمی (در خصوص نقش اثرگذار رسانه‌های جمعی در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) و رجحان‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای دارای نقش و اولویت مشخص انجام گیرد. حداقل خسران ناشی از عدم توجه به اصل فوق آن خواهد بود که در نتیجه اتخاذ سیاستی یک بعدی و کوتاه برد، بسیاری از حوزه‌های نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نادیده گرفته شود و پس از مدتی کوتاه، هیچ گونه وفاق وحدت‌آفرین بین سطوح مختلف سیاستگذاری یا حتی مردم تابع سیاست‌ها قابل تشخیص نباشد. اجازه دهید، پس از این بحث مختصر در خصوص سیاستگذاری رسانه‌ای، نگاهی کوتاه به تاریخچه پدیده ماهواره پخش مستقیم و تغییرات سیاست‌های سایر کشورها در برابر آن داشته باشیم.

ماهواره پخش مستقیم (DBS) : تاریخچه و سیاست‌های ملی

تاریخ ماهواره‌ها را به مقاله آرتور سی کلارک، علمی‌نویس مشهور، نسبت می‌دهند که در اکتبر ۱۹۴۵، طی مقاله‌ای ابراز داشت با سه ماهواره واقع در فاصله ۳۶۰۰۰ کیلومتری زمین می‌توان تمام سطح آن را تحت پوشش امواج قرار داد. البته پیش از وی نیز دانشمندان آلمان هیتلری پژوهش‌های فراوانی در این خصوص انجام داده بودند و مهاجرت این افراد به آمریکا و شوروی سابق، به انتقال سریع تجارب و اسناد تحقیقاتی و رشد صنایع ماهواره‌ای این دو کشور رقیب منجر شده بود. این دو کشور، با هدف بهره‌برداری نظامی، به رقابت با یکدیگر پرداختند و به تدریج، ماهواره‌های هواشناسی، مطالعه جو و سطح زمین و دریاها، ناوبری هوایی و دریایی و نظایر آنها را در مدار زمین قرار دادند. اولین ایده مربوط به استفاده از ماهواره‌های مخابراتی در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی ابراز شد و این ماهواره‌ها از اوایل دهه ۱۹۶۰، به تدریج در مدار زمین قرار گرفتند.^{۱۳}

علیرغم شکست برفی از برنامه‌های ماهواره‌ای در سال‌های آخر قرن بیستم، بسیاری از متخصصان و دانشمندان بر این باورند که ماهواره‌های ارتباطی و مخابراتی در آینده شاهد نوآوری‌های جدید بوده و نقش و حضور گسترده‌تری در عرصه ارتباطات فردی و جمعی جهانی خواهند داشت.

در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، عمده‌ترین کاربرد ماهواره‌های مخابراتی عبارت بود از انتقال مکالمات تلفنی و تصاویر تلویزیونی از یک ایستگاه زمینی به ایستگاه زمینی دیگر (این ماهواره‌های نقطه به نقطه را FSS می‌نامیدند). نکته مهم در این دو دهه آن بود که تقریباً تمام فعالیت‌های مخابراتی و تلویزیونی ماهواره‌ای توسط وزارتخانه‌ها یا سازمان‌های دولتی

صورت می‌گرفت و در نتیجه اعمال حاکمیت و کنترل ملی بر محتوا با کنترل ایستگاه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ای محقق می‌شد.

در طول این دوران، تولید و ارسال ماهواره‌ها به مدار زمین، صنعتی پرهزینه و سودآور بود که با ایجاد رقابت شدید بین کشورها و صنایع بزرگ جهانی و نیز فناوری‌های توزیعی دیگر (به ویژه کابل نوری) موجبات رشد سریع فناوری ماهواره‌ای را فراهم آورد. این فناوری‌ها در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی کوشیدند تا ظرفیت انتقال محتوا و قدرت پخش خود را افزایش داده و از محدوده فرکانس وسیع‌تری که پیش از این بدون استفاده بود، بهره‌گیرند.^{۱۴} هم‌چنین، تلاش برای افزایش کارایی ماهواره‌ها موجب توجه جدی سرمایه‌گذاران به قابلیت‌های حاصل از قرار دادن ماهواره‌ها در مدارهای پایین‌تر شد و در

نتیجه چندین برنامه وسیع جهانی برای استفاده از ماهواره‌های پایین مدار (LEO یا Low Earth Orbit) و میانه مدار (MEO یا Medium Earth Orbit) در سال‌های اخیر راه‌اندازی شد که در سال‌های آتی به بهره‌برداری خواهد رسید.

اولین ماهواره مخابراتی که در مدار همزمان زمین (GES) قرار گرفت ماهواره Anik A-1 کانادا بود که در سال ۱۹۷۲ توسط اتحادیه رادیو - تلویزیون این کشور (CBC) در مدار زمین قرار گرفت و برای اتصال ایستگاه‌های FSS (نه پخش مستقیم برای گیرندگان) مورد استفاده واقع شد. اولین ماهواره پخش مستقیم برای گیرندگان نیز در سال ۱۹۷۶ با نام Hermes در همین کشور به کار گرفته شد.^{۱۵} اولین ماهواره پخش مستقیم تلویزیونی (DBS) آسیا در سال ۱۹۸۴ در کشور ژاپن با نام Yuri-2A به فضا پرتاب شد که سرریز امواج آن به جزایر کشورهای همسایه مسئله‌ساز گردید. اما تبدیل شدن پخش

سیاست ماهواره‌ای مبتنی بر «آزادی قانون» یا «ممنوعیت قانون» در اغلب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه (و در سطح آسیا و منی کشورهای اسلامی) به عنوان یک سیاست کامل و مطلق نگرینده و تلاش برای جذب مردم کشور به شیوه‌های مختلف انجام گرفته است.

مستقیم ماهواره‌ای به یک مسئله مهم جهانی، با پرتاب ماهواره ASTRA در دسامبر ۱۹۸۸ و آغاز فعالیت آن در فوریه ۱۹۸۹ واقع شد. در قاره آسیا، این پدیده با پرتاب ماهواره Asia Sat 1 در آوریل ۱۹۹۰ و آغاز پخش مستقیم تلویزیونی توسط شرکت هنگ کنگی STAR TV در اکتبر ۱۹۹۱، به طور جدی مطرح شد.^{۱۶} استفاده از کانال‌های تلویزیونی این ماهواره در مناطق حاشیه‌ای (برای مثال، در ایران) تنها با

بشقاب‌هایی به قطر سه متر عملی بود اما با تقویت امواج، در سال ۱۹۹۳ بشقاب‌های به قطر ۱/۸ متر نیز تصویر واضحی دریافت می‌کردند. افزایش قدرت پخش ماهواره‌ها به کاهش فزاینده اندازه و قطر بشقاب‌ها منجر شد و همزمان، قیمت دستگاه‌های رسیور (به دلیل تولید انبوه) کاهش یافت. نتیجه این تغییرات، بالا رفتن مطلوبیت ماهواره برای مصرف‌کنندگان در کل دنیا و از جمله ایران بود.

در هر حال، امروزه فشار ناشی از تقاضا برای خدمات متنوع و بهتر ماهواره‌ای (نظیر ارائه اینترنت با کیفیت باند وسیع، ارتباطات صوتی و تصویری بین فردی و پخش رادیو - تلویزیونی) و گسترش روزافزون بازار و در نتیجه سودآوری قابل توجه، صنایع ماهواره‌ای را به سرمایه‌گذاری و توجه جدی به امر تحقیق و توسعه رهنمون شده است و از این رو، علی‌رغم شکست برخی از برنامه‌های ماهواره‌ای در

سال‌های آخر قرن بیستم، بسیاری از متخصصان و دانشمندان بر این باورند که ماهواره‌های ارتباطی و مخابراتی در آینده شاهد نوآوری‌های جدید بوده و نقش و حضور گسترده‌تری در عرصه ارتباطات فردی و جمعی جهانی خواهند داشت.^{۱۷} سرعت رشد فناوری ماهواره‌ای به حدی است که سیاستگذاری ملی و بین‌المللی، بر اساس نظر برخی از متخصصان، مانع اصلی به کارگیری قابلیت‌های فنی فعلی است. به عبارت دیگر، حتی در حال حاضر، امکانات فنی ماهواره‌ها بسیار بیشتر از میزان عملی شدن فعلی آن است و علت اصلی توقف نسبی برنامه‌های جدید را باید در ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های ناشی از سیاست‌های ملی و بین‌المللی جستجو کرد نه در امکانات فنی و سرمایه در دسترس.^{۱۸}

در هر حال، پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها در طول ده سال گذشته به عنوان یک مسئله جهانی مورد توجه کشورهای مختلف قرار گرفته و در این میان، کشورهای دارای حساسیت‌ها و ملاحظات فرهنگی (به ویژه از منظر ارزش‌های سنتی ملی یا مذهبی) و سیاسی توجه بیشتری به آن مبذول داشته‌اند. پیامدهای فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی مورد انتظار طیف وسیعی از سیاست‌ها را در کشورهای آسیایی (به ویژه کشورهای اسلامی) پدید آورده است که از پذیرش مطلق تا طرد کامل را شامل می‌شود.^{۱۹}

نکته حائز اهمیت این است که طبقه‌بندی سیاست‌ها در منابع متعدد با توجه به محورها و شاخص‌های مختلف صورت گرفته و از این رو هر کشور را محققان در طبقات بسیار متفاوتی قرار داده‌اند. این تفاوت‌ها به یک واقعیت بسیار مهم نیز اشاره دارد. سیاست ماهواره‌ای کشورهای آسیایی در یک مدت بسیار کوتاه بین ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵)، دستخوش تغییرات بسیاری شد که اغلب حاکی از حرکت سیاسی از دو سوی افراطی طیف پذیرش مطلق / طرد کامل به سوی نقاط بینابینی بود. در طول این سال‌ها، بسیاری از کشورهایی که ماهواره را ممنوع دانسته بودند از طریق راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی زمینی یا ماهواره‌ای به جستجوی راه‌های مناسب برای ارائه برنامه‌های جذاب تلویزیونی (داخلی یا خارجی) به شهروندان خود پرداختند. کشورهایی نیز که ماهواره را (به طور مطلق یا با وضع مالیات و عوارض) آزاد دانسته بودند، به تدریج وارد رقابت شده و با هدف اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی به جذب شهروندان خویش و در نتیجه دور کردن آنها از کانال‌ها و شرکت‌های رقیب دست زدند. به عبارت دیگر، سیاست ماهواره‌ای مبتنی بر «آزادی قانونی» یا «ممنوعیت قانونی» در اغلب کشورهای پیشرفته و

در حال توسعه (و در سطح آسیا و حتی کشورهای اسلامی) به عنوان یک سیاست کامل و مطلق نگریسته نشده و تلاش برای جذب مردم کشور به شیوه‌های مختلف انجام گرفته است. در حال حاضر، کشورهای نظیر ترکیه، اندونزی، مالزی، پاکستان، هند، سربلانکا، ژاپن، چین و اغلب کشورهای عرب زبان، با بهره‌گیری از سیستم‌های مختلف (بر حسب منبع تأمین محتوا، میزان اعمال تغییر در محتوا، مالکیت و مدیریت سازمان‌های مربوطه، پخش زمینی یا ماهواره‌ای و ...) از کانال‌های ماهواره‌ای موجود برای تأمین خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان داخلی خود بهره می‌گیرند. برخی از کشورها نیز هدف فوق را با اجرای برنامه‌های مشترک پی‌گیری می‌کنند. برای مثال، در کشورهای عرب زبان چند شرکت بین‌الدولی یا خصوصی (نظیر عرب‌ست، شبکه الجزیره، MBC، ANN و ...) وظیفه تهیه برنامه‌ها را از منابع داخلی یا جهانی برای پخش ماهواره‌ای به کشورهای تحت پوشش خود به عهده گرفته‌اند. با این توضیح کلی، بهتر است به بررسی وضعیت بهره‌وری از فناوری ماهواره‌ای در چند کشور آسیایی بپردازیم و سپس درس‌های احتمالی حاصل از تجارب این کشورها را برای ایران به بحث بگذاریم.

وضعیت فعلی ماهواره در کشورهای آسیایی

همان گونه که قبلاً ذکر شد، اغلب کشورها از اواسط دهه ۱۳۷۰، برنامه‌هایی را برای بهره‌وری ملی از ماهواره به اجرا گذاشته‌اند - خواه این کشورها دریافت سایر کانال‌ها را ممنوع کرده و یا به انتخاب شهروندان واگذار کرده باشند - اما بهتر است در ابتدا، انواع بهره‌وری از ماهواره را مشخص کنیم. در دهه اول می‌توان سه نوع بهره‌وری ملی را از ماهواره نشان داد: الف) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه کانال‌های تلویزیون ملی در داخل کشور. این اقدام برای فائق آمدن بر موانع طبیعی گسترش پوشش شبکه‌های تلویزیونی ملی به نقاط دور دست و کم جمعیت یا بالا بردن کیفیت دریافت برنامه‌ها توسط بسیاری از کشورها (نظیر هند و استرالیا) صورت گرفته است، ب) استفاده از ماهواره برای پخش مستقیم برنامه کانال‌های تلویزیون ملی یا کانال‌های تازه تأسیس (با هدف خاص) در سایر کشورها. معمولاً پخش ماهواره‌ای برنامه‌های تلویزیونی برای سایر کشورها، به منظور حضور جهانی فرهنگ کشور مبدأ، اطلاع‌رسانی جهانی، تأثیر بر افکار عمومی کشورهای مقصد و یا به ویژه با هدف ارائه برنامه‌های تلویزیونی به جمعیت‌های مهاجر ساکن در کشورهای دیگر انجام می‌گیرد. پخش ماهواره‌ای شبکه خبر،

شبکه‌های جام‌جم و شبکه‌های سحر ایران به منطقه خاورمیانه، اروپا و امریکا را می‌توان در این طبقه جای داد. امروزه تعداد بسیار زیادی از کانال‌های در دسترس را همین نوع کانال‌های تلویزیونی تشکیل می‌دهد.

بدیهی است دو نوع بهره‌وری فوق‌نمی‌تواند تأثیر چندانی بر میزان تمایل مردم به کانال‌های ماهواره‌ای خارجی و رواج غیرقانونی و کنترل نشده دستگاه‌های گیرنده داشته باشد. آن چه در این نوشتار

به عنوان بهره‌وری ملی مطرح می‌شود نوع سوم است: (ج) استفاده از برنامه کانال‌های ماهواره‌ای خارجی (ملی یا خصوصی؛ متعلق به کشور خاص یا جهانی) برای بالا بردن حجم، تنوع و کیفیت کانال‌های در دسترس مردم کشور. هدف این نوع بهره‌وری از ماهواره را می‌توان جبران نقصان‌های کمی و کیفی تولیدات و محتوای کانال‌های تلویزیونی مرسوم و جلب توجه مخاطبان به کانال‌های کنترل شده دانست که برای جلوگیری از تمایل مردم به خرید و نصب تجهیزات

**پاسف‌قوی به خواسته‌های رسانه‌ای
مردم اصلی‌ترین محور سیاست‌گذاری
رسانه‌ای است و این ضرورت ملی به
بهترین نحو با راه‌اندازی سیستم تمت
کنترلی که تابع سیاست‌ها و مراعات
فرهنگی، سیاسی و ملی باشد تحقق
می‌یابد.**

دریافت ماهواره‌ای و در نتیجه، قرار گرفتن در معرض پیام‌های مخرب فرهنگی و سیاسی کانال‌های نامطلوب صورت می‌گیرد. تنها با نیل به این هدف است که می‌توان به اجرایی شدن سیاست ممنوعیت تجهیزات و کانال‌های کنترل نشده امیدوار بود و حتی در صورت آزادی مردم در بهره‌وری از تجهیزات دریافت ماهواره‌ای تا حد زیادی اطمینان داشت که حداقل اکثر مردم به کانال‌های تلویزیونی و فرهنگ ملی خویش وفادار مانده و جذب پخش‌کننده‌های خارجی نخواهند شد.

این نوع بهره‌وری می‌تواند شامل طیف وسیعی از برنامه‌های عملیاتی مربوط به ویژگی‌های **محتوا** و **سازمان** باشد. از نظر **نوع محتوا** می‌توان تمام ژانرهای برنامه‌ای مورد نظر را با چنین روشی در دسترس مردم قرار داد: برنامه‌های خبری و گزارش، فیلم و سریال، برنامه‌های مستند، علمی و آموزشی، مسابقه و غیره. محتوای دریافت شده از منابع خارجی می‌تواند به زبان اصلی، با زیرنویس، به صورت دوبله شده و یا حتی (با استفاده از چند باند صوتی) همزمان به چند زبان پخش شود. در این روش امکان اعمال کنترل محتوایی (سانسور) بر تمام انواع محتواها بر اساس اصول و سیاست‌های کشور مقصد به طور کامل وجود دارد. سازمان متولی راه‌اندازی و بهره‌وری از چنین سیستمی نیز می‌تواند به اشکال مختلف سازماندهی

شود. با تعیین معیارهای مشخص و لازم‌الاجرا نظارت بر خصوصی‌ترین شکل مالکیت سازمانی میسر خواهد شد. از نظر تعداد نیز می‌توان یک یا چندین ساختار را به وجود آورد تا امکان برخورداری مردم از مزایای رقابت کنترل شده (کیفیت بالاتر خدمات با هزینه کم‌تر) فراهم آید. محل استقرار ساختارها و بخش اداری و فنی زمینی نیز می‌تواند در هر نقطه از کشور یا حتی در یک کشور خارجی انتخاب شود. بدیهی است که این تصمیم تابع ملاحظات اقتصادی، نیروی انسانی و سیاسی عدیده‌ای خواهد بود اما، در هر حال، محدودیت خاصی از نظر محل استقرار وجود ندارد. پخش مجدد نیز می‌تواند از طریق ایستگاه‌های زمینی کابلی یا ماهواره عملی شود.

همان گونه که مشاهده می‌شود، تمام اجزای یک ساختار رسانه‌ای (خواه مربوط به محتوا یا سازمان) قابل مطالعه و سیاست‌گذاری است و با توجه به ملاحظات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی می‌توان اشکال بسیار متنوع را تصور و پی‌گیری کرد. کشورهای دیگر نیز با توجه به ملاحظات خاص خود یک یا چند مدل را انتخاب و اجرا کرده‌اند. در ادامه، وضعیت بهره‌وری از ماهواره در چند کشور آسیایی و مدل‌های خاص هر یک تشریح می‌شود. شایان ذکر است که محدودیت اطلاعات و منابع، مانع از تشریح و تحلیل دقیق‌تر این مدل‌ها می‌شود.^{۲۰}

در پاکستان، کانال NTM با عقد یک قرارداد ده ساله با تلویزیون این کشور (در سال ۱۹۹۴) برنامه‌های کانال‌های CNN و BBC را پس از حذف صحنه‌های نامناسب به طور ۲۴ ساعته پخش می‌کند. شبکه خصوصی ETV نیز که روزانه ۶ ساعت برنامه پخش می‌کند، صددرصد خصوصی و متعلق به اتباع پاکستانی است که با سرمایه‌ای حدود ۶/۵ میلیون دلار راه‌اندازی شده و برنامه‌های خود را از سنگاپور به طور هم‌زمان در ماهواره‌های آسیاست و استارپلاس ارائه می‌کند. برنامه‌های این شبکه‌ها تحت سانسور و کنترل است اما با وجود آن که در پاکستان محدودیتی برای خرید و نصب دستگاه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد، راه‌اندازی شبکه‌های فوق و به ویژه NTM، گرایش به خرید گیرنده‌های ماهواره‌ای را به شدت کاهش داده است.

در ترکیه، با وجود صدها شبکه تلویزیونی سراسری و منطقه‌ای (دولتی و خصوصی)، حدود ده کانال ایستگاه‌های رله زمینی برای ساکنان مناطق مختلف (به ویژه شهرهای بزرگ استانبول و آنکارا) یا مشترکان شبکه‌های کابلی پخش می‌شود. در این کشور محدودیتی برای استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره‌ای وجود ندارد.

در سریلانکا یک شرکت خصوصی برنامه شبکه‌های وابسته به BBC (به ویژه برنامه‌های خبری و ورزشی) را به صورت ۲۴ ساعته رله و پخش می‌کند و در حال حاضر حدود ۸۰ درصد کل کشور را تحت پوشش قرار داده است. هم‌چنین، سریلانکا تحت پوشش دو شبکه ETV-1 و ETV-2 قرار دارد که اولی، به اخبار و گزارش‌های خبری و دومی، به برنامه‌های ورزشی و نیز فیلم‌ها و سریال‌های امریکایی اختصاص دارد. در این شبکه‌ها هیچ گونه سانسوری اعمال نمی‌شود اما خود شبکه‌ها فرهنگ مخاطبان را مورد توجه قرار می‌دهند.

چین از جمله کشورهایی است که تجهیزات دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای را غیرمجاز اعلام کرده اما با توجه به گستردگی جغرافیایی و کثرت جمعیت اقدام به راه‌اندازی سیستم‌های ماهواره‌ای برای پخش مستقیم کانال‌های خود کرده است. در این کشور از بشقاب‌ها و رسیورهای خاص برای دریافت کانال‌های ملی استفاده می‌شود و به کارگیری سایر دستگاه‌ها ممنوع است. در تایلند، حدود ده کانال تلویزیونی داخلی وجود دارد که حجم زیادی از برنامه‌های خود را به برنامه‌های خارجی اختصاص می‌دهند و آن را به صورت دوبله (و همراه با زبان اصلی با موج FM رادیویی یا دو زبانه تلویزیونی) پخش می‌کنند. به علاوه، شرکت UBC به صورت یک شرکت سهامی متولی تلویزیون کابلی و ماهواره‌ای است که ده‌ها کانال بین‌المللی فیلم، ورزشی، سرگرمی و خبری را با استفاده از سیستم توزیع کابلی و ماهواره‌ای پخش می‌کند. سیستم کابلی در بانکوک و برخی از شهرها و سیستم ماهواره‌ای در سراسر کشور در دسترس قرار دارد. ۸۶ شرکت مجاز نیز به صورت محدود و محلی خدمات تلویزیونی کابلی را ارائه می‌دهند که متوسط مشترکان هر یک از آنها ۱۵۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. در تمام کانال‌های تلویزیونی شرکت UBC آگهی‌های تجاری و مطالب غیراخلاقی یا مغایر با موازین امنیت ملی و نظم اجتماعی سانسور می‌شود.

در کشور اندونزی، چند شرکت خصوصی تلویزیونی برنامه‌های خود را به صورت ملی یا محلی به مشترکان و دریافت‌کنندگان خود ارائه می‌دهند. برخی از این شبکه‌ها از سیستم پخش کابلی استفاده می‌کنند و خدمات اینترنتی را نیز در دسترس مشترکان خود قرار می‌دهند. در این کشور، استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای کاملاً آزاد است و هیچ گونه محدودیت قانونی وجود ندارد، به طوری که حتی برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، مانند شبکه استار که در هنگ‌کنگ مستقر است، برای این کشور برنامه

ویژه پخش می‌کند. در حال حاضر، وضعیت کلی رسانه‌های جمعی در اندونزی مورد رضایت دولت و احزاب نیست و اقدامات قانونی برای اجرای برنامه‌های اصلاحات در حال پی‌گیری است. کشور سنگاپور؛ با وجود قرار گرفتن در چهار راه تجاری و ارتباطاتی جنوب شرقی آسیا، قوانین ویژه‌ای برای محدودیت اطلاعات و فعالیت رسانه‌ها دارد. در این کشور، نصب تجهیزات ماهواره‌ای توسط افراد و حتی ادارات (غیر از شرکت‌ها، سفارتخانه‌های خارجی، سازمان‌های رسانه‌ها و وزارتخانه‌های دولتی) ممنوع است. اما تلویزیون کابلی رواج بسیاری دارد و حداقل ۱۸ شرکت به توزیع کابلی ده‌ها کانال تلویزیونی به مشترکان خود می‌پردازند. محتوای این کانال‌ها با توجه به ارزش‌های فرهنگی جامعه سنگاپور کنترل می‌شود و در خصوص اهانت به مذاهب و ملت‌ها، پخش سکس، خشونت و مواد مخدر محدودیت‌های ویژه‌ای اعمال می‌شود.

قطر، در سال ۱۹۹۳، به سازمان ارتباطات راه دور خود اجازه داد تا یک شرکت تلویزیونی کابلی بی‌سیم (QVC) را راه‌اندازی کند. این شرکت که امتیاز انحصاری خدمات تلویزیون کابلی را تا سال ۲۰۱۳ در اختیار دارد، در حال حاضر، ده کانال تلویزیونی ملی و خارجی (عربی، امریکایی، اروپایی و آسیایی) را در اختیار مشترکان خود قرار می‌دهد. برخی از این کانال‌ها عبارتند از: BBC World، Discovery، DTV، PTV2، CNN، ESC و MBC. اقدام اخیر قطر نسبت به رفع ممنوعیت خرید و نصب تجهیزات دریافت ماهواره‌ای برای شهروندان، از تعداد مشترکان و درآمد QVC کاسته است.

مالزی با راه‌اندازی شرکت ماهواره‌ای ASTRO در سال ۱۹۹۵، یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های ماهواره‌ای ملی را در قاره آسیا به وجود آورده است. این شرکت با بودجه‌ای در حدود ۷۰۰ میلیون دلار، توسط دولت تأسیس شده و اداره می‌شود. در حال حاضر، شبکه ماهواره‌ای آسترو، ۳۸ کانال تلویزیونی و ۱۶ کانال رادیویی را از طریق ماهواره‌های خود برای کل کشور و کشورهای منطقه (مانند اندونزی، سنگاپور و تایلند) پخش می‌کند. استفاده از سیستم دیجیتال و استفاده از ماهواره‌های با قدرت پخش بالا، دریافت این کانال‌ها را با استفاده از بشقاب کوچک ۶۰ سانتیمتری عملی کرده است. هم‌چنین برای حفظ منافع مالی رسیورهای خاصی طراحی شده است. این شرکت در حال حاضر ۸۰۰۰۰۰ مشترک داخلی (و نیز ۱۰۰۰۰ مشترک در کشور بروئی) دارد و برنامه‌ها را از طریق تعداد بسیار زیادی از شبکه‌های جهانی تهیه و پس از نظارت و کنترل دقیق و مستمر پخش می‌کند. در این کانال‌ها آگهی‌های تبلیغاتی خارجی، صحنه‌های خشونت بار و مستهجن، تبلیغ مسیحیت و موارد مشابه دیگر

ممنوع است. برای کنترل محتوایی برنامه‌ها از سه روش سانسور متفاوت استفاده می‌شود: در مواردی برنامه از ماه‌ها قبل مورد بازبینی قرار گرفته و به شرکت اصلی اجازه پخش داده می‌شود. برخی از کانال‌های خبری، ورزشی و سرگرمی (به ویژه کانال کارتون برای کودکان) با تأخیر و با سانسور هم زمان و برخی از کانال‌ها با تأخیر نیم ساعته تا یک ساعته به پخش برنامه می‌پردازند. در مواردی این تأخیر می‌تواند تا چند ساعت ادامه یابد (مانند روش پخش شبکه الجزیره). در هر حال، هر برنامه که نیازمند سانسور بیش از ۵ دقیقه باشد به طور کامل حذف شده و برنامه دیگری جایگزین آن می‌شود. در کشور مالزی تجهیزات ماهواره‌ای شرکت دیگری غیر از شرکت آسترو ممنوع بوده و طبق قانون متخلفان به جریمه نقدی تا ۲۵۰۰۰ دلار محکوم می‌شوند.

بررسی وضعیت ماهواره پخش مستقیم در این کشورها نشان می‌دهد، بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب و مورد قبول ماهواره‌ای جزء بسیار مهمی از سیاست ماهواره‌ای تمام کشور است و در واقع ممنوعیت مطلق یا آزادسازی بدون محدودیت را بدون تمهید روش‌های مناسب برای استفاده شهروندان نمی‌توان یک سیاست کامل و موفق دانست. یک عنصر و مؤلفه بسیار مهم در سیاست ماهواره‌ای، تمایل و خواست مردم برای دسترسی به برنامه‌های (غالباً مطلوب و مثبت) ماهواره‌ای است و عدم توجه به این خواست عمومی سیاست ممنوعیت مطلق را غیرقابل اجرا خواهد کرد. از سوی دیگر، سیاست آزادسازی مطلق و بدون محدودیت نیز شهروندان مشتاق برنامه‌های مطلوب و مثبت را در دنیای رسانه‌ای انباشته از پیام‌ها و محتواهای نامطلوب و زیانبار رها خواهد ساخت. پاسخگویی به خواسته‌های رسانه‌ای مردم اصلی‌ترین محور سیاستگذاری رسانه‌ای است و این ضرورت ملی به بهترین نحو با راه‌اندازی سیستم تحت کنترلی که تابع سیاست‌ها و ملاحظات فرهنگی، سیاسی و ملی باشد تحقق می‌یابد.

هر یک از کشورهای مورد بررسی، بر اساس ساختار جمعیتی، ویژگی‌های فرهنگی و ژئوپلیتیک، ساختار سیاسی و ملاحظات مذهبی و ملی خویش، اشکال متنوعی از سیستم‌های بهره‌وری از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای ایجاد کرده‌اند. این کشورها با انتخاب نوع محتوا، منبع تأمین محتوا، زبان پخش، سانسور محتوایی و هم‌چنین نوع مالکیت و تکثیر سازمان‌های مربوطه برنامه‌ها را تهیه و پاکسازی کرده و سپس با روش‌های مناسب و در دسترس (زمینی، کابلی یا ماهواره‌ای) در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد تنها در چنین شرایطی می‌توان به پایبندی شهروندان به قوانین جاری امیدوار بود و از آشفستگی اطلاعاتی، هنجاری و رفتاری مردم در یک محیط فاقد قوانین محدودیت‌زا نهراسید.

مسئله ماهواره در ایران: گذشته، حال و آینده

از هر منظر و با هر رویکرد سیاسی و فرهنگی که به وضعیت ماهواره و تجهیزات دریافت کانال‌های تلویزیونی و رادیویی خارجی در ایران نگریسته شود باید آن را نامطلوب و بحران‌زا دانست. با وجود گذشت بیش از هشت سال از زمان تصویب «قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره» در تاریخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ (و ابلاغ آیین‌نامه اجرایی آن در تاریخ ۱۳۷۴/۱/۲۱ توسط هیئت دولت) بر اساس

با بررسی مشروح مذاکرات و متن مصوب قانون ممنوعیت سال ۱۳۷۳ می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرایط نابسامان ماهواره در کشور تنها ریشه در قانون حقوق ندارد و متی نمی‌توان آن را علت اصلی شرایط جاری دانست؛ علت اصلی، عدم اجرای کامل قانون و به ویژه مواد ۴، ۵ و ۱۰ (بالافص ماده ۵) قانون حقوق است.

برخی تخمین‌های غیررسمی، بیش از ۳ میلیون دستگاه رسیور و بشقاب ماهواره‌ای در کشور وجود دارد، در حالی که در طول مدت اجرای قانون تنها کمتر از ۷۰۰۰۰ دستگاه کشف و ضبط شده است. در حال حاضر، حدود ۱۵ میلیون ایرانی در خلوت خانه خود دسترسی کنترل شده‌ای به برنامه‌های صداها کانال تلویزیونی پخش شده توسط ده‌ها کشور و شرکت خصوصی دارند. خطر بدآموزی‌های اخلاقی و رفتاری به ویژه نسل جوان و خانواده‌ها را تهدید می‌کند و به دلیل ممنوعیت، والدین و تمام مردم از انتقال تجارب به یکدیگر و آموزش نحوه بهره‌وری مطلوب و کاستن از میزان خطرات و بدآموزی‌ها محرومند.

شاید بسیاری از سیاستگذاران و فعالان سیاسی و فرهنگی علت شرایط جاری را به قانون ممنوعیت نسبت داده و از این منظر، تغییر قانون و رفع ممنوعیت را راه‌حل وضعیت موجود بدانند. در واقع، قانون فوق از زمان طرح اولیه آن تا امروز مورد بحث و مناقشه بسیار بوده است. موافقان این قانون بر آن بودند که برنامه‌های ماهواره‌ای عمدتاً مخرب، مبتذل و عامل اصلی زدودن ارزش‌ها و معیارهای اصیل اسلامی و ملی است. در مقابل، مخالفان نیز دلایلی نظیر اجرایی نبودن قانون به دلیل پیشرفت‌های فنی را یادآور می‌شدند. اما بررسی مشروح مذاکرات نشان می‌دهد که هیچ یک از دو گروه موافق و مخالف قانون ممنوعیت، آن را مطلق و نقطه پایان وضعیت ماهواره نمی‌دانستند و حتی موافقان، آن را اقدامی موقتی و تأخیری قلمداد می‌کردند تا فرصت مناسب برای تقویت و آماده‌سازی دستگاه‌های فرهنگی کشور فراهم آید. مشروح مذاکرات نشان می‌دهد راهکارهای عدیده‌ای برای برخورد با پدیده پخش مستقیم ماهواره‌ای

اندیشیده شده بود که باید مورد پی‌گیری قرار می‌گرفت. ماده ۵ قانون ممنوعیت، سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مؤسسه رسانه‌های تصویری) را مجاز به ضبط و پخش برنامه‌های غیرمغایر با ارزش‌ها و مبانی فرهنگی اسلامی و ملی دانست و ماده ۴، تمام دستگاه‌های فرهنگی کشور را موظف به مطالعه و تبیین آثار مخرب استفاده از برنامه‌های منحرف‌کننده در جامعه ساخت. هم‌چنین، ماده ۱۰ قانون ممنوعیت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را موظف کرد تا با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان‌های ذی‌ربط از اهرم‌های حقوقی و بین‌المللی در جهت حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه‌های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام کند.

با بررسی مشروح مذاکرات و متن مصوب قانون ممنوعیت سال ۱۳۷۳ می‌توان چنین نتیجه گرفت که شرایط نابسامان ماهواره در کشور تنها ریشه در قانون فوق ندارد و حتی نمی‌توان آن را علت اصلی شرایط جاری دانست؛ علت اصلی، عدم اجرای کامل قانون و به ویژه مواد ۴، ۵ و ۱۰ (بالاخص ماده ۵) قانون فوق است. در واقع، سیاست‌های به نسبت جامع موجود در قانون فوق، پس از تصویب به فراموشی سپرده شد و راهبرد ماهیتاً کوتاه مدت و جانبی ممنوعیت، بزرگ‌نمایی و تبدیل به یک سیاست به ظاهر تمام عیار گردید.

البته می‌توان بخشی از علت خطای جایگزینی راهبرد به جای سیاست جامع را به متن قانون فوق منتسب کرد. این قانون به هیچ وجه راهکارهای نظارتی مناسبی برای اجرای مواد ۴، ۵ و ۱۰ پیش‌بینی نکرده بود و با توجه به ماهیت و قابلیت دستگاه‌های اجرایی مربوطه و ضعف شدید نظام عالی کشور شاید بتوان عدم اجرای کامل قانون مورد بحث را مورد انتظار دانست.

در هر حال، از زمان تصویب قانون ممنوعیت تا به حال، تقریباً همه مسئولان عالی‌رتبه نظام، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و احزاب و جناح‌های سیاسی لزوم بهره‌وری مناسب از ماهواره و برنامه‌های مثبت آن را مورد تأکید قرار داده و عدم امکان عملی و فنی اجرای قانون ممنوعیت و جمع‌آوری دستگاه‌های دریافت را گوشزد کرده‌اند. اصول کلی فوق مورد تأیید و تأکید مردم نیز قرار دارد. شایان ذکر مجدد است که مردم مجری اصلی و نهایی قانون و سیاست ماهواره‌ای هستند و توجه جدی به خواست و نگرش آنان اهمیتی فراوان دارد چرا که در صورت عدم همکاری مردم، مجریان اصلی قانون به مجرمان اصلی آن تبدیل خواهند شد.

نظرسنجی انجام شده در سال ۱۳۷۳، در شهر تهران نشان داد از نظر پاسخگویان مهم‌ترین علت گرایش به استفاده از ماهواره ضعف امکانات تفریحی و سرگرمی در جامعه و به ویژه ناتوانی برنامه‌های صدا و سیما در برآوردن نیازهای اقشار مختلف (از نظر برنامه‌های تفریحی و خبری) بوده است. پاسخگویان مهم‌ترین راه مقابله با خطرات ناشی از ماهواره را استفاده از ابزار فرهنگی دانستند: تقویت کمی و کیفی برنامه‌های صدا و سیما، بالا بردن سطح آگاهی مردم و گسترش زیر ساخت و امکانات فرهنگی در جامعه.^{۳۱} نظرسنجی دیگری در همین سال نشان داد ۳۵ درصد پاسخگویان عدم رضایت کامل از برنامه‌های تلویزیون را عامل گرایش مردم به ماهواره‌ها دانسته‌اند.^{۳۲} یک نظرسنجی دیگر در سال ۱۳۷۶ نشان داد نگرش مردم (به ویژه مردان) نسبت به استفاده از ماهواره در حد متوسط بوده است، در حالی که بیشتر مردم نسبت به برخی خطرات ماهواره آگاهی داشته و استفاده از ماهواره را در سطح جامعه و به ویژه توسط نوجوانان و جوانان موجد بدم‌آموزی و مخاطرات فرهنگی دیگر می‌دانند.^{۳۳} نظرسنجی‌های سال ۱۳۸۰ شهر تهران نیز نتایج مشابه و ثابتی را نشان می‌دهد.^{۳۴}

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه می‌توان گفت نظریه‌های ابراز شده توسط مسئولان عالی رتبه نظام، نمایندگان مجلس، دستگاه‌های اجرایی، متخصصان و مردم در طول سال‌های گذشته دو اصل بنیادین و به هم پیوسته را در بر داشته‌اند: ضرورت بهره‌وری مناسب از برنامه‌های مطلوب ماهواره‌ای و مبارزه همزمان با رواج و دریافت کنترل نشده کانال‌های مخرب و نامطلوب. قانون مصوب سال ۱۳۷۳ نیز هر دو اصل فوق را مدنظر داشته و به عنوان اجزای مکمل سیاست ماهواره‌ای ایران اتخاذ کرده بود اما آنچه در عمل اتفاق افتاد، ممنوعیت قانونی تجهیزات دریافت از ماهواره، در راستای اصل دوم بود که به دلیل نادیده گرفته شدن اصل نخست، مورد قبول بهره‌وران غیرقانونی قرار نگرفت و از سوی آنان حمایت نشد. بررسی وضعیت ماهواره در سایر کشورهای آسیایی نشان می‌دهد دو ضرورت یاد شده الزاماً مانع‌الجمع نیستند و در صورت تمهید روش‌ها و ساختارهای مناسب می‌توانند مکمل یکدیگر نیز باشند. ممنوعیت مطلق، ضرورت و اصل بهره‌وری را فدا می‌کند و آزادی بدون کنترل، ضرورت و اصل مقابله با آثار سوء را و از این رو، هیچ یک قابل اجرا و پذیرش نیستند. بدیهی است که محتوا و سازمان مورد نظر برای بهره‌وری باید با توجه به ملاحظات دینی و فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی کشور ما و با تحقیق دقیق و علمی پیش‌بینی و تعیین شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- کاستلز، م. (آ ۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ج ۱: ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کاستلز، م. (ب ۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ج ۲: قدرت هویت، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.
- کاستلز، م. (ج ۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ج ۳: پایان هزاره، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- مک کوایل، د. (۱۳۸۰)، **مخاطب‌شناسی**، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۳)، **نظرسنجی از مردم تهران درباره ماهواره**، تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات.
- واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (دی ۱۳۷۳)، **نظرسنجی درباره ماهواره**، تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات.
- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶)، **بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره**، مجری سیروس فخرایی، تهران: واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات.

منابع انگلیسی

- Barber, B.R.(1998)
Political Science Quarterly. 113(4):573-590.
- Collins,R.(1994), **Broadcasting and Audio Visual Policy in the European Single Market**. London: John Libbey.
- Cuilenberg, J.V & Slaa,P.(1993), From Media Policy Towards a National Communications Policy: Broadening the Scope, **European Journal of Communication** , 8(1)149-176.

- Dyson, E.(1997), *Release 2.1: A Design for Living in the Digital Age*, New York: Broadway Books.
- Humphreys, P.J.(1996), *Mass Media Policy in Western Europe*, Manchester UK: Manchester University Press.
- Johnson Freese, J. (2001), *Mixed Prospects for Satellite Communications in the Asia Pacific Region*, *Pacific Telecommunications Review*, 22(1):226.
- Karhigesu, R. (1994), *Broadcasting Deregulation in Asian Nations*, *Media Culture, & Society*. 16(1)73-90.
- Man Chan, J.(1994), National Responses and Accessibility to STAR TV in Asia, *Journal of Communication*, 44(3):112-131.
- McQuail, D. (1994), *Mass Communication Theory*. 3rd ed, London:sage.
 - Negroponete, N.(1995), *Being Digital*. New York: Knopf.
 - Nickelson, R.(2001), *Satellite Systems for the Next Decade*, *Pacific Telecommunications Review*, 22(1):39-48.
- Pristua, R.H. (1993), *Policy Research*, in Roger Wimmer & R.J. Domick (eds). *Mass Media Research*, Belmont, Calif: Wadsworth Publishing.
- Rheingold, H.(1993), *The Virtual Community: Homesteading on the Electronic Frontier*. Reading, Mass: Addison Wesley.
- Siune, K. & McQuail, D.(1986), *Media Policy in Transition*, in Denis McQu & K Siune (eds) *New Media Politics: Comparative Perspectives in western Europe*, London: Sage.
- Slack, E. (2001), A Brief History of Satellite Communications, *Pacific Telecommunications Review*, 22(1):7-21.
- UNESCO (1997), *World Communications Report: The Media and Challenges the New Technologies*. Paris: UNESCO.

- UNESCO (1999), *World Communication & Information Report*. Paris. UNESCO.
- Wilhelm, A.G.(2000), *Democracy in the Digital Age: Challenges to Political Life in Cyberspace*. New York: Routledge.
- Williams, F.(1987), *Technology and Communication Behavior*, Belmont, Wadsworth.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این خصوص، برای مثال نک: UNESCO (1999,1997); Williams (1987)
۲. نک: کاستلز (۳ ج، ۱۳۸۰)؛ مک‌کوایل (۱۳۸۰)
۳. نک: کاستلز (۳ ج، ۱۳۸۰)؛ Rheingold (1993)
۴. در این خصوص، به عنوان نمونه، نک: Dyson (1997); Negroponte (1995)
- Wilhelm (2000)
۵. برای مثال، نک: Barber, (1998)
۶. برای مثال، نک: Pairstua (1986); Siune McQuail (1986); Man Chan (1994); (1993)
۷. در خصوص سیاست‌ها و قوانین بین‌الملل ماهواره سازمان‌های زیر نقش مهمی بر عهده دارند: اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU)؛ کمیته ماوراء جو سازمان ملل (UNOSC)؛ سازمان جهانی حقوق معنوی (WIPO)؛ کنفرانس جهانی مدیریت رادیویی (WARC)؛ یونسکو؛ و سازمان ملل اجلاس عمومی
۸. بر اساس این ضرورت، وزارت پست و تلگراف و تلفن و نیز سازمان صدا و سیما فعالیت‌های وسیعی در سازمان‌ها و کنفرانس‌های جهانی داشته‌اند. سازمان صدا و سیما از پاییز سال ۱۳۷۶ یک گروه مطالعات حقوقی را مشغول مطالعه حقوق بین‌الملل مربوط به پخش مستقیم، ماهواره‌ای کرده است. تا به حال، دو جلد گزارش از این گروه با عناوین «حقوق بین‌الملل و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای» و «چالش‌های حقوقی پخش مستقیم

برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام ملی و بین‌المللی» توسط انتشارات سروش، هر دو در سال ۱۳۸۰، منتشر شده است.

۹. نک: Guilenburg & Slaa (1993)
۱۰. نک: McQuail(1994); Collins (1994); Pristua (1993)
۱۱. Man chan (1994); Humphreys(1996)
۱۲. نک: McQuail (1994)
۱۳. برای مثال، نک: Slack (2001)
۱۴. برای مثال، نک: Johnson-Freese(2001)
۱۵. نک: Collins (1990)
۱۶. نک: Man chan (1994)
۱۷. نک: Nichelson (2001)
۱۸. نک: Johnson-Freese (2001)
۱۹. نک: Kathigesu (1994); man chan (1994)
۲۰. در این بخش از منابع متعدد بسیاری استفاده شده و از این رو، برای هر مورد منابع خاصی ارائه نشده است.
۲۱. صدا و سیما (۱۳۷۳)، *نظرسنجی از مردم تهران درباره ماهواره*.
۲۲. واحد سنجش افکار مرکز تحقیقات صدا و سیما (دی ۱۳۷۳)، *نظرسنجی درباره ماهواره*.
- ماهواره.**
۲۳. صدا و سیما (۱۳۷۶)، *بررسی نگرش مردم نسبت به استفاده از ماهواره*.
۲۴. برای مثال، نک: مؤسسه ملی پژوهش افکار عمومی (۱۳۸۰) *بهره‌مندی و نگرش مردم نسبت به ماهواره*. خلاصه‌ای از این گزارش در روزنامه نوروز ۱۳۸۰/۱۲/۲۰ منتشر شده است.

ماهواره و مسئولیت نهادهای اجتماعی

دکتر شهلا کاظمی پور

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

اشاره

به گفته بسیاری از اندیشمندان، مهم‌ترین عاملی که چهره قرن بیست و یکم و شیوه زندگی فرزندان ما را تعیین خواهد کرد، فناوری است که به ویژه در زمینه ارتباطات در صدد است تا جهانی متفاوت با آنچه که می‌شناسیم بنا کند. پیشگامان دنیای آینده مدت‌هاست که به زندگی ما راه یافته‌اند و ماهواره‌های بین‌المللی که برنامه‌های آنها به طور مستقیم از طریق گیرنده‌های خانگی دریافت خواهد شد نیز در راهند. دگرگونی مهمی که در پی این اتفاق رخ خواهد داد، به ویژه در کشورهای جهان سوم چنان اهمیت دارد که نه فقط دولتمردان بلکه همه ما باید به آن بیندیشیم.

امواج ماهواره‌ای با قانون، مقررات و ابزار رسانه‌ای موجود قابل کنترل نیست. بنابراین، سیاست استفاده صحیح از آن باید مدنظر مدیران و برنامه‌ریزان جوامع از جمله مدیران و برنامه‌ریزان کشور ما باشد.

امواج ماهواره‌ای مانند تمام پدیده‌های وارداتی و تحمیلی «دو وجهی» خواهد بود که یک لبه آن درمان‌گر و لبه دیگر آن برنده است. سازمان‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی - فرهنگی جامعه ما باید با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صحیح و سازمان‌یافته، به تقویت لبه درمان‌گر این امواج توجه و از طریق دریافت، تقویت و توسعه برنامه‌های علمی و آموزشی و حتی تفریحی و سرگرم‌کننده به توسعه همه جانبه اقتصادی - اجتماعی جامعه کمک کنند.

مقدمه

انسان از دیرباز در پی برقراری ارتباط با دنیای اطراف خود بوده و کوشیده است تا به هر طریق با انسان‌ها در سرزمین‌های دیگر ارتباط برقرار کند. برقراری ارتباط انسان در طول اعصار گذشته به گونه‌ای متفاوت و با علائم و وسایلی چون دود، آتش، تیر و کمان، چاپار و غیره بود و انسان همواره در راه تکامل این ارتباط و تنوع وسایل ارتباطی گام برداشته است.

تلاش‌هایی که انسان برای برقراری ارتباط وسیع با پیرامون خود به عمل می‌آورد از نیمه دوم قرن ۱۸ با به کارگیری و ابداع مورس «تلگراف» و سپس در قرن ۱۹ با تلفن، در قرن بیستم با تلکس و فاکس و ماهواره‌های ارتباطی و گسترش آن از طریق صدا و تصویر مردم را روز به روز بیشتر، به هم نزدیک کرده است.

ماهواره به عنوان شاخص‌ترین ابزار فنی فضایی در زمینه‌های مختلف از قبیل اطلاع‌رسانی، ارتباطات، زمین‌شناسی، هواشناسی، کشاورزی و کاربردهای نظامی، تأثیر بسیاری را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها دارا است و این امر به خصوص در زمینه ارتباطات بسیار محسوس است. پیدایش و توسعه ارتباطات ماهواره‌ای در حقیقت حاصل توسعه دو رشته متفاوت علوم الکترونیک و علوم فضایی است و مردم جهان، این توسعه و پیشرفت را مدیون فعالیت‌های پیشگامانی هستند که در این دو رشته کار کرده‌اند.

تعدادی از صاحب‌نظران موافق توسعه ماهواره‌ها و تلویزیون‌های ماهواره‌ای هستند و معتقدند که این فناوری به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کمک می‌کند و عده‌ای دیگر چنین اعتقادی ندارند و پیش‌بینی می‌کنند که تلویزیون‌های ماهواره‌ای بیشتر در دست قدرت‌های بزرگ سیاسی - اقتصادی است و به اشاعه فرهنگ غربی کمک می‌کند.

آنچه در این راستا می‌توان گفت این است که کنترل امواج ماهواره‌ای با قانون، مقررات و ابزار رسانه‌ای موجود ممکن نیست. بنابراین سیاست استفاده صحیح از آن مدنظر اکثر مدیران و برنامه‌ریزان جوامع است. در کشور ما نیز با توجه به مسائل فوق باید برای استفاده صحیح از این فناوری جدید و دستاوردهای علمی، فنی و فرهنگی آن برنامه‌ریزی کرد.

نهاده‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی مانند خانواده، نهاد آموزش و پرورش، نهاد مذهب و تمامی سازمان‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی باید با بازنگری در وظایف و مسئولیت‌های خود به نحوی عمل کنند که استفاده از امواج ماهواره‌ای در جامعه ما با بار مثبت همراه باشد و به توسعه همه جانبه جامعه کمک کند.

طرح مسئله

نخستین ماهواره‌های تقویت امواج تلویزیونی مانند «اسپوتنیک» (۱۹۵۷) و «تله‌استار» (۱۹۶۲) که در مدار کره زمین قرار گرفتند، نشانه محسوسی از توسعه فناوری و دستیابی بشر به قلمرو جدیدی از دانش و فن بود که گشایش دوره نوینی را در زندگی بشر نوید می‌داد. این مرحله جدید که حاصل پویایی اندیشه و ذهن خلاق انسان قرن بیستم تلقی می‌شود شرایط تازه‌ای از زندگی مشترک جامعه جهانی را در برابر او می‌گذارد که «عصر تلویزیون جهانی»، (Mondovision) نام گرفته است.

بی‌گمان، این تعبیر اهمیت بنیادین و همه جانبه وسایل ارتباط جمعی، به خصوص تلویزیون را در سرنوشت مردم جهان نشان می‌دهد، به طوری که رویای «جامعه جهانی» مک‌لوهان که در دهکده‌ای بزرگ مانند قبیله‌ای واحد زندگی مشترکی را پی می‌گیرند هر روز به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود و امیدها و یاس‌هایی را از پس خود برای طبقات گوناگون ملل جهان به ارمغان می‌آورد.

در این عصر که انسان‌ها باید در «سطح سوم فرهنگ»، زندگی دیگری را آغاز کنند، مسائل ناشناخته و نهفته فراوانی وجود دارد و امیدها و بیم‌های فراوانی متوجه آن است (معمدنژاد، ص ۵۷).

فرهنگ در تاریخ بشر سه مرحله اساسی را پشت سر گذاشته و در عصر جدید در مرحله سوم آن واقع شده است. بشر در مرحله نخست فرهنگ، زندگی قبیله‌ای و قومی را تجربه کرد و در مرحله دوم، همزمان با پیدایش واژه «ملت» فرهنگ ملی، را آزمود ولی امروز در آغاز مرحله سوم آن قرار دارد؛ مرحله سومی از فرهنگ که آن را فرهنگ جهانی می‌نامند.

تحول فرهنگ در سیر تحول جوامع

معمولاً سه سطح فرهنگی را با عناوین «وحدت فرهنگی»، «تقویت فرهنگی» و «تثلیث فرهنگی» در سیر تحول جوامع می‌توان مشاهده کرد.

۱- وحدت فرهنگی:

در اجتماعات اولیه، انسان‌ها در جوامعی مانند قبایل، کلان‌ها، تیره‌ها و طوایف در شرایط اقلیمی مشخص و مشترکی زندگی می‌کردند که به طور کلی به واسطه عوامل نسبی و سببی به هم پیوند می‌خوردند. خون و عامل عصیبت ارکان موجدۀ جوامع شناخته می‌شد. محور استمرار بخش اجتماعی،

سنن و آداب و رسومی بود که در طول قرن‌ها و سال‌ها مردم قبیله یا کلان به آنها اعتقاد داشتند. در چنین جوامعی، روابط متقابل انسان‌ها، آداب و رسوم، سنن، هنجارها و ارزش‌ها، سیستم فرهنگی هر اجتماعی را تشکیل می‌داد. نظام فرهنگی حاکم در این نوع اجتماعات دارای ریشه‌های قومی، اعتقادی، سمبلیک و مقدس بود. در این جوامع، فرهنگ چنان استیلا و حاکمیتی بر اعضای اجتماع داشت که همگان دارای نوعی سیره فرهنگی واحد بودند. در واقع، هر فردی از هر اجتماعی سبیل رفتار فرهنگی کلیه اعضای آن اجتماع محسوب می‌شد. «شخصیت نمایی» اجتماع به راحتی قابل

نهادها و سازمان‌های متعلق اجتماعی
مانند خانواده، نهاد آموزش و پرورش، نهاد
مذهب و تمامی سازمان‌های فرهنگی.
اقتصادی و اجتماعی باید با بازنگری در
وظایف و مسئولیت‌های خود به نفع
عمل کنند تا استفاده از امواج ماهواره‌ای
در جامعه ما با بار مثبت همراه باشد و به
توسعه همه جانبه جامعه کمک کند.

انتخاب و تشخیص بود. چنین حالتی که مسیر فرهنگی واحدی بر همه اعضای یک اجتماع حاکمیت دارد «یگانگی فرهنگی» یا «وحدت فرهنگی» خوانده می‌شود (ساروخانی، ص ۱۰۰).

۲- ثنویت فرهنگی:

به تدریج که از عمر زندگی‌های قبیله‌ای و کلانی می‌گذشت، روابط محدودی میان قبایل و کلان‌های همجوار ایجاد می‌شد. در اثر هجوم و گریز و جنگ، عناصر فرهنگی میان طرفین رد و بدل می‌شد. با تأسیس حکومت‌های مرکزی، همه قبایل و ایلات مجبور بودند که تحت فرمان حکومت مرکزی باشند و از مرزهای سیاسی مشترک محافظت کنند، ولی با وجود حکومت‌های مرکزی قوی، حالت قومیت و قبیله‌گرایی حاکم بود و هنوز مفهوم «ملت» و «دولت» به معنای امروزی آن شکل نگرفته بود. در قرون متأخر، در اثر تغییراتی که در کشورهای اروپایی به وجود آمد و شرایط فرهنگی

قرون وسطی به تدریج جای خود را به نظام فرهنگی جدیدی داد، مفاهیم «ملت» و «دولت» به تدریج شکل گرفتند. دیواره‌های سخت فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای فرو ریخت و فرهنگ‌های قبیله‌ای و اقوام مختلف که در یک سرزمین به اسم کشور زندگی می‌کردند در هم ادغام شدند. با ادغام فرهنگ‌های قبیله‌ای، فرهنگ‌های ملی به تدریج شکل گرفت. بدین گونه، فرهنگ جدیدی از ادغام و تبادل عناصر فرهنگ‌های قبیله‌ای تأسیس شد که ما امروز آن را «فرهنگ ملی» می‌نامیم.

«فرهنگ ملی» ثمره تبادل و تعامل فرهنگ‌های «قومی - قبیله‌ای» است که در طول تاریخ اجتماعات، با هم ادغام شده‌اند یا حتی عناصر فرهنگی جدیدی را هم تولید کرده‌اند و سرانجام نظام فرهنگی جدیدی به اسم «فرهنگ ملی» به وجود آمده است.

با تأسیس فرهنگ‌های ملی روابط متقابل انسان‌ها توسعه یافت و روز به روز پیچیده‌تر شد. به همین جهت، دولت یا به عبارت دیگر «دولت رفاه» جای حاکمیت‌های نظامی و حاکمان جنگاور را گرفت.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «فرهنگ ملی» ثمره تبادل و تعامل فرهنگ‌های «قومی - قبیله‌ای» است که در طول تاریخ اجتماعات، با هم ادغام شده‌اند یا

حتی عناصر فرهنگی جدیدی را هم تولید کرده‌اند و سرانجام نظام فرهنگی جدیدی به اسم «فرهنگ ملی» به وجود آمده است.

با توجه به اینکه در نظام فرهنگ ملی هم لایه‌هایی از فرهنگ‌های قومی - قبیله‌ای وجود دارد و هم عناصر جدید ملی ایجاد شده‌اند نوعی دوگانگی فرهنگی یا «ثنویت فرهنگی» به چشم می‌خورد. ثنویت فرهنگی به معنای ستیز دو فرهنگ مذکور نیست و بدون کم‌ترین مشکلی، این فرهنگ‌ها به حیات خویش ادامه می‌دهند چنانکه در جامعه ما مفاهیم قومی مانند فارس، ترک، کرد، لر و همدیگر را مشخص می‌سازند (همان، ص ۱۰۴).

بنا به قول جامعه‌شناسان سیاسی، دو مفهوم کلیدی «ملت» و «دولت» اساس فرهنگ‌های ملی هستند و فرهنگ ملی محصول ادغام فرهنگ‌های قومی و تولد عناصر جدید فرهنگی است.

۳- تثلیث فرهنگی یا سطح سوم فرهنگ:

در شرایط کنونی جهان، دیواره فرهنگ‌های ملی شروع به ریزش کرده‌اند. فرهنگ‌های ملی از دایره خود آزاد شده‌اند و در فضای وسیع‌تری، فرهنگی نو را تأسیس می‌کنند. اگر توجه کنیم در اینجا سخن از

«التقاط صوری» فرهنگ‌ها نیست، بلکه سخن از ادغام عمیق فرهنگ‌هاست که عناصر فرهنگی جدید به صورت یک کاسه، نظام فرهنگی نوئی را ایجاد می‌کنند و بدین وسیله، جهان در آغاز راه سطح سوم فرهنگ یا تثلیث فرهنگی واقع شده است.

در سطح سوم فرهنگ، فرهنگ‌های قبیله‌ای، ملی و جهانی در کنار هم به مرحله «همزیش» و دوستی می‌رسند و از مرحله مجادله و تقابل خارج می‌شوند. برای پیدایی کامل فرهنگ جهانی یعنی «سطح سوم فرهنگ» آمادگی روحی - فکری ملت‌های مختلف دنیا ضروری است. روح ملت‌ها باید به مرحله‌ای از «پالایش روانی» برسد که دیگر ستیز فرهنگ‌ها را پدیده‌ای مذموم تلقی نکند و به وحدت و نزدیکی انسان‌ها ایمان پیدا کنند. اگر ملت‌ها به چنین پالایش فکری - روحی دست نیابند، فرهنگ جهانی، چیزی در حد یک شعار باقی خواهد ماند و هرگز چنین فرهنگی متولد نخواهد شد.

در عصر حاضر، وسایل ارتباط جمعی به ویژه ماهواره‌های پخش مستقیم، عامل این «عمل فرهنگی» هستند. تلویزیون جهانی، زبان مشترک «فرهنگ جهانی» می‌شود. یکی از ویژگی‌های حضور ماهواره‌های تلویزیونی در عرصه جهان، ایجاد و برقراری ارتباطات فرهنگی بین ملل است به شرطی که کاربرد عمیق ماهواره‌های تلویزیونی به طور دقیق شناخته شود (همان، ص ۱۰۸).

تحول فرهنگی و تلویزیون ماهواره‌ای

با حضور ماهواره، تبادل فرهنگی بین ملل مختلف عمق بیشتری پیدا می‌کند و شرایط جدیدی در جهان به وجود می‌آید و مسئله استقلال فرهنگی ملل با شرایط جدید مطرح می‌شود. برای مثال، یک فرانسوی با یک اتریشی در اروپا بسیار متفاوت است. اگر به سیر تحول جامعه بشری نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که تحولات فرهنگی همیشه تحت تأثیر ابزارها بوده‌اند، اما ابزارها زمانی فرهنگ‌ها را تغییر می‌دهند که پویایی متناسب با سیر تحول تاریخی را داشته باشند. فرهنگ پویا هیچگاه با ابزارهای ضعیف محو نمی‌شود.

اگر فارغ از پیش‌داوری و از دید واقع‌گرایانه به موضوع توجه کنیم، هر چند که جهان آینده عرصه تاخت و تاز ماهواره‌ها باشد و فناوری کشورها نتواند بر ورود امواج بیگانه به گیرنده‌های خانگی اثر کند، عصری که پیش روی ماست دو چهره متضاد خواهد داشت. از یک طرف، به واسطه تأثیر شگرف رسانه‌های لجام گسیخته و جهان‌بینی صاحبان این وسایل با ارزش‌های «دنیای صنعتی»، به سرعت

پیوندهای معنوی و فرهنگی گذشته مورد تهدید قرار خواهند گرفت، که این ویژگی برای انسان جهان سومی شکننده است. از طرف دیگر، این ره‌آورد که حاصل پویایی اندیشه بشری است درک وسیعی را از دگرگونی‌های جامعه جهانی ایجاد کرده و انسان را در ارتباط منطقی با فرهنگ، تاریخ و دستاوردهای نو و دگرگونی‌های فرهنگی حاصل از آن قرار خواهد داد.

تحت هر شرایطی، تصور از این تحول جدید و ناخواسته در جامعه آینده جهان سوم، همانند تمامی

پدیده‌های وارداتی و تحمیلی «دو وجهی» خواهد بود که یک لبه آن درمان‌گر و لبه دیگر آن برنده است.

یکی از ویژگی‌های مضمون ماهواره‌های تلویزیونی در عرصه جهان، ایجاد و برقراری ارتباطات فرهنگی بین ملل است به شرطی که کاربرد عمیق ماهواره‌های تلویزیونی به طور دقیق شناخته شود.

ماهواره و مسئولیت نهادهای اجتماعی در ایران

در سال‌های اخیر، جامعه ما نیز در جریان امواج ماهواره‌ها قرار گرفته است و به تدریج عصر تلویزیون جهانی را تجربه می‌کند. در این میان، توجه به نقش اساسی و تعیین‌کننده

برنامه‌های تلویزیون جهانی که از آن سوی مرزها به سوی ما می‌آیند قابل تأمل و تدقیق است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که تلویزیون ماهواره‌ای، شمشیر دو دمی است که استفاده ناشیانه از آن می‌تواند به استفاده‌کننده آسیب برساند (ماهنامه گزارش، ص ۵۷).

جامعه ما با ورود امواج تلویزیون جهانی در شرایط ویژه‌ای واقع می‌شود که برای درک و هضم صحیح آن نیاز به اتخاذ روش‌های نوین و تجدید نظر اساسی در روش‌های گذشته دارد. نهادها و سازمان‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی باید با برنامه‌ریزی صحیح، استفاده مناسب از برنامه‌های ماهواره را برای جامعه ما هموار کنند.

چنانکه به اعتقاد مارشال مک‌لوهان نظام‌های آموزش و پرورش و دانشگاهی کشورها و جوامع کنونی هنوز در مرحله کهکشانی گوتنبرگی هستند و لازم است در محتوای این سازمان‌ها، انقلابی دیگر به تناسب عصر ارتباط الکترونیک ایجاد شود. همین وسایل ارتباط جمعی رسالت عظیم تغییر نسل‌ها و تبدیل فرهنگ‌ها را باید بر عهده داشته باشند (آدینه، ص ۹).

اینکلز (Inkeles) و اسمیت (Smith) عوامل متعددی را در پرورش انسان مدرن و توسعه یافته بر می‌شمرند که مهم‌ترین آنها تحصیلات و در معرض رسانه‌ها بودن است. نهادها و سازمان‌های اجتماعی در جامعه ما باید در مقابل امواج و تلویزیون ماهواره‌ای دو نوع فعالیت و اقدام را مدنظر قرار دهند:

۱- گسترش ارتباطات فرهنگی با جوامع دیگر و سنجش نیازهای آحاد جامعه در سطوح مختلف سنی، جنسی و تحصیلی در صورت گسترش ارتباطات بین فرهنگی.

۲- بازنگری در کارکرد و انواع وظایف و فعالیت‌های خود، تجدید نظر سازمانی در ساختار و تشکیلات سازمانی و تقویت زیرساخت‌های استفاده از فناوری‌های توسعه یافته و مدرن.

نیل‌پستمن در کتاب تکنوپولی روش مقابله و مکانیسم‌های دفاعی را بیان کرده است و از زوایای مختلف خطرات یورش‌های اطلاعات را به جوامعی برشمرده است که به ارگان‌های تدافعی مجهز نشده‌اند. وی می‌گوید زمانی رسیده است که هر چه به ما بگویند باور می‌کنیم چون دلیلی برای باور نکردن نداریم. آن چنان در غرقاب و در گرداب رودخانه اطلاعاتی قرار گرفته‌ایم که قدرت تمییز را از دست داده‌ایم. او در ادامه بحث‌های خود راه‌های مقابله با این تهاجم را نشان می‌دهد (پستمن، ص ۱۰۲). به نظر او ارگان‌هایی که می‌توانند عکس‌العمل مطلوب انسان و جامعه را در برخورد با تنش‌های اطلاعاتی و جریان سریع اطلاعات تضمین کنند عبارتند از:

۱- خانواده

۲- نظام آموزشی

۳- ارگان‌های مذهبی و نهادهای تربیتی اخلاقی و فرهنگی

۴- ارگان‌های قضایی

۵- احزاب و دستجات کوچک و بزرگ سیاسی، فرهنگی، هنری و نظایر آن

۶- و اصولاً هر تشکل و اجتماعی که دارای ضابطه‌ای فکری و التزامات عملی برای اعضای خود هستند.

- در یک خانواده افراد به دلیل تعلقات عاطفی و فرهنگی و برخورداری نسبی از معیارهای اخلاقی و تربیتی و عقیدتی از نوعی وسیله دفاعی و ارگان تشخیص صلاح از غیرصلاح بهره‌مند هستند که آنان را در مواجهه با یک جریان یا یک حرکت اطلاعاتی یاری می‌رساند. بنابراین از نقش نظارت‌های خانوادگی بر جریان سریع اطلاعات نمی‌توان غافل شد و هر چه جامعه ما بتواند در تحکیم بنیان‌های خانواده

بکوشد به نحو بهتری می‌تواند در جریان برخورد با تلویزیون‌های ماهواره‌ای و دریافت صحیح از آنها گام بردارد.

- نظام آموزش و پرورش و محتوا و ساختار آن نیز با شکل دادن به فکر و اندیشه و تربیت روحی و جسمی جوانان معیارهایی دیگر در اختیار آنان می‌گذارد که در برخورد با جریانی مغایر و ناهماهنگ با آن معیارها، عکس‌العمل مناسب را باعث خواهد شد.

هر چه جامعه ما بتواند در تکمیل
بیان‌های فناورانه بکوشد به نحو
بهتری می‌تواند در جریان برخورد با
تلویزیون‌های ماهواره‌ای و
دریافت صحیح از آنها گام بردارد.

نظام‌های آموزشی در جریان استفاده صحیح از برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای نقش بسیار اساسی و مهمی دارند؛ از یک طرف، باید به بازنگری و بازسازی روش‌های آموزشی پرداخت تا جامعه ما از دانش و فناوری نوین عقب نماند و از طرف دیگر باید روش‌های مناسب استفاده از برنامه‌ها و پیام‌ها را برای توانمندی‌های نوجوانان و جوانان جامعه انتخاب و ترویج کرد.

- احزاب و دستجات سیاسی نیز با پذیرفتن و پرورش اعضای خود به خط‌مشی‌ها و الزامات و عقاید و نگرش‌های خاص، نوع برخورد افراد را با جریانات اطلاعاتی معین می‌کنند.

نهادهای و سازمان‌های مختلف اجتماعی و به خصوص مدیران و برنامه‌ریزان جامعه مسئولیت و رسالت سنگینی در برخورد با امواج ماهواره‌ای و چگونگی استفاده صحیح از آن را در کشور ما بر دوش دارند. پست‌من در ادامه بحث‌های خود اضافه می‌کند که باید فناوری و رسانه‌های جمعی را در شکل محتوای آنها تحت نظر داشته باشیم و هر فرد از افراد جامعه را باید به گونه‌ای ساخت که بدون کوچک‌ترین ابهامی موارد زیر را باور داشته باشد:

۱- هر فرهنگی برای هر تکنیکی بهائی می‌پردازد.

۲- فواید و زیان‌های یک فناوری با یک پدیده صنعتی یکسان نیستند و در سطح جامعه نیز یکسان تقسیم نمی‌شوند.

۳- هر پدیده صنعتی جهان‌بینی خاص خود را داراست.

۴- پدیده‌های صنعتی بر سر تثبیت حاکمیت خود با یکدیگر در رقابت هستند.

۵- وقتی یک پدیده صنعتی وارد جامعه‌ای می‌شود خود را در کنار سایر عناصر آن جامعه قرار نمی‌دهد بلکه مجموعه عناصر را از درون تغییر می‌دهد.

۶- تمایل ذاتی هر فناوری آن است که حالت و خصلت اساطیر و خداگونگی بیابد و جزئی جدانشدنی از اجزای طبیعی عالم قلمداد شود.

۷- آگاهی و وقوف بر تفاوت بین فناوری و رسانه‌های ارتباط جمعی ما را یاری می‌رساند تا بر محتوا و پیام‌های رسانه‌ها کنترل داشته باشیم و تحولات اجتماعی ناشی از آنها را به طور کامل در اختیار خود نگاه داریم.

پستمن در جمع‌بندی نهایی خود می‌گوید: « من مدعی نیستم که این هفت هشدار هفت ستونی نیستند که سقف و بنای ساختمان خرد و اندیشه ما را استوار می‌سازد و یا شکل می‌دهد، بلکه معتقدم و امیدوارم که اگر بتوانیم کودکان خود را از همان سنین خردسالی با توجه و عنایت به این هفت موضوع پرورش دهیم و آنها را در برابر خطرات افسارگسیختگی رسانه‌های ارتباطی واکسینه کنیم» تا بتوانیم جامعه را اعتلا ببخشیم.

ارگان‌های هدایت و رهبری جامعه باید در نظام‌ها و برنامه‌های آموزشی - در همه مقاطع تحصیلی - و نیز برنامه‌های تلویزیونی و تبلیغاتی خود، پیوسته به تقویت بنیه‌های علمی، فکری و اخلاقی نوجوانان و جوانان بپردازند (پستمن، ص ۸۴).

منابع

- _ Abrahamsson, k (1982) Knowledge gap, Bureaucracy and Citizen Participation,: Towards Alternative Communication Models. In: *Communication Review*.
- _ Heller, P.B; (1985) *Technology Transfer & Human Values: concepts, Applications cases*: NewYork: University press of America.
- _ Berseford.P (1997) The Last Social Division, Revisiting the Relationship Between Social Policy, Its Producers, *in M,May,E. Soeial Policy Association*
- _ John Carter (1998), *studying social Policy after modernity*, London, Routledge.
- اسمیت، آنتونی. «ژئوپولیتیک اطلاعات»، ترجمه فریدون شیروانی، تهران، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

- کازنو، ژان. «جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی»، ترجمه منوچهر محسنی و باقر ساروخانی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، سال ۱۳۶۵.
- طباطبایی، صادق. «طلوع ماهواره و افول فرهنگ، چه باید کرد؟»، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- رشیدپور، ابراهیم. «ارتباط جمعی و رشد علمی»، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۸.
- معتمدنژاد، کاظم. «دنیای شگفت‌انگیز ارتباطات ماهواره‌ای»، «وسایل ارتباط جمعی»، تهران، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی. چاپ اول، ۱۳۵۵.
- هیوز، استیوارت. «آگاهی و جامعه». ترجمه عزت‌اله فولادوند، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، سال ۱۳۶۹.
- کاپلینسکی، رافائل. «تکنولوژی و توسعه در سومین انقلاب صنعتی»، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه، سال ۱۳۷۲.
- مولانا، حمید. «گذر از نوگرایی»، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
- مولانا، حمید. «جریان بین‌المللی اطلاعات»، ترجمه یونس شکرخواه، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱.
- پستمن، نیل. تکنوبولی، «فرهنگ در اسارت تکنولوژی»، ترجمه صادق طباطبایی، تهران، سروش، ۱۳۷۳.
- ساروخانی، باقر. «دایره‌المعارف علوم اجتماعی»، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۷۰.
- ساروخانی، باقر. «جامعه‌شناسی ارتباطات»، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
- مجله رسانه، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، شماره ۱ سال ۱۳۶۹ و شماره ۱۱ سال ۱۳۷۹.
- مجله آزادگان، ماهنامه ستاد آزادگان، شماره ۶ و ۷، سال ۱۳۷۱.
- مجله آدینه، «امواج ماهواره‌ها به ما می‌رسد»، تهران، ۱۳۶۹، شماره ۴۸.
- ماهنامه گزارش، تهران، ۱۳۸۰، شماره ۱۲۸.

موانع قانونمندی پخش تلویزیونی ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل

دکتر غلامرضا رفیعی

وکیل پایه یک دادگستری

اشاره

علی‌رغم افزایش خیره‌کننده تعداد کانال‌های تلویزیونی که از طریق ماهواره‌ها اقدام به پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای پخش اعظمی از کشورهای دنیا و یا حتی تمام کشورهای دنیا می‌کنند و علی‌رغم افزایش روزافزون تعداد کشورهای که وارد قلمرو پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به عنوان مهم‌ترین رسانه جهانی روز دنیا شدند، متأسفانه تاکنون جامعه جهانی نتوانسته است پدیده «پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای» را به عنوان یکی از موضوع‌های مهم ارتباطات و حقوق بین‌الملل قانونمند کند.

این مسئله، یعنی قانونمند نبودن پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل به بروز مسائل و مشکلاتی در عرصه ارتباطات و حقوق بین‌الملل منجر شده است که اگر همچنان ادامه یابد قطعاً در آینده به مشکلات و مسائل بیشتری در جامعه جهانی دامن خواهد زد و علاوه بر خدشه‌دار کردن سلامت ارتباطات بین‌المللی حتی صلح و امنیت بین‌المللی را نیز به مخاطره خواهد افکند. بیان این نکته به معنای آن نیست که جامعه جهانی (دولت‌ها و مجامع بین‌المللی) به مقوله ضرورت قانونمند کردن پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای توجهی نداشته‌اند و برای حصول به این هدف اهتمامی نورزیده‌اند؛ بلکه همان‌گونه که در ادامه این مقاله خواهد آمد تقریباً تمامی تلاش‌های دولت‌ها و مجامع بین‌المللی برای قانونمند کردن پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در حقوق بین‌الملل به موانعی برخورد کرده است که دست

یافتن به این هدف را تا حد زیادی دشوار می‌سازد. در این مقاله، موانع و دلایل ناکامی جامعه جهانی در خصوص عدم تصویب کنوانسیون یا معاهده جامع و خاصی که متضمن تمامی جنبه‌های پخش تلویزیونی ماهواره‌ای باشد به ترتیب در چهار مبحث تحت عنوان مسائل سیاسی، حقوقی، فرهنگی و فنی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا هم با وقوف بر این مسائل و موانع، سیاست‌های کلان ملی در خصوص پخش و دریافت برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای با مطالعه و احتیاط بیشتری تدوین شود و هم با استفاده از ابزارها و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل ملی و بین‌المللی در شکل‌گیری و قانونمندی حاکم بر پدیده مهم پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در حقوق روابط بین‌الملل مشارکت داشته باشیم.

در پایان این اشاره کوتاه باید یادآور شد که نگارنده به هیچ وجه معتقد نیست تاکنون هیچ معاهده یا کنوانسیونی که ولو به طور جزئی به مقوله «پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای» پرداخته باشد تنظیم نشده است زیرا غیر از کنوانسیون ۱۹۳۶ ژنو که مبین اصول حقوق بین‌الملل عام در خصوص پخش برنامه‌های رادیویی است^۱ معاهدات فضا و بعضاً معاهدات دیگری نیز وجود دارند که به صورت جزئی به بعضی از جنبه‌های پخش تلویزیونی ماهواره‌ای پرداخته‌اند اما صرف نظر از این که بین دولت‌ها و حقوقدانان اختلافات جدی‌ای در خصوص شمول برخی از کنوانسیون‌های مذکور بر این امر وجود دارد، وضعیت فعلی حکایت از آن دارد که این کنوانسیون‌ها پاسخگوی اکثر قریب به اتفاق مسائل و جنبه‌های حقوقی، سیاسی، فرهنگی و حتی فنی مسئله نیستند و تلاش‌های جامعه جهانی نیز به دلیل موانعی که موضوع بحث این مقاله است تاکنون منجر به وفاق عام دولت‌ها نشده است.

مبحث اول: مسائل سیاسی

بدون شک سهم مسائل و علل سیاسی در توفیق نیافتن جامعه بین‌المللی در زمینه تصویب یک معاهده حاکم بر پخش تلویزیونی ماهواره‌ای یا به عبارت دیگر، عدم توفیق در قلمرو حقوق قراردادی را نباید نادیده گرفت. البته در مقام بیان علل و موانع سیاسی نیز نباید آنقدر اغراق کرد اما حتی در بررسی

علل و موانع حقوقی و فرهنگی نیز رد پای انگیزه‌های سیاسی کاملاً مشهود و ملموس است. از این رو در این مبحث سعی خواهد شد در مقام بیان مسائل سیاسی، عمده‌ترین مسائل مذکور که از نظر نگارنده مستنبط از سیر تحولات مربوط به پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای است با رعایت اختصار بیان شود.

الف) اختلافات سیاسی

موضوع اختلافات سیاسی کشورها به عنوان یکی از موانع قانونمندی، حتی به اجلاس سازمان‌هایی چون سازمان کشورهای غیرمتعهد نیز کشیده شده است زیرا در گرماگرم مباحث حقوقی مربوط به آن، مسائلی مانند سر برافراشتن امپریالیسم جدید خبری، فراهم آوردن زمینه‌های دخالت در امور داخلی کشورهای در حال توسعه و تبلیغ نقض حقوق بشر در آن کشورها از طریق ماهواره‌ها مطرح شد که شاید همچنان نیز به

می‌توان اختلافات سیاسی دولت‌ها را به عنوان یکی از موانع مهم عدم پذیرش و تصویب معاهده‌ای فراگیر در فصول پیش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای برشمرد.

انگیزه مخالفت کشورهای فاقد فناوری فضایی با جریان آزاد اطلاعات و تفسیر آزادی بی‌حد و حصر آن قابل طرح باشد. از این رو می‌توان اختلافات سیاسی دولت‌ها را به عنوان یکی از موانع مهم عدم پذیرش و تصویب معاهده‌ای فراگیر در خصوص پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای برشمرد.

ب) تفکر یا ایدئولوژی ضدیت با کمونیسم

در چند دهه گذشته، وجود تفکر یا ایدئولوژی ضدیت با کمونیسم یکی از عمده‌ترین موانع بر سر راه وفاق عام دولت‌ها برای تصویب یک کنوانسیون فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای بوده است، زیرا به ویژه در زمان جنگ سرد و تا قبل از فروپاشی شوروی سابق، از منظر کشورهای بلوک غرب به ویژه سردمداران و طرفداران جریان آزاد اطلاعات، به رهبری ایالات متحده، کمونیسم به عنوان پست‌ترین عنصر شیطانی و بزرگ‌ترین دشمن مالکیت خصوصی محسوب می‌شده است، عنصری که همواره ریشه‌های طبقه قدرتمند کشورهای حوزه غرب را مورد تهدید قرار می‌داد. پس از آن که انقلاب‌های کمونیستی شوروی، چین و کوبا همچون خوره‌ای روحی، اشرافیت غرب را مورد آزار قرار

دادند، کشورهای بلوک غرب سعی کردند به رهبری امریکا با تبلیغ و جای انداختن اصل جریان آزاد اطلاعات به ویژه از طریق ماهواره‌ها، تضاد فیما بین و القائاتی همچون تعدی به حقوق انسانی در ممالک کمونیستی را به نحو برجسته‌ای نشان داده و به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول سیاست و ایدئولوژی غرب آب به آسیاب ضد کمونیسم بریزند. با این نیت که، این ایدئولوژی در نهایت به دلیل مبهم بودن مفهوم دشمن ارائه شده در آن و قابلیت به کارگیری علیه هر نظام، به بسیج مردم جهان علیه کمونیسم بیانجامد. البته فرجام جنگ سرد نشان داد کشورهای غربی که به رهبری دولت امریکا سرسختانه از جریان آزاد اطلاعات حمایت می‌کردند در نیل به این هدف تا چه حد موفق بودند.

در پند دههٔ گذشته، موجد تفکر یا ایدئولوژی
ضدیت با کمونیسم یکی از عمده‌ترین موانع بر سر
راه و ضائق عام دولت‌ها برای تصویب یک
کنوانسیون فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی
ماهواره‌ای بوده است.

غرب علی‌رغم مقاومت جدی شوروی و اقمارش، سرانجام توانست با استفاده از پخش برنامه‌های ماهواره‌ای و سایر رسانه‌ها ضدیت با کمونیسم را (به مثابه یک ماشین کنترل) به عنوان سلاحی برای ایجاد شکاف در اتحادیه‌های کارگری و جنبش چپ^۲ تبلیغ کند. این مسئله در چند دهه‌ای که از فعالیت کویوس و سایر سازمان‌های بین‌المللی می‌گذرد به دلیل آن که اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای بلوک شرق دقیقاً در نقطهٔ مقابل کشورهای بلوک غرب به رهبری ایالات متحده، به مقابله با اصل جریان آزاد اطلاعات پرداخته بودند، یکی از مهم‌ترین مسائل و عوامل سیاسی در عدم توفیق جامعه جهانی در نیل به معاهده‌ای فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای بوده است.

ج) دوگانگی در فعالیت‌های سازمان یافتهٔ تبلیغاتی ماهواره‌ای

آنچه علی‌رغم فروپاشی قدرت اول کمونیسم همچنان مانع مهمی بر سر راه تصویب یک کنوانسیون جامع و فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای و حتی در آینده‌ای نزدیک، اینترنت خواهد بود افزایش روزافزون پدیده دوگانگی و فعالیت‌های سازمان یافتهٔ تبلیغاتی توسط شبکه‌های قدرتمند پخش ماهواره‌ای است. به ویژه آن که در حال حاضر برآیند خصوصی‌سازی فعالیت‌های فضایی نیز این پدیده را تشدید می‌کند.

در این میان نباید راه‌اندازی شبکه‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای را که توسط چند کشور در حال توسعه از طریق اجاره، خرید و یا ساخت ماهواره‌های مشترک صورت می‌گیرد، خیلی برجسته و مهم جلوه داد زیرا دامنهٔ اخباری که این کانال‌های تازه تأسیس ماهواره‌ای پخش می‌کنند به قدری محدود است که هرگز همانند خبرهای کانال‌های ماهواره‌ای متعلق به کشورهای غربی به ویژه آمریکا به «خبرهای بزرگ روز» تبدیل نمی‌شوند.

ایجاد خبرهای بزرگ روز توسط شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای قدرتمند نتیجهٔ فعالیت‌های سازمان یافته‌ای است که از سوی دولت‌ها و سازمان‌های پر قدرت خصوصی آنها انجام می‌گیرد به طوری که

دامنهٔ افباری که کانال‌های تازه تأسیس ماهواره‌ای چند کشور در حال توسعه پخش می‌کنند به قدری محدود است که هرگز همانند خبرهای کانال‌های ماهواره‌ای متعلق به کشورهای غربی به ویژه آمریکا به «خبرهای بزرگ روز» تبدیل نمی‌شوند.

شبکه‌های تلویزیونی مذکور موفق شده‌اند دولت‌ها و سازمان‌های پر قدرت خصوصی خود را جزو صنایع موثق به حساب آورند و به سادگی فضا و برنامه‌های ماهواره‌ای رسانه‌های خبری را با مسائل مورد علاقه خود اشغال کنند. این در حالی است که ماهواره‌های تلویزیونی کشورهای تازه کار در استفاده از صنعت پخش تلویزیونی ماهواره‌ای (اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان) نتوانسته‌اند القاءات و پیام‌های اغلب نادرست و برخلاف واقع آنها را با اطلاع‌رسانی

صحیح و یا پخش برنامه‌های خود خنثی سازند و اگر هم در موارد محدودی تلاش‌هایی انجام داده‌اند بسیار دیر هنگام و بلااثر بوده است.

پدیده دوگانگی و فعالیت‌های سازمان یافته شبکه‌های قدرتمند ماهواره‌ای (متعلق به تعداد محدودی از کشورهای جهان) که به راحتی می‌تواند خطراتی جدی برای امنیت داخلی و بین‌المللی کشورهای مخالف خود ایجاد کند و یا چهره و وجهه یک دولت مشروع را در سطح جهانی نامشروع جلوه داده و یا کاملاً وارونه کرده و به صورت جدی تخریب کند، سبب شده است حتی کشورهایی که از ابتدا تاکنون در صف طرفداران اصلی جریان آزاد اطلاعات بوده‌اند و به طریق اولی، کشورهایی که مخالف اصل مذکور بوده‌اند اما با اجاره کانال‌های ماهواره‌ای و پخش برنامه‌های آن حداقل از نظر نفس پخش، مشمول قاعده استاپل شده‌اند، جرئت لازم را برای تصویب یک کنوانسیون فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای پیدا نکنند. استفاده از واژهٔ جرئت در این مقال تعمدی در بیان واقعیت امر است زیرا بسیاری از

دولت‌های طرفدار اصل جریان آزاد اطلاعات نیز نقش قابل توجهی در امپراطوری رسانه‌ای ماهواره‌ای ندارند.

در زیر برای نشان دادن پدیده شوم «دوگانگی در فعالیتهای سازمان یافته تبلیغاتی» به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود.

۱- پرداختن جدی وسایل ارتباط جمعی به ویژه ماهواره‌ها به مسئله شکنجه زندانیان سیاسی و حمله به اتحادیه‌ها در کشور ترکیه از دیدگاه فعالان حقوق بشر و گروه‌هایی که در سه دهه گذشته از قدرت سیاسی بالایی در کشورهای غرب (علیه دولت ترکیه) برخوردار بودند. در این زمینه باید یادآوری کرد که این مسئله راه‌اندازی شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای کردها را نیز که اعتراض و خشم دولت ترکیه را برانگیخت، در پی داشت.

۲- آرمانی محسوب شدن اقدامات رسانه‌ها به ویژه در خصوص اعتراض به وضعیت زندانیان سیاسی و تجاوز به حقوق اتحادیه‌ها در لهستان توسط دولت ریگان، محملی شد که از این طریق توانستند از نظر سیاسی ضربات جبران‌ناپذیری به اعتبار و وجهه حکومت کمونیستی لهستان وارد آورند.

**ایجاد فبرهای بزرگ روز توسط
شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای
قدرت‌مند نتیجه فعالیت‌های
سازمان یافته‌ای است که از سوی
دولت‌ها و سازمان‌های پر قدرت
فصوصی آنها انجام می‌گیرد.**

۳- تقسیم قربانیان سیاسی کشورهای مختلف جهان به قربانیان با ارزش و قربانیان بی‌ارزش؛ به نحوی که با استفاده از ماهواره‌ها و سایر رسانه‌های جمعی بر قبح تجاوز به قربانیان با ارزش تأکید کرده و قربانیان بی‌ارزش را فراموش می‌کنند. گویا کسی به آنها دستور داده است قربانیان مورد تجاوز کشورهای دشمن را مورد تأکید خاص خبری و رسانه‌ای قرار دهند و قربانیان کشورهای دوست را به فراموشی بسپارند.

از مهم‌ترین مصادیق قربانیان با ارزش و قربانیان بی‌ارزش می‌توان کشته شدن جوزی پوپیلیوسکو کشیش لهستانی را ذکر کرد که در سال ۱۹۸۴ توسط پلیس لهستان به قتل رسید. با ملاحظه در متون خبری آن زمان دنیای غرب به ویژه رسانه‌های امریکا وی را می‌توان یک قربانی با ارزش محسوب کرد چرا که در یک کشور کمونیستی به قتل رسیده بود نه در کشورهای تحت قلمرو غرب یا امریکا و امریکایی‌ها به بهانه «دفاع از انسان‌ها به طور اعم» این واقعه را در صدر اخبار رسانه‌های خود قرار دادند در حالی که انگیزه آنان تأکید بر کشیش بودن مقتول، کمونیست بودن قاتلان و وقوع قتل در یک کشور

کمونستی (حوزه کشورهای دشمن) بود. در موارد مشابه برای مثال، در قبال قتل کشیش آگوستورامیرزمانستور، کشیش ارشد کلیسای فرانسیسکان در گواتمالا (۱۹۸۳)، آمریکا و رسانه‌های این کشور هرگز چنین موضعی اتخاذ نکردند چرا که گواتمالا و حکومت وقت آن کشور در حوزه کشورهای دوست آمریکا قرار داشته است. بنابراین کشیش به قتل رسیده را از نظر نظام تبلیغاتی و رسانه‌ای آمریکا و غرب می‌توان یک قربانی بی‌ارزش به شمار آورد.

از نمونه‌های دیگر قربانیان بی‌ارزش به اسقف اعظم روهر (بالاترین مقام مذهبی در کلیسای هر

پدیده دوگانگی در فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان‌یافته شبکه‌های ضدتمدن ماهواره‌ای (متعلق به تعداد محدودی از کشورهای جهان) به راحتی می‌تواند فطرتی بادی برای امنیت داخلی و بین‌المللی کشورهای مخالف خود ایجاد کند و یا پوره و وجهه یک دولت مشروع را در سطح جهانی نامشروع جلوه داده و یا کاملاً وارونه کرده و به صورت بادی تفریب کند.

کشور) و چهار راهب آمریکایی (کشته شده در آمریکای لاتین) می‌توان اشاره کرد که اخبار مندرج در مورد آنها با اخبار مندرج در مورد قتل کشیش لهستان قابل مقایسه نیست.

بیان این واقعیت تلخ یعنی تقسیم قربانیان قتل‌های سیاسی به قربانیان با ارزش و بی‌ارزش را می‌توان با ذکر این نکته مهم به پایان رساند که در حقیقت سه تن از ۲۴ قربانی مذهبی گواتمالا از شهروندان آمریکایی بودند اما این مسئله هم نتوانست آتش غیرت انسان دوستی رسانه‌های آمریکایی را روشن کند. حتی چهار

راهب آمریکایی که اول مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند و سپس به فجیع‌ترین وضع توسط افراد گارد ملی السالوادور کشته شدند توجه چندانی از سوی رسانه‌های جمعی آمریکا به خود جلب نکردند.

۴- انعکاس و القاءات خبری در مورد سرنگون کردن هواپیمای مسافربری KAL007 کره توسط روس‌ها با انعکاس و القاءات خبری در خصوص سرنگون کردن هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران کاملاً متفاوت بوده است. در مورد اول، تبلیغ و القاءات خبری و رسانه‌های جمعی به دولت رونالد ریگان و شرکایش اجازه داد با دست زدن به فعالیت‌های همه جانبه تبلیغاتی موفق شوند میلیون‌ها دلار بر بودجه نظامی خود بیافزایند. در حالی که مورد دوم به دلیل خواست دولت‌های مربوط توجه زیادی را از سوی رسانه‌های خبری غرب به خود جلب نکرد.

۵- مصادیق پدیده دوگانگی و تبلیغات سازمان یافته رسانه‌های کشورهای قدرتمند به قدری زیاد است که غیرقابل شمارش به نظر می‌رسد^۳، به ویژه آن که متأسفانه دستیابی به صنعت و فناوری پخش تلویزیونی ماهواره‌ای نیز منجر به تقویت و تشدید این پدیده شوم شده است. برای مثال، تأکیدی که در کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای آمریکا بر مسئله نقض حقوق بشر در کشورهای مخالف سیاست‌های این کشور می‌شود و یا برجسته کردن فعالیت‌های نظامی و دفاعی کشورهای مخالف در تولید و تکثیر سلاح‌های اتمی و کشتار جمعی و در مقابل فراموش کردن حقایق غیرقابل انکاری چون نقض گسترده و فجیع حقوق بشر توسط نظامیان اسرائیل و یا تولید، تکثیر و انباشت سلاح‌های مرگبار اتمی از موارد بارزی هستند که ادعای نگارنده را ثابت می‌کند.

مبحث دوم - مسائل حقوقی

الف: فرایند تصمیم‌گیری در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای در مجامع بین‌المللی و تعدد مراجع ذی‌صلاح

بر کسی پوشیده نیست که مهم‌ترین متولی پخش تلویزیونی ماهواره‌ای در میان نهادهای بین‌المللی حاضر «کمیته استفاده صلح‌جویانه از فضای ماورای جو^۴ سازمان ملل متحد» است^۵ که علی‌رغم نزدیک به نیم قرن تلاش تاکنون نتوانسته است با تحصیل اجماع یا وفاق عام دولت‌ها کنوانسیون یا معاهده‌ای را جهت تصویب به دولت‌ها پیشنهاد دهد زیرا صرف نظر از عوامل و موانع سیاسی که در مبحث اول این مقاله به آنها پرداخته شد، فرایند تصمیم‌گیری در کوپپوس از ابتدا بر اساس وفاق عام^۶ بوده است و این امر در کنار عوامل و موانع دیگر، از نظر حقوقی مهم‌ترین عامل در عدم تهیه و تصویب یک معاهده جامع در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای به شمار می‌رود.^۷ چنانچه فرایند تصمیم‌گیری در یک نهاد بین‌المللی بر اساس وفاق عام باشد، تصویب یک امر یا اتخاذ تصمیم در خصوص موضوع ولو با مخالفت تعداد اندکی از کشورها عقیم مانده و برای مدت زمانی تقریباً طولانی در دستور کار قرار نمی‌گیرد مگر آن که برای قرار گرفتن مجدد در دستور کار کوپپوس نیز وفاق عام حاصل شود.

در کنار مسئله یاد شده باید گفت با وجود تقدیم طرح‌های زیادی از طرف اعضای کوپپوس و با وجود صرف چندین سال وقت توسط زیر کمیته حقوقی آن، نه تنها وفاق عام دولت‌های عضو کوپپوس در مورد پخش تلویزیونی ماهواره‌ای حاصل نشد بلکه به موازات توسعه دامنه مباحثات نمایندگان دول در خصوص

ابعاد و جوانب مختلف آن، شکافها و اختلافات بین آنها نیز افزایش یافت. از این رو دیدگاه‌های طرفداران جریان آزاد اطلاعات و دولت‌هایی که هنوز به اصل حاکمیت دولت‌ها و ضرورت تحصیل رضایت قبلی دولت‌های گیرنده برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای توسل می‌جویند کاملاً در مقابل یکدیگر قرار گرفته و کویپوس نیز فعلاً در دستور کار خود موضوع جدی‌ای در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای در دست بررسی ندارد، گویا مباحثی که روزگاری با شدت و حرارت خاصی مطرح می‌شد از رونق افتاده است.

از سوی دیگر تعدد مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای همانند کویپوس، آی‌تی‌یو، یونسکو و و گرایش‌های متفاوتی که در هر یک از مراجع مذکور در خصوص آن وجود دارد، تا حدود زیادی راه رسیدن به انسجام و هماهنگی لازم برای تهیه و در نهایت تصویب کنوانسیون جامع و فراگیر حاکم بر پخش تلویزیونی ماهواره‌ای را طولانی‌تر کرده است.

به نظر می‌رسد چنانچه جامعه بین‌المللی در صدد تصویب

یک کنوانسیون جامع و فراگیر باشد بهتر است اولاً از تعدد مراجع ذی‌صلاح بکاهد و ثانیاً در فرایند تصمیم‌گیری‌های خود از شیوه اجماع یا وفاق عام انصراف دهد، تا با رهایی از بن‌بستی که این نظام تصمیم‌گیری (در اغلب موارد) ایجاد می‌کند و با اتخاذ شیوه تصمیم‌گیری بر مبنای رأی اکثریت نسبی، گام‌های بلندی در جهت تهیه و تصویب یک کنوانسیون جامع و فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای بردارد.

ب: طرح نظم نوین اقتصادی بین‌المللی^۸

شاید آن طور که شایسته است به نقش طرح نظم نوین اقتصادی بین‌المللی در عدم تصویب یک معاهده فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای توجه نشده است، البته شاید هم صبغه اقتصادی این موضوع در عدم توجه به آن بی‌تأثیر نبوده است. این موضوع نیز به عنوان یکی از موانع جدی، بر سر راه قانونمندی پخش تلویزیونی ماهواره‌ای قد علم کرده است زیرا پس از راهیابی این بحث به محدوده

چنانچه فرایند تصمیم‌گیری در یک نهاد بین‌المللی بر اساس وفاق عام باشد، تصویب یک امر یا اتخاذ تصمیم در فصول موضوع ولو با مخالفت تعداد اندکی از کشورها عقیم مانده و برای مدت زمانی تقریباً طولانی در دستور کار قرار نمی‌گیرد.

حقوق فضا، از یک سو کشورهای دارای فناوری فضایی که هزینه‌های مالی و انسانی زیادی برای نیل به این فناوری متحمل شده بودند حاضر نبودند این فناوری را به رایگان در اختیار سایر کشورها قرار دهند و از سوی دیگر، اکثر کشورهای دنیا که فاقد این فناوری بودند و طبیعتاً از طرح معاهده‌ای حمایت می‌کردند که متضمن انتقال علوم و فنون فناوری فضایی به آنها بوده و به آسان‌ترین وجه منافع آنها را تأمین کند، برای نیل به این هدف بر میراث مشترک بودن فضا و منافع آن تأکید می‌کردند و خواهان انتقال فناوری فضایی بدون دادن امتیاز و یا انجام هزینه بودند. البته دولت‌های محدودی نیز که دارای این فناوری هستند مخالف این مسئله بوده و عملاً به شعار معروف First Come First Served عمل می‌کنند.

علاوه بر این نکته، موضع‌گیری‌ها و تلقی دولت‌های فاقد فناوری برتر فضایی، در هنگام طرح مباحث مربوط به نظم نوین اقتصادی بین‌المللی (در قلمرو حقوق فضا) نیز در عدم تدوین یک معاهده فراگیر در مورد پخش تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌تأثیر نبوده است چرا که دولت‌های مذکور چون از پیشرفت‌های فضایی اطلاع دقیقی نداشتند و به تبع آن از جوانب مختلف حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فنی فناوری فضایی نیز آگاه نبودند دچار این واهمه شده بودند که مبدا تهیه و تصویب یک معاهده در چنین وضعیتی، همانند بسیاری از موضوع‌های دیگر حقوق بین‌الملل، منجر به ایجاد انحصار و سلطه جدید اقتصادی کشورهای دارای فناوری فضایی شود، از این رو باید اطمینان می‌یافتند که هر سند الزام‌آور بین‌المللی متضمن منافع مساوی و یکسان همه دولت‌ها در قلمرو حقوق فضا است.^۹

واقعیت این است که عدم تنظیم و تصویب یک سند الزام‌آور بین‌المللی نه تنها هیچ مانع خاصی بر سر راه انحصار و سلطه اقتصادی و علمی کشورهای دارای فناوری فضایی ایجاد نکرده است بلکه منجر به آزادی عمل دولت‌ها و سبب تحکیم سلطه و انحصار اقتصادی آنها در قلمرو فعالیت‌های فضایی نیز شده است.

ج: اختلافات جدی دولت‌ها بر سر مسائل حقوقی ماهوی

بدون شک تضاد و تقابل شدید دولت‌ها در خصوص تفسیر و تعبیر اصل جریان آزاد اطلاعات و شرایط اعمال و محدودیت‌های آن، اصل حاکمیت دولت‌ها، لزوم تحصیل رضایت قبلی دولت‌های گیرنده برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و تحولی که در مفهوم آن پدید آمده است، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

در قبال فعالیت‌های تلویزیونی ماهواره‌ای^{۱۰} و بالاخره طرح موضوع‌های مرتبط با حقوق بشر در مباحث پخش تلویزیونی ماهواره‌ای از مهم‌ترین مباحث حقوقی ماهوی بوده و هستند که نه تنها مانعی بس عمده و تقریباً حل‌ناشدنی بر سر راه تصویب یک معاهده جامع در مورد پخش تلویزیونی ماهواره‌ای ایجاد کرده‌اند بلکه حتی تلاش‌هایی را نیز که در راستای تجدید نظر در معاهدات فضا در حال انجام است به بن‌بست کشانده‌اند و این در حالی است که تمامی دولت‌ها متفق‌القول‌اند که معاهدات فضا دارای مسائلی مبهم و پیچیده هستند و بعضاً مقرراتی را پیش‌بینی کرده‌اند که فاقد ضمانت اجرائی لازم است و از نظر فنی و علمی نیز در دوران طفولیت علمی و فناوری فضایی تهیه و به تصویب دولت‌ها رسیده است.^{۱۱}

شایان ذکر است که دلیل بن‌بست موجود بر سر راه تجدیدنظر در معاهدات فضا تقریباً همان موانع و دلایل موجود بر سر راه تصویب یک معاهده جامع در مورد پخش تلویزیونی ماهواره‌ای است زیرا کشورها در خصوص موارد تجدید نظر در معاهدات فضا دیدگاه‌های خاص خود را داشته و تاکنون به توافق بر سر این دیدگاه‌های بعضاً متناقض نرسیده‌اند.

جالب توجه آن است که آثار اختلافات دولت‌ها در مسائل حقوق ماهوی و فقدان یک سند الزام‌آور و یا یک مرجع مسئول بین‌المللی سبب شده است که هر کشوری قرائت خاص خود را از مباحث اختلافی داشته و در خصوص مسائل و مشکلات احتمالی قائل به اعمال صلاحیت شخصی خود باشد.^{۱۲}

د: ازدیاد روزافزون کشورهای فعال در زمینه پخش تلویزیونی ماهواره‌ای^{۱۳}

در طول سه دهه گذشته، کشورهای بسیاری بوده‌اند که در صف تقریباً طولانی مخالفان آزادی بی‌حد و حصر پخش تلویزیونی ماهواره‌ای قرار داشته‌اند و ده‌ها بار در مجامع بین‌المللی، به طور رسمی نظریه Prior Consent یا ضرورت اخذ رضایت قبلی کشورهای گیرنده برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای را مورد حمایت قرار داده‌اند اما در اثر گذشت زمان، به طور صریح یا ضمنی از نظر خود عدول کرده‌اند. البته نه تعداد این کشورها کم است و نه دلایل عدول آنها از نظریاتشان موضوع این مقاله است تا به تفصیل به آن پرداخته شود، اما به هر حال به نظر می‌رسد که از یک سو متوقف یا بی‌نتیجه ماندن طرح تصویب یک کنوانسیون جامع حاکم بر پخش تلویزیونی ماهواره‌ای (برای محدود کردن آزادی بی‌حد و حصر آن) و از سوی دیگر، تشدید فعالیت‌های تلویزیونی ماهواره‌ای توسط کشورهای دارنده فناوری پیشرفته فضایی به موازات رشد روزافزون فناوری فضایی^{۱۴} و بالاخره آشکار شدن جنبه‌های مثبت برنامه‌های تلویزیونی

ماهواره‌ای، همگی دست به دست هم داده‌اند تا بسیاری از دولت‌های مخالف پخش تلویزیونی ماهواره‌ای دست به کار شده‌اند تا بیش از این از قافله کشورهای فعال در این زمینه عقب نمانند تا آنجا که امروزه تعداد زیادی از کشورهای جهان با اجاره ماهواره‌های تلویزیونی به طور جدی وارد فعالیت‌های تلویزیونی ماهواره‌ای شده‌اند.

شاید این مطلب برای خواننده محترم ایجاد ابهام کند که ازدیاد روزافزون کشورهای فعال در زمینه پخش تلویزیونی ماهواره‌ای چگونه می‌تواند تبدیل به یک مانع عمده بر سر راه تصویب یک کنوانسیون جامع و فراگیر در آن زمینه شود. در توضیح و در جهت رفع این ابهام باید افزود که اولاً با ازدیاد کشورهای یاد شده از تعداد کشورهای معترض و حدت و شدت اعتراض آنها تا حدی کاسته شده است و به ویژه از جهت بهره‌مندی کشورها از پخش ماهواره‌ای دو کفه ترازو (کشورهای دارای فناوری فضایی و کشورهای فاقد این فناوری) در حال رسیدن به تعادل است چرا که بسیاری از کشورها از جمله کشور خود ما علی‌رغم عدم برخورداری از صنعت فضایی پیشرفته، با اجاره کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، به صف کشورهای فعال در زمینه پخش تلویزیونی ماهواره‌ای پیوسته‌اند؛ ثانیاً به موازات ازدیاد کشورهای فعال در این زمینه، اختلافات آن کشورها و کشورهای غیرفعال بر سر مسائل حقوقی ماهوی و جنبه‌های حقوقی و فنی متعدد پخش ماهواره‌ای بیشتر شده است؛ به طوری که نه تنها تبدیل به مانعی عمده بر سر راه تصویب یک معاهده جامع در آن خصوص شده‌اند بلکه تجدیدنظر در معاهدات فضا را نیز به بن‌بست کشانده‌اند.

این امر و در کنار آن، پایان یافتن جنگ سرد، تجدید ساختار نظام‌های سیاسی و اقتصادی بسیاری از کشورها بر اساس نئولیبرالیسم و ضرورت توسعه ارتباطات بین‌المللی به ویژه در عرصه‌های دیداری، اگر مانعی بر سر راه تدوین معاهده حاکم بر DBS محسوب نشود حداقل آن را به تأخیر انداخته و یا به گفته یکی از علمای حقوق ارتباطات، بسیاری از دولت‌ها را به تردید واداشته است که آیا اصولاً چنین معاهده‌ای لازم است یا خیر؟ و اگر لازم است چه مقررات خاصی باید در آن گنجانده شود؟^{۱۵}

مبحث سوم - مسائل فرهنگی

الف - تنوع فرهنگ‌ها و تفاوت در قلمرو ارزش‌های فرهنگی ملی

بدون شک تنوع فرهنگ‌ها و بعضاً تفاوت در قلمرو ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جوامع را که یکی از عمده‌ترین موانع قانونمندی مقوله ارتباطات بین‌المللی، به ویژه موضوع پخش تلویزیونی ماهواره‌ای، به شمار می‌رود نمی‌توان نادیده گرفت.

نبودن تعریفی واحد از بسیاری از مبانی و ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی و وجود اختلاف‌های جدی در زمینه‌های مذکور سبب شده است نه تنها در قلمرو پخش تلویزیونی ماهواره‌ای بلکه در بسیاری از

زمینه‌ها و موضوع‌های دارای ابعاد و جنبه‌های بین‌المللی، جامعه جهانی به یک وفاق عام یا حتی نسبی دست نیافته و نتواند در این راه قواعد و اصول مقبول اکثر اعضای جامعه جهانی را وضع کند.

آن‌ان که در این زمینه به تحقیق و تتبع می‌پردازند نیک می‌دانند که نسبی بودن بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی از یک سو و ناکافی بودن، ناکارآمدی و عدم انطباق بعضی از اصول کلاسیک حقوق بین‌الملل با واقعیت‌های موجود جهان از سوی دیگر، باعث ایجاد خلاء بر سر راه تدوین

بسیاری از اصول و قواعد مقبول جامعه جهانی (در موضوع‌های مختلف) شده است.

نگاهی هر چند گذرا به مباحث و چالش‌های دولت‌ها در قلمرو مسائل، مبانی و ارزش‌های فرهنگی در درون یونسکو اثبات‌کننده این ادعاست که تا زمانی که دولت‌ها و مجامع بین‌المللی نتوانند در خصوص مقوله فرهنگ و سیاست‌های کلان فرهنگی، دست کم به یک دیدگاه تقریباً یکنواخت و یکسان دست یابند، تصویب کنوانسیون‌های دارای ابعاد فرهنگی و اخلاقی و اجتماعی غیرممکن خواهد بود و هر گونه تلاش شتابزده در خصوص پذیرش معاهدات و قراردادهای بین‌المللی از جمله در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای به بن‌بست خواهد رسید.^{۱۶}

تنوع فرهنگی و تفاوت در قلمرو ارزش‌های فرهنگی ملی کشورها امری نیست که با اتخاذ سیاست‌های کلان فرهنگی آن‌هم به صورت یکنواخت و یکسان توسط مجامع بین‌المللی به سادگی و

بدون شک تنوع فرهنگ‌ها و بعضاً تفاوت در قلمرو ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جوامع یکی از عمده‌ترین موانع قانونمندی مقوله ارتباطات بین‌المللی، به ویژه موضوع پخش تلویزیونی ماهواره‌ای، به شمار می‌رود.

به طور کامل از بین برود ولی حداقل از تشدید تنوع و اختلافات موجود در قلمرو ارزش‌های فرهنگی و یا سلطه و غلبه یک طرفه یک فرهنگ بر فرهنگ‌های دیگر می‌کاهد.

در این خصوص خالی از فایده نیست که برای نشان دادن اهمیت بحث یعنی اختلاف و تفاوت‌هایی که در برداشت دولت‌ها از مسائل و موضوع‌های فرهنگی وجود دارد و به نظر نگارنده یکی از موانع تدوین و تصویب یک معاهده یا قرارداد جامع بین‌المللی در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای است، به طور گذرا به سابقه و اهتمام یونسکو در زمینه به حداقل رساندن این اختلافات اشاره کنیم.

ب - اهتمام یونسکو به رفع موانع فرهنگی:

یونسکو با تصویب کنوانسیون جهانی سیاست‌های فرهنگی (مکزیکو، ۱۹۸۲)^{۱۷}، تعیین یک دهه جهانی برای توسعه فرهنگی (۱۹۹۷-۱۹۸۸)^{۱۸}، اقدامات کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه^{۱۹} و بالاخره کنفرانس بین‌الدولی سیاست‌های فرهنگی برای توسعه (استکهلم، ۱۹۹۸)^{۲۰} که همگی آنها سابقه‌ای حدوداً ۲۰ ساله دارند در صدد بوده است ضمن تدوین اصول و مبانی سیاست‌های فرهنگی مقبول در سطح بین‌المللی (اولاً) و کم کردن اختلافات ضمن احترام به تنوع فرهنگی ملل و کاستن از نسبیّت مفاهیم اخلاقی، ارزشی و فرهنگی (ثانیاً)، زمینه‌های وفاق عام را در فرایند تصمیم‌سازی جهانی به ویژه در موضوع‌هایی همچون پخش تلویزیونی ماهواره‌ای که دارای ابعادی فرهنگی است فراهم کند.

شاید اکنون برای خواننده محترم تا حد زیادی روشن شده باشد که چرا مجامع بین‌المللی از جمله یونسکو نتوانسته‌اند سند الزام‌آوری را در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای از تصویب دولت‌ها بگذرانند و چرا دولت‌ها تن به تهیه و امضای چنین سندی نداده‌اند.

البته نباید گفت که سازمان‌های بین‌المللی همچون یونسکو (به عنوان مهم‌ترین سازمان وابسته به سازمان ملل متحد که متصدی امور فرهنگی جهانی است) نخواسته‌اند اقدامی برای قانونمند کردن پخش تلویزیونی ماهواره‌ای انجام دهند زیرا یونسکو قبل از بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی دیگر و پیش از بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی، توصیه‌نامه‌ای را در سال ۱۹۴۸ به تصویب رساند^{۲۱} که مبادله آزادانه اطلاعات، آثار هنری و ادبی را به رسمیت شناخت. جالب این است که به موجب توصیه‌نامه مذکور، هر شهروندی حق دارد آزادانه به برنامه‌های رادیویی که از خارج پخش می‌شوند گوش فرا دهد.

متعاقب توصیه‌نامه مذکور، یونسکو در موافقتنامه بیروت^{۲۲}، موافقتنامه فلورانس^{۲۳} و پروتکل موافقتنامه فلورانس^{۲۴} به جنبه‌هایی از مبادلات فرهنگی، علمی و آموزشی پرداخت. تصویب موافقتنامه‌های مذکور نشان‌دهنده این واقعیت است که یونسکو به دنبال استانداردهایی بوده است که منجر به آزادی بیشتر جریان یا گردش اطلاعات می‌شود.

شایان ذکر است که در سال ۱۹۶۶، یعنی تقریباً ۱۶ سال پس از موافقتنامه فلورانس در سال ۱۹۵۰، تغییری عمده در سیاست‌های یونسکو پدیدار شد. سازمان مذکور قطعنامه‌ای را به نام «بیانیه اصول همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی»^{۲۵} به تصویب رساند که در مقدمه آن ضمن خاطر نشان کردن بیانیه جهانی حقوق بشر به بیانیه غیرقابل استماع بودن مداخله در امور داخلی کشورها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها نیز استناد می‌کرد.

شاید جالب‌ترین نکته، آخرین ماده قطعنامه باشد که به موجب آن دولت‌ها در روابط فرهنگی خود باید اصول سازمان ملل متحد را به خاطر داشته باشند، در صدد کسب همکاری بین‌المللی بوده، به حاکمیت برابر سایر دولت‌ها احترام بگذارند و از هر گونه مداخله در اموری که اساساً در صلاحیت داخلی کشورها است اجتناب ورزند. چهار سال بعد، یعنی در سال ۱۹۷۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۳۷۳۳ خود توصیه کرد که دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به منظور مشارکت در تأسیس و راه‌اندازی سرویس‌های پخش ماهواره‌ای همکاری‌های خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه بخشند. قطعنامه مذکور به طور خاص یونسکو را ترغیب کرد که به بحث‌های خود در مورد استفاده از پخش ماهواره‌ای برای توسعه آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ادامه داده و برای حل مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه است، با سازمان‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های رادیو و تلویزیونی به مشاوره بپردازد. نتیجه این امر پذیرش بیانیه غیر الزام‌آور اصول راهنمای استفاده از پخش ماهواره‌ای برای جریان آزاد اطلاعات و گسترش آموزش و مبادلات فرهنگی بیشتر بود.

با وجود آن که بعضی از مفسران بیانیه اظهار داشته‌اند این بیانیه را اکثر کشورها به تصویب رسانده‌اند، تعداد کشورهایی که به بیانیه مذکور رأی ممتنع داده‌اند نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی تا چه حد در امضای چنین بیانیه‌ای مردد و محتاط است.

ایالات متحده امریکا که گروه کشورهای مخالف بیانیه فوق را رهبری می‌کرد اظهار داشت: از آنجا که لب و ملخص بیانیه، حفظ و حمایت دولت‌ها است بهتر است عنوان بیانیه به همین نام تغییر یابد! به موجب ماده ۱ بیانیه مذکور، فعالیت‌های تلویزیونی ماهواره‌ای باید وفق اصول حقوق بین‌المللی و معاهده فضا صورت پذیرند اما سایر مواد بیانیه در بر دارنده موضوع‌ها و مباحث مشاخره‌آمیز است.

برای نمونه، ماده ۲ بیانیه مذکور اشعار می‌دارد که پخش ماهواره‌ای باید به حاکمیت و برابری تمامی دولت‌ها احترام بگذارد و به موجب ماده ۳، استفاده از پخش ماهواره‌ای برنامه‌ها باید مبتنی بر همکاری‌های بین‌المللی باشد و در نهایت نیز در ماده ۶ بیانیه آمده است: هر کشوری رأساً حق دارد در مورد مفاد و محتوای برنامه‌های آموزشی که از طریق ماهواره برای مردم کشورش پخش می‌شود تصمیم بگیرد.

البته بحث و بررسی مواد بیانیه از حوصله این مقاله خارج است و نگارنده صرفاً به منظور اشاره به نکات مهم، به بعضی از مواد آن اشاره کرده است. اما آنچه با توجه به عنوان این قسمت از بحث اهمیت بسیاری دارد ماده ۷ بیانیه است که به اختصار اشعار می‌دارد برنامه‌های فرهنگی‌ای که از ماهواره پخش می‌شوند ضمن این که به توسعه و بارور کردن همه

از دیدگاه برفی از نویسندگان علوم ارتباطات، وسایل ارتباط جمعی معاصر، نظامی برای برقراری ارتباط، انتقال نمادها و پیام‌ها به عموم مردم بوده و دارای سه کاربرد اساسی سرگرم کردن، اطلاع‌رسانی و همگرا کردن افراد جامعه در یک نظام از پیش تعیین شده از ارزش‌ها، باورها و رفتار اجتماعی می‌باشد.

فرهنگ‌ها می‌پردازند باید به وجوه متمایز فرهنگ‌ها و ارزش‌ها، اصالت هر یک از فرهنگ‌ها و حق تمامی کشورها و مردم آنها برای حفظ و صیانت از فرهنگ‌هایشان به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت احترام بگذارند.

اکنون شاید برای خوانندگان محترم روشن شده باشد که چرا مسائل و مشکلات فرهنگی نیز از عمده‌ترین موانع قانونمند شدن پخش تلویزیونی ماهواره‌ای به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، چرا جامعه جهانی قبل از قانونمند کردن پخش ماهواره‌ای نیازمند مقدماتی همچون حصول به یک وحدت نظر نسبی در خصوص مسائل فرهنگی، اخلاقی و ارزشی است؟

و چرا جامعه جهانی در راه نیل به هدف قانونمند کردن پخش تلویزیونی ماهواره‌ای، به جز تصویب چند قطعنامه، بیانیه و توصیه‌نامه (که هرگز قدرت الزام‌آور بودن آنها در حد یک معاهده و

کنوانسیون بین‌المللی نیست) متوقف شده و در قلمرو حقوق قراردادی ناکام مانده است؟ و بالاخره این که پرداختن به مسائل و موضوع‌های فرهنگی، ارزشی، اخلاقی و حل معضلات مربوط در سطح جهانی - مقدم بر طرح و تصویب یک معاهده بین‌المللی - در مقوله سخت‌افزاری قانونمند کردن پخش تلویزیونی ماهواره‌ای از چه جایگاهی برخوردار است؟

ج - تفاوت در الگوی تبلیغات رسانه‌ای ملی

از دیدگاه برخی از نویسندگان علوم ارتباطات، وسایل ارتباط جمعی معاصر، نظامی برای برقراری ارتباط، انتقال نمادها و پیام‌ها به عموم مردم بوده و دارای سه کاربرد اساسی سرگرم کردن، اطلاع‌رسانی و همگرا کردن افراد جامعه در یک نظام از پیش تعیین شده از ارزش‌ها، باورها و رفتار اجتماعی و یا به عبارت دیگر، وارد کردن اشخاص به درون یک سازمان اجتماعی مشخص‌اند.

این موضوع یا به عبارت دیگر، نظام از پیش تعیین شده و یا سازمان اجتماعی متفاوت هر جامعه منجر به تفاوت در الگوی تبلیغات رسانه‌ای ملی کشورها شده است؛ این تفاوت میان کشورهای که انحصار قدرت و کنترل وسایل ارتباط جمعی آنها در دست دیوانسالاران دولتی متمرکز است و کشورهای که وسایل ارتباط جمعی آنها خارج از کنترل دولت است به نحوی به چشم می‌خورد. از این رو، چنانچه قرار باشد معاهده یا کنوانسیون جامعی در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای به تصویب دولت‌ها برسد یکی از موانع نسبتاً عمده‌ای که جامعه جهانی به طور جدی باید برای رفع آن چاره‌اندیشی کند همین موضوع تفاوت در الگوی تبلیغات رسانه‌ای ملی کشورها است. بنابراین به نظر می‌رسد گفتگوی نمایندگان تمدن‌ها در مجامع بین‌المللی و تفاهم آنها در اتخاذ یک الگوی تبلیغات رسانه‌ای نسبتاً یکسان و یکنواخت می‌تواند بستر مناسبی برای تنظیم و تصویب یک معاهده جامع و فراگیر در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای فراهم آورد.

مبحث چهارم: مسائل فنی

بر کسی پوشیده نیست که یکی از مهم‌ترین دلایل و بلکه یکی از موانع عدم تصویب و انعقاد کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی (به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم) در خصوص جنبه‌های مختلف استفاده از فناوری فضایی از جمله پخش برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، مسائل فنی بوده است. امروزه

نیز اگر عامل فنی را یکی از موانع عمده تصویب یک سند جامع بین‌المللی در خصوص پخش تلویزیونی ماهواره‌ای بدانیم خیلی دور از واقعیت نیست.

دلیل فوق این است که ماهیت دائم در حال تغییر و پیشرفت فناوری مخابراتی، ارتباطی و فضایی مشکلاتی را بر سر راه تثبیت قواعد و مقررات ایجاد کرده است زیرا هر کشور و مرجعی که در صدد وضع یک سری قوانین و مقررات در خصوص موضوع است، قطعاً در نظر دارد قانون یا مقرراتی را وضع کند که از عمر نسبتاً متعارفی برخوردار باشد. جوامع بین‌المللی نیز به همین دلیل، علی‌رغم تلاش فراوان نتوانسته‌اند در آن دسته از قواعد و مقرراتی که حدود ۳ الی ۴ دهه پیش تصویب کرده‌اند از این اشکال مصون بمانند. برای مثال، از یک سو اندازه و شکل ماهواره‌ها تغییر کرده است و از سوی دیگر، قدرت ماهواره‌ها و سطحی از کره زمین که آن را تحت پوشش قرار می‌دهند افزایش یافته است و متأسفانه این تحول و پیشرفت فنی بخش عظیمی از قواعد و مقررات ITU را ناکارآمد ساخته است به نحوی که هم اکنون بسیاری از جنبه‌های فنی ماهواره خارج از شمول مقررات ITU قرار دارد.^{۲۶}

پی‌نوشت‌ها:

۱- در حقوق بین‌الملل Radio diffusion مشمول پخش هر گونه امواج رادیویی اعم از صدا و تصویر است.

۲- منظور از اتحادیه‌های کارگری همان اتحادیه‌های کارگری در کشورهای کمونیستی مانند اتحادیه همبستگی در کشور لهستان و منظور از جنبش چپ، ایدئولوژی و نظام سیاسی حاکم در کشورهای کمونیستی است.

۳- برای مثال، پدیده کشتار مردم کامبوج در دوران پُل‌پت و پس از آن کشتارهای اندونزی در بین سال‌های ۶۶-۶۵ به هنگام اشغال تیمور شرقی توسط دولت اندونزی و چند سال اخیر که منجر به استقلال آن جزیره از اندونزی شد، حاکی از اهمیت نقش این پدیده در نظام سیاسی بین‌المللی است.

4_ Commitee of Peaceful use of Outer Space Copuos.

۵- جهت مطالعه بیشتر در خصوص کپیوس مراجعه کنید به مقاله نگارنده تحت عنوان نقش کپیوس در تدوین رژیم حقوقی حاکم بر پخش مستقیم تلویزیونی ماهواره‌ای، در کتاب پخش مستقیم ماهواره‌ای در قرن بیست و یکم، تألیف گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱.

6_ Consensus.

7_ Draft Report of Third UNISPACE, p.10.

8_ New International Economic Order.

9_ O.M. RIBBELINK, Technology and the law of Outer Space, p.8. Hague

Yearbook of International Law, 1997, vol.10.

10_ Marika N.Taishoff, State, responsibility and the direct broadcast satellite,

Oxford, 1987.

11_ O.M.Ribbelink, *ibid*, p.6.

۱۲- زمانی، دکتر سیدقاسم، مقاله پخش مستقیم ماهواره‌ای و اقدامات متقابل دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، کتاب چالش‌های حقوقی پخش برنامه‌های ماهواره‌ای، تألیف گروه مطالعات حقوقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲۷، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۰.

13_ The ever Continuing proliferation of the number of space faring nations.

۱۴- امروزه هر یک از ایستگاه‌های ماهواره‌ای پخش رادیو و تلویزیون می‌توانند محدوده‌ای به مساحت بیش از یک میلیون مایل مربع از زمین را تحت پوشش قرار دهند.

15_ O.M.Ribbellink, *ibid*, p.15 and 16. -

and specific regulations are required.

۱۶- متأسفانه با وجود آن که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین کشورهای عضو یونسکو، نقش تعیین‌کننده‌ای در بعضی از کمیته‌های آن به ویژه در چند سال اخیر ایفا کرده است، در داخل کشور اقدام جدی‌ای در خصوص گزارش و انعکاس مباحث و موضوع‌های فرهنگی مورد بحث در یونسکو به مردم و صاحب‌نظران امور فرهنگی صورت نگرفته است. به همین دلیل و به دلیل این که هنوز در بسیاری از موضوع‌های فرهنگی سیاست و راهبرد

مدونی توسط دستگاه‌های فرهنگی کشور به کار گرفته نمی‌شود، صاحب‌نظران و محققان مسائل فرهنگی نیز از نظر علمی و تحقیقی فاصله زیادی با مقوله‌ها و موضوع‌های فرهنگی روز پیدا کرده‌اند. شاید خواننده گرامی این ایراد را مطرح کند که نکته اخیر چه ارتباطی با مقوله قانونمندی پخش تلویزیونی ماهواره‌ای و یا مسائل فرهنگی به عنوان یکی از موانع قانونمندی پخش ماهواره‌ای دارد؟ در پاسخ باید گفت نمایندگان دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی به ویژه در یونسکو در مسائل فرهنگی دیدگاه‌های مردم و دولت خود را مطرح کرده و بر همان اساس در فرایند تصمیم‌سازی جهانی و سازمانی (در حد یک سازمان بین‌المللی) مشارکت می‌کنند. از این رو چنانچه موضوع‌هایی که در دستور کار یک سازمان بین‌المللی است در داخل کشور مورد بحث و نقد صاحب‌نظران و مراجع ذی‌صلاح ملی قرار نگرفته باشد مطمئناً نمی‌توان گفت تصمیمی که توسط نماینده کشور در سازمان بین‌المللی مذکور اتخاذ می‌شود به طور کامل متضمن مصالح و منافع ملی کشور خواهد بود.

17_ World Conference on cultural policies (mexico city, 1982).

18_ World decade for cultural Development (1988-1997).

19_ World Commission on cultural and Development.

20_ Intergovernmental conference on cultural policies for Development (stockholm, 1998).

21_ UNESCO Recommendation, 7-2221-1948.

22_ Beirut Agreement (1948).

23_ Florence Agreement (1950).

24_ Protocol of the Florence Agreement (1977).

25_ UNESCO Resolution 8.1-1966(Declaration of principles of International Cultural cooperation).

26_ Marika Natasha Taishof. Ibid.p.8.

اجمالی بر ارتباطات ماهواره‌ای

گردآورنده: مهندس محمدناصر کرامتخواه

کارشناس اداره کل ارتباطات زمینی و ماهواره‌ای

سازمان صدا و سیما

اشاره

تحقیقات فضائی به عنوان شاخه‌ای از علم و فناوری طی چهل و چند سالی که از پرتاب نخستین ماهواره به فضا می‌گذرد، پیشرفت‌ها و تحولات شگرفی داشته است. در مسیر این توسعه و تحول، بسیاری از شاخه‌های علم فیزیک نجومی، سیاره‌شناسی و فیزیک پلاسما یا علم مواد آن چنان گسترده‌گی یافته‌اند که بسیاری از دانش‌ها و اطلاعات حاصل از آنها در سال‌های قبل، غیرقابل دسترس و حتی دور از قدرت درک بشر بود. اکنون تحقیقات فضائی به مثابه ابزاری برای حل مسائل و مشکلات انسان بر روی زمین مورد توجه شدید محققان و دانشمندان قرار گرفته است و هر روز کشفیات جدیدی، قدرت انسان را در تسلط و کنترل بیشتر بر طبیعت افزون می‌کند. فناوری ماهواره‌ای به عنوان شاخه‌ای مهم از تحقیقات فضائی، اکنون جایگاه عظیمی در زمینه‌های مختلف ارتباطی، زمین‌شناسی، هواشناسی، نظامی و غیره پیدا کرده است و در این میان، ماهواره‌های تامین‌کننده ارتباطات راه دور تأثیر به‌سزائی بر ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بشر داشته است. امروزه درصد قابل ملاحظه‌ای از مبادله پیام و ترافیک اطلاعاتی از طریق ماهواره صورت می‌گیرد و سیستم‌های ماهواره‌ای، بسیاری از مشکلات بشر را حل کرده و در بعضی از حالات به مشکلات جوامع افزوده است اما به هر حال آنچه مد نظر است استفاده بهینه از این سرویس در جهت رفع مشکلات کشورها است. در حال حاضر، عملاً تمامی پهنه جهان از بزرگ‌ترین مناطق تا دور افتاده‌ترین جزیره‌ها زیر پوشش گسترده شبکه ماهواره‌های ارتباطی و مخابراتی قرار دارد و ارسال سیگنال‌های مخابراتی از صوت و تصویر، تله تایپ و اطلاعات مولتی مدیا و غیره به

بهترین نحو و با حداکثر سرعت، از طریق همین شبکه‌ها صورت می‌گیرد. گسترش خارق‌العاده ارتباطات ماهواره‌ای بیانگر تلاش بی‌وقفه انسان در به کارگیری فناوری جدید در جهت رفع نیازهای جوامع بشری است. پیشرفت چشمگیری که در زمینه تکنیک‌های دیجیتال ماهواره‌ها پدید آمده است مقدمات تولید و بهره‌برداری از شبکه‌های چند منظوره اطلاعاتی را فراهم آورده است. یکی از آخرین دستاوردهای استفاده از ماهواره در درمان و آموزش از راه دور است که از این طریق توانسته است بهترین متخصصان پزشکی و اساتید دانشگاه‌ها را به دور افتاده‌ترین نقاط جهان برساند و به این ترتیب جهشی در بخش تعلیم و تربیت و ارتقای سطح دانش و تحصیلات عالی ایجاد کند. در حال حاضر، کاربردهای فناوری فضائی به قدری وسیع است که نمی‌توان آن را در مقاله‌ای مختصر توضیح داد. تا به حال هزاران ماهواره در زمینه‌های مخابراتی، رادیو - تلویزیونی، نظامی، جاسوسی، هواشناسی، سنجش از دور و غیره به فضا فرستاده شده است که در این نوشتار سعی می‌شود به توضیح مختصری از انواع هر یک پرداخته شود.

مقدمه

پس از آن که آرتور سی کلارک در سال ۱۹۴۵، طرح پیشنهادی خود را درباره ماهواره‌ها در مجله (Wireless world) ارائه داد، اندیشه او تدریجاً با رشد فناوری تکامل یافت و برای اولین بار ماهواره‌های ECTO در مدارهای ORBITAL قرار گرفتند (سال ۱۹۶۰). این ماهواره‌ها صرفاً دارای صفحات منعکس‌کننده امواج بودند.

امروزه ماهواره‌های مخابراتی محلی و بین‌المللی به غیر از مدار سنکرون (GSO) در مدارهای دیگری نیز برای انواع کاربردها و سرویس‌ها مشغول کار هستند. مدار GSO یک مدار منحصر به فرد و دایره‌ای شکل است که به موازات صفحه استوا در فاصله ۳۵۸۰۰ کیلومتری از سطح زمین قرار دارد. در این مدار اگر جسمی مانند ماهواره در طول جغرافیایی مشخص قرار داده شود از نظر ناظر زمینی در یک موقعیت ثابت خواهد بود.

سیر تحولات پیشرفت ماهواره‌ای را می‌توان به طور خلاصه به صورت زیر عنوان کرد:

سال ۱۹۴۵: اولین پیشنهاد علمی - تخیلی پرتاب ماهواره جهت برقراری ارتباط مخابراتی (آرتوسی کلارک دانشمند انگلیسی)

سال ۱۹۵۷: اولین ارتباط از طریق یک سفینه فضائی (اسپوتنیک ۱)

سال ۱۹۵۸: اولین آزمایش ماهواره‌ای مخابراتی (اسکور)

سال ۱۹۵۸: اولین تخصیص فرکانس برای ارتباطات فضائی به وسیله اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور (ITU)

سال ۱۹۶۰: اولین ماهواره با تکرارکننده فعال (کوری ئر)

سال ۱۹۶۲: اولین ارتباط تلویزیونی زنده بین قاره‌ای با استفاده از ماهواره (Telstar1)

سال ۱۹۶۳: اولین ماهواره مخابراتی در مدار ثابت زمین (Syncom II)

سال ۱۹۶۵: اولین سیستم ماهواره مخابراتی محلی (Molniya، متعلق به شوروی سابق)

سال ۱۹۶۵: اولین ماهواره مخابراتی تجارتي بین‌المللی (اینتلست ۱)

سال ۱۹۶۹: اولین ایستگاه زمینی سیستم اینتلست در خاورمیانه (بحرین)

سال ۱۹۷۰: اولین ایستگاه زمینی اینتلست در ایران (ایستگاه اسدآباد)

سال ۱۹۷۶: اولین سیستم ماهواره‌ای مخابراتی اختصاصی محلی (پالایا متعلق به اندونزی)

سال ۱۹۸۱: اولین پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره با استفاده از سفینه شاتل

مدار GSO یک مدار منصرف به خرد و دایره‌ای شکل است که به موازات صفحه استوا در فاصله ۳۵۷۰۰ کیلومتری از سطح زمین قرار دارد. در این مدار اگر جسی مانند ماهواره در طول یغرافیایی مشخص قرار داده شود از نظر ناظر زمینی در یک موقعیت ثابت خواهد بود.

۱/۱- انواع لینک‌های ماهواره‌ای

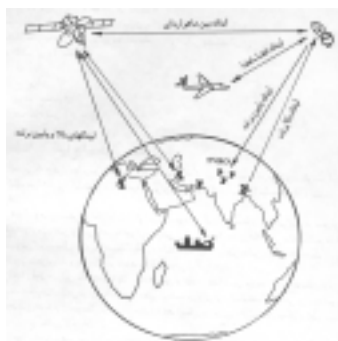
برای ارتباطات ماهواره‌ای ۳ لینک تعریف شده است. این لینک‌ها که در شکل زیر مشخص شده عبارتند از:

۱- لینک زمین به فضا Uplink: ارسال سیگنال از زمین توسط ایستگاه‌های زمینی به طرف ماهواره مشخص با فرکانس مشخص را Uplink یا لینک بالابرنده گویند. کلیه اطلاعات لازم از زمین به طرف ماهواره ارسال می‌شود و ماهواره آن را دریافت کرده، پس از تبدیل فرکانس به زمین می‌فرستد.

۲- لینک فضا به زمین Downlink: ماهواره پس از دریافت سیگنال از زمین و تبدیل آن به یک فرکانس دیگر، آن را به زمین ارسال می‌کند. این لینک به طرف زمین را Downlink یا لینک پائین آورنده گویند. در این لینک، عمل دریافت از طریق ایستگاه‌های زمینی صورت می‌گیرد.

۳- لینک فضا به فضا: برای ارتباطات بین دو یا چند ماهواره صورت می‌گیرد. لینک فضا به فضا می‌تواند به صورت ارتباط بین یک ماهواره در حال گردش در مدار و یا یک هواپیمای در حال پرواز نیز صورت گیرد مانند ماهواره‌های نظامی Tacsat.

انواع لینک‌های ماهواره‌ای



۱/۲ مدارها

مدار GSO که یک مدار منحصر به فرد با مشخصات خاص خود است، در فاصله ۴۲۱۶۴ کیلومتری از مرکز کره زمین در صفحه استوا قرار دارد. مهم‌ترین مشخصات ماهواره‌ای مدار ثابت به صورت زیر بیان می‌شود:

۱- هر ماهواره، پوشش نسبتاً وسیعی را تقریباً برابر $1/3$ سطح کره زمین، معادل ۱۹۵ میلیون کیلومتر مربع، ایجاد می‌کند. کلیه ایستگاه‌های زمینی ثابت و متحرک در این پوشش قادرند با ماهواره ارتباط برقرار کنند و بنابراین با ۳ ماهواره می‌توان تمام کره زمین را (به غیر از دو قطب) پوشش داد.

۲- زمان تناوب ماهواره‌ای GSO بیست و چهار ساعت است و گیرنده‌های تحت پوشش این ماهواره‌ها نیازی به مدارهای Tracking پیچیده ندارند.

۳- زمان تأخیر یک مسیر رفت و برگشت سیگنال در ماهواره‌های مدار سنکرون تقریباً ۵۰۰ میلی ثانیه است، این تأخیر در خدمات تلفنی به ویژه اگر از مدارهای حذف ECHO استفاده نشود، موجب نارضایتی استفاده‌کننده خواهد شد.

۴- در این مدار از اثر پدیده دوپلر می‌توان صرف نظر کرد.

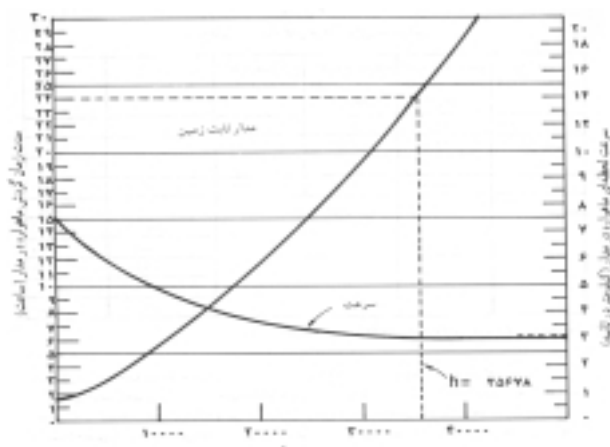
ماهواره‌ها به غیر از مدار GSO در مدارهای دیگر نیز می‌توانند قرار گیرند. ماهواره‌ها به دور زمین در یک مسیر بسته که آن را مدار می‌نامند، در حال گردش هستند، مرکز زمین در صفحه مدار قرار دارد. به عبارت دیگر، مدار و مرکز زمین هم صفحه هستند، در غیر این صورت بین نیروی گریز از مرکز و نیروی ثقل، تعادلی برای نگهداری ماهواره در مدار وجود نخواهد داشت. به طور کلی این مدارها بیضی هستند و مرکز زمین در یکی از کانون‌های این بیضی قرار دارد. شکل زیر نشان‌دهنده این مدارهاست که شکل، اندازه، جهت و هم چنین زاویه صفحه آنها بستگی به سرعت ماهواره و شرایط پرتاب آن دارد.

اگر ماهواره چند دور کامل خود را در یک روز طی کند $T=24/N$ (N عدد صحیح است) همیشه بر روی یک نقطه از سطح زمین و در زمان معینی از روز قابل رؤیت خواهد بود. در این حالت، به مدار ماهواره مدار NON-GSO (غیرساکن) گویند. برای مثال، اگر ارتفاع ماهواره برابر ۲۰۲۳۰ کیلومتر و صفحه مدار دارای شیب $I=65$ درجه باشد، ماهواره حدوداً هر ۱۲ ساعت روی مسکو قرار خواهد داشت و اگر صفحه مدار استوا $I=0$ و ارتفاع برابر ۳۵۶۷۸ کیلومتر باشد، مدت زمان گردش ماهواره با روز نجومی (۲۳ ساعت ۵۹ دقیقه ۴ ثانیه) یکی خواهد بود. گردش ماهواره در این مدار که به آن مدار GSO گویند، بر گردش زمین منطبق می‌شود. مدارهای ماهواره‌ای بر اساس ارتفاعشان از سطح زمین به سه دسته تقسیم می‌شوند:

LEO (Low Earth Orbit) تا ۱۵۰۰ کیلومتری زمین ارتفاع دارد.

MEO (Mediom Earth Orbit) ارتفاع بالاتر از LEO تا ۲۰۰۰۰ کیلومتری را گویند.

HEO (High Earth Orbit) بیشتر از ۲۰۰۰۰ کیلومتر با سطح زمین فاصله دارد (مدار ثابت زمین نیز از این نوع مدار است).^۱



ارتفاع از زمین (کیلومتر)

۱/۳ پوشش ماهواره (FOOTPRINT)

یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی سیستم‌های ماهواره‌ای، داشتن سطح زیر پوشش ماهواره در روی زمین است. برای طراحی بخش‌های مختلف سیستم ماهواره‌ای نظیر تعداد ماهواره‌هایی که باید مورد استفاده قرار گیرد، انتخاب مدار و فرکانس و هم چنین داشتن مقدار سطح زیر پوشش در روی زمین از نظر اقتصادی و غیره امری ضروری است. وسعت پوشش (سطح زیر پوشش) ماهواره اصولاً با ارتفاع آن، حداقل زاویه ارتفاع مجاز برای دیدن ماهواره توسط آنتن ایستگاه و هم چنین پهناى پرتو تشعشع آنتن ماهواره ارتباط دارد.

برای درک بهتر مطلب ابتدا وسعت پوشش را در نظر می‌گیریم. برای مثال می‌توان گفت با توجه به ارتفاع ماهواره در مدار GSO که ۳۵۶۷۸ کیلومتر است، بزرگ‌ترین مساحت زیر پوشش در روی زمین، حدود ۲۱۱ میلیون کیلومتر مربع خواهد بود، آنتن ایستگاه‌های زمینی که روی محیط چنین دایره‌ای قرار دارند باید رو به افق باشد تا بتواند ماهواره را ببیند. آنتن‌های ایستگاه‌هایی که خارج از این دایره قرار دارند

قادر به دیدن ماهواره نیستند بنابراین با سه ماهواره در مدار GSO می‌توان تمام سطح زمین را به غیر از دو قطب پوشش داد. آنتن‌های داخل این پوشش برای دیدن ماهواره زاویه‌ای با خط افق (ELEVATION) می‌سازند که به آن زاویه ارتفاع می‌گویند.

اگر آنتن در نقطه زیر ماهواره در روی خط استوا قرار داشته باشد، زاویه ارتفاع آن ۹۰ درجه خواهد بود در این حالت، آنتن دقیقاً رو به فضا قرار می‌گیرد و از زاویه ارتفاع ۱۰ درجه کمتر، به علت افزایش نویز آسمانی دریافت سیگنال امکان‌پذیر نیست.

با سه ماهواره در مدار
GSO می‌توان تمام
سطح زمین را به غیر از دو
قطب پوشش داد.

به طور کلی، اندازه و شکل واقعی سطح زیرپوشش ماهواره‌ها توسط مشخصه پرتو تشعشعی آنتن ماهواره تعیین می‌شود. در این مورد چند نوع پوشش ممکن توسط ماهواره‌های ثابت زمین به صورت زیر است:

۱- پوشش عمومی

این پوشش، وسیع‌ترین منطقه ممکن از سطح زمین را در برمی‌گیرد؛ سطح پوشش مفید در این حالت برابر ۱۹۵ میلیون کیلومتر مربع است و برای دریافت آن آنتن‌های بزرگ‌تر لازم است.

۲- پوشش منطقه‌ای (Zone)

بخشی از کره زمین را پوشش می‌دهد و سطح زیر پوشش آن از پوشش عمومی کمتر است.

۳- پوشش نیمکره‌ای (Hemisphere)

بخشی از کره زمین که معمولاً نیمکره را شامل می‌شود پوشش می‌دهد.

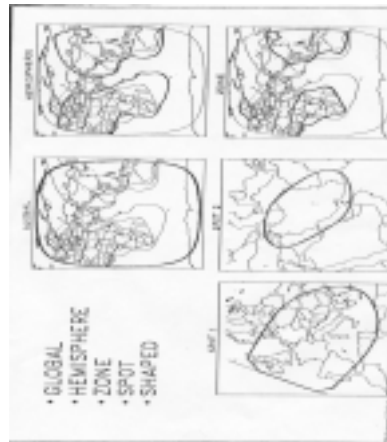
۴- پوشش نقطه‌ای (SPOT)

پوشش فقط بر روی یک کشور و یا یک نقطه خاص متمرکز می‌شود؛ در این حالت، سیگنال دریافتی قوی‌تر بوده و دریافت آن با آنتن‌های کوچک امکان‌پذیر است.

۵- پوشش شکل داده شده (Shaped)

در این حالت پرتو تشعشعی آنتن برای زیر پوشش قرار دادن کشور یا محلی مشخص به شکل همان کشور یا منطقه خواهد بود و حتی می‌تواند یک کشور را از پوشش خود خارج کند.^۲

شکل انواع پوشش‌های ماهواره‌ای



۱/۴- انواع ماهواره‌های مخابراتی

ماهواره‌ها خود عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند:

ماهواره‌های غیر فعال و ماهواره‌های فعال

قبل از استفاده از ماهواره‌های مصنوعی، ماه به عنوان یک منعکس‌کننده انرژی الکترو مغناطیسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. اولین سری آزمایش‌های ارسال و انعکاس امواج از ماه، آغازی برای آزمایش‌های ارتباطی بود. در ماه ژوئیه سال ۱۹۵۴ نخستین پیام تلفنی از مسیر زمین - ماه انتقال یافت و در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۹ نیروی دریایی آمریکا موفق به برقراری ارتباط بین آنابولیس و هونولولو از طریق ماه شد. قدرت فرستنده چیزی در حدود ۱۰۰ کیلو وات، قطر آنتن ۲۶ متر و فرکانس ارسال ۴۳۰ مگاهرتز بود.

در حال حاضر، از ماهواره‌های غیرفعال کمتر استفاده می‌شود، اکثر ماهواره‌ها به صورت فعال هستند و به علت این که فاصله بسیار زیادی از زمین دارند نسبت به فرکانس کار دارای تضعیف بسیار زیادی هستند. قدرت سیگنال دریافتی در ماهواره غیرفعال با توان چهارم فاصله نسبت عکس دارد در صورتی که در ماهواره‌های فعال با عکس توان دوم فاصله نسبت خواهد داشت.

$$Pr = Pt \cdot Gt / (4\pi)^2 d^2$$

=Pt توان ارسال فرستنده

=Gt بهره آنتن ارسال

=d فاصله زمین تا ماهواره

در یک لینک مخابرات ماهواره‌ای برای ارتباط با ماهواره‌ای با موقعیت مشخص و با توجه به تشعشع

پوشش و قدرت (EIRP)، آنتن ایستگاه زمینی با اندازه و قطر مناسب با پارامترهای ماهواره طراحی و انتخاب می‌شود. پارامترهای چنین لینکی تابع قوانین بین‌المللی هستند.

۱/۵- سرویس‌های ماهواره‌ای

در حال حاضر از ماهواره‌ها در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری می‌شود. بعضی از این ماهواره‌ها مختص انجام کاری مشخص هستند و بعضی دیگر خدمات گوناگونی ارائه

می‌دهند. ممکن است ماهواره‌ها برای خدمات مختلف فرکانس مخصوص به خود داشته باشند و یا این که از یک باند فرکانس به صورت مشترک استفاده کنند.

انواع اصلی خدماتی را که توسط اتحادیه بین‌المللی ارتباطات ITU برای ماهواره‌ها در نظر گرفته شده است می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- سرویس ارتباط ثابت ماهواره‌ای FSS ارتباط رادیویی بین ایستگاه‌های زمینی در نقاط مشخص و معین از طریق یک یا چند ماهواره صورت می‌گیرد. این ایستگاه‌ها برای ارتباطات سیگنال‌های تلفن، تلگراف، فکس، دیتا و رادیو و تلویزیون جهت سیگنال‌رسانی در نظر گرفته شده‌اند، مانند ماهواره‌های اینتلسات، یوتلست و ...

۲- سرویس ارتباط سیار ماهواره‌ای MSS - بین ایستگاه‌های زمینی سیار با یک یا چند ایستگاه فضائی سیار یا بین ایستگاه‌های فضائی سیار از این سرویس استفاده می‌کنند. حتی ایستگاه‌های

در ماه ژوئیه سال ۱۹۵۴ نخستین پیام تلفنی از مسیر زمین - ماه انتقال یافت و در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۵۹ نیروی دریایی آمریکا موفق به برقراری ارتباط بین آناپولیس و هونولولو از طریق ماه شد. قدرت فرستنده پیزی در حدود ۱۰۰ کیلو وات. قطر آنتن ۷۰ متر و فرکانس ارسال ۱۳۴ مگاهرتز بود.

زمینی، دریائی و هوایی سیار نیز می‌توانند از این سرویس استفاده کنند. مانند ماهواره‌های اینمارست که در ابتدا فقط برای ارائه خدمات به کشتی‌ها و قایق‌هایی که روی آب حرکت می‌کردند ایجاد شده بود و سپس فعالیت خود را گسترش داد.

۳- سرویس ماهواره‌ای پخش رادیو و تلویزیونی BSS - در سرویس ارتباط رادیویی، سیگنال صوتی یا تلویزیونی از ایستگاه‌های فضائی به طور مستقیم برای استفاده عمومی ارسال می‌شود و در واقع عموم مردم می‌توانند با یک آنتن بسیار کوچک سیگنال رادیو و تلویزیون را از ماهواره به صورت مستقیم دریافت کنند.

۴- سرویس ماهواره‌ای تعیین محل ایستگاه‌های فرستنده RDSS

Radio Determination Satellite Service

سرویس ارتباط رادیویی برای تعیین محل ایستگاه‌های فرستنده رادیویی

۵- سرویس هدایت رادیویی ماهواره‌ای RNSS

Radio Navigation Satellite Service

سرویس ارتباط رادیویی برای ارتباطات هدایت ایستگاه‌های سیار نظیر کشتی و هواپیما و غیره.

۶- سرویس زمین شناسی ماهواره‌ای EESS

Earth Exploration Satellite service

سرویس ارتباط رادیویی که در آن گیرنده‌های حساس و غیرفعال روی ماهواره‌ها، اطلاعات مربوط به مشخصات و پدیده‌های غیرطبیعی زمین را جمع‌آوری می‌کنند. ماهواره‌ها می‌توانند این اطلاعات و اطلاعات مشابه را از سکوه‌های هوایی یا پایگاه‌های زمینی دریافت کنند. چنین اطلاعاتی ممکن است در بین ایستگاه‌های زمینی مربوطه پخش شود و یا برای شناسایی سکوه‌های فضائی مورد استفاده قرار گیرد. شایان ذکر است که خدمات هواشناسی از طریق ماهواره‌ی مربوط به این سرویس صورت می‌گیرد هر چند بعضی اوقات نام سرویس ماهواره‌ای هواشناسی (MSS) ذکر می‌شود مانند ماهواره‌های نوا، اسپات، لندست، MOS1 و .

۷- سرویس ماهواره‌ای GPS - سرویس ارتباط رادیویی برای هماهنگ کردن و استاندارد

نگهداشتن فرکانس و وقت در نقاط مختلف جهان و سنکرون کردن سیستم‌ها با دقت بسیار زیاد.

۸- سرویس ماهواره‌ای ارتباطات آماتوری - سرویس ارتباط رادیویی برای ایستگاه‌های فضائی به منظور خودآموزی ارتباطات داخلی برای بررسی‌ها و مطالعات فنی که توسط افراد آماتور صورت می‌گیرد. این سرویس‌ها برای افرادی است که به تکنیک رادیو به دلایل شخصی و بدون توجه به منافع مالی علاقه‌مندند مانند ماهواره RS، اسکار و AMSAT. علاوه بر تقسیم‌بندی‌های بالا سرویس‌ها می‌توانند به دو گروه نظامی و غیرنظامی طبقه‌بندی شوند. برای ارتباطات نظامی از طریق ماهواره باند فرکانس معینی (۷/۸ گیگاهرتز) توسط اتحادیه بین‌المللی ارتباطات ITU در نظر گرفته شده است. سیستم ماهواره‌ای نظامی، سرویس در موارد استراتژیکی، تاکتیکی، جاسوسی و تبادل اطلاعات و نظایر آن را در برمی‌گیرد.^۳

۱/۶ - باند فرکانسی ماهواره‌ها

باند 6/4 گیگاهرتز (C-band) ۶ گیگاهرتز برای ارسال به ماهواره Uplink

۴ گیگاهرتز از ماهواره به زمین Downlink

باند Ku 14/11 گیگاهرتز، این باند، باند اختصاصی سرویس FSS است.

۱۴ گیگاهرتز برای ارسال به ماهواره

۱۱ گیگاهرتز از ماهواره به زمین

باند Ku2 - 18/12 گیگاهرتز، باند اختصاصی برای سرویس BSS

۱۸ گیگاهرتز برای ارسال به ماهواره feederlink

۱۲ گیگاهرتز برای دریافت از ماهواره DOWNLINK

باند ka 30/20 گیگاهرتز

۱۷-۲۰ گیگاهرتز از ماهواره به زمین DOWNLINK

۲۷-۳۰ گیگاهرتز از زمین به ماهواره UPLINK

و باند فرکانسی بالاتر 47-50 گیگاهرتز نیز برای سرویس جدید از طرف ITU ارائه شده است.

هر یک از سرویس‌های ماهواره‌ای در ITU دارای باند فرکانس مشخصی هستند که بعضی از آنها ممکن است با هم به صورت Sharing استفاده شوند و برای بعضی از سرویس‌ها باند فرکانسی به صورت اولویت برای آن سرویس در نظر گرفته شده و دیگر سرویس‌ها در مکان ثانویه قرار دارند.^۴

۲- ساختمان ماهواره

در این بخش، قسمت‌های اصلی طرح و ساخت ماهواره‌های ارتباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در شکل زیر، قسمت‌های اصلی و فرعی ماهواره به صورت شماتیک نشان داده شده است.

الف: سیستم فرعی آنتن: برای دریافت و ارسال سیگنال رادیویی

ب: سیستم فرعی ارتباط: شامل وسایل الکترونیکی برای دریافت سیگنال، تقویت و تغییر فرکانس و تقویت مجدد و ارسال آن از طریق همان آنتن

ج: سیستم فرعی فرمان و دورسجی: برای دریافت فرامین و ارسال اطلاعات مربوط به ماهواره به

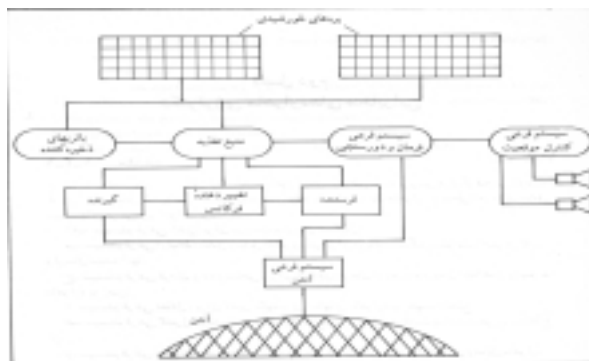
زمین

د: سیستم فرعی تعادل: برای نگهداشتن دقیق آنتن‌های ماهواره در جهت صحیح

ه: سیستم فرعی کنترل موقعیت در مدار و ارتفاع: برای تنظیم موقعیت مداری ماهواره و ارتفاع آن

و: سیستم فرعی منبع تغذیه: به منظور تهیه و ایجاد قدرت لازم برای راه‌اندازی وسایل ماهواره

ز: سیستم فرعی کنترل حرارت: برای کنترل حرارت، هر ماهواره ارتباطی حداقل باید سیستم‌های فرعی فوق را در بر داشته باشد، البته جزئیات طراحی و نوع کار سیستم‌های فرعی می‌تواند برای ماهواره‌های مختلف متفاوت باشد. بعضی از ماهواره‌های ارتباطی که غیر از ارتباطات در زمینه‌های دیگری نیز مانند پخش رادیویی، تحقیقات فضائی، جمع‌آوری اطلاعات و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرند، وسایل بیشتری با خود حمل می‌کنند. به چنین ماهواره‌هایی چند منظوره Multipurpose می‌گویند.^۵



۱/۲ - سیستم آنتن: آنتن‌های ماهواره به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف - آنتن‌های فرمان و دورسنجی

این گروه از آنتن‌ها (VHF) که ماریچی و مخروطی هستند به دلیل داشتن برد وسیع، در مراحل پرتاب، علاوه بر مدت زمان حضور ماهواره در مدار، وظیفه دورسنجی و دریافت فرمان‌های زمینی را نیز بر عهده دارند. هنگامی که ماهواره به طور ثابت در ارتفاع صحیحی از سطح زمین قرار می‌گیرد از این آنتن‌ها به عنوان آنتن‌های کمکی استفاده می‌شود.

ب: آنتن‌های میکروویو

این آنتن‌ها که از نظر شکل و اندازه دارای انواع مختلفی هستند، براساس معیارهای زیر در نظر گرفته می‌شوند:

- باند فرکانس مورد استفاده

- پوشش منطقه مورد نظر (عمومی و نیمکره‌ای و نقطه‌ای)

- ضریب شایستگی (G/T)

- پلاریزاسیون

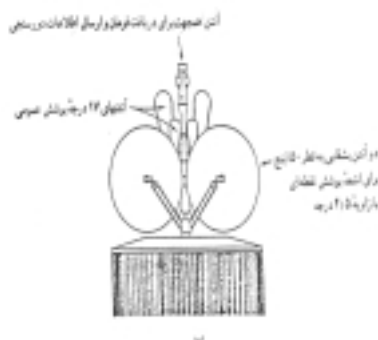
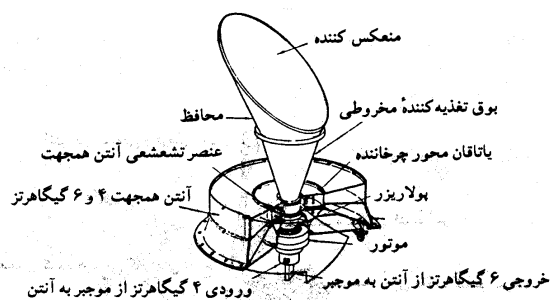
- محدودیت اندازه ماهواره بر روی موشک‌های پرتاب‌کننده

بنابراین معمول‌ترین نوع آنتن‌های منعکس‌کننده آنتن‌های بوقی و رشته‌ای فاز هستند. با توجه به این که از ارتفاع مدار ثابت، زمین در زاویه‌ای برابر $18/3$ درجه قرار دارد، استفاده از آنتن‌های بزرگ (دارای بهره و جهت‌داری زیاد) ضروری است.

در نتیجه پوشش عمومی سیگنال‌های رادیویی (RF)، اشعه‌هایی که دارای پهنای شعاعی با زاویه مرکزی حدود 17 درجه‌اند ارسال می‌شوند. برای پوشش سطح زمین همان طور که در شکل زیر نشان داده شده است از آنتن‌های بوقی، آنتن‌های سه‌پوی و آنتن‌های رشته‌ای فاز استفاده می‌شود.

برای پوشش نقطه‌ای، شعاع‌های باریک‌تر لازم است. از آنجا که پهنای شعاع با عکس اندازه آنتن متناسب است باید از آنتن‌های بزرگ‌تر استفاده شود ولی محدودیت جا و مکان در موشک حامل ماهواره امکان استفاده از آنتن‌های بزرگ را نمی‌دهد و معمولاً از آنتن‌های سه‌پوی 1 تا $2/4$ متری استفاده می‌شود.

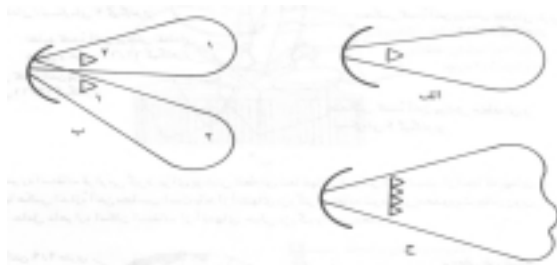
برای پوشش نقطه‌ای، شعاع‌های باریک‌تر لازم است. از آنجا که پهنای شعاع با عکس اندازه آنتن متناسب است باید از آنتن‌های بزرگ‌تر استفاده شود ولی محدودیت جا و مکان در موشک حامل ماهواره امکان استفاده از آنتن‌های بزرگ را نمی‌دهد.



پیشرفت فناوری ماهواره‌ای و احتیاجات طراحی ترافیک ارتباطاتی موجود، از اواخر دهه ۶۰ منجر به استفاده از آنتن‌های منعکس‌کننده شد تا به قسمتی از سطح زمین انرژی ارسال کند. با قرار دادن تغذیه‌کننده بوقی (Feed horn) در نقاط مختلف نسبت به کانون منعکس‌کننده، می‌توان پرتو آنتن را برای جهت‌های مختلف معین کرد و از چند بوق در کنار هم در نزدیکی کانون منعکس‌کننده برای پوشش یک نقطه به خصوص و یا شکل دادن پوشش زمین به نحوی خاص استفاده کرد.

در ماهواره‌های جدید برای پوشش‌های نیمکره‌ای، منطقه‌ای، نقطه‌ای و حتی شکل داده شده از این روش استفاده می‌شود. وسعت و اندازه پوشش (پهنای شعاع اشعه) بستگی به مقدار نسبت انعکاس بر طول موج دارد. برای مثال، آنتن ۲/۴۴ متری ماهواره اینتلست ۵، در فرکانس ۴ گیگاهرتز، شعاعی برای پوشش نیمکره‌ای یا نقطه‌ای با پهنای شعاع ۱۰ درجه و یا کمتر است، در صورتی که با استفاده از

گروه‌های مختلف تغذیه‌کننده‌های بوقی، منعکس‌کننده‌ای با قطر ۱ متر در فرکانس ۱۴ گیگاهرتز، پرتویی با پهنای شعاع در حدود ۱/۶ الی ۳ درجه برای پوشش نقطه‌ای به وجود می‌آورد.^۶

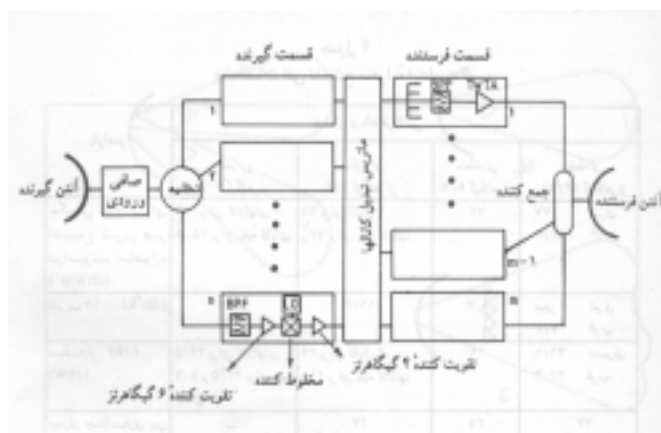


آنتن‌های چند بیمی (Multiplebeam) نیز از نظر استفاده مجدد از فرکانس‌ها قابل توجه‌اند، در این نوع، ارسال گروه‌های مختلف پیام در یک فرکانس همزمان، با ارسال شعاع‌ها در جهت‌های متفاوت و قسمت‌های مختلف زمین صورت می‌گیرد و پوشش نقطه‌ای با بهره بسیار بالا را به وجود می‌آورد. از طریق دو پلاریزاسیون عمود بر هم نیز می‌توان فرکانس‌ها را مجدداً مورد استفاده قرار داد. از دو پلاریزاسیون خطی (عمودی و افقی) یا دو پلاریزاسیون دایره‌ای (چپ گرد و راست گرد) برای جداسازی شعاع‌های ارسال و دریافت از یکدیگر، یا برای ارسال دو گروه پیام جداگانه در یک باند فرکانس استفاده می‌شود.

۲/۲- سیستم فرعی ارتباط

این سیستم فرعی شامل تمام وسایل و تجهیزات الکترونیکی مورد نیاز برای دریافت، تقویت، تغییر فرکانس و ارسال مجدد سیگنال‌های دریافتی از زمین است. هر ماهواره تعدادی ترانسپوندر و قطعاتی را شامل می‌شود که در شکل زیر مشخص است. تعداد ترانسپوندرهای ماهواره‌ها بسته به وزن آنها از ۱۲ الی ۲۴ متغیر است.

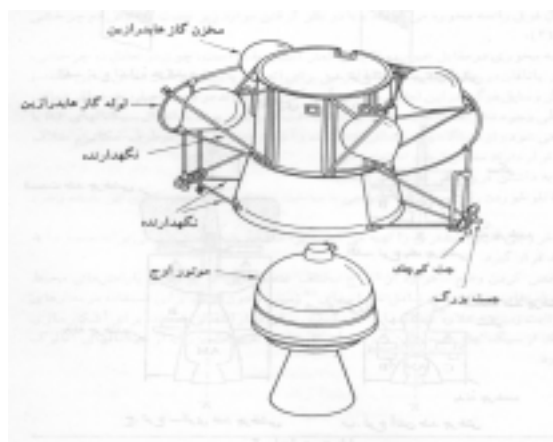
سیگنال دریافتی توسط آنتن گیرنده از طریق یک صافی میان گذر (BPF) وارد یک ترانسپوندر می‌شود و پس از تقویت به وسیله تقویت‌کننده‌ای با نویز کم (LAN)، با فرکانس نوسل ساز محلی (LO) برای پائین آوردن فرکانس حامل، به سطح (IF) مخلوط می‌شود. سپس سیگنال از طریق مرکز سوئیچ ماهواره به یکی از کانال‌های ارسالی با کد مربوط به سیگنال ارسال تبدیل می‌شود، بعد حامل را تا فرکانس ارسال بالا برده، توسط یک تقویت‌کننده پر قدرت (معمولاً TWT) تقویت کرده و از طریق قسمت‌هایبرید برای ارسال به آنتن فرستنده تغذیه می‌کند. ماهواره‌ها ممکن است چندین آنتن داشته باشند. در این حالت دستگاه‌های دریافت و ارسال بیشتری به کار گرفته می‌شود. به علاوه، با توجه به نوع سیگنال مورد استفاده، تقویت‌کننده پر قدرت ممکن است یک تقویت‌کننده TWT برای کانال‌های تلفنی یا یک تقویت‌کننده کلاسترون برای سیگنال‌های تلویزیونی باشد. همچنین ماهواره دارای دستگاه‌های مالتی پلکس و دی مالتی پلکس برای گروه‌بندی تک‌تک سیگنال‌ها است.^۷



۲/۳- سیستم فرعی کنترل مدار

در مدار GSO با وجود مدار ثابت زمین گاهی اوقات وارد آمدن نیروهایی چون جاذبه ماه و خورشید باعث منحرف شدن ماهواره می‌شود. در نتیجه هر از گاهی ماهواره نیاز به هل کوچکی برای تصحیح وضعیت مدار دارد. برای جبران اثرات ماه و خورشید در جهت شمال - جنوب و برای جبران تأثیر میدان

ثقل زمین که ناشی از بیضی بودن آن است ماهواره در جهت شرقی - غربی نیاز به هل دارد. ماهواره‌های تعادل چرخشی نیز برای شروع چرخش احتیاج به هل دادن دارند. هل دادن‌ها و فشارهای لازم توسط جت‌های گازی کوچکی که از سطح بدنه ماهواره بیرون آمده است ایجاد می‌شود، به جلو راندن ماهواره نیز ممکن است از طریق گازهای فشرده درون تانک‌ها صورت گیرد. معمولاً گاز هایدرازین (Hydrazin) که به همراه کاتالیزوری در یک جلو برنده شیپوری (nozzle) تجزیه می‌شود، مورد استفاده قرار می‌گیرد. حجم گاز ذخیره‌ای و تعداد دفعات تصحیح مسیر ماهواره تعیین‌کننده عمر ماهواره‌ها است. اگر تمام گاز ذخیره‌ای مصرف شود امکان کنترل ماهواره در مدار وجود نخواهد داشت در نتیجه ماهواره کم‌کم از مدار خارج شده و احتمالاً به طرف ماه، ستارگان و یا خورشید جذب خواهد شد.^۸



۳- پرتاب ماهواره‌ها

روش اول پرتاب ماهواره‌ها توسط موشک: پرتاب ماهواره‌ها به مدار ثابت، معمولاً در چهار

مرحله صورت می‌گیرد:

الف: مدار صعود

ب: مدار پارکینگ

ج: مدار انتقال

د: مدار ثابت زمین

الف - مدار صعود:

در این مرحله از موشک‌های پرتاب استفاده می‌کنند، این موشک‌ها از دو یا سه مرحله (طبقه) تشکیل شده‌اند. انواع این موشک‌ها عبارتند از:

۱- موشک Thore-Delta ۲

۲- موشک Atlas-Centaur ۳

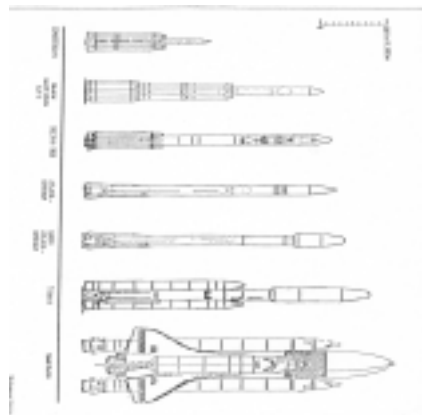
۳- موشک Ariane

۴- سفینه فضائی شاتل

معمولاً این موشک‌ها در دو مرحله آتش، ماهواره را در ارتفاع ۲۰۰ الی ۳۰۰ کیلومتری زمین قرار می‌دهند و سپس در این مدار ماهواره را رها می‌کنند. صفحه‌ای که از این ماهواره‌ها عبور می‌کند نسبت به صفحه خط استوا کج است. کج شدن ماهواره به خاطر نیروی جاذبه زمین است.

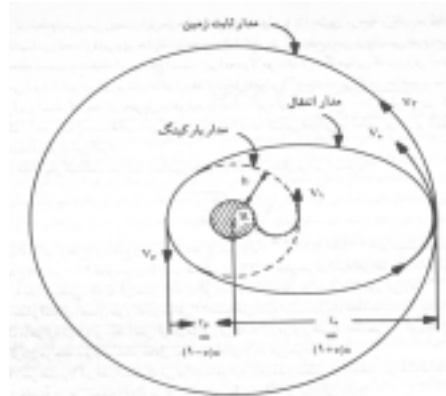
ب - مدار پارکینگ: این مدار در فاصله ۲۰۰ الی ۳۰۰ کیلومتری زمین قرار دارد. ماهواره قبل از رفتن به مدار اصلی در این مدار دو الی سه بار به دور کره زمین می‌چرخد. سرعت ماهواره در مدار پارکینگ باید برابر $7/79$ کیلومتر در ثانیه باشد و اگر کمتر از این مقدار سرعت داشته باشد ماهواره سقوط می‌کند. این سرعت حداقل سرعتی است که در آن ماهواره شروع به چرخش به دور کره زمین می‌کند.

سری پرتاب‌کننده‌های ماهواره امریکایی



ج - مدار انتقال :

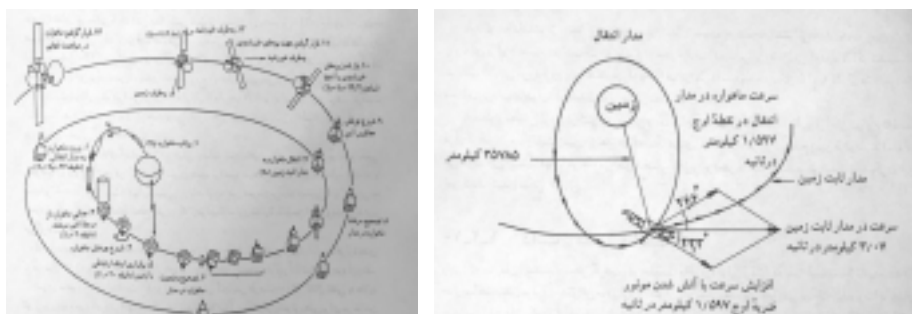
ماهواره پس از چرخش در مدار پارکینگ، در یک نقطه مناسب که معمولاً از طرف مرکز کنترل تعیین می‌شود، با آتش کردن یک موتور دیگر به نام موتور Perigee-Kick motor از مدار پارکینگ به مدار ثابت برده می‌شود. به این مدار بیضی شکل که باعث جا به جایی ماهواره از مدار پارکینگ به مدار ثابت می‌شود مدار انتقال گفته می‌شود. معمولاً برای این که ماهواره به مدار انتقال برود باید سرعت آن به $2/46$ کیلومتر در ثانیه افزایش یابد یعنی سرعت ماهواره از سرعت مدار پارکینگ ($7/79$ کیلومتر در ثانیه) به سرعت $10/25$ کیلومتر در ثانیه برسد.



د - مدار ثابت زمین :

بعد از این که ماهواره یک تا دو بار در مدار انتقال چرخید و تمام حرکات آن توسط مرکز کنترل مورد بررسی و کنترل قرار گرفت به نزدیکی نقطه اوج می‌رسد، در این حالت با روشن شدن یک موتور دیگر که به آن موتور ضربه‌ای اوج نیز می‌گویند ماهواره در مدار اصلی ثابت زمین قرار می‌گیرد این موتور باید دارای سرعتی معادل $3/07$ کیلومتر در ثانیه باشد یعنی سرعت افزایش آن که قبلاً $2/46$ کیلومتر در ثانیه بود به $3/07$ کیلومتر در ثانیه افزایش پیدا کند به این موتور که عمل ضربه‌ای را انجام می‌دهد موتور Apogee-Kick motor نیز می‌گویند. در اینجا افزایش سرعت به این مقدار و درست در نقطه اوج منحنی بسیار اهمیت دارد زیرا اگر این نکته رعایت نشود احتمال گم شدن ماهواره بسیار زیاد است.⁹

روش دوم پرتاب ماهواره توسط شاتل: در این روش، ماهواره به وسیله شاتل در مدار پارکینگ رها می‌شود و با موتورهای خودش به مدار ثابت انتقال می‌یابد. از مزایای شاتل فضائی این است که اگر به هر دلیلی دچار مشکل شود امکان تعمیر و بازگشت مجدد آن به زمین وجود دارد در صورتی که اگر از روش موشک استفاده کنیم بازگشت مجدد ماهواره به زمین امکان‌پذیر نیست در نتیجه روش شاتل از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه است و به همین دلیل معمولاً امروزه در اکثر موارد برای پرتاب ماهواره‌ها از شاتل فضائی استفاده می‌کنند.



۳/۱- سوخت ماهواره‌ها

ماهواره‌ها معمولاً از سوخت‌هایی استفاده می‌کنند که دارای بیشترین بازده بوده و نیاز به اکسیژن فراوانی نداشته باشند. یکی از گازهایی که در سوخت ماهواره‌ها به کار برده می‌شود گاز هایدرازین است. این گاز در خارج از جو زمین به خوبی می‌سوزد و در هنگام خروج فشار زیادی به بدنه جسم مورد نظر ایجاد می‌کند؛ برای سوخت احتیاج به اکسیژن کمی دارد و به همین دلیل با خروج گاز که از انتهای نازل شعله آتش را به فاصله زیادی پرتاب می‌کند موجب می‌شود ماهواره به طرف جلو حرکت کند. هر چه فشار و نیروی جاذبه کمتر باشد این نیرو قوی‌تر شده و ماهواره را با سرعت بیشتری به سمت جلو می‌راند.

امروزه در اکثر موشک‌های پرتاب‌کننده و شاتل‌های فضائی از گازهای هایدرازین استفاده می‌کنند.

۴- روش‌های کنترل ماهواره

یکی از بخش‌هایی که در طراحی و ساخت ماهواره‌های ارتباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد سیستم‌های مختلفی را شامل می‌شود که در بخش ۲ ساختمان ماهواره به آنها اشاره شد اما سیستم‌های کنترل ماهواره به صورت زیر است:

۴/۱- سیستم فرعی فرمان و دورسنجی

ماهواره‌ها در کنار وسایل ارتباطی، دستگاه‌ها و تجهیزاتی برای مخابره اطلاعات به زمین دارند. کار این تجهیزات بررسی وضعیت سیستم‌های مختلفی است که در ماهواره وجود دارند نظیر اندازه‌گیری سیگنال دریافتی از زمین و همچنین نحوه کار و عملکرد ترانسپوندرهای ماهواره و فرمان‌های ردیابی و اندازه‌گیری دورسنجی و غیره.

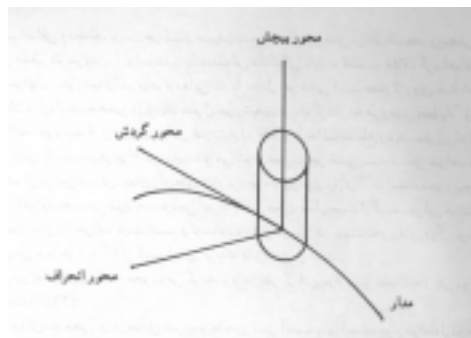
در ماهواره‌ها، مرکز کنترل اصلی دستورات لازم را برای نگهداری وضعیت مداری و انجام فرامین صحیح، یا تغییر پوشش به ماهواره ارسال می‌کند.

۴/۲- سیستم فرعی تعادل

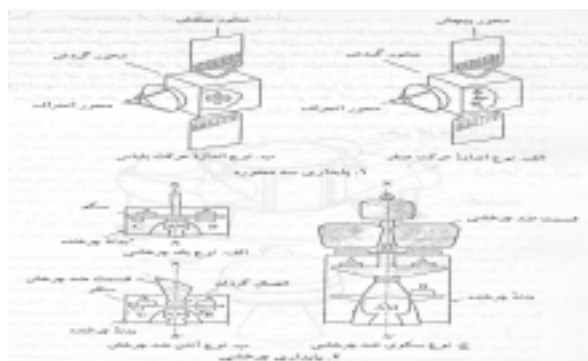
به ماهواره در حال گردش در مدار به دلیل اثرات گوناگون فضای اطراف آن، نیروها و گشتاورهای مختلفی وارد می‌شود. وارد شدن این گشتاور که ناشی از تشعشعات خورشید و نیروی جاذبه زمین و ماه است، ماهواره را از مسیر اصلی خود منحرف می‌کند، از این رو برای جلوگیری از انحراف ماهواره از مدار روش‌هایی را برای حفظ و ایجاد تعادل اجرا می‌کنند که عبارتند از:

الف - تعادل چرخشی: در این روش، ماهواره به دور محور پیچش خود در حدود ۳۰ الی ۶۰ دور در دقیقه می‌چرخد. در اثر این چرخش ممان اینرسی به حداکثر می‌رسد و این کار باعث می‌شود که ماهواره مانند یک فرفره عمل کند. برای این که آنتن‌های میکروویو و آنتن‌های کنترل به سمت زمین ثابت بمانند و از روی کره زمین ثابت دیده شوند باید با همان سرعت و در جهت عکس شروع به چرخش

کنند (در اینتلیست ۳). این عمل باعث می‌شود که برآیند این دو نیرو صفر شده و شخصی که بر روی کره زمین قرار دارد حرکت آنتن‌های ماهواره را تشخیص ندهد. همین عمل باعث می‌شود که آنتن‌های ماهواره دارای تقارن محوری باشند چنان که در اینتلیست ۱ و ۲ این روش قابل استفاده است.



ب - تعادل سه محوری: در این روش ماهواره را به وسیله هر سه محور به تعادل میرسانند، روش سه محوری مشکل‌تر است اما عیوب و نقایص کمتری دارد. این عیوب در تعادل چرخشی اشکالاتی را بر روی یاتاقان‌های در حال گردش ایجاد کرده و آنتن را از مسیر اصلی خود منحرف می‌کند اما در روش کنترل سه محوری آنتن را می‌توان دقیقاً بر روی نقطه مورد نظر متعادل کرد چون تعادل ماهواره را از سه جهت برقرار می‌کنند.



۴/۳- سیستم فرعی کنترل موقعیت در مدار و ارتفاع:

به دلیل وجود نیروهای منحرف کننده و ناخواسته ماهواره کمی از مدار خود منحرف می شود، در نتیجه هر چند گاهی احتیاج به هل دادن کوچکی دارد تا وضعیت خود را نسبت به مدار تصحیح کند، برای این کار از جت های کوچکی که از اطراف سطح بدنه آنها بیرون آمده است استفاده می کنند. در بخش ۲/۳ به این مطلب اشاره شده است.

۴/۴- سیستم فرعی منبع تغذیه:

ماهواره های امروزی برای تغذیه از نور خورشید استفاده می کنند، تقریباً هزار وات در متر مربع از نور خورشید به سطح ماهواره می رسد ولی از آنجائی که بازده تبدیل انرژی خورشیدی به انرژی الکتریسته حدود ۲۰ درصد الی ۳۰ درصد است کل انرژی تبدیل شده به انرژی الکتریکی به حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ وات می رسد و هر چه از عمر سلول های خورشیدی بگذرد بازده آن کمتر می شود به طوری که برای مثال، پس از گذشت ۷ سال از عمر سلول های خورشیدی، بازده کاری به حدود ۳۰ درصد می رسد و در نتیجه انرژی الکتریکی به دست آمده از ۲۰۰ وات به ۶۰ وات کاهش می یابد و همین امر باعث می شود که ماهواره ها دارای طول عمر محدودی باشند و پس از چند سال کار، سلول های خورشیدی آنها از کار بیفتند. برای جبران افت ولتاژ و انرژی معمولاً تعدادی از سیستم های کنترل ماهواره را خاموش می کنند تا انرژی کمتری صرف کنترل شود و ماهواره بتواند مدت زمان بیشتری به ارسال سیگنال از فضا به سمت زمین ادامه دهد.

۴/۵- سیستم فرعی کنترل حرارتی:

با توجه به این که ماهواره در فاصله ۳۵۸۰۰ کیلومتری زمین قرار دارد برای جلوگیری از گرم شدن آن در مقابل اثر تابشی نور خورشید، می توان با قرار دادن یک سپر حرارتی از آن محافظت کرد اما برای یک ماهواره مخابراتی که احتیاج به جذب نور خورشید دارد سپر حرارتی را باید طوری نصب کرد که جلوی تابش نور خورشید را بر سلول های خورشیدی نگیرد. زمانی که ماهواره در سایه زمین قرار می گیرد، انرژی دریافتی آن بسیار کم می شود و در نتیجه درجه حرارت کاهش می یابد، در این حالت است که

ماهواره انرژی لازم را از باتری‌های موجود کسب می‌کند. این انرژی قبلاً توسط شارژرهای موجود در ماهواره در باتری‌ها ذخیره شده است.

۵- اینتلیست V:

اینتلیست V بزرگ‌ترین ماهواره مخابراتی است که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است. این ماهواره از تکامل ماهواره‌های سری قبل به دست آمده است.

چهار ماهواره از ماهواره‌های اینتلیست V به سیستم فرعی ارتباطات دریائی مجهز هستند. سیستم‌های فرعی از آنتن مربوط به پوشش کامل زمین (پوشش عمومی) در فرکانس ۶ گیگاهرتز برای دریافت و از فرکانس ۴ گیگاهرتز برای ارسال به صورت مشترک استفاده می‌کنند. علاوه بر این، گیرنده باند C که در مخابرات دریایی و در لینک ارتباطی ساحل به

**بدنه اصلی ماهواره، به شکل متعصب
مستطیلی به ابعاد ۱/۶D×۱/۱/۱ متر
است که کلیه سیستم‌های فرعی
الکترونیک و سیستم فرعی بلورنده در
آن قرار دارد.**

کشتی از آن استفاده می‌شود می‌تواند به عنوان کمکی که با گیرنده عمومی ۶ گیگاهرتز برای ترافیک اینتلیست به کار می‌رود مورد استفاده قرار گیرد.

برای ارتباط کشتی با ساحل فرکانس باند L (۱۶۴۴/۵ - ۱۶۳۵/۵ مگاهرتز) مورد استفاده قرار می‌گیرد و سیگنال‌ها توسط یک آنتن با پوشش عمومی شامل یک مجموعه چهارتایی از آنتن‌های ماریچی دریافت می‌شود، دریافت کشتی از ماهواره در باند ۱۵۴۲/۵ - ۱۵۳۵ مگاهرتز است.

با توجه به این که در ماهواره‌های اینتلیست V تغییرات طراحی مکانیکی زیادی نسبت به سری قبل وجود داشت، تصمیم گرفته شد که از تعادل سه محوری برای این سری از ماهواره‌ها استفاده شود. زمانی که ماهواره در حال گردش به دور زمین است، بال‌های بلند مجموعه سلول‌های خورشیدی روزی یک بار می‌چرخند تا رو به خورشید قرار گیرند. قدرت الکتریکی مورد نیاز برای فرستنده‌ها، گیرنده‌ها و مبدل‌ها نسبتاً زیاد و در حدود ۸۰۰ وات است. تهیه چنین قدرتی به سطح وسیعی از سلول‌های خورشیدی یعنی ۲۰ متر مربع احتیاج دارد. این سطح در صورتی می‌تواند چنین قدرتی ایجاد کند که ماهواره از نوع بدنه غیرمتحرک (Body Stablized) بوده و پانل سلول‌های خورشیدی قابلیت باز شدن داشته باشد تا بتواند خود را در جهت حداکثر تابش خورشید تنظیم کند. پایداری ماهواره از نوع سه محوری و بدنه اصلی

ماهواره، به شکل مکعب مستطیلی به ابعاد $1/77 \times 2 \times 1/65$ متر است که کلیه سیستم‌های فرعی الکترونیک و سیستم فرعی جلوبرنده در آن قرار دارد. بر روی یکی از سطوح بدنه، برجک کوچکی برای نصب آنتن‌ها قرار گرفته است.

خلاصه مشخصات عمده ۵ نسل ماهواره و هم چنین هزینه قرار دادن ماهواره از نسل اول تا نسل ۶

اینترنت در جدول زیر آمده است:

مشخصه ماهواره	اینترنت ۱	اینترنت ۲	اینترنت ۳	اینترنت ۴	اینترنت ۵	اینترنت A-۴	اینترنت ۶
سال اولین پرتاب	۱۹۶۵	۱۹۶۷	۱۹۶۸	۱۹۷۱	۱۹۷۵	۱۹۷۹	۱۹۸۶
طول ماهواره (سانتیمتر)	۶۰	۶۷	۱۰۴	۵۲۸	۵۹۰	۱۵۷۰	۱۱۸۰
وزن ماهواره در مدار ثابت زمین (کیلوگرم)	۳۸	۸۶	۱۵۲	۷۰۰	۷۹۰	۹۶۷	۱۶۷۰
توان منبع تغذیه قدرت (کیلووات)	۰/۰۴	۰/۰۷۵	۰/۱۲	۰/۴	۰/۵	۱/۲	۲/۲
ظرفیت (مکالمه تلفنی)	۲۴۰	۲۴۰	۱۲۰۰	۴۰۰۰	۶۰۰۰	۱۲۰۰۰	۳۳۰۰۰
عمر طرح شده ماهواره (سال)	۱/۵	۳	۵	۷	۷	۷	۷
مخارج سرمایه‌گذاری سالانه مکالمه (دلار)	۳۲۵۰۰	۱۱۴۰۰	۲۰۰۰	۱۲۰۰	۱۱۰۰	۸۰۰	۶۶۲
مخارج ماهواره تا قرار دادن آن در مدار (میلیون دلار)	۱۱/۷	۸/۲	۱۲/۲	۳۳/۶	۴۶/۲	۶۷/۲	۱۵۳

قابل ذکر است که مخارج ذکر شده در ردیف آخر مربوط به مخارج ماهواره و در مدار قرار دادن آن است و هزینه ایستگاه مرکزی TT&C را شامل نمی‌شود.^{۱۰}

۶- ماهواره‌های INCLINED

در سرویس ماهواره‌های NGSO (ماهواره غیرسنکرون) به دلیل این که از مجموعه ماهواره‌ای Constellation برای پوشش تمام کره زمین استفاده می‌شود، ماهواره‌ها باید در مدارهای مختلفی قرار بگیرند. این مدارها باید نسبت به استوا از ۰ تا ۹۰ درجه انحراف (Inclination) داشته باشند تا بتوانند تمام کره زمین را پوشش دهند. اما در مدار GSO که مدار

ثابت زمین است، ماهواره‌ها دارای انحراف نیستند و کنترل آنها به راحتی انجام می‌شود. به همین دلیل نیز عمر ماهواره‌ها در این مدارها به علت استفاده کمتر از سوخت لازم برای کنترل، بیشتر است اما چون این مدار نیز دارای محدودیت است به ناچار باید از مدارهای GEO که مدار سنکرون زمین بوده و شبانه‌روز را در ۲۳ ساعت ۵۹ دقیقه و ۴ ثانیه طی خواهند کرد، استفاده شود. فاصله این مدارها تا زمین ۳۵۸۰۰ کیلومتر است و نسبت به صفحه استوا کمی انحراف دارند. در این مدارها انحراف ماهواره‌ها حدود ۰/۱ تا

در مدارهای GEO انحراف ماهواره‌ها محدود ۰/۱ تا ۲ درجه است. در نتیجه در این مدار، ماهواره‌ها نیاز به کنترل بیشتری دارند و برای دریافت با آنتن‌های بزرگ‌تر باید Tracking داشته باشند. عمر این ماهواره‌ها نیز به دلیل این که سوخت بیشتری برای کنترل آنها در جهات مختلف به کار برده می‌شود، کمتر است.

۲ درجه است. در نتیجه در این مدار، ماهواره‌ها نیاز به کنترل بیشتری دارند و برای دریافت با آنتن‌های بزرگ‌تر باید Tracking داشته باشند. عمر این ماهواره‌ها نیز به دلیل این که سوخت بیشتری برای کنترل آنها در جهات مختلف به کار برده می‌شود، کمتر است.

معمولاً به دلیل استفاده از ایستگاه‌های زمینی دارای Tracking، هزینه اجاره این نوع ماهواره‌ها کمتر از ماهواره‌های GSO است و اگر از ایستگاه‌های دارای Tracking استفاده شود قابلیت اطمینان این ماهواره‌ها برای استفاده از سرویس‌های خدماتی به اندازه کافی خواهد رسید. ماهواره‌ای مانند یوتلست IIF1 که دارای ۱/۶ درجه انحراف است برای سرویس‌هایی چون اینترنت بسیار مناسب است و به دلیل انحراف، قیمت اجاره آن نیز ارزان‌تر خواهد بود. در ضمن کلیه ماهواره‌های LEO و MEO که در

مدارهای متوسط و پائین قرار دارند در گروه ماهواره‌های NON-GSO بوده و نسبت به استوا دارای انحراف مدارند. در مدار GSO فقط تعدادی از ماهواره‌ها دارای انحرافند که برای سرویس‌های خدماتی مناسب هستند.

۷- سرویس ماهواره‌ای:

۷/۱ سرویس ماهواره‌ای FSS

همان طور که گفته شد، سرویس FSS جهت نقل و انتقال و سیگنال‌رسانی کلیه اطلاعات رادیو تلویزیون و کانال‌های تلفنی است. در این سرویس، به علت توان پائین ماهواره‌ها دریافت با آنتن‌های

بزرگ‌تر انجام خواهد شد. ITU برای استفاده از این سرویس باند مشخصی را معین کرده است. طبق پلان ITU باند فرکانس FSS برای ۳ ناحیه ITU به شرح زیر است (باند فرکانسی پلان شده):

ناحیه ۱: ۱۲/۷-۱۲/۵ گیگاهرتز (شامل اروپا، افریقا و تمام روسیه)

ناحیه ۲: ۱۲/۲-۱۱/۷ گیگاهرتز (شامل امریکای شمالی و جنوبی)

ناحیه ۳: ۱۲/۷-۱۲/۲ گیگاهرتز (کشور ایران و آسیا به غیر از روسیه و اقیانوسیه).

کشورهای صنعتی به دلیل محدودیتی که در سرویس BSS وجود دارد برای ارسال DTH که سرویسی کاملاً شبیه BSS است از این باند (باند FSS) استفاده می‌کنند یعنی در این باند با استفاده از ماهواره‌های پر قدرت سیگنال را مستقیماً به منازل رسانده و با آنتن‌های کوچک ۶۰ سانتی‌متری دریافت می‌کنند. در این مورد برای قائل شدن محدودیت پخش این سرویس، ایران و بعضی از کشورها خواستار مطالعه بیشتر و قرار دادن این سرویس در سرویس ماهواره‌ای BSS شده‌اند. برای مثال، بیشتر ماهواره‌های اینترنت در باند FSS و برای این سرویس کار می‌کنند.

در سرویس BSS هر کشوری که بخواهد پوشش ماهواره‌اش کشور دیگری را بپوشاند یا باید طبق مقررات رادیویی S.2313 مواضع آن کشور را کسب کند و یا باید پوشش خود را به گونه‌ای تغییر دهد که آن کشور از پوشش ماهواره‌اش مذبذ شود.

۷/۲- سرویس ماهواره‌ای BSS

در ITU طبق پلان سال ۱۹۷۷ که برای تمام کشورهای عضو ITU یک موقعیت مداری برای ماهواره BSS با ۵ کانال آنالوگ تعیین شده بود، پس از مطالعات زیادی که انجام گرفت، یک پلان نهائی برای پوشش ملی کشورها در نظر گرفته شد که در کنفرانس WRC 2000 نهائی شده و در نهایت برای کشورهایی در این پلان قرار داشتند، برای ناحیه ۱ معادل ده کانال آنالوگ و برای ناحیه ۳ معادل ۱۲ کانال آنالوگ به تصویب رسید.

مقررات و قوانین مربوط به BSS بسیار محکم‌تر از FSS است به همین دلیل کشورهای دارای ماهواره مایلند در باند FSS سرویس شبیه BSS را برقرار کنند. از جمله این که در سرویس BSS هر کشوری که بخواهد پوشش ماهواره‌اش کشور دیگری را بپوشاند یا باید طبق مقررات رادیویی S.2313 موافقت آن کشور را کسب کند و یا باید پوشش خود را به گونه‌ای تغییر دهد که آن کشور از پوشش ماهواره‌اش حذف شود. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز موقعیت مداری ۳۴ درجه شرقی را به روی پوشش BSS خود در پلان نهائی قرار داده است و می‌تواند برای پوشش کشور خود یک ماهواره رادیو تلویزیونی در این نقطه قرار دهد تا پوشش ملی خود را تأمین کند اما هنوز این عمل توجیه اقتصادی ندارد و اجاره ترانسپوندر برای صدا و سیما به صرفه‌تر است.

باند فرکانسی که ITU برای استفاده سرویس BSS تعیین کرده با باند FSS متفاوت است و تمام کشورها ملزم به رعایت این باند فرکانسی در ناحیه خود هستند.

ناحیه ۱: ۱۱/۷-۱۲/۵ گیگاهرتز

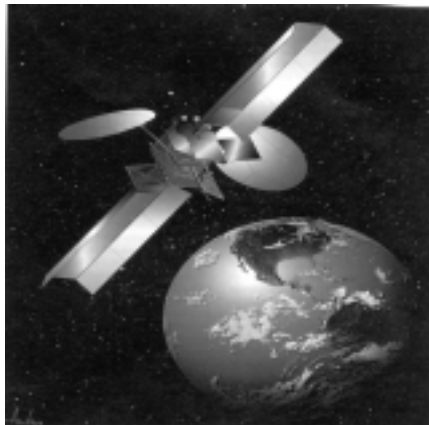
ناحیه ۲: ۱۲/۲-۱۲/۷ گیگاهرتز

ناحیه ۳: ۱۱/۷-۱۲/۲ گیگاهرتز

برای مثال ماهواره هات برد ۳ از سری ماهواره‌های یوتلست در سرویس BSS در ناحیه ۱ قرار دارند و می‌توانند از ماهواره‌های پر قدرت برای ارسال سیگنال رادیو و تلویزیونی استفاده کنند. به همین دلیل دریافت آنها نیز با آنتن‌های کوچک ۶۰ سانتی‌متری امکان‌پذیر خواهد بود. ماهواره‌های مستقلی صرفاً برای پخش صدای دیجیتال از ماهواره وجود دارد که از آن جمله می‌توان به ماهواره‌های WorldSpace و XM اشاره کرد. این ماهواره‌ها امکان پخش صدای دیجیتال را با کیفیتی در حد CD فراهم آورده‌اند. در ضمن ماهواره Afristar از سری ماهواره‌های Worldspace کشور ایران را می‌پوشاند و در صورت

پخش صدای دیجیتال (DAB) در منطقه می‌توان از آن استفاده کرد. شایان ذکر است که شرکت‌های سونی، پاناسونیک و گیرنده رادیو DAB را وارد بازار کرده‌اند.^{۱۱}

ماهواره XM برای پخش صدای دیجیتال (BSS)



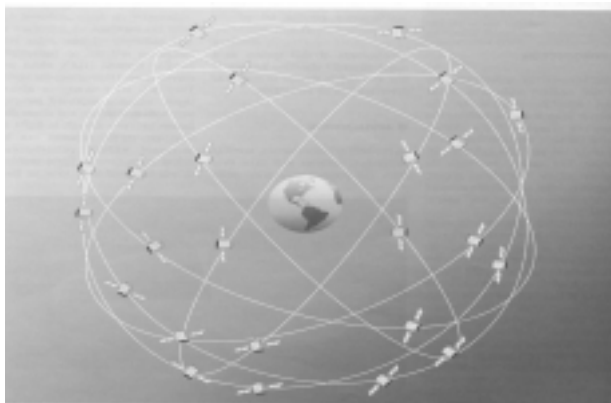
۷/۳- سرویس ماهواره‌های GPS^{۱۲}

اصولاً هدایت‌گری (ناوبری) توسط ماهواره بر اساس یک شبکه ماهواره‌ای که سیگنال‌های رادیویی را از فاصله ۱۱۰۰۰ مایلی از مدارها به طرف زمین ارسال می‌کند، بنا شده است. این سرویس (GPS) دارای ۲۴ ماهواره در مدارهای مختلف است. کشور آمریکا این سرویس را به نام GPS توسعه داده و کشور روسیه شبیه همین سیستم را به نام GLONASS برای سرویس بین‌المللی دایر کرده است. سازمان هوایی کشوری بین‌المللی (ICAO) یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های سرویس گیرنده از GPS و یا GLONASS است که این دو سیستم را به عنوان هسته اصلی ناوبری هوایی کشوری به نام GNSS (Global Navigation Satellite Service) پذیرفته است.

سیستم GPS

این سیستم که متعلق به کشور امریکا است دارای ۲۴ ماهواره است که در مدار MEO در فاصله ۲۰۰۰۰ کیلومتری قرار گرفته‌اند. ماهواره‌ها در ۶ مدار (پلان) واقع شده‌اند یعنی در هر پلان ۴ ماهواره وجود دارد، این پلان‌ها در زاویه انحراف ۵۵ درجه نسبت به پلان استوا قرار گرفته‌اند.

سیستم GLONASS



این مجموعه ماهواره‌ای نیز که متعلق به کشور روسیه است دارای ۲۴ ماهواره است. این ماهواره‌ها در ارتفاع ۱۹۱۰۰ کیلومتری و در ۳ پلان مداری با زاویه انحراف ۶۸/۵ درجه نسبت به استوا قرار دارند، پس در هر پلان ۸ ماهواره وجود دارد.

۷/۳/۱- ساختار GPS یا GLONASS دارای سه بخش اصلی است:

- ۱- بخش فضائی (ماهواره و سیگنال‌های آن)
- ۲- بخش کنترل: تجهیزات زمینی و کنترل و مونیتورینگ آن
- ۳- بخش کاربر: با گیرنده GNSS دقت و قابلیت دسترسی این سیستم می‌تواند به تکامل و توانایی بالاتر برسد و دقت اندازه‌گیری آن بیشتر شود.

۱- بخش فضائی: هر ماهواره دارای پانل‌های خورشیدی، عناصری همچون ساعت اتمی و فرستنده‌های رادیویی است. عناصر خارجی نیز شامل آنتن‌ها است این ماهواره‌ها در ۶ مدار اوربیتال (۶ پلان) زمین را دو بار در روز طی می‌کنند.

۲- بخش کنترل: بخش کنترل GNSS شامل: یک ایستگاه کنترل اصلی و کنترل مونیورینگ که در روی خط استوا در دور زمین مستقر شده‌اند. این عناصر قادرند حالت‌های مختلف ماهواره‌ها را از مدارهای مختلف دریافت کنند، از صحت و سلامت ماهواره در مدار مربوط آگاه شوند و اطلاعات مورد نیاز آنها را برای تصحیح ماهواره‌ها ارسال کنند.

گیرنده‌ها از چهار ماهواره برای تعیین ارتفاع، طول و عرض جغرافیایی و زمان استفاده می‌کنند تا دقت اطلاعات دریافتی بالاتر رود.

ایستگاه‌های کنترل نیز خود شامل یک ایستگاه کنترل اصلی هستند که در امریکا قرار دارد و اطلاعات تمام ایستگاه‌های فرعی شامل سرعت، ارتفاع، موقعیت و کنترل حداکثر ۱۱ ماهواره را به ایستگاه اصلی ارسال می‌کند، این تست‌ها دو بار در روز انجام می‌شود. تغییراتی همچون جاذبه ماه و خورشید که سبب تغییر در ماهواره می‌شود مستقیماً به ایستگاه کنترل اصلی منتقل خواهد شد. آنتن‌های ایستگاه کنترل، ماهواره‌ها را از افق تا افق دیگر ردیابی خواهند کرد.

۱- بخش کاربر

ناوبرها (هدایت‌گرها) توسط گیرنده GNSS و با استفاده از ماهواره‌ها نقطه و زمان دقیق خود را تعیین می‌کنند. یک گیرنده GPS هم‌زمان از ۴ ماهواره سیگنال دریافت می‌کند. ماهواره‌ها زمان و موقعیت خود را می‌فرستند و گیرنده طول مدت سیگنال دریافتی از ماهواره را اندازه‌گیری می‌کند. گیرنده‌ها از چهار ماهواره برای تعیین ارتفاع، طول و عرض جغرافیایی و زمان استفاده می‌کنند تا دقت اطلاعات دریافتی بالاتر رود.

فواید استفاده از ناوبری ماهواره GNSS بسیار زیاد است اما در این مقاله به صورت مختصر از آن یاد خواهد شد. در حال حاضر باند فرکانسی مورد استفاده که توسط ITU تعیین شده است باند ۱۵۵۹ الی ۱۶۱۰ مگاهرتز است. این باند که به نام استفاده ناوبری رادیویی ماهواره در ITU شناخته شده به دلیل

استفاده در کاربردهای بسیار مهم همچون هوایی، کشوری، دریایی و کشتی‌رانی، کاربردهای سلامت عمومی شهری و غیره باید از دیگر سرویس‌ها محافظت شود و نباید دیگر سرویس‌ها در این باند تداخل و یا مزاحمتی ایجاد کنند.

ناوبری ماهواره‌ای ملل دنیا را قادر می‌سازد صنعت و زیرساختار خود را بر اساس آن بنا کنند و بتوانند عواملی همچون بازده بسیار بالا، پائین آوردن هزینه و جلوگیری از اتلاف وقت را در زیرساختار خود مد نظر بگیرند.

شایان ذکر است که اختصاص این طیف باند فرکانسی ۱۶۱۰-۱۵۵۹ مگاهرتز بدون تغییر برای ناوبری ماهواره‌ای باقی خواهد ماند. این سرویس علاوه بر این که در تمام جهان باعث صرفه‌جویی مالی و استفاده بهینه از وقت خواهد شد، به افزایش سلامت عمومی در سطح بین‌المللی نیز کمک خواهد کرد.

۷/۳/۲- کاربردهای GPS :

استفاده‌های مهم GPS در سرویس‌های زیر است:

۱- GNSS در کنترل پرواز کلیه هواپیماها استفاده دارد. این سرویس تمام کمبودها را در زمینه کنترل پرواز هواپیماها جبران کرده است و با دقت بالا در هر آب و هوایی به راحتی هواپیما را در سطح زمین بر روی باند فرودگاه می‌نشانند، GNSS هم چنین می‌تواند در تمام طول پرواز کنترل ترافیک هواپیماها را به عهده داشته باشد.

۲- در سیستم حمل و نقل، تمام کامیون‌ها و وسایل حمل و نقل شهری و بین شهری می‌توانند با استفاده از گیرنده GNSS موقعیت و جهات خود را دقیقاً به دست آورند و با ردیابی محل حضور خود در نقشه گیرنده به مکان دقیق مورد نظر برسند.

۳- در حمل و نقل کشتی‌ها نیز GPS می‌تواند مسیرهای مورد نظر را برای کشتی‌رانی تعیین کند. در ناوگان اقتصادی ماهیگیری نیز جهت ردیابی مسیر مهاجرت ماهی‌ها و صید بهتر آنها GPS مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- GNSS در ساخت و سازها و بررسی قسمت‌های مختلف زمین در جهت زیرساخت ریل قطارها و ساختمان‌ها نیز استفاده می‌شود. در کنار آن، برای تهیه نقشه جاده‌ها، ریل‌ها و دیگر مسیرها نیز از گیرنده GPS استفاده خواهد شد.

۵- برای کنترل و ردیابی ناوگان پلیس و آمبولانس و به منظور کمک‌رسانی به حوادث غیرمترقبه‌ای که در مناطق مختلف به وقوع می‌پیوندد، این سرویس قادر است مکان و نقطه حضور گروه‌های پلیس، آتش‌نشانی، گروه امداد و اتومبیل‌های خاص را در نقشه مشخص کرده و نقاط دقیق مورد نظر را به آنها نشان دهد. در این گونه سرویس‌ها رسیدن گروه‌ها به نشانی مورد نظر در کمترین زمان لازم فقط با یک گیرنده GPS که می‌تواند با تعیین طول و عرض جغرافیایی دقیق محل معلوم را سریع‌تر پیدا کند، امکان‌پذیر است.

ناوبری ماهواره‌ای ملل دنیا را قادر می‌سازد صنعت و زیرساختار خود را بر اساس آن بنا کنند و بتوانند عواملی همچون بارده بسیار بالا، پائین آوردن هزینه و جلوگیری از اتلاف وقت را در زیرساختار خود مد نظر بگیرند.

ع- با ساعت‌های اتمی و دقیق نصب شده در ماهواره‌ها، هر سیستمی به راحتی می‌تواند خود را با ساعت اتمی GPS سنکرون همزمان کند.

ساعت و اطلاعات رسیده از GPS بسیار دقیق است، این دقت به یک بیلینوم ثانیه می‌رسد. بنابراین با این دقت در زمان، کمپانی‌های Paging می‌توانند براساس زمان GNSS ارسال بسته‌های دیتا را برای سیستم‌های خود سنکرون کنند.

سرمایه‌گذاران بانک‌ها نیز می‌توانند با اتکا به زمان GNSS نقل و انتقالات بانکی و بین‌المللی خود را همزمان به ثبت برسانند.

۷- سرویس راه‌آهن: بسیاری از مسیرهای راه آهن کشورها یک خطی است و از این رو تعیین دقیق محل یک قطار از تصادم جلوگیری خواهد کرد، با یک گیرنده مکان دقیق حضور قطار به مرکز Dispatching ارسال می‌شود تا بتوانند بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند.

۸- کاربردهای سرگرمی و تفریح: GNSS برای سرگرمی‌های پرمخاطره‌ای مانند دریانوردی مناسب است. گیرنده GNSS قابل حمل به دریانوردان کمک می‌کند که در هر لحظه مکان خود را تشخیص دهند و مجدداً به مکان اولیه خود برگردند.

۹- کاربرد فضایی: GNSS تغییراتی اساسی و انقلابی در مدیریت بخش فضایی و در مسیریابی کنترل ماهواره در مدارها به وجود آورده است. با استفاده از GNSS و یک الگوریتم تخصصی، یک ماهواره قادر خواهد بود که ناوبری را با ایستگاه زمینی سبک‌تر و کارکنان کمتری انجام دهد. موشک‌های

آینده و شاتل‌هایی که ماهواره در مدار قرار می‌دهد و مجدداً به ایستگاه خود برمی‌گردند، می‌توانند از GNSS استفاده کنند.

۱۰- کاربردهای زیست محیطی: GNSS می‌تواند اطلاعات بسیار زیادی را از اطراف محیطی که فرسنگ‌ها فاصله دارد، با توضیحات کامل برای تصمیم‌گیرندگان محیط زیست فراهم کند. از طریق GNSS می‌توان مناطق فاجعه و مشکلات زیست محیطی مانند آتش‌سوزی جنگل‌ها، توزیع و پخش نفت در زمین‌ها و چگونگی گستردگی آن را دقیقاً مورد مطالعه قرار داد. با نقشه‌برداری به کمک GNSS می‌توان از پدیده‌های طبیعی همچون پدیده ال‌نینو جهت محافظت از جان و سرمایه استفاده کرد.

آتش‌سوزی جنگل‌ها و ریختن نفت در دریاها می‌تواند برای محیط زیست یک فاجعه باشد بنابراین با هواپیما یا هلی‌کوپتر مجهز به گیرنده GNSS می‌توان نقشه‌ای از این پدیده‌ها تهیه کرده و بر اساس آن به تصمیم‌گیری صحیح پرداخت.

۱۱- کاربردهای کشاورزی: یک کشاورز می‌تواند از طریق GNSS اطلاعاتی را در مورد زمین‌های زراعی خود، شخم زدن و خرم کردن آنها به دست آورد و با تهیه یک نقشه مکان‌هایی را که مناسب کشاورزی نیستند علامت‌گذاری کند. این عمل می‌تواند در هر زمان چه شب و چه روز به انجام رسد. در کاربرد GNSS در سرویس هوایی کشوری برای بالا بردن دقت و صحت عملکرد باید به سه عامل زیر دقت داشت:

۱- **دقت:** استاندارد دقت ۱۰۰ متر برای بیشتر پروازهای عادی و فرود هواپیما کافی به نظر می‌رسد اما برای نشست‌های دقیق برای دسته ۱ (CAT 1) نیاز به دقت ۶ تا ۷ متر به طور عمودی و برای دسته ۲ (CAT 2) دقت ۲ تا ۳ متر به طور عمودی و برای دسته ۳ (CAT 3) کمتر از ۱ متر لازم است.

۲- **قابلیت دسترسی:** سیستم‌های GPS و GLONASS دقت اجرا و قابلیت استفاده را در حدود ۹۸ درصد فراهم می‌کند، بنابراین برای نیازهای عادی و معمولی ۹۹/۷۵ درصد ضروری است و برای فرود هواپیماها از این مقدار بیشتر است.

۳- **کمال و بی‌عیبی:** هر دو سیستم می‌تواند تحت تأثیر خرابی و خطای سیستم قرار بگیرند در این صورت ناوبری غیرقابل استفاده خواهد شد، اما زمان اعلام اخطار می‌تواند بیش از ۲ ساعت به طول

انجام‌یافته و وضعیت بحرانی به وجود آورد، بنابراین برای حل این مشکلات دو عامل نیز باعث بهبود خواهند شد:

توسعه منطقه‌ای - این امر متکی به استفاده از ایستگاه‌های زمینی‌ای است که با شبکه GSO ارتباط دارند. ایستگاه زمینی مداوم پارامترهای پخش هر یک از ماهواره‌ها را کنترل کرده و اطلاعات تصحیح اختلافات - عموماً خطای سنکرون و وضعیت ماهواره‌ها - را تصحیح می‌کند. تمام این اطلاعات

ساعت و اطلاعات رسیده از GPS بسیار دقیق است. این دقت به یک بیلینیم ثانیه می‌رسد. بنابراین با این دقت در زمان، کمپانی‌های Paging می‌توانند براساس زمان GNSS ارسال بسته‌های دیتا را برای سیستم‌های فود سنکرون کنند. سرمایه‌گذاران باتک‌ها نیز می‌توانند با اتکا به زمان GNSS نقل و انتقالات باتکی و بین‌المللی فود را همزمان به ثبت برسانند.

(بی‌عیبی، ناوبری و تصحیح اختلاف) از طریق ماهواره GSO به کاربر ارسال می‌شود و این امر به بهبود دقت اندازه‌گیری تا حد ۵ الی ۱۰ متر کمک می‌کند.

توسعه محلی - با ایجاد ایستگاه‌های محلی که در مجاورت و نزدیکی سایت‌های تحت سرویس قرار دارند، صورت می‌گیرد. این ایستگاه‌های محلی، گیرنده‌هایی شبیه گیرنده‌های کاربرها دارند. موقعیت دریافتی از ماهواره‌ها با موقعیت این ایستگاه‌ها مقایسه

می‌شود و هر ایستگاه مقدار دقیق خطا را به ماهواره اعلام کرده و یا مستقیماً به گیرنده کاربر در باند L ارسال می‌کند در نتیجه این روش، دقت به حدود ۲ تا ۳ متر خواهد رسید.^{۱۳}

۷/۴- ماهواره‌های سنجش از دور:

این ماهواره‌ها که به نام ماهواره منابع زمینی معروف شده‌اند برای نخستین بار چشم جستجوگر بشر را به افق‌های فضا گشودند و از طریق تصاویر و اطلاعات حاصل ارزش خود را به کارشناسان و متخصصان بازشناساندند. با بیانی ساده سنجش از دور را می‌توان فناوری کسب اطلاعات و تصویربرداری از زمین با استفاده از تجهیزات هوانوردی مانند هواپیما، بالن یا ماهواره نامید. رشد انفجارگونه اطلاعات در دهه اخیر آن را به واقع به «عصر اطلاعات» موسوم کرده است. شایان ذکر است که در سال ۱۹۹۳ درآمد سالانه کتابخانه سلطنتی لندن از فروش اطلاعات (که از ماهواره‌های سنجش از دور به دست آمده بود) با درآمد سالانه صادرات نفت کشور جمهوری اسلامی ایران برابر بوده است. به این ترتیب اهمیت

روزافزون تکیه بر دانایی، اطلاعات و تولید آن روشن می‌شود. در چنین شرایطی است که مرزهای سیاسی و جغرافیایی روز به روز کمرنگ‌تر، دسترسی به هر گوشه از دهکده جهانی آسان‌تر و کسب اطلاعات راهبردی‌تر می‌شود.

۷/۴/۱- کاربردهای ماهواره‌های سنجش از راه دور :

سنجش از دور در بسیاری از زمینه‌های علمی و تحقیقاتی کاربردهای گسترده‌ای پیدا کرده است. از جمله کاربردهای فن سنجش از دور می‌توان به استفاده از آن در زمین‌شناسی، آب‌شناسی، معدن، شیلات، کارتوگرافی، جغرافیا، مطالعات زیست‌شناسی، مطالعات زیست محیطی، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، هواشناسی، کشاورزی، جنگلداری، توسعه داخلی و به طور کلی مدیریت منابع زمینی و غیره اشاره کرد.

در سال ۱۹۹۳ در آمد سالانه کتابخانه سلطنتی لندن از فروش اطلاعات دکتا از ماهواره‌های سنجش از دور به دست آمده بود با درآمد سالانه صادرات نفت کشور جمهوری اسلامی ایران برابر بوده است.

سنجش از دور می‌تواند تغییرات دوره‌ای پدیده‌های سطح زمین را نشان دهد و در مواردی چون بررسی تغییر مسیر رودخانه‌ها، تغییر حد و مرز پیکره آبی چون دریاچه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها، تغییر مورفولوژی سطح

زمین و غیره بسیار کارساز باشد. افزون بر این، سیستم سنجش از دور با توجه به این که بر اساس ثبت تغییرات و اختلاف‌های بازتابش الکترومغناطیسی از پدیده‌های مختلف کار می‌کند، می‌تواند حد و مرز پدیده‌های زمینی اعم از مرز انواع خاک‌ها، سنگ‌ها، گیاهان، محصولات کشاورزی گوناگون و را مشخص کند. برای مثال، پوشش گیاهی جدیدی که در یکی از کوه‌های اطراف همدان به وجود آمده بود توجه کارشناسان را به خود جلب کرد. آنان با بررسی و مشاهده محل پوشش گیاهی متوجه کشت غیرقانونی خشخاش در منطقه شدند که از آن جلوگیری به عمل آمد. سنجش از دور در پیش‌بینی وضع هوا، اندازه‌گیری میزان خسارت ناشی از بلایای طبیعی، کشف آلودگی آب‌ها و لکه‌های نفتی سطح دریا و اکتشافات معدنی نیز کاربرد دارد.

بدون شک استفاده از این فن در مطالعات اکتشافی، منابع طبیعی و سایر موارد پیش گفته نه تنها سرعت انجام مطالعات را بیشتر می‌کند، بلکه از نظر دقت و هزینه نیروی انسانی نیز بسیار با صرفه است.

در حال حاضر، سری ماهواره‌های «لندست»، «اسپات»، ماهواره «IRS»، «موس»، نوا و «MSS» در خدمت سرویس سنجش از راه دور است. ناگفته نماند که عکسبرداری و تصاویر دریافتی از این ماهواره‌ها به حدی دقیق است که تصویر برداشته شده از فرودگاه مهرآباد، تعداد هواپیماها و حتی نوع هواپیماها را نیز مشخص می‌کند. حتی این سرویس با این که کاملاً غیرنظامی است ممکن است تصاویر را در خدمت سرویس نظامی و جاسوسی نیز قرار دهد.

تصویربرداری با دقت وضوح بسیار



۷/۵- ماهواره‌های نظامی جاسوسی

کاربرد اطلاعات ماهواره‌ای در طراحی عملیات نظامی دارای ابعاد گوناگونی است که هر یک اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت این اطلاعات بسته به ارزش، جهت و گستردگی عملیات متغیر است. قبل از انجام عملیات، فراهم آوردن یک تصویر از میدان رزم، مستلزم هدایت تمرکز یافته و همزمان برای تحلیل منطقه عملیات است. در حال حاضر، با استفاده از ماهواره‌های نظامی جاسوسی تصاویر بسیار دقیقی از کلیه خطوط دشمن و تمرکز نیروها و تجهیزات نظامی به دست می‌آید.

نمونه روشن استفاده از تصاویر ماهواره‌ای در طراحی عملیات استراتژیکی را در جنگ خلیج فارس شاهد بودیم. یکی از فرماندهان بخش سیاسی فرماندهی و کنترل پنتاگون می‌گوید: «جنگ خلیج فارس نخستین موردی است که در آن آرایش، مداومت کار، فرماندهی و کنترل نیروهای رزمنده اغلب از طریق

ارتباطات ماهواره‌ای صورت پذیرفت». به هنگام جنگ خلیج فارس ماشین‌های نظامی ایالات متحده شامل ماهواره‌های «ک - اچ ۱۱» برای گرفتن عکس‌های فوق‌العاده واضح از فضا، ماهواره‌های به کلی سری «مکنوم» برای شنیدن مکالمات تلفنی خارجی، ماهواره‌های «لاکروس» برای گردآوری تصاویر تهیه شده به وسیله امواج رادار از سرزمین بیگانه، سفینه فضایی «پروجکت وایت کلود» برای تعیین مکان کشتی‌های دشمن، ماهواره‌های فوق‌العاده سری «جامپیست» برای کشف مخابرات الکترونیکی غیرخودی و پرندگان متعدد دیگر با فرماندهی مرتبط بودند. در مجموع، نیروهای متحد تقریباً از شصت ماهواره خودی به طور مستقیم استفاده می‌کردند. استفاده از تصاویر ماهواره‌ای برای مقاصد نظامی در عملیات زمینی، دریایی و هوایی کاربرد بسیار زیادی یافته است، با این تصاویر اطلاعات بسیار دقیقی از تمرکز نیروهای دشمن و مکان استقرار آنها به دست می‌آید که در هدایت نیروهای سه گانه مؤثر خواهد بود. حتی موشک‌هایی که نیاز به دقت زیر ۱ متر خواهند داشت با استفاده از یک گیرنده GPS دقیقاً به نقطه مورد نظر که از تصاویر ماهواره‌ای گرفته شده است برخورد خواهند کرد.

«هنگ فلیو خارس نفستین مودی است
که در آن آرایش. مداومت کار.
فرماندهی و کنترل نیروهای رزمده
اغلب از طریق ارتباطات ماهواره‌ای
صورت پذیرفت.»

در هر حال این بخش و استفاده از ماهواره در امور نظامی و جاسوسی دارای ابعاد بسیار وسیع و گسترده‌ای است که در مجال این مقاله نمی‌گنجد.

۷/۵/۱ - ضد جاسوسی نظامی ماهواره‌ای

همگام با توسعه روش‌های جاسوسی نظامی ماهواره‌ای روش‌هایی برای در امان ماندن از چشم تیزبین ماهواره‌ها و فریب تحلیل‌های ماهواره‌ای ابداع شده است. این روش‌ها را به طور عمده می‌توان به دو دسته زیر تقسیم کرد:

الف: روش‌های استتار

ب: روش‌های فریب

الف : روش‌های استتار

نظر به این که اساس تولید تصاویر ماهواره‌ای بازتاب طول موج‌های طیف الکترومغناطیسی است، اگر بتوان این بازتاب را در طول موج‌های معین با اختلال مواجه کرد یا حتی بازتابش طول موج از پدیده‌ای را با بازتابش طول موج محیط پیرامون آن یکی کرد می‌توان امکان کشف یک پدیده را دشوار یا حتی غیرممکن ساخت. این کار به روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که استتار با شاخ و برگ گیاهان ساده‌ترین آنها است. البته این روش با استفاده از تصویر مادون قرمز به آسانی قابل کشف است. امروز روش استتار ویژه‌ای نیز وجود دارد که بازتابش آن درست شبیه به بازتابش مناطق جنگلی یا خاک است.

ب : روش‌های فریب

در امان ماندن از توان آشکارسازی حس‌گرهای ماهواره‌ای بسیار دشوار است چرا که حتی اگر با استفاده از روش‌های استتار موفق بتوان پدیده‌ها و تجهیزات نظامی را مخفی کرد، به هر حال دشمن می‌داند در مناطق معینی چیزهایی وجود دارد که ما سعی داریم آنها را مخفی کنیم. از این رو، این تفکر قوت گرفته است که اگر دشمن را نسبت به توان نظامی و تمرکز و استقرار تجهیزات و تأسیسات خود در مناطق معینی به اشتباه اندازیم نتیجه بهتری حاصل خواهد شد. ساخت تجهیزات و تأسیسات دروغین در بعضی مناطق و قوی‌تر نشان دادن استعداد نظامی در چند نقطه خاص یکی از این روش‌ها است.

۸ - استفاده ایران از ماهواره

با توجه به بالا بودن هزینه‌های ساخت، در مدار قرار دادن ایستگاه کنترل مرکزی و نگهداشتن ماهواره در مدار، جمهوری اسلامی ایران تاکنون توجیه اقتصادی استفاده از ماهواره اختصاصی را نیافته است پس ناچار باید از اجاره فضای ترانسپوندرها برای ارتباطات ماهواره کمک گرفت، به همین دلیل هیچ یک از ماهواره‌های سری زهره (۱ الی ۶) تاکنون به مرحله اجرا در نیامده است. استفاده جمهوری اسلامی ایران از بخش فضایی ماهواره در بخش‌های زیر است:

۸/۱- بخش مخابرات: شرکت مخابرات ایران نقل و انتقالات کانال‌های تلفنی بین‌المللی و برقراری ارتباطات شبکه VSAT بعضی از بانک‌ها را با اجاره فضای ترانسپوندر ماهواره و چندین ایستگاه زمینی به انجام می‌رساند.

۸/۲- بخش رادیو تلویزیونی: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران که با توجه به نیاز سیگنال‌رسانی برای شبکه‌های رادیو و تلویزیونی خود سال‌ها است از ماهواره بهره می‌گیرد، تاکنون توانسته است با توجه به افزایش شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ارسال و دریافت شبکه‌های خود را به انجام رساند و برنامه شبکه‌های برون‌مرزی را نیز از این طریق برای ایرانیان مقیم خارج از کشور ارسال کند.

در حال حاضر سازمان صدا و سیما کلیه شبکه‌ها (شبکه‌های داخلی و برون‌مرزی) را برای پوشش داخلی ایستگاه‌های فرستنده TVRO از طریق ماهواره سیگنال‌رسانی می‌کند و شبکه‌های جام‌جم ۱، جام‌جم ۲ و ۳ و شبکه برون‌مرزی سحر را از طریق ماهواره به قاره اروپا و آمریکا و آسیای خاور دور می‌رساند.

با وجود آن که سازمان صدا و سیما نیز در پلان ITU دارای طرح ماهواره اختصاصی برای بخش سیگنال رادیو و تلویزیون در داخل ایران است به نظر می‌رسد این امر نیز به دلیل نداشتن توجیه اقتصادی فعلاً امکان‌پذیر نیست و اجاره فضای ترانسپوندر همچنان مقرون به صرفه‌تر است.

۸/۳- بخش هواشناسی و سنجش از راه دور: اولین ماهواره سنجش از راه دور یا هواشناسی به نام لندست - ۱ در سال ۱۹۷۲ در مدار قرار گرفت و کشور ایران نیز پس از مدتی کوتاه (۱۹۷۴) این سرویس را مورد بهره‌برداری قرار داد.

اطلاعات سنجش از راه دور به دلیل دید یکپارچه و وسیع، قابلیت تفکیک طیفی، تهیه پوشش‌های تکراری و ارزان بودن اطلاعات در مقایسه با سایر روش‌های گردآوری اطلاعات از قابلیت‌های ویژه‌ای برخوردار است که امروزه عامل نخستین در مطالعه مربوط به سطح زمین و عوامل تشکیل‌دهنده آن محسوب می‌شود. امکان رقومی بودن اطلاعات سنجش از راه دور موجب شده است که سیستم‌های رایانه‌ای بتوانند از این اطلاعات به طور مستقیم استفاده کنند. سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی و سیستم‌های

پردازش اطلاعات ماهواره‌ای نیز با استفاده از این قابلیت طراحی و تهیه شده است. سهل‌الوصول بودن اطلاعات، دسترسی سریع به نقاط دور افتاده و دقت بالای اطلاعات به دست آمده از امتیازات خاص این فن محسوب می‌شود.

فعالیت‌های انجام شده توسط ماهواره‌های سنجنش از دور به شرح زیر است:

در حال حاضر سازمان صدا و سیما کلیه شبکه‌ها (شبکه‌های دافلی و برون‌مرزی) را برای پوشش دافلی ایستگاه‌های خرسنده TVRO از طریق ماهواره سیگنال‌رسانی می‌کند و شبکه‌های بام‌م. ا. بام‌م. لا و لا و شبکه برون‌مرزی سمر را از طریق ماهواره به‌خاطر اروپا و آمریکا و آسیای قاره دور می‌رساند.

- تهیه نقشه کاربری اراضی آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل در مقیاس ۱:۱۰۰/۰۰۰.
- ایجاد پایگاه اطلاعاتی زیست محیطی کشور (مرحله اول) برای سازمان حفاظت محیط زیست.
- تهیه نقشه تصویری از شهر مشهد با تصاویر ماهواره IRS-1C در مقیاس ۱:۲۵۰۰۰.
- تهیه نقشه تصویری از شهر تهران در مقیاس ۱:۵۰/۰۰۰ با استفاده از تصاویر ماهواره SPOT.
- تهیه نقشه تصویری از شهر خوی با تصاویر لندست در مقیاس ۱:۱۰۰/۰۰۰.

- تهیه مدل رقومی زمین از شهرهای تهران با دقت ۲۰ متر و رامهرمز، گناوه، نیریز و مشهد با دقت ۱۰ متر و شهرهای اهواز، بهبهان و ...

۸/۴ - طرح مشترک SMMS: با توسعه صنعت، اقتصاد و علوم در منطقه آسیا و اقیانوسیه، کشورهای این منطقه کار مشترکی را برای طرح، ساخت، پرتاب و بهره‌برداری از ماهواره‌های کوچک چند منظوره آغاز کردند. کشورهای چین، ایران، کره جنوبی، مغولستان، پاکستان و تایلند پروژه SMSS را با هدف توسعه همکاری بین دول به مقاصد سنجنش از دور، سرویس‌های مخابراتی و پژوهش‌های علمی مطرح کرده‌اند، مشخصات عمومی این ماهواره به شرح زیر است:

مدار: مدار دایروی با ارتفاع ۷۹۶ کیلومتر و انحراف ۹۸/۵۸ درجه

وزن: جمع ۳۸۰ کیلوگرم

کنترل: ۳ محوری

عمر ماهواره: ۳ سال قابلیت حمل دوربین CCD با نرخ بیت ۳۴ مگابیت بر ثانیه
باند فرکانس: باند در ارسال ۲۹-۲۹/۵ گیگاهرتز و دریافت ۱۹-۱۸/۵ گیگاهرتز نرخ بیت ارسال ۴۹ کیلوبایت. در این طرح مشترک ماهواره چند منظوره بخش و طراحی و ساخت مدولاسیون و روش‌های دسترسی چندگانه به کشور ایران واگذار شده است که مرکز تحقیقات مخابرات ایران بر روی آن فعالیت می‌کند.

منابع:

- ۱- حکاک، محمد. *سیستم‌های مخابرات ماهواره‌ای*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۷.
- ۲- مراجع اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور ITUR.
- 3_ *Attitude Control of a Space Robot with Initial Angular Momentum*, Matsuno, F., Saito, K., Robotics and Automation, 2001. Proceedings 2001 ICRA IEEE International Conference on, Volume:2, 2001.
- 4_ *Training fuzzy Logic Software Components a Spacecraft Flight Attitude Control Application*, Junda Chen; Rine D.C., IFSA World Congress and 20th NAFIPS International Conference, 2001. Joint 9th Volume:1, 2001.
- 5_ *A Model Predictive Control-based Approach for Spacecraft Formation Keeping and Attitude Control*, Manikonda, V.; Arambel, P.O.; Gopinathan, M.; Mehra, R.K.; Hadaegh, F.Y., American Control Conference, 1999. Proceedings of the 1999, Volume:6,1999.

نگاهی بر فناوری ماهواره‌های پخش مستقیم

دکتر علی اصغر کیا

مدیر و استادیار گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

اشاره

یکی از آرزوهای بشر از آغاز تاریخ تا امروز، برقراری ارتباط با هم‌نوعان خود در مناطق دور و نزدیک بوده است و از این رو همواره در راه ایجاد این ارتباط و تکامل آن تلاش‌های زیادی کرده است.

انسان هزاران سال متکی به صورت‌های ارتباط بدوی اما مناسب با جامعهٔ زمان خود بود. چهارچوب این روش‌های ارتباطی که در زمان خود، هم در دسترس بود و هم نیازهای اجتماعی را پاسخ می‌گفت، به تناوب در اطراف راه‌های جنگلی، جاده‌ها و رودخانه‌ها پدید می‌آمد. با گذر از مراحل پیام‌رسانی از طریق آتشی که بر فراز کوه‌ها روشن می‌شد و به کار گرفتن قاصدان پیاده یا سواره و ارسال پیام به وسیله کالسکه یا قایق، ارتباطات توسعه یافت.

همگام با پیدایش وسایل قوی‌تر و مؤثرتر ارتباطی، تمدن‌ها، امپراطوری‌ها و نهادهایی از هر نوع ظهور کردند و از میان رفتند. از حوالی ۱۸۴۰، که الفبای مورس تلگراف را قابل استفاده و مرسوم کرد، جریان مداومی از اختراعات برای ارتباط دورتر و سریع‌تر پدید آمد. تا سال ۱۹۲۷، ایجاد ارتباط با فراسوی اقیانوس‌ها فقط به عهده تلگراف بود، اما در این سال برای نخستین بار، ارسال صوت از طریق رادیو ممکن شد و به دنبال آن رادار و تلویزیون نیز یکی پس از دیگری پا به عرصه وجود گذاشتند.

با پرتاب اولین قمر مصنوعی به فضا که توسط اتحاد جماهیر شوروی و در سال ۱۹۵۷ صورت گرفت، عرصه جدیدی در ارتباطات بین‌المللی

گشوده شد و فضا به تسخیر انسان در آمد. بر همین اساس و در کنار استفاده‌های مختلف از ماهواره، با ارسال اولین ماهواره مخابراتی (تله استار) به مدار زمین، از سال ۱۳۶۳ به تدریج ماهواره‌ها، به ویژه ماهواره‌های پخش مستقیم به یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباطی بین‌المللی تبدیل شدند.

ماهواره یا قمر مصنوعی که به عنوان پدیده‌ای شگرف در قرن بیست و یکم نگریسته می‌شود، همچنان در حال رشد و تکامل است، به نحوی که آینده آن قابل پیش‌بینی نیست. این وسیله نوین با توجه به توانایی خود در کسب اخبار و ارسال پیام به نقاط دور دست در زمینه‌های مخابراتی، ارسال برنامه‌های رادیو - تلویزیونی، پیش‌بینی وضع آب و هوا و تغییرات جوی و بالاخره امور نظامی و جاسوسی بر دیگر جنبه‌ها غلبه داشته است.

امروزه ابعاد تجاری ماهواره در امور مخابراتی یا فروش عکس‌های ماهواره‌ای، اهمیت این محصول ساخت بشر و استفاده از آن را مضاعف کرده است.

در این گفتار بر آنیم که برخی از مسائل مربوط به این تکنولوژی نوین را از قبیل تاریخچه پیدایش، سازمان‌های فعال در زمینه ماهواره و مورد بررسی قرار دهیم.

تاریخچه پیدایش ماهواره و سیر تکاملی آن

نخستین قمر مصنوعی شوروی موسوم به «اسپوتنیک» که در چهارم اکتبر ۱۹۵۷ به مدار زمین فرستاده شد، عصر جدیدی از تکنیک‌های ارتباطی را آغاز کرد. در واقع شوروی سابق با قرار دادن این ماهواره اولین تلاش موفقیت‌آمیز را در زمینه ارسال ماهواره به فضا انجام داد. ماهواره «اسپوتنیک ۱» در مداری بیضی شکل با ارتفاع حداقل ۲۲۸ و حداکثر ۹۴۷ کیلومتر در مدار زمین قرار گرفته بود و هر ۹۰ دقیقه یک بار دور زمین می‌چرخید. با ادامه تلاش‌ها، در سوم نوامبر همان سال «اسپوتنیک ۲» نیز که سگی به نام «لایکا» در آن بود به فضا پرتاب شد.

ارسال ماهواره توسط شوروی سابق، امریکا را در یک شوک علمی - سیاسی فرو برد و این کشور نیز در پی تلاش‌های گوناگون در ۳۱ ژانویه ۱۹۵۸، نخستین ماهواره خود به نام «اکسپلورر ۱» را به فضا

پرتاب کرد. ارسال این سه ماهواره از سوی دو ابرقدرت وقت سرآغازی بود برای ورود به عصر فضا و مسائل جانبی آن.

در سال ۱۹۶۲ میلادی هنگامی که ماهواره «تله استار» با امکان ارسال برنامه‌های زنده تلویزیونی از آمریکا به مقصد اروپا به فضا پرتاب شد و در مدار زمین قرار گرفت، همگان از سرعت پیشرفت فنی بشر

در نتیجه پیشرفت‌های فنی دهه ۷۰ به وقوع پیوست امکان دفالت دولت‌ها در پالایش برنامه‌های ماهواره‌ای منتفی شد و تقابلی حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل جریان آزاد اطلاعات جامعه بین‌المللی را با تلاطمی عظیم و سهمناک مواجه ساخت.

در تسخیر فضا متحیر ماندند، روندی که تا به امروز با سرعتی خیره‌کننده ادامه یافته است. امروزه ارتباطات ماهواره‌ای جهانی و منطقه‌ای رشد چشمگیری یافته و بر محدوده گسترده‌ای از فعالیت‌ها، از ارتباطات تلفنی گرفته تا هواشناسی، ناوبری و سنجش از راه دور سایه افکنده است. اما آنچه بیم و امید جامعه بین‌المللی را با قدرت مهیب خود در هم می‌پیچد، پیدایش ماهواره‌هایی

است که برنامه‌های تلویزیونی را در سطح بین‌المللی پخش می‌کنند و هر روز بر تعداد، سطح پوشش و کیفیت برنامه‌های ارسالی خود می‌افزایند.

دریافت برنامه‌های ارسالی این ماهواره‌ها در آغاز متضمن استفاده از ایستگاه‌های تقویت‌کننده زمینی یا آنتن‌های حجیم عمودی بود که امکان دریافت تصاویر ارسالی ماهواره‌ها را برای گیرنده‌های شخصی فراهم می‌آورد. از همین رهگذر، برنامه‌های ارسالی ماهواره‌ای تحت نظارت و کنترل مراجع ذی‌صلاح قرار می‌گرفت و با توجه به مصالح ملی آن کشورها پالایش می‌شد تا به این ترتیب کشور گیرنده از ارزش‌های مذهبی - فرهنگی و سنت‌های بومی خود محافظت کند.

اما این ابزار پیشگیری‌کننده چندان دوام نیاورد و خیلی زود کارایی خود را از دست داد. زیرا از دهه ۱۹۸۰ به بعد، پیشرفت‌های فنی این امکان را میسر ساخت که برنامه‌های ارسالی ماهواره‌ها به طور مستقیم و با کیفیت بالا توسط عموم دریافت شود. در این شرایط، دخالت دولت در پالایش برنامه‌ها و ممانعت از دریافت تصاویر ضداخلاقی و فرهنگی تا حد زیادی منتفی شد و در نتیجه عملاً نه بر حاکمیت دولت‌ها واقعی نهاد شد و نه از ارزش‌های ملی و بین‌المللی محافظت به عمل آمد. بر همین اساس تقابلی میان حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل «جریان اطلاعات آزاد» جامعه بین‌المللی را با تلاطمی عظیم و

سهمناک مواجه ساخت و تا جایی پیش رفت که ماهواره‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی خطرناک‌تر از قدرت‌های هسته‌ای توصیف شدند.

اهمیت ماهواره‌ها در دنیای امروز

امروزه برقراری ارتباط از طریق ماهواره‌ها به عنوان یک حقیقت مسلم پذیرفته شده است. مقدار زیادی از حجم ترافیک بین‌المللی و محلی کشورها به طور روزافزون به کمک سیستم‌های ماهواره‌ای منتقل می‌شود و ماهواره‌ها در سرویس‌های متنوع و مهمی از قبیل پخش تلویزیونی، ارتباطات دریایی، هواشناسی و تحقیقات فضایی و غیره به کار می‌روند.

رده‌بندی سیستم‌های ماهواره‌ای

سیستم‌های ماهواره‌ای را می‌توان بر اساس نوع ارتباط (linkage)، انواع ماهواره (types of satellites)، سرویس یا نوع کار (function or service)، مدار (orbit) و پوشش (coverage) به انواع مختلف تقسیم کرد که ما در اینجا به بررسی چهار مقوله اول می‌پردازیم:

الف) انواع لینک ماهواره‌ای

از آنجا که ماهواره‌ها برای جمع‌آوری، دریافت و رله کردن اطلاعات به کار می‌روند، خود نیز قسمتی از این لینک خواهند بود.

لینک‌های مختلف را می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

۱- فضا - زمین:

ماهواره اطلاعات را از اطراف می‌گیرد و توسط اطلاعات موجود در داخل خود به پایانه‌های روی زمین رله می‌کند. برای مثال می‌توان از ماهواره‌های اطلاعاتی و تحقیقات فضایی «کاموس» و سنسجس از راه دور «لندست» (landsat) نام برد. البته ارسال پیام از زمین نیز به منظور ردیابی یا کنترل ماهواره‌ها و یا ارسال برنامه‌های تلویزیونی امکان دارد.

۲- فضا - فضا:

در این حالت دو یا چند ماهواره می‌توانند در فضای بین خود ارتباط برقرار کنند. برای مثال می‌توان لینک ماهواره‌ای اینتلسات را ذکر کرد. لینک فضا - فضا می‌تواند به صورت ارتباط بین یک ماهواره در حال گردش و یک هواپیمای در حال پرواز نیز صورت گیرد، نظیر سیستم ماهواره‌ای «تاکسات» (tacsat).

۳- زمین - فضا - زمین:

در این حالت دو یا چند ایستگاه مستقر در سطح زمین می‌توانند از طریق ماهواره با یکدیگر در ارتباط باشند. این نوع لینک در ارتباطات مخابراتی، دریایی و بعضی از سیستم‌های نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماهواره‌های فضا عملی به وسایلی (تراسنپوندرهایی) هستند که سیگنال‌های دریاضی از زمین را تقویت می‌کنند. فرکانس آن را تغییر می‌دهند و امتیازاً با مدولاسیون و یا پارامتراسیون جدیدی به سطح زمین ارسال می‌کنند.

ب) انواع ماهواره‌های ارتباطی

ماهواره‌ها خود در حالت کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ماهواره‌های غیرفعال و ماهواره‌های فعال قبل از این که ماهواره‌های مصنوعی اختراع شوند، ماه به عنوان یک پراکنده‌کننده انرژی مغناطیسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. اولین سری از آزمایش‌های ارسال و انعکاس امواج از ماه که آن را «رادار» می‌نامند، آغازی برای آزمایش‌های ارتباطی بود و اولین پیام تلفنی از مسیر «زمین - ماه - زمین» در ماه ژوئیه ۱۹۵۴ منتقل شد. در سال‌های بین ۱۹۵۶ و ۱۹۵۹، نیروهای دریایی آمریکا موفق به ایجاد ارتباط بین «آنابولیس» و «هونولولو» از طریق ماه شدند.

در اوایل عصر ماهواره، آزمایش‌های مختلفی با استفاده از منعکس‌کننده‌های غیرفعال صورت گرفت. بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ علاوه بر استفاده از سطح ماه، بالن‌های بزرگی مانند «اکوار ۲» به نحوی موفقیت‌آمیز به عنوان منعکس‌کننده غیرفعال برای انتقال صدا، تصویر و اطلاعات مورد استفاده قرار گرفتند.

منعکس‌کننده‌های غیرفعال با وجود سادگی و غیرفعال

۱۱ سال پس از پرتاب نخستین ماهواره

مخابراتی به فضا. سازمان بین‌المللی مخابرات ماهواره‌ای (اینتلست) با ۱۱ عضو تأسیس شد و با تأسیس این سازمان ارتباطات ماهواره‌ای بین‌المللی به نظم رسید. هم‌اکنون ۱۳۵ کشور جهان در این سازمان عضویت دارند.

بودن در مقابل سیگنال‌های با قدرت متفاوت و فرکانس‌های مختلف، عیوبی نیز دارند؛ که از آن جمله می‌توان نیاز به آنتن بسیار بزرگ و فرستنده بسیار پر قدرت زمینی را نام برد ضمن آن که در یک جا ثابت نیستند و به سادگی ردیابی نمی‌شوند.

ماهواره‌های غیرفعال، علی‌رغم موفقیت‌آمیز بودن هیچ‌گاه به طور مؤثر مورد استفاده قرار نگرفتند، زیرا در آن هنگام فناوری ماهواره‌های فعال در حال پیشرفت بود. در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۵۷ اولین ماهواره مصنوعی به نام «اسپوتنیک ۱» به فضا پرتاب شد و در تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۵۸ در مداری به دور زمین قرار گرفت. ماهواره‌های «تلسار» و «ریلی» نیز از اولین ماهواره‌های فعال بودند که در مدار زمین قرار گرفتند. از جمله ماهواره‌های فعالی که بعدها در مدار ثابت زمین قرار گرفتند می‌توان ماهواره‌های «سینکام» و «اینتلست ۱» را نام برد.

با استفاده از مزایای مدار ثابت زمین که از آن زمان کاملاً نمایان بود، فناوری ساخت ماهواره‌های ارتباطاتی به دلیل استفاده بیشتر از چنین مداری پیشرفت چشمگیری داشته است. ماهواره‌های فعال مجهز به وسایلی (ترانسپوندرهایی) هستند که سیگنال‌های دریافتی از زمین را تقویت می‌کنند، فرکانس آن را تغییر می‌دهند و احتمالاً با مدولاسیون و یا پلاریزاسیون جدیدی به سطح زمین ارسال می‌کنند.

ج) خدمات سیستم‌های ماهواره‌ای

در حال حاضر از ماهواره‌ها در زمینه‌های مختلف بهره‌برداری می‌شود. بعضی از این ماهواره‌ها مختص انجام کارهای اختصاصی هستند و برخی دیگر، خدمات گوناگونی ارائه می‌دهند. ممکن است ماهواره‌ها برای خدمات مختلف فرکانس مخصوص به خود داشته باشند و یا این که از یک باند فرکانس به صورت مشترک با دیگر ماهواره‌ها استفاده کنند.

انواع اصلی خدمات ماهواره‌ای را که توسط اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور (ITU) در نظر گرفته شده است می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- سرویس ارتباط ثابت ماهواره‌ای (FSS) (Fixed Satellite Services): سرویس ارتباط رادیویی بین ایستگاه‌های زمینی در نقاط مشخص و معین از طریق یک یا چند ماهواره.

۲- سرویس ارتباط سیار ماهواره‌ای MSS (Mobile Satellite Services): بین ایستگاه‌های رادیویی سیار با یک یا چند ایستگاه فضایی سیار یا بین ایستگاه‌های فضایی سیار که از این سرویس استفاده می‌کنند. در این سرویس، برقراری ارتباط بین ایستگاه‌های زمینی سیار با ایستگاه‌های فضایی سیار به یکی از اشکال زیر است:

- سرویس ماهواره و سرویس ایستگاه زمینی

- سرویس ماهواره و ایستگاه‌های سیار دریایی

- سرویس ماهواره و ایستگاه‌های سیار هوایی

۳- سرویس پخش تلویزیونی به وسیله ماهواره BSS (Broadcasting Satellite Services): سرویس ارتباط رادیویی که برای استفاده عمومی سیگنال صوتی یا تصویری را به طور مستقیم از ایستگاه فضایی دریافت می‌کند.

۴- سرویس ماهواره‌ای برای تعیین محل ایستگاه‌های فرستنده (Radio Determination Satellite Services) RDSS : سرویس ارتباط رادیویی.

۵- سرویس هدایت رادیویی ماهواره‌ای RNSS (Radio Navigation Satellite Services): سرویس ارتباط رادیویی که برای ارتباطات و به منظور هدایت ایستگاه‌های سیار نظیر کشتی، هواپیما و غیره به کار گرفته می‌شود.

برخی دیگر از خدمات ماهواره‌ای خدماتی را از قبیل «سرویس زمین‌شناسی ماهواره‌ای»، «سرویس ماهواره‌ای برای هماهنگی فرکانس و وقت»، «سرویس ماهواره‌ای برای تحقیقات فضایی» و «سرویس ماهواره‌ای برای ارتباطات آماتوری» شامل می‌شوند که برای اجتناب از طولانی شدن بحث از شرح آنها می‌گذریم.

البته باید توجه داشت که علاوه بر تقسیم‌بندی بالا، سرویس‌ها می‌توانند به دو گروه نظامی و غیرنظامی نیز طبقه‌بندی شوند که برای ارتباط نظامی از طریق ماهواره، باند و طریق معینی، ۸/۷ گیگا هرتز توسط اتحادیه بین‌المللی ارتباطات از راه دور در نظر گرفته شده است.

اولین ماهواره‌های نظامی از نوع «دی اس سی اس» بودند که توسط نیروی هوایی آمریکا در ژوئیه ۱۹۶۶ به فضا پرتاب شدند. از جمله ماهواره‌های فضایی می‌توان از «گالز» و «گوریزنت» متعلق به

شوروی «اسکای نت» متعلق به انگلیس، ماهواره دفاعی ناتو «ال ای اس» و «اف ال تی دی ست کام» متعلق به امریکا نام برد.

کاربرد سیستم‌های ماهواره‌ای از نظر سطح پوشش

سیستم‌های ماهواره‌ای غیرنظامی بر حسب تعداد کشورهایی که از آنها استفاده می‌کند، طبقه‌بندی می‌شوند. شاخص‌ترین گروه‌های این سیستم‌های ماهواره‌ای عبارتند از:

۱- بین‌المللی: سیستم ماهواره‌ای بین‌المللی برای

سرویس دادن به تمام جهان است از جمله این سیستم‌ها می‌توان «اینتلست»، «اینمارست» و «اینتر اسپوتنیک» را نام برد.

۲- منطقه‌ای: این ماهواره‌ها برای سرویس دادن به

تعدادی از کشورهای یک یا چند منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرند. از سال ۱۹۶۰، تعدادی از کشورها برای پیشبرد

تحقیقات فضایی و به ویژه استفاده از ماهواره‌ها به همکاری پرداختند و دو سال بعد سازمان فضایی با شرکت فرانسه، آلمان غربی، انگلیس، ایتالیا، بلژیک، هلند و استرالیا تشکیل شد که در کار خود موفق نبود. در سال ۱۹۷۲ فرانسه و آلمان غربی به طور مشترک یک ماهواره فرانسوی - آلمانی را به نام «سنفونی» در مدار زمین قرار دادند. از جمله سیستم‌های ماهواره‌ای منطقه‌ای می‌توان به «عرب‌ست» و «آفروست» اشاره کرد.

۳- محلی: این ماهواره‌ها برای استفاده در یک کشور به خصوص در نظر گرفته می‌شوند. نخستین

ماهواره محلی در سال ۱۹۷۲ به نام «آنیک ۱» از سوی دولت کانادا به فضا پرتاب شد و به دنبال آن کشورهای دیگری نظیر شوروی، امریکا، اندونزی، هند، برزیل و نیز این سیستم را برای ارتباطات محلی مورد استفاده قرار دادند.

ماهواره‌های محلی ممکن است مختص استفاده در همان کشور باشند مانند ماهواره‌های محلی امریکایی «وستاز» و «کام ستاز»، ماهواره محلی «آنیک» متعلق به کانادا و «اینست» متعلق به

طبق اعلامیه مصوب سال ۱۹۸۵
کنفرانس عمومی یونسکو هیئت
کشوری نمی‌تواند بدون موافقت
کشور دیگر اقدام به پخش برنامه
تلویزیونی در خاک آن کشور کند.

هندوستان. هم چنین ممکن است اجازه داده شود که برای ماهواره‌های محلی یک کشور با اجازه کردن ترانسپوندرهایی از یک ماهواره بین‌المللی یا منطقه‌ای، سرویس مهیا کرد.

(د) انواع مدارها

ماهواره‌های ارتباطی از جهت چگونگی استقرار و گردش آنها در اطراف کره زمین به ماهواره‌های ثابت و مداری تقسیم می‌شوند.

۱- ماهواره‌های ثابت

ماهواره‌های ثابت، ماهواره‌هایی هستند که با موشک‌های پرتاب‌کننده بسیار نیرومند در مدارهای استوایی زمین قرار داده می‌شوند. سرعت گردش این ماهواره‌ها با سرعت گردش زمین برابر است و به همین جهت در فضا وضع ثابتی پیدا می‌کنند. ماهواره‌های «سینکام» آمریکا از این دسته‌اند. شایان ذکر است که مدارهای ثابت زمین در مقایسه با دیگر مدارها دارای مزیت‌هایی هستند که بعضی از آنها عبارتند از: ۱- ثابت به نظر رسیدن ماهواره نسبت به آنتن ایستگاه که نتیجه آن عدم نیاز به سیستم پیچیده برای ردیابی ماهواره است. ۲- بزرگ‌تر و وسیع‌تر بودن سطح پوشش ماهواره‌های این مدار و در نتیجه امکان برقراری ارتباط با تعداد بیشتری از ایستگاه‌های زمینی در آن واحد. ۳- کافی بودن تنها سه عدد از این ماهواره‌ها برای پوشش دادن تقریبی تمام سطح زمین (به جز مناطق قطبی).

۲- ماهواره‌های مداری

ماهواره‌هایی هستند که در مدارهای بیضی شکل در فضا حرکت می‌کنند و معمولاً هر ۱۲ ساعت یک بار در بالای مناطق معین قرار می‌گیرند. این نوع ماهواره‌ها برنامه‌های تلویزیونی را برای مدت کوتاهی منتقل کرده و ارتباطات غیرمستمری ایجاد می‌کنند که به همین سبب برای تماس‌های تلفنی قابل استفاده نیست. ماهواره‌های «مولینا»ی شوروی از این نوع ماهواره‌ها به شمار می‌روند.

مقررات و تشکیلات بین‌المللی سیستم‌های ارتباطات ماهواره‌ای اتحادیه بین‌المللی

ارتباطات راه دور (International Telecommunication Union) ITU

الف - اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور

این اتحادیه که ارگان تخصصی - ارتباطی سازمان ملل متحد محسوب می‌شود، قوانین، مقررات، توصیه‌ها و قطعنامه‌های لازم را جهت پیشبرد و توسعه سرویس‌های ارتباطی راه دور وضع می‌کند. مقر دائمی اتحادیه در ژنو است و حدود ۱۶۰ کشور جهان در آن عضویت دارند.

ب - تاریخچه تکامل اتحادیه بین‌المللی راه دور

دوره اول با پیدایش تلگراف و ارسال علائم تلگرافی آغاز شد. در این دوره، به دلیل احساس نیاز به وضع مقررات و موافقتنامه‌های بین‌المللی چه به خاطر مسائل فنی و چه به دلیل مسائل حقوقی، کنفرانسی متشکل از ۲۰ کشور تشکیل شد و اولین موافقتنامه مربوط به ارتباطات راه دور در سال ۱۸۶۵ نوشته شد.

با اختراع تلفن در سال ۱۸۷۶ و ازدیاد مکالمات تلفن بین‌المللی، کنفرانس برلین در سال ۱۸۸۵ تشکیل شد و نخستین مقررات مربوط به تلفن از جانب اتحادیه تدوین یافت.

با انجام اولین آزمایش‌های مربوط به استفاده از امواج رادیویی در سال ۱۸۹۵، اولین کنفرانس رادیویی نیز در سال ۱۹۰۶ در برلین تشکیل شد و اولین مقررات مربوط به رادیو را تدوین کرد.

با ارائه پیشنهاد «آرتور کلارک» مبنی بر پرتاب ماهواره ثابت جهت برقراری ارتباط ماهواره‌ای، از سال ۱۹۴۵، تکنیک فضایی و ماهواره‌ای به تدریج توسعه یافت و با توسعه ارتباطات فضایی، کنفرانس فوق‌العاده رادیویی در سال ۱۹۶۳ تشکیل شد و مقررات مربوط به سرویس ماهواره‌ای همزمان را تدوین کرد.

ج - اهداف اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور

به طور کلی برخی از مهم‌ترین اهداف اتحادیه عبارتند از:

۱- برقراری همکاری‌های بین‌المللی مابین اعضای اتحادیه به منظور توسعه و استفاده عقلایی از انواع ارتباطات راه دور و در اختیار قرار دادن کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه در زمینه این ارتباطات.

۲- کمک به پیشرفت سیستم‌های فنی و کاربرد عملیاتی و ازدیاد بهره‌دهی آنها به نحوی که سرویس‌های ارتباطی بتوانند در دسترس عموم قرار گیرند.

سازمان «اینتلست» (۱) (International Telecommunication Satellite Organization)

الف - تاریخچه تأسیس سازمان اینتلست

پس از تصویب قطعنامه ۱۷۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۱، نمایندگان کشورها و سازمان‌های مخابراتی فعال در زمینه ارتباطات جهت ایجاد یک «سیستم ماهواره‌ای جهانی تجاری» در سال ۱۹۷۴ در واشنگتن گرد هم آمدند. نتیجه این اجلاس، ایجاد سازمانی به نام «کنسرسیوم جهانی تجاری ارتباطات ماهواره‌ای» بود که در سال ۱۹۶۵ به «کنسرسیوم جهانی ارتباطات ماهواره‌ای» تغییر نام داد. با تصویب موافقتنامه‌های دائمی کنسرسیوم و لازم‌الاجرا شدن آنها در سال ۱۹۷۱، «اینتلست» از صورت یک کنسرسیوم جهانی خارج شده و به یک سازمان جهانی با نام «سازمان بین‌المللی مخابرات ماهواره‌ای» یا به اختصار «اینتلست» تبدیل شد.

در واقع ۷ سال پس از پرتاب نخستین ماهواره مخابراتی به فضا بود که «اینتلست» تأسیس شد و با تأسیس این سازمان ارتباطات ماهواره‌ای بین‌المللی به نظم رسید.

اولین ماهواره مخابراتی جهان به نام «ارلی‌برد» در آوریل ۱۹۶۵ توسط «اینتلست» به فضا پرتاب شد و در مدار «سنکرون» قرار گرفت. چندی پس از آن نیز نخستین تصویر تلویزیونی «ارلی‌برد» در معرض دید ۳۰۰ میلیون نفر از ساکنان ۱۷ کشور واقع در دو سوی اقیانوس اطلس قرار گرفت. شایان ذکر است که در ابتدای تأسیس «اینتلست»، ۱۱ کشور عضو آن بودند، در حالی که اکنون حدود ۱۳۵ کشور جهان به عضویت این سازمان در آمده‌اند.

ب - سرویس‌های ارائه شده توسط اینتلست

به طور کلی سرویس‌های ارائه شده توسط اینتلست به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- سرویس‌های بین‌المللی که خود به دو دسته سرویس‌های تمام وقت و گاه‌گاهی تقسیم می‌شوند:

۱-۱- سرویس‌های تمام وقت:

- تلفنی

- تلگرافی (شامل AVD)

- اطلاعات با پهنای باند وسیع

- دیجیتالی

- تلویزیون اجاره‌ای

۱-۲- سرویس‌های گاه‌گاهی:

- تلویزیون با برنامه زمان‌بندی شده (شامل کنفرانس‌های تصویری)

- جایگزینی کابل‌های زیرزمینی و سیستم‌های میکروویو در مواقع اضطراری

- پخش برنامه‌های رادیویی (کانال‌های پخش FAD/FM) در پهنای باند ۴،۸،۱۲ و ۱۶ کیلوهرتز)

۲- سرویس‌های محلی:

امروزه بسیاری از کشورهای جهان نیاز مبرمی به تأمین ارتباطات داخلی خود دارند. استفاده از خطوط داخلی میکروویو برای تأمین این نیازها از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و در غالب موارد به دلیل شرایط جغرافیایی و جوی غیرممکن است.

با در نظر گرفتن این موضوع، اینترنت مستقیم امکان است ظرفیت اضافی موجود در ماهواره‌های خود را برای استفاده محلی اجاره دهد. الجزایر اولین کشوری بود که در سال ۱۹۷۵ از این سرویس استفاده کرد. رشد تقاضا برای این سرویس به حدی افزایش یافته است که اینترنت در طرح‌های خود نیاز سرویس‌های محلی را نیز گنجانده است.

مسائل مربوط به ماهواره‌های ارتباطی

گسترش ارتباطات راه دور و پیشرفت‌های آن مسائل گوناگونی را پدید آورده است. هزینه‌های گران ارتباطات راه دور تسلط دولت‌های ثروتمند و نیرومند صنعتی را بر ارتباطات بین‌المللی توسعه داده و عقب‌ماندگی کشورهای وسیع و پرجمعیت را در این زمینه بیشتر کرده است.

از لحاظ حقوقی نیز در صحنه روابط بین‌الملل مسائل پیچیده‌ای مانند توزیع مدارهای مخصوص ماهواره‌ها و طرز استفاده از امواج مربوط به آنها مطرح است. اهمیت سیاسی این گونه مسائل با توجه به ماهواره‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی بیشتر شده است به طوری که برخی از دولت‌ها، فعالیت

وسیعی را در سطح بین‌المللی انجام داده‌اند و پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی را نقض حاکمیت دولت‌ها و دخالت در امور داخلی کشورها دانسته‌اند و این موضوع خود منشاء اختلافات بین‌المللی شده است. در سال ۱۹۷۲، کنفرانس عمومی یونسکو، اعلامیه‌ای در همین زمینه تصویب کرد که اصول مهم آن عبارتند از:

- ۱- هیچ کشوری نمی‌تواند بدون موافقت کشور دیگر، اقدام به پخش برنامه تلویزیونی در خاک آن کشور کند.
- ۲- در مورد پیام‌های تبلیغاتی تلویزیونی باید بین کشورهای تهیه‌کننده پیام‌ها و کشورهای دریافت‌کننده توافقی خاص به عمل آید.
- ۳- در زمینه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی از طریق ماهواره‌ها باید به اختلافات موجود در قوانین ملی کشور دریافت‌کننده این برنامه توجه شود.

طرامان و اشاعه‌دهندگان فناوری ماهواره‌ای در مضایق این سؤال که آیا با گسترش و فراگیری ماهواره در سطح جهان، کهنات‌های فرهنگی از بین خواهد رفت و فرهنگ‌های ملی و بومی آسیب‌پذیر خواهند شد. اظهار می‌دارند که اگر فرهنگ بومی و ملی توان حضور و مبادله فرهنگی با فرهنگ ارائه شده به وسیله ماهواره را ندارد، بهتر است بمیرد.

مزیت‌های ماهواره‌ها بر سایر ابزارهای ارتباطی

قبل از عصر ماهواره، ارتباطات بین‌الملل در مسافت‌های دور، نظیر دو طرف اقیانوس آتلانتیک، فقط از طریق کابل‌های زیردریایی و لینک‌های فرکانس بالا (High Frequency) HF امکان‌پذیر بود. در روی خشکی نیز در اغلب موارد مناطق کابل و لینک دید مستقیم (Line Of Sight) LOS امکان ارتباط را برقرار می‌ساخت. اما این سیستم‌های انتقال از نظر وسعت پوشش مخابرات و یا پهنای باند فرکانس محدود بودند و به طور کلی هیچ یک از مشخصات ارتباطات ماهواره‌ای را که در زیر می‌آید، نداشتند.

پهنای باند وسیع: ارسال برنامه‌های تلویزیونی با کیفیت بالا، کانال‌های تلفنی متعدد، اطلاعات دیجیتال و یا غیره را به طور همزمان امکان‌پذیر می‌سازد.

پوشش وسیع: ارتباط بین نقاط مختلفی را که در پوشش یک ماهواره قرار دارند به آسانی ممکن می‌سازد.

انعطاف‌پذیری: هر جا که پایانه‌های لینک ماهواره وجود داشته باشد، برای مثال، روی کشتی، هواپیما و حتی واحدهای متحرک روی زمین، امکان ارتباط از طریق ماهواره وجود دارد. **هزینه کم:** اگر قرار باشد تمام سرویس‌های ارتباطی ماهواره‌ای از طریق لینک زمینی صورت گیرد، هزینه‌ها سرسام‌آور خواهد شد ضمن آن که مخارج ارتباطات ماهواره‌ای تابع فاصله بین نقاط در حال ارتباط روی زمین نیست.

موانع موجود بر سر راه گسترش فناوری ماهواره‌ای

به طور کلی موانع و مشکلات موجود در این بخش را می‌توان از دو زاویه فرهنگی و فنی مورد مذاقه قرار داد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- ماهواره تاکنون نتوانسته است به طور همه جانبه در جهان گسترش پیدا کند. حتی در خود کشور آمریکا و قاره اروپا نیز ماهواره اشاعه تام و تمام نیافته و توسط مخاطبان مورد استفاده جدی قرار نگرفته است.

۲- حضور ماهواره در بین ملل و فرهنگ‌ها به عنوان یک پدیده جدید فنی تلقی شده است و روشنفکران ملی و بومی به طور جدی به نقد آن پرداخته‌اند. آنان در مرحله آغاز آشنایی با فناوری ماهواره‌ای قرار دارند.

۳- ظرفیت موشک‌های پرتاب‌کننده در دسترس (مانند شاتل آمریکا و موشک آریان فرانسه) اندک است.

۴- شلوغ شدن مدارهای نزدیک به زمین به تداخل غیرقابل تحمل سیستم‌های ماهواره‌ای می‌انجامد.

فناوری ماهواره‌ای و تأثیر آن بر فرهنگ

بعضی از صاحب‌نظران رسانه دوره جدیدی از تاریخ رسانه‌ها را تحت عنوان عصر ماهواره مطرح ساخته‌اند. از آنجا که فرهنگ‌ها نیز مانند سایر پدیده‌های اجتماعی دارای حیات هستند، در گذر زمان و در اثر ارتباط با یکدیگر و یا به دلیل سهولت جذب یا حذف عناصر یکدیگر دچار رشد، توسعه، افول و حتی تغییر شکل می‌شوند.

در دوره جدید که به طور مشخص با رشد فناوری‌های ارتباطی مصادف است و عده‌ای از انقلاب فناوریانه رسانه‌ای یاد می‌کنند، پدیده ماهواره به نحوی جدی و همه جانبه مطرح شده است و سیاست، اقتصاد، فرهنگ، ایدئولوژی، علائق، روحیات و رفتار آدمیان را در اقصی نقاط جهان تحت تأثیر قرار داده است.

طراحان و اشاعه‌دهندگان فناوری ماهواره‌ای در مقابل این سؤال که آیا با گسترش و فراگیری ماهواره در سطح جهان، گوناگونی فرهنگی از بین خواهد رفت و فرهنگ‌های ملی و بومی آسیب‌پذیر خواهند شد، اظهار می‌دارند که اگر فرهنگ بومی و محلی توان حضور و مبادله فرهنگی با فرهنگ ارائه شده به وسیله ماهواره را ندارد، بهتر است بمیرد. روشن است که با این نوع قضاوت و ارزیابی، در مقابله فرهنگ‌ها با اثرات ماهواره، دو فرض متصور است:

۱- اصل در تقابل فرهنگ‌هاست.

۲- در نهایت پیروزی با فرهنگ مهاجم است چرا که از نظر سازندگان و صاحبان فناوری ماهواره‌ای، جهان باید به سوی یکسانی پیش برود.

در این بین به نظر می‌رسد که با توجه به سلطه شرکت‌های چندملیتی، تولید فناوری ماهواره‌ای و سیاستگذاری در توسعه فرهنگ‌ها در حالت اعتدال و برابر به مشارکت نخواهد پرداخت. در اثر عدم حضور همه عناصر فرهنگ خودی و در مقابل، حضور همه جانبه عناصر فرهنگ بیگانه (به منظور برآورده ساختن نیازهای صاحبان فناوری ماهواره و اشاعه‌دهندگان فرهنگ غربی)، نوعی تقابل فرهنگی صورت می‌گیرد که دو نتیجه احتمالی در پی خواهد داشت:

۱- سلطه همه جانبه فرهنگ تبلیغ شده به وسیله ماهواره که به جذب و هضم عناصر فرهنگ‌های محلی و ناحیه‌ای خواهد انجامید.

۲- حضور توأم با سلطه فرهنگ ماهواره‌ای و مقاومت منفی فرهنگ‌های محلی و بومی در صورت تحقق فرض اول، یکسانی فرهنگی ایجاد خواهد شد و در آینده بسیار نزدیک بحران‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی به وقوع خواهد پیوست. در صورتی هم که فرض دوم محقق شود، در نتیجه مقاومت منفی فرهنگ‌ها به جای تبادل فرهنگی، ناسازگاری و تقابل همه جانبه فرهنگی تحقق خواهد یافت.

وضعیت استفاده از وسایل الکترونیکی به ویژه ماهواره در جهان

شواهد و واقعیات نشان‌دهنده تمایل همه جانبه کشورها به خرید وسایل الکترونیکی به ویژه فناوری ماهواره‌ای است. در کل بازار فروش وسایل الکترونیکی در ۳۰ سال گذشته در امریکا، ژاپن و آسیا رشد چشمگیری داشته است به طوری که میزان این رشد در سال ۱۹۹۰ میلادی ۳ درصد و در سال ۱۹۹۱ معادل ۶ درصد بوده است. این افزایش فروش در سال ۱۹۹۲ به ۳/۱ درصد کاهش یافته و بار دیگر در سال ۱۹۹۳ به ۴/۵ درصد افزایش یافته است. در هر حال، آمار و ارقام نشان‌دهنده این واقعیت است که روند به کارگیری و استفاده از فناوری‌های ارتباطی در سطح جهان سیر صعودی داشته و هر روز بر حجم استفاده از این امکانات در همه جای دنیا افزوده می‌شود. در این حال، روند مصرف وسایل الکترونیکی در کشورهای امریکا، ژاپن، قاره‌های اروپا و آسیا و دیگر نقاط جهان به طور یکسان رشد یافته است اما مصرف اصلی در امریکا، اروپا و سپس ژاپن متمرکز شده است.

بازار وسیع آسیا عمده‌ترین عامل برای توجیه شرکت‌های تباری به این منطقه از جهان است و به وسیله‌ای بهتر و خراگ‌تر از تلویزیون برای نمودن در بازاری که محدود نبی از اهمیت جهان را در نمودن داده است.

باید یادآوری کرد که در حدود ۸۰ درصد از وسایل الکترونیکی مصرف شده در جهان، وسایل سمعی - بصری و دیگر ابزار مرتبط با آن بوده است.

وضعیت ماهواره و استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای در آسیا و کشورهای جهان سوم

تا همین یکی دو دهه گذشته، هیچ کسی در اروپا یا امریکا فکر نمی‌کرد که پیش از پایان قرن بیستم بتواند مقابل تلویزیون خانه خود بنشیند و با فشار دادن یک دکمه، انواع برنامه‌های ماهواره‌ای را تماشا کند اما دریافت همزمان ۱۵-۱۰ کانال مختلف امروزه امری طبیعی به شمار می‌آید. در افزایش شبکه‌های ماهواره‌ای، شرکت‌های بزرگ تجاری از مهم‌ترین عوامل به شمار می‌روند. اکنون شبکه‌های تجاری با پخش برنامه‌های متنوع و سرگرم‌کننده رقابت جدی با شبکه‌های ملی را آغاز کرده‌اند و در موارد زیادی گوی سبقت را از آنها ربوده‌اند.

در این میان، دامنه فعالیت شبکه‌های تجاری و خبری ماهواره‌ای به آسیا و اقیانوسیه هم کشیده شده و هر سال بر تعداد آنها در این بخش از جهان افزوده می‌شود. بازار وسیع آسیا عمده‌ترین عامل برای توجه شرکت‌های تجاری به این منطقه از جهان است و چه وسیله‌ای بهتر و فراگیرتر از تلویزیون برای نفوذ در بازاری که حدود نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده است.

تلویزیون ماهواره‌ای در جنوب و غرب آسیا هنوز فراگیر نشده و به تدریج دامن خود را می‌گستراند اما در خاور دور این وسیله به یک تازی پرداخته و در واقع این ناحیه را به تسخیر خود در آورده است. اکنون آنتن‌های بشقابی مانند نقل و نبات بر فراز خانه‌های ژاپن، کره، هنگ کنگ، تایوان و سنگاپور پخش شده‌اند و حتی در مناطق روستایی چین هم انواع مختلف آنها در بالای خانه‌ها مشاهده می‌شود.

هنگامی که طبل و زنگ سنتی آسیایی سال ۱۹۹۰ پکن در مراسم افتتاحیه به صدا در آمد ماهواره «آسیاست ۱» که بر فراز سنگاپور مستقر است، پرواز کبوتران آزادی را بر بام ورزشگاه ۱ برای کشورهای مختلف جهان پخش کرد.

کشور چین در زمینه استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای علی‌رغم ممنوعیت به کارگیری آنها با تعارض مواجه است به این معنی که رهبران ارشد حکومت چین درباره سخت‌گیری به توافق رسیده‌اند اما به نظر می‌رسد اولیای امور به دلیل اصطکاک منافع در دولت به شدت تحت فشار باشند. ستاد کل ارتش و وزارت رسانه‌های گروهی از طریق فروش تجهیزات ماهواره‌ای سود خوبی به دست می‌آورند و کارخانه‌ای که متعلق به وزارت الکترونیک است، قصد دارد سالانه ۶۰ تا ۷۰ هزار آنتن تولید کند.

در کشور چین روزانه ۶۰۰ میلیون نفر تلویزیون خود را روشن می‌کنند و با آن که فروش آنتن بشقابی در این کشور از سوی دولت ممنوع شده است، خرید و فروش و استفاده از این بشقاب‌ها به طور روزافزونی رواج دارد.

در هنگ‌کنگ تا سال ۱۹۹۱ میلادی، تنها دو کانال تلویزیونی برای استفاده از برنامه‌های چینی و انگلیسی قابل دریافت بود اما با افتتاح و آغاز به کار شبکه منطقه‌ای «استار تی وی» تعداد این کانال‌ها در سال ۱۹۹۳، به ۲۴ کانال رسید. دولت کره به منظور مقابله با نفوذ فرهنگ‌های خارجی با وضع محدودیت‌هایی برای برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای استفاده از بشقاب را تا سال ۱۹۹۱ ممنوع کرده بود با وجود این، حدود ۲۰۰ هزار آنتن بشقابی تا این سال در کره وجود داشت. پس از سال‌ها تسلط بلامنزاع دولت بر وسایل ارتباط جمعی، حکومت کره در سال ۱۹۹۱، به یکی از فرستنده‌های مستقل مجوز فعالیت

داد و در هنگام انتخابات ریاست جمهوری یک فرستنده خصوصی در این کشور دایر کرد اما هیچ کدام از این دو نیز به طور کامل از نظارت دولت برکنار نبودند.

در سنگاپور تا سال ۱۹۹۳ دو میلیون و هفتصد هزار تن از شهروندان این کشور می‌توانستند از ۱۳ کانال تلویزیونی ماهواره‌ای استفاده کنند. کشور هند از جمله معدود کشورهای جهان سومی (در حال توسعه) است که دارای فناوری ساخت ماهواره است. این کشور از ماهواره‌های ساخت خود برای مخابرات، پخش برنامه‌های رادیو تلویزیونی، هواشناسی و استفاده می‌کند.

به این ترتیب ملاحظه می‌کنیم که کشورهای آسیایی به ویژه کشورهای خاور دور نیز به منظور جبران عقب‌ماندگی‌های خویش و وارد شدن هر چه تمام‌تر به دنیای فناوری ماهواره‌ای که یکی از ملزومات اصلی جامعه اطلاعاتی به شمار می‌رود، با استفاده از توانایی‌ها و امکانات بالقوه و بالفعل خود برای پیشرفت سریع در این زمینه تلاش مضاعفی را آغاز کرده‌اند. این کشورها برآنند که با رفع موانع موجود در کنار سایر کشورهای پیشرفته در زمینه طراحی و ساخت فناوری‌های ماهواره‌ای و استفاده از آن در حوزه‌های گوناگونی از قبیل تجارت، فرهنگ، اقتصاد و به جایگاهی متناسب با شأن خود، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی دست پیدا کنند.

البته باید به خاطر داشت که سیستم‌های ماهواره‌ای به ویژه برای کشورهای در حال توسعه مشکلاتی نیز به همراه دارند که از آن جمله می‌توان به وابستگی مالی و سیاسی این کشورها به کشورهای پیشرفته تولیدکننده این سیستم‌ها و احتیاج به کارآموزی در سطح بالا نام برد.

یکی دیگر از مشکلات، عدم توانایی کشورهای در حال توسعه در همگام شدن با تغییرات سریعی است که در این فناوری‌ها رخ می‌دهد و استفاده از آنها را عملاً ناممکن می‌سازد.

چشم‌انداز فناوری ماهواره‌ای

اولین نسل ماهواره‌های مخابراتی دارای جرم پرتابی برابر با ۶۸ کیلوگرم و ظرفیتی برابر با ۲۰۴ تماس دو طرفه یا مدار بودند.

بعدها سفینه‌های مخابراتی پیشرفته‌تر یکی پس از دیگری ساخته شدند و هر یک نمونه قبلی را از نظر کارایی از میدان خارج کردند به طوری که امروزه، ماهواره مخابراتی «اینتلست ۶» متعلق به امریکا، جرم پرتابی برابر با ۳۵۰۰ کیلوگرم و ظرفیتی معادل با ۳۳۰۰۰ مدار دارد.

حال خواه ظرفیت در چند ماهواره بزرگ متمرکز شود و خواه در سکوه‌های کوچک‌تر پرتاب گسترش یابد، تقاضای بازار برای ماهواره‌های مخابراتی رو به افزایش است. بازده وزن مفید ماهواره‌ها بالا رفته و با استفاده از پرتوهای شناسایی، مرکز ترافیک از طریق نورافشانی نشان داده می‌شود.

عمر مفید ماهواره‌ها رو به افزایش است؛ عمر مفید ۱۰ سال الزامی است و عمر مفید ۱۵ سال آزمایش شده و استاندارد آینده خواهد بود. ارتباط‌های بین ماهواره‌ای که باعث افزایش ارتباط‌های مستقیم مخابراتی می‌شود، در حال تکوین است و اولین کاربرد آن برقراری ارتباط بین ایستگاه‌های مداری نزدیک به زمین است.

از یک طرف با توسعه فناوری تعداد کانال‌هایی که در اختیار بینندگان قرار می‌گیرد، به نحو روزافزونی

بیشتر می‌شود و از طرف دیگر، با داشتن حق انتخاب بیشتر، کنترل محتوای برنامه‌ها کمتر و کمتر امکان‌پذیر می‌نماید. در واقع این بیننده است که با انتخاب یا عدم انتخاب خود می‌تواند برنامه‌ها و پخش‌کننده‌ها را کنترل کند.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم شاهد برنامه‌های تلویزیونی ساخت دیگران بر روی تعداد زیادی از کانال‌های خود خواهیم بود. قطر آنتن‌های بشقابی کوچک‌تر و کوچک‌تر شده و نوع آنتن‌ها دگرگون

خواهد شد. آنتن‌های ماهواره‌ای در شکل‌ها و اندازه‌های مختلف عرضه خواهند شد و خواهند توانست به طور نامرئی بر روی ساختمان‌ها کار گذاشته شوند.

نسل‌های جدید ماهواره‌ها قادرند تا ۵ برابر تعداد کانال‌های قبلی را بر روی هر شاخه آنتن پخش کنند. با استفاده از ارسال فشرده دیجیتالی می‌توان تمام سیگنال‌های تلویزیونی را به زبان رایانه و با سرعت بسیار بالا از طریق ماهواره منتقل ساخت. این تحولات نه تنها تعداد کانال‌های قابل دریافت را افزایش می‌دهد بلکه حتی شکل و فرم پیام‌ها را نیز دگرگون می‌سازد.

با گذشت زمان، در کنار افزایش آگاهی‌های بشر در زمینه ماهواره، سرعت تحولات در این حوزه نیز هر زمان نسبت به دوره مشابه قبلی افزایش چشمگیری یافته است و چه بسا در آینده‌ای نه چندان دور این فناوری تا آنجا پیشرفت کند که طی مریم فصولی اضداد نیز از چشم‌های شکارچی ماهواره‌ها در امان نباشد.

با اختصاص یک آدرس رایانه‌ای به هر بیننده می‌توان با وی به صورت کاملاً فردی و به مانند یک مشتری برخورد کرد. می‌توان به او محصولات انفرادی از قبیل کانال‌های جدید و سایر بسته‌های اطلاعاتی (از قبیل متون کتابی و نوشتاری) فروخت.

آنچه در بالا ذکر شد، مختصری از تغییر و تحولاتی است که در سال‌های آتی در زمینه به‌کارگیری فناوری‌های ماهواره‌ای با آن روبه‌رو خواهیم شد. تأمل در زمینه پیشرفت‌های به‌دست آمده در طول دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که با گذشت زمان، در کنار افزایش آگاهی‌های بشر در زمینه ماهواره، سرعت تحولات در این حوزه نیز هر زمان نسبت به دوره مشابه قبلی افزایش چشمگیری یافته است و چه بسا در آینده‌ای نه چندان دور این فناوری تا آنجا پیشرفت کند که حتی حریم خصوصی افراد نیز از چشم‌های شکارچی ماهواره‌ها در امان نباشد.

وضعیت ماهواره‌های پخش مستقیم در ایران و تلقی آن به عنوان یک فرصت یا تهدید

اکنون ما در شرایطی قرار داریم که قادر نیستیم مانع نفوذ فناوری ماهواره‌های ارتباطی در فضای کشور عظیم و پهناور ایران و پیرامون آن شویم از این رو کاربرد ماهواره‌ها را امری ضروری و در عین حال اجتناب‌ناپذیر می‌دانیم.

در حال حاضر کشور ایران زیر نفوذ حدود ۳۷۵ کانال تلویزیونی قرار دارد. توسعه بازار سیاه آنتن‌های بشقابی نیز مانند آنچه در مورد ویدئو تجربه شد، امکان‌پذیر است. آیا دولت ما قادر است مانع گسترش بازار سیاه آنتن‌های بشقابی شود؟ در تجربه بازار سیاه ویدئو به این نتیجه رسیدیم که دولت نمی‌تواند و مصلحت هم نیست که مانع بازار سیاه شود.

پس در چنین شرایطی برای نظم دادن به این بازار مشوش چه باید کرد؟ چاره‌ای جز همگام شدن با پیشرفت فناوری و از همه مهم‌تر، بالا بردن کیفیت برنامه‌های تلویزیونی نیست.

برای این که ایران بتواند در برابر رقیبان خارجی مقاومت کند، در مرحله اول ناچار است سازمان‌ها و واحدهای تربیت نیروی انسانی را در زمینه تولید کالاهای فرهنگی تقویت کند. استحکام و گسترش واحدهای مربوط، نیاز به کارشناس و استاد مجرب و جبران کمبود کارشناس آرموده نیاز به مذاکره و تنظیم قرارداد با دانشگاه‌های خارج از کشور به ویژه دانشگاه‌هایی دارد که در این زمینه از تجربه کافی برخوردارند.

اگر در راه بهبود وضع موجود و صدور برنامه و کالاهای فرهنگی سریع و حساب شده گام برداریم، نه تنها قادر به رهایی از زیر سلطه صدها کانال تلویزیونی نخواهیم بود بلکه قابلیت و امکان ایجاد صدها هزار شغل را نیز در بازار تولید و توزیع کالاهای فرهنگی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، از دست خواهیم داد.

فهرست منابع :

- ۱- معتمدنژاد، کاظم، *وسایل ارتباط جمعی*، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صص ۲۶۰-۲۵۵.
- ۲- آر. لی. جان. ای، *به سوی سیاست‌های ارتباطی واقع بینانه*، ترجمه خسرو جهاننداری، انتشارات سروش، ۱۳۶۵، صص ۱۶-۱۵.
- ۳- *مجله سروش*، شماره ۶۵۲ شنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۷۲، صص ۳۱-۳۰.
- ۴- *مجله سروش*، شماره ۶۵۳ شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۷۲، ص ۴۶.
- ۵- *مجله سروش*، شماره ۶۵۷ ۲۳ مرداد ۱۳۷۲، صص ۴۰-۳۸.
- ۶- *مجله سروش*، شماره ۶۵۸ ۳۰ مرداد ۱۳۷۲، ص ۴۳.
- ۷- حکاک، محمد، *سیستم‌های مخابرات ماهواره‌ای*، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۷، صص ۲۴ - ۳.
- ۸- آزاد برمکی، محمد تقی، *تبادل و تقابل فرهنگی در عصر ماهواره*، کتاب سروش، مجموعه مقالات (۲)، رسانه‌ها و فرهنگ، انتشارات سروش.
- ۹- گروه مطالعات حقوقی سازمان صداوسیما، *حقوق بین‌المللی و پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۰، صص ۹۰ - ۸۹.

نگاهی اجمالی بر پروژه ماهواره ملی زهره

طراح پروژه و نویسنده: محمد ایزدی

مدیر کل طرح و مهندسی ارتباطات ماهواره‌ای شرکت مخابرات ایران

(مجری پروژه ماهواره ملی زهره)

اشاره

در جهان امروز، اقتدار سیاسی و نظامی در گرو توسعه اقتصادی و صنعتی است و فناوری، موتور توسعه اقتصادی و مایه صنعت یک کشور تلقی می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، فناوری یکی از مهم‌ترین وسایل رسیدن به اهداف توسعه ملی است و نقش دولت‌ها در ایجاد بستر مناسب برای جذب و توسعه فناوری بسیار مؤثر است.

یکی از فناوری‌های پیشرفته و استراتژیک فناوری تجهیزات فضایی است که به علت تنوع علوم و فنون به کار رفته در آنها، صنایع و سازمان‌های علمی و تحقیقاتی متفاوتی را به هم پیوند زده، زمینه رشد آنها را فراهم کرده و شاخه‌های جدید علمی و کاربردی را ایجاد کرده است، از این رو، تدارک این فناوری‌آئیز به همین میزان گسترده، پیچیده، هزینه‌بر، زمان‌بر و نیاز به یک سازمان، برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری صحیح و دقیق دارد.

در کشورهای صاحب این فناوری، سازمان فضایی منسجم و گسترده‌ای هدایت فعالیت‌های آن را به عهده دارد و با تحت پوشش قرار دادن تمام توان صنایع تجاری و نظامی و مراکز تحقیقاتی، قابلیت‌ها و فرصت‌های فوق‌العاده‌ای ایجاد می‌کنند.

در حال حاضر، تقریباً کلیه دارندگان این فناوری علاوه بر جذب بودجه‌های خرید و ساخت ماهواره در کشورهای متقاضی، در بهره‌برداری از آنها نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند و شریک می‌شوند و در

نتیجه، این فناوری‌ها یک منبع تولید ثروت و قدرت در سطح جهان به حساب می‌آیند.

از بُعد دیگر، ماهواره‌ها در زندگی جوامع و ایجاد سهولت‌های جدید در تجارت، آموزش، بهداشت، صنعت و ارتباطات نقش مهمی دارند و باعث توسعه فناوری‌های زمینی برای کاربردهای متنوع خود می‌شوند، کاربردهایی نظیر ارتباطات تلفنی بین کشورها، پخش صداها کانال تلویزیونی به طور همزمان در سراسر دنیا، توزیع اینترنت، خدمات کنفرانس تصویری آموزش از دور، پزشکی از دور، تعیین موقعیت، سنجش از دور، هواشناسی و خدمات موبایل ماهواره‌ای که نقش ارزنده آنها در صرفه‌جویی هزینه، زمان و بالا بردن امنیت جانی انسان‌ها غیرقابل انکار است. در حال حاضر، تقریباً تمام نقاط کره زمین تحت پوشش شبکه‌های گسترده ماهواره‌ای قرار گرفته است. گسترش سریع ارتباطات ماهواره‌ای بیانگر تلاش بی‌وقفه در به کارگیری فناوری‌های جدید برای رفع نیازهای جوامع بشری است.

تحقیقات فضایی نیز به عنوان شاخه‌ای جدید از علم و فناوری اُطی نیم قرن گذشته پیشرفت‌ها و تحولات شگفتی داشته است و در مسیر این تحول، بسیاری از شاخه‌های علوم نظیر فیزیک نجومی، فیزیک پلاسما، علم مواد و علوم جوی آنچنان گسترده‌گی و عمقی پیدا کرده‌اند که پیش از آن برای بشر غیرقابل تصور بود. اکنون تحقیقات فضایی به عنوان ابزاری برای حل مشکلات بشر در زمین مورد توجه دانش‌پژوهان قرار گرفته است و ایستگاه‌های فضایی بین‌المللی برای انجام تحقیقات مختلف که امکان انجام آنها در زمین وجود ندارد تأسیس می‌شوند. بنابراین، استفاده از فضا، به کارگیری فناوری‌ماهواره و کاربرد و نقش آن در جوامع بشری هر روز در حال گسترش است و نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار و تحولات تمدن بشری دارد.

سیر تکاملی ماهواره‌ها و ارتباطات ماهواره‌ای

طبق اظهار اکثر منابع موثق، ایده استفاده از ماهواره برای ارتباط مخابراتی بین دو نقطه از کره زمین اولین بار در سال ۱۹۴۵ توسط یک نویسنده بریتانیایی به نام آرتورسی کلارک مطرح شده است، آقای کلارک خاطر نشان کرده است که اگر یک ماهواره در فاصله حدود ۳۶ هزار کیلومتری از سطح زمین در فضا قرار گیرد، سرعت زاویه‌ای آن با سرعت زاویه‌ای زمین برابر خواهد بود و در نتیجه ماهواره همواره بالای یک نقطه از زمین قرار خواهد داشت و ثابت به نظر می‌رسد. به علت محدودیت‌های فناوری، عملی شدن این نظریه تا اواخر دهه ۵۰ یعنی ۱۹۵۷ طول کشید. در این سال، اولین ماهواره ساخت بشر به نام اسپوتنیک توسط دانشمندان روسی ساخته و به فضا پرتاب شد.

پیشرفت این فناوری به قدری سریع بود که در سال ۱۹۶۴ سازمان بین‌المللی مخابرات ماهواره‌ای (اینتلست) با شرکت ۱۳۹ کشور عضو تشکیل شد و مسئولیت طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره‌ها را در سه ناحیه اقیانوس هند، اطلس و آرام به عهده گرفت. هدف از تشکیل این سازمان برقراری ارتباطات بین‌المللی کشورها از طریق ماهواره بود. در حال حاضر، این سازمان حدود ۲۰ ماهواره فعال دارد و ارتباطات بیش از ۱۷۰ کشور جهان را با یکدیگر برقرار می‌کند.

با گسترش استفاده از ماهواره، به تدریج سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دیگری مانند اینتراسپوتنیک، یوتلست، اینمارست، عربست، پانام‌ست و... تشکیل شد و همراه توسعه کمی خدمات تلفن در سطح جهانی و منطقه‌ای، خدمات جدیدی از قبیل پخش برنامه‌های تلویزیونی، ویدیو کنفرانس، آموزش از دور، پزشکی از دور، توزیع نامتقارن اینترنت و دیتا و کاربردهای محلی از قبیل ارتباط رسانی به روستاها، پوشش تلویزیونی کشور و تشکیل شبکه‌های اختصاصی برای سازمان‌های مختلف ایجاد شد.

سیر تحولات ارتباطات ماهواره‌ای در کشور

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۴۸ با تأسیس ایستگاه زمینی شهید قندی اسدآباد و نصب یک آنتن استاندارد A به قطر ۳۰ متر ارتباطات بین‌المللی خود را با کشورهای اروپایی از طریق ماهواره اینتلست که بر فراز اقیانوس اطلس قرار دارد آغاز کرد. در سال ۱۳۵۲ آنتن ۳۰ متری دیگری برای ارتباط با کشورهای خاورمیانه و آسیایی در همان ایستگاه نصب و راه‌اندازی شد.

شایان ذکر است که جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۴۸ به عضویت سازمان بین‌المللی مخابرات ماهواره‌ای (اینتلست) و از سال ۱۳۶۳ به عضویت سازمان بین‌المللی مخابرات دریایی (اینمارست) درآمده است.

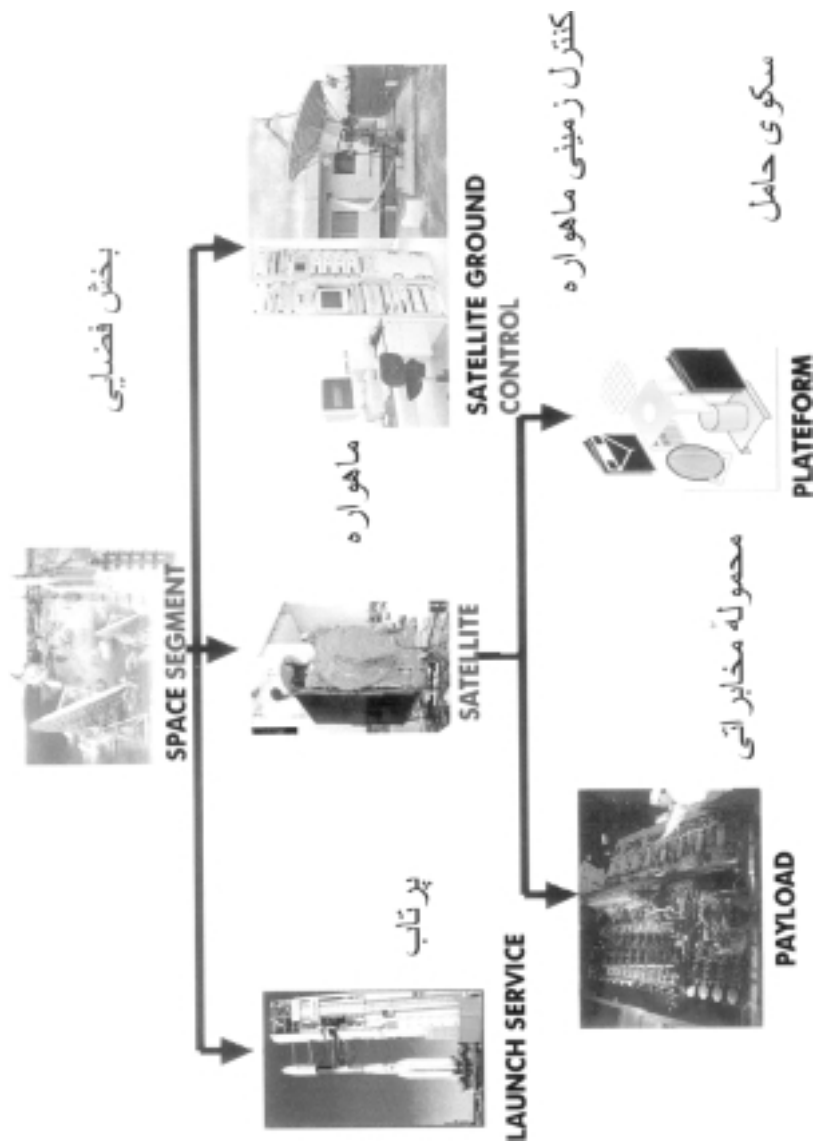
در حال حاضر، ایران دارای سه مرکز بین‌المللی مخابرات ماهواره‌ای است که بخش اعظم ارتباطات بین‌المللی ایران با کشورهای جهان را برقرار می‌کند.

در بخش ارتباطات داخلی نیز، به علت موقعیت جغرافیایی کشور، وجود هزاران روستای بدون ارتباط، وجود مرزهای طولانی آبی و خاکی و جزایر پراکنده و عدم امکان پوشش تلویزیونی کامل از طریق روش‌های معمول، از سال ۱۳۶۵ به کارگیری ماهواره برای برآوردن نیازهای فوق‌ضروری تشخیص داده شد. بنابراین با اجاره بخش فضایی (ترانسپوندر) از سازمان اینتلست شبکه‌های مخابراتی روستایی و شبکه‌های اختصاصی برای سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی تأسیس و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. همچنین چندین شبکه تلویزیونی و رادیویی کشور از طریق ماهواره تمام نقاط کشور را تحت پوشش قرار داد.

یک سیستم ماهواره‌ای مجهول‌تری از تجهیزات و خدمات فنی است که موجب برقراری و تدویم ارتباط از طریق ماهواره می‌شود. این مجهول‌تری از دو بخش عمده یعنی بخش خطایی و بخش زمینی تشکیل می‌شود.

در حال حاضر، سه شبکه مخابراتی با بیش از هزار ایستگاه زمینی در سطح کشور فعال است و خدمات تلفنی و دیتا را به مشترکان مربوطه ارائه می‌کند.

توسعه شبکه‌های موجود و تاسیس شبکه‌های جدید با استقرار ماهواره مستقل جمهوری اسلامی ایران شتاب بیشتری خواهد گرفت.



اجزای یک سیستم ماهواره ای

معرفی اجزای یک سیستم ماهواره‌ای

یک سیستم ماهواره‌ای مجموعه‌ای از تجهیزات و خدمات جنبی است که موجب برقراری و تداوم ارتباط از طریق ماهواره می‌شوند. این مجموعه از دو بخش عمده یعنی بخش فضایی و بخش زمینی تشکیل می‌شود.

الف: بخش فضایی

بخش فضایی یک سیستم ماهواره‌ای عبارتست از ماهواره، ایستگاه‌های کنترل زمینی و سرویس پرتاب که ماهواره را از ایستگاه پرتاب به فضا پرتاب می‌کند.

ماهواره از دو بخش مهم بار مفید (payload) و سکو (platform) تشکیل می‌شود. بار مفید ماهواره‌ها متناسب با مأموریت آنها متفاوت است. برای مثال یک ماهواره مخابراتی دارای بار مفید مخابراتی است (Communication Payload). ماهواره به علت عمر طولانی در فضا و عدم امکان دسترسی مجدد، باید از کیفیت بالای مواد، طراحی، ساخت و تست برخوردار باشد و سیستم‌های کنترل و مراقبت و خدمات جنبی برای بار مفید در طول عمر ماهواره در فضا و زمین منظور شود.

وظیفه زیرسیستم تعیین و کنترل وضعیت، کنترل و نگهداری ماهواره در نقطه‌ای از فضاست که از قبل طراحی شده است.

بنابراین، بخش سکو یا Platform مجموعه امکانات فوق را توسط زیرسیستم‌های مربوطه که در ذیل آورده می‌شوند فراهم می‌کند.

۱- زیرسیستم تعیین و کنترل وضعیت

وظیفه این زیرسیستم، کنترل و نگهداری ماهواره در نقطه‌ای از فضا است که از قبل طراحی شده است، این عملیات با اندازه‌گیری وضعیت ماهواره توسط حسگرهای مختلف، مقایسه نتایج اندازه‌گیری‌ها با مقادیر مورد لزوم، انجام محاسبات لازم برای تصحیح و اعمال مقادیر تصحیح به عناصر تصحیح‌کننده انجام می‌شود. بنابراین، پایدارسازی وضعیت ماهواره در تمام طول عمر خود، انجام مانورهای وضعیتی در

زمان مورد نیاز و انجام اعمال ویژه برای حفظ ماهواره در موقعیت خود در شرایط اضطراری، از اهم وظایف این زیرسیستم است.

۲- زیرسیستم پیشرانه

وظیفه این زیرسیستم، ایجاد نیروهایی است که بر مرکز جرم ماهواره اثر می‌کنند و در نتیجه ماهواره را جا به جا می‌کنند. هدف این جا به جایی، قرار دادن ماهواره در نقطه مداری از پیش تعیین شده و حفظ آن در موقعیت فوق با دقت و درجه خطای مشخص است.

سیستم پیشرانه در دو نوع شیمیایی (گاز، جامد، چندسوختی) و الکترونیکی (الکترومغناطیس، الکترواستاتیک، الکتروترمال) به کار گرفته می‌شود.

اهداف سیستم پیشرانه در ماهواره به صورت زیر خلاصه و دسته‌بندی می‌شود.

- هدایت ماهواره از مدار انتقال به مدار سنکرون
- تصحیح مداری
- کنترل وضعی و پایداری
- تجدید موقعیت ماهواره
- تامین اندازه حرکت
- انتقال ماهواره به مدار بالاتر پس از پایان عمر

زیرسیستم کنترل روی برد به منظور نظارت و کنترل بر عملیات بخش‌های مختلف ماهواره و تبادل اطلاعات بین بخش‌ها و تفصیص منابع سخت‌افزار و نرم‌افزار ایجاد شده است و وظیفه جمع‌آوری اطلاعات کلیه وقایع درونی و بیرونی ماهواره توسط حسگرها و نقاط مونیورینگ و ثبت آن در کامپیوتر روی برد و هم‌پنین تبادل آن با ملحقه کنترل بیرونی از طریق واحد تله‌متری را دارا است.

۳- زیرسیستم کنترل روی برد (on board)

این زیرسیستم به منظور نظارت و کنترل بر عملیات بخش‌های مختلف ماهواره و تبادل اطلاعات بین بخش‌ها و تفصیص منابع سخت‌افزار و نرم‌افزار ایجاد شده است و وظیفه جمع‌آوری اطلاعات کلیه وقایع درونی و بیرونی ماهواره توسط حسگرها و نقاط مونیورینگ و ثبت آن در کامپیوتر روی برد و هم‌چنین تبادل آن با حلقه کنترل بیرونی از طریق واحد تله‌متری را دارا است و اجزاء آن عبارت‌اند از واحد تله‌متری، ردیابی و فرمان، واحد کامپیوتر، واحد جمع‌آوری‌کننده اطلاعات و واحد کنترل.

اطلاعات جمع‌آوری شده توسط این سیستم پس از انجام کنترل مستقل داخلی توسط واحد تله‌متری به ایستگاه کنترل و ردیابی زمینی ارسال می‌شود تا پس از فایل شدن و انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم

توسط کامپیوترهای مرکز کنترل و سیستم شبیه‌ساز دینامیک ماهواره، فرامین لازم برای اجرای هر گونه عملیات در ماهواره صادر و اجرا شود.

۴- زیرسیستم سازه

سازه ماهواره همان بدنه استوانه‌ای، مکعبی یا چند ضلعی است که از به هم پیوستن صفحات آلیاژی سبک تشکیل می‌شود.

امروزه بیشتر از صفحات ساندویچی در سازه استفاده می‌شود که ضمن افزایش مقاومت، وزن آن نیز کاهش می‌یابد.

در سازه ملاحظات زیادی به کار گرفته می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- کاهش بارهای سازه‌ای
- جا به جایی مناسب قطعات از نظر فیزیکی و الکتریکی و حرارتی
- عبور دادن لوله‌های انتقال حرارت از داخل صفحات ساندویچی
- طراحی مسیرهای عبور کابل‌ها و اتصالات به صورت بهینه برای کاهش وزن و افت جریان سازه هم‌چنین شامل آنتن ماهواره و سلول‌های خورشیدی نیز می‌شود..

۵- زیرسیستم کنترل حرارت

حرارت محیط اطراف ماهواره در مدار، با حرارت روی زمین کاملاً متفاوت است. وقتی که ماهواره در سایه زمین قرار می‌گیرد انرژی دریافتی بسیار کم می‌شود و حرارت آن به پایین‌تر از منفی ۱۷۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد و هنگامی که در معرض تشعشع مستقیم آفتاب قرار می‌گیرد به شدت گرم می‌شود و حرارت آن به بالاتر از ۶۰ درجه می‌رسد. بنابراین، اختلاف درجه حرارت دو نقطه سایه و آفتاب در ماهواره ۲۳۰ درجه است در حالی که دامنه تفاوت دمای کار تجهیزات مخابراتی و الکتریکی ماهواره محدود است، هم‌چنین اختلاف دما موجب فشارهای مکانیکی در بخش‌های سازه‌ای می‌شود و ایجاد اعوجاج می‌کند. بنابراین، کنترل حرارت در ماهواره ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. کنترل حرارت به روش‌های کنترل غیرفعال و کنترل فعال و یا ترکیبی از دو روش فعال و غیرفعال قابل انجام است.

در کنترل غیرفعال ملاحظات زیر صورت می‌گیرد:

- عدم جذب انرژی خورشیدی با استفاده از پوشش مخصوص روی بدنه ماهواره
 - استفاده از لوله‌های حرارتی
 - استفاده از مواد چند لایه برای عایق کردن
 - جاگذاری مناسب تجهیزات
 - جاگذاری تجهیزاتی که تولید حرارت می‌کند در ناحیه سایه ماهواره
 - استفاده از رنگ و پوشش خارجی مناسب
- در کنترل فعال برای بخش‌های سرد از هیتر استفاده شده و حرارت بخش‌های گرم با سیستم توزیع توسط پمپ پایین آورده می‌شود.

۶- زیرسیستم تغذیه الکتریکی

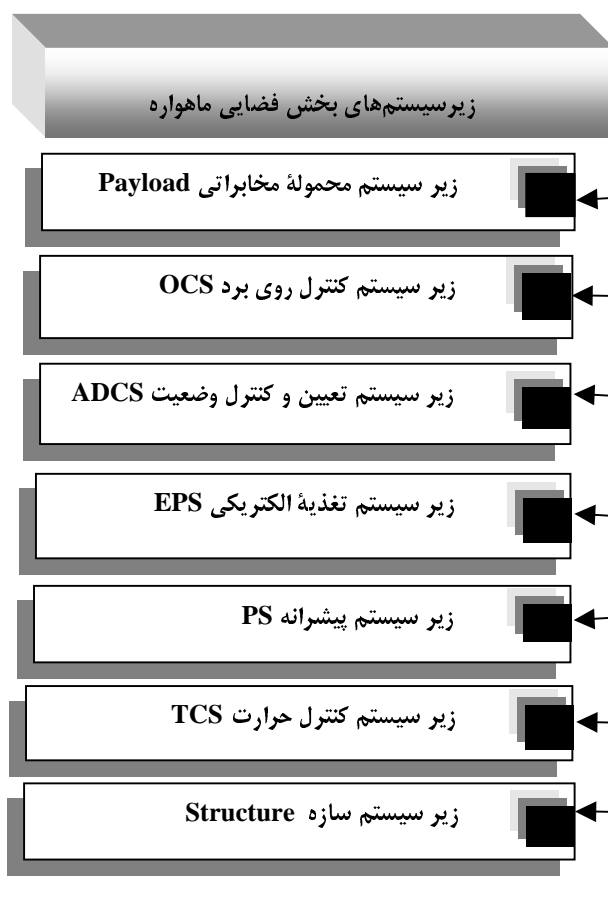
- این زیرسیستم وظیفه تهیه و توزیع انرژی الکتریکی مورد نیاز بخش‌های مختلف در طول عمر ماهواره را دارا است. وظایف عمده این زیرسیستم به صورت زیر است:
- تولید انرژی الکتریکی از طریق سلول‌های خورشیدی به عنوان منبع اولیه انرژی
 - ذخیره انرژی الکتریکی در باتری‌های الکترو شیمیایی به عنوان منبع ثانویه انرژی
 - کنترل، تنظیم و توزیع انرژی به مصرف‌کنندگان
 - تبدیل جریان مستقیم به متناوب برای مصارف خاص
 - ایجاد مدارهای حفاظتی و کنترل‌های اتوماتیک و قابلیت کنترل از زمین

۷- زیرسیستم محموله مخابراتی

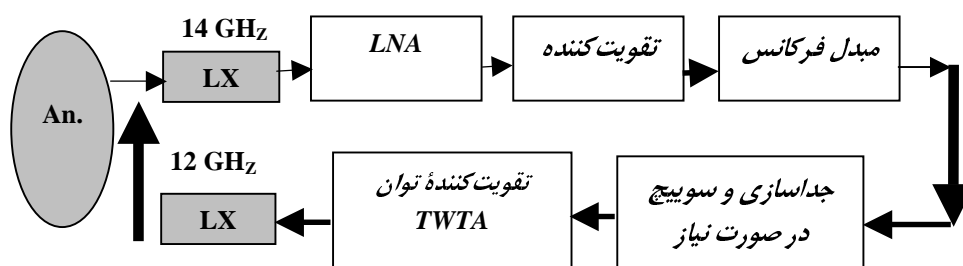
- محموله مخابراتی یا payload وظیفه دریافت سیگنال‌های ارسال شده از زمین و انجام تبدیل فرکانسی و تقویت و ارسال مجدد آن به ایستگاه‌های زمینی را دارا است.
- این زیرسیستم از دو قسمت آنتن برای ارسال و دریافت سیگنال و ترانسپوندر یا تکرارکننده برای مراحل مختلف تقویت و تبدیل فرکانسی و جداسازی و سوئیچینگ تشکیل شده است.

۸- زیرسیستم تله متری فرمان از دور و کنترل

- این زیرسیستم رابط زیرسیستم‌های مختلف ماهواره با ایستگاه زمینی TT&C است که روی هم کنترل و هدایت ماهواره را به عهده دارند. وظایف این مجموعه عبارت است از:
- جمع‌آوری سیگنال‌های وضعیت ماهواره از سنشگرهای مختلف
 - تبدیل سیگنال‌های تله متری و فاصله‌یابی برای ارسال و دریافت
 - ارسال فرمان به ماهواره
 - دریافت و رمزگشایی سیگنال تله متری ماهواره
 - ردیابی خودکار ماهواره
 - ارسال و دریافت و تفسیر سیگنال فاصله‌یاب
 - تست‌های مخابراتی



سیستم Transponder ماهواره



مراحل اولیه مورد نیاز در طراحی ماهواره

هدف از این مبحث بیان مراحل است که برای طراحی اولیه یک سیستم ماهواره‌ای مورد نیاز است. طراحی اولیه یک تخمین ابتدایی از مشخصات ماهواره مورد نیاز را به مسئولان مربوطه می‌دهد تا بر اساس آن اقدام به تهیه نیازهای اساسی ماهواره کنند. عموماً این تخمین‌های اولیه جهت ثبت سیستم ماهواره‌ای به سازمان جهانی مخابرات (ITU) ارسال می‌شود تا بر اساس آن هماهنگی با بقیه سیستم‌های ماهواره‌ای انجام شود. در مرحله‌ای دیگر، این نیازها با عنوان RFP به طراح و سازنده زیرسیستم‌ها داده می‌شود تا بر اساس آن پیشنهاد خود را جهت طراحی و ساخت ماهواره، زیرسیستم‌ها و اجزای آن ارائه دهند. بدیهی است که این اطلاعات اولیه در مراحل بعدی با انجام محاسبات دقیق‌تر و پیچیده‌تر به تدریج منجر به مقادیر واقعی‌تر خواهند شد. بنابراین، نباید موارد مطرح شده در این مقاله را با عملیات طراحی مفصلی که با عنوان Pre-design توسط سازنده ماهواره انجام می‌شود یکسان فرض کرد. برای طراحی هر سیستم، در اولین مرحله، نیازهای مورد انتظار ما از آن سیستم به عنوان اولین اطلاعات به طراح داده می‌شود. در مرحله بعد، این اطلاعات به همراه محدودیت‌های فیزیکی، مقرراتی، فنی و ، طراح را قادر به انجام وظیفه خویش می‌کند.

در مورد طراحی ماهواره مخابراتی نیز باید ابتدا نیازهای ما از سیستم که حاصل بازاریابی و جمع‌بندی نیازهای مشترکان است به طراح ارائه شود. برای مثال، تعدادی از این خواسته‌ها به شرح زیر است:

۱- منطقه سرویس (مکان مشتری)

۲- سرویس مورد نیاز مشتری که مشخصه کانال مورد نیاز مشتری را بیان می‌کند

۳- محدودیت‌های مشتری از نظر قطر آنتن زمینی برای ارسال و دریافت هر سرویس و امکان یا عدم

امکان ردیابی ماهواره توسط مشتری

۴- تعداد مشتری‌ها و پهناى باند فرکانسی مورد نیاز

۵- طول عمر ماهواره

۶- قابلیت اطمینان زیرسیستم‌ها و کل سیستم

حال اطلاعات فوق را برای طرح یک سیستم ماهواره‌ای به صورت زیر به کار می‌گیریم:

۱- منطقه سرویس یا مکان مشتری

منطقه سرویس یا مکان مشتری برای طراح، محدوده پوشش ماهواره را تعیین می‌کند و از روی این محدوده پوشش، می‌توان بهره آنتن و قطر آن را به صورت زیر محاسبه کرد:
برای محاسبه بهره آنتن ماهواره زهره از رابطه ساده

$$(۱) \quad G_{\max} = 2700 / \theta_1 \theta_2$$

یا

$$(۲) \quad G_{\max} = 44/3 \cdot 10 \log (\theta_1 \theta_2)$$

استفاده می‌کنیم ..

θ_1 و θ_2 زوایای دید ناحیه مورد پوشش ماهواره هستند. هر چه θ_1 به θ_2 نزدیک‌تر باشد یعنی اشعه تابشی به دایره نزدیک‌تر باشد این رابطه دقیق‌تر است. این زوایا با توجه به شکل ۱ و از روابط ساده هندسی قابل محاسبه هستند. برای این کار ابتدا باید ناحیه پوشش (کانتور -۳ dB) را به صورت دایره‌ای یا بیضوی تعیین کنیم. سپس با توجه به قطرهای کوچک و بزرگ بیضی، زوایای θ_1 و θ_2 را در سیستم مختصاتی که مرکز زمین مرکز مختصات آن است، تعیین کنیم.

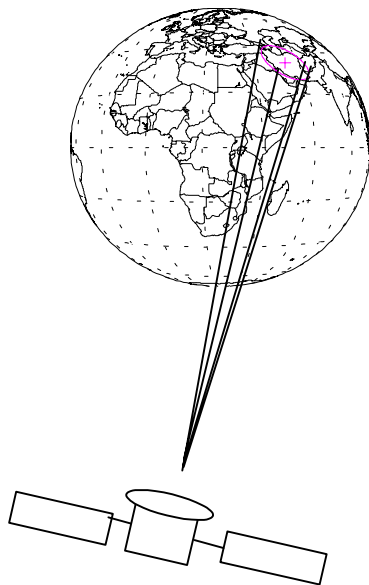
برای مثال، مطابق شکل ۱: از دید ماهواره زهره ۲ در ۲۶ درجه شرقی، زوایای θ_1 و θ_2 برای پوشش ایران حدود ۱/۵ و ۳ درجه خواهد بود. در نتیجه، با توجه به رابطه بالا حداکثر بهره آنتن برای پوشش ایران برابر است با

$$G_{\max} = 44.3 - 10 \log(3 \times 1.5) = 37.8 \text{ dB} \quad (۳)$$

زاویه پوشش ۳ dB آنتن با رابطه زیر به قطر آنتن مربوط می‌شود:

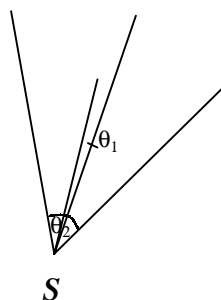
$$\theta_{3\text{dB}} = 65^\circ \lambda / D$$

بنابراین، برای پوشش ایران آنتن مربوطه باید پنجره تشعشی مؤثر بیضوی با قطرهای 100 cm^2 داشته باشد که با فرض راندمان ۵۰ درصد برای سطح آنتن، قطرهای فیزیکی آن حدود $3 \times 0.65 \text{ m}^2$ خواهد شد.



شکل ۱: پوشش ۳×۱/۵ درجه برای ایران

برای انجام محاسبات فوق می‌توان برنامه‌ای کامپیوتری نوشت که با دریافت مختصات نقاط ابتدا و انتهای قطرهای بیضی (B A و B A) (مطابق شکل ۲) و مختصات ماهواره S، علاوه بر زوایای θ_1 و θ_2 ، بهره G_{max} را هم محاسبه کند. در شکل ۲ ناحیه پوشش با بزرگنمایی مناسب ترسیم شده است. یادآوری می‌کنیم از آنجا که مختصات این نقاط نسبت به مرکز کره زمین است که شعاع کره زمین و شعاع گردش ماهواره معلوم هستند، بنابراین کافی است فقط longitude و altitude (طول و عرض جغرافیایی) نقاط A, A', B, B را تعیین کنیم.



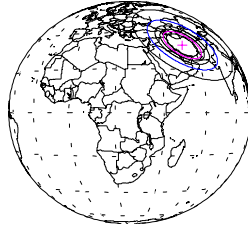
شکل ۲



با انجام محاسبات قبل، کانتوری که تعیین کرده بودیم به عنوان کانتور 3dB در نظر گرفته خواهد شد. حال نیاز به ترسیم کانتورهای -20dB, -10, -4, 2 هم داریم. برای ترسیم کانتورهای فوق‌الذکر از رابطه بهره آنتن بر حسب زوایای θ_1 و θ_2 استفاده می‌کنیم.

$$(4) G(\theta) = G_{\max} \left(\frac{\theta}{2\theta_{3dB}} \right)^2 = G_{\max} \left(\frac{\theta}{\theta_{3dB}} \right)^2$$

پس از تعیین زوایای θ برای هر بهره نسبی، اقدام به ترسیم کانتورهای مربوطه می‌کنیم، در شکل ۳ این ترسیم‌ها دیده می‌شوند.



شکل ۳: ترسیم‌های کانتورهای بهره نسبی

۲- سرویس مورد نیاز مشتری

سرویس مورد نیاز مشتری، پارامترهای مهمی از ماهواره مثل EIRP, G/T و PFD را به طراح تحمیل می‌کند.

در جدول ۱ و ۲ مثالی از مقادیر عملی وابستگی پارامترهای بالا به سرویس‌ها دیده می‌شود.

جدول ۱: مشخصات مورد نیاز برای دریافت مستقیم برنامه تلویزیونی از ماهواره

40	42	44	45	47	48	50	52	EIRP(dBW)
1.8	1.5	1.2	1.00	0.8	0.8	0.7	0.6	Dish Size(m)

جدول ۲: مشخصات مورد نیاز برای ارسال دیتا از طریق ماهواره

256		128			نرخ ارسال از زمین
-2	7	0	2	4	G/T(dB/K)
1.8	0.6	1	0.8	0.6	Dish Size (m)

همانطور که در جدول ۱ دیده می‌شود، EIRP پارامتری است که بر اساس خواسته‌های مشتری‌های دریافت‌کننده (برای مثال دریافت تلویزیونی) به طراح تحمیل می‌شود. مقدار EIRP از رابطه زیر به دست می‌آید.

$$EIRP = G \times P$$

$$(5) \quad EIRP = \text{توان فرستنده} \times \text{بهره آنتن فرستنده}$$

مطابق بحث قبلی، (G) بهره آنتن از طرف محدوده پوشش تحمیل شده است. بنابراین، با داشتن EIRP، توان ارسالی هر کانال تخمین زده می‌شود. برای مثال، برای پوشش ایران با فرض اینکه EIRP مورد نیاز در مرز پوشش ۳ dB - برابر ۵۱BW و بهره آنتن در مرز پوشش ۳۴/۸ - ۳۷/۸ dB باشد توان خروجی مورد نیاز از هر آنتن فرستنده برابر است با:

$$51 - 34.8 = 16.2 \text{ dBW}$$

با فرض این که افت در تغذیه آنتن فرستنده ۱/۵ باشد، توان مورد نیاز تقویت‌کننده قدرت نهایی برابر است با:

$$16.2 + 1.5 = 17.7 \text{ dBW} = 59 \text{ W}$$

با فرض راندمان ۵۰ درصد برای بخش تقویت‌کننده نهایی و تغذیه آن، توان مصرفی هر کانال (ترانسپوندر) حدود ۱۲۰ وات خواهد شد. سپس این مقدار برای طراحی سیستم تغذیه الکتریکی به کار می‌آید.

همان طور که در جدول ۲ دیده می‌شود G/T پارامتری است که مشتری زمینی بر اساس نیازهای ارسالی خویش طلب می‌کند. مقدار G/T از رابطه زیر به دست می‌آید.

$$(6) \quad \text{سیستم } (G/T)_{\text{dB}} = \log G - \text{Log}$$

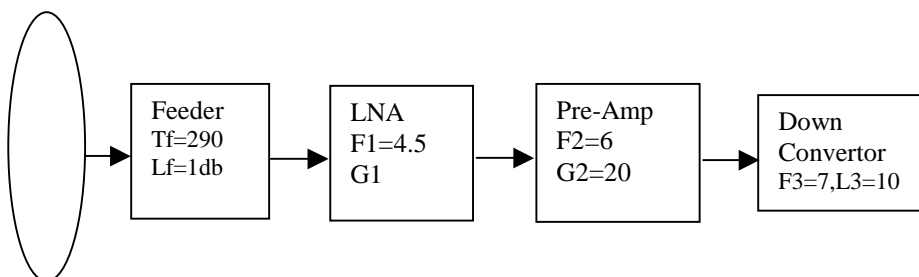
در اینجا T (دمای نویز) سیستم که یکی از پارامترهای مهم سیستم است، ظاهر می‌شود. ایده‌آل این است که T سیستم صفر باشد لیکن شرایط محیط (تشعشعات زمین و ماه و خورشید و مسیر انتشار) و محدودیت‌های فنی مانند دمای نویز قطعات الکترونیکی به کار رفته در گیرنده ماهواره، مقدار T را به ما تحمیل می‌کند. بهره آنتن نیز قبلاً بر اساس ناحیه پوشش به ما تحمیل شده بود.

بنابراین، مشتری باید خواسته‌های خود را در قالب این محدودیت‌های نویز سیستم تعریف کند و یا این که منطقه پوشش را کوچک کنیم تا بهره آنتن بیشتر شود. از آنجا که عمده‌ترین منبع نویز T بخش LNA در سیستم مخابراتی است با توافق مشتری و طراح بر سر T سیستم و ناحیه پوشش (بهره آنتن)، می‌توان اقدام به طراحی LNA مناسب کرد.

محاسبات مربوط به دمای نویز سیستم

برای مثال، یک سیستم گیرنده را به صورت زیر در نظر می‌گیریم:

$T_a=290k$ (تشعشع زمین)



در این شکل مقادیر عملی مرسوم گذاشته شده است

$$(۷) T_s = T_A/L + T_F(1-1/L_F) + (F-1) T_0 +$$

F عدد نویز مربوط به LNA و مدارهای بعد از آن است که از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$(۸) F = F_1 + (F_2 - 1)/G_1 + (F_3 - 1)/G_1G_2 + \dots$$

از آنجا که اثر نویز طبقات بعدی با ضریب $1/G$ کاهش می‌یابد از آنها صرف نظر نموده‌ایم.

برای مثال بالا، پس از تبدیل مقادیر dB به اعداد واقعی، مقادیر T_s و F را به دست می‌آوریم:

$$(۹) F = 10^{0.45} + (10^{0.6} - 1)/10^2 + (10^{0.7} - 1)/(10^2 \times 10^2) + \dots \sim 2/85$$

$$(۱۰) T_s = 290 \times 10^{-0.1} + 290(1-10^{-0.1}) + 1/85 \times 290 = 827 K$$

در هر سیستم دیگری نیز با داشتن پارامترهای G و L و T_A می‌توان نویز سیستم را به ترتیب بالا محاسبه کرد.

مقادیر بالا مربوط به سیستم‌های قدیمی است و هم اکنون سیستم‌های جدیدتر با نویز کم‌تر ساخته می‌شوند. هم اکنون دماهای نویز حدود 500K نیز در دسترس است. در عمل، منابع نویز دیگری ممکن

است وجود داشته باشند که در طراحی‌های اولیه از آنها صرف نظر می‌شود. لیکن در طراحی نهایی باید آنها را نیز به حساب آورد.

PFD یا چگالی توان برای اشباع ترانسپوندر، پارامتر دیگری است که از سرویس مورد نیاز مشتری تحمیل می‌شود و برای تخمین آن ابتدا C/N آستانه مورد نیاز را تخمین می‌زنیم. برای مثال، C/N آستانه برای اکثر سرویس‌ها در محدوده زیر است:

$$(۱۱) \quad (C/N) \sim 4-15 \text{ dB/K}$$

$$(۱۲) \quad C/N = C/KT B \longrightarrow [C] = [T] + [C/N] + [K] + [B]$$

توان مورد نیاز دریافت‌کننده ماهواره برای دریافت مناسب سیگنال از رابطه بالا به دست می‌آید. علامت [] بیانگر مقادیر بر حسب dB است. از طرف دیگر داریم

$$(۱۳) \quad (PFD)_u = (PFD)_{\max} - 10 \log n - (Bo)_{si}$$

n تعداد کانال‌ها در هر ترانسپوندر است که مشتری تعیین می‌کند و (Bo) هم Output Back off تقویت‌کننده قدرت است. از طرف دیگر

$$(۱۴) \quad (PFD)_U = (C/T)_U - (G/T)_S - 10 \log(\lambda^2 / 4\pi)$$

با جایگذاری ۱۴ در ۱۳ و فرض $[C/N] = 17$ مقدار $(PFD)_{\max}$ که حداکثر PFD برای اشباع ماهواره است، به دست می‌آید.

مثال: اگر در یک سیستم ماهواره‌ای با در نظر گرفتن حاشیه ایمنی مناسب نیاز به C/N آستانه‌ای برابر ۱۷ داشته باشیم و G/T سیستم هم برابر ۵ باشد، داریم:

$$\begin{aligned} [C/T]_U &= [C/N] + 10 \log K + 10 \log B \\ &= 17 + -228/6 + 78/6 = -133 \\ &= 17 + -228/6 + 75/6 = -136 \end{aligned}$$

ترانسپوندرهای 72 MHz

ترانسپوندرهای 36 MHz

حال در ۱۴ جاگذاری می‌کنیم به ازای $G/T = 5$ در یک ترانسپوندر مثلاً 72 MHz و در فرکانس GHz

$$\lambda = C/f = 2.14 \text{ cm} \quad ۱۴$$

$$(PFD)_U = -133.5 + 44.37 = -93.63 \text{ (dBW/m}^2\text{)}$$

$$(PFD)_{\text{sat}} = (PFD)_U + 10 \log_{10} (Bo)_{\text{si}}$$

فرض کنیم تعداد کانال در هر ترانسپوندر ۴ باشد و BO هم برابر 6dB

$$= -93.63 + 6 + 6$$

$$= -81.63 \text{ dBW/m}^2$$

۳- محدودیت‌های مشتری از نظر قطر آنتن زمینی و امکان یا عدم امکان ردیابی ماهواره

عدم جا به جایی ماهواره از مکان نامی، مشتری را قادر می‌کند که بدون نیاز به سیستم ردیابی ماهواره، همواره آنتن خودش را در جهت ماهواره نگه دارد. در آنتن‌های زمینی با قطر کوچک به علت پهن بودن الگوی تشعشعی آنتن، به ردیابی ماهواره نیازی نیست (مثلاً دریافت‌کننده‌های تلویزیونی)، لیکن در مورد آنتن‌های با قطر بزرگ‌تر از ۳m دقت استقرار ماهواره در مدار حائز اهمیت است. نگهداری ماهواره در نقطه مداری، توسط سیستم کنترلی آن از جمله موتورهای کنترل‌کننده انجام می‌شود. بالا بودن دقت استقرار ماهواره در مدار باعث می‌شود که زمان و تعداد دفعات روشن بودن این موتورها بیشتر شود و این امر باعث مصرف سوخت پیشرانه موجود در ماهواره می‌شود. مقدار این سوخت محدود است و قبل از پرتاب ماهواره در آن قرار می‌گیرد. درصدی از این سوخت نیز برای رساندن ماهواره از مکان جدایی از پرتاب‌کننده تا نقطه مداری مربوطه مصرف می‌شود.

۴- تعداد مشتری‌ها و پهنای باند فرکانسی مورد نیاز

نیاز بعدی، ظرفیت یا پهنای مورد نیاز است که تعداد ترانسپوندرها را مشخص می‌کند. برای مثال، اگر پهنای باند مورد نیاز ۱۰۰۰ MHz باشد تعداد ترانسپوندرهای سیستم با توجه به پهنای باند هر کدام از آنها به دست می‌آید.

برای مثال، اگر تمام ترانسپوندرها را ۷۲ MHz فرض کنیم و برای جلوگیری از تداخل بین هر ترانسپوندر با ترانسپوندر مجاور فاصله مناسبی برابر ۸ MHz قرار دهیم، پهنای باند هر ترانسپوندر با در نظر گرفتن باند محافظ، ۸۰ MHz می‌شود. بنابراین تعداد ترانسپوندرها برابر است با:

$$n = 0.1000 \text{ MHz} / 80 \text{ MHz}$$

از تعداد ترانسپوندر و توان ارسالی هر کدام، توان ارسالی کل سیستم به دست می‌آید.

$$P = 12 \times 120 = 1440 \text{ w} \quad \text{توان مصرفی بخش مخابراتی چنین خواهد بود:}$$

توان کل سیستم از توان مصرفی در بخش مخابراتی و بخش‌های دیگر به دست می‌آید.

توان مصرفی در بقیه بخش‌ها عموماً ۹۰ درصد توان بخش مخابراتی است. بنابراین، توان مصرفی کل ماهواره برابر ۲۷۳۶ وات است.

مقدار توان مصرفی و تلفاتی در ماهواره، دو پارامتری هستند که به ترتیب به بخش‌های الکتریکی و تنظیم دمای ماهواره داده می‌شود.

طراح بخش توان الکتریکی از روی توان مصرفی ماهواره با در نظر گرفتن شرایط مداری و کسوف و راندمان سلول‌های خورشیدی، ابعاد و ظرفیت سلول‌های خورشیدی و باطری‌ها را محاسبه می‌کند. همانطور که دیدیم، ۵۰ درصد از توان مصرفی در بخش مخابراتی و اکثر توان مصرفی ماهواره، توان تلفاتی است که باعث گرم شدن ماهواره می‌شود.

**محدودیت مقدار سوخت
مهم‌ترین عامل محدودیت
طول عمر ماهواره است.**

این گرما باید به نحوی از ماهواره خارج شود؛ در غیر این صورت، افزایش دمای محیط زیرسیستم‌ها باعث اختلال در کار زیر سیستم‌ها و به خصوص مدارهای الکترونیکی می‌شود.

از آنجا که در ماهواره برای دور کردن گرمای ایجاد شده هیچ راهی به جز تشعشع وجود ندارد، طراح زیرسیستم کنترل حرارتی ماهواره با استفاده از اطلاعات مربوط به توان تلفاتی و شرایط محیطی، اقدام به تعیین سطوح تشعشعی مورد نیاز در ماهواره و سیستم کنترل دما می‌کند.

۵- طول عمر ماهواره

محدودیت مقدار سوخت مهم‌ترین عامل محدودیت طول عمر ماهواره است. بنابراین، دقت استقرار در مدار به همراه طول عمر ماهواره و نوع پرتاب‌کننده از جمله عواملی هستند که در اختیار طراح سیستم پیش‌رانه ماهواره قرار می‌گیرد تا بر اساس آن جرم سوخت مورد نیاز، سیستم سوخت‌رسانی و نوع موتورهای ماهواره را طراحی کند. برخی از ماهواره‌ها به جای موتورهای سوختی از موتورهای الکتریکی (یونی یا پلاسمایی) برای انجام عملیات استقرار در مدار استفاده می‌کنند. این کار جرم سوخت مورد نیاز را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد، اما توان الکتریکی مصرفی افزایش می‌یابد. بنابراین طراح

سیستم ماهواره باید معامله‌ای بین سوخت، توان الکتریکی، طول عمر و جرم ماهواره انجام دهد تا بتواند سیستم پیش‌رانه را به طور مناسبی طراحی کند.

۶- قابلیت اطمینان

عامل دیگری که برای طراحی مورد نیاز است، قابلیت اطمینان سیستم است که بر اساس قابلیت اطمینان زیرسیستم‌ها تعیین می‌شود. قابلیت اطمینان زیرسیستم‌ها نیز بر اساس قابلیت اطمینان قطعات

به کار رفته در آن زیرسیستم‌ها تعیین می‌شود که مقادیری از پیش تعیین شده هستند و به طراح تحمیل می‌شوند. طراح برای رساندن قابلیت اطمینان زیرسیستم طراحی شده به مقدار دلخواه، عموماً مجبور است در طرح خود، افزونگی (Redundant) مناسبی را در قطعات و زیرسیستم‌ها به کار برد. با توجه به این که پس از پرتاب، ماهواره عملاً غیرقابل دسترس است، استفاده از افزونگی ادوات در ماهواره اهمیت فراوانی دارد. برای مثال، در بخش مخابراتی ماهواره، عموماً تقویت‌کننده‌های قدرت و مبدل‌های فرکانس و

تقویت‌کننده‌های کم نویز از افزونگی ۳:۲ و بالاتر برخوردار هستند. اگر با در نظر گرفتن تمام ملاحظات لازم قابلیت اطمینان سیستم ماهواره‌ای کم‌تر از مقدار دلخواه شود، طراح مجبور می‌شود تعداد ماهواره‌های موجود در مدار را افزایش دهد تا سیستم به قابلیت اطمینان مناسب برسد.

پروژه ماهواره زهره

پروژه ماهواره مستقل ملی جمهوری اسلامی ایران، یک پروژه ملی است که با تصویب شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت و دستور مقام محترم ریاست جمهوری در وزارت پست و تلگراف و تلفن و شرکت مخابرات ایران اجرا خواهد شد.

اجرای پروژه ماهواره زهره در راستای تحقق
بفشاریدن به حفظ نقاط محوری
اسلامی ایران در مدار ثابت همزمان (GEO)
در موضوعیت‌های کلیه مسائل در به شرقی
است که در اتحادیه بین‌المللی مخابرات به نام
شبکه‌های زهره اولیا برای جمهوری اسلامی
ایران به ثبت رسیده است.

ارتباط ماهواره‌ای به طور کلی برای پوشش تلویزیونی و ارتباطات مخابراتی در جایی که شبکه‌های فیبر نوری و انتقال رادیویی پاسخگو نیستند به کار می‌رود. وزارت پست و تلگراف و تلفن با توجه به موقعیت سیاسی و جغرافیایی کشور و به منظور ایفای نقش محوری در مخابرات و ارتباطات منطقه طرح ایجاد «شبکه ملی زیرساخت مخابراتی کشور» را در دستور کار خود قرار داده است. در این طرح، در کنار توسعه شبکه فیبر نوری و شبکه رادیویی، تقویت ارتباط ماهواره‌ای بیش از گذشته ضروری است. اجرای این پروژه در راستای تحقق بخشیدن به حفظ نقاط مداری جمهوری اسلامی ایران در مدار ثابت همزمان (GEO) در موقعیت‌های ۲۶ و ۳۴ و ۴۷ درجه شرقی است که در اتحادیه بین‌المللی مخابرات به نام شبکه‌های زهره ۱ و ۲ و ۳ برای جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده است. این ماهواره هم چنین توان پوشش منطقه و بخش‌های مهمی از قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا را دارا است که انتخاب نقاط مناسب با توجه به نیاز مخابراتی و پوشش تلویزیونی در دست مطالعه است. بخش‌های مختلف این پروژه شامل یک سیستم ماهواره‌ای، پرتاب، ایستگاه‌های زمینی کنترل ماهواره و انتخاب مشاور، پس از طی مقدمات لازم در سال ۱۳۷۷ به مناقصه گذاشته شده است. فرایند انجام مناقصه و تعیین برنده و عقد قرارداد به علل مختلف از قبیل حساسیت اقتصادی و سیاسی طرح در داخل کشور، مشخص نبودن وضعیت اعتباری طرح تا پایان سال ۷۷، شرایط خاص مناقصه، محدودیت سازندگان ماهواره مبنی بر دریافت مجوز شرکت در مناقصه از طرف کشور خود، استراتژیک بودن فناوری ماهواره و اولین تجربه شرکت مخابرات ایران در انجام چنین طرحی، روند انتخاب پیمانکار مناسب را به تأخیر انداخته است. امیدواریم با همکاری ارگان‌های مربوطه، وزارت پست و تلگراف و تلفن بتواند ساخت و پرتاب ماهواره زهره را به عنوان یک طرح بزرگ ملی در حداقل زمان ممکن با موفقیت به انجام برساند.

۱- تاریخچه پروژه

- ۱- در سال ۱۳۵۶، دولت وقت ایران اقدام به درخواست ثبت سه نقطه در مدار همزمان زمین (GEO) در موقعیت‌های ۲۶ و ۳۴ و ۴۷ درجه شرقی از اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) کرده است.
- ۲- مراحل هماهنگی و ثبت این نقاط برای پوشش محدوده جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی انجام گرفته‌اند و در سال ۱۳۶۵ در اتحادیه بین‌المللی مخابرات به ثبت رسیده‌اند.

۳- این نقاط در اصطلاح بین‌المللی نقاط غیردائم تلقی می‌شوند. بنابراین، اگر در یک فاصله زمانی مشخص (مدت ۹ سال از تاریخ ثبت تا زمان بهره‌برداری که طبق مقررات جدید این زمان به ۷ سال تقلیل یافته است) مورد استفاده واقع نشود عملاً از درجه اعتبار ساقط شده و اگر توسط کشور دیگری

درخواست شود اتحادیه بین‌المللی مخابرات تحت رعایت مقررات مربوطه مجاز است که نقاط را به آن کشور واگذار کند. در سال ۱۳۷۴ مهلت ایران برای استفاده از نقاط مذکور به اتمام رسیده بود که قبل از آن با طرح موضوع در شورای عالی امنیت ملی مقرر شد برای حفظ این نقاط از اجاره یا خرید ماهواره‌های مستعمل ارزان قیمت استفاده شود که این امر برای مدت حدود دو سال با اجاره سه ماهواره مستعمل انجام شد.

۴- در نهایت، با انجام مناقصه، ۵ شرکت از کشورهای روسیه، فرانسه، چین و هند در سال ۷۹ پیشنهادهای نهایی خود را ارائه کردند.

۵- از اواخر سال ۷۹ با توجه به تکالیف قانونی و

توجهات فنی و اقتصادی، روند مذاکرات و کار کارشناسی شتاب بیشتری به خود گرفت و در نهایت، پس از چند هزار نفر ساعت کار کارشناسی و استفاده از مشاوران داخلی و خارج از کشور به مرحله نهایی رسید.

۶- سازنده ماهواره ملی زهره شرکت NPO-PM روسی با تجربه ساخت بیش از ۱۰۰۰ ماهواره با کاربردهای مختلف است و بخش مخابراتی ماهواره توسط یک شرکت اروپایی ساخته خواهد شد. از آنجا که سازنده مستقیماً قرارداد منعقد نمی‌کند، طبق اعلام رسمی سازمان فضایی روسیه، قرارداد با شرکت آویا اکسپورت امضا می‌شود. این قرارداد توسط سازمان فضایی روسیه تضمین و به تصویب دولت روسیه نیز خواهد رسید.

سازنده ماهواره ملی زهره شرکت -NPO-PM روسی با تجربه ساخت بیش از ۱۰۰۰ ماهواره با کاربردهای مختلف است و بخش مخابراتی ماهواره توسط یک شرکت اروپایی ساخته خواهد شد. از آنجا که سازنده مستقیماً قرارداد منعقد نمی‌کند، طبق اعلام رسمی سازمان فضایی روسیه، قرارداد با شرکت آویا اکسپورت امضا می‌شود. این قرارداد توسط سازمان فضایی روسیه تضمین و به تصویب دولت روسیه نیز خواهد رسید.

۲- کاربردها و مزایای استفاده از ماهواره

فناوری ارتباطات ماهواره‌ای امروزه سهم بسیار عمده‌ای را در ایجاد شبکه‌های ارتباط بین‌الملل و داخل کشور، به ویژه ارتباطات روستایی و دور افتاده داراست و با ایجاد امکانات ارتباطی قوی، مطمئن و سریع، یکی از مؤثرترین سیستم‌های مخابراتی جهان به حساب می‌آید.

سیستم ارتباطات ماهواره‌ای در کشورهایی نظیر ایران که به خاطر موانع جغرافیایی خاص از قبیل وسعت خاک، وجود نقاط صعب‌العبور و دور افتاده، مناطق کوهستانی و جنگل، برقراری ارتباطات مخابراتی از طریق شبکه‌های زمینی در آنها امکان‌پذیر نیست و یا این که با صرف هزینه‌های گزاف و مشکلات اجرایی فراوان همراه است، استفاده می‌شود.

از مهم‌ترین مزایای برقراری ارتباطات ماهواره‌ای به ویژه برای مناطق دور دست روستایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

عدم احتیاج به تکرارکننده‌ها در طول مسیر

ضریب امنیت ارتباطی بالا

حذف اپراتورهای واسط

تلفیق سیستم‌های ارزش افزوده Cost-effective و شبکه‌های ماهواره‌ای

ایجاد بستر ارتباطی کامل Full-mesh

سرعت عمل در نصب و بهره‌برداری

پوشش کامل تلویزیونی کشور

ارائه خدمات ارتباطی به مناطق محروم

ارائه خدمات و ارتباطات دیتا

قابلیت انعطاف در نحوه مدیریت بر شبکه

مشخصات فنی پروژه

یک سیستم کامل ماهواره‌ای با مشخصات زیر:

باند فرکانسی KU

۱۲ ترانسپوندر (۳۶ * ۸ و ۷۲MHz * ۴)

پوشش محدوده جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران (و یک پوشش خارجی)
بیش از ۱۲ سال طول عمر (۱۵ سال)
قابلیت ارسال و دریافت انواع سیگنال‌های آنالوگ و دیجیتال
وزن حدود ۷۰۰ کیلوگرم
قدرت حدود ۳۴۰۰ وات
تحویل در مدار
قابلیت پرتاب با دو پرتاب‌کننده
Eirp حداقل ۵۰dbw در منطقه پوشش
دارای ایستگاه کنترل زمینی
دارای ایستگاه مراقبت از ترافیک و کنترل مشتریان
محموله مخابراتی ساخت اروپا
کامپیوتر ساخت اروپا
ساخت Platform و مونتاژ و آزمایش نهایی توسط روسیه
پرتاب توسط روسیه

۳- نیازهای موجود و آینده

وضعیت نیازهای موجود ارتباطات ماهواره‌ای در ایران

- ۱- نیاز سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اجاره سه ترانسپوندر ۷۲ مگاهرتزی از اینتلست با تعهد ۵ ساله از خرداد ۷۹ است.
- ۲- نیاز شرکت مخابرات ایران اجاره یک ترانسپوندر ۷۲ مگاهرتزی از اینتلست با تعهد ۴ ساله از خرداد ۷۹ است.

مجموع نیاز فعلی معادل ۸ ترانسپوندر ۳۶ مگاهرتزی است.

وضعیت نیازهای آتی برای استفاده از ارتباطات ماهواره‌ای در ایران

- ۱- صدا و سیما درخواست ۵ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی و یک ترانسیپوندر ۷۲ مگاهرتزی کرده است. (در مجموع معادل ۷ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی)
- ۲- شرکت مخابرات ایران با توجه به برنامه‌های در دست اجرا در برنامه سوم نیاز به ۴ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی خواهد داشت.

۳- در بخش خصوصی و دولتی، طبق بازاریابی انجام شده از ابتدای سال ۸۰ تاکنون، تعداد ۴۲

سازمان و شرکت متقاضی پهنای باند هستند، از این تعداد ۱۵ سازمان دعوت شرکت مخابرات ایران را برای مصاحبه حضوری پذیرفته‌اند. محاسبات انجام شده، با توجه به نیاز شبکه‌های اختصاصی، ۲۶۸ مگاهرتز و معادل ۸ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی است. لذا می‌توان نیازها را به دو بخش تقسیم کرد:

**مقایسه دو رقم هزینه اجرای بخش
فضایی معادل ماهواره زهره (۳۴۰/۸۰۰)
میلیون دلار و هزینه فرید ماهواره زهره (۷
میلیون دلار). نشان می‌دهد که فرید
ماهواره کاملاً اقتصادی است.**

۱- نیازهایی که تا حدود زیادی قطعیت دارند یعنی

نیازهای صدا و سیما و مخابرات که جمعاً معادل ۱۱ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی است.

۲- نیازهایی که قطعیت آنها بستگی به ارائه مجوز تأسیس شبکه‌های اختصاصی از سوی وزارت

پست و تلگراف و تلفن و شرکت مخابرات ایران دارد که به میزان ۸ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی است.

بنابراین، تخمین مجموع نیازهای بخش دولتی و خصوصی ۱۹ ترانسیپوندر ۳۶ مگاهرتزی است.

۴- توجیه اقتصادی ماهواره

در حال حاضر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از ۳ ترانسیپوندر و شرکت مخابرات ایران از یک ترانسیپوندر در ارتباطات داخلی خود با پرداخت سالانه ۱۱۳۶۰۰۰۰ دلار به عنوان مال الاجاره استفاده می‌کنند (جمع ترانسیپوندرهای مورد استفاده ۴ ترانسیپوندر ۷۲ مگاهرتزی است که از این پس برای سهولت در محاسبات و به علت این که ۶۰ درصد ترانسیپوندرهای ماهواره زهره ۳۶ مگاهرتزی هستند محاسبات بر مبنای ۳۶ مگاهرتزی انجام می‌شود).

بنابراین هزینه برآوردی برای نیازهای قطعی (۱۱ ترانسپوندر ۳۶ مگاهرتزی) از طریق اجاره به شرح ذیل است:

$$\begin{aligned} & \text{قیمت اجاره یک ترانسپوندر ۳۶ مگاهرتزی با تعهد ۵ ساله (میلیون دلار)} \quad 1/420 \\ & \text{هزینه اجاره یکسال (میلیون دلار)} \quad 11 \times 1/420 = 15/620 \\ & \text{هزینه کل (میلیون دلار در ۱۵ سال)} \quad 15/620 \times 15 = 234/300 \\ & \text{در صورتی که نیازهای بخش خصوصی محقق شود} \quad 8 \times 1/420 = 11/360 \\ & \text{میلیون دلار در ۱۵ سال} \quad 15 \times 11/360 = 170/400 \end{aligned}$$

کل هزینه‌های لازم برای برآوردن نیاز به روش اجاره ترانسپوندر

$$234/300 + 170/400 = 404/700 \text{ میلیون دلار}$$

مجموع نیاز ۱۹ ترانسپوندر ۳۶ مگاهرتزی

مجموع ظرفیت ماهواره زهره معادل ۱۶ ترانسپوندر ۳۶ مگاهرتزی

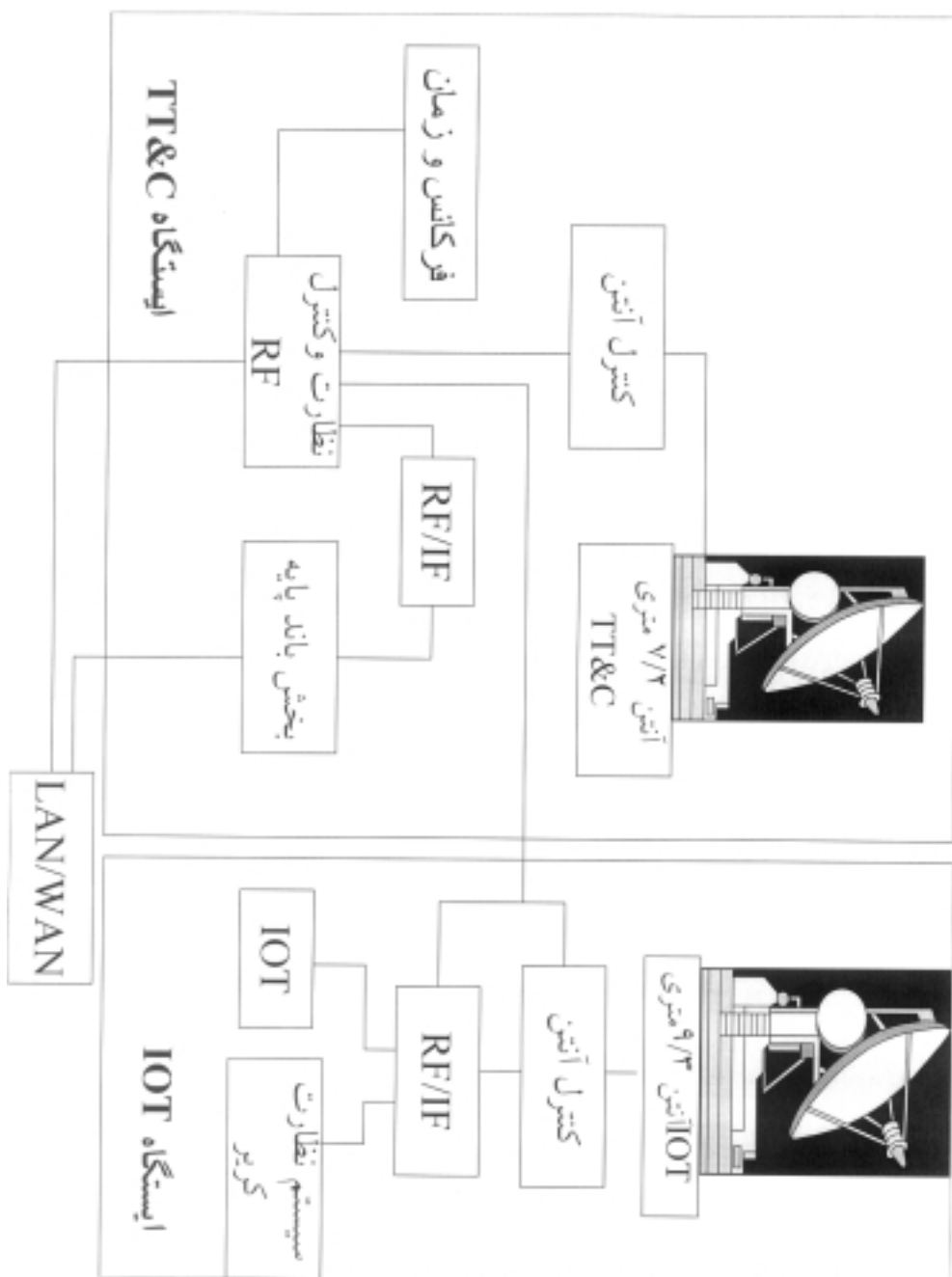
هزینه اجاره ترانسپوندر برای ۱۶ ترانسپوندر (معادل ظرفیت ماهواره زهره)، ۳۴۰/۸۰۰ میلیون دلار

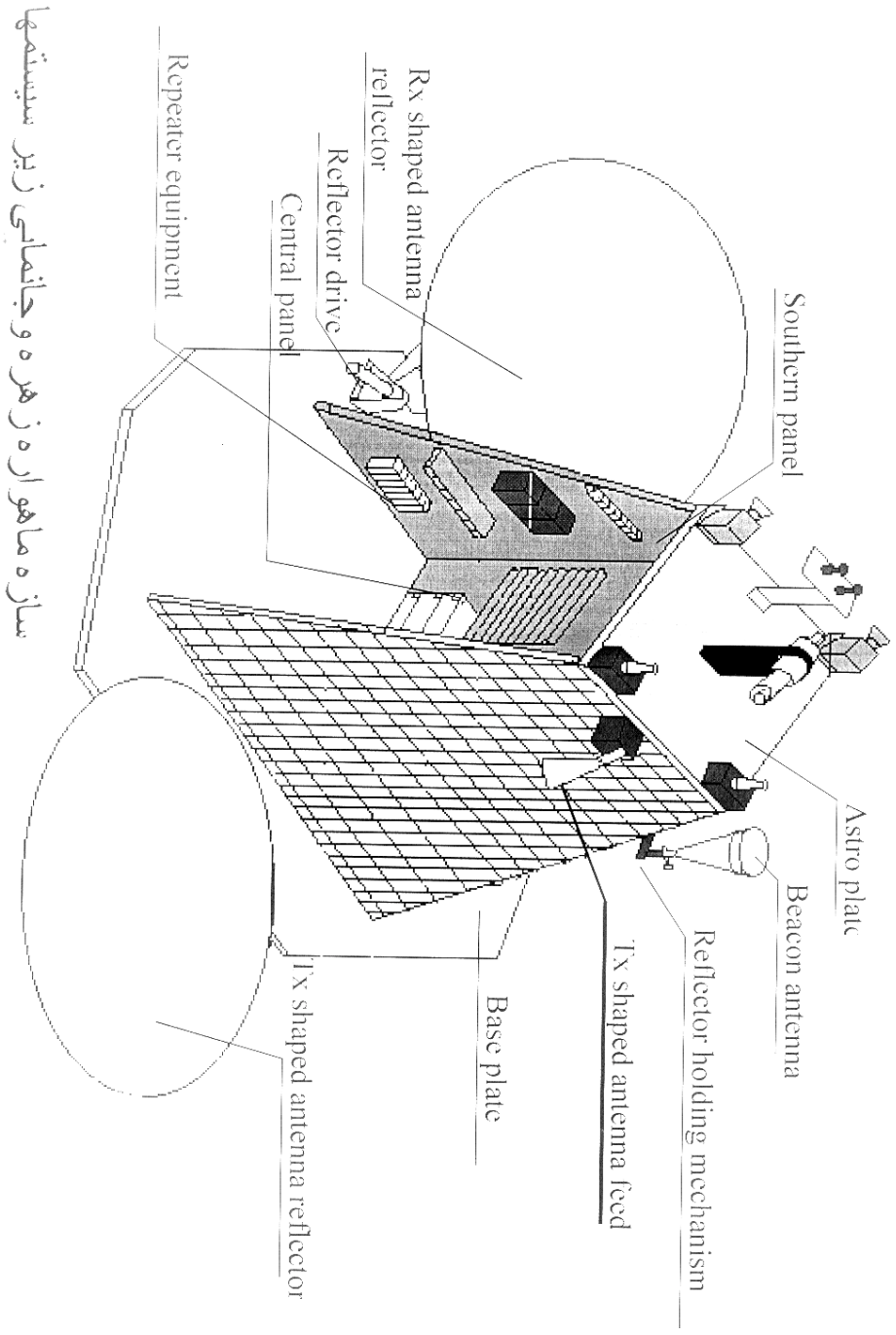
نتیجه کلی در مورد علل خرید ماهواره

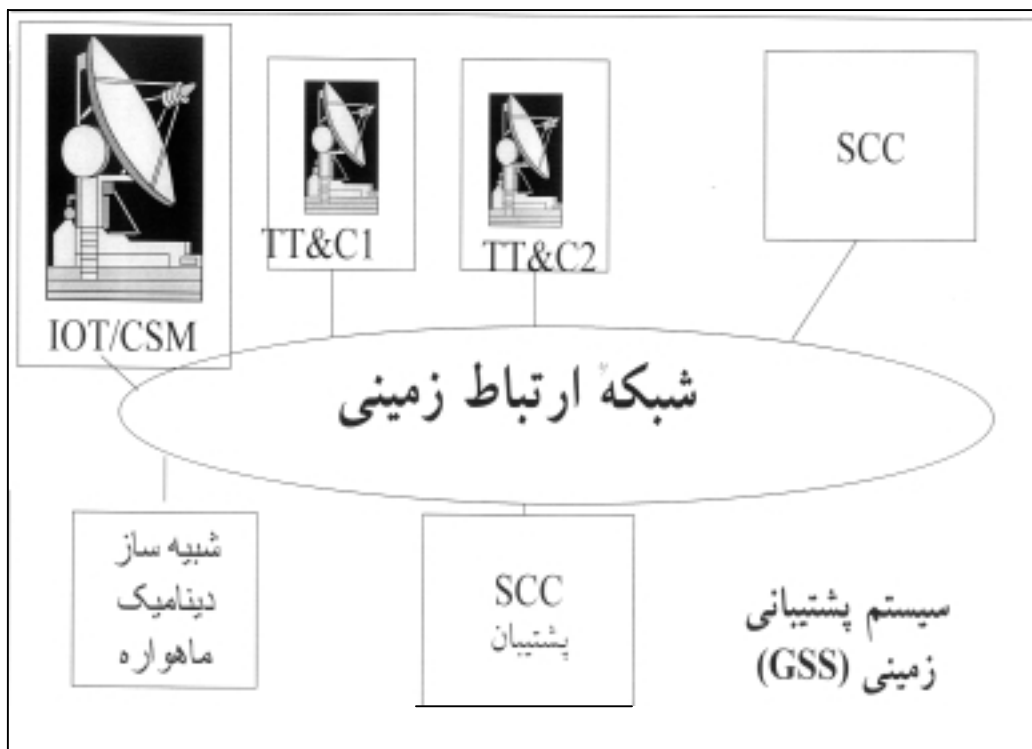
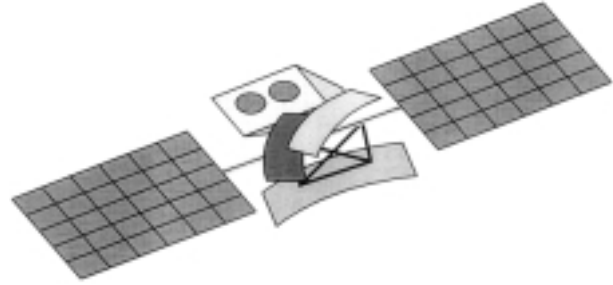
مقایسه دو رقم هزینه اجرای بخش فضایی معادل ماهواره زهره (۳۴۰/۸۰۰ میلیون دلار) و هزینه خرید ماهواره زهره (۱۲۵ میلیون دلار)، نشان می‌دهد که خرید ماهواره کاملاً اقتصادی است. غیر از مزایای اقتصادی بودن آن و حفظ نقاط مداری جمهوری اسلامی ایران ملاحظات زیر نیز وجود دارد:

- ۱- فراهم کردن ۱۶ ترانسپوندر ۳۶ مگاهرتزی روی ماهواره‌های موجود که روی ایران پوشش دارند در یک ماهواره امکان‌پذیر نیست.
- ۲- در صورت استفاده از ترانسپوندرهای اجاره‌ای برای حفظ نقاط، حداقل یک میلیون دلار برای هر نقطه در سال هزینه می‌شود که البته روشی موقتی است و در صورتی عملی است که بتوان ماهواره مستعمل تهیه کرد.

- ۳- از دست دادن نقاط و ثبت مجدد آنها نیازمند یک برنامه زمانی ۳ تا ۵ ساله و صرف هزینه است و امکان مخالفت‌های سیاسی وجود دارد.
- در مصوبه شورای امنیت ملی، دولت مکلف به حفظ نقاط شده که برخی از دلایل آن به شرح زیر است:
- ۱- این نقاط در قبل از انقلاب تقاضا شده‌اند و بعد از انقلاب هماهنگی فرکانسی انجام شده و ثبت شده‌اند.
- ۲- بعضی از کشورها متقاضی این نقاط هستند که گزارش آن از طریق دفتر نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در ژنو در سال‌های قبل دریافت شده است.
- ۳- اگر این نقاط از دست برود با توجه به این که نسبت به بیست سال پیش تعداد ماهواره‌ها چند برابر شده، انجام هماهنگی فرکانسی و گرفتن توافق به علت مشکلات سیاسی مشکل خواهد بود (ثبت هر نقطه جدید نیاز به هماهنگی با دولت‌های دارنده نقاط ثبت شده ماهواره‌ای دارد که امکان اخذ این توافق از کشورهای منطقه و خارج از منطقه در حال حاضر مشکل است).
- ۴- حقوق کشور در این مدار خدادادی، با از دست دادن این نقاط در آینده ضایع خواهد شد زیرا بدون داشتن نقاط ثبت شده، استفاده تجاری از فضا امکان‌پذیر نیست و کشورهای سازنده و پرتاب‌کننده ماهواره ملزم به رعایت این قانون هستند. بنابراین هیچ ماهواره‌ای بدون داشتن نقطه ثبت شده قابل ساخت و پرتاب نیست.







برای مطالعه بیشتر

1. Wertz J.R. (editor), *Spacecraft Attitude Determination and Control*, D.Reidel Publishing Co.,1986.
2. G.Maral, M.Bousquet " " *Systems, Techniques and Technology*, 3rd Edition, John wiley and sons/1998.
3. G.Maral, M.Bousquet, *Satellite Communications System*, John Wiley, 1998.
4. Maral & Bousquet, *"Satellite Communication Systems"*J. Wiley, 1993.
5. *"Handbook of satellite Communications, Fixed Satellite Srevice"*, ITU Geneva, 1994.
6. B.N.Agrawal, *Design of Geosynchronous Spacecraft*, Printice-Hall, 1986,p: 179-263.
7. B.D.Dunn, *Metallurgical Assessment of Spacecraft parts and Materials*, John Wiley & Sons, 1987.
8. J.N.Giraudbit, *Structure Design of Aerospace Structure*, Alcatel, 1983.
9. Gary D.Gordon, *"Spacecraft Technology"*, 1982.
10. D.H.Allen, W.E.Haisler, *"Introduction to Airospce Stuctural Analysis"*, John Wiley & Sons, 1985.
11. T.P.Sarafin, W.J.Larson, *"Spacecraft Structures and mechanisms from Concept & Iaunch"* .Kluwer Academic Publishers.
12. D.E.Newland, *"Introduction to Random Vibration and Spectral Analysis"*, Newyork, N.Y.,John Wiley & Sons, 1984.
13. B.E.Bzuhn, *"Analysis and Design of Flight Vehicle Structure"*, Jacob Publishing 1973.
14. Brij N.Agrawal, *"Design of Geosynchronous Spacecraft"*, Prentice-Hall, INC.,1986.
15. *مقدمه‌ای بر اصول طراحی ماهواره*، حسین بلندی، کامران دانشجو، محمد سلیمانی، محمدعلی شرکت معصوم، محمد نصیری، مجید قاسمی، شرکت صنایع الکترونیک ایران، ۱۳۷۸.
16. *Space Directory*, 11th edition, 1996.
17. *3D Attitude Control System for Bio-micromanipulation*, Kawaji, A.:Arai, F. Fukuda, T, Micromechatronics and Human Science, 2001, MHS 2001. Proceedings of 2001 International Symposium on, 2001.

18. ***Position and Attitude Control of an Underwater Vehicle Using Variable Constraint Control***, Lkeda, T; Fukaya, M., Mita, T., Decision and Control, 2001. Proceedings of the 40th IEEE Conference on, 2001.
19. ***Attitude Control of a Space Robot with Initial Angular Momentum***, Matsuno, F., Saito, K., Robotics and Automation, 2001. Proceedings 2001 ICRA IEEE International Conference on, Volume:2, 2001.
20. ***Attitude Control of the Airborne Telescope SOFIA: /spl mu/-synthesis for a large Scaled flexible structure***, Schonhoff, U., Klein, A; Nordmann, R., Decision and Control, 2000. Proceedings of the 39th IEEE Conference on, Volume:4, 2000.
21. ***Attitude Control of a Biped Walking Robot Model with Circular Arced Soles Using a Gyroscope***, Okuyama, Y.; Yabu A.; Takernori, F., Robotics and Automation, 1998. Proceedings. 1998 IEEE International Conference on, Volume:2, 1998.
22. ***Attitude Control of a Quadruped Robot During two Legs Supporting***, Emura, T.; Arakawa, A., Advanced Robotic ICAR., Fifth International Conference on, 1991.
23. ***Training Fuzzy Logic Software Components a Spacecraft flight Attitude Control Application***, Junda Chen; Rine D.C., IFSA World Congress and 20th NAFIPS International Conference, 2001. Joint 9th Volume:1, 2001.
24. ***A Model Predictive Control-based Approach for Spacecraft Formation Keeping and Attitude Control***, Manikonda, V.; Arambel, P.O.; Gopinathan, M.; Mehra, R.K.; Hadaegh, F.Y., American Control Conference, 1999. Proceedings of the 1999, Volume:6, 1999.
25. ***The Application of Genetic Algorithms to the Optimal Selection of Parameter Values in Neural Networks for Attitude Control Systems***, Game, G.W.; James, C.D. High Accuracy Platform Control in Space, IEEE Colloquium on, 1993.
26. ***LQG/LTR, Spacecraft Attitude Control***, Lahdhiri, T.; Alouani, A.T., System Theory, 1993. Proceedings SSST 93., Twenty-Fifth Southeastern Symposium on, March 1993.

نمایه ویژه ماهواره و رسانه

پروین حیدری و ملوک عباسی
کارشناسان ارشد اداره کل همکاری با مراکز علمی و
هماهنگی پژوهش‌های سازمان صدا و سیما

اشاره

شماره حاضر از فصلنامه پژوهش و سنجش به موضوع «ماهواره» اختصاص یافته است. علاوه بر گردآوری مقالات طراز اول از محققان برجسته، برای دستیابی بهتر پژوهشگران به سایر منابعی که در این زمینه در داخل کشور وجود دارد، فهرستی تهیه شده است که در پی می‌آید.

این نمایه شامل فهرست کتب فارسی و لاتین، مقالات داخلی و خارجی (ترجمه شده به فارسی)، پایان‌نامه‌های موجود در دانشگاه‌های داخل کشور، پایان‌نامه‌های دانشجویان ایرانی خارج از کشور و تحقیقات انجام شده در مراکز دولتی در زمینه ماهواره است که با مراجعه به مراکز زیر گردآوری شده است:

- ۱- مرکز نمایه
- ۲- اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد
- ۳- دانشگاه علامه طباطبایی (دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات)
- ۴- دانشگاه آزاد اسلامی - مجتمع ولی عصر (دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات)
- ۵- دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران
- ۶- وزارت پست و تلگراف و تلفن
- ۷- روابط عمومی مخابرات

- ۸- روابط عمومی نشریات «پیام ارتباطات» و «پیام پست»
 ۹- اداره کل راه‌اندازی و نصب ماهواره زهره
 ۱۰- مرکز تحقیقات صدا و سیما
 ۱۱- معاونت سیاسی صدا و سیما
 ۱۲- مرکز اسناد و مدارک علمی ایران
 از همکاری صمیمانه این مراکز قدردانی می‌کنیم و امیدواریم این
 نمایه مورد استفاده اساتید، پژوهشگران، دانشجویان و سایر
 علاقه‌مندان قرار گیرد.

نمایه مقالات با موضوع «ماهواره و رسانه»

۱. ماهواره مقوله‌ای اجتماعی - فرهنگی است نه سیاسی، قدس، ۷۹/۴/۱۲.
۲. محمد تهوری، اندیشه‌ی مصونیت به جای ممنوعیت ماهواره‌ها: مصاحبه با جلیل سازگارنژاد، ایران، ۷۹/۴/۲۲.
۳. محسن هدایتی، ماهواره ایکونوس - ۲: تحولی در دنیای اطلاعات دورسنجی، شهرنگار، ۱۲.
۴. ماهواره ثریا یک ایستگاه پایه در آسمان: گفتگو با آقای جمال سیف‌الجروان مدیر اجرایی توسعه شرکت ثریا، پیام ارتباطات، ۱۰.
۵. ابراهیم حسینی، برنامه‌های ماهواره‌ای در ارتباط با اصل حاکمیت دولت‌ها و اصل آزادی اطلاعات، معرفت، ۳۶.
۶. پرویز تاریخی و احمد طالب‌زاده، ماهواره‌های سنجش از دور، پیام ارتباطات، ۱۳.
۷. ریت‌دلی، ترجمه یدا ظریف‌شاهسون، آنتن‌های ماهواره‌ای، پیام مدیران، ۷ و ۸.
۸. جرال‌الدای، اوبرست، مترجم علی‌اصغر کیا، جایگاه‌های ماهواره در شبکه جهانی، پیام مدیران، ۶.
۹. مترجم فرحناز حسینی‌سرابی، رادیو ماهواره، پیام مدیران، ۶.
۱۰. جری‌آبرست، مترجم محمود روزبهانی، طرح کار ماهواره اروپا، پیام مدیران، ۷ و ۸.

۱۱. مترجم فرحناز حسینی‌سرابی، کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، پیام‌مدیران، ۷ و ۸.
۱۲. استیوآرمسترانگ، مترجم ماهرخ دبیری، کودکان انقلاب ماهواره‌ای، پیام‌مدیران، ۶.
۱۳. کتی‌اسچورهولز، مترجم محمود روزبهانی، ماهواره‌ها و پخش رادیو و تلویزیونی، پیام‌مدیران، ۶.
۱۴. محمد رهبر، دنیایی به اندازه یک بشقاب (ماهواره)، همبستگی، ۷۹/۹/۳.
۱۵. مهران رضوی، تهاجم و تبادل فرهنگی در عصر ماهواره: تقابل بین فرهنگ‌ها، کیهان، ۷۹/۱۰/۱.
۱۶. کریستوف عیاد، مترجم تیمان کامران، شکل‌گیری کثرت‌گرائی رسانه‌ای، پیام‌یونسکو، ۳۵۶.
۱۷. سوزان‌اس.دیویس و داگلاس‌اس. دیویس، ترجمه امید حبیبی‌نیا، مسجد و ماهواره: بررسی تأثیرات رسانه‌ها بر نوجوانان در شهرکی مراکشی، همشهری، ۷۹/۱۱/۱۵.
۱۸. علیرضا ماهروزاده، ماهواره و اصول دسترسی به آنها، ریزپردازنده، ۸۴.
۱۹. کاوه جلالی موسوی، تلویزیون سر در گم و امواج سرگردان ماهواره، ملت، ۸۰/۳/۷.
۲۰. محمد تهوری، سکوت قانون در برابر ماهواره و اینترنت می‌شکند [اظهارات جمعی از کارشناسان]، ایران، ۸۰/۵/۷.
۲۱. بهمن احمدی، اینترنت، موبایل و ماهواره زهره: گفتگو با دکتر سیداحمد معتمدی، وزیر اطلاعات و فناوری‌های نوین، نوروز، ۸۰/۶/۵.
۲۲. آیا می‌توان از پخش برنامه‌های ماهواره جلوگیری کرد؟، برابر، ۷۲/۱۲/۱۲.
۲۳. تهاجم فرهنگی توسط ماهواره، مشکل کشورهای عربی، روزنامه البیان، جمهوری اسلامی، ۷۲/۱۲/۱۲.
۲۴. محمد سرافراز، ماهواره، رسالت، ۷۳/۱/۲۴.
۲۵. ماهواره حتی اگر مجاز باشد، همشهری، ۷۳/۱/۲۳.
۲۶. حسین قاسمی، ماهواره در چنبره ابتذال، کیهان، ۷۳/۱/۲۷.
۲۷. ماهواره در کمین ویدئو، سروش، ۶۸۳.
۲۸. ماهواره، مردم و مسئولین، کار و کارگر، ۷۳/۱/۲۴.

۲۹. ماهواره‌ها و دنیای پرهیاهوی رسانه‌ها، *سروش*، ۶۸۶-۶۸۳.
۳۰. ماهواره‌ها و جنگ مدار ثابت، *سروش*، ۶۸۳.
۳۱. محمدصالح پته‌اخیر، مترجم حمید ایرانیها، تکاپوی تلویزیون‌های ماهواره‌ای فراملی، *سروش*، ۶۸۴.
۳۲. حمید مولانا، در مقابله با ماهواره‌های تلویزیونی و اطلاعاتی، *کیهان*، ۷۳/۲/۲۹.
۳۳. توکلی، چرا تبلیغ ماهواره؟، *کیهان*، ۷۳/۲/۶.
۳۴. چرا روزنامه‌ها خطر ابتذال ماهواره‌ها را افشا نمی‌کنند؟، *جمهوری اسلامی*، ۷۳/۲/۱.
۳۵. ماهواره از دیدگاه رئیس سازمان صدا و سیما، متن سخنرانی علی لاریجانی، *کیهان*، ۷۳/۲/۱۱.
۳۶. امید مسعودی، ماهواره: بازدارنده اصلی چه کسی خواهد بود؟، *کیهان*، ۷۳/۲/۶.
۳۷. شهیدی مؤدب، ماهواره؛ جلوه‌های مثبت و منفی، *اطلاعات*، ۷۳/۲/۲۷.
۳۸. سیدمحمد جعفری، ماهواره و ویدئو در خاورمیانه، *ابرار*، ۷۳/۲/۱.
۳۹. ماهواره‌ها و دنیای پرهیاهوی رسانه‌ها، *سروش*، ۶۹۰.
۴۰. محمدعلی آشتی‌برگ، هویت ملی از گاهواره تا ماهواره، *تکاپو*، ۸.
۴۱. تبلیغ ماهواره و استفاده از برنامه‌های مبتذل آن از نظر فقها حرام و گناه است: گفتگو با رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، *کیهان*، ۷۳/۲/۲۸.
۴۲. ویدئو، ماهواره و قانون: گفتگو با آقای آشتیانی رئیس دادرسی ۱۴، *سروش*، ۶۹۰.
۴۳. حسین گرجی، آنتن ماهواره جغدی بر بام دهکده جهانی، *اطلاعات*.
۴۴. مهرداد فرید، بام‌ها در تسخیر ماهواره‌ها، *سلام*، ۷۳/۴/۱۹.
۴۵. محمود هاشمی، دشمن به کمک ماهواره قصد مبارزه با اسلام را دارد، *رسالت*، ۴/۲۶/۷۳.
۴۶. ترجمه نوشین ری‌شهری، رادیوهای ماهواره‌ای، *سروش*، ۶۹۷.
۴۷. ماهواره آری یا نه؟ مردم چه می‌گویند، *جهان اسلام*، ۷۳/۴/۲۰.
۴۸. ماهواره، بر سر دو راهی: ممنوعیت یا آزادی، *جهان اسلام*، ۷۳/۴/۲۰.
۴۹. ماهواره: مواضع ملی متفاوت، *جهان اسلام*، ۷۳/۴/۹.

۵۰. ماهواره‌ها و دنیای پرهیاهوی رسانه‌ها، سروش، ۶۹۷ و ۶۹۸.
۵۱. عباسعلی مهاجری، مبانی ارتباطات ماهواره‌ای، سروش، ۶۹۸.
۵۲. ایرج صدیقیان، ماهواره‌های منابع زمینی و اطلاعات ماهواره‌ای، آبادی، ۱۲.
۵۳. محمد عبدالله‌زاده، آیا از ماهواره باید ترسید، تماشای زندگی، ۴ و ۳.
۵۴. استفاده متقابل از ماهواره‌ها، نوآوران، ۷۹-۷۸.
۵۵. اینک تهاجم ماهواره‌ها، پیام انقلاب، ۳۲۶.
۵۶. حسن محفوظ و مجتبی نادعلی، تأثیر تصاویر تلویزیونی ماهواره‌ای بر خانواده لبنانی، همشهری، ۷۳/۵/۳.
۵۷. دیدگاه‌های سه تن از فقها پیرامون استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای، رسالت، ۷۳/۵/۲۳.
۵۸. ماهواره مقابله یا مبادله: دیدگاه‌های کارشناس سیاسی شبکه خبری اسکای (جان کوسون) درباره نحوه برخورد کشورهای جهان سوم با ماهواره، همشهری، ۷۳/۵/۱۰.
۵۹. پویا، ماهواره: مواضع متفاوت ، جهان اسلام، ۷۳/۵/۲.
۶۰. ماهواره‌ها و دنیای پرهیاهوی رسانه‌ها، سروش، ۷۰۰.
۶۱. محمد صفوی، ماهواره‌ها و نظم نوین جهانی، ابرار، ۷۳/۵/۲۴.
۶۲. ماهواره‌ها: یک راه حل جهانی برای مبادله فنی، توسعه، ۱۵.
۶۳. تأثیرات ماهواره در هند، مصاحبه با آقای وثوقی نمایندگی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در هند، سلام، ۷۳/۵/۶.
۶۴. پدیده ماهواره نباید ما را از ابعاد دیگر تهاجم فرهنگی دشمن غافل کند: گفتگو با سه تن از جانبازان انقلاب، رسالت، ۷۳/۵/۱۰.
۶۵. تقویت دستگاه فرهنگی بهترین راه مقابله با ماهواره است، زارعی قنوتی .
۶۶. عضو کمیسیون فرهنگ و ارشاد مجلس در گفتگو با همشهری، همشهری، ۷۳/۶/۳۰.
۶۷. همایون امیرکیانی، تلویزیون و رادیو در مقابله با ماهواره، ابرار، ۷۳/۶/۸.
۶۸. در خدمت و خیانت ماهواره ، گردون، ۴۱.
۶۹. ناصر ایزدی‌فر، فرهنگ خودی، رسانه‌های گروهی و موجودی به نام ماهواره، اطلاعات، ۷۳/۶/۱۶.

۷۰. ناصر بهرامی‌راد، کلامی دوباره در باب ماهواره، کیهان، ۱ و ۲ و ۷۳/۶/۶.
۷۱. کلیات طرح ممنوعیت به کارگیری آنتن‌های ماهواره‌ای تصویب شد، جهان اسلام، ۳۰/۷۳/۶.
۷۲. ماهواره و راه مقابله با آن، کیهانشان، ۳۹.
۷۳. رضا پوده، واژه‌های ماهواره، پیامدهای آن، تکاپو، ۱۱.
۷۴. حسین طالبی، اجازه ندهیم آنتن‌های ماهواره به جای مشتاقان گره کرده بر سر بام‌هایمان سر به آسمان گیرند، جمهوری اسلامی، ۷۳/۶/۲۲.
۷۵. ماهواره ابزار جدید تهاجم فرهنگی، اندیشه دانشجو، ۱.
۷۶. آسمان در اشغال ماهواره‌ها، کار و کارگر، ۷۳/۷/۲۳.
۷۷. هاتف سروش، از دیروز تا فردا و اما ماهواره، ایران فردا، ۱۳ و ۱۴.
۷۸. فیلیپ لوکر، مترجم مجتبی صفوی، رقابت انحصارگران پخش ماهواره‌ای برای نفوذ به بازار آسیا، همشهری، ۷۳/۷/۲۵.
۷۹. گزارش از نفوذ ماهواره‌ها در سطح جهان: حکومت بر دنیا، جهان اسلام، ۷۳/۷/۱۲.
۸۰. محمدتقی رهبر، ماهواره در نگاهی دیگر، پاسدار اسلام، ۱۵۴.
۸۱. ماهواره: راه حلی جهانی برای مبادله اطلاعات فنی، صنعت و ایمنی، ۳۷.
۸۲. جواد صادقی، ماهواره‌ها بر فراز آسیا، صنعت و ایمنی، ۳۷.
۸۳. حسین بکائی، ماهواره یا تقابل فرهنگی، رشد جوان، ۱.
۸۴. آسمان در اشغال ماهواره‌ها، سلام، ۷۳/۷/۲۳.
۸۵. نبردی بین تئاتر صحنه، تلویزیون و ماهواره در جریان است: گفتگو با حبیب‌الله لزگی، کیهان فرهنگی، ۶.
۸۶. آنتن‌های ماهواره‌ای: واکنش‌ها و پیامدها، کیهان، ۷۳/۸/۲۴.
۸۷. علی سعیدی، تحلیلی بر ممنوعیت قانونی ماهواره، جمهوری اسلامی، ۷۳/۸/۵.
۸۸. ریچارد دبلیو. دیل، تهاجم جهانی ماهواره، سروش، ۷۱۵.
۸۹. مجتبی شاکری، ماهواره، چرا نه؟!، رسالت، ۷۳/۸/۹.

۹۰. ترجمه مهدی خلیق، محدودیت سیستم‌های ماهواره‌ای: دقت و تأمل بیشتر در جایگزینی دستگاه‌های جدید ارتباطی، پیام دریا، ۲۶.
۹۱. بررسی نیاز کشور به ارتباطات ماهواره‌ای، خبرنامه انفورماتیک، ۵۵.
۹۲. بحثی دیگر درباره ماهواره، مناطق آزاد، ۴۷.
۹۳. راه‌های مقابله با اثرات مخرب ماهواره، برابر، ۷۳/۱۰/۱۹.
۹۴. گزارش از راه‌اندازی تلویزیون ماهواره‌ای غرب در آسیا، اندیشه دانشجو، ۵.
۹۵. ماهواره: نگاهی دوباره به آن، اندیشه دانشجو، ۵.
۹۶. محمدجواد لاریجانی، ماهواره و نظام اسلامی، مجلس و پژوهش، ۱۲.
۹۷. محدودیت سه ساله طرح ممنوعیت استفاده از آنتن‌های ماهواره‌ای حذف شد، سلام، ۷۳/۱۰/۱۵.
۹۸. وضعیت ماهواره در هند، اندیشه دانشجو، ۵.
۹۹. سال آنتن، سال ماهواره، گزارش فیلم، ۶۳.
۱۰۰. علی اشرفی‌نیا، قانون ممنوعیت استفاده از آنتن‌های ماهواره قاطعیت مجریان را می‌طلبد، جمهوری اسلامی، ۷۳/۱۲/۱۰.
۱۰۱. مجلس، ماهواره، سوء استفاده مالی، استیضاح، پیام امروز، ۴.
۱۰۲. ماهواره، شکستن حرمت‌ها و منزلت‌های اجتماعی فرهنگی: گفتگو با محمدرضا شرفی، کیهان، ۷۴/۱/۲۴.
۱۰۳. ماهواره و اهداف پشت پرده غرب: گفتگو با محمدصادق مهدوی، کیهان، ۷۴/۱/۱۷.
۱۰۴. مهدی محسنیان‌راد، آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا و واکنش دولت‌ها، سروش، ۷۳۳.
۱۰۵. آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا و واکنش دولت‌ها (۲)، سروش، ۷۳۴.
۱۰۶. زیرنظر مهدی محسنیان‌راد، آنتن‌های ماهواره‌ای در آسیا و واکنش دولت‌ها: قسمت پایانی، سروش، ۷۳۵.
۱۰۷. خسرو معتضد، اندر احوال ماهواره و خیانت آن!، کهکشان، ۴۲.
۱۰۸. اسماعیل اقبال، جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره‌ای در کشورهای اروپایی و تشدید تبلیغات روانی غرب علیه اقدامات مشابه از سوی جمهوری اسلامی ایران، اندیشه دانشجو، ۹ و ۱۰.

۱۰۹. صدوق حمامی، ترجمه محمد پوینده، دولت‌ها، مناره‌ها و ماهواره‌ها در دنیای عرب، *جامعه سالم*، ۲۰.
۱۱۰. ع - د، ماهواره‌ها تبادل یا تهاجم فرهنگی، *کلمه دانشجو*، ۱۲.
۱۱۱. قلب ارتباطات ماهواره‌ای در بومهن می‌تپد، *پیام پست و مخابرات*، ۶۹ و ۷۰.
۱۱۲. نسل جدید ماهواره‌های سبک و ارزان قیمت، *پیام پست و مخابرات*، ۷۱.
۱۱۳. بهروز مشهدی، ایران، تکنولوژی فضا و ماهواره، *جام*، ۳۷.
۱۱۴. علیرضا آرمان، چرا ما از تکنولوژی ماهواره استفاده نکنیم، *کیهان*، ۷۴/۷/۱۲.
۱۱۵. ماهواره ابزار تهاجم یا تبادل؟ گفتگو با دری نجف‌آبادی، *بصائر*، ۹، (۲).
۱۱۶. ماهواره‌ها: غول‌هایی که پا در زمین و سر در آسمان دارند (۱)، *پیام پست و مخابرات*، ۷۴.
۱۱۷. ماهواره‌ها، غول‌هایی که پا در زمین و سر در آسمان دارند (۲)، *پیام پست و مخابرات*، ۷۵.
۱۱۸. ترجمه غلامعلی رامزی، ماهواره‌های تلویزیونی، *اطلاعات علمی*، ۱۹۶.
۱۱۹. رؤیا معتمدنژاد، مسائل حقوقی ماهواره‌های تلویزیونی، *نامه فرهنگ*، ۱۹.
۱۲۰. محمد جعفری، جهان سوم و نحوه استفاده متقابل از ماهواره‌های پخش مستقیم رادیو - تلویزیونی، *اخبار*، ۷۴/۱۲/۳.
۱۲۱. مترجم نیلوفر رفیعی، حقایق تازه از ارسال ماهواره‌های جاسوسی به فضا، *دانشمند*، ۳۸۹.
۱۲۲. هوشنگ احمدی، ماهواره‌های اتوبوسی و آینده، *جنگ صنعت*، ۳۰ و ۳۱.
۱۲۳. محمد خیری، گفتگو با دکتر پورنجاتی درباره ماهواره، برنامه‌های تلویزیون و تصویر، ۲۱.
۱۲۴. مینو بدیعی، نگاهی به ضرورت ایجاد ماهواره کشورهای اسلامی، *کیهان*، ۲۳ و ۲۴/۵/۷۵.
۱۲۵. سهیل گلستان، ویدئو، ماهواره، موزیک، رقص : نگذاریم جوانان ما شوکران بی‌رحم غرب را بکشند، *کار و کارگر*، ۷۵/۷/۴.

۱۲۶. فرخ گردونی، بحثی پیرامون قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، *اطلاعات*، ۷۵/۷/۱۲.
۱۲۷. مقابله با تهاجم ماهواره‌ای غرب در آسیا، *سروش*، ۸۲۱.
۱۲۸. ایران مهدی‌زادگان، حمید آتش‌پور، تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای بر نوجوانان و جوانان، *ایران فردا*، ۲۹.
۱۲۹. حسن رحیمی، «ماهواره» شبه روشنفکران [این مقاله پاسخی است به مقاله تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای بر جوانان و نوجوانان در شماره ۲۹ نشریه ایران فردا]، *کیهان*، ۷۵/۱۲/۶.
۱۳۰. حسن رحیمی، جریان شبه روشنفکری و ترویج ماهواره، *صبح*، ۶۷.
۱۳۱. ترجمه محمدعلی شیخ‌علیان، کلانتر ماهواره‌ای (بحثی درباره قانون، اخلاقیات و سلطه در اینترنت)، *سروش*، ۸۳۷.
۱۳۲. ماهواره، ابزار سلطه سیاسی در جهان جدید، *کار و کارگر*، ۷۶/۳/۲۴.
۱۳۳. برات صمدی‌راد، ماهواره: مفید یا مخرب، *بصائر*، ۲۵.
۱۳۴. امنیت ملی و فروش تصاویر جدید ماهواره‌ای، *مجله سیاست دفاعی*، ۱۷.
۱۳۵. فاطمه مقدسی، داستان ماهواره، *ددرسی*، ۱.
۱۳۶. مجید محمدی، فرهنگ جهانی و فرهنگ‌های ملی [درباره گسترش ارتباطات جهانی و استفاده از ماهواره‌ها و خطر ادغام فرهنگ‌های کوچک در فرهنگ مسلط جهانی]، *همشهری*، ۷۶/۵/۲۹.
۱۳۷. حسین ابوترابیان، استعمار فرهنگی و ماهواره: فرهنگ شفاهی و عقل مجرد ما، *گزارش*، ۸۰.
۱۳۸. ماهواره ارتباط مستقیم و ترویج مصرف‌گرایی، *فرهنگ عمومی*، ۱۱-۱۰.
۱۳۹. یعقوبی، ماهواره، اینترنت و رسالت حوزه‌ها: گفتگو با دکتر محسنیان‌راد، *اندیشه حوزه ۲* و (۳).
۱۴۰. مصطفی اردستانی، ماهواره‌ها و پخش برنامه‌های تلویزیونی، *اطلاعات علمی*، ۲۲۴.
۱۴۱. عدم استفاده از برنامه‌های ماهواره منع قانونی یا پرهیز اخلاقی؟، *قدس*، ۷۷/۴/۲۰.

۱۴۲. جان وی اوانز، ترجمه علیرضا ساعتچیان، ارتباطات ماهواره‌ای شخصی در آستانه قرن بیست و یکم، شبکه، ۱.
۱۴۳. با عملکردهای غلط خانواده‌ها را به سوی ماهواره سوق می‌دهیم: گفتگو با فاطمه کروی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، سینما، ۳۳۱.
۱۴۴. حسین مسعودی، حوزه و رسالت تبلیغ «در عصر ماهواره‌ها»، نگاه حوزه، ۳۸ و ۳۹ و ۴۰.
۱۴۵. ماهواره، اینترنت و چالش‌های فرهنگی - تبلیغی: گفتگو با دکتر محسنیان‌راد، قدس، ۱۴ و ۷۷/۱۰/۲۳.
۱۴۶. بهمن امامی، ارتباطات و ماهواره‌ها و نقش آنها در توسعه ارتباطات، همسر، ۱.
۱۴۷. ترجمه ابراهیم کنه، تدوین جمشید مخلص، وقتی ماهواره‌ها مرزهای ارتباطات را می‌شکنند، اطلاعات علمی، ۲۳۲.
۱۴۸. اکرم شعبانی، ماهواره ابزاری که باید کنترل شود؛ تقابل یا تسلیم، برابر، ۷۸/۳/۳.
۱۴۹. مهرباب پارسا، ماهواره: عامل استحاله و مروری کوتاه بر اثرات تخریبی ماهواره، جمهوری اسلامی، ۷۸/۳/۳۱.
۱۵۰. امیرکیهان، ناصر غضنفری، ماهواره: چشم‌های متفاوتی که به این رسانه می‌نگرند و بررسی آثار شبکه‌های ماهواره تلویزیونی در ایران و جهان، نشاط، ۷۸/۴/۱۴.
۱۵۱. میرعلی بینام، هنجارها در هجوم امواج منهدم می‌شوند؛ ظهور ماهواره، سقوط فرهنگ را موجب نخواهد شد؟ قدس، ۷۸/۴/۱۲.
۱۵۲. محمدی، ازدواج موقت، پوشش زنان و مردان و ماهواره: گفتگو با محمد موسوی معاون فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، خراسان، ۷۸/۴/۱۳.
۱۵۳. شکورا، دیروز ویدئو، امروز ماهواره: راه حل چیست؟ قدس، ۷۸/۵/۶.
۱۵۴. داوود زارعیان، آسمان دیگر آبی نیست، زیر چتر ۸۵۰۰ ماهواره، انتخاب، ۷۸/۷/۱۸.
۱۵۵. ماهواره رؤیایی میانسالان، برابر اقتصادی، ۷۸/۸/۱۱.
۱۵۶. حبیب چینی، ناچاریم فناوری‌های جدید را بپذیریم [پیرامون تکنولوژی مخابرات ماهواره‌ای و استفاده صحیح از آن]، برابر اقتصادی، ۷۸/۸/۱۲.

۱۵۷. باید از مزایای ماهواره به شکل قانونمند استفاده کنیم، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۵۸. نغمه نوری اصفهانی، «ماهواره» آرام می‌آید با زور نمی‌رود، *ایران ویج*، ۷۸/۹/۲۳.
۱۵۹. سیدرضا اکرمی، «ممنوعیت» یا «مصونیت» یا هر دو؟ (مقوله ماهواره)، *جمهوری اسلامی*، ۷۸/۹/۱۸.
۱۶۰. با شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای چه کنیم؟: نظرسنجی تازه «ایران»، *ایران*، ۹/۲۲/۷۸.
۱۶۱. احمد اسعدی، کشورهای اسلامی و نظام ماهواره‌ای، *کار و کارگر*، ۷۸/۹/۹.
۱۶۲. سوفی بخاری، ترجمه علی مستشاری، ماهواره‌هایی برای جنوب: [پخش رسانه‌های چندگانه رادیویی توسط ماهواره برای کشورهای جنوب]، *پیام یونسکو*، ۳۳۹.
۱۶۳. باید از مزایای ماهواره به شکل قانونمند استفاده کنیم [سخنان عطا] مهاجرانی در پایان نشست وزیران اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی در تهران، *آزاد*، ۷۸/۹/۱۳.
۱۶۴. حسن قدیانی، ردی از آنها که باید، در این صحنه نیست [در حاشیه استفاده از امواج ماهواره‌ای]، *صبح امروز*، ۷۸/۹/۴.
۱۶۵. نسرین ظهیری، پیمان و پیمان، دیش و ریسور، رمز و رازها در بازار نیمه پنهان ماهواره، *آفتاب امروز*، ۷۸/۱۰/۴.
۱۶۶. محمدرضا هادیلو، ما، ماهواره و آینده، *جوان*، ۷۸/۱۰/۱۹.
۱۶۷. ناصری، نگاهی دوباره به مد ماهواره و موبایل، *عصر آزادگان*، ۷۸/۱۰/۱۶.
۱۶۸. تقی عدالتی، پیشرفت فناوری فضایی و روش‌های نوین تصویربرداری ماهواره‌ای، *قدس*، ۷۸/۱۰/۳۰.
۱۶۹. محمدصادق محفوظی، ممنوعیت ماهواره اشتباه است، *آزاد*، ۷۸/۱۳/۱۰.
۱۷۰. داریوش سجادی، ماهواره‌های ماهواره، *پیام آزادی*، ۷۸/۱۲/۱۱.
۱۷۱. مشکل سعودی‌ها و شکستن رمز ماهواره‌ها، *فتح*، ۷۸/۱۲/۲۲.
۱۷۲. اینترنت نزدیک شماس، آسمان خانه‌مان پر از ماهواره می‌شود، *هم میهن*، ۷۹/۱/۲۸.
۱۷۳. زهره شاهمیر، ماهواره آری، نه، بررسی آثار و عملکرد یک وسیله ارتباطی، *روزنامه مشارکت*، ۷۹/۱/۳۱.

۱۷۴. مترجم بیرجندی، جاسوسان بهتر از ماهواره هستند، ترجمان سیاسی، ۱۷ (ویژه‌نامه).
۱۷۵. شهرام شریف، سالی که ماهواره گدائی کرد: نگاهی به فیلم‌های سینمایی سیما، فتح، ۷۹/۱/۱۶.
۱۷۶. مجید فخری، سنجش از دور و کاربردهای نظامی اطلاعات ماهواره‌ای، فرماندهی و ستاد، ۵(۲).
۱۷۷. سعید پورزند، آیا گریز از تکنولوژی ممکن است، ایران، ۷۹/۲/۱.
۱۷۸. بررسی وضعیت ماهواره در منطقه خاورمیانه، بزرگراه رایانه، ۲۳.

نمایه پایان‌نامه‌های مربوط به «ماهواره و رسانه»

۱. *تلویزیون و دهکده جهانی، رضا فاضل، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۷.*
۲. *گیرنده‌های مستقیم برنامه تلویزیون از ماهواره، هیبت‌اله خاکزار، دانشگاه صنعتی شریف (دانشکده برق)، تهران.*
۳. *نظرسنجی از مردم تهران درباره ماهواره، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۳.*
۴. *جدول برنامه‌های رادیو و تلویزیون NHIC شبکه تلویزیونی سراسری، تلویزیون آموزشی - شبکه‌های ماهواره‌ها (تلویزیون BS2 و BS1) رادیو ۱، رادیو ۲ و FM، ایمان سعیدیان، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۷۰.*
۵. *میزان استقبال مردم از برنامه پخش مستقیم «آغاز بهره‌برداری از ماهواره»، مینو نیکو، فرشته رحیمی، شهناز دیلمقانی ارومیه، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۶۴.*
۶. *نظرات مردم تهران درباره برنامه «پخش مستقیم و آغاز بهره‌برداری از ماهواره»، حمید حاجی‌رستم و وازگن سرکیسیان، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۶۴.*
۷. *نظر مردم تهران در مورد برنامه‌های تلویزیون پس از جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره، محمدرئوف مرادی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۷۴.*
۸. *افت توان بر اثر باران در ایران برای سیستم انتقال مستقیم برنامه تلویزیونی به وسیله ماهواره در فرکانس ۱۲ GHz، علی ذوالفقاری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۱۳۵۶.*
۹. *بررسی محتوای برنامه کودک در تلویزیون ایران و مقایسه آن با برنامه کودک تلویزیون‌های بیگانه، فرشته مجیب، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۴.*

۱۰. *مطالعاتی بر پخش سالنامه بین‌المللی علوم پخش ۱۹۸۹*، علی‌اکبر مهرافشا، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. *دریافت برنامه‌های رادیو و تلویزیون از طریق ماهواره*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری، تهران، ۱۳۷۲.
۱۲. *بررسی چگونگی پخش و تأثیرگذاری برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای*، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۷۰.
۱۳. *نظرسنجی درباره ماهواره*، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای، تهران، ۱۳۷۳.
۱۴. *گیرنده مستقیم برنامه تلویزیونی از ماهواره*، علی افکار، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، دی ماه ۱۳۵۴.
۱۵. *اندازه‌گیری افت انرژی در اثر باران برای انتقال برنامه تلویزیونی توسط ماهواره*، عبدالحمید قدسی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، بهمن ۱۳۵۴.
۱۶. *ساخت گیرنده تلویزیون از ماهواره*، هیبت‌اله خاکزاد، خداداد القابی، دانشگاه صنعتی شریف (دانشکده برق).
۱۷. *گیرنده مستقیم ماهواره از نوع تقویت‌کننده پارامتری و مدار آشکارساز قفل فاز*، خداداد القابی، هیبت‌اله خاکزار، دانشگاه صنعتی شریف (دانشکده برق)، تهران، دی ماه ۱۳۵۴.
۱۸. *گیرنده تلویزیونی ماهواره مخابراتی ایران*، تورج یزدان‌پناه، دانشگاه شیراز، اسفند ماه ۱۳۵۴.

نمایه کتاب‌های مربوط به موضوع «ماهواره و رسانه»

۱. عباس کدخدایی، پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای از دیدگاه حقوق بین‌الملل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، ۷۹/۲/۱۳.
۲. صادق طباطبایی، طلوع ماهواره و افول فرهنگ (چه باید کرد؟)، تهران: اطلاعات، ۷۹/۱.
۳. ابراهیم فائق، فضا و عصر جدید ماهواره، تبریز، زر قلم، ۷۳/۴/۲۹.
۴. چالش‌های حقوقی پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای در نظام‌های ملی و بین‌المللی، تهران، سروش، ۸۰/۵.

نمایه مقالات خارجی در زمینه «ماهواره و رسانه»

۱- یک ایستگاه تلویزیونی، فارسی زبان جدید در آمریکا،

(Iranian Expatriate Pulls Back Vell From us)

هی‌نس دیون (Haynees , Dion)، ترجمه احمد احمدزاده، کشور: آمریکا، زبان: انگلیسی، ۶/۱۹/۲۰۰۰.

۲- ایرانی‌های مشتاق، به کمک یک شبکه ماهواره‌ای رنج غربت و دوری از وطن را تحمل می‌کنند،

(Wistful Iranians Feed on a Satellite Beam of Nostalgia)

عبد و جینو (Abdo , Geneive)، ترجمه فرانک پیروزفر، کشور: انگلستان، زبان: انگلیسی، ۸/۱۶/۲۰۰۰/.

۳- انتخاب میان بد و بدتر در ایران (Wahi Zwischen Schlecht und Schlechter in Iran)

مجید محمدی، ترجمه پریسا رضایی، کشور: سوئیس، زبان: آلمانی، ۲۵/۸/۲۰۰۰.

۴- تلویزیون ماهواره‌ای با چادر (Satelliten-TV Mit Tschador)، درگر، توماس

(Dreger, Thomas)، ترجمه پریسا رضایی، کشور: آلمان، زبان: آلمانی، ۱۴/۱۰/۲۰۰۰.

۵- از مه‌العلاقه بین‌الثقافه والتکنولوجی، حسن محمدی، ترجمه محدحسین زوارکعبه، کشور: مصر، زبان:

عربی، ۶/۱۱/۲۰۰۱.

۶- جاسوسی از فضا: ایالات متحده باز هم توجه همگان را به خود جلب کرد، فیشت جوزف، Spying

from space: u.s. to sharpen the focus

(Fitchett, Joseph)، کشور: آمریکا، زبان: انگلیسی، ۱۰/۴/۲۰۰۱.

۷- چگونه قطر کوچک با کانال الجزیره، رسانه‌های جهان عرب را تکان داده است، مهاراج، (How ting

Qatar Jars Arab Media)، دیوید (Maharay David)، ترجمه محمدعلی شیخ‌علیان، کشور:

آمریکا، زبان: انگلیسی، ۷/۵/۲۰۰۱.

۸- آیا مدرسه‌ای برای تعلیم راهزنان هوایی در عراق وجود دارد، ایسنارد، ژاک، (UNE E'cole pour

pirates En Irak)، (Isnard , Jacrues)، ترجمه شهین فرامرزی‌راد، کشور: فرانسه، زبان:

فرانسوی، ۱۹/۱/۲۰۰۲.

- ۹- خرابکاری‌های ماهواره‌ای (*the satellite subversives*)، لوئیس مایکل (Lewis, Michale)، ترجمه فخریه لندسی، کشور: آمریکا، زبان: انگلیسی، ۲۰۰۲/۲/۲۴.
- ۱۰- فرانسوی دیپلماتسی علنی (*Beyond public diplomacy*)، دیوید هافمن (Hoffman, David)، ترجمه مهری ملکان، کشور: آمریکا، زبان: انگلیسی، ۲۰۰۲/۳/۱.
- ۱۱- آنچه در کوچه و خیابان شنیده می‌شود از ماهواره پخش می‌گردد، د.چارنی، مارک، (D.Charney, Marc)، (*what s heard in the street is spread by satellite*)، ترجمه حسن نورایی، کشور: آمریکا، زبان: انگلیسی، ۲۰۰۲/۴/۲۸.
- ۱۲- روزنامه‌های ایران از «قبرس گیت» سخن می‌گویند و وزارت امور خارجه آن را رد می‌کند. (والخارجیه تنفیها (قبرص غیت) الصحف الایرانیه تتحدث عن)، یوسف عزیززی، ترجمه سید محسن ساری، کشور: انگلستان، زبان: عربی، ۲۰۰۲/۵/۸.
- ۱۳- پرتاب موشک جاسوسی اوفک ۵ موفقیت‌آمیز خوانده شد، اسولیوان، آریه، (O sullivan, ArieH)، (*ofek-5spy Satellite Launch Called Successful*)، کشور: فلسطین اشغالی، زبان: انگلیسی، ۲۰۰۲/۵/۲۹.
- ۱۴- ماهواره جاسوسی اسرائیل، وابستگی به ایالات متحده را کاهش می‌دهد، نویسنده: نامعلوم، ترجمه مهری ملکان، کشور: آمریکا، زبان: انگلیسی، ۲۰۰۲/۵/۲۹. (Israeil spy Satellite Reduced dependence on U.S)

نمایه کتاب‌های لاتین در مورد «ماهواره و رسانه»

1. *Satellite broadcasting: the Politics and implications of the new media*, edited by Ralph Negrine, London, Routledge, 1988.
2. *The united states and direct broadcast satellite, the politics of international broadcasting in space*, Sara Fletcher Luther, Oxford University press, 1988.
3. *Commercial satellite communication*, Stephan C. Pascall, Davidy. Withers, Oxford, focal press, 1997.
4. *Communication services via satellite, a handbook for design, installation*, 1992.
5. *Satellite communication*, Robert M. Gagliardi, Delhi, CBS Publishers, 1987, 1984.
6. *Social impact of satellite television in varal Indonesia*, by Godwinc. chu, Alfiah and Wilbur Schramm, Singapore, Asian Mass Communication Research and Information Centre, 1991.
7. *Satellite technology, the communication equaliser, an Antic compilation*, Singapore, Asian Mass Communication Research and Information Centre, 1985.
8. *From satellite to single market, new communication technology and European public service television*, Richard Collins, London, Routledge, 1998.
9. *Satellite communication, system and its design technology*, Takashi Iida, editor, Tokyo, Chmsha, Burke, VA, 105 press, 2000.
10. *The site experience* [selected by M.S. Gore], Paris, Unesco, 1983.

نمایه پایان نامه‌های دانشجویان ایرانی خارج از کشور
در زمینه «ماهواره و رسانه»

1. *Negative Magnetic Anomalies at Satellite Attitude over Passive Marginal Basins*, Ghods, Abdolreza, M.S.C.En, 1994.
2. *Direct Broadcasting satellite (DBS) policy in the Islamic Republic of Iran: Popular, Religious and state Discourse*, Arjomandi, Gholam Reza, Ph.D.En, 1998.
3. *Knowledge-Based classification Method for crop Inventory using high Resolution satellite Data*, M.Sc.En, 1994.
4. *A Digital Satellite Image Mosaic for New Brunswick*, M.Sc.En, 1993.
5. *Application of satellite remotely sensed Imagery and GIS for discrimination of forest Vegetation through supplementary Data*, M.Sc.En, 1995.
6. *Study of soil salinity in the Ardakan Area (Iran), based upon field observations, remote sensing and a GIS*, Alavi panah, Kazem, Ph.D.En, 1998.
7. *Satellite image mapping*. En.
8. *A high resolution radio survey of the Galactic Plane*, Zoonemat kermani, Saeid, Ph.D.En, 1990.
9. *Rangeland biomass in damavand, Iran: A Case study with GIS and Satellite Imagery*, Khalilpour, S.A, M.Sc.En, 1997.
10. *A new multivariate methodology for forest Classification and mapping Using satellite remote sensing data*, Eslam Bonyad, Ph.D.En, 1995.

11. *Studies on Image processing of satellite Remote sensing information*, solgi, Gholam Reza, M.Sc.En.
12. *Automated motion Analysis within sequential satellite infrared images using a fast translated, Rotated and deformed pattern recognition Technique on a shared memery*, Saradjion Maralan, Ph.D.En,1995.
13. *Heat transfer in the upper layer of the ocean with application to the correction of satellite sea surface temperature*, Mobasheri, Mohammad Reza, Ph.D.En, 1995.
14. *Structure and tectonics of the Zagros structural Belt*, Iran, Rangzan, Kazem, Ph.D.En,1993.
15. *Interactive roal time computer control for pountable telescopes on an earth orbuting spacecraft*, shahidi, f, Ph.D.En,1993.
16. *Micro controller based satellite tracking*, zafari, Anaraki, M.S C.En, 1993.
17. *The application of apreture synthesis to satellite radar altimetry*, purseyyed, Behruz, Doctor of philosophy. En,1990.
18. *le satellite explerer* , Rahbar, Boroudjerdi, Mahmoud, FR.
19. *Einsatz und fusion von multisensoralen satellit en Biddaten zur erfassung von waldinventuren*, Darvishsefat, Ali, Ph.D.DE,1994.
20. *Performance analysis of digital satellite communication links*, S, Rafie, manouchehr, Ph.D.En,1988.
21. *Low bit rate speech processing in mobile satellite systems channel modeling, modulation and channel coding*, sanei, saeed, M.Sc.En, 1987.

22. *A study in optimising A Multicarrier demultipleyer demodulator (MCDD) for on-board processing (OBP) satellites*, Danesfahani, Gholam Reza, PH. D.En,1995.
23. *An integrated hydrogeological study of mahen dragarh district*, haryana, india, Taheri Tizro, Abdullah, Ph.D.En, 1995.
24. *Off shore data telemetry using satellites*, Asjadi, G.H, M.s, 1985.

راهنمای تنظیم مقاله

لطفاً در نگارش مقاله به نکته‌های زیر توجه فرمایید:

۱. عنوان مقاله کوتاه و گویای محتوای مقاله باشد.
۲. به جای ذکر منابع در باورقی، منابع را در داخل پرانتزی در پایان نقل قول یا مطلب استفاده شده به شکل زیر قرار دهید:
الف: برای منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر اثر: شماره صفحه). مثال: (محمدی، ۱۳۷۵: ۲۵)
ب: برای منابع لاتین: (صفحه: سال نشر اثر، نام خانوادگی مؤلف). مثال: (Manfield, 1995:250)
۳. معادل خارجی اسامی و مفاهیم مهم داخل پرانتز، جلوی اسم و یا مفهوم مربوط به آن آورده شود.
۴. در صورتی که اصطلاحی یا مفهومی نیاز به توضیح دارد در بالای آن شماره گذاشته شود و متناسب با شماره، در پایان مقاله تحت عنوان یادداشت‌ها، توضیح لازم آورده شود.
۵. در پایان مقاله، فهرست الفبایی منابع مورد استفاده فارسی و خارجی به طور جداگانه به صورت زیر ارائه شود:
کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر اثر: نام ناشر، سال انتشار، شماره صفحه.
مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی مترجم، نام نشریه، سال انتشار، شماره نشریه، زمان انتشار.
مثال: سعید، ادوارد. نقش روشنفکر در جامعه، ترجمه دکتر حمید عضدانلو، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی. سال (۹)، شماره (۹۱-۹۲)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.
۶. برای سهولت قرائت و ارزیابی مقاله آن را در کاغذ A4، یک خط درمیان و بر روی یک صفحه، به صورت تایپ یا با خط خوانا بنویسید.
۷. ارسال اصل متن مقاله‌های ترجمه شده، همراه ترجمه الزامی است. مشخصات دقیق مقاله درمآخذ اصلی و منابع و مآخذ مورد استفاده در متن مقاله را نیز قید فرمایید.
۸. مقاله‌ها را با ذکر نام و نشانی دقیق خود، میزان تحصیلات، شغل و شماره تماس بفرستید.
۹. همراه با مقاله، چکیده آن را در ۱۰ سطر به نحوی که حاوی نکات اصلی مطرحه در مقاله باشد ارسال نمایید.
۱۰. فصلنامه پژوهش و سنجش در ویرایش محتوایی و فنی مقالات آزاد است.
۱۱. درج یک مقاله در فصلنامه به معنای تایید نظرات نگارنده نیست.

فرم اشتراک فصلنامه پژوهش و سنجش

لطفاً نسخه فصلنامه پژوهش و سنجش را برای اینجانب
..... سازمان / مؤسسه / شرکت /
..... آدرس:
..... کدپستی:
..... تلفن تماس:

امضا و تاریخ

به نکات زیر توجه فرمایید:

- حق اشتراک نشریه برای دو شماره شانزده هزار ریال و برای چهار شماره سی هزار ریال است.
- وجه مورد نظر را به حساب شماره ۸۰۲۱ کد ۱۰۶۱ بانک تجارت شعبه صدا و سیما به نام معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی واریز و اصل فیش واریزی را به همراه فرم اشتراک به آدرس فصلنامه پست نمائید.
- از ارسال وجه نقد جداً خودداری نمائید.
- هرگونه تغییر نشانی خود را فوراً به بخش اشتراک نشریه اطلاع دهید.
- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانید با تلفن‌های ۲۰۱۳۷۳۴ و ۲۱۶۶۴۵۶ تماس حاصل فرمایید.

نشانی نشریه: تهران - خیابان ولیعصر - خیابان جام جم - ساختمان شیشه‌ای - طبقه سوم - ضلع شمال -
اداره کل همکاری با مراکز علمی و هماهنگی پژوهش‌ها - صندوق پستی: ۴۷۴۸-۱۹۳۹۵

Satellite ban, Why?

Interview with Eng. Seyed Ezatollah Zarghami

Deputy for parliament and provinces affairs

Abstract:

Now a days, it is clear that the contradiction between the claimed and applied policies of the governments, particularly in the cultural field, would be so harmful and destructive for Southern Nations. This contradiction is so obvious that against

hand, the foreign media including satellite with its special technical features, have been recognized as a destructive element to the local/National cultures by the experts from the Southern States. The expansion of these media has received wide confrontations. One of the experts who has always confronted the idea of liberal access to satellite, from expert and political/formal point of view, is Eng. Ezatollah Zarghami, Deputy for parliament and provinces affairs of IRIB. The continued researches and comparative analysis of this expert on free usage of satellite programs of the other countries, as well as his reputable experiences of the field, made this Journal to take advantage of his valuable knowledge and present it in an interview to our readers.

Satellite: a device for dominance of the Technical approach

By: Mohammad Madadpour, Ph.D.

Director, Religious and Arts studies,

Art Dept. of Islamic Propaganda Org.

Member of the Scientific board, Shahed Univ.

Abstract:

Consideration and evaluation of the nature of Technology, particularly Media Technology, through a philosophical historical approach, as well as consideration of its position in our time, named as the era of information and Communication, are necessary and crucial. This is mostly due to this fact that such analysis would provide us with a proper understanding of this phenomenon and as well would prevent us from any possible exaggeration on evaluating the Constructive or destructive Impacts of this phenomenon. This method of evaluation is so important to us particularly in our society that is facing the collision of tradition and modernization, resulting in some personal and social chaos. So, Research and Deliberation asked. Dr. Madadpour, Director of Religious and Art Studies, Art Dept. of Islamic Propaganda Orgaization, and Member of the scientific Board of shahed university, to discuss on the issue. Dr Madadpour having a vast knowledge on

Madadpour for providing us with a proper opportunity to discuss the issue and we hope that the discussion that follows would be beneficial to experts and interested ones.

Pezhooresh va Sanjesh 3

The impact of TV-Satellite programs on personal aspects of the viewers

By: Ahmad Nourbala, M.D.

Psychiatrist, head of Iran Red crescent

Organization, university Prof .

Abstract.

An important part of analysis on possible benefits or losses due to free access to TV-Satellite programs, is dedicated to psychological impacts on people and families. Particularly in our country that has a very young population and their tendency to watch these programs, this issue has caused a worry regarding occurrence of psychological problems in the young population. Sometimes new questions in this regard are forwarded, that mostly there is no source to respond to them. Gap between the wishes and reality, false needs and excitements, etc. are the outcome of such problems. On the other hand, the uncontrolled use of such programs in the families, that is usually due to unawareness of negative impacts of such programs on the base of the family, requires the need for study of an accurate pattern to exploit satellite programs. So, Research and Delibration sought this necessary to have the discussion with Dr. Nourbala. This was particularly due to this fact that Dr. Nourbala, being a famous, experienced psychiatrist, is as well a religious, true believer of the social values and has vast experience as a chief Manager of the Ministries of Higher Education and Medical Education, so he is well aware of the special features of the youth in Iran.

Thus, Research and Delibration, thanking Dr. Nourbala, provides the readers with the discussion on the subject.

Delibration on the merging Media of Satellite and the Swarming trend of information beyond the borders

By: Ali Akbar Ghazizadeh

Prof., faculty of News Journalist

Abstract:

The merging modern Media have dominated the whole world. This process may be celebrated or admitted with some worries and concerns that this merging belongs to which global Geopolitical pole.

It is belived that through billions of dollars, Ronald Reigan the U.S. president all around the world could receive voice and pictures of faraway lands on their homes. The thought of global village provided by Marshal MC Iohan, on the late 60s, till when the computer and satellite networks were not activated belived to be unaccessible or impossible. But now the world may realize the different aspects of this plan with referring to the chapters of a book.

Today the function of satellite is deeply tied up with the heritage of our ancestors, with our culture and beliefs even with our token to eat! This function may be ignored, denied or dealt with properly.

The security Environment of the Media

By: Asghar Eftekhari, Ph.D.

Deputy dean research faculty of Leading studies

Abstract:

This article evaluates the security aspect of the Media in the Modern societies. In order to do so an applied description of internal/domestic

this point of view security means balancing the citizens requirement and task of the government, in a way that a stability based on mutual satisfaction covers the relationship between people & Government. So Media may take two roles, security Maintaining and security demolishing. On this subject, ten threatening impact and twelve opportunity making functions are Considered and evaluated. The over all consideration of the above mentioned (including Negative or positive security functions), form the security environment of the media. An environment in which satellite may be understood and evaluated as a Medium.

Satellites Globalization of Culture & Identity Crisis

Author: Sadigheh Babran

Director, International Relations

Environment Organization

Abstract:

The process of globalization, is a new phenomenon and a new concept which relies on the increasing compression of time and space, as well as. Promotion and development in awareness occurred by the information revolution.

This process would surely affect the political-Economic trends, specially affecting the culture of societies, in deep.

This process from one side enjoys significant success such as expansion and promotion of technologies (specially modern Communication technologies), as well as Modern facilitating phenomena in the farthest places of the world, and from another side faces with difficulties and problems, namely increase in the class-gap of the society of the national levels, occurring the phenomenon of modern poverty, dominance of the rich, divergance and disturbance of standards, morals, Identity, and harmonization and integration of cultures.

Thus we may conclude that all states in facing with this fact, which would affect the social structures and foundation at the societies, called Identity, shall deal with opportunities and serious challenges.

In todays world with consideration at globalization features, and the information era which have changed the quality of communications, exchange of information

and communication are considered as main source of power as well as personification and personifying as parts of power structure.

It is clear that in this process, those societies which are not efficient as a matter of reinforcement of their communication infrastructures, competition with the new methods of communication and information exchange, and personification, would gain political, economic & cultural unrepairable impacts.

In this article, the globalization of culture and challenges the way, as well as Identity crisis in the information era and the role of media, specially modern Communication technologies like satellite as facilitating or limiting item on this process, would be dealt with.

Satellite and Cultural Perils

By: Alireza Pouya

Diretor General, IRIB Research Center for Cooperation with Scientific Centers

Abstract:

Although, possible positive impacts and consequences of live TV programs through Satellite are very frequently seen in the Media Terminology, but there is no doubt this issue has caused serious worries among nations with rich cultural background and the ones who are concerned about getting far and away from their own culture, and getting close to an alien culture. Part of these worries are reflected through the writings of some authors who are believed to be the members to the Frankfurt School or Critical School of Thought. Major Studies of these authors in this regard, is about the relationship between the cultural industries, such as the cultural inputs prepared for Media as well as the goals and policies of the holders of capital and power in our era.

The author of this article, providing definitions for cultural industries, has also dealt with consideration and deliberation of the impact of the huge Cultural products on the culture of the nations, made due to benefit seeking policy of the capital holders, Then after reviewing the beliefs of the theorists of the Critical School of Thought, some Islamic Principles providing practical guidelines to face this recent phenomenon, are discussed. Finally the author referring to the major role and needs of people on the approach to exploit this new media, an emphasis is made on the reinforcement of higher needs of the viewers, as well as qualitative promotion of Media Products, taking in to consideration the current cultural values.

Personal and Cultural Identity in the era of satellite & global Communications

By: Mr. Mohammad Reza Rezaie Bayandor

Chief Researcher, Directorate of TV Researches of IRIB

Abstract:

In the traditional systems, the formation of Identity is based on information and inputs which the one may receive from family school, friends of the same age or any other important elements. Thus during the past centuries and eras the cultural and social Identity of the people have led to their respectfulness and with the reflection of harmonized cultural features in a framework with clear border lines led to the formation of the differentiated societies. The integration of the cultural and Geographical limits and borderlines, has contributed a lot to the diversification of the human cultures and civilizations, and as well the cultural exchanges, gauranteed the promotion and growth of different societies. But today and in the contemporary world the increasing growth in the field of Information and communications technology (ICT) from different aspects has caused a great impact on the personal and cultural Identity of the societies. The entrance of paracultural and paranational information and inputs to the Identity system and standards of the people has caused a kind of contradiction in this system and led to creation of some difficulties on the way of different societies specially traditional and growing ones. Exploitation of the political powers and dominance seeking countries of this issue in order to gain their aims and goals has expanded the different aspects of this issue and incited some principle uneasiness in different societies. Getting aquintance with the know-how of the impact of these technologies specially satellite technology on the Identity systems may have a great role on preventing the impacts and consequences of these technologies.

Satellite fight and the sitting rooms

By: Kioumarth Kalhor, M.A.

Training & Communications TV Producer

Abstract:

Since 90s and then, we have always witnessed media coverage of world events

the main concerns of this article.

The events after the crisis of 11th september and the wide range military operations after that, along with the flow of pictures down loaded in our sitting rooms, is a just cause to get suspicious on the real quality of the satellite outputs that are causing a kind of suspense like the one emanated during Computer Games

Last year, on a day like today the world trade center towers in the U.S. collapsed by which the old world of politics has forced to reconsider its function and approach towards organs networks Governments and countries that are covertly or overtly in contradiction with the west. Countries that are growing a different appearance in secret, in spite of their formal diplomatic characters. The main tangible features of this character is an organized incited and super facially Ideological vengeance towards the industrial world and on top the united states of America.

Satellite News Networks: The audiences and change in the social trends

By: Omid Massoudi, Ph.D.

University Instructor Journalist

Abstract:

The Significant growth in TV Satellite networks and round the clock broadcast at news from these channels, have opened a news window to Millions of people all around the world.

The unaware addressees, regardless of any knowledge on the news methods of these networks, have ignored the negative impacts and they just consider the positive effects of these channels. In order to show this process seven news method of these channels are covered here.

In this article the author has tried to inspect and study the news formation process and its cultural-social impacts with the consideration of the fact that news production technology is rapidly developing in the contemporary world. Also the role of satellite nets on strengthening or intensifying the social processes, such as conflicts, agreements, harmonization and competition, as social standards, in two fields of National and supranational, is considered.

An approach to Satellite Media, with emphasis on the role of women and family

By: Nastaran Khajeh Nouri, Ph.D.

Assc. Prof., Communications Faculty

Abstract:

The age we are living in is called the age of communications. The modern communication Methods, due to development in Modern communication technology have deeply affected the personal and societal life of the people. The easy access to satellite programs and due information is available all around the world even to poor and undeveloped countries. This article referring to some observations in the field of Modern technology and the history of satellite communication and communication revolution would seek for and evaluate the roots as well as positive or negative impacts of this technology.

Since family as the main structure of the society has a great importance we would also deal with the impacts of satellite media on family and the due possible changes.

With consideration of the key role of women in family the situation of women in the Modern western communication Media would also be inspected.

Satellites and the Depersonalization of the audiences

By: Gholam Reza Azari

Ph.D. Student, Social Communications

Scientific Member Azad Univ. Tehran-central branch faculty of psychology
and social sciences-communications Dept

Abstract:

One of the main basis, which is the major concern of the researchers in the field of psychology of Mass Communications, is the complicated issue of Media Audienceology. On this line, the share of satellites and the recognitionology of its Many addressees, have not received enough of attention. The aim of the first inventors of satellite was to go beyond the conceptual meanings and reduce the stress of the human beings living in Information Era. But this was not realized and we have always witnessed the Negative psychological impacts on satellite addressees. Part of these impacts has cultural-social and other part has personal-periferal aspects. The main goal of this article is to reveal one of the most important aspects of satellite addressees from the psychopathological approach. In

comprehensively discussed and considered, because the author is of the believe that the satellite programs are independent variants. In order to conduct a precise research, after putting the issue and providing the concepts and descriptions on this matter we would deal with answering the questions with special attention to pschycological theories in order to clarify the different aspects of the issue as well as reliance on the classical scientific researches on this field.

Finally the author considering the theoretical approaches forwards the pathology of the satellite addressees, would conclude that formal thaught disorder and its different forms are the main cause of depersonalization of the satellite addressees.

An introduction to the satellite functions (with emphasis on legal aspects)

By: Esmaili, Ph.D.

Prof., Communications Sciences

Abstract:

Knowing about the nature and functions of any new technology, is the first step to highlight the ways and national-international policies regarding any possible use or control of that technology. It's obvious that these policies designed by the experts, would be taken in to action in the form of regulations and national or international laws. Knowing about the functions of satellites is also the first step towards manifestation of legal framework governing technology. Therefore, the author has tried to touch upon the different functions of satellite in the fields of Military-Security, Communicatoins and Science, Economy and Commerce, and finally Politics and Culture, thus providing a prespective of needs and legal discussions in this regard.

Telecommunication and National development

By: Reza Rashidian

Communication Sciences Researcher

Abstract:

Through more than half a century of study and theory providing in the field of development, the role of different effective elements on realization of the national development goals of states, have been taken in to consideration and analyzed. Most of the propounding approaches in the field

and sociology. But through development of communication Technology, specially launching satellites in the later decades, the human aspects as well as technologic aspects of communication, gained a proper place and drew attention in the field of development. Also new approaches and theories on kinds and scale of impacts of telecommunication on the state development trend, were discussed. Thus, telecommunication and specially satellite, become a pivotal and important subject of discussion in the field of communication and development, since a satellite has vast potentials.

The article which follows, would provide a general review on the salient theories on communication and development, as well as having a glance at functions and position of telecommunication and satellite on the regional state development and the gained experiences in this field.

Reviewing the first Iranian research on TV-satellite programs in Asia

By: Mahdi Mohsenian rad, Ph.D.

Researcher, communications sciences prof.

Abstract:

The manifestation of satellite in the world of media, has led to different positive and negative reactions from different approaches.

The scientists in the fields of Communication Sciences, Sociologists, Psychologists, Technologists, Philosophers, Theologists and other researchers, have made comments on the issue and its negative or positive impacts. In our country when satellite appeared seriously after a short delay and its impacts were revealed, hot and mild reactions appeared against it and led to this fact that elected policymakers of the nation in the Islamic parliament took up the issue for consideration and approval of a decree to systemise the access to satellite. It is a good notion that before the approval of such regulation, different aspects of the issue were scientifically and justly, considered by Dr. Mohsenianrad and the results were forwarded to the Members of the Parliament.

Dr. Mohsenianrad is one of the wellknown and respected professors of the communications sciences of Allameh Tabatabaie University and a famous researcher of the field, Although it is not quite clear that how useful were these conclusions in the decision of the parliament. What is hereby presented, is a report on that research and encompasses quite useful hits regarding the ways of responding of the other nations and governments regarding satellite.

Deliberating and Paraphrasing the Satellite policy in Iran with emphasis on the experiences of Asian Countries on the issue

By: Mahdi Montazer ghaem, Ph.D.

Sociology & Social Communications

Abstract:

The following article tries to critically deliberate the satellite policy in Iran, using the experiences of the policy making on satellite in Asian Countries. In order to respond to the questions on the proper Media policy, this article would first express

would explain the concept of Media policy making in the contemporary era in brief. Considering the condition of satellite usage and approach to taking advantage of the satellite channels & programs, which is acceptable to the Asian countries, shows clearly that Iran is facing difficulty in the process of satellite use policy making. The main reasons behind the unsuccessfulness in control of satellite utilization among public and failed trial to prevent the unacceptable consequences of such, are ignorance of exploitation rules and over emphasis on the legal prohibition of such usage.

Satellite and the responsibility of the Social entities

By: Shahla Kazemipour, Ph.D.

Scientific Member, Tehran University

Member of the Scientific board

Abstract:

As many scientists believe, the most important element which would define the quality and the appearance of our world in the 21st century, as well as the living style of our children, is Technology that specially in the field of communications, is trying to establish a new world other than the one we know. The pioneers of the future world are long ago entered into our lives, and the programs of the international satellites, capable of live broadcasting and being received by normal TV sets, are on the way. The drastic change occurred afterwards, specially in the 3rd world countries, is of that great importance that not only the government officials, but also every one of us should think about (Adineh Magazine, page 8)

The Satellite waves can not be controlled through the existing rules, regulations and devices. Thus, the policy of the proper Utilization of satellite Should be considered by directors and programmers of the societies, as well as our own directors and programmers in Iran.

Satellite, like any other Commercial imposed inventions, has two edges, one healing and the other hurting.

Different social-cultural entities in our society should design an organized, proper an policy and plan, in order to reinforce the healing edge of satellite, and through strengthening and expanding the scientific, educational, or every amusing programs of satellite, Contribute to the all sided Economic-social promotion of the society.

Obstacles on the way of legalization of satellite programs in the International law

By: Gholam Reza Rafiee, Ph.D.

Attorney at law

Abstract:

Despite of amazing increase in satellite-TV channels broadcasting TV-Radio programs for most or all of the countries all around the world, and though the number of countries covered by these channels, are increasing daily, unfortunately so far the world community could not legalize the

-

subjects of communication and International law.

This issue, the unlegalized process of satellite-TV program broadcasting in the International law, has led to problems in the field of communication and International law. If not solved, this issue would cause more problems in the world communication, as well as jeopardizing the soundness of international communication, or even international peace and stability. This does not mean that governments and international societies did not pay attention to the satellite-

as it would follow later here, nearly all the efforts of such entities to legalize the procedure in the international law, faced obstacles that made it difficult to reach these goals. In this article, the obstacles and reasons behind the unsuccessfulness of world community in adopting a comprehensive convention to guarantee all aspects of satellite-TV programs, would be discussed in four chapters of: political, legal, cultural and Technical issues.

So considering these issues and obstacles, major national policies in receiving and broadcasting satellite programs would be more carefully devised.

Thus, through exploiting measures and benefiting from national and international potentials, the process will be contributed properly.

At the end it should be reminded that the author by no means believes that so far no convention or treaty even minor has been adopted on

Convention on Radio broadcasting, other treaties like space treaty have been adopted that deal with some aspects of satellite TV program broadcasting. But other than the disagreements among the governments and lawyers in this regard, some conventions are referring to the issue. The present condition shows that these conventions do not suffice to respond to different legal, political and cultural or Technical aspects of the matter, and the efforts of the world community could not reach to a consensus among governments on the subject, due to the obstacles discussed here in this article.

A Compendium on Satellite Communication

By: Mohammad Naser Keramatkhah

Engineer of General Directorate for ground based & satellite communications

Abstract:

Space research as a branch of science and technology, has gained a significant development and evolution since nearly 40 years ago that the first satellite was launched. On the way of such development, many branches of science, such as astronomy physics, planetology, plasma physics or Metallurgy were expanded in a way that could not be imagined before or were thought to be far reaching. Now space studies are as means of problem solving of people on earth, so intensely attracting scientists. Every day, there comes new explorations which increase the dominance of human beings on the nature. Satellite Technology as an important of space studies, now enjoys a great position in different fields like communication, Geology, meteorology, Military, etc.

The same, satellites providing telecommunication facilities, affect the significant percentage of message exchange and information traffic, is taking place through satellite and such systems solved many problems or sometimes added to problems as well. By the way, what may be the main concern is benefiting this service to solve state problems. Now, practically all the world, from largest regions to the most remote islands, are covered by satellite and telecommunication signals, sound and picture, teletype or multimedia information, etc., are exchanged through this system so fast

and so effective. The significant expansion of sat. communication, shows the non stop efforts to exploit the new Tech., so to meet the requirements of the human societies. Significant development in satellite digital technics, is the base to produce and exploit multi purpose information networks. One of the latest achievements of satellite exploitation, is telehealth care and teleeducation, that made available the access of people on the remote areas of the world to the best doctors and professors. So, a great leap tookplace in the field of education, knowledge level improvement and higher education. Now the uses of space Tech. are so vast that may not be discussed in an article. So far, thousands of satellites for telecommunication, Radio-TV, military spying, meteorology, etc. purposes have been launched. In this article, in brief each one of these would be explained.

A glance at the Technology of Direct Broadcasting Satellites

By: Ali Asghar Kia, Ph.D.

Head of department and associate prof. Communications

Allameh Tabatabaie Univ.

Abstract:

One of the main wishes of the human being from the dawn of the history so far, was contacting the others on the close or remote areas of the world. So, there has always been great efforts to establish such link and developing such technology.

Human beings for thousands of years were bond to primary and quite basic sorts of communications, though meeting their needs based on their requirements.

The framework at such communication methods is its roads and rivers. These communication methods were of easy access and as well good enough to fulfill the needs of the societies in those days. Time passed and the ways and means of communication were promoted and evolved from sending Messages through fire smoke on hill tops to on foot walking messengers and finally taking advantage of boats and charriots.

Consistent with the development of stronger and more effective means of communications different variety of civilizations, kingdoms and organs appeared and annihilated. Around 1840, the Morse Alphabet for Telegraph was adopted and from that time the Continuous trend of innovations in order to contact far distance points started. Till 1927, the overseas communication was only possible through

telegraph but that year for the first time sending a voice message become possible through Radio and afterwards RADAR and TV were born one after the other.

Through launching the first satellite by the Soviets in 1957 a new era in international communications started and space was captured by human beings. With this basis and on the side line of different utilizations of satellite, the first communication satellite (telstar) was placed in the orbit and from 1984, gradually satellites and mainly line broadcasting ones, turned into one of the main means of international communications.

Satellite which is considered as one of the greatest inventions of the 21st century is still developing in a way that the future abilities of that on not be forseen. This new device with its potentials in order to get the News and send messages to the far distance areas has mostly been utilized for sending Radio-TV Programs, weather forecast and finally military and spying purposes.

Today the commercial aspects of satellites or selling satellite photos have doubled the importance of this manmade device.

In this chapter we intend to consider some issues related to this new technology such as history organizations active in this field, etc.

By: Mohammad Izadi

Director General, Design & engineering of satellite Communications Iranian
National Communication co. (In charge of the project)

Abstract:

In to days world, the political and Military authority is in the hand of Economic and industrial development, and Technology is considered as the engine for Economic Development as well as the structure of the Industry of a country. In developing countries, Technology is one of the most important facilities and means of gaining the development National goals. In this respect and in order to attract and develop technology the role of government is so crucial.

Space facilities are one the Modern and strategic technologies, that because of the vaiety of sciences included it links and interrelates different scientific and research Industries and organizations, so would led to their promotion as well as producing new scientific and applied branches. Thus maintainig such technology is also broad complicated money and time consuming and requires an organization planning and aiming in the most proper and accurate way.

In countries that hold such technology a space organization which is so developed and well structured is responsible for guiding the efforts. This organization also covers the capacity of all commercial military and research industries so would creat great opporotnities and capacities.

So far nearly all holders of such technology are financing in exploitation of the technology as well as absorbing budget to produce or buy satellite in demanding countries. As a result these technologies are a great source of wealth and power all around the world. On the other aspect satellites have facilitated trade, education, health, industry and communications of the societies. As well they caused the development of ground based technologies in their different applications, namely Telephone communication of the countries, simultaneous broadcasting of hundreds of TV programs, Internet, Teleconference, Tele education, Medical Teleservices, Locating, Tele study, Weather forecast, satellite Mobile phone services, that all have valuable role in budget and time saving as well as upgrading the life security of the people. Right now, all the regions of the planet earth are covered by wide satellite networks. The rapid expansion of satellite communication shows the nonstop efforts in order to exploit the new technology to meet the needs of the human societies.

Space research as a new branch of science and technology, has made a great evolution and development in the past half century. In this path many branches of science such as Astronomy, plasma, physics, Metalurgy and Meteorology have also expanded in a way that was not foreseeable for human beings before. Now the space research is a devicel in the hand of scientists to solve the problems of the human beings on earth and now international space stations are established to conduct researches that are not possible on earth.

Therefore, exploitation of space satellite technology and the their application and roles on human societies are daily promoted and as well

enjoys an effective role in sustained development and evolution of human civilizations.

Book Review

From Satellite to Single Market: New Communication Technology European Public Service Television

Richard Collins

London: Routledge, 1998

297p.

Introduce by Jila Chinisaz

From Satellite to Single Market is based on extensive primary research, interviews with participants, and analysis of key European programs. It documents

commercial sky network and the strictly limited extent to which television could serve the integrationist project of the European union.

The author, Richard Collins Head of education at the British Film Institute. From 1993 to 1997 he was Research Director of the media and communication programme at the Institute for public research. He has taught media and communications at universities in the UK and overseas since the early 1970s and laterly at the London School of Economics and political science.

Collins has organised his book in 10 chapters, with an illuminating introduction in the beginning and a conclusion at the end of the main body of the text.

These chapters have been titled as follow: 1) European culture and identities; 2) the European broadcasting union; 3) public service broadcasting; 4) Eurikon: the

development of pan-European Television; 5) Eurikon programming; 6) from Eurikon to Europa; 7) Europa: the castle in the air; 8) Eurosport and Euronews; 9) the language factor; and 10) the audience for pan-European Television.

The synopsis presented here is mostly based on the introduction to the book, which sums up the main subjects and prepositions being posed by the author throughout the book.

According to the author this book is a study of development and demise of
-European satellite television
in the decade from 1982 when the first satellite television services began and 1992, when European single market was completed.

Richard collins explores two principal themes: television role in fostering European cultural identity (and promoting European union) and the extent to which European public service broadcasters were able to meet the challenges posed by the introduction of a new communication technology-satellite television.

For Richard collins, the 1980s is a time of change in European television-Heqoates from a council official, that characterised the 1980s as a time of alarmed by doctrines which they thought threatening to freedom of expression and communication.

Publication of the UNESCO-Sponsored Macbride *Many Voices one World* in

mbly of the council of Europe adopted a

recommendation in 1981 which welcomed satellite television and affirmed that the and television, as a fundamental component of freedom

In 1982, the committee of Ministers of the council of Europe adopted a *Declaration on the Freedom of Expression* and Information, grounded in Article 19 of the universal Declaration of Human Rights and Article 10 of the European convention on Human Rights. The 1982 Declaration (Sometimes known as the European Media charter) was notable for its commitment to the free flows of regardless of frontiers, to express himself, to seek and receive information and

regulatory authority in broadcasting and to support the growth in transitional satellite services. National regulation, which has kept television a monopoly of the national public service broadcaster in most European countries, could no longer do so if it was not to offend against the European convention on Human Rights and the European Media charter.

Two related presumptions were put forward consistently in discussions of broadcasting and Audio-visual policy during the early 1980. First, new communication technologies would profoundly affect market structures and the social and cultural relationships which derived from them. Second the changed cultural relationships and identities, which were presumed necessarily to follow

changes in Audio-visual and broadcasting markets, would have adverse political and social consequences.

European Audio-visual policy between 1982 and 1992 was haunted by a stubborn ghost: the growing penetration of European markets by American films and television programmes. This ghost continues unexorcised and perceived to threaten both the economic base of European film and television programme production industries (industries which are seen more and more important if

consciousness and culture on which the development of a European political community is deemed to rest. In 1986 the commission of the European communities described the Audio-

r: Either a strengthening of exchanges within Europe and a deepening of community cooperation to promote the identity of our in all its diversity; or a surrender to powerful competitors and cultural models,

Through the historical case study of *Eurikon* and *Europa*, Collins explores several distinct but related themes: the impact of new communication technologies on broadcasting; the reciprocal shaping of broadcasting and cultural identity; the role and status of public service broadcasters; and the theoretical rationale for public service broadcasting.

Fostering a common European culture was a major imperative for European policy in the 1980s. But broadcasters were often less sanguine than politicians.

When the EB

Envisioned in the early 1980s, and the extension of Eurovision via a pan-European television channel, it stressed what divided the audiences in different countries and the difficulties of constructing a programme schedule attractive to a pan

European service

channels of the early 1980s. Suggests that the pan

taste and interests (their cultures) were s

nor contemporary commercial satellite television channels such as **SKY** channel and *supper channel* had sufficient viewers to be commercially viable. Not only did viewers generally prefer the services which were available in their languages and which tailored to their tastes and interests but the reception they gave the public service pan-European channels was a particularly frosty one.

Viewers' responses suggested that these channels were ill-suited to attracting and retaining viewers.

According to the author the aims and intentions of writing such a book was attempt to identify lessons, if lessons there be, from a recent moment in European broadcasting history, when the limits of Possible were tested

boundries was well understood in the early 1980s. It was widely assumed that the new communication technology of satellite television would fundamentally transnationalise European broacastng.

He concludes that one lesson that the unhappy exprienc of Eurikon and Europa has taught uneq European practices of programme and news exchanges were incomparably more effective than the creation of pan

European television works at the level of producer services, not at level of consumer services. Or, to put it another way: pan European television works at a wholesale but not a retail level. It would be tragic if this hard won lesson had to be learned again. Ironic that it may have to be, for m

be attributed to the lessons learned from its bold pan European ventures of the 1980s. It is unfortunate that so many of the lessons were, lessons about what not to do.

Pezhoohesh va Sanjesh
(Research and Deliberation)

Nos.30 - 31, Summer & Fall 2002, 9th year

Holder of Permission to Publish: Islamic Republic of Iran Broadcasting Organization

Managing Director: Alireza Pooya

Editor in Chief: Mohammad Hassan Sheikh Al Eslami

The Members of Scientific Council:Younes Shokrkah (PH.D.), Hesamaddin Ashena (PH.D.), Ali Asghar Eftekhari (PH.D.) & Esmaeel Biabangard (PH.D.).

Invited Members to Scientific Council: Madjid Malekitabar (PH.D.), Abdullah Nasri (PH.D.), Ahmad Mirabedini & Haji Sefidi.

Executive Manager: Azad Madjidi Saransari

Editor: Dr. Mahbod Ghaffari , Sima Zarisfi

Graphist: Mehran Mostofi

Abstracts in English: Seyed Morteza Mirhashemi

Paging & Type setting: Azam Lashgari Nejad

Lithography, print, binding: Soroosh

Address: General Office of Cooperation with Scientific Centers and Research Coordination, Central Building, Jame-Jam St.,Valiasr Ave. Tehran / Iran.

Tel: 2166456, 2013734, **Fax:** 2013734, **Email:** Managm@irib.com

Price:8000 Rials

Research and Planning Deputy Chief for

General Office of Cooperation with Scientific Centers and Research Coordination